



۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل العبادة وسيلة لنيل السعادة في الآخرة
والأولى والصلوة على سيد الورى محمد وعترته ائمة الهدى
اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما
بر الواح ارواح صافیه برادران ایمانی و اخلاء روحانی مینگارد
که چون جناب مقدس ایزدی تعالی شأنه برای هدایت گمگشتگان
بوادی جهالت و ضلالت طریق صوم و صلوة و دعا و عبادات که
اشرف و اقرب طرق نیل سعادات اند مقرر گردانیده و از حضرت رسول
خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین ادعیه و اعمال
بسیار منقول گردیده که کتب علما مشحونست بآنها و این خادم اخبار ائمه
اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار
ایراد نموده ام و اکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشغال دنیویه

و غیرها تحصیل آنها و عمل بجمیع آنها میسر نیست خواستم منتخبی از اعمال
سال و فضایل ایام و لیالی شریفه و اعمال آنها که باسانید معتبره صحیحه
وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه خلق از برکات آنها
محروم نباشند و شاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند و مسمی
گردانیدم آنرا بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا و ایاهم الی سبیل الرشاد
و چون اتمام این رساله و آغاز و انجام این عجاله در زمان دولت عدالت
ثمر و اوان سلطنت سعادت اثر اعلیحضرت سید سلاطین زمان و سرور
خواقین دوران شیرازه اوراق ملت و دین نظام اجداد سید المرسلین
آب و رنگ گلستان مصطفوی چشم و چراغ دودمان مرتضوی سلطان
جم خدم و خاقان فریشته حشم شجاعت نژادی که تیغ آبدارش برای سرهای
کفار نهریست بسوی دار البوار و حسام آتش بارش برای خرمن حیات مخالفان
و معاندان مصداق و یرسل علیکما شواظ من نار دستهای داعیان
مزید رفعت شان در آستان رفیع البنیان نشر اکف الخضیب همدستان
و خروش صوفیان صفوت نشان بزمزمه دعای خلود دولت ابد توامان
با عندلیبان اغصان سدرة المنتهی هم داستان هر که تیغ خلاف از
نیام کین برکشد چون بید بر خود بلرزد و هر که چهار آینه نفاق در بر
کشید صورت مراد خود را در آن دید گره جبین قهرش عقده گشای
گرهای کار بستگان گشاده کف دریا نوالش سحاب مزارع املهای
پژمردگان موسس قواعد ملت و دین مروج شریعت آبای طاهرین حیاض
ساحت درگاه خلایق پناهش از تقبیل شفاه سلاطین زمان لبریز و
خواقین دوران در صرح ممرد عزت و جلالش ترزبان بندای قدمتنا

الفضل ایها العزیز اعنی السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم ملجا الاکاسرة
وملاذ القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغرا و مشید قواعد الملة البیضا
السلطان ابن السلطان والخاقان ابن الخاقان الشاه سلطان الحسین الموسوی
الصفوی بهادرخان لازالت رایت دولته مرفوعة و هامات اعدائه مقموعة
میسر گردید بتحفه آن بارگاه خلایق امیدگاه گردانید امید که مقبول طبع
اشرف گردد و آن اعلیحضرت از فواید آن منتفع گردند بمحمد و آله الطاهرین والله
الموفق والمعین و آن مشتملست بر چهارده باب و خاتمه **باب اول** در بیان
فضایل و اعمال ماه مبارک رجبست و آن مشتمل بر پنج فصل است **فصل اول**
در بیان فضایل این ماه و عبادات آنست بدانکه این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان
بهترین ماههای سالند و از حضرت رسالت پناه منقولست که هر که حرمت ماه رجب
و شعبان نگاه دارد و وصل کند روزه آن با روزه ماه مبارک رمضان این ماههای
مبارک در قیامت گواهان او باشند نزد حق تعالی و در آن روز منادی از فوق عرش
ندا کند که ای رجب و شعبان و رمضان چگونه بوده است عمل این بنده در شما و
طاعت او برای خدا همه آن ماهها گویند که این بنده توشه گرفت در ما از برای
طاعت تو و استمداد فضل و رحمت از تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی
تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی دهند ملائکه که موکلند
بر این ماهها که ما نیافتیم این بنده را مگر طلب کننده طاعت و خوشنودی تو و
امیدوار رحمت و آمرزش تو بود و آنچه را نهی کرده بودی ترک کرد و آنچه از او طلبیده
بودی بسوی آنها مسارعت نمود و روزه کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و
گوش و چشم و سایر جوارح او از آنچه نهی و حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها را
با تشنگی بشب رسانید و شبها خود را بتعب انداخت برای بندگی تو و تفضل و

بفقرا

بفقرا و مساکین بسیار داد و احسان بسیار نسبت ببندگان تو نمود و با این ماهها
مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن آنها پیرامون
محرمات تو نگردید و نیکو بنده بود این بنده پس حق تعالی فرماید که ببرید این بنده مرا
بسوی بهشت و استقبال کنند او را ملائکه خدا بتحفهها و کرامتها و او را بر شتران
و اسبان نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانهٔ که فانی
نمیشود و سرائی که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی او زوال ندارد و هرگز
او را تعب نمیباشد و از عذاب ایمن میگردند و مشقت حساب از برای ایشان نیست
و ایضا از آنحضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت
و فضیلت بآن نمیرسد و قتال در این ماه حرام است و رجب ماه خداست و شعبان
ماه منست و رمضان ماه امت منست کسیکه یکروز از ماه رجب را روزه دارد
مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد و غضب الهی از آن دور گردد و دری از
درهای جهنم بر روی آن بسته گردد و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
منقولست که هر که یکروز از ماه رجب روزه دارد آتش جهنم یکسال راه از آن دور
شود و هر که سه روز روزه دارد بهشت از برای او واجب گردد و ایضا فرمود که
رجب نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرینتر هر که یکروز از رجب
روزه دارد البته از آن آب بیاشامد و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست
که حضرت رسول فرمود که ماه رجب ماه استغفار امت منست بسیار در این ماه
طلب آمرزش کنید و خدا آمرزنده و مهربانست و رجب را اصب میگویند زیرا
که رحمت خدا در این ماه بر امت بسیار ریخته میشود پس بسیار بگویید
استغفر الله واسئله التوبة و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که
آمرزش میخواهم از خدا و سؤال میکنم از او بازگشت سه روز از ماه رجب روزه بدارد هر روز
ثواب روزه یکساله از برای آن بنویسند و هر که هفت روز از آن روزه دارد

هفت در جهنم بر روی او بسته گردد و هر که هشت روز از او روزه دارد هشت در
بهشت بر روی او گشوده شود و هر که پانزده روز از او روزه بگیرد خدا حساب او را
آسان بکند و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد خدا خوشنودی خود را از برای او
بنویسد و هر که خدا خوشنودی خود را از برای او بنویسد هرگز او را عذاب نکند
و ابن بابویه بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت
صادق ع در اواخر ماه رجب که چند روز از او مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت
بر من افتاد پرسید آیا روزه گرفته در این ماه گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا
فرمود که آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آن را بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستی
که این ماهیست که خدا او را بر ماههای دیگر فضیلت داده است و حرمت آن را عظیم
گردانیده است و برای روزه داشتن او گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده است
پس گفتم یا ابن رسول الله اگر در باقی مانده این ماه روزه بدارم آیا ببعضی از ثواب روزه
داران فایض میگردم فرمود که ای سالم هر که یک روز از آخر این ماه روزه بدارد خدا
او را ایمن گرداند از شدت سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب بعد از مرگ
و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر این ماه روزه بدارد بر صراط آسان بگذرد و هر که
سه روز از آخر این ماه روزه بدارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و شدتها
و هولهای آن روز و برات بیزاری از آتش جهنم را باو عطا کنند و از حضرت امیر المؤمنین ع
روایت کرده است که هر که یک روز از اول ماه رجب یا از وسط یا از آخر این ماه روزه
بدارد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و هر که سه روز از اول یا از وسط یا از آخر
ماه رجب روزه بدارد گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و هر که یک شب
از این ماه احیا کند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفاعت او را
در هفتاد مرد گناهکار و هر که تصدقی از برای خدا کند خداوند غفار در بهشت

با و نعمتی عطا فرماید که چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور
نکرده باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که چون روز قیامت
شود منادی از میان عرش ندا کند که کجایند رجبیان پس گروهی برخیزند که نور رویهای
ایشان جمیع محشر را روشن کرده اند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد
بمروارید و یاقوت و با هر یک از ایشان دو هزار ملک بوده باشد از جانب راست و چپ
و همه او را ندا کنند که گوارا باد ترا کرامتهای حق تعالی ای بنده خدا پس خداوند رحمن
ندا کند ایشان را که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که
شما را در ماوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از
بهشت غرفها که نهرها در زیر آنها جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشید و نیکو
مزدیست مزد کارکنان از برای من بی آنکه بر شما واجب گردانم روزه داشتید از برای
من در ماهی که حرمت آن را عظیم گردانیده بودم و حق آن را واجب ساخته بودم ای ملئکه
من ببرید بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که این همه ثوابها
برای کسی است که چیزی از ماه مبارک رجب را روزه دارد اگرچه یک روز باشد از اول
یا از میانش یا از آخرش و بسند معتبر از حضرت امام رضا ع روایت کرده است که هر که
روز اول ماه رجب را روزه دارد حق تعالی در قیامت از او خوشنود گردد و هر که
دو روز از آن را روزه دارد خدا بغایت از او خوشنود گردد و از او راضی شود و آن را
خوشنود گرداند و هر که سه روز از آن را روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد
و خصمان او را از او راضی گرداند در قیامت و هر که هفت روز از آن را روزه دارد
چون بمیرد درهای هفت آسمان برای روح او گشوده شود تا بملکوت اعلی برسد
و هر که هشت روز از آن را روزه دارد هشت در بهشت بر روی او گشوده شود و هر که
پانزده روز از آن را روزه دارد هر حاجت که از حق تعالی بطلبد برآورد مگر آنکه

سئوال او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد
از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد
گردد و داخل بهشت شود با برگزیدگان و نیکوکاران و احادیث در این باب
بسیار است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد **فصل دویم** در بیان اعمالیست
که کسی که از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعوض آن بعمل آورد و در بعضی
از روایات معتبره وارد شده است که بدل روزه سنت یک درهم تصدق کند
که موافق درهمهای این زمانها تقریبا هفتاد دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض
روزه یک مد گندم یا جو وارد شده است و احوط در مد تصدق درم شاهست و
ظاهرا صد درم کهنه کافی باشد و در روایتی در خصوص روزه ماه مبارک رجب
بدل کرده نان نیز وارد شده است اگر قادر بر روزه نباشد و حمل کرده اند بر کسی که
پریشان باشد و قادر بر درهم و مد نباشد و ایضا در خصوص روزه ماه رجب
از حضرت رسول وارد شده است که بعوض روزه سنت اگر قادر بر آن نباشد هر روز
صد مرتبه این تسبیح را بخواند سُبْحَانَ الْإِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي
تا ثواب روزه بیابد پاکا خدای بزرگ پاکا کسی که نمیسزد
التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ
پاکی یاد کردن مگر برای او پاکا ارجمند تر بزرگتر پاکا کسی که بهمتائی را پوشید و او مر او را سزاوار است
و در روایات معتبره وارد شده است که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود
و قصد روزه سنت کرده باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب
افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است هفتاد برابر و اگر اظهار نکند
که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکسال روزه است و زن را روزه سنت داشتن
بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر و مادر
و مهمان را بی رخصت مهماندار و مهماندار بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود

که خوب

که خوب نیست و مشهور میان علما آنست که روزه سنت مملوک بدون اذن
مالک باطلست و همچنین روزه سنت زن بدون رخصت شوهر صحیح نیست
و در پدر و مادر مشهور آنست که روزه سنت فرزند بدون اذن ایشان مکروه است
و باطل نیست و بعضی گفته اند که بی رخصت پدر باطلست و احوط آنست که بی اذن
پدر و مادر روزه سنت ندارد و در روزه سنت مهمان بدون از رخصت
مهماندار نیز خلافست و احوط آنست که مهمان و مهماندار بی رخصت دیگری روزه
مستحب ندارند اگرچه اظهر آنست که مکروه است **فصل سیم** در بیان اعمال هر شب
و هر روز آنست بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین در روز اول ماه
رجب این دعا را خواندند و علما ذکر کرده اند که در هر روز سنتست خواندن
يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ
ای که خداوند میشنود نیازها خواهان کار را و میداند در دل خاموشان را برای هر خواستنی از تو شنیدنی
حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ اَللّٰهُمَّ وَمَوَاعِيدُكَ الصَّادِقَةُ وَأَيَادِيكَ الْفَاضِلَةُ
و مهیائی و پاسخی آماده بارخدایا و نویدهای تست راست و دهشهای تست افزون
وَرَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ
و بخشایش تست فراخ پس میخواهم از تو اینکه درود دهی بر محمد و آل محمد و اینکه برآری
حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بسند معتبر منقولست که حضرت
امهای مرا برای دنیا و آخرت بدرستی که تو بر هر چیز توانائی صادق در هر روز ماه رجب
این دعا خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَضَاعَ
میخواندند بی بهره و بی روزی ماندند بجز تو و زیانکار شدند پیش آیندگان مگر برای تو و ناچیز شدند
الْمُلِمُّونَ إِلَّا بِكَ وَأَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ إِلَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَكَ بَابُكَ مَفْتُوحٌ
فرود آیندگان مگر بتو و بی بر شدند نیکی جویندگان مگر کسی که رجت بخشش ترا درگاه تو بازگشاده است
لِلرَّاغِبِينَ وَخَيْرُكَ مَبْذُولٌ لِلطَّالِبِينَ وَفَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ وَ
از برای خواهشگران و نیکی تو بخشیده شده است از برای جویندگان و بخشش تو روا کرده شده برای درخواست کنان
نَيْلُكَ مُتَاحٌ لِلْآمِلِينَ وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ
تقدیر کرده شده است از برای امیدواران و روزی تو گسترده است از برای کسی که نافرمانی کرد ترا و بردباری تو در آینده است

لِمَنْ نَاوَاكَ عَادَتُكَ الْاِحْسَانُ اِلَى الْمُسِيئِينَ وَسَبِيلُكَ الْاِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ
از برای کسی که دشمنی کند با تو شیوه تو نیکوئی کردنست بسوی بدکاران وراه تو نگهداری و مهربانی کردنست بر ستمکاران
اَللّٰهُمَّ فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَارْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَلَا تَجْعَلْنِي
خداوندا راه نما مرا راه راه یافتگان و روزی کن مرا کوشش کوشندگان و مگردان مرا
مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ وَاغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ وایضاً بسند معتبر منقولست
از ناآگاهان دور افتادگان و بیامرز مرا روز رستخیز
که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت
صادق عرض کرد که فدای تو شوم اینماه رجبست مرا دعائی تعلیم نما که حق تعالی
مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز ماه رجب در صبح و پسین و بعد از
همه نمازها در شب و روز يَا مَنْ اَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَآمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ
این دعا را بخوان
ای کسی که امید میدارم او را از برای هر نیکی و ایمن میباشم از ناخوشنودی او نزد هر بدی
يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ
ای کسی که میدهی بسیار را با اندک ای کسی که میدهد کسی را که بخواهد از او ای کسی که میدهد کسی را که نخواسته است
وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً اَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي اِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا
و کسی که نشناخته او را از راه مهربانی او و بخشودن بده مرا بخواستن من ترا همه نیکی دنیا
وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي اِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَجَمِيعَ شَرِّ
و همه نیکی آخرت و بگردان از من بخواستن من از تو همه بدی دنیا و همه بدی
الْآخِرَةِ فَاِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا اَعْطَيْتَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمُ پس
آخرت را پس بدرستیکه کم نیست آنچه داده تو و بیفزا برای من از بخشش خود ای کرم کننده
حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفت و انگشت سبابه دست راست خود را
بجانب راست و چپ حرکت يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا ذَا النَّعْمَاءِ وَالْجُودِ يَا ذَا
میداد و این دعا را خواند ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای خداوند نعمت و بخشش ای خداوند
الْمَنِّ وَالطَّوْلِ حَرِّمْ شَيْبَتِي عَلَى النَّارِ و دست بر نداشتند تا از آب دیده ایش
بردادن و توانگری حرام گردان موی سفید مرا بر آتش
تر شد و شیخ طوسی بسند معتبر روایت
کرده است که حضرت صادق بمعلی بن خنیس اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ
گفت که در ماه رجب این دعا را بخوان
بارخدایا بدرستیکه من میخواهم از تو شکیبائی را
لَكَ وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَيَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
از برای تو و کردار ترسندگان از تو و بیگمان پرستندگان برای تو بارخدایا توئی بلند پایه بزرگوار

وانا

وَاَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَاَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ
و منم بنده تو سختی رسیده بی چیز و توئی بی نیاز ستوده و منم بنده تو خوار
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَامْنُنْ بِغِنَاكَ عَلَى فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلَى
بارخدایا درود ده بر محمد و آل محمد و برداشت کن بی نیازیت بر بی چیزی من و ببردباریت بر
جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
نادانی من و به نیرویت بر سستی من ای توانا ای زبردست بارخدایا درود ده بر محمد و آل او
الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
سفارش کرده گان پسندیدگان و کفایت کن مرا آنچه باندیشه افکنده مرا از کار دنیا و آخرت ای بخشاینده ترین بخشندگان
و از روایت سید ابن طاوس ظاهر میشود که این دعا جامع ترین همه دعاهاست و
در همه اوقات میتوان خواند و شیخ طوسی و سید ابن طاوس و دیگران بسندهای معتبر
از حضرت صادق روایت کرده اند که سنتست که در هر روز از روزهای ماه مبارک
رجب این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي
بارخدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بسر آن دو زاده شده در رجب محمد پسر علی دوم که امام
وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَاَتَقَرَّبُ بِهِمَا اِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ يَا مَنْ اِلَيْهِ
و پسر او علی پسر محمد که برگزیده است و نزدیکی میجویم بهر دو بسوی تو بهترین نزدیکیها ای کسی که بسوی
الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ اَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ اَوْبَقَتْهُ
نیکی جسته شده است و در آنچه نزد اوست رغبت کرده میخواهم از تو خواستن اندوزنده گناهکاری که هلاک کرده
ذُنُوبُهُ وَاَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُءُوبُهُ وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ
گناهانش و استوار بسته او را عیبهایش پس دراز شد بر گناهان رنج کشیدنش و از ناخوشیها کارهای بزرگش
يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النَّارِ فَكَاكَ
میخواهم از تو بازگردیدن و خوبی بازگشتن و بازگردیدن از گناه بزرگ و از آتش آزاد کردن
رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ فَاَنْتَ مَوْلَايَ اَعْظَمُ اَمَلِهِ وَثِقَتِهِ اَللّٰهُمَّ
گردنش را و درگذشتن آنچه در بندهاست پس توای خداوند من بزرگترین امید او و استواری او بارخدایا
وَاَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ اَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هٰذَا
و میخواهم از تو بپرسیدنهای بزرگوارت و دستاویزهای بلندت آنکه بپوشانی مرا در این
الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ اِلَى
ماه به بخشایش فراخ از خودت و نعمت بازدارنده از بدیها و نفسی با آنچه روزی کرده خورسند تا

وَآلِهِ
وال او

نزول الخوف ومحل الآخرة وما هي الیه صائرة واز حضرت رسول منقولست
آمدن بگور ورسیدنگاه آخرت وانچه آدمی بسوی آن باز گشت کننده است
که در جمیع ماه رجب هر بامداد
ولسین هفتاد استغفر الله واتوب الیه پس دستها را بسوی اللهم اغفر لی
مرتبه بگوید آمرزش میخواهم از خدا وباز میگردم بسوی او آسمان بردارد وبگوید خداوندا بیامرز مرا
وتب علیّ واین استغفار در جمیع ایام سال سنتست وهزار مرتبه سورهٔ
وبازگرد [illegible]
قل هو الله احد در جمیع این ماه خواندن ثواب بسیار دارد اگر خواهد دیگر روز
بخواند واگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد
وایضا منقولست که هر کس هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید در جمیع ماه صد هزار
حسنه برای او نوشته شود وحق تعالی در بهشت شهری از برای او بنا کند و
هر شب از شبهای ماه رجب هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است وصد مرتبه
این استغفار نیز منقولست ودر جمیع ماه اگر چهارصد مرتبه بخواند فضیلتش بسیارست
استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریک له واتوب الیه واز
آمرزش میخواهم از خدائی که نیست خدائی مگر او تنها که نیست انبازی مر او را وباز میگردم بسوی او
حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول فرمود که هر که در هر شب وهر روز
ماه رجب وماه شعبان وماه رمضان سه مرتبه سورهٔ حمد وآیة الکرسی وقل یا
ایها الکافرون وتوحید ومعوذتین سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
بخواند وسه مرتبه بگوید پاکا خدا وستایش مر خدا را ونیست خدائی مگر خدا وخدا
اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وسه مرتبه اللهم صل علی محمد
بزرگترست ونیست هیچ گردیدنی ونیرو مگر بخدای بلند پایهٔ بزرگ بگوید بارخدایا درود ده بر محمد
وآل محمد وسه مرتبه اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات وچهارصد استغفر
وآل محمد بگوید خداوندا بیامرز مردان گرونده وزنان گرونده را مرتبه بگوید آمرزش میخواهم
الله واتوب الیه گناهانش را خدا بیامرزد اگرچه بعدد قطرهای باران وبرگ
از خدا وباز میگردم بسوی او
درختان وکف دریاها باشد ودر روز عید حق تعالی ندا کند که براستی تو
دوست منی وهر حرفی ترا شفاعتی میدهم در برادران مؤمن وخواهران مؤمنهٔ تو

وحضرت

وحضرت فرمود اگر در عمری یکبار این را بعمل آورد حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه
باو عطا کند که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگین تر باشد وهفتصد حاجت
او را در وقت مردن وهفتصد حاجت او را در قبر وهفتصد حاجت او را در وقت
بیرون آمدن از قبر ومثل آن را در وقت پرواز کردن نامهای اعمال ونزد سنجیدن
اعمال در میزان ونزد صراط بر آورد واو را در سایهٔ عرش خود جای دهد وحساب
کند او را حساب آسان وهفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت
شود وباو عطا کند آنچه هیچ چشمی ندیده باشد وگوشی نشنیده باشد فصل
چهارم در بیان فضایل واعمال شب وروز اول تا روز پانزدهم در شب اول ماه
غسل سنتست ومنقولست که هر که در شب اول ماه رجب وشب پانزدهم وشب
آخر آن غسل کند از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است
ودر وقت دیدن ماه دعای صحیفهٔ کامله را بخواند که بهترین دعاهاست وهفت
مرتبه سورهٔ حمد را بخواند تا از درد چشم ایمن گردد ودر هر ماهی این سنتست
ومنقولست که چون ماه اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة
نو ببیند این دعا را بخواند بار خدایا برآور ماه را بر ما با ایمنی وایمن گردانیدن وگردن نهادن
والاسلام ربی وربک الله عز وجل ودر شب اول وروز اول زیارت
ورهانیدن پروردگار من وتو خدا است ارجمند وبزرگ حضرت امام حسین ع فضیلت بسیار
دارد ودر حدیث معتبر وارد شده است که هر که در اول رجب آنحضرت را زیارت
کند بهشت براو واجب شود البته واحیای شب اول سنتست واز حضرت
صادق ع منقولست که تا توانی محافظت نما بر احیای شب عید ماه مبارک رمضان
وشب عید قربان وشب اول محرم وشب عاشورا وشب اول رجب وشب
نیمهٔ شعبان ودر این شبها دعا ونماز وتلاوت قرآن بسیار بکن وبسند معتبر
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا

بخوان اللهم انی اسألک بانک ملیک وانک علی کل شیء مقتدر وانک
بارخدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بانکه تو پادشاهی وانکه تو بر هر چیز توانائی وانکه تو
ما تشاء من امر یکون اللهم انی اتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمة صلواتک
آنچه میخواهی از کاری میشود بارخدایا بدرستیکه من روی میآورم بسوی تو به پیغمبر تو محمد پیغمبر بخشایش درودهای تو
علیه واله یا محمد یا رسول الله انی اتوجه الی الله ربی وربک لینجح بک
بر او و بر خاندانش ای محمد ای فرستاده خدا بدرستیکه روی میآورم بسوی خدا پروردگار من و تو تا بر آرد بسبب تو
طلبتی اللهم بنبیک محمد وبالائمة من اهل بیته انجح طلبتی لیس
خواسته مرا بارخدایا بسبب پیغمبر تو محمد و بپیشوایان از مردم خانه اش بر آور خواسته مرا حاجات
خود را طلب نماید و بیست رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند تا از بلاهای دنیا و عذاب
آخرت ایمن گردد و شیخ و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام موسی
در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب لک المحمدة ان اطعتک ولک
فارغ میشدند باین دعا در سجده میخواندند مر تراست ستایش اگر فرمان برم ترا و مر ترا
الحجة ان عصیتک لا صنع لی ولا لغیری فی احسان الا بک یا کائنا قبل
حجت اگر نافرمانی کنم ترا نیست کاری برای من و نه دیگری جز من در نیکی کردن مگر بهستی تو ای بوده پیش
کل شیء ویا مکون کل شیء انک علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک
از هر چیز و ای بود کرداننده هر چیز بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی بارخدایا بدرستیکه من پناه میبرم بتو
من العدیلة عند الموت ومن شر المرجع فی القبور ومن الندامة یوم
از گردیدن ایمان نزد مرگ و از بدی بازگشت در گورها و از پشیمانی روز
الازفة فاسألک ان تصلی علی محمد واله وان تجعل عیشی عیشة نقیة
رستخیز پس میخواهم از تو که درود دهی بر محمد و آل او و آنکه بگردانی زندگانی مرا زندگانی پاکیزه
ومیتتی میتة سویة ومنقلبی منقلبا کریما غیر مخز ولا فاضح اللهم صل
و مردن مرا مردنی هموار و بازگشت مرا بازگشتی گرامی نه خوار کننده و نه رسوا بارخدایا درود ده
علی محمد واله الائمة ینابیع الحکمة واولی النعمة ومعادن العصمة
بر محمد و خاندانش و پیشوایانی که چشمهای دانشند و خداوندان نعمت و کانهای عصمت
واعصمنی بهم من کل سوء ولا تأخذنی علی غرة ولا علی غفلة ولا تجعل
و نگاه دار مرا بایشان از هر بدی و مگیر مرا بناگاهی و بی خبری و مگردان

عواقب

عواقب اعمالی حسرة وارض عنی فان مغفرتک للظالمین وانا من الظالمین
فرجامهای کردار مرا ارمان و حسرت و خشنود باش از من پس بدرستیکه آمرزش تو برای ستمکارانست و من از ستمکارانم
اللهم اغفر لی ما لا یضرک واعطنی ما لا ینقصک فانک الوسیع
بارخدایا بیامرز برای من آنچه زیان نمیرساند ترا و بده بمن آنچه کم نمیکند ترا پس بدرستیکه تو فراخ
رحمته البدیع حکمته واعطنی السعة والدعة والامن والصحة والبخوع
بخشایش نو پدید آرنده دانش او و بده بمن فراخی را و آسودگی را و ایمنی را و تندرستی را و فروتنی را
والقنوع والشکر والمعافاة والتقوی والصبر والصدق علیک وعلی
و قناعت را و سپاس را و عافیت را و پرهیزکاری را و شکیبائی را و راستی را بر تو و بر
اولیائک والیسر والشکر واعمم بذلک یا رب اهلی وولدی واخوانی
دوستانت و آسانی را و سپاس را و فراگیر بدین ای پروردگار من کسان مرا و فرزندان مرا و برادران مرا
فیک ومن احببت واحبنی وولدت وولدنی من المؤمنین والمؤمنات
در راه تو و کسی را که دوست داشتم و دوست داشت مرا و زادم و زاد مرا از گروندگان مردان و زنان
والمسلمین والمسلمات آمین رب العالمین وایضا بسند معتبر منقولست که
و گردن نهندگان مردان و زنان بر آور ای پروردگار جهانیان مستحبست که بعد از سلام گفتن
از نماز وتر چنانکه گذشت الحمد لله الذی لا تنفد خزائنه ولا یخاف آمنه
این دعا را بخوانند ستایش مر خدا راست که نیست نمیشود گنجهای او و نمیترسد ایمن ساخته او
رب ان ارتکبت المعاصی فذلک ثقة منی بکرمک انک تقبل التوبة
پروردگارا من اگر کردم نافرمانی را پس آن استواری است از من بکرم تو که تو می پذیری بازگشت را
عن عبادک وتعفو عن سیئاتهم وتغفر الزلل فانک مجیب لداعیک
از بندگانت و درمیگذری از بدی ایشان و می آمرزی لغزشها را پس بدرستیکه تو پاسخ دهنده مر خواننده
ومنه قریب فانا تائب الیک من الخطایا وراغب الیک فی توفیر حظی
و از او نزدیکی پس بازگردنده ام بسوی تو از گناهها و با خواهش بسوی تو در بهره من
من العطایا یا خالق البرایا یا منقذی من کل شدید یا مجیری من کل
از دهشها ای آفریننده مردمان ای رهاننده من از هر رنج سختی ای زنهار دهنده من از هر
محذور وفر علی السرور واکفنی شر عواقب الامور فانت الله علی نعمائک
پرهیز کرده شده بسیار کردان بر من شادمانی را و باز دار از من بدی انجام کارها را پس بدرستیکه تو خدائی بر نعمتها
وجزیل عطائک مشکور ولکل خیر مذخور وایضا از حضرت امام علی نقی
و دهش بزرگت سپاس داشته شده و از برای هر نیکی ذخیره شده منقولست که بعد از نماز وتر

ابتدعا اثیر یا نور النور یا مدبر الامور یا مجری البحور یا باعث من فی
بخواند ای روشن سازنده روشنائی ای سرانجام دهنده کارها ای روان کننده دریاها ای برانگیزاننده کسانی که در
القبور یا کهفی حین تعیینی المذاهب و کربتی حین تعجزنی المکاسب
قبرها ای پناه من هنگامی که درمانده سازد مرا راهها و مخرج من گاهی که ناتوان گرداند مرا کسبها
و مونسی حین تجفونی الاباعد و تملنی الاقارب و منزهی مجالسة
و همدم من گاهی که ستم کنند بر من بیگانگان و سیر آیند از من خویشان و دور گرداننده از من برای نشستن
اولیائه و مرافقة احبائه فی ریاضه و ساقی بموانسته من نمیر
با دارانش و همراهی با دوستانش در مرغزارش و آشامنده با آرام گرفتن با او از آب گوارا
حیاضه و رافعی بمجاورته من ورطة الذنوب الی ربوة التقریب و
حوضهایش و برفرازنده من بهمسایگیش از مغاک گناهان بسوی جایگاه بلند نزدیک گرداننده
مبدلی بولایته عزة العطایا من ذلة الخطایا اسألک یا مولای بالفجر
و گرداننده من برای دوستیش ارجمندی دهشها از خواری گناهها میخواهم از تو ای خداوند من بسپیده دم
واللیالی العشر و الشفع و الوتر و اللیل اذا یسر و بما جری به قلم
و شبهای ده گانه و جفت و تاق و شب هرگاه بگذرد و بآنچه روان شده بآن خامه
الاقلام بغیر کف و لا ابهام و باسمائک العظام و حججک علی جمیع الانام
خامها بی دستی و نه انگشت بزرگی و بنامهای بزرگ تو و گواهان تو بر همه مردمان
علیهم منک افضل السلام و بما استحفظتهم من اسمائک الکرام ان تصلی
بر ایشان از تو افزونتر درود و بآنچه بگذاشتی که نگاه دارند آن را ایشان از نامهای گرامی اینکه درود دهی
علیهم و ترحمنا فی شهرنا هذا و ما بعده من الشهور و الایام و ان تبلغنا
بر ایشان و ببخشی بر ما در ماه ما این و آنچه بعد از ماهها و روزها و اینکه برسانی ما را
شهر الصیام فی عامنا هذا و فی کل عام یا ذا الجلال و الاکرام و المنن
بماه روزه در این سال و در هر سال ای صاحب عظمت و بزرگواری و نعمتهای
الجسام و علی محمد و آله منا افضل السلام و اعمال و ادعیه این شب
بزرگ و بر محمد و آلش از ما فرستی افزونتر درود بسیار است و روزه روز
اول فضیلت بسیار دارد و از حضرت امام محمد باقر منقولست که در روز اول
رجب حضرت نوح بکشتی سوار شد و امر کرد جمیع جن و انس را که با او در کشتی بودند
که روزه بدارند و هر که آن روز را روزه بدارد آتش جهنم یکساله راه از او دور

شو

شود و از حضرت امام رضا منقولست که هر که روزه بدارد روز اول رجب را
از برای رغبت در ثواب خدا بهشت او را واجب شود و هر که یک روز از وسط
اینماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت او را قبول فرماید در دو قبیله ربیعه
و مضر که دو قبیله عظیم اند از قبایل عرب و هر که یک روز از آخر اینماه روزه
بدارد حق تعالی او را از پادشاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را
در پدر و مادر و دختر و پسر و خواهر و برادر و عمو و عمه و خالو و خاله او و جمیع
همسایگان و آشنایان او هرچند مستوجب جهنم شده باشند و شیخ طوسی
و دیگران از سلمان فارسی روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الاخر
رفتم بخدمت حضرت رسالت پناه حضرت فرمود ای سلمان تو از ما اهل بیتی لیکن
فرمود که هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و
در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و سه مرتبه
سوره قل یا ایها الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی را
که در کودکی و بزرگی کرده باشد خدا عطا کند باو ثواب کسی را که تمام آن ماه را
روزه گرفته باشد و تا سال آینده حق تعالی و را از نمازگذارندگان بنویسد
و در هر روز از آن ماه ثواب شهیدی از شهیدان بدر بنویسد و بهر روز که
روزه بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسد و هزار درجه در بهشت
برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه دارد خدا او را از آتش جهنم نجات دهد
و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را برای من آورد
و گفت یا محمد این علامتیست میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز را
نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود
که در روز اول ماه ده رکعت بجا می آوری یعنی هر دو رکعت بیک سلام

و در هر رکعت یکمرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و سه مرتبه
سورهٔ قل یا ایها الکافرون میخوانی و بعد از سلام دست بسوی آسمان بلند میکنی
و میگوئی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و
نیست خدائی مگر خدای تنها او انبازی نیست مر او را از برای اوست پادشاهی و از برای اوست ستایش زنده میکند
یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع
و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست بار خدایا بازدارنده نیست
لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجد منک الجد پس دستها
مر آنچه را دادی و نیست دهنده مر آنچه را بازداشتی و سود نمیدهد خداوند بخت از تو بخت توانگری بر روی
خود میکشی و در روز وسط ماه یعنی پانزدهم ده رکعت همان نحو بجا میآوری
و بعد از هر سلام دستها را بسوی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
آسمان بر میداری و میگوئی نیست خدائی مگر خدای تنها او انبازی نیست مر او را از برای اوست پادشاهی
وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
و از برای اوست ستایش زنده میکند و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست
الها واحدا احدا فردا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا پس دستها را بر
معبودی خدای یگانه یکی تنها سروری که فرا نگرفت زنی را و نه فرزندی را روی خود میکشی
و در روز آخر ماه پانزده رکعت همان نحو میکنی و بعد از هر سلام دست بر میداری
و میگوئی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و
نیست خدائی مگر خدای تنها او انبازی نیست مر او را از برای اوست پادشاهی و از برای اوست ستایش زنده میکند
یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر وصلی الله
و میمیراند و اوست زنده که نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست و درود دهاد خدا
علی محمد واله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس
بر محمد و خاندان پاکان او و نیست گشتنی و نه نیروئی مگر بخدای بلند بزرگوار
دستها را بر روی خود مال و حاجت خود را طلب که البته بر آورده است
و حق تعالی میان تو و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی بقدر
ما بین آسمان و زمین بوده باشد و بعدد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت در
نامهٔ عمل تو مینویسند و منقولست که هر که در روز جمعهٔ ماه رجب صد مرتبه

سورهٔ

سورهٔ توحید بخواند حق تعالی در قیامت باو نوری عطا کند که بان نور داخل
بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
در روز جمعهٔ اول ماه رجب متولد شده است و موجب زیادتی و شرف این روز
گردیده و در روایتی وارد شده است که ولادت حضرت امام علی نقی در روز
دوم ماه رجب واقع شده است و بروایت دیگر در روز سیم ماه رجب واقع شده
و بروایت ابرهیم بن هاشم وفات آنحضرت در روز سیم واقع شده و ابن عیاش گفته است
که ولادت آنحضرت در روز پنجم این ماه واقع شده است و ولادت امام محمد تقی علیه السلام در
دهم این ماه واقع شده و بعضی از روایات در فضیلت خصوص دهم وارد
شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث معتبره وارد شده است
یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که حق تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که باحدی از
امتهای دیگر نداده است ماه رجب و شعبان و رمضان و سه شب باین امت
داده است که بامتهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم
و سه سوره باین امت داده است که مثل آنها را بامتهای پیش نداده است سورهٔ
یس و سورهٔ تبارک الذی بیده الملک و سورهٔ توحید پس هر که جمع کند میان
این سه فضیلت جمیع فضایل این امت را جمع کرده خواهد بود پس پرسیدند
که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز
بگذارد و در هر رکعتی بعد از سورهٔ حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم
چهار رکعت بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را
بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت
بعد از حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد

وجمیع گناهانش آمرزیده شود بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق منقولست که
هر که ایام البیض ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی بهر روزی عبادت یکساله
و روزه یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را در محل ایمنان بدارد
که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور آنست که ولادت با سعادت حضرت
امیر المؤمنین ع در میان کعبهٔ معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود دوازده
سال قبل از مبعوث شدن حضرت رسول و علی بن ابرهیم گفته است که ولادت
حضرت امام علی نقی نیز در روز سیزدهم ماه رجب بود در سال دویست و چهارم
از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در آن سنتست و احیای
آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول منقولست که در شب نیمهٔ
رجب حق تعالی امر میکند ملئکه را که هر گناهی که در دیوان اعمال مؤمنان باشد
محو کند و ایضاً از آنحضرت منقولست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
رجب را روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت شود از دنیا بیرون نرود مگر
با توبهٔ نصوح و بهر روز که روزه داشته باشد هفتاد گناه کبیرهٔ او آمرزیده شود
و هفتاد حاجت او بر آورده شود در وقتیکه از قبر بیرون می آید و نزد میزان و نزد
صراط و چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت
او را قبول کند در هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان او که مستحق جهنم شده باشند
و حق تعالی بنا کند از برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر و در هر شهری هفتاد
هزار قصر و در هر قصری هفتاد هزار حوریه بوده باشد و هر حوریه هفتاد هزار
خادم داشته باشد و شیخ طوسی بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است
که در شب نصف رجب دوازده رکعت نماز بجا می آوری یعنی بشش سلام با حمد
و هر سوره که خواهی و چون فارغ شوی هر یک از سورهٔ حمد و توحید و معوذتین را

وآیة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
پس چهار مرتبه میگوئی پاکا خدا و ستایش مر خدا را و نیست خدائی مگر خدا
وَاللهُ اَکْبَرُ پس میگوئی اَللهُ اَللهُ رَبِّی لَا اُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً وَمَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ
و خدا بزرگتر است خدا خدا پروردگار منست انباز نمیگیرم با وی چیزی را و آنچه خدا خواست شد نیست قوه
اِلَّا بِاللهِ و در شب و روز زیارت حضرت امام حسین ع سنت مؤکد است و بسند
مگر بخدا
صحیح از ابن ابی نصر منقولست که از حضرت امام رضا سؤال نمودم که زیارت حضرت
امام حسین ع در کدام وقت بهتر است فرمود که در نیمهٔ رجب و نیمهٔ شعبان و در روز
پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که حضرت امیر در این روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود
و این دعا را خواند پس فرمود که هر که غمی و شدتی مبتلا شود این دعا را بخواند البته
کرب و شدت از او زایل میکردد و این چهار رکعت را بدو سلام اَللّٰهُمَّ یَا مُذِلَّ کُلِّ
و هر سوره که میخواهد بخواند و دعا اینست بار خدایا ای خوار کنندهٔ هر
جَبَّارٍ وَ مُعِزَّ الْمُؤْمِنِینَ اَنْتَ کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ وَاَنْتَ بَارِئُ
ستمکار و ارجمند سازندهٔ گروندگان توئی پناه من هنگامی که مانده میکنند راهها و توئی بدید آرندهٔ
خَلْقِی رَحْمَةً بِی وَقَدْ کُنْتَ عَنْ خَلْقِی غَنِیّاً وَلَوْلَا رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ مِنَ الْهَالِکِینَ
آفرینش من از بخشودن تو بمن و بتحقیق که بودی از آفرینش من بی نیاز و اگر نه بخشودن تو میبود هر اینه بودم از هلاک شدگان
وَاَنْتَ مُؤَیِّدِی بِالنَّصْرِ عَلٰی اَعْدَائِی وَلَوْلَا نَصْرُکَ اِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ
و توئی نیرو دهنده من بیاری من بر دشمنان من و اگر نه یاری دادن تو بود مرا و بس هر اینه میبودم من از رسوایان
یَا مُرْسِلَ الرِّیَاحِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَکَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا یَا مَنْ خَصَّ بِالـ
ای فرستندهٔ بادها از کانهاش و پدید آرندهٔ افزونی از جاهاش ای مخصوص شد
شُمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِیَاؤُهُ بِعِزِّهِ یَتَعَزَّزُونَ یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ
بزرگواری و بلندی پس دوستان او بارجمندیش ارجمند میشوند ای کسی که نهادند از برای او پادشاهان
نِیرَ الْمَذَلَّةِ عَلٰی اَعْنَاقِهِمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ اَسْئَلُکَ بِکَیْنُونِیَّتِکَ الَّتِی
یوغ خوار شدن را بر گردنهاشان از جمله بردنهای آن ترسکانند میخواهم از تو ببودن تو که
اشْتَقَقْتَهَا مِنْ کِبْرِیَائِکَ وَاَسْئَلُکَ بِکِبْرِیَائِکَ الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِکَ
بیرون آوردهٔ آنرا از بزرگواریت و میخواهم از تو ببزرگواری تو که بیرون آوردهٔ آنرا از ارجمندیت

الرحمن بخشودن

وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ

و میخواهم از تو بآن عزتی که دست یافتی بآن بر عرشت پس آفریدی بآن همه آفریدگانت

فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ پس حاجات خود را از

پس ایشان مر ترا فرمان برندگانند آنکه درود دهی بر محمد و مردم خانه اش حق تعالی طلب نماید

وبدانکه عمدهٔ اعمال نصف رجب دعای ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید ابن طاوس به سندهای معتبر روایت کرده‌اند و برای بر آمدن حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجربست و مجمل روایات آنست که فاطمه مادر داود ابن الحسن پسر زادهٔ مجتبی دایهٔ حضرت صادق بود و پستان داود آنحضرت را شیر داده بود چون محمد ابن عبد الله ابن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانیقی لشکر فرستاد و او را کشتند و ابرهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبد الله بن الحسن و بعضی از سادات حسنی را با غل و زنجیر از مدینه بعراق بردند و او نیز در میان آنها بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزند من گذشت و از او خبری بمن نرسید و پیوسته دعا و تضرع میکردم و از صلحا و نیکان و از برادران مؤمن استدعای دعا مینمودم و ایشان تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر اجابت نمی یافتم و گاهی خبر بمن میرسید که داود را کشتند و گاه میگفتند که او را با پسران عم او زنده در زیر عمارت گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیمتر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداخته و پیر شدم و از ملاقات او نا امید گردیدم تا آنکه روزی شنیدم که حضرت صادق را علتی عارض شده است بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال گرفتم و دعا کردم خواستم که برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود را بآنحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجاست و در عراق محبوس است و من از ملاقات او قطع امید کرده‌ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید که برادر رضاعی شماست حضرت

فرمود

فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح و آن دعائیست که درهای آسمان برای او گشوده میشود و ملئکه استقبال میکنند خواننده او را و بشارت باجابت میدهند و آن دعائیست که از مجیب الدعوات محجوب نمیگردد و خواننده او را ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود گفت ای فرزند طاهرین و راستگویان چگونه است آن دعا حضرت فرمود که ای مادر داود ماه محرم یعنی ماه رجب نزدیک شده است و آن ماهیست مبارک و حرمت آن عظیم است و دعاها در آن مستجابست چون ایام ماه در آید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آنرا که ایام البیض اند روزه بدار پس حضرت کیفیت آن عمل را تعلیم او نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهر کس تعلیم مکن که میترسم بدست کسی افتد که از برای امر باطلی و نامشروعی این دعا را بخواند بدرستیکه این دعا بسیار شریفست و مشتملست بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته برآورده است و اگر درهای زمین و آسمان همه بسته شود و دریاها حایل باشند میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته حق تعالی آسان میگرداند رسیدن ترا بمطلب تو و حاجت ترا بر می آورد و هر که این دعا را بخواند خدا مستجاب میگرداند خواه مرد و خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن فرزند تو باشند خداوند قادر کفایت شر ایشان میکند و زبان ایشان را می بندد و ایشان را منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت که حضرت این دعا را برای من نوشت و بخانه برگشتم چون ماه رجب داخل شد آنچه حضرت فرموده بود بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار نمودم و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملئکه و پیغمبران و شهدا و عباد را که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول مرا خطاب کرد که ای مادر داود بشارت باد ترا که اینجماعت که می بینی همه برادران و شفیعان و یاوران تواند و از برای تو طلب آمرزش میکنند و بشارت میدهند ترا

بانکه حاجت تو بر آورده است پس بشارت باد ترا بامرزش خدا و خوشنودی خدا و خدا
ترا جزای خیر دهد شاد باش که حق تعالی فرزند ترا حفظ میکند و بتو بر میگرداند ان شاء الله
ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن باندک زمانی که سوار شود روی
از عراق بمدینه آید داود بنزد من آمد و گفت ای مادر من در عراق در زندان بسیار
تنگی و سنگینی بند و زنجیر بودم و نا امید بودم از خلاص شدن چون نصف شب
رجب شد در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد و ترا دیدم که بر روی حصیر
نماز خود نشسته بودی و بر دور تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان
بود و پاهای ایشان در زمین بود و تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس یکی از ایشان
که از همه خوش روتر و خوشبوتر بود و جامهای بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان
کردم که حضرت رسالت پناه جد من است خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند
عجوزه صالحه که حق تعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد چون بیدار شدم
رسولان منصور دوانیقی بدر زندان رسیده بطلب من آمده بودند در میان
شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که
زیاده از هزار تومان بوده بحساب آن زمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر راهوار
سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند ام داود گفت که من داود را بخدمت
حضرت صادق بردم حضرت فرمود که سبب خلاص تو آن بود که منصور حضرت امیر
المؤمنین را در خواب دید که با او فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا در این
آتش می اندازم چون نظر کرد دریای آتشی در زیر پای خود دید پس از دهشت بیدار
شد و از کرده خود پشیمان گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف ام
داود گفت که حضرت صادق فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بروایت دیگر

نزدیک

نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را
بپوش و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی بنزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و
با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافله زوال را بعمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب
بعمل آور پس نماز ظهر را با آداب و شرایط بعمل آور و بعد از نماز فریضه ظهر دو
رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین
پس هشت رکعت نافله عصر را با آداب و شرایط بجا می آوری ای بر آورنده حاجات طلب کنندگان
و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد
سه مرتبه سوره قل هو الله احد و یک مرتبه انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را
با خشوع و آداب بجا آورد و در روایتی وارد شده است که بر روی حصیر پاکیزه
بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه
آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سورها را یک مرتبه بخواند سوره انعام و بنی اسرائیل
و کهف و لقمان و یس و والصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا
وقعت و تبارک الذی بیده الملک و ن والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن
و اگر نتوانی این سورها را از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه
سوره قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید گفته است که اگر نتوانی یا نتوانی این سورهای
مخصوص را بخوانی صد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه قل هو الله
احد بخوان و این احوط است و در روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بگوید
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه
بگوید اللهم صل علی محمد پاکا خدا و ستایش مر خدا راست و نیست خدایی مگر خدای یگانه و خدا بزرگتر است
و آل محمد و اگر آیة الکرسی را نیز درست نتواند خواند صد مرتبه سوره حمد و هزار
مرتبه قل هو الله احد بخواند پس دعا را بخواند و آیه بسم الله الرحمن الرحیم
الکرسی را بهتر آنست که تا هم فیها خالدون بخواند و دعا این است بنام خدای بخشنده مهربان

صَدَقَ اللهُ العَظِيمُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الحَيُّ القَيُّومُ ذُو الجَلَالِ وَالإِكْرَامِ

راست گفت خدای بزرگوار که نیست خدای بجز او زنده پاینده خداوند بزرگواری و نیکوکاری

الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الحَلِيمُ الكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ البَصِيرُ العَلِيمُ

بخشنده روزی بخشاینده بردبار نوازنده که نیست مانند چیزی واوست شنوای بینای دانای

الخَبِيرُ شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَالمَلَائِكَةُ وَأُولُوا العِلْمِ قَائِمًا بِالقِسْطِ

آگاه گواهی داد خدا که نیست خدای بجز او و فرشتگان و خداوندان دانش ایستاده بداد

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الكِرَامُ وَأَنَا عَلَى ذٰلِكَ مِنَ

نیست خدای بجز او ارجمند درست کار و رسانیدند فرستادگان او گرامیان و من بر این از

الشَّاهِدِينَ اللّٰهُمَّ لَكَ الحَمْدُ وَلَكَ المَجْدُ وَلَكَ العِزُّ وَلَكَ الفَخْرُ وَلَكَ

گواهانم بارخدایا برای تست سپاس و برای تست بزرگی و مر تراست ارجمندی و از برای تست خوبی و مر تراست

القَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ وَلَكَ العَظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ المَهَابَةُ وَلَكَ

زبردستی و از تست نعمت و از برای تست بزرگی و مر تراست بخشودن و از تست شکوه و مر تراست

السُّلْطَانُ وَلَكَ البَهَاءُ وَلَكَ الإِمْتِنَانُ وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ

پادشاهی و مر تراست خوبی و مر تراست برداشت کردن و از برای تست بپاکی یاد کردن و از برای تست پاکی یاد

وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ التَّكْبِيرُ وَلَكَ مَا يُرَىٰ وَلَكَ مَا لَا يُرَىٰ وَلَكَ مَا فَوْقَ

و از برای تست لا اله الا الله گفتن و مر تراست تکبیر گفتن و از برای تست آنچه دیده شد و از برای تست آنچه

السَّمٰوَاتِ العُلَىٰ وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَىٰ وَلَكَ الأَرَضُونَ السُّفْلَىٰ وَلَكَ

آسمانهای بلند است و از برای تست آنچه زیر خاک نمناک و از برای تست زمینهای پست و از برای تست

الآخِرَةُ وَالأُولَىٰ وَلَكَ مَا تَرْضَىٰ بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنَّعْمَاءِ

آن سرا و این جهان و از برای تست آنچه خشنود گردی بآن از ستایش و سپاس داری کردن و نعمت

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ جَبْرَئِيلَ أَمِينِكَ عَلَىٰ وَحْيِكَ وَالقَوِيِّ عَلَىٰ أَمْرِكَ وَالمُطَاعِ

بارخدایا درود ده بر جبرئیل امانت دار تو بر پیغام و نیرومند بر فرمان تو کرده شده

فِي سَمٰوَاتِكَ وَمَحَالِّ كَرَامَاتِكَ المُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِأَنْبِيَائِكَ

در آسمانهای تو و جاهای نوازشات بردارنده سخنان ترا یاری دهنده پیغمبران ترا

المُدَمِّرِ لِأَعْدَائِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مِيكَائِيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ وَالمَخْلُوقِ

اندازنده مر دشمنان ترا بارخدایا درود ده بر میکائیل فرشته بخشایش و آفریده شده

لِرَأْفَتِكَ وَالمُسْتَغْفِرِ المُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ إِسْرَافِيلَ حَامِلِ

برای مهربانی و آمرزش جوینده و یاری کننده برای فرمان برداران بارخدایا درود ده بر اسرافیل بردارنده

عَرْشِكَ وَصَاحِبِ الصُّوْرِ المُنْتَظِرِ لِأَمْرِكَ وَالوَجِلِ المُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ اللّٰهُمَّ

عرش و خداوند کرنا که او دم چشم دارنده برای فرمان و ترسناک هراسان از بیمت بارخدایا

صَلِّ عَلَىٰ عِزْرَائِيلَ قَابِضِ أَرْوَاحِ جَمِيعِ خَلْقِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ حَمَلَةِ

درود ده بر عزرائیل بازگیرنده جانهای همه آفریدگانت بارخدایا درود ده بر بردارندگان

العَرْشِ الطَّاهِرِينَ وَعَلَىٰ مَلَائِكَةِ الذِّكْرِ أَهْلِ التَّأْمِينِ عَلَىٰ دُعَاءِ المُؤْمِنِينَ

عرش پاکان و بر فرشتگان یادآوری آمین گویندگان بر خواندن گروندگان

وَعَلَى السَّفَرَةِ الكِرَامِ البَرَرَةِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَىٰ مَلَائِكَتِكَ الكِرَامِ الكَاتِبِينَ

و بر نویسندگان گرامیان نیکوکاران پاکان و بر فرشتگان تو گرامیان نویسندگان

وَعَلَىٰ مَلَائِكَةِ الجِنَانِ وَخَزَنَةِ النِّيرَانِ وَمَلَكِ المَوْتِ وَالأَعْوَانِ يَا ذَا

و بر فرشتگان بهشتها و خزانه داران آتش و فرشته مرگ و یاوران ای خداوند

الجَلَالِ وَالإِكْرَامِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ أَبِينَا آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ

بزرگواری و نیکوکاری بارخدایا درود ده بر پدر ما آدم بر او باد سلام نو پدید آورده آفرینشت

الَّذِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ وَأَبَحْتَهُ جَنَّتَكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ أُمِّنَا

که گرامی داشتی او را بخاک افتادن فرشتگانت و روا کردی بهشت را بر او بارخدایا درود ده بر مادر ما

حَوَّاءَ المُطَهَّرَةِ مِنَ الرِّجْسِ المُصَفَّاةِ مِنَ الدَّنَسِ المُفَضَّلَةِ مِنَ الإِنْسِ

حوا پاک از گناه پاک بیغش از چرکی افزون داده شده از مردمان

المُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ القُدْسِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ هَابِيلَ وَشِيثَ وَإِدْرِيسَ

آمد و شد کننده میان جاهای پاکیزه بارخدایا درود ده بر هابیل و شیث و ادریس

وَنُوحٍ وَهُودٍ وَصَالِحٍ وَإِبْرٰهِيمَ وَإِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ

و نوح و هود و صالح و ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و یوسف

وَالأَسْبَاطِ وَلُوطٍ وَشُعَيْبٍ وَأَيُّوبَ وَمُوسَىٰ وَهٰرُونَ وَيُوشَعَ وَمِيشَا وَ

و نبیرگان فرزندان اسحق و لوط و شعیب و ایوب و موسی و هرون و یوشع و میشا و

الخِضْرِ وَذِي القَرْنَيْنِ وَيُونُسَ وَإِلْيَاسَ وَاليَسَعَ وَذِي الكِفْلِ وَطَالُوتَ وَ

خضر و ذی القرنین و یونس و الیاس و الیسع و ذی الکفل و طالوت و

دَاوُدَ وَسُلَيْمٰنَ وَزَكَرِيَّا وَشَعْيَا وَيَحْيَىٰ وَتُورَخَ وَمَتَّىٰ وَإِرْمِيَا وَحَيْقُوقَ

داود و سلیمان و ذکریا و شعیا و یحیی و تورخ و متی و ارمیا و حیقوق

وَدَانِيَالَ وَعُزَيْرٍ وَعِيسَىٰ وَشَمْعُونَ وَجِرْجِيسَ وَالحَوَارِيِّينَ وَالأَتْبَاعِ وَخَالِدٍ

و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس و یاری کنندگان و پیروان و خالد

وحفظته اللهم صل على محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك على
ونیز صفوان بار خدایا درود ده بر محمد و ال محمد و ببخشا محمد و خاندان محمد و ببخشا بر
محمد وال محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابرهيم وال ابرهيم انك
محمد و خاندان محمد چنانکه درود دادی و بخشایش و افزایش دادی بر ابرهیم و ال ابرهیم بدرستیکه تو ئی
حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة
ستوده بزرگوار بار خدایا درود ده بر سفارش کرده شدگان و نیکبختان و کشته شدگان و پیشوایان
الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين
راه راست بار خدایا درود ده بر ...شکان و سرگردگان و راه روان راه حق و پرستندگان و برگزیدگان
والزهاد واهل الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل
و خداوندان کوشش و راه راست جستن و ویژه کردان محمد و مردم خانه اش با فزون
صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما
درودهات و تمامتر نوازشهات و برسان بجان او و تن او از من درود و سلام را
وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف من
و بیفزا از برای او افزونی و بزرگی تا که برسانی او را برترین پایهای بزرگواران از
النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم وصل على من سميت ومن
پیغمبران و فرستادگان و افزون امدگان نزدیکان بار خدایا و درود ده بر کسی که نام بردم و کسی
لم اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي
که نام نبردم از فرشتگانت و پیغمبرانت و فرستادگانت و فرمان بردارانت و برسان درود مرا
اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على دعائك
بسوی ایشان و بسوی جانهای ایشان و بگردان ایشان را برادران من در راه تو و یاوران من بر خواندن تو
اللهم اني استشفع بك اليك وبكرمك الى كرمك وبجودك الى
بار خدایا بدرستی که من خواهشگری میجویم بتو بسوی تو و بنوازش تو بسوی نوازش تو و به بخشش تو بسوی
جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك واسالك اللهم
بخشش تو و به بخشودن تو بسوی بخشودن تو و بفرمان برداران بسوی تو و سوال میکنم از تو بار خدایا
بكل ما سالك به احد منهم من مسالة شريفة غير مردودة وبما دعوك
بهر چه خواست از تو یکی از ایشان از خواستنی بزرگوار نه باز کرده شده و بانچه خواندند ترا
به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم
بان از خواندن پذیرفته شده ... ای خدا ای بخشاینده ای بخشنده ای بردبار ای بزرگوار ...

يا جليل

يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير
ای بزرگ ای دهنده ای نیکو ای پذیرفتار ای کاردان ای درگذرنده ای پناه دهنده ای اگاه ای روشن کننده
يا مبير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا
ای هلاک کننده ای استوار ای ... ای گرداننده ای بزرگ ای توانا ای بینا ای مزد دهنده ای نیکوکار ای
طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ
پاک ای پاک ای چیره شونده ای اشکار ای نهان ای پوشاننده ای فرو گیرنده ای بسیار توانا ای نگهدارنده
يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد
ای بلند پایه ای نزدیک ای دوست دارنده ای ستوده ای بزرگوار ای اغاز کننده ای باز گرداننده ای گواه
يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل
ای نیکوئی کننده ... ای نعمت دهنده ای افزونی دهنده ای گیرنده ای گستراننده ای راه نما ای فرستنده
يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق
ای راه نماینده ای راه آورنده ای دهنده ای بازدارنده ای دفع کننده ای برافرازنده ای باز ماننده ای نگهدارنده ای آفریننده
يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا
ای بخشنده ای توبه پذیرنده ای گشاینده ... ای کسی که بدست اوست هر کلید ای بسیار
نفاع يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي يا وفي يا
نفع دهنده ای بسیار مهربان ... ای کفایت کننده ای شفا دهنده ای عافیت دهنده ای پاداش دهنده ای وفا کننده ای
مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور
نگهبان ای ارجمند ... ای سلامت ای امان دهنده ای یکتا ای بی نیاز ای روشن
يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم
ای تدبیر کننده ای تنها ای تاق ای پاکیزه ای یاری کننده ای همدم ای برانگیزاننده ای باز ماننده ای دانا
يا حاكم يا متعالي يا بادي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا عليم
ای فرمان دهنده ای بلند پایه ای اغاز کننده ای نگارنده ... ای دوستی کننده ای بر پا ای همیشه ای دانا
يا حكيم يا جواد يا بارئ يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان يا حنان
ای حاکم ای بخشنده ای آفریننده ای نیکوکار ای شاد کننده ای داد ... ای پاداش دهنده ای مهربان
يا منان يا سميع يا رفيع يا بديع يا خفير يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم
ای منت نهنده ای شنوا ای بلند پایه ... ای پناه ای یاری دهنده ... ای امرزنده ای همیشه
يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث
ای اسان کننده ای آسان کرده ای میراننده ای زنده کننده ای سود دهنده ای روزی دهنده ای تقدیر کننده ای سبب ساز ای فریاد رس

يا رزاق

يا هادي

يا مغني يا مقني يا خالق يا راصد يا واحد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد
اى بی‌نیاز کننده اى مایه دهنده اى آفریدگار اى نگهبان اى تنها اى پیدا اى شکسته‌بند اى نگهدارنده اى سخت‌گیر
يا غياث يا عائد يا قابض يا منيب يا مبين يا طاهر يا مجيب يا متفضل يا
اى فریادرس اى خود کننده اى ستاننده اى بازگرداننده اى هویدا اى پاکیزه اى اجابت کننده اى افزونی دهنده اى
مستجيب يا عادل يا بصير يا مؤمّل يا مسدي يا اوّاب يا وافي يا راشد
اى مستجاب کننده اى دادرس اى بینا اى امید داشته شده اى ... اى بازگردنده اى به‌سر رساننده
يا ملك يا رب يا مذل يا معز يا ماجد يا رازق يا ولي يا فاضل يا سبحان
اى پادشاه اى پروردگار اى خوار کننده اى عزیز کننده اى بزرگوار اى روزی‌دهنده اى دوست اى افزون اى منزه
يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنى وبعد فنأى
اى کسی که بلند است ... اى کسی که نزدیک است پس نزدیک شد و دور است پس دور شد
وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير يا من العسير عليه
ودانست راز را و نهان‌تر را اى کسی که بسوی اوست سرانجام دادن و از اوست اندازها اى کسی که دشوار بر او
سهل يسير ويا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح
آسان است و آسان و اى کسی که او بر آنچه میخواهد توانا است اى فرستنده بادها اى شکافنده بامداد
يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا رادّ ما قد فات يا ناشر الاموات
اى برانگیزاننده جانها اى خداوند بخشش ... اى زنده کننده مردگان
يا جامع الشتات يا رازق من يشاء بغير حساب ويا فاعل ما يشاء كيف
اى فراهم آرنده پراکنده اى روزی دهنده کسی که میخواهد بی شمار و اى کننده آنچه میخواهد چون که
يشاء يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي
میخواهد اى خداوند بزرگواری و نیکوکاری اى زنده اى پاینده اى زنده هنگامی که نیست زنده اى زنده اى زنده کننده
الموتى يا حي لا اله الا انت بديع السموات والارض يا الهي وسيدي
مردگان اى زنده نیست خدایی بجز تو ازنوپدیدآرنده آسمانها و زمین اى خدای من و مهتر من
صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد
درود ده بر محمد و آل محمد و ببخشا محمد و خاندان محمد و فزاینده بر محمد و خاندان محمد
كما صليت وباركت ورحمت وترحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد
چنانکه درود دادی و فزاینده دادی و بخشودی بر ابرهیم و خاندان ابرهیم بدرستی که تو ستوده
مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي ووحدتي وخضوعي
بزرگوار و ببخشا خواری مرا و درویشی مرا و بیچیزی مرا و تنها شدن مرا و یگانه شدن مرا و فروتنی مرا

بین

بين يديك واعتمادي عليك وتضرعي اليك دعوتك دعاء الخاضع الذليل
میان دو دست خود و اعتماد مرا بر تو و زاری کردن مرا بسوی تو میخوانم ترا خواندن فروتن خوار
الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير
ترسکار ترسناک هراسان سختی رسیده خوار کوچک گرسنه ... بی‌چیز پناه برنده زنهار خواهنده
المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه دعاء من اسلمته ثقته
بزبان آرنده گناه خود آمرزش خواهنده از او زاری کننده مر پروردگار خود را خواندن کسی که ... استوار داد
ورفضته احبته وعظمت فجيعته دعاء حرق حزين ضعيف مهين
و گذاشتند او را دوستانش و بزرگ شد ... خواندن سوزناک اندوهگین سست خوار
بائس مستكين بك مستجير اللهم واسألك بانك مليك وانك ما
سختی رسیده زاری کننده بتو زنهار خواهنده بار خدایا و میخواهم از تو بانکه توئی پادشاه و آنکه تو آنچه را
تشاء من امر يكن وانك على ما تشاء قدير واسألك بحرمة هذا الشهر
میخواهی کاری میشود و آنکه تو بر آنچه میخواهی توانائی و میخواهم از تو بشکوه این ماه
الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشاعر العظام و
باشکوه و خانه باشکوه ... و شهر باشکوه و رکن یمانی و مقام ابرهیم و جاهای ... بزرگ ... و
بحق نبيك محمد عليه وآله السلام يا من وهب لآدم شيثا ولابرهيم
بسزاوار پیغمبر محمد ... اى آنکه بخشید بآدم شیث را و با برهیم
اسمعيل واسحق ويا من ردّ يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء
اسمعیل و اسحق را و اى که بازگردانید یوسف را بر یعقوب و اى که گشاد پس از رنج
ضر ايوب يا رادّ موسى على امه ويا زائد الخضر في علمه ويا من وهب
آزار ایوب را اى بازگرداننده موسی بمادرش و اى افزاینده برای خضر در دانشش و اى که بخشید
لداود سليمان ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب ويا كافل
بداود سلیمان را و بزکریا یحیی را و بمریم عیسی را اى نگهدارنده دختر شعیب و اى ...
ولد ام موسى اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ذنوبي
فرزند مادر موسی میخواهم از تو آنکه درود دهی بر محمد و خاندان محمد و آنکه بیامرزی گناهان مرا
كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي رضوانك وامانك واحسانك
همه آنرا و زنهار دهی مرا از عذاب ... و خشنودی ... و زنهار ... و نیکوکاری را
وغفرانك وجنانك واسألك ان تفك عني كل حلقة ضيق بيني
و آمرزش و بهشت را و میخواهم از تو آنکه بر داری از من هر حلقه را و تنگی میان من

وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي وَتَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ وَتُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعْبٍ وَتُسَهِّلَ لِي كُلَّ
و میان کسی که میرنجاند مرا و بکشائی از برای من هر دری و نرم گردانی برای من هر دشواری را و آسان گردانی برای من هر
عَسِيرٍ وَتُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ وَتَكُفَّ عَنِّي كُلَّ بَاغٍ وَتَكْبِتَ لِي كُلَّ
دشواری را و کلال گردانی از من هر گوینده به بدی را و باز داری از من هر ستمکاری را و نگونسار کنی از برای من هر
عَدُوٍّ لِي وَحَاسِدٍ وَتَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ ظَالِمٍ وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي
دشمنی که مراست و رشک برنده و باز داری از من هر بیداد کننده را و باز داری از من هر باز دارنده که در آید میان من
وَبَيْنَ وَلَدِي وَيُحَاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ وَيُثَبِّطَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ
و میان فرزند من و آهنگ کند که جدائی افکند میان من و میان فرمان برداری تو و باز دارد مرا از پرستش تو
يَا مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ وَقَهَرَ عُتَاةَ الشَّيَاطِينِ وَأَذَلَّ رِقَابَ الْمُتَجَبِّرِينَ
ای کسی که لگام کردی بر سرکشان از دیو و شکست نافرمانان دیوان را و خوار کردی گردن گردنکشان را
وَرَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ
و باز گردانید بد سگالیدن چیره شوندگان از ستمدیدگان میخواهم از تو بتوانائی تو بر آنچه میخواهی
وَتَسْهِيلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ أَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ پس
و آسان کردن تو آنچه را که میخواهی چون که میخواهی آنکه بگردانی بر آوردن امید مرا در آنچه میخواهی
بسجده برو و پهلوهای روی اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي
خود را بر خاک بگذار و بگو بارخدایا از برای تو بخاک افتادم و بتو گرویدم پس بخشایش کن خواری مرا
وَفَاقَتِي وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي وَمَسْكَنَتِي وَفَقْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ پس حضرت
و درویشی مرا و کوشش کردن مرا و زاری کردن مرا و فروتنی کردن مرا و بیچیزی مرا بسوی تو ای پروردگار من فرمود که
سعی کن که آب از دیده ات بیرون آید اگر چه بقدر سر مگسی بوده باشد که علامت
اجابت دعاست و در روایت دیگر وارد شده است که در سجده این دعا بخواند که
اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَفَقْرِي
بارخدایا از برای تو بخاک افتادم و بتو گرویدم پس بخشایش کن خواری مرا و فروتنی مرا میان دو دست تو و بیچیزی مرا
وَفَاقَتِي إِلَيْكَ وَارْحَمِ انْفِرَادِي وَخُشُوعِي وَاجْتِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَوَكُّلِي
و درویشی مرا بسوی تو و بخشایش کن تنهائی مرا و زاری مرا و کوشش مرا میان دو دست تو و کار باز گذاشتن
عَلَيْكَ اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِهِ
بر تو بارخدایا بیاری تو گشایش میجویم و بتو روا کردن میخواهم و بمحمد بنده تو و فرستاده تو و خاندان او
أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي كُلَّ حُزُونَةٍ وَذَلِّلْ لِي كُلَّ صُعُوبَةٍ وَأَعْطِنِي
روی می آرم بسوی تو بارخدایا آسان گردان برای من هر درشتی را و خوار گردان برای من هر دشواری را و بده مرا

مِنَ الْخَيْرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَرْجُو وَعَافِنِي مِنَ الشَّرِّ وَاصْرِفْ عَنِّي السُّوءَ و بروایت دیگر صد مرتبه
از نیکی بیشتر از آنچه که امید دارم و رستگاری ده مرا از بدی و بگردان از من بدی را در سجده میگوید
يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ اقْضِ حَاجَتِي بِلُطْفِكَ يَا خَفِيَّ الْأَلْطَافِ و در
ای بر آورنده نیازهای جویندگان بر آور نیاز مرا بمهربانیت ای مهربانیهای او نهانست روایت
معتبری وارد شده است که مادر داود بحضرت عرض کرد که ای سید و آقای من
آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند حضرت فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند
و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را
می آمرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آن ماه را روزه بدارد و در روز پانزدهم
این دعا بخواند بنحوی که ذکر کردیم حاجتش بر آورده میشود و در روایت دیگر وارد
شده است که حضرت فرمود در روز عرفه و هر روز که این دعا را بخواند حاجتش بر
آورده میشود مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض
آن یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا آورد
بمطلوب فایز میگردد و دور نیست که اگر در روز عرفه و جمعه و سایر ایام متبرکه نیز این
عمل را بدون روزه بعمل آورد خوب باشد و در غیر اشهر حرم که ذی القعده و ذی الحجه
و محرم و رجبست این دعا بخواند و بجای بِحُرْمَةِ هٰذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ بگوید بِحُرْمَةِ الشَّهْرِ
الْحَرَامِ و هذا را بیندازد بهتر باشد فصل پنجم در بیان فضایل و اعمال نصف آخر
ماه رجبست شیخ طوسی و دیگران گفته اند که در روز هفتم این ماه ابراهیم پسر رسول
خدا از دنیا رفت پس حزن و اندوه و لعن بر آنها که باین مصیبت شماتت کردند مناسبست
خصوصاً عایشه علیهما اللعنه و ابن عیاش که یکی از محدثان شیعه است گفته است
که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال
نمود اگر چه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان آن جگر گوشه حضرت رسالت
که عمده آنها عمر بن الخطاب علیه اللعنه است و زیاد دست آنحضرت احتیاطا مناسبت بنحوی

کہ مذکور خواهد شد ان شاء الله و شیخ مفید گفته است که در روز بیست و دوم
این ماه معاویه علیه اللعنه بجهنم واصل شده است مستحب است که این روز را روزه
دارند بجهة شکر این نعمت و در روز بیست و سیم این ماه خارجیان خنجر بر ران مبارک
حضرت امام حسن زدند زیارت آنحضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسب است
و در روز بیست و چهارم این ماه فتح خیبر بدست معجز نمای اسد الله الغالب علی ابن
ابی طالب جاری شد و مرحب یهودی بدست آنحضرت کشته شد گفته اند که روزه
آن روز لشکر این نعمت و زیارت آنحضرت مستحب است و شیخ طوسی ذکر کرده است که شهادت
حضرت امام موسی در روز بیست و پنجم ماه رجب واقع شده است اما احادیث بسیار
در فضیلت این روز و ثواب روزه اش وارد شده است و بروایتی نقل کرده اند از
ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول در روز بیست و پنجم ماه رجب مبعوث برسالت
شد و این مخالف مشهور و احادیث بسیار است که بعد از این مذکور خواهد شد اما
در فضیلت روزه اش شکی نیست چنانکه از حضرت امیر المؤمنین منقولست که
روزه اش کفاره دویست ساله گناه است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام رضا
مرویست که هر که روز بیست و پنجم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره
هفتاد ساله گناه گرداند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که روز بیست و ششم ماه
رجب را روزه دارد حق تعالی روزه او را کفاره هشتاد ساله گناه گرداند و روز
بیست و هفتم این ماه از جمله اعیاد عظیمه است و روزیست که حضرت رسول در آن روز
برسالت بر امت مبعوث شدند و جبرئیل به پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و شبش
نیز شب بسیار مبارکیست و بسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که
در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر آن میتابد و آن
شب بیست و هفتم این ماهست و در صبح آن شب حضرت رسول برسالت مبعوث

شد

شد و کسی که عبادت کند این شب را مثل اجر شصت سال عبادت خدا باو عطا
میفرماید پرسیدند که عمل آن شب چیست فرمود که چون نماز خفتن کنار دی بخواب
و هر وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب و خواه بعد از آن برخیز و دوازده
رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یکسوره
از سورهای کوچک بعد از پس بخوان و چون فارغ شوی چنانکه نشسته سوره
حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون
و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوان پس این دعا را
بخوان الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن
ستایش مر خدایرا که نگرفت فرزندی و نبوده مر او را انبازی در پادشاهی و نبوده مر او را
له ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسألک بمعاقد عزک علی
یاوری از خواری و بزرگی یاد کن او را بزرگی یاد کردنی بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو ببندهای عزت تو بر
ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم الاعظم
گوشهای عرشت و بپایان بخشایش از کتابت و بنام بزرگتر بزرگتر بزرگترت
و ذکرک الاعلی الاعلی الاعلی و بکلماتک التامات کلها ان تصلی علی
و یاد برتر برتر برترت و بسخنهای تمامت همه آنها که درود دهی بر
محمد و آل محمد و ان تفعل بی ما انت اهله پس هر حاجت که خواهی طلب که هر حاجتی
محمد و خاندان محمد و آنکه بکنی بمن آنچه تو سزاوار آنی بطلبی مستجاب میشود مگر آنکه حرامی
بطلبی یا قطع رحمی یا هلاک جمعی از مؤمنان طلب کنی و روزش را روزه بدار که از برای
تو حساب میشود روزه یکسال و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام
منقولست که در شب بیست و هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت
نماز بجا آور و در هر رکعت بعد از سوره حمد چهار مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد بخوان و چون از دوازده رکعت فارغ شوی
در همان مکان چهار لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله
مرتبه بگو نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگتر است و ستایش مر خدایرا و پاکست خدا

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس هر حاجت که خواهی بطلب مؤلف گوید
و نیست حیله و نه قوتی مگر بخدای عالی مرتبه بزرگوار که هر یک از این دو روایت که عمل کند
خوب است و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز شب نصف رجب را که بسند صحیح
مذکور شد در این شب بجا آورد خوب است و در آن روایت وارد شده است که در
این شب نیز بجا آورند و شیخ طوسی گفته است که غسل در این شب مستحب است و
زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین در این شب مناسبت و این دعا نیز
وارد شده است که در این شب بخوانند اللهم انی اسألك بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة
بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو بتجلی بزرگتر در این شب
من الشهر المعظم والمرسل المکرم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر
ازین ماه بزرگوار و فرستاده گرامی آنکه درود فرستی بر محمد و خاندان محمد و آنکه بیامرزی
لنا ما انت به منا اعلم یا من یعلم ولا یعلم اللهم بارك لنا فی لیلتنا هذه
از برای ما آنچه تو بآن از ما داناتری ای کسی که میداند و دانسته نمیشود بار خدایا برکت ده از برای ما در شب ما این
التی بشرف الرسالة فضلتها وبکرامتك اجللتها وبالمحل الشریف
به بزرگواری فرستادن افزونی دادی آن را و بنوازش خود بزرگ داشتی آن را و بجای بزرگ فرود
احللتها اللهم فانا نسألك بالمبعث الشریف والسید اللطیف والعنصر
آوردی آن را بار خدایا پس بدرستی که ما میخواهیم از تو بفرستاده بزرگوار و بزرگ مهربان و نژاد
العفیف ان تصلی علی محمد وآله وان تجعل اعمالنا فی هذه اللیلة
پاک آنکه درود فرستی بر محمد و خاندان او و آنکه بگردانی کردارهای ما را در این شب
وفی سائر اللیالی مقبولة وذنوبنا مغفورة وحسناتنا مشکورة و
و در باقی شبها پذیرفته و گناهان ما را آمرزیده شده و کردهای نیک ما را پسندیده شده و
سیئاتنا مستورة وقلوبنا بحسن القبول مسرورة وارزاقنا من لدنك
کردهای بد ما را پوشیده شده و دلهای ما را بخوبی پذیرفتن شادمان و روزیهای ما را از جانب تو
بالیسر مدرورة اللهم انك تری ولا تری وانت بالمنظر الاعلی وان
آسان فرستاده بار خدایا بدرستی که تو می بینی و دیده نمیشوی و تو بدیدگاه برتری و بدرستی
الیك الرجعی والمنتهی وان لك الممات والمحیا وان لك الاخرة
بسوی تست بازگشتن و پایان کار و بدرستی که از برای تست مردن و زیستن و بدرستی که از برای تست آن جهان
والاولی اللهم انا نعوذ بك ان نذل ونخزی وان نأتی ما عنه نهی
و این جهان بار خدایا بدرستی که ما پناه میبریم بتو از آنکه خوار شویم و رسوا گردیم و آنکه بکنیم آنچه از آن نهی کردی

اللهم

اللهم انا نسألك الجنة برحمتك ونستعیذ بك من النار فاعذنا
بار خدایا بدرستی که میخواهیم از تو بهشت را بحق بخشایش تو و پناه میبریم بتو از آتش پس پناه ده ما را
منها بقدرتك ونسألك من الحور العین فارزقنا بعزتك واجعل اوسع
از آن بحق توانائی خود و میخواهیم از تو از زنان سیاه چشم پس روزی کن ما را بعزت خود و بگردان فراخ تر
ارزاقنا عند کبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب آجالنا واطل فی
روزیهای ما را نزد بزرگی سالهای ما و نیکو کن کردارهای ما را نزد نزدیک شدن مرگهای ما و دراز کن در
طاعتك وما یقرب الیك ویحظی عندك ویزلف لدیك اعمارنا
فرمانبرداری تو و آنچه نزدیک گرداند بسوی تو و بهره مند کند نزد تو و نزدیک گرداند نزد تو زندگانی ما را
واحسن فی جمیع احوالنا وامورنا معرفتنا ولا تکلنا الی احد من خلقك
و خوب کن در همه احوالهای ما و کارهای ما شناختن ما را و مگذار ما را بسوی یکی از آفریدگان
فیمن علینا وتفضل علینا بجمیع حوائجنا للدنیا والاخرة وابدأ بآبائنا
پس منت نهی بر ما و بخشش نما بر ما بجمیع نیازهای ما در دنیا و آخرت و آغاز کن بپدران ما
وابنائنا وجمیع اخواننا المؤمنین فی جمیع ما سألناك لانفسنا یا ارحم
و فرزندان ما و همه برادران ما گروندگان در همه آنچه خواستیم از تو از برای خودهای ما ای بخشنده
الراحمین اللهم انا نسألك باسمك العظیم وملکك القدیم ان تصلی
بخشایندگان بار خدایا بدرستی که ما میخواهیم از تو بنام بزرگ تو و پادشاهی همیشگی تو آنکه درود فرستی
علی محمد وآل محمد وان تغفر لنا الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم
بر محمد و خاندان محمد و آنکه بیامرزی از برای ما گناه بزرگ را بدرستی که نمی آمرزد گناه بزرگ را
الا العظیم اللهم وهذا رجب المکرم الذی اکرمتنا به اول اشهر
مگر بزرگ بار خدایا و این ماه رجب گرامی است که گرامی داشتی ما را بآن نخست ماههای
الحرم اکرمتنا به من بین الامم فلك الحمد یا ذا الجود والکرم فاسألك به
با شکوه نوازش نمودی ما را بآن از میان گروهها پس از برای تست ستایش ای خداوند بخشش و نوازش پس میخواهم از تو بآن
وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاکرم الذی خلقته فاستقر
و بنام بزرگ تو بزرگتر بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر که آفریدی او را پس آرام گرفت
فی ظلك فلا یخرج منك الی غیرك ان تصلی علی محمد واهل بیته الطاهرین
در سایه تو پس بیرون نرود از تو بسوی جز تو آنکه درود فرستی بر محمد و مردم خاندان او که پاکانند
وان تجعلنا من العاملین فیه بطاعتك والآملین فیه لشفاعتك
و آنکه بگردانی ما را از کارکنان در این ماه بفرمانبرداری تو و آرزومندان در این ماه شفاعت ترا

فانقذنا
پس خلاص کن ما را
منه
از او
وامهاتنا
و مادرهای ما

اللّهم اهدنا الی سواء السبیل واجعل مقیلنا عندک خیر مقیل فی ظل

بار خدایا راه نمای ما را بسوی راه راست وبکردان خواب چاشت ما را بهترین خواب چاشت در سایه

ظلیل وملک جزیل فانک حسبنا ونعم الوکیل اللهم اقلبنا مفلحین

سایه پاینده وپادشاهی بزرگوار پس بدرستی که تو بسنده مائی وخوش کارسازی بار خدایا بازگردان ما را رستگاران

منجحین غیر مغضوب علینا ولا الضالین برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم

[illegible] به خشم کرفته شده بر ما ونه کمراهان به بخشایش تو ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان بار خدایا

انی اسألک بعزائم مغفرتک وبواجب رحمتک السلامة من کل اثم

بدرستی که من میخواهم از تو [illegible] آمرزش تو [illegible] بخشایش تو رهیدن از هر گناه را

والغنیمة من کل بر والفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم دعاک الداعون

وبهره یافتن از هر نیکی را وفیروزی شدن بدرآمدن بهشت ورهائی از آتش را بار خدایا خواندند تو را خوانندگان

ودعوتک وسألک السائلون وسألتک وطلب الیک الطالبون

وخواندم تو را وخواستند از تو خواهندگان وخواستم از تو وجستند بسوی تو جویندگان

وطلبت الیک اللهم انت الثقة والرجاء والیک منتهی الرغبة

وجستم بسوی تو بار خدایا توئی استواری وامید وبسوی تست پایان کشش دل

والدعاء اللهم فصل علی محمد وآله واجعل الیقین فی قلبی والنور

وخواندن بار خدایا پس رحمت فرست بر محمد وخاندان او وبکردان بیگمان بودن را در دل من وروشنائی

فی بصری والنصیحة فی صدری وذکرک فی اللیل والنهار علی لسانی

در چشم من ونیکخواهی را در سینه من ویاد کردن ترا در شب ودر روز بر زبان من

ورزقا واسعا غیر ممنون ولا محظور فارزقنی وبارک لی فیما رزقتنی

وروزی فراخ [illegible] پس روزی کن مرا وافزونی ده مرا در آنچه روزی کردی

واجعل غنای فی نفسی ورغبتی فیما عندک برحمتک یا ارحم الراحمین

وبکردان توانگری مرا در نفس من وکشش دل مرا در آنچه نزد تست به بخشایش تو ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان

پس بسجده الحمد لله الذی هدانا لمعرفته وخصنا بولایته ووفقنا

رو و بکو ستایش مر خدای را که راه نمود ما را بشناختن او [illegible] وتوفیق داد ما را

لطاعته پس شکرا شکرا صد مرتبه بکو پس سر از اللهم انی قصدتک بحاجتی و

[illegible] سجده بردار و بکو بار خدایا بدرستی که من قصد کردم ترا بحاجت خود و

اعتمدت علیک بمسألتی وتوجهت الیک بائمتی وسادتی

اعتماد کردم بر تو بخواستن خود وروآوردم بسوی تو بامامان وسروران خود

اللهم

اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا

بار خدایا سود ده ما را بدوستی ایشان ودرآور ما را بجای درآمدن ایشان وروزی کن ما را همراهی ایشان ودرآر ما را

الجنة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الراحمین ودر روز بیست وهفتم غسل

در بهشت در گروه ایشان به بخشش خود ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان سنتست وروزه اش فضیلت

بسیار دارد وبسندهای معتبر از حضرت صادق ع منقولست که روزه اش برابر است
با روزه هفتاد سال وبروایت دیگر شصت سال وایضا منقولست که حسن بن
راشد از حضرت صادق ع سؤال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی هست حضرت
فرمود بلی شریفتر وفاضلتر از همه روزیست که حضرت رسول برسالت مبعوث کردیده است
وآن بیست وهفتم ماه رجبست باید که روزه داری وصلوات بر محمد وآل محمد بسیار
بفرستی وزیارت حضرت رسول وحضرت امیر المؤمنین ع در این روز منقولست ونماز این
روز بطرق مختلفه وارد شده است واکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد و
از اکثر احادیث ظاهر میشود که در هر وقت روز که بکنند خوبست وبسند معتبر از
ریان بن الصلت منقولست که چون حضرت امام محمد تقی ع ببغداد تشریف آوردند
ودر روز نصف رجب وروز بیست وهفتم روزه داشتند وجمیع ملازمان واصحاب
خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند ودر هر یک دوازده رکعت نماز
بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام وهر رکعت را بحمد وهر سوره که خواهند بکنند وچون
از همه فارغ شوند سوره حمد وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس
هر یک را چهار مرتبه بخوانند لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله و

پس چهار مرتبه بکویند نیست خدائی مگر خدا وخدا بزرگوارترست واز هر [illegible] خدا و

الحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس چهار الله الله

سپاس مر خدایرا [illegible] مگر بخدا [illegible] بزرگوار مرتبه بکویند خدا خدا

ربی لا اشرک به شیئا پس چهار لا اشرک بربی احدا وبسند معتبر از

[illegible] مرتبه بکویند [illegible] حضرت صاحب الامر

منقولست که در این روز دوازده رکعت بجا می آوری و در هر رکعت بعد از حمد هر
سوره که میسر شود میخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میکوئی و این دعا را میخوانی
الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن له
سپاس مر خدای را که نگرفت فرزندی و نه بوده مر او را انبازی در پادشاهی و نبوده مر او را
ولی من الذل وکبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی فی شدتی
[illegible] ای یار من در سختی من
یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی
ای خداوند من در نعمت من ای فریادرس من در خواهش من ای روا کننده من در حاجت من ای نگهدارنده من در
غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انیسی فی وحشتی انت الساتر عورتی فلك
[illegible]
الحمد وانت المقیل عثرتی فلك الحمد وانت المنعش صرعتی فلك الحمد
[illegible]
صل علی محمد وال محمد واستر عورتی وامن روعتی واقلنی عثرتی
درود ده بر محمد و خاندان محمد و بپوشان زشتیهای پنهان مرا و ایمن کردان ترس مرا و در گذر از لغزش من
واصفح عن جرمی وتجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد الصدق
[illegible] من در یاران بهشت نوید راستی
الذی کانوا یوعدون وچون از نماز و دعا فارغ شوی سوره حمد وقل هو الله احد
که بودند نوید داده میشدند وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وقل یا ایها
الکافرون وانا انزلناه وآیة الکرسی هر یك را هفت مرتبه میخوانی پس هفت
مرتبه لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول
میکوئی [illegible]
ولا قوة الا بالله پس هفت الله الله ربی ولا اشرك به شیئا پس انچه
[illegible] مرتبه میکوئی [illegible] خواهی
از خدا بطلب بسند معتبر دیکر از حضرت موسی ابن جعفر منقولست که سنتست
این دعا را در روز یا من امر بالعفو والتجاوز وضمن نفسه العفو
مبعث بخوانند [illegible]

وضمن علی نفسه [illegible]

والتجاوز

والتجاوز یا من عفی وتجاوز اعف عنی وتجاوز یا کریم اللهم وقد اکدی
[illegible]
الطلب واعیت الحیلة والمذهب ودرست الامال وانقطع الرجاء
[illegible]
الا منك وحدك لا شریك لك اللهم انی اجد سبل المطالب
[illegible]
الیك مشرعة ومناهل الرجاء لدیك مترعة وابواب الدعاء لمن
[illegible]
دعاك مفتحة والاستعانة لمن استعان بك مباحة واعلم انك
[illegible]
لداعیك بموضع اجابة وللصارخ الیك بمرصد اغاثة وان فی اللهف
[illegible]
الی جودك والضمان بعدتك عوضا من منع الباخلین ومندوحة عما
[illegible]
فی ایدی المستاثرین وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال
[illegible]
دونك وقد علمت ان افضل زاد الراحل الیك عزم ارادة وقد ناجاك
[illegible]
بعزم الارادة قلبی فاسالك بكل دعوة دعاك بها راج بلغته امله او
[illegible]
صارخ الیك اغثت صرخته او ملهوف مكروب فرجت عن قلبه او
[illegible]
مذنب خاطئ غفرت له او معافا اتممت نعمتك علیه او فقیر اهدیت
[illegible]
غناك الیه ولتلك الدعوة علیك حق وعندك منزلة الا صلیت علی
[illegible]
محمد واله وقضیت حوائجی حوائج الدنیا والاخرة وهذا رجب المرجب
محمد و خاندان او و برآوری امیدهای مرا در دنیا و آخرت و این ماه رجب بزرگوار

الْمُكَرَّمِ الَّذِي اَكْرَمْتَنَا بِهِ اَوَّلَ اَشْهُرِ الْحُرُمِ وَاَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ يَا ذَا

و ای صاحب ... که بزرگ داشتی ما را بان ماه اول ماههای با شکوه و بخشش کردی ما را بان از میان گروهها ای خداوند

الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ

بخشش و نوازش پس میخواهم از تو ... بنام بزرگ تو بزرگ بزرگ بزرگ ما بدرود

الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلَى غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

که آفریدی آنرا پس آرام گرفت در سایه تو پس بیرون نمیرود از تو بسوی غیر تو آنکه درود دهی بر

مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَتَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَ

محمد و مردم خانه او که پاکانند و بگردانی ما را از کارکنان در آن بفرمان برداری تو و

الْاٰمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَاهْدِنَا اِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا

امیدواران در آن بدرخواه کردن تو بار خدایا راه نما ما را براه راست و بگردان خوابگاه ما

عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَالسَّلَامُ عَلَى

نزد خود بهتر خوابگاه در سایه ... پس بدرستی که تو بسنده مائی و خوب کار روائی و درود بر

عِبَادِهِ الْمُصْطَفَيْنَ وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا

بندگان او برگزیدگان و درودهای او بر ایشان همگی بار خدایا افزونی ده در این روز ما

هٰذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَبِكَرَامَتِكَ جَلَّلْتَهُ وَبِالْمَنْزِلِ الْعَظِيمِ مِنْكَ اَنْزَلْتَهُ

در این که افزونی دادی او را و بنوازش خود پوشانیدی او را و بفرود آمدنگاه بزرگ از تو که فرود آوردی

وَصَلِّ عَلَى مَنْ فِيهِ اِلَى عِبَادِكَ اَرْسَلْتَهُ وَبِالْمَحَلِّ الْكَرِيمِ اَحْلَلْتَهُ اَللّٰهُمَّ

و درود ده بر کسی که در این ماه ببندگان خود فرستادی او را و بجای بزرگوار فرود آوردی او را بار خدایا

صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوٰةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَلَنَا ذُخْرًا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ

درود ده بر او درودی پیوسته که باشد برای تو سپاس گزاری و از برای ما اندوخته و بگردان از برای ما از

اَمْرِنَا يُسْرًا وَاخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ اِلَى مُنْتَهَى اٰجَالِنَا وَقَدْ قَبِلْتَ الْيَسِيرَ مِنْ

کارهای ما آسانی را و انجام ده برای ما بنیکبختی تا پایان زندگانی ما و بتحقیق که پذیرفتی اندک را از

اَعْمَالِنَا وَبَلِّغْنَا بِرَحْمَتِكَ اَفْضَلَ اٰمَالِنَا اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى

کردارهای ما و برسان ما را بر بخشایش خود بهترین امیدهای ما بدرستی که تو بر همه چیز توانائی و درود دهد

اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست

خدا بر مهتر ما محمد و خاندان او و سلام ... که هر که روز بیست و هشتم ماه رجب را

روزه دارد کفارهٔ نود سال گناه او گردد و هر که روز بیست و نهم را روزه بدارد

کفارهٔ صد سال گناه او باشد و هر که روز سی ام این ماه را روزه دارد حق تعالی

گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در روز آخر نماز سلمان سنت بنحوی که

در اول مذکور شد و اگر احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم نیز احتیاطا

بکند و در کتب دعوات از برای هر شب اینماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند چون سند

معتبری بنظر نرسیده است نخواستم ایراد نمایم و چون بسیار مشهور است اینها

بر سبیل اجمال و اگر کسی بقصد آنکه مطلق صلوة خوبست بکند بد نیست شب اول

سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه جحد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه

توحید یعنی قل هو الله احد دویم دو رکعت با حمد و جحد سیم ده رکعت با حمد

و پنج مرتبه سوره اذا جاء نصر الله در هر رکعت چهارم صد رکعت در هر دو رکعت

در اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دویم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس

پنجم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید ششم دو رکعت

در هر رکعت بعد از حمد هفت نوبت آیة الکرسی هفتم چهار رکعت در هر رکعت بعد

از حمد و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه تسبیحات

اربعه هشتم بیست رکعت در هر رکعت یکحمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه نهم

دو رکعت بحمد و پنج نوبت الهکم التکاثر دهم دوازده رکعت بعد از مغرب با حمد

و سه مرتبه توحید یازدهم دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی

دوازدهم دو رکعت با حمد و آیة آمن الرسول ده مرتبه سیزدهم ده رکعت در هر

دو رکعت در رکعت اول بعد از حمد سوره و العادیات و در دویم الهکم التکاثر

چهاردهم سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید و آیه قل انما انا بشر

مثلکم یوحی تا آخر سوره پانزدهم و شانزدهم و هفدهم سی رکعت با حمد و ده مرتبه

سوره توحید در هر رکعت هجدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از سوره حمد

توحید و معوذتین هر یک ده مرتبه نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد

پانزده مرتبه توحید وایة الکرسی **بیستم** دو رکعت در هر رکعت سوره حمد و پنج مرتبه
انا انزلناه **بیست و یکم** شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک
الکوثر و ده مرتبه توحید **بیست و دویم** هشت رکعت در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد
و هفت مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات بر محمد
و آل محمد و ده مرتبه استغفار **بیست و سیم** دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه
سوره والضحی **بیست و چهارم** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد ایة امن الرسول و سوره
توحید یکمرتبه **بیست و پنجم** بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت
حمد و ایة امن الرسول و سوره توحید یکمرتبه **بیست و ششم** دوازده رکعت در هر رکعت
بعد از حمد چهل مرتبه توحید **بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم** دوازده رکعت
در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره اعلی و ده مرتبه سوره انا انزلناه و بعد از تمام
کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه استغفار **سی ام**
ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید و در هر یک از این نمازها ثوابهای
بسیار مذکور است و بنابر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم و جمیع نوافل که مذکور میشود
هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که طولی دارد و میان نماز شام و خفتن واقع شده است
و باید بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود ذکر کردنش خالی از اشکالی نیست لهذا
نماز مشهور شب رغایب را در این رساله ایراد ننمودم با آنکه از طریق عامه نقل شده است
و معتبر نیست **باب دویم** در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک شعبان و ایام و لیالی
آنست و در آن نیز پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضیلت این ماه است و ثواب
روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از ماه رجبست و منسوبست بحضرت سید
انبیا صلی الله علیه و اله چنانچه منقولست از حضرت صادق که چون حضرت رسول
ماه شعبان را مشاهده مینمود امر میفرمود ندا کننده را که ندا کند در میان مردم که ای اهل

مدینه

اعمال ماه شعبان

مدینه من رسولم از جانب رسول خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه منست
خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المؤمنین فرمود که از روزی
که ندای منادی آنحضرت را شنیدم روزه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد
و فرمود که روزه ماه شعبان و ماه رمضان توبه ایست از جانب خدا برای جمیع گناهان
و ایضا منقولست از ام سلمه که حضرت رسول هیچ ماه را تمام روزه نمیداشت مگر ماه
شعبان که آن را وصل میکرد بماه رمضان و ایضا منقولست که از آنحضرت سؤال کردند
که کدام روزه از روزهای سنت افضل است فرمود که روزه شعبان برای تعظیم ماه
رمضان و از حضرت امام محمد باقر منقولست که حضرت رسول شعبان را روزه میداشت
و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان
گذشته و آینده است و ایضا از حضرت باقر منقولست که هر که ماه شعبان را روزه دارد
او را پاک گرداند از هر لغزشی و از قسمهای معصیت و از قسمهای دیگر و وقت غضب و از حضرت
رسالت پناه منقولست که ماه شعبان ماهیست شریف و آن ماه منست و حاملان
عرش الهی آنرا تعظیم مینمایند و حق حرمت آنرا میشناسند و آن ماهیست که زیاد
میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت میکنند در آن بهشتها را
و از آن شعبان نام کرده اند برای آنکه متشعب و بسیار میگردد در آن روزیهای مؤمنان
و حسنه در آن ماه مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن ریخته میگردد و آمرزیده
میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند بسوی روزه
داران و عبادت کنندگان این ماه پس مباهات میکند بایشان با حاملان عرش
پس در فضیلت روزه هر روز از این ماه آنقدر فرمود که ذکرش موجب تطویل کلام است
و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که روزه شعبان ذخیره بنده است از برای
روز قیامت و هر بنده که در شعبان روزه بسیار بگیرد البته حق تعالی امر معیشت

اورا باصلاح آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه دار
روزی از شعبان میدهند آنست که بهشت از برای او واجب گردد و بسندهای معتبر
از آنحضرت منقولست که حضرت رسول فرمود که ماه شعبان ماه منست و ماه رمضان
ماه خداست پس هر که یکروز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت و هر که
دو روز از ماه من روزه بدارد او را ندا کنند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناه نداری
و بسند عالی از حضرت امام رضا منقولست که هر که یکروز شعبان را از برای خدا روزه
بدارد داخل بهشت شود و هر که در یکروز شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در
قیامت در زمره حضرت رسول محشور شود و گرامی داشتن خدا او را واجب گردد
و هر که در شعبان تصدق بکند اگر چه بنصف دانه خرما باشد خدا بدن او را از آتش
جهنم حرام گرداند و هر که سه روز از آخر شعبان را روزه دارد و وصل کند بماه رمضان
خدا ثواب روزه دو ماه متصل برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از
اسامه پرسیدند که کدام ماه را حضرت رسول زیاده از ماههای دیگر روزه میگرفت
گفت ماه شعبان را و میفرمود که مردم از آن غافلند و آن ماهیست که در آن ماه عملها
بسوی خدا بالا میرود و دوست میدارم که عمل من بالا رود در وقتیکه روزه باشم
و ایضا روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند از روزه رجب فرمود که چرا غافلید
از روزه شعبان یعنی افضلست از آن و ایضا روایت کرده است که بسند معتبر از
حضرت خیر البشر که فرمود که شعبان ماه منست هر که از ماه من یکروز روزه دارد بهشت
او را واجب گردد و هر که دو روز روزه دارد در قیامت از رفیقان پیغمبران و صدیقان
باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد و پیوند کند بماه رمضان توبه او باشد از هر گناه
کوچک و بزرگی هر چند داخل خون حرام شده باشد که او را نفع میدهد و بسند
صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که هر که سه روز از ماه شعبان را روزه دارد

بهشت او را واجب گردد و رسول خدا شفیع او باشد در قیامت و ایضا بسند بسیار
معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام
زین العابدین اصحاب خود را جمع مینمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من میدانید
این چه ماهیست این ماه شعبانست و حضرت رسول میفرمود شعبان ماه منست پس
روزه بدارید این ماه را از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود
بحق آنخداوندی که جان علی بن الحسین بدست اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم
از پدرم حسین بن علی که گفت شنیدم از امیر المؤمنین که هر که روزه دارد شعبان را
از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند
بکرامت خود در روز قیامت و بهشت را از برای او واجب گرداند و ایضا از حضرت
امیر المؤمنین روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه منست و ماه
رمضان ماه خداست پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در روز قیامت
و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی مونس او گردد در وحشت قبر و او را تنها
نگذارد و از قبر بیرون آید با روی سفید نورانی و نامه عمل او را بدست راست او
دهند و نامه مخلد بودن در بهشت را بدست چپ او دهند تا آنکه او را نزد عرش الهی
حاضر سازند پس حق تعالی او را ندا کند که ای بنده من او بگوید لبیک ای خداوند من پس
خدا فرماید که روزه داشتی از برای من گوید بلی ای آقای من پس خدای جلیل ندا کند
ملائکه را که بگیرید دست بنده مرا و ببرید بنزد پیغمبر من پس بیاورند او را بنزد من پس با او
بگوید روزه داشتی ماه مرا او بگوید بلی من بگویم او را که من امروز شفاعت میکنم ترا پس حق تعالی
فرماید که من حقوق خود را ببنده خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از او عفو کند
من آنقدر عوض باو بدهم که او راضی شود پس دست او را بگیرم و بیاورم بنزد صراط
پس ببینم که صراط لغزنده است و میلرزد و پای گناهکاران بر آن بند نمیشود پس دست

او را بکیرم ملکی که موکل است بر صراط کوید کیست اینمرد من کویم فلان کرامت
از امت من که در دنیا ماه مرا روزه کرفته است از برای طلب وعده خدا و بامید
شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته است از برای طلب وعده خدا پس او را
از صراط بکذرانم بعفو خدا تا آنکه او را بدر بهشت برسانم پس رضوان کوید که امروز
روزیست که در را برای امت تو بکشایم و او را داخل بهشت کنم پس حضرت امیرالمؤمنین
فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما کردد در قیامت و روزه
بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سر بمهر بهشت **فصل دوم** در بیان اعمال
هر روز ماه شعبانست بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که هر روز از ماه
شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند کناهانش آمرزیده شود اکرچه بعدد ستارههای
آسمان باشد و در کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول
فرمود که شعبان ماه منست پس در اینماه بسیار بفرستید صلوات بر من و بر آل من
و شعبان را ماه شفاعت میکویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در اینماه
صلوات بر او و بر آل او بفرستد و از حضرت صادق منقولست که بهترین دعاها در ماه
شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه
چنان باشد که در ماههای دیکر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد مردی پرسید
که چکونه بکویم فرمود که بکو استغفر الله واسئله التوبة و بسندهای معتبر
از حضرت امام رضا منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بکوید این
استغفار را بنویسد حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بکذرانند او را از صراط
و داخل بهشت کردانند او را و بسندهای معتبر استغفر الله الذی لا اله الا
منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان بکوید آمرزش میخواهم از خدائی که نیست خدائی مکر
هو الرحمن الرحیم الحی القیوم واتوب الیه حق تعالی روح او را در افق مبین
خدای بخشنده مهربان پاینده و توانا و بازکشت بسوی اوست جا دهد و آن فضائی وسیعیست

در پیش

در پیش عرش و در آن فضا نهرها جاریست و قدحها در کنار آن نهرهاست بعدد
ستارههای آسمان و در بعضی از روایات الحی القیوم بعد از الرحمن الرحیم است و هر روز
خوبست و بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین در هر روز ماه شعبان در وقت
زوال و در شب نیمه آن اللهم صل علی محمد وآل محمد شجرة النبوة وموضع
این صلوات را میخواند بار خدایا درود ده بر محمد و خاندان محمد درخت پیغمبری و جایگاه
الرسالة ومختلف الملائکة ومعدن العلم واهل بیت الوحی اللهم صل
فرستادگی و آمد شد گاه فرشتکان و کان دانش و کسان خانه پیغام بار خدایا درود
علی محمد وآل محمد الفلک الجاریة فی اللجج الغامرة یامن من رکبها ویغرق
بر محمد و خاندان محمد کشتیهای روان در دریاهای پر آب ایمن میماند کسی که سوار آن شود و غرق میشود
من ترکها المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق
کسی که ترک کند ایشان را [illegible]
اللهم صل علی محمد وآل محمد الکهف الحصین وغیاث المضطر المستکین
بار خدایا درود ده بر محمد و خاندان محمد پناه استوار و فریادرس بیچارگان درویشان
وملجأ الهاربین ومنجی الخائفین وعصمة المعتصمین اللهم صل علی محمد وآل
و پناه کریختگان و [illegible] ترسندگان [illegible] بار خدایا درود ده بر محمد و خاندان
محمد صلوة کثیرة طیبة تکون لهم رضا ولحق محمد وآل محمد اداء و
محمد درود بسیار پاکیزه که باشد ایشانرا خوشنودی [illegible] محمد و آل محمد [illegible]
قضاء بحول منک وقوة یا رب العالمین اللهم صل علی محمد وآل محمد الطیبین
[illegible] بار خدایا درود ده بر محمد و خاندان محمد پاکان
الابرار الاخیار الذین اوجبت لهم حقوقهم وفرضت طاعتهم وولایتهم
نیکوکاران بهتران که [illegible]
اللهم صل علی محمد وآل محمد واعمر قلبی بطاعتک ولا تخزنی بمعصیتک
بار خدایا درود ده بر محمد و خاندان محمد و آبادان کردان دل مرا بفرمانبرداری خود و رسوا مکن مرا بنافرمانی
وارزقنی مواساة من قترت علیه من رزقک بما وسعت علی من فضلک
[illegible]
ونشرت علی من عدلک واحییتنی تحت ظلک وهذا شهر نبیک
[illegible] و این ماه پیغمبر تست

سید رسلك صلواتك علیه وآله شعبان الذی حففته منك و
بالرحمة والرضوان الذی كان رسول الله صلی الله علیه وآله یداب
فی صیامه وقیامه فی لیالیه وایامه بخوعا فی اكرامه واعظامه الی
محل حمامه اللهم فاعنا علی الاستنان بسنته فیه ونیل الشفاعة
لدیه اللهم فاجعله لی شفیعا مشفعا وطریقا الیك مهیعا واجعلنی
له متبعا حتی القاك یوم القیمة عنی راضیا وعن ذنوبی غاضیا
قد اوجبت لی منك الرحمة والرضوان وانزلتنی دار القرار ومحل
الاخیار وسید بن طاوس بسند معتبر از ابن خالویه روایت کرده است که این مناجات
حضرت امیر المؤمنین و امامان از فرزندان اوست که در ماه شعبان میخواندند
اللهم صل علی محمد وآل محمد واسمع دعائی اذا دعوتك واسمع ندائی
اذا نادیتك واقبل علی اذا ناجیتك فقد هربت الیك ووقفت
بین یدیك مستكینا متضرعا الیك راجیا لما لدیك ثوابی وتعلم ما
فی نفسی وتخبر حاجتی وتعرف ضمیری ولا یخفی علیك امر منقلبی
ومثوای وما ارید ان ابدئ به من منطقی واتفوه به من طلبتی وارجوه
لعاقبتی وقد جرت مقادیرك علی یا سیدی فیما یكون منی الی آخر

عمری من سریرتی وعلانیتی وبیدك لا بید غیرك زیادتی ونقصی و
نفعی وضری الهی ان حرمتنی فمن ذا الذی یرزقنی وان خذلتنی فمن
ذا الذی ینصرنی الهی اعوذ بك من غضبك وحلول سخطك الهی
ان كنت غیر مستاهل لرحمتك فانت اهل ان تجود علی بفضل سعتك
الهی كانی بنفسی واقفة بین یدیك وقد اظلها حسن توكلی علیك
فقلت ما انت اهله وتغمدتنی بعفوك الهی ان عفوت فمن اولی
منك بذلك وان كان قد دنا اجلی ولم یدننی منك عملی فقد جعلت
الاقرار بالذنب الیك وسیلتی الهی قد جرت علی نفسی فی النظر لها
فلها الویل ان لم تغفر لها الهی لم یزل برك علی ایام حیوتی فلا تقطع
برك عنی فی مماتی الهی كیف آیس من حسن نظرك لی بعد مماتی و
انت لم تولنی الا الجمیل فی حیوتی الهی تول من امری ما انت اهله
وعد بفضلك علی مذنب قد غمره جهله الهی قد سترت علی ذنوبا
فی الدنیا وانا احوج الی سترها علی منك فی الاخری الهی قد احسنت
الی اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحین فلا تفضحنی یوم القیمة

على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي وعفوك افضل من عملي
الهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك الهي اعتذاري اليك
اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل عذري يا كريم يا اكرم
من اعتذر اليه المسيئون الهي لا ترد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا
تقطع منك رجائي واملي الهي لو اردت هواني لم تهدني ولو اردت
فضيحتي لم تعافني الهي ما اظنك تردني في حاجة قد افنيت عمري في طلبها
منك الهي فلك الحمد ابدا ابدا دائما سرمدا يزيد ولا يبيد كما تحب و
ترضى الهي ان اخذتني بجرمي اخذتك بعفوك وان اخذتني بذنوبي
اخذتك بمغفرتك وان ادخلتني النار اعلمت اهلها اني احبك الهي
ان كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في جنب رجائك املي
الهي كيف انقلب من عندك بالخيبة محروما وقد كان حسن ظني
بجودك ان تقلبني بالنجاة مرحوما الهي وقد افنيت عمري في شرة
السهو عنك وابليت شبابي في سكرة التباعد منك الهي فلم استيقظ
ايام اغتراري بك وركوني الى سبيل سخطك الهي وانا عبدك

وابن

وابن عبدك قائم بين يديك متوسل بكرمك اليك الهي انا عبد اتنصل
اليك مما كنت اواجهك به من قلة استحيائي من نظرك واطلب العفو
منك اذ العفو نعت لكرمك الهي لم يكن لي حول فانتقل به عن معصيتك
الا في وقت ايقظتني لمحبتك وكما اردت ان اكون كنت فشكرتك
بادخالي في كرمك ولتطهير قلبي من اوساخ الغفلة عنك الهي انظر
الي نظر من ناديته فاجابك واستعملته بمعونتك فاطاعك يا قريبا
لا يبعد عن المغتر به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه الهي هب لي قلبا
يدنيه منك شوقه ولسانا يرفع اليك صدقه ونظرا يقربه منك
حقه الهي ان من تعرف بك غير مجهول ومن لاذ بك غير مخذول ومن
اقبلت عليه غير مملوك الهي ان من انتهج بك لمستنير وان من
اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك يا الهي فلا تخيب ظني من رحمتك
ولا تحجبني عن رافتك الهي اقمني في اهل ولايتك مقام من رجا
الزيادة في محبتك الهي والهمني ولها بذكرك الى ذكرك واجعل
همتي الى روح نجاح اسمائك ومحل قدسك الهي بك عليك الا

اَلْحَقْنِی بِمَحَلِّ اَهْلِ طاعَتِکَ وَالْمَثْوَی الصّالِحِ مِنْ مَرْضاتِکَ فَاِنّی لا اَقْدِرُ
لِنَفْسی دَفْعاً وَلا اَمْلِکُ لَها نَفْعاً اِلهی اَنَا عَبْدُکَ الضَّعیفُ الْمُذْنِبُ وَ
مَمْلُوکُکَ الْمُنیبُ الْمَعیبُ فَلا تَجْعَلْنی مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَکَ وَحَجَبَهُ
سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِکَ اِلهی هَبْ لی کَمالَ الْاِنْقِطاعِ اِلَیْکَ وَاَنِرْ اَبْصارَ
قُلُوبِنا بِضِیاءِ نَظَرِها اِلَیْکَ حَتّی تَخْرِقَ اَبْصارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ
فَتَصِلَ اِلی مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ وَتَصیرَ اَرْواحُنا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِکَ
اِلهی وَاجْعَلْنی مِمَّنْ نادَیْتَهُ فَاَجابَکَ وَلاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلالِکَ
فَناجَیْتَهُ سِرّاً وَعَمِلَ لَکَ جَهْراً اِلهی لَمْ اُسَلِّطْ عَلی حُسْنِ ظَنّی قُنُوطَ
الْاَیاسِ وَلاَ انْقَطَعَ رَجائی مِنْ جَمیلِ کَرَمِکَ اِلهی اِنْ کانَتِ الْخَطایا
قَدْ اَسْقَطَتْنی لَدَیْکَ فَاصْفَحْ عَنّی بِحُسْنِ تَوَکُّلی عَلَیْکَ اِلهی اِنْ حَطَّتْنِی
الذُّنُوبُ مِنْ مَکارِمِ لُطْفِکَ فَقَدْ نَبَّهَنِی الْیَقینُ اِلی کَرَمِ عَطْفِکَ
اِلهی اِنْ اَنامَتْنِی الْغَفْلَةُ عَنِ الْاِسْتِعْدادِ لِلِقائِکَ فَقَدْ نَبَّهَتْنی
الْمَعْرِفَةُ بِکَرَمِ آلائِکَ اِلهی اِنْ دَعانی اِلَی النّارِ عَظیمُ عِقابِکَ فَقَدْ
دَعانی اِلَی الْجَنَّةِ جَزیلُ ثَوابِکَ اِلهی فَلَکَ اَسْئَلُ وَاِلَیْکَ اَبْتَهِلُ وَاَرْغَبُ

وَاَسْاَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَنی مِمَّنْ یُدیمُ ذِکْرَکَ وَلا
یَنْقُضُ عَهْدَکَ وَلا یَغْفُلُ عَنْ شُکْرِکَ وَلا یَسْتَخِفُّ بِاَمْرِکَ اِلهی وَاَلْحِقْنی
بِنُورِ عِزِّکَ الْاَبْهَجِ فَاَکُونَ لَکَ عارِفاً وَعَنْ سِواکَ مُنْحَرِفاً وَمِنْکَ خائِفاً
مُراقِباً یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطّاهِرینَ
وَسَلَّمَ تَسْلیماً کَثیراً و این از مناجاتهای جلیل القدر است و بر مضامین عالیه
دددود فرستادن بسیار مشتملست و در همه اوقات که حضور قلبی باشد خواندن
مناسبست و از حضرت رسول منقولست که لا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَلا نَعْبُدُ اِلّا
هر که در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید نیست خدایی مگر خدای بیهمتا و نمی پرستیم مگر او را
اِیّاهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ حق تعالی عبادت هزار ساله
و بس پاک کرده شدگان از برای او دین را و اگرچه ناخوش دارند آنرا کافران در نامهٔ عمل او بنویسد و گناه
هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید با روی نورانی مانند ماه شب چهارده
و او را صدیق بنویسد و بسند معتبر منقولست که از حضرت صادق سؤال کردند
از فضیلت روزهٔ رجب حضرت فرمود چرا غافلید از روزهٔ شعبان راوی گفت یا ابن
رسول الله چه ثواب دارد کسیکه یک روز شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت ثواب
اوست گفت یا ابن رسول الله بهترین عملها در این ماه چیست فرمود تصدق کردن و طلب
آمرزش نمودن هر که در این ماه تصدقی بکند حق تعالی آنرا تربیت میکند چنانکه
یکی از شما شتر بچهٔ خود را تربیت کند تا آنکه در قیامت مانند کوه احد بصاحبش
برسد **فصل سیم** در فضایل و اعمال ایام مخصوصهٔ اول ماهست تا ایام
البیض بسندهای معتبر منقولست از حضرت صادق که هر که روز اول ماه شعبان را
روزه دارد بهشت او را واجب گردد البته و از حضرت امام رضا علیه السلام

منقولست استحباب روزه سه روز اول و سه روز میان و سه روز آخر ماه و از
حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که رسول خدا ص فرمود که در هر پنجشنبه ماه شعبان
زینت میکنند آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را
و دعای ایشان را مستجاب گردان و روز سیم ماه شعبان روز بسیار مبارکیست و
موافق مشهور روز ولادت حضرت امام حسین است و از حضرت صاحب الامر ع
فرمانی بیرون آمد که روز سیم ماه شعبان روز ولادت حضرت امام حسین است پس
روزه بدار و بدان دعا بخوان اللهم انی اسئلک بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته
بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بحق زائیده شده در این روز وعده داده شده بکشته شدنش
قبل استهلاله و ولادته بکته السماء و من فیها و الارض و من علیها
پیش از گریستن او و زائیده شدن گریست برو آسمان و کسی که در آنست و زمین و کسی که بر آنست
و لما یطأ لابتیها قتیل العبرة و سید الاسرة الممدود بالنصرة یوم الکرة
و هنوز پا ننهاده بود در میان دو سنگستان کشته شده با گریه و بزرگ خویشان یاری کرده شده بیاری کردن روز برگشتن
المعوض من قتله ان الائمة من نسله و الشفاء فی تربته و الفوز معه
داده شده عوض کشته شدنش که بدرستیکه امامان از فرزندان اویند و شفا میباشد در خاک او و رستگاری با او است
فی اوبته و الاوصیاء من عترته بعد قائمهم و غیبته حتی یدرکوا الاوتار
در بازگشتنش و جانشینان از فرزندانش بعد از قائم ایشان و غایب شدنش تا دریابند کینه خواهی
و یثأروا الثار و یرضوا الجبار و یکونوا خیر انصار صلی الله علیهم مع اختلاف
خونها و خون خواهی کنند و خشنود گردانند جبار را و باشند بهترین یاوران درود خدا بر ایشان باد با هم در شدن
اللیل و النهار اللهم فبحقهم الیک اتوسل و اسئل سؤال مقترف و
شب و روز بار خدایا پس بحق ایشان بسوی تو توسل میجویم و میخواهم خواستن گناه کننده و
معترف مسیء الی نفسه مما فرط فی یومه و امسه یسئلک العصمة الی
اعتراف کننده بد کننده بر نفس خود از آنچه تقصیر کرده در روزش و دیروزش میخواهد از تو نگاهداری تا
محل رمسه اللهم صل علی محمد و عترته و احشرنا فی زمرته و بوئنا معه دار
سپردن بخاکش بار خدایا درود ده بر محمد و فرزندانش و حشر کن ما را در گروهش و فرود آر ما را با او در سرای
الکرامة و محل الاقامة اللهم و کما اکرمتنا بمعرفته فاکرمنا بزلفته و ارزقنا
نوازش و جای ایستادن خداوندا و چنانکه نوازش کردی ما را بشناختن او نوازش کن ما را بنزدیکی او و روزی کن ما را

مرافقته و سابقته و اجعلنا ممن یسلم لامره و یکثر الصلوة علیه عند
همراهیش و پیشی گرفتنش و بگردان ما را از کسانی که گردن مینهند فرمانش را و بسیار میفرستند درود بر او نزد
ذکره و علی جمیع اوصیائه و اهل اصطفائه الممدودین منک بالعدد واصفیائه
نام بردنش و بر همه جانشینانش و برگزیدگانش که کشیده شده اند از تو بشمار
الاثنی عشر النجوم الزهر و الحجج علی جمیع البشر اللهم وهب لنا فی هذا الیوم
دوازده ستارگان درخشان و گواهان بر همه مردمان بار خدایا و ببخش ما را در این روز
خیر موهبة و انجح فیه کل طلبة کما وهبت الحسین لمحمد جده و عاذ فطرس لنا
بهترین بخشش و روا کن از برای ما در او هر خواستنی چنانکه بخشیدی حسین را بمحمد جدش و پناه برد فطرس
بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته و ننتظر اوبته آمین
بگهواره اش پس ما هم پناه آورندگانیم بقبرش بعد از او شهادت میدهیم بخاکش و چشم میداریم بازگشتنش را
رب العالمین و زیارت آنحضرت و غسل و زیارت در این روز مستحبست و کیفیت زیارت
ای پروردگار جهانیان
بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله و شیخ طوسی روایتی نقل
کرده است که حضرت امام حسین در روز پنجم این ماه متولد شده است اگر احتیاطا
هر دو روز را حرمت بدارند و اعمال را هر دو روز بعمل آورند خصوصا زیارت را بهتر است
و ایضا شیخ طوسی بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین
در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهورات چنانکه در ماه رجب
مذکور شد بر وفق این روایت اگر روزه و زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر را در این روز
بعمل آورند مناسبست **فصل چهارم** در اعمال ایام البیض ماه شعبانست یعنی سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنتست که در شب سیزدهم دو
رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت و در شب پانزدهم شش رکعت نماز بجا آورند
و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند
و در نماز سنت سورهها که از حفظ تواند خواند از روی قرآن میتوان خواند و روزه هر
سه روز سنتست و فضایل و اعمال شب پانزدهم زیاده از آنست که در این رساله احصا
توان نمود و اکتفا مینمائیم بآنچه صحیح تر است از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت

رسول فرمود که چون شب نصف شعبان شود شبش را بعبادت باستید و روزش را
روزه بدارید بدرستی که از اول تا آخر این شب از جانب حق تعالی ندا میرسد که آیا
استغفار کننده هست که طلب آمرزش کند از گناهان خود تا او را بیامرزیم آیا کسی هست
که از ما طلب روزی کند که ما روزی او را فراخ کردانیم و غسل در این شب سنت است
و از حضرت صادق منقولست که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید
که باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال این شب
زیارت حضرت امام حسین است و از حضرت امام زین العابدین منقولست که هر که خواهد
که با او مصافحه کنند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرت
امام حسین را در شب نصف شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران در این شب از خدا رخصت
میطلبند که زیارت آنحضرت بیایند و رخصت مییابند پس خوشا کسی که این بزرگواران
با او مصافحه کنند و از جمله ایشانند پنج پیغمبر اولوا العزم نوح و ابرهیم و موسی
و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین که مبعوث کردیده اند بمشرق و مغرب زمین
و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق منقولست که در شب نیمه شعبان می آمرزند
جمیع گناهان کسی را که زیارت آنحضرت کند در آنشب و اقل زیارت آنست که ببامی
یا صحرای گشاده در آید و بجانب راست آسمان و بجانب چپ و بالای سر نظر کند پس بانگشت
اشاره کند بجانب ذات قبله و بگوید اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بْنَ
درود بر تو ای ابا عبدالله الحسین درود بر تو ای پسر
رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ و اگر یکی از زیارات مبسوطه را
فرستاده خدا درود بر تو و رحمت خدا و برکاتش بعمل آورد بهتر است و از جمله
آنها اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ
این است درود بر تو ای میراث برنده آدم برگزیده خدا درود بر تو ای میراث برنده
نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اِبْراهيمَ خَليلِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
از نوح پیغمبر خدا درود بر تو ای میراث برنده ابرهیم دوست خدا درود بر تو

يا وارِثَ مُوسى كَليمِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عيسى رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
ای میراث برنده از موسی هم سخن خدا درود بر تو ای میراث برنده از عیسی روح خدا درود بر تو
يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَلِيِّ اللّٰهِ
ای میراث برنده محمد دوست خدا درود بر تو ای میراث برنده از امیر المؤمنین همه کاره خدا
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضى اَلسَّلامُ
درود بر تو ای پسر محمد برگزیده درود بر تو ای پسر علی پسندیده درود
عَلَيْكَ يا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بْنَ خَديجَةَ الْكُبْرى اَلسَّلامُ
بر تو ای پسر فاطمه زهرا درود بر تو ای پسر خدیجه بزرگ درود
عَلَيْكَ يا ثارَ اللّٰهِ وَ ابْنَ ثارِهِ وَ الْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ
بر تو ای کسی که خدا خونخواه اوست ... گواهی میدهم که تو بتحقیق بپا داشتی نماز را
وَ اٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اَطَعْتَ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ
و دادی زکوة را و فرمودی بنیکی و باز داشتی از ناشایست و فرمان بردی خدا
حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقينُ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ
تا آمد ترا مرگ ... دور کناد خدا کروهی که کشتند ترا ...
اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ اَشْهَدُ
... ای خواجه من ای اباعبدالله الحسین گواهی میدهم
اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ وَ الْاَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ
که بودی نوری در پشتهای بلند پایه و در رحمهای پاکیزه ناپاک نکردانید ترا
الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها وَ لَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّاتِ ثِيابِها وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ
روزگار نادانی ... و نپوشاند نورا از تاریکهای سخت جامهایش و گواهی میدهم که تو از
دَعائِمِ الدّينِ وَ اَرْكانِ الْمُؤْمِنينَ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ
ستونهای دین ... گواهی میدهم که تو پیشوای نیکوکار پرهیزکار پسندیده
الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ وَ اَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ
پاک ... گواهی میدهم که پیشوایان از فرزندان تو سخن پرهیزکارند
وَ اَعْلامُ الْهُدىٰ وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ وَ الْحُجَّةُ عَلىٰ اَهْلِ الدُّنْيا وَ اُشْهِدُ اللّٰهَ وَ
و نشانهای راه راست ... گواه در بر مردم این جهان و گواه میگیرم خدا و
مَلٰئِكَتَهُ وَ اَنْبِياءَهُ وَ رُسُلَهُ اَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِاِيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرايِعِ ديني
فرشتگان او را و پیغمبران او و فرستادگان او را که من بشما گرویده ام ...

وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع صلوات الله علیکم
و خاتمهای کردارم و دلم مر دل شما را گردن نهنده [illegible] فرمان بردار [illegible] درودهای خدا بر شما
وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی اجسامکم وعلی شاهدکم وعلی
و بر جانهای شما و بر کالبدهای شما و بر تنهای شما و بر پیدای شما و بر
غائبکم وعلی ظاهرکم وعلی باطنکم پس دو رکعت نماز زیارت میکند وگر
ناپیدای شما و بر آشکار شما و بر پنهان شما نماز زیارت را پیش از زیارت بکند
نیز خوبست واگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت السلام علیک یا بن
علی بن الحسین الشهید علیهما السلم بکند و بگوید درود بر تو ای پسر
رسول الله السلام علیک یا بن نبی الله السلام علیک یا بن امیر المؤمنین
فرستادهٔ خدا درود بر تو ای پسر پیغمبر خدا درود بر تو ای پسر فرمانده گروندگان
السلام علیک یا بن الحسین الشهید السلام علیک ایها الشهید السلم
درود بر تو ای پسر حسین کشته شده درود بر تو ای کشته شده درود
علیک ایها المظلوم وابن المظلوم لعن الله امة قتلتک ولعن الله امة
بر تو ای [illegible] دور کند خدا از بخشش خود گروهی که کشتند ترا و دور کند خدا [illegible]
ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به پس قصد زیارت سایر
ستم کردند [illegible] گروهی که شنیدند آنرا و خشنود شدند بدان شهداء رضی الله عنهم
بکند السلام علیکم یا اولیاء الله واحباءه السلام علیکم یا اصفیاء
وبگوید درود بر شما ای یاران خدا و دوستان او درود بر شما ای برگزیدگان
الله واوداءه السلام علیکم یا انصار دین الله السلام علیکم یا
خدا و دوستان او درود بر شما ای یاری دهندگان کیش خدا درود بر شما ای
انصار رسول الله السلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین السلام علیکم
یاری دهندگان فرستادهٔ خدا درود بر شما ای یاری دهندگان فرمانده گروندگان درود بر شما
یا انصار فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیکم یا انصار ابی محمد
ای یاری دهندگان فاطمه مهتر زنان جهانیان درود بر شما ای یاری دهندگان پدر محمد
الحسن بن علی الزکی الناصح السلام علیکم یا انصار ابی عبد الله
حسن پسر علی پاک نیکخواه درود بر شما ای یاری دهندگان حضرت امام حسین ع
بابی انتم وامی طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما
بپدرم فدای شما باد و مادرم خوش شدید و خوش شد زمینی که در آن بخاک رفتید و پیروزی یافتید [illegible]

فیالیتنی

فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم ودر شب اول و پانزدهم ماه رجب و در سیم
پس ای کاش من با شما میبودم [illegible] و پنجم ماه شعبان و شبهای ماه مبارک
رمضان و شبهای عید و سایر ایامی که زیارت آنحضرت مستحبست بهمین طریق زیارت
میتوان کرد و زیارات مبسوطه و مخصوصه را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام
هرکه خواهد بان کتاب رجوع نماید و از جملهٔ برکات این شب آنست که ولادت با سعادت
حضرت صاحب الامر در این شب واقع شده و باین سبب سنتست که این دعا را در این
شب بخوانند که بمنزلهٔ زیارت آنحضرتست اللهم بحق لیلتنا هذه ومولودها وحجتک وموعودها
بار خدایا بحق [illegible] شب ما این شب [illegible]
التی قرنت الی فضلها فضلا فتمت کلمتک صدقا وعدلا لا مبدل
[illegible]
لکلماتک ولا معقب لآیاتک نورک المتالق وضیاؤک المشرق والعلم
[illegible]
النور فی طخیاء الدیجور الغائب المستور جل مولده وکرم محتده والملائکة
شهده والله ناصره ومؤیده اذا آن میعاده والملائکة
[illegible]
امداده سیف الله الذی لا ینبو ونوره الذی لا یخبو وذو الحلم الذی
[illegible]
لا یصبو مدار الدهر ونوامیس العصر وولاة الامر والمنزل علیهم الذکر
[illegible]
وما ینزل فی لیلة القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة وحیه وولاة
[illegible]
امره ونهیه اللهم فصل علی خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم و
[illegible]
ادرک بنا ایامه وظهوره وقیامه واجعلنا من انصاره واقرن ثارنا
[illegible]
بثاره واکتبنا فی اعوانه وخلصائه واحینا فی دولته ناعمین وبصحبته
[illegible]

غانمین وبجنته فائزین ومن السوء سالمین یا ارحم الراحمین والحمد لله رب

العالمین وصلی الله علی محمد خاتم النبیین والمرسلین وعلی اهل بیته

الصادقین وعترته الناطقین والعن جمیع الظالمین واحکم بیننا و

بینهم یا احکم الحاکمین وزید شهید روایت کرده که پدرم امام زین العابدین

ماها همه را در شب نیمه شعبان نزد خود جمع میکرد و

شب را سه حصه میکرد و در ثلث اول شب نماز میکرد و در ثلث دوم دعا میکرد

وما آمین میگفتیم بر دعای او و در ثلث آخر استغفار وطلب آمرزش میکرد وما نیز

استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب ونمازهای این شب

بسیار است واز جمله آنها چهار رکعت هر دو رکعت بیک سلام وسی نفر از اصحاب

حضرت صادق این نماز را از آنحضرت روایت کرده اند و در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه

سوره قل هو الله احد بخواند اللهم انی الیک فقیر ومن عذابک خائف و

وبعد از نماز این دعا بخواند

بک مستجیر رب لا تبدل اسمی ولا تغیر جسمی رب لا تشمت بی اعدائی

اعوذ بعفوک من عذابک واعوذ برضاک من سخطک واعوذ بک منک

جل ثناؤک انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون فیک

وبروایت دیگر باز چهار رکعت بدو سلام در هر رکعت بعد از حمد دویست وپنجاه

مرتبه قل هو الله احد یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه بخواند وبعد از نماز این دعا بخواند

اللهم انی الیک فقیر وانی من عذابک خائف وبک مستجیر رب لا

تبدل اسمی ولا تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی اللهم انی اعوذ

بعفوک من عقوبتک واعوذ برضاک من سخطک واعوذ برحمتک من عذابک

واعوذ بک منک لا اله الا انت جل ثناؤک ولا احصی مدحتک ولا

الثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون

رب صل علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا وکذا وبجای کذا وکذا حاجات

خود را یاد کند واگر این

نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله بعمل آورد موافق میشود با نماز حضرت امیر المؤمنین

ودر فضیلت آن احادیث بسیار است وبسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبهاست بعد از شب قدر وحقتعالی فضل

خود را در این شب ببندگان عطا مینماید وباحسان خود گناهان ایشان را می آمرزد

پس سعی کنید در عبادت درین شب که این شبی است که حقتعالی بذات مقدس خود

سوگند یاد کرده است که سائلی را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه معصیتی از خدا

طلب نماید واین شب را خدا برای ما اهل بیت قرار داده است بازای شب قدر که از

برای پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام نمائید در این شب در دعا کردن وثنا بر خدا

بدرستی که هر که در این شب صد مرتبه سبحان الله وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه

الله اکبر وصد مرتبه لا اله الا الله بگوید حقتعالی گناهان گذشته او را بیامرزد

وحاجتهای دنیا وآخرت او را برآورد خواه طلب نماید وخواه ننماید راوی پرسید

که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود که بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بکن

ودر رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون ودر رکعت دوم سوره

قل هو الله احد بخوان وبعد از سلام سی وسه مرتبه سبحان الله وسی وسه مرتبه

الحمد لله وسی وچهار مرتبه الله اکبر بگوید واگر بترتیب تسبیح حضرت فاطمه بخواند ظاهرا

خوب باشد پس ایندعا بخوان يا من اليه ملجأ العباد في المهمات واليه يفزع الخلق

ای کسی که بسوی او پناه بندگان در کارها و بسوی وی پناه آورده‌گان

في الملمات يا عالم الجهر والخفيات يا من لا يخفى عليه خواطر الاوهام

در دشوارها ای دانای آشکار و نهانها ای کسی که پوشیده نیست بر او گذرندهای پندارها

وتصرف الخطرات يا رب الخلائق والبريات يا من بيده ملكوت الارضين

و بازگشت در دل افتادنها ای پروردگار آفریدگان و مردمان ای کسی که در دست اوست پادشاهی زمینها

والسموات انت الله لا اله الا انت امتّ اليك بلا اله الا انت فيا لا

[illegible]

اله الا انت اجعلني في هذه الليلة ممن نظرت اليه فرحمته وسمعت

[illegible]

دعاءه فاجبته وعلمت استقالته فاقلته وتجاوزت عن سالف

[illegible]

خطيئته وعظيم جريرته فقد استجرت بك من ذنوبي ولجأت اليك

[illegible]

في ستر عيوبي اللهم فجد علي بكرمك وفضلك واحطط خطاياي

[illegible]

بحلمك وعفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ كرامتك واجعلني

[illegible]

فيها من اوليائك الذين اجتبيتهم لطاعتك واخترتهم لعبادتك و

[illegible]

جعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلني ممن سعد جده وتوفر من

[illegible]

الخيرات حظه واجعلني ممن سلم فنعم وفاز فغنم واكفني شر ما اسلفت

[illegible]

واعصمني من الازدياد في معصيتك وحبب الي طاعتك وما يقربني

[illegible]

منك ويزلفني عندك سيدي اليك ملجأ الهارب ومنك ملتمس

[illegible]

الطالب

الطالب وعلى كرمك يعول المستقيل التائب ادبت عبادك بالتكرم

[illegible]

وانت اكرم الاكرمين وامرت بالعفو عبادك وانت الغفور الرحيم

و تویی بزرگوارترین بزرگواران و فرموده [illegible]

اللهم فلا تحرمني ما رجوت من كرمك ولا تؤيسني من سابغ نعمك ولا

[illegible]

تخيبني من جزيل قسمك في هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلني في جنة

[illegible]

من شرار بريتك رب ان لم اكن من اهل ذلك فانت اهل الكرم والعفو

[illegible]

والمغفرة وجد علي بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن ظني بك

[illegible]

وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك وانت ارحم الراحمين واكرم

[illegible]

الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك بجزيل قسمك واعذني بعفوك

[illegible]

من عقوبتك واغفر لي الذنب الذي يحبس علي الخلق ويضيق علي الرزق

عنی ال / ازمن

[illegible]

حتى اقوم بصالح رضاك وانعم بجزيل عطائك واسعد بسابغ نعمائك

[illegible]

فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك من عقوبتك

[illegible]

وبحلمك من غضبك فجد لي بما سألتك وانل ما التمست منك اسألك

[illegible]

بك لا بشيء هو اعظم منك پس بسجده میروی ومیگوئی یا رب بیست مرتبه

[illegible]

یا الله هفت مرتبه یا رب محمد هفت مرتبه

لا قوة الا بالله ده مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله هفت مرتبه ما شاء الله لا

نوح الا بالله ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرست آنچه خواهی و
حاجت خود را از خدا بطلب و بخدا سوگند که اگر بعدد قطرات باران حاجت
بطلبی حق تعالی ترا بآنها برساند بکرم و فضل خود و بروایت دیگر بعد از هفت مرتبه
یا الله هفت مرتبه بگوید یا رب محمد الهی تعرض لک فی هذا اللیل
و شیخ گفته است پس بگو خدایا من پیش آمدند ترا در این شب
المتعرضون و قصدک القاصدون و امل فضلک و معروفک
پیش آیندگان و اهل کردند ترا آمل کنندگان و امید داشتند بخشش ترا و نیکی ترا
الطالبون و لک فی هذا اللیل نفحات و جوائز و عطایا و مواهب
جویندگان و تراست در این شب رحمتها و جایزها و دادنها و بخششها که
تمن بها علی من تشاء من عبادک و تمنعها من لم تسبق له العنایة
منت میگذاری بآنها بر کسی که میخواهی از بندگانت و باز میداری آنها را از کسی که پیشی نگرفته مر او را عنایت
منک و ها انا ذا عبیدک الفقیر الیک المؤمل فضلک و معروفک
از تو و اینک منم این بنده تو نیازمند بسوی تو امیدوار بخشش تو و نیکی ترا
فان کنت یا مولای تفضلت فی هذه اللیلة علی احد من خلقک
پس اگر باشی ای خداوند من چنین کنی در این شب بر یکی از آفریدگانت
وعدت علیه بعائدة من عطفک فصل علی محمد و آل محمد
و نیکی کنی بر او بنیکوی از مهربانیت پس درود ده بر محمد و خاندان محمد
الطیبین الطاهرین الخیرین الفاضلین و جد علی بطولک و معروفک
پاکیزگان پاکان بهتران افزونان و بخش بر من بمهربانیت و نیکی خود
یا رب العالمین و صل علی محمد خاتم النبیین و آله الطاهرین
ای پروردگار جهانیان و درود ده بر محمد آخر پیغمبران و کسان او پاک شده
و سلم تسلیما ان الله حمید مجید اللهم انی ادعوک کما امرت
و درود ده درود ... بدرستی که خدا ستوده بزرگوار است بار خدایا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه فرمودی
فاستجب لی کما وعدت انک لا تخلف المیعاد مولف گوید این دعای
پس اجابت کن مرا چنانکه تو بدادی وعده مرا بدرستیکه تو خلاف نمیکنی نوید دادنها را
بسیار خوبیست و
از دعاهای این شبست و اما ظاهرا جزو آن عمل سابق نیست و ابن بابویه

از حضرت

از حضرت امام حسن مجتبی روایت کرده است که جبرئیل بر حضرت رسول ص
نازل شد و گفت یا محمد امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت
نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره
قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند اللهم لک سجد سوادی و خیالی و
بار خدایا از برای تو سجده افتاد کالبد من و وهم من و
بیاضی یا عظیم کل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرک
و سفیدی من ای بزرگ هر بزرگی بیامرز مرا گناه بزرگ مرا پس بدرستیکه نمی آمرزد آنرا جز تو
یا عظیم پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از او هفتاد و دو هزار
ای بزرگ گناه را و مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسند و محو کند از پدر
و مادرش هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نمازیست که عامه و خاصه از
حضرت رسول روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب
بودم جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد آیا بخواب میروی در این شب گفتم
این چه شبیست گفت شب نیمه شعبان است پس برخیزانید مرا و برد بسوی
قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستی که این شبی است
که درهای آسمان گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خوشنودی
خدا و درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان و درگاه توبه و درگاه
نعمت و درگاه جود و بخشش و می آمرزد حق تعالی از بندگان در این شب بعدد
موهای چهارپایان و پشمهای ایشان ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن
الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله و الحمد لله و نماز کردن و قرآن خواندن
و طلب آمرزش کردن و استغفار نمودن بهشت در آخرت جای او باشد
و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که در این شب صد رکعت
نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه

سورهٔ قل هو الله احد بخواند و چون از همه فارغ شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه
سورهٔ حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی صد گناه کبیره هلاک
کنندهٔ او را بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی قصری در بهشت باو عطا کند
و شفاعت او را قبول کند در صد نفر از اهل خانهٔ او و خویشان او و شریک
گرداند او را در ثواب شهیدان و ثواب روزه داران ایام و عبادت کنندگان
ایام را باو عطا کند بجای آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود پس احیا کن این شب را
ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند آنرا و تقرب جویند بسوی خدا بعبادت
آن بدرستی که این شبی است بسیار شریف یا محمد من چون بنزد تو می آمدم جمیع
ملائکهٔ آسمانها پاهای خود را جفت کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند
و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند و بعضی در سجود و بعضی
مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار
یا محمد بدرستیکه حق تعالی درین شب نظر رحمت بسوی بندگان می افکند
و می آمرزد هر مؤمن را که بنماز ایستاده باشد یا نشسته مشغول بتسبیح باشد
یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول بیاد خدا باشد و این شبی است که هر که دعا
کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که سؤال کند باو عطا کرده میشود و هر که
استغفار کند آمرزیده میشود و هر که توبه کند توبه اش مقبول میگردد و محروم
کسی است که از خیر این شب محروم میگردد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که هر که در شب نیمهٔ شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار مرتبه قل هو الله احد
یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس مرده
باشد و نمیرد تا آنکه صد ملک را به بیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی سی نفر
ایشان بشارت دهند او را ببهشت و سی نفر آنها باشند که در دنیا او را از شر

شیطان نگاه میداشتند و سی نفر آنها باشند که در شب و روز برای او
استغفار میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که او را حفظ میکردند از شر
دشمنان و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این شب این دعا میخواندند
اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَمِنْ
بار خدایا بخش کن برای ما از بیمت آنچه حایل شود میان ما و میان نافرمانی کردنت و از
طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ وَمِنَ الْيَقِينِ مَا يَهُونُ عَلَيْنَا بِهِ
فرمان برداریت آنچه برسانی ما را بآن بخشنودی تو و از یقین آنچه آسان گرداند بر ما بآن
مُصِيبَاتُ الدُّنْيَا اَللّٰهُمَّ امْتِعْنَا بِاَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا مَا
ناخوشیهای دنیا بار خدایا بهره ور ساز ما را بگوشهای ما و چشمهای ما و نیروی ما تا
اَحْيَيْتَنَا وَاجْعَلْهَا الْوَارِثَ مِنَّا وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا وَانْصُرْنَا
زنده داری ما را و بگردان آنها را وارث از ما و بگردان کینه کشیدن ما بر کسی که ستم کرد ما را و یاری ده ما
عَلَى مَنْ عَادَانَا وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ
بر کسی که دشمنی کرد ما را و مگردان ناخوشیهای ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگتر
هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا بِرَحْمَتِكَ يَا
اندوه ما و نه اندازهٔ دانش ما و مسلط مکن بر ما کسی را که نبخشاید بر ما ببخشایش تو ای
اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و این دعای جامع کاملیست و متضمن جمیع مطالب دنیا
بخشاینده‌ترین بخشایندگان و آخرت هست و چون دعای کمیل ابن زیاد که از خواص حضرت
امیر المؤمنین ع است بهترین دعاهاست و از دعای این شب است و در اوقات دیگر
نیز میتوان خواندن با ترجمه در اینجا ایراد مینمایم که در وقت خواندن متذکر معانی
آن باشند تا فایده اش تمامتر و ثوابش عظیمتر باشد بدانکه سید جلیل القدر
ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل ابن زیاد گفت روزی با مولای
خود حضرت امیر المؤمنین ع در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمهٔ شعبان مذکور
شد حضرت فرمود که هر بنده که آن شب را بعبادت احیا کند و دعای حضرت
خضر ع را در آنشب بخواند البته دعای او مستجاب گردد چون حضرت بمنزل

مراجعت نمود شب بخدمتش رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای
کمیل گفتم یا امیر المؤمنین بطلب دعای خضر آمده ام فرمود که بنشین ای
کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در هر ماهی یکمرتبه یا در سالی
یکمرتبه یا در عمری یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی
و روزی داده شوی والبته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب
آن شد که ترا بچنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز کردانم پس گفت بنویس و دعا را
تلقین من نمود بسم الله الرحمن الرحیم
و دعا اینست

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم انی اسئلك برحمتك التی وسعت كل شیء وبقوتك التی
بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو بحق رحمت تو که فرا گرفته است هر چیز را و بحق قوت تو که
قهرت بها كل شیء وخضع لها كل شیء وذل لها كل شیء وبجبروتك
قهر کرده بآن هر چیز را و خاضع و منقاد گردیده است برای آن هر چیز و خوار و ذلیل شده برای آن هر چیز و بحق بزرگواری تو
التی غلبت بها كل شیء وبعزتك التی لا یقوم لها شیء وبعظمتك التی
که غالب گردیدی بآن هر چیز را و بحق ارجمندی تو که برابر آن نمی ایستد هیچ چیز و بحق بزرگواری تو که
ملأت كل شیء وبسلطانك الذی علا كل شیء وبوجهك الباقی بعد
پر کرده است هر چیز را و بحق پادشاهی تو که بلند است هر چیز را و بذات مقدس تو که باقیست بعد
فناء كل شیء وباسمائك التی ملأت اركان كل شیء وبعلمك الذی
از فنای هر چیز و بنامهای تو که پر کرده است ارکان هر چیز را و بدانائی تو که
احاط بكل شیء وبنور وجهك الذی اضاء له كل شیء یا نور یا قدوس
فرا گرفته است هر چیز را و بروشنائی ذات تو که روشن کرده است بآن هر چیز را ای روشنی و ای پاک
یا اول الاولین ویا آخر الآخرین اللهم اغفر لی الذنوب التی تهتك
ای پیشتر از پیشینیان و ای پسترین پسینیان بارخدایا بیامرز مرا گناهان را که میدرد
العصم اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل النقم اللهم اغفر لی
عصمت را بارخدایا بیامرز برای من گناهان مرا که فرو می فرستد عذابها را بارخدایا بیامرز برای من
الذنوب التی تغیر النعم اللهم اغفر لی الذنوب التی تحبس الدعاء
گناهان مرا که تغییر میدهد نعمتها را بارخدایا بیامرز برای من گناهان مرا که حبس میکند دعا را

اللهم

دعای کمیل بن زیاد علیه الرحمه

اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل البلاء اللهم اغفر لی الذنوب
بارخدایا بیامرز برای من گناهان مرا که فرو میفرستد بلاها را بارخدایا بیامرز برای من گناهان مرا
التی تقطع الرجاء اللهم اغفر لی كل ذنب اذنبته وكل خطیئة
که قطع میکند امید را بارخدایا بیامرز برای من هر گناه که کرده ام و هر خطائی که
اخطأتها اللهم انی اتقرب الیك بذكرك واستشفع بك الی
بجا آورده ام بارخدایا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی تو بیاد کردن تو و شفیع میکنم ترا بسوی ذات
نفسك واسئلك بجودك ان تدنینی من قربك وان توزعنی
تو و میخواهم از تو که نزدیک گردانی مرا بقرب تو و توفیق دهی مرا
شكرك وان تلهمنی ذكرك اللهم انی اسئلك سؤال خاضع
برای شکر خود و الهام نمائی مرا بذکر خود بارخدایا بدرستیکه میخواهم از تو سؤال کسیکه با خضوع
متذلل خاشع ان تسامحنی وترحمنی وتجعلنی بقسمك راضیا
و اظهار مذلت نماینده و خشوع کننده که عفو نمائی مرا و رحم کنی مرا و بگردانی مرا بقسمت تو
قانعا وفی جمیع الاحوال متواضعا اللهم واسئلك سؤال من اشتدت
و قناعت کننده و در تمام احوال تواضع کننده بارخدایا و میخواهم از تو سؤال کسیکه سخت شده
فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فیما عندك رغبته
فقر او و فرود آورده است بتو نزد سختیها حاجت خود را
اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك وخفی مكرك وظهر امرك
بارخدایا بزرگست پادشاهی تو و بلند است مکان تو و پنهانست مکر تو و ظاهر است امر تو
وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا یمكن الفرار من حكومتك اللهم
و غالبست قهر تو و جاریست قدرت تو و ممکن نیست گریختن از حکومت تو بارخدایا
لا اجد لذنوبی غافرا ولا لقبائحی ساترا ولا لشیء من عملی القبیح
نمی یابم برای گناهان خود آمرزنده و نه از برای قبایح خود پوشاننده و نه از برای چیزی از عمل قبیح من
بالحسن مبدلا غیرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت
بعمل نیک بدل کننده غیر تو ظلم کردم
نفسی وتجرأت بجهلی وسكنت الی قدیم ذكرك لی ومنك علی
بنفس خود و بنادانی خود و اعتماد کردم یاد کردی مرا و انعام کردی بر من
اللهم مولای كم من قبیح سترته وكم من فادح من البلاء اقلته
خداوندا ای آقای من چه بسیار از قبیح که پوشانیدی از بلاها که زایل کردی آنرا

وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست
اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت
بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي بعد املي و
خدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي فاسئلك
بعزتك ان لا يحجب عنك دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني
بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما
عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي ودوام تفريطي وجهالتي
وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك لي في الاحوال كلها
رؤفا وعلي في جميع الامور عطوفا الهي وربي من لي غيرك اسئله
كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي اجريت علي حكما اتبعت
فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى
واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض
حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي في جميع ذلك ولا
حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك وقد

اتیتک

اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما
منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا مقرا مذعنا معترفا لا اجد
مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه في امري غير قبولك
عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري
وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف
بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدا خلقي وذكري و
تربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك
بي يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك
وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من
ذكرك واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي و
دعائي خاضعا لربوبيتك هيهات انت اكرم من ان تضيع من
ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد من اويته او تسلم الى البلاء
من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي والهي ومولاي
اتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى السن

نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت
بالهيتك محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت
خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة و
اشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك ولا
اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفي عن قليل
من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على اهلها
على ان ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته
فكيف احتمالي لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو
بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله لانه لا يكون
الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم له السموات
والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك الضعيف الذليل
الحقير المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي ومولاي لاي
الامور اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب وشدته
ام لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع اعدائك

وجمعت

وجمعت بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك واوليائك
فهبني يا الهي وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف
اصبر على فراقك وهبني صبرت على حر نارك فكيف اصبر عن
النظر الى كرامتك ام كيف اسكن في النار ورجائي عفوك
فبعزتك يا سيدي ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا
لاضجن اليك بين اهلها ضجيج الآملين ولاصرخن اليك صراخ
المستصرخين ولابكين عليك بكاء الفاقدين ولانادينك
اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين
يا حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين افتراك سبحانك
يا الهي وبحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته
وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها بجرمه وجريرته
وهو يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان اهل
توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي فكيف يبقى في
العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك ورأفتك ورحمتك

أم كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك أم كيف يحرقه
لهيبها وأنت تسمع صوته وترى مكانه أم كيف يشتمل عليه زفيرها
وأنت تعلم ضعفه أم كيف يتقلقل بين أطباقها وأنت تعلم صدقه
أم كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه أم كيف يرجو فضلك
في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف
من فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك وإحسانك
فباليقين أقطع لولا ما حكمت به من تعذيب جاحديك وقضيت
به من إخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا وسلاما وما كانت
لأحد فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست أسماؤك أقسمت أن
تملأها من الكافرين من الجنة والناس أجمعين وأن تخلد فيها
المعاندين وأنت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالإنعام
متكرما أفمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون إلهي وسيدي
فأسألك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها وحكمتها و
غلبت من عليه أجريتها أن تهب لي في هذه الليلة وفي هذه

الساعة كل جرم أجرمته وكل ذنب أذنبته وكل قبيح أسررته وكل
جهل عملته كتمته أو أعلنته أخفيته أو أظهرته وكل سيئة أمرت
بإثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني و
جعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت أنت الرقيب علي من ورائهم
والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك أخفيته وبفضلك سترته
وأن توفر حظي من كل خير تنزله أو إحسان تفضله أو بر تنشره
أو رزق تبسطه أو ذنب تغفره أو خطأ تستره يا رب يا رب يا رب
يا إلهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما
بضري ومسكنتي يا خبيرا بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب أسألك
بحقك وقدسك وأعظم صفاتك وأسمائك أن تجعل أوقاتي
في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة وأعمالي
عندك مقبولة حتى تكون أعمالي وأورادي كلها وردا واحدا و
حالي في خدمتك سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من
إليه شكوت أحوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي

واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام
و محکم کن بر عزم بندگی دل مرا و ببخش مرا جد در ترس تو و مداومت
في الاتصال بخدمتك حتى اسرح اليك في ميادين السابقين
در متصل بودن در خدمت تو تا روان شوم بسوی تو در میدانهای پیش روان
واسرع اليك في المبادرين واشتاق الى قربك في المشتاقين
و شتاب کنم بسوی تو در پیش گیرندگان و مشتاق گردم بسوی قرب تو در میان مشتاقان
وادنو منك دنو المخلصين واخافك مخافة الموقنين واجتمع في
و نزدیک شوم بتو نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن صاحب یقین و گرد آیم در
جوارك مع المؤمنين اللهم ومن ارادني بسوء فارده ومن كادني
همسایگی خود با مؤمنان بار خدایا و هر که اراده مکند مرا ببدی پس اراده کن ببدی او و هر که مکر کند بمن
فكده واجعلني من احسن عبادك نصيبا عندك واقربهم منزلة
تو مکر او کن و بگردان مرا از نیکوترین بندگان تو در بهره نزد تو و نزدیکترین ایشان در مکان
منك واخصهم زلفة لديك فانه لا ينال ذلك الا بفضلك و
از تو و مخصوص ترین ایشان در قرب نزد تو زیرا که نمیتوان رسید باین مرتبه مگر بفضل تو و
جد لي بجودك واعطف علي بمجدك واحفظني برحمتك واجعل
بخشش کن برای من بجود خود و مهربانی کن بر من ببزرگواری خود و نگاهدار مرا برحمت خود و بگردان
لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن اجابتك
زبان مرا بذکر خود گویا و دل مرا بدوستی خود وابسته و منت بنه بر من بنیکی اجابت خود
واقلني عثرتي واغفر زلتي فانك قضيت على عبادك بعبادتك
و در گذر از لغزش من و بیامرز گناه مرا پس بدرستی که تو حکم کرده بر بندگان خود به بندگی خود
وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب نصبت
و امر کرده ایشان را بدعای خود و ضامن شده برای ایشان مستجاب کردن پس بسوی تو ای پروردگار بار داشته ام
وجهي واليك يا رب مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي
روی خود را و بسوی تو ای پروردگار من کشیده ام دست خود پس بعزت تو سوگند که مستجاب کن برای من دعای مرا
وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر الجن
و برسان مرا بآرزوی خود و قطع مکن مرا از فضل خود امید من و دفع کن از من بدی جنیان
والانس من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا الدعاء
و آدمیان را که از دشمنان من باشند ای زود خوشنود شونده بیامرز کسی را که از دست او نمی آید مگر دعا

فانك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته غنى
پس بدرستی که تو کننده ای هر چه خواهی ای آنکه نام او دوای دردهاست و ذکر او شفای بیماریهاست و فرمانبرداری او توانگری
ارحم من راس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا
رحم کن کسی را که سرمایه او امید است و حربه او گریه است ای صاحب نعمتهای کامل ای
دافع النقم يا نور المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد
دفع کننده عذابها ای روشنائی وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانائی که نیاموخته از کسی رحمت کن بر محمد
وآل محمد وافعل بي ما انت اهله وصلى الله على رسوله والائمة
و آل محمد و بکن بمن آنچه تو سزاوار آنی و درود فرستاد خدا بر رسول خود و پیشوایان
الميامين من آله وسلم تسليما كثيرا **فصل پنجم** در اعمال بقیه
صاحب میمنت که از آل اویند و سلام فرستاد سلام فراوان ماه است از حضرت امام رضا علیه السلام

منقولست که هر که سه روز از آخر ماه شعبان را روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب روزه دو ماه متوالی برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است که در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا رفتم حضرت فرمود که ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر آنست پس تدارک و تلافی کن در آنچه از این ماه مانده است تقصیرها را که در ایام گذشته این ماه کرده و بر تو باد که رو آوری بر آنچه نافعست برای تو در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن و توبه کن بسوی حق تعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک در آید خالص کرده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکرده مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکار امور خود و هر که توکل کند بر خدا بس است او را و بسیار اللهم ان لم تكن غفرت لنا فيما مضى
بخوان در بقیه این ماه این دعا را بار خدایا اگر خود نیامرزی ما را در آنچه گذشت

من شعبان فاغفر لنا فيما بقي منه بدرستى كه حق تعالى در اين ماه آزاد
از ماه شعبان پس بيامرز ما را در آنچه مانده است از آن ميكرداند بندهاى بسيار از آتش
جهنم براى حرمت ماه مبارك رمضان و بسند بسيار معتبر منقولست كه حضرت
صادق عليه السلام در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه رمضان اين دعا ميخواندند

اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي انزلت فيه القرآن وجعلته
بارخدايا بدرستيكه اين ماه آن ماهيست كه فرو فرستادى در آن قرآن را و كردانيدى
هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه
راه نما از براى مردمان و هويدا نشانها از راه نمائى و جدا كردن حق از باطل بتحقيق حاضر شد پس سالم دار ما را در آن و
وسلمه لنا وتسلمه منا في يسر منك وعافية يا من اخذ القليل
و سالم دار آن را از براى ما و سالم فرا گير آن را از ما در آسانى از تو و تندرستى اى كسى كه گرفت اندك را و
وشكر الكثير اقبل مني اليسير اللهم اني اسألك ان تجعل لي الى
و جزا داد بسيار را قبول كن از ما اندك را بارخدايا بدرستيكه من ميخواهم از تو اينكه بگردانى از براى من بسوى
كل خير سبيلا ومن كل ما لا تحب مانعا يا ارحم الراحمين يا من عفى
هر چيز نيكى راهى و از هر چيز كه دوست نميدارى بازدارنده اى بخشاينده ترين بخشايندگان اى كسى كه در گذشت
عني وعما خلوت به من السيئات يا من لم يؤاخذني بارتكاب المعاصي
از من و از آنچه در تنهائى كردم آن را از بديها اى كسى كه باز خواست نكرد مرا به كردن نافرمانيها
عفوك عفوك يا كريم الهي وعظتني فلم اتعظ وزجرتني عن
ميخواهم در گذشتن تو را ميخواهم در گذشتن تو را اى كريم خداوند پند دادى مرا پس پند نگرفتم و باز داشتى مرا از
محارمك فلم انزجر فما عذري فاعف عني يا كريم عفوك عفوك
نافرمانيها پس باز ايستاده نشدم پس چيست عذر من پس در گذر از من اى كريم بخشش ترا بخشش ترا
اللهم اني اسألك الراحة عند الموت والعفو عند الحساب
بارخدايا بدرستيكه من سوال ميكنم از تو آسودگى را نزد مرگ و در گذشتن نزد شمار
عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك يا اهل التقوى
بزرگ گشت گناه از بنده تو پس بايد كه نيكو باشد در گذشتن از نزد تو اى سزاوار پرهيزكارى و اى سزاوار
ويا اهل المغفرة عفوك عفوك اللهم اني عبدك ابن عبدك
آمرزيدن بيامرز ميخواهم در گذشتن ترا بارخدايا بدرستيكه من بنده توام و پسر بنده تو
ابن امتك ضعيف فقير الى رحمتك وانت منزل الغنى والبركة
كنيز توام ناتوان نيازمند بسوى بخشايش تو و تو فرو فرستنده توانگرى و افزونى

على العباد فاهم مقتدر احصيت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم
بر بندگان و فرو شكننده توانائى بلند توانا شمرده كردارهاى ايشان را و بخش كرده روزيهاى ايشان را و كردانيدى
مختلفة السنتهم والوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك
دگرگون زبانهاى ايشان را و رنگهاى ايشان آفريدنى پس از آفريدنى نميدانند بندگان دانش ترا
ولا يقدر العباد قدرتك وكلنا فقراء الى رحمتك فلا تصرف
و نميشناسند بندگان بندگى ترا و همه ما نيازمنديم بسوى بخشايش تو پس مگردان
عني وجهك واجعلني من صالح خلقك في العمل والامل والقضاء
از من روى خود را و بگردان مرا از شايستگان آفريدگان در كردار و اميد و سرنوشت
والقدر الهي ابقني خير البقاء وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك
و اندازه خدايا نگهدار مرا نيكوتر داشتنى و بميران مرا بهترين ميراندنى بر دوست داشتن دوستان
ومعاداة اعدائك والرغبة اليك والرهبة منك والخشوع و
و دشمن داشتن دشمنان و خواهش بسوى تو و ترس از تو از تو و فروتنى و
الوفاء والتسليم لك والاقرار لك والتصديق بكتابك واتباع سنة
بيخشاكى و گردن نهادن از براى تو و باز داشتن بنامه ات و پيروى كردن روش
رسولك اللهم ما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او
فرستاده ات بارخدايا آنچه هست در دل من از گمانى يا بى سامانى يا ناشناسى يا نااميدى يا
فرح او بذخ او بطر او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق
شادى يا نازيدنى يا ناسپاسى يا بزرگ منشى يا خودنمائى يا آوازه يا دشمنى يا دوروئى
او كفر او فسوق او عصيان او عظمة او شيء لا تحب فاسألك
يا ناگرويدنى يا برون شدن از فرمان يا نافرمانى يا بزرگوارى يا چيزى كه تو دوست نميدارى پس ميخواهم از تو
يا رب ان تبدلني مكانه ايمانا بوعدك ووفاء بعهدك ورضى بقضائك
اى پروردگار اينكه بدل كنى بجاى آن گرويدن بنويد تو و وفا بپيمان تو و خوشنودى بسرنوشت تو
وزهدا في الدنيا ورغبة فيما عندك واثرة وطمانينة وتوبة نصوحا
و ناخواهشى در اين جهان و خواهش در آنچه نزد تو است و بازمنده و آرام و باز كشتنى
اسألك ذلك يا رب العالمين الهي انت من حلمك تعصى فكأنك
ميخواهم از تو اين را اى پروردگار جهانيان بارخدايا تو از بردبارى تو نافرمانى كرده ميشوى پس گويا
لم ترى ومن كرمك وجودك تطاع فكأنك لم تعص وانا ومن لم
كه نمى بينى و از كرم تو و بخشش فرمانبردارى ميشوى پس گويا نافرمانى كرده نشدى و من و كسى كه نا

يعصيك سكان ارضك فكن علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا
زمانی نکرد ترا اگر گنهکاران زمین تو ایم پس باش بر ما ببخشش بخشنده ونیکوئی نیکو کننده
يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله صلوة دائمة لا تحصى
ای بخشاینده ترین بخشایندگان ودرود دهد خدا بر محمد وخاندانش درود همیشه که در شمرده نشود
ولا تعد ولا يقدر قدرها غيرك يا ارحم الراحمين واما نمازهای
و شمار در نیاید و اندازه نکند اندازه آنرا جز تو دیگری ای بخشاینده ترین بخشایندگان مخصوص شبها
که باسانید معتبره وارد شده و علما ذکر کرده اند شب اول صد رکعت با حمد
و توحید یکمرتبه و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه سوره حمد دویم پنجاه رکعت
با حمد و توحید و معوذتین هر یک یکمرتبه سیم دو رکعت در هر رکعت حمد
و بیست و پنج مرتبه توحید چهارم چهل رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج
مرتبه توحید پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از
نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد
و ده مرتبه توحید هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید هشتم
دو رکعت در رکعت اول حمد و آیه آمن الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه توحید
و در دویم حمد و آیه قل انما انا بشر و پانزده مرتبه توحید نهم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله دهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و آیة الکرسی
یکمرتبه و سوره انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه یازدهم هشت رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد
و ده مرتبه سوره الهیکم التکاثر سیزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه
سوره والتین چهاردهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه سوره والعصر
پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و ده مرتبه
توحید و بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه
یا رب تب علینا و بیست و یکمرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله الذی یحیی

الموتى ويميت الاحياء وهو على كل شيء قدير شانزدهم دو رکعت در هر
رکعت حمد و یکمرتبه آیة الکرسی و پانزده مرتبه توحید هفدهم دو رکعت
در هر رکعت حمد و هفتاد و یکمرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار
هجدهم ده رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در
هر رکعت حمد و پنج مرتبه آیه قل اللهم مالک الملک بیستم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و پانزده مرتبه اذا جاء نصر الله بیست و یکم هشت رکعت در هر رکعت حمد و
یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و دوم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه قل یا ایها
الکافرون و پانزده مرتبه توحید بیست و سیم سی رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه
سوره اذا زلزلت بیست و چهارم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره اذا جاء
نصر الله بیست و پنجم ده رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه الهیکم التکاثر بیست و ششم
دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه آیه آمن الرسول بیست و هفتم دو رکعت در هر
رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی بیست و هشتم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و نهم ده رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه و هر یک
از الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین ده مرتبه سی ام دو رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد
و آل محمد باب سیم در بیان مجملی از فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان

فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان

و در آن هشت فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه مبارک است باید
دانست که ماه رمضان ماه خداوند عالمیانست و شریفترین ماههاست چنانچه
بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده اند که حضرت رسول در آخر ماه شعبان
خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس بدرستی که رو کرده است بسوی شما ماه خدا
با برکت و رحمت و آمرزش ماهیست که نزد خدا بهترین ماههاست و روزهایش

بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست و ساعتهای آن بهترین ساعتهاست
و آن ماهیست که خوانده اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و کردیده اید در آن
از اهل کرامت خدا نفسهای شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت
دارد و عملهای شما در آن مقبولست و دعای شما در آن مستجابست پس سؤال کنید
از پروردکار خود به نیتهای درست و دلهای پاکیزه از کناهان و صفات ذمیمه که
توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستی که
شقی و بدعاقبت کسی است که محروم کردد از آمرزش خدا در اینماه عظیم و یاد کنید
بکرسنکی و تشنکی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم
شما را در اینماه کرسنکی و تشنکی
نمائید پیران خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و
نکاه دارید زبانهای خود را از آنچه نباید کفت و بپوشید دیدهای خود را از آنچه
حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آن و باز دارید کوشهای خود را از آنچه حلال
نیست شنیدن آن شما را و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما
با یتیمان شما و بازکشت کنید بسوی خدا از کناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای
خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتهاست نظر
میکند حق تعالی در این اوقات برحمت بسوی بندکان خود و جواب میکوید ایشان را
هرکاه او را مناجات کنند و لبیک میکوید ایشان را هرکاه او را ندا کنند و مستجاب
میکرداند هرکاه او را دعا کنند ای کروه مردمان بدرستیکه جانهای شما در کرو کردار
شماست پس از کرو بدر آورید بطلب آمرزش از خدا و پشتهای شما کران بار است از
کناهان شما پس سبک کردانید آنها را بطول دادن سجدها و بدانید که حق تعالی سوکند
یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نمازکنارندکان و سجده کنندکان را و نترساند
ایشان را باتش جهنم در روز قیامت ایها الناس هرکه از شما افطار نماید روزه دار

مؤمنی را در اینماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش کناهان
کذشته پس بعضی از صحابه کفتند همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید
از آتش جهنم بافطار فرمودن روزه داران اکرچه بنصف دانه خرمائی باشد اکر
چه بیک شربت آب باشد بدرستیکه خدا این ثواب را میدهد کسی را که چنین کند اکر
قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس هرکه خلق خود را در اینماه نیکو کرداند بر صراط
بکذرد در روزی که قدمها بر آن لغزد و هرکه سبک کرداند در اینماه خدمت غلام
و کنیز خود را حق تعالی در قیامت حساب او را آسان کرداند و هرکه در اینماه شر خود را
از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از و باز دارد و هرکه در اینماه یتیم
بی پدر را کرامی دارد خدا او را در قیامت کرامی دارد و هرکه در اینماه صله و احسان
کند با خویشان خود خدا وصل کند او را برحمت خود در قیامت و هرکه در اینماه
قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدای عز و جل در قیامت قطع رحمت خود
از او بکند و هرکه نماز سنتی در اینماه بکند حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش
جهنم بنویسد و هرکه در اینماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد
نماز واجب که در ماههای دیکر کرده شود و هرکه در اینماه بسیار صلوات فرستد
بر من و آل من خدا سنکین کرداند ترازوی عمل او را در روزی که ترازوهای اعمال
سبک باشد و کسیکه یک آیه از قرآن در اینماه بخواند ثواب کسی داشته باشد که در
ماههای دیکر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس بدرستی که درهای بهشت در اینماه
کشاده است پس سؤال کنید از پروردکار خود که بر روی شما نبندد و درهای جهنم
در اینماه بسته است از خدا سؤال کنید که بر شما نکشاید و شیاطین را در اینماه غل می کنند
پس سؤال کنید از خدا که هرکز بر شما مسلط نکرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که در ماه رمضان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس این ماهیست

که خدا آن را بر سایر ماهها فضیلت و زیادتی داده است مانند فضیلت ما اهلبیت
بر سایر مردم و در اینماه گشوده میشود درهای آسمان و درهای بهشت و درهای
رحمت و بسته میشود درهای جهنم و در اینماه شنیده میشود نداهای مؤمنان
و مستجاب میگردد دعاهای ایشان و رحم میکند گریههای ایشانرا و در اینماه شبی
هست که ملائکه در آن شب از آسمان بر زمین می آیند و سلام میکنند بر مردان و
زنان روزه دار برخصت پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حق تعالی
مقدر کرده است در آن شب ولایت و امامت مرا پیش از آنکه آدم را خلق کند بدو هزار
سال و عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهتر است
از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستی که آفتابهای ماه رمضان و ماههای آن
طالع میشوند بر مردان و زنان روزه دار با رحمت و این ماه شما مانند ماههای
دیگر نیست روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست و دیوان
و شیاطین در اینماه غل کرده و در زندانند و زیاد میکند خدا در اینماه روزیها و
عمرها را و میبخشد و مقدر میکند در اینماه حاجیان بیت الله را و در اینماه حق تعالی
رو میکند بسوی اهل ایمان با آمرزش و فیروزی و رحمت و روزی و خشنودی خداوند
جزا دهنده ای روزه دار پس تدبیر کار خود بکن بدرستی که در اینماه مهمان پروردگار
خودی نظر کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و روز خود و چگونه نگاه
میداری اعضا و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که شبها
در خواب نباشی و روزها غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود ماه و گناهان تو
بر تو باقی مانده باشد پس در هنگامی که روزه داران مزدهای خود را گیرند تو از جمله
زیانکاران باشی و در وقتی که بکرامت آقای خود فایز گردند تو از جمله محرومان باشی
و در روزی که سعادتمند گردند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از رانده شدها

باشی ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه خود برگرداند بکدام درگاه رو خواهی
آورد و اگر محروم گرداند ترا پروردگار تو کی روزی خواهد داد ترا و اگر او ترا خوار
کند کی ترا گرامی خواهد داشت و اگر او ترا ذلیل گرداند کی ترا عزیز خواهد کرد
و اگر او ترا واگذارد کی ترا یاری خواهد کرد و اگر او ترا از بندگان خود قبول نکند
بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر لغزشها و گناهان ترا نیامرزد
امید بکی خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانید
از تو طلب نماید چه جواب در برابر خواهی گفت ای روزه دار تقرب بجو بسوی خدا
بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و روزهای اینماه زیرا که کتاب خدا شفاعت
کننده ایست که شفاعت او را قبول میکنند و در قیامت شفاعت میکند برای آنها
که تلاوت آن کرده اند پس بالا میروند بر درجات بهشت بعدد تلاوت آیات قرآن
ای روزه دار بشارت باد ترا که هر نفسی که در اینماه میکشی ثواب تسبیحی در نامه
عمل تو مینویسند و خواب تو در اینماه عبادت است و طاعت تو در اینماه مقبول است
و گناهان تو در اینماه آمرزیده است و آوازهای تو بدعا در اینماه شنیده شده است
و مناجات و رازی که با خدا میگوئی بر تو رحم میکند بدرستی که شنیدم
از حبیب خود حضرت رسول که خداوند عالمیان در هر شب از شبهای ماه مبارک
رمضان آزاد کردهاست از آتش جهنم که عدد ایشانرا بغیر از خدا کسی نمیداند و چون
شب آخر ماه میشود در آن شب می آمرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است و ایضا
فرمود که هر که ماه رمضانرا روزه بدارد و نفس خود را از چیزهائی که خدا حرام
کرده است نگاه دارد بهشت البته او را واجب گردد و هر که در اینماه روزه دارد
و در هیچ شب از شبهای آن بر حرام افطار نکند البته داخل بهشت شود پس
حضرت امیر فرمود که شنیدم از سید انبیا که فرمود که بهترین اوصیاء پیغمبران

در بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا
کیست فرمود که بهترین ماهها ماه رمضانست و بهترین اوصیا تویی یا علی گفتم
یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود بحق پروردگارم بدرستی که بر اینکه
میشود بدبخت ترین امت من جفت پی کننده ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خواهد
زد که ریش تو از خون سرت خضاب کرده پس مردم شروع بگریه و فغان کردند
و حضرت از منبر بزیر آمد و ایضا از حضرت رسول منقولست بسندهای معتبر که فرمود
ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه دارد روز آنرا و بایستد بنماز
و عبادت قدر مقرری از شب آنرا و نمازها را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت
کند بنماز جمعه آن و بامداد بنماز عید آن حاضر شود پس دریافته خواهد بود
ثواب شب قدر را و فایز میگردد بجایزها و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا
مانند بخششهای بندگان نیست **فصل دویم** در بیان حقیقت روزه است و
آنچه در آن معتبر است بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند که روزه را
میشکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنا بر مشهور یا پنهان
شدن قرص آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارتهای مرتفعه
و قول اول احوط است با نیت قربت پس باید که بداند آنچیزها را تا نیت تواند کرد و
چون میان علما اختلاف بسیار هست در آنها اگر قصد کند ترک همه را از برای
رضای خدا ظاهرا کافی باشد اما بهتر آنست که آنچه متیقن باشد وجوب ترک آنها
قصد ترک آنها کند بعنوان وجوب و آنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند
احتیاطا و آنچه بعید غیر مکروه باشد قصد ترک آنها کند مستحبا و اگر قصد
ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است و اما آنها که واجبست ترک آنها کردن **اول**
و **دویم** چیزی خوردن و چیزی آشامیدنست و چیزی که خوردن و آشامیدن آن

متعارف و معتاد باشد در آن خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب
قضا و کفاره هر دو میشود اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد و غیر
آنکه در دماغ یا در گوش بچکانند چیزی را و بحلق داخل شود محل خلافست و همچنین
خلافست در خوردن و آشامیدن چیزی چند که معتاد مردم نباشد خوردن
و آشامیدن آنها مانند سنگ و چوب و خاک و گیاهها و آب فشرده شدن از
گیاههای غیر معتاد و اظهر آنست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از آن واجبست
و احوط آنست که اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد **سیم** جماع کردن در قبل زنست
مطلقا خواه انزال بشود و خواه نه و فعل آن موجب قضا و کفاره میشود بخلاف
و جماع در دبر زن هرگاه انزال شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره لازم
میشود و مشهور آنست که جماع در دبر زن بدون انزال نیز مبطل صوم و موجب
قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته‌اند و اول اقوی است **چهارم** باقی
ماندنست بر جنابت تا صبح و اشهر و اقوی آنست که مبطل است و موجب قضا و کفاره است
و بعضی مبطل ندانسته‌اند و بعضی قضای تنها واجب دانسته‌اند و احوط آنست که
اگر زن حایض پاک شود پیش از صبح غسل بکند و اگر نکند احوط آنست که غسل
کند بعد از صبح و آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر
باشد احوط آنست که تیمم بکند و تیمم را نشکند تا صبح شود و خواب اول
بعد از جنابت در حالی که نیت غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار شدن
دهد جایز است و مشهور آنست که اگر تا صبح بیدار نشود قضای آن روز بر او نیست
و بعضی واجب دانسته‌اند و آن احوط است و مشهور آنست که اگر بخوابد
تا صباح و نیت غسل نداشته باشد بر او قضا و کفاره لازم است و این احوطست
اگرچه در دلیلش سخن هست و مشهور در خواب دویم وجوب قضاست و این

قول اقوی نیست بلکه خلافی در آن ظاهر نیست وجمعی از اصحاب را اعتقاد آنست که
در خواب سیم جنب هرگاه بصبح برسد قضا وکفاره هر دو واجبست واقوی
عدم وجوب کفاره است وبعضی از متاخرین را اعتقاد آنست که خواب بعد از
بیدار شدن از احتلام حکم خواب دویم دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار
نموده واین احوط است بلکه خالی از قوتی نیست وبدانکه در روزهای دیگر غیر ماه
مبارک رمضان نیز خلافست که آیا باید صبح را پاک دریابد یا نه وحق اینست که در قضای
ماه رمضان میباید صبح جنب نباشد ودر غیر قضا احوط آنست که اگر صبح طاهر
نباشد وواجب معین نباشد آن روز را روزه ندارد واگر معین باشد آن روز را
روزه بدارد وقضا نیز بکند اما اگر عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار
نباشد واگر بکند احوط است ودر روزهٔ سنت اگر بر جنابت عمدا بماند تا صبح
وپیش از زوال غسل بکند ونیت روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است و
در واجب معین اگر عمدا نیت را ترک کند وپیش از زوال نیت کند مشهور آنست
که روزه اش باطلست وقضا میکند وکفاره واجب نمیشود واگر از روی فراموشی
نیت را ترک کند تا زوال نیت میتواند کرد ودر واجب غیر معین تا زوال نیت
میتواند کرد اگرچه قضای ماه مبارک رمضان باشد ودر سنت خلافی نیست که اگر
در شب نیت نکرده باشد ومفطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال نیت میتواند
کرد وبعد از زوال خلافست بعضی گفته اند تا نزدیک بشام نیت میتواند کرد
وجمعی محققین علما باین قایلند ونزد فقیر اقوی است وبعضی گفته اند بعد از زوال
نیت نمیتواند کرد وبعضی گفته اند که اگر پیش از زوال نیت کند ثواب روزهٔ تمام
روز را می یابد واگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام را می یابد
پنجم رسانیدن غبار غلیظ است بحلق وبعضی آنرا موجب قضا وکفاره میدانند

وبعضی قضای تنها وبگمان فقیر مبطل نیست واحوط رعایت مشهور است وبعضی
از متاخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود غلیظ وبخار غلیظ را اگر از آن اجزا
منفصل شود چون دود تنور وبخار دیگ واظهر عدم بطلانست واحوط اجتناب است
حتی از دود تنباکو **ششم** استمناست یعنی طلب نزول منی کردن با حصول آن وموجب
قضا وکفاره است ومشهور آنست که هرگاه ملامسه وملاعبه کند وانزال شود
روزهٔ او باطل میشود وقضا وکفاره لازم است وبعضی درین تامل نموده اند خصوصا
وقتی که نسبت بحلال خود باشد وعادت او انزال نباشد واحوط بلکه اقوی وجوب
قضا وکفاره است مطلقا ودر نظر کردن بزن حلال یا حرام یا صدای آن را
شنیدن یا بخیال خود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود وقصد انزال نداشته
باشد وبآن معتاد نباشد خلافست واظهر عدم وجوب قضا وکفاره است **هفتم**
قی کردنست عمدا واکثر موجب قضای تنها میدانند وبعضی قضا وکفاره را هر دو را
واجب میدانند وبعضی هیچیک را واجب نمیدانند ومسئله مشکل است ووجوب
قضای تنها خالی از قوتی نیست ومشهور آنست که هرگاه قی بی اختیار آید قضائی
بر او نیست وبعضی قضا را واجب دانسته اند واین قول ضعیف است **هشتم** حقنه است
وبعضی موجب قضا وکفاره هر دو دانسته اند وبعضی موجب قضای تنها وبعضی حرام
دانسته اند وموجب هیچیک ندانسته اند وبعضی حقنهٔ مایع را موجب قضا دانسته اند
وحقنهٔ جامد را مانند شیاف مکروه دانسته اند وبعضی مطلقا مکروه دانسته اند
واین قول اقوی است واحوط آنست که بدون ضرورت حقنه بمایع نکند واگر بکند
قضا بکند واشهر واقوی آنست که چکانیدن دوا در گوش موجب فساد صوم نمیشود
وسعوط در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند ایضا اقوی آنست که جایز است وبعضی
موجب قضا وکفاره دانسته اند واگر بحلق رسد احوط اجتنابست **نهم** دروغ

گفتن بر رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است با آنکه حدیث دروغی
نقل کند یا مسئله خلافی بگوید بلکه کسی که اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد
مسئله بگوید و در حرمت آن شکی نیست و بعضی در روزه موجب قضا و کفاره
میدانند و بعضی میگویند موجب فساد صوم نمیشود و خالی از قوتی نیست
۱۰ و احوط آنست که اگر بکند قضا و کفاره بدهد دهم سر فرو بردن در آبست
و جمعی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی موجب قضای تنها میدانند
و بعضی حرام میدانند و موجب هیچیک نمیدانند و بعضی مکروه میدانند و اظهر
حرمت و عدم وجوب قضا و کفاره است و بعضی گفته اند که اگر سر را با بدن فرو برد
تا کردن و بدن بیرون آب باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و بعضی
گفته اند که اگر فرو برد منافذ سر را دفعةً هر چند منابت مو بیرون باشد باز حکم
ارتماس دارد و این احوط است و احوط آنست که در روزه سنت نیز سر را بآب
۱۱ فرو نبرد و بعضی تجویز کرده اند و احوط ترکست یازدهم بلغمی که از سینه بر آید
یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن علما را سه قولست اول جواز ابتلاع
آنچه بیرون آید از سینه مادام که از دهن منفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر
۲ دویم جواز ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد و تحریم ابتلاع هر دو هرگاه
۳ بدهن برسد سیم جواز کشیدن از سینه و سر و جواز فرو بردن مادام که
از دهن جدا نشود و جمعی که حکم بفساد کرده اند بعضی بقضای تنها قایل شده اند
و بعضی کفاره را نیز واجب میدانند و بعضی بکفاره جمع قایل شده اند و گمان
فقیر اینست که هیچیک لازم نمیشود اما احتیاط آنست که بعد از آنکه بفضای
۱۲ دهن بیاید فرو نبرد دوازدهم مشهور میان علما آنست که مکروه است زن
روزه دار در میان آب بنشیند قضا بر او لازم است بعضی کفاره را نیز لازم

دانسته اند

دانسته اند و اول اظهر است و در خاییدن قند دان و مصطکی که آبش را
فرو برد بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز آن
و مشهور میان علما آنست که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه
اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح متحقق شود و اگر
معلوم شود که صبح بوده است آنوقت که خورده یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد
و خورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده باشد قضا واجبست
و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهة وضوی نماز واجب و آب
بی اختیار بحلق او رود قضا بر او واجب نیست و اگر جهة نماز نافله باشد بعضی گفته اند
قضا بر او واجبست و اگر عبث مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب
دانسته اند و این احوط است و اظهر عدم وجوبست مطلقا و در روایتی وارد شده است
که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهن را بیندازد و این احوط است **فصل سیم**
در سنتها و آداب روزه است مکروه هست روزه دار را بوسیدن زنان و دست
ببدن ایشان مالیدن و دست بازی کردن با ایشان و اقرب آنست که کراهت
مخصوص بصورتی است که آنها محرک شهوت او باشند و خوف وقوع در جماع
داشته باشد و مکروه هست بچشم کشیدن چیزی که از او طعمی باشد که بحلق رسد
یا در آن مشکی باشد و مشهور کراهت بیرون آوردن خون است از بدن که باعث
ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که
مضعف باشد و مکروه هست بوییدن گلها خصوصاً نرگس و بهتر آنست که مشک را
هم نبوید و سایر بوهای خوش مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق
منقولست که طیب تحفه صایم است فرمود که هر روزه دار که در اول روز خود را
خوشبو کند عقلش زایل نگردد و اشهر و اقوی آنست که بوییدن رایحه غلیظه

مفطر نیست و بعضی گفته اند که بوئیدن رایحهٔ غلیظ که بجوف رسد موجب
قضا و کفاره میشود و احوط آنست که بوی خوش ناشید که بدماغ بالا رود
نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است و مکروه است که صایم جامه که ملاصق
بدنست ترکند و مکروه هست زن صایمه را که در آب بنشیند چنانچه گذشت
و از حضرت صادق منقولست که هر گاه روزه داری میباید که روزه باشد گوش تو
و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات
و فرمود که باید روز روزهٔ تو مانند روز افطار تو نباشد و ایضا از آنحضرت منقولست
که روزه نه همین خوردن و آشامیدنست تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید
زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از حرام و باید که نزاع مکنید
و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند
راست نیز و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دلتنگ
مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از آنچه نباید گفت
و صبر کنید و راست گو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار
بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن
چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت دانید و منتظر فرج و ظهور قایم آل محمد باشید
و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید
و بر شما باد بآرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت مانند
بندهٔ که از آقای خود ترسد ترسان باشید از عذاب خدا و امیدوار باشید برحمت
او و باید پاک باشید ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها و مکرها
و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوی بسوی خدا از آنچه غیر اوست و
در روزه ولایت خود را خالص گردانی از برای او و خاموش باشی از آنچه حق تعالی

نهی کرده است ترا از آن در آشکار و پنهان و بترسی از خداوند قهار آنچه سزاوار
ترسیدنست در پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدای عز و جل
در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را از برای محبت او و یاد او و بدن خود
بکار فرمائی در آنچه خدا امر کرده است ترا بآن و خوانده است بسوی آن اگر همه
اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده و فرموده خدا را اطاعت
کرده و آنچه کم کنی از آنها که بیان کردم از برای تو بقدر آن از روزه تو کم میشود از
فضل آن و ثواب آن بدرستیکه پدرم گفت که رسول خدا شنید که زنی در روز
روزه جاریهٔ خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن را گفت بخور زن
گفت من روزه ام حضرت فرمود که چگونه روزه و جاریهٔ خود را دشنام دادی روزه
از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستی که حق تعالی روزه را حجابی کرده است
از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد چه بسیار کمند روزه داران و بسیارند
گرسنگی کشندگان و حضرت امیر المؤمنین فرمود که چه بسیار روزه داری که
بهرهٔ نیست او را از روزه بغیر از تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که
نیست او را بهره از عبادت بغیر از تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری
و عبادت احمقانست و خوشا افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردانست
زیرا که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جملهٔ عبادات
ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص
مؤمنان محشور میگردند و بر اسرار غیب بر رؤیای صادقه مطلع میگردند و راهی
از راههای قرب ایشانست و افطار خردمندان چون از روی دانائیست و بوجهی
که حق تعالی خواسته افطار مینمایند بهتر است از روزهای احمقان که روزه را
دستگاه خودفروشی خود کرده اند و بریا و عجب ممزوج میکرده اند و بشرایط

در بیان آداب دخول ماه مبارک رمضان

صوم عمل نمیکند **فصل چهارم** در بیان آداب دخول ماه مبارک رمضان
سنت است طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت
امام جعفر صادق ع منقولست که چون هلال ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی
هلال مکن و رو بقبله کن و دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب کن ماه را و بگو
رَبّی وَرَبُّکَ اللهُ رَبُّ العالَمینَ اللّهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَینا بِالاَمنِ وَالایمانِ
پروردگار من و پروردگار تو خداست پروردگار عالمیان بار خدایا بر آور ماه را بر ما با ایمنی و با ایمان [illegible]
وَالسَّلامَةِ وَالاِسلامِ وَالمُسارَعَةِ اِلی ما تُحِبُّ وَتَرضی اللّهُمَّ بارِکْ
و درستی و گردن نهادن و شتافتن بسوی آنچه دوست میداری و خوشنود میشوی بار خدایا برکت ده
لَنا فی شَهرِنا هذا وَارزُقنا خَیرَهُ وَعَونَهُ وَاصرِف عَنّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ
از برای ما در ماه ما این و روزی کن ما را نیکی او را و یاری او را و بگردان از ما آزار او و بدی او را
وَبَلاءَهُ وَفِتنَتَهُ و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و ابن ابی عقیل
و سختی او را و آشوب او را
اعتقاد دارد در وقت رؤیت هلال ماه مبارک واجب دانسته است
اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی خَلَقَنی وَخَلَقَکَ وَقَدَّرَ مَنازِلَکَ وَجَعَلَکَ مَواقیتَ
سپاس خدای را که آفرید مرا و آفرید ترا و اندازه کرد منزلهای ترا و گردانید ترا وقتها
لِلنّاسِ اللّهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَینا اِهلالاً مُبارَکاً اللّهُمَّ اَدخِلهُ عَلَینا
از برای مردم بار خدایا بر آور این ماه را بر ما بر آوردنی افزاینده بار خدایا در آور او را بر ما
بِالسَّلامَةِ وَالاِسلامِ وَالیَقینِ وَالایمانِ وَالبِرِّ وَالتَّقوی وَالتَّوفیقِ
با درستی و گردن نهادن و بیگمان بودن و گرویدن و نیکوکاری و پرهیزکاری و [illegible]
لِما تُحِبُّ وَتَرضی و در شب اول ماه جماع با حلال خود سنت است و غسل در
[illegible]
شب اول سنت است و از حضرت صادق ع منقولست که هر که
غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر ریزد با
طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که در روز
اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و ایضا منقولست
که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت صادق ع فرزندان خود را وصیت میفرمود
که اهتمام کنید و سعی نمائید در این ماه در عبادت که در این ماه روزیها قسمت

میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان در این ماه مقدر میشوند
که بحج بروند و در این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا بدرستی که دعا دفع میکند
بلا را از شما و استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت حضرت امام حسین ع
در شب اول ماه سنت است و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب اول ماه
رمضان یا شب میان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان او بریزد مانند
برگ از درختان و از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است
و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در هر
شب این ماه سوره انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد
و بروایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت
نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و سؤال کند که حق تعالی
از او بلاها را دور بکند خدا او را کفایت کند از آنچه میترسد در این ماه و حفظ کند
او را از آنچه میترسد و از بیماریها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد و سوره را
از روی قرآن میتوان خواند و اگر در شب اول ماه نیت روزه تمام ماه را بکند
و باز هر شب نیت کند بهتر است و نیت چنین میکند که قصد میکند که فردا
روزه ماه مبارک رمضان میدارم واجب قربة الی الله و در روز اول ماه
سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر ریزد و از حضرت صادق ع
منقولست که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال
ایمن باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در روز اول این ماه کفی از گلاب
بر روی زند از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بکند در آن روز از بلاها
ایمن گردد و هر که یک کف از گلاب در روز اول ماه بر سر ریزد در آن سال از مرض

سر سال ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که هر که در اول
هر ماه دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد
و در رکعت دویم بعد از حمد سی مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق
کند بآنچه میسر شود سلامتی آنماه را خریده باشد و در روز اول این دعا سنت است
خواندن اللهم قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علینا صیامه وانزلت
بارخدایا بتحقیق که بیامد ماه رمضان و بدرستی که واجب گردانیدی برما روزه داشتن آنرا و فرو فرستادی
فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان اللهم اعنا
در آن قرآن را راه نماینده از برای مردمان و گواهها از راه نمائی و جدا کردن بارخدایا یاری ده ما را
علی صیامه وتقبله منا وتسلمه منا وسلمه لنا فی یسر منک وعافیة
بر روزه داشتن و در پذیر آنرا از ما و برسان آنرا از ما در آسانی از تو و عافیت بدرستی که تو
انک علی کل شیء قدیر وایضا از حضرت صادق منقولست که چون ماه مبارک
بدرستی که تو بر همه چیز توانائی داخل میشد حضرت رسول الله این دعا میخواندند
اللهم انه قد دخل شهر رمضان اللهم رب شهر رمضان الذی انزلت
بارخدایا
فیه القرآن وجعلته بینات من الهدی والفرقان اللهم فبارک لنا
فی شهر رمضان واعنا علی صیامه وصلواته وتقبله منا وایضا از حضرت
صادق منقولست که هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب
اول دو رکعت نماز بکند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت
دویم هر سوره که خواهد حق تعالی جمیع بدیها از آنسال از و دور گرداند و در حفظ
خدا باشد تا سال آینده و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخوانند
که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران بسند صحیح روایت
کرده اند که حضرت امام موسی کاظم فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال
یعنی روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود که هر که

این

این دعا را از برای رضای حق تعالی بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند
در آنسال باو نرسد فتنه و گمراهی و نه آفتی که ضرر رساند بدین و یا بدن
او و حق تعالی او را حفظ کند از شر آنچه در آنسال واقع میشود از بلاها و دعا اینست
اللهم انی اسئلک باسمک الذی دان له کل شیء وبرحمتک التی وسعت
بارخدایا بدرستی که سؤال میکنم ترا بنام تو که خوار شده اند تمام هرچیز و ببخشایش تو که فرا گرفته است
کل شیء وبعظمتک التی تواضع لها کل شیء وبعزتک التی قهرت کل
هرچیز را و ببزرگواری تو که فروتنی کرده از برای او هرچیز و بعزت تو که فرو شکسته هر
شیء وبقوتک التی خضع لها کل شیء وبجبروتک التی غلبت کل شیء
چیز را و بنیروی تو که فروتنی نموده از برای آن هرچیز و ببزرگی تو که زبر شده هرچیز
وبعلمک الذی احاط بکل شیء یا نور یا قدوس یا اول قبل کل شیء و
و بدانائی تو که فرا رسیده هرچیز ای روشن کننده ای پاکیزه ای پیش از هرچیز و
یا باقی بعد کل شیء یا الله یا رحمن صل علی محمد وآل محمد واغفر لی
ای باقی پس از هرچیز ای خدا ای بخشاینده درود ده بر محمد و خاندان محمد و بیامرز از برای من
الذنوب التی تغیر النعم واغفر لی الذنوب التی تنزل النقم واغفر
گناهانی را که میگرداند نعمتها را و بیامرز از برای من گناهانی را که فرود میاورد عذابها را و بیامرز
لی الذنوب التی تقطع الرجاء واغفر لی الذنوب التی تدیل الاعداء
از برای من گناهانی را که ببرد امید را و بیامرز از برای من گناهانی را که غالب میکند دشمنان را
واغفر لی الذنوب التی ترد الدعاء واغفر لی الذنوب التی یستحق
و بیامرز از برای من گناهانی را که رد میکند دعاها را و بیامرز از برای من گناهانی را که سزاوار میشود
بها نزول البلاء واغفر لی الذنوب التی تحبس غیث السماء واغفر
بآن فرود آمدن بلا و بیامرز از برای من گناهانی را که باز میدارد باران آسمان را و بیامرز
لی الذنوب التی تکشف الغطاء واغفر لی الذنوب التی تعجل الفناء
از برای من گناهانی را که برمیدارد پرده را و بیامرز از برای من گناهانی را که تعجیل میکند نیستی را
واغفر لی الذنوب التی تورث الندم واغفر لی الذنوب التی تهتک
و بیامرز از برای من گناهانی را که بمیراث میدهد پشیمانی را و بیامرز از برای من گناهانی را که میدرد
العصم والبسنی درعک الحصینة التی لا ترام وعافنی من شر ما
عصمت را و بپوشان مرا زره محکم خود را که قصد نتوان کرد آنرا و عافیت ده مرا از بدی آنچه

اخاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب السموات
میترسم در شب و روز در سال آینده من این سال بار خدایا پروردگار آسمان
السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش
هفتگانه و پروردگار زمین هفتگانه و آنچه در آنها و آنچه در میان آنها و پروردگار عرش
العظيم ورب السبع المثاني والقرآن العظيم ورب اسرافيل و
بزرگوار و پروردگار هفتگانه حمد و قرآن بزرگوار و پروردگار اسرافیل و
ميكائيل وجبرئيل ورب محمد صلى الله عليه وآله سيد المرسلين
میکائیل و جبرائیل و پروردگار محمد درود دهاد خدا بر او و خاندانش مهتر پیغمبران
وخاتم النبيين اسألك بك وبما تسميت به نفسك يا عظيم انت
و آخر پیغمبران میخواهم از تو بتو و بآنچه نام نهادهٔ بآن ای بزرگوار تو
الذي تمن بالعظيم وتدفع كل محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف
[illegible]
من الحسنات بالقليل وبالكثير وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا
از نیکیها باندک و بسیار میکنی آنچه میخواهی ای توانا ای خدا ای
رحمن صل على محمد واهل بيته والبسني في مستقبل سنتي هذه
بخشاینده درود ده بر محمد و خاندانش و در پوشان مرا در سال آینده من این
سترك ونضر وجهي بنورك واحببني بمحبتك وبلغني رضوانك
پرده ات و تازه گردان مرا روی بنور خود و دوست دار مرا بدوستیت و برسان مرا بخشنودیت
وشريف كرامتك وجسيم عطيتك واعطني من خير ما عندك
و بزرگ بخشایشهات [illegible] از نیکی آنچه نزد تست
ومن خير ما انت معطيه احدا من خلقك والبسني مع ذلك
و از نیکی آنچه تو دهنده ای بیکی از آفریدگانت و در پوشان مرا با این
عافيتك يا موضع كل شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل خفية
تندرستیت ای جای هر گله و ای گواه نزد هر راز و ای دانای هر سر
ويا دافع ما تشاء من بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز توفني على
و ای راننده آنچه میخواهی از هر رنج ای بزرگوار در گذشتن ای نیکو در گذشتن بمیران مرا بر
ملة ابراهيم وفطرته وعلى دين محمد صلى الله عليه وآله وسنته
بکیش ابراهیم و آفرینش او و بر کیش محمد درود دهاد خدا بر او و خاندانش و بر روش

وعلى خير الوفاة فتوفني موالياً لاوليائك معادياً لاعدائك اللهم
و بر بهترین مردن بمیران مرا دوستدار دوستانت و دشمن دشمنانت بار خدایا
وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل يباعدني منك
و یکسو دار مرا در این سال از همه کرداری یا گفتاری یا کاری که دور کند مرا از تو
واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني منك في هذه السنة يا
و بکش مرا بسوی همه کرداری یا گفتاری یا کاری که [illegible]
ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل او قول او فعل يكون مني اخاف
[illegible] از من که میترسم
ضرر عاقبته واخاف مقتك اياي عليه حذاراً ان تصرف وجهك
زیان فرجام آنرا و میترسم دشمن داشتن تو مرا بر آن [illegible] روی
الكريم عني فاستوجب به نقصاً من حظ لي عندك يا رؤوف يا رحيم
بزرگوار از من پس سزاوار شوم بآن کاستن از بهره ای که نزد تو ای مهربان ای بخشاینده
اللهم اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي جوارك
بار خدایا بگردان مرا در سال آینده من این سال در نگاه داشتن و در زینهارت
وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك و
و در پناهت و فرا پوشان مرا پرده تندرستیت و ببخش مرا بزرگواریت ارجمند همسایه تو و
جل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعاً لصالحي من مضى
و بزرگ ستایش تو و نیست خدایی جز تو بار خدایا بگردان مرا پیرو شایستگان کسی که گذشت
من اوليائك والحقني بهم واجعلني مسلماً لمن قال بالصدق عليك
از دوستانت و برسان مرا بایشان و بگردان مرا گردن نهاده برای کسی که گفت راست بر تو
منهم واعوذ بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على
از ایشان و پناه میبرم بتو بار خدایا اینکه فرو گیرد مرا گناه من و ستم کردن من و گزاف کردن من بر
نفسي واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني وبين
نفس خود و پیروی کردن من خواهش خود را و مشغول شدن من بخواهشهای خود پس حایل شود آن میان من و میان
رحمتك ورضوانك فاكون منسياً عندك متعرضاً لسخطك و
بخشش و خوشنودیت پس باشم فراموش کرده شده نزد تو و در آینده برای خشم تو
نقمتك اللهم وفقني لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك
و عذابت بار خدایا توفیق ده مرا بهر کار شایسته که خوشنود شوی بآن از من و نزدیک گردان مرا بسوی خود

ذُلَّني اللّٰهُمَّ كَما كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ

ترا ببلک کردانید ما را خدایا چنانکه کفایت کردی پیغمبرت را محمد درود فرستد خدا بر او و بر آل او ترس دشمن او را

وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ وَاَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ

و گشایش دادی اندوه او را و برداشتی اندوه او را و راست کردی با او وعده خود را و تمام کردی از برای او پیمان خود را

اَللّٰهُمَّ فَبِذٰلِكَ فَاكْفِني هَوْلَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَآفاتِها وَاَسْقامِها وَ

بار خدایا پس بآن پس کفایت کن از من ترس این سال را و آفتهای او و بیماریهای او را و

فِتَنِها وَشُرُورِها وَاَحْزانِها وَضيقَ الْمَعاشِ فيها وَبَلِّغْني بِرَحْمَتِكَ

فتنهای او و بدیهای او را و اندوههای او را و تنگی زندگانی را در آن و برسان مرا به رحمت

كَمالَ الْعافِيَةِ بِتَمامِ دَوامِ النِّعْمَةِ عِنْدي اِلىٰ مُنْتَهىٰ اَجَلي اَسْئَلُكَ

بکمال تندرستی بسبب تمامی بودن نعمت نزد من تا پایان روزگار من میخواهم از تو

سُؤالَ مَنْ اَساءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكانَ وَاعْتَرَفَ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَغْفِرَ لي

خواستن کسی که بد کرد و ستم کرد و فروتنی نمود و زبان آورد و میخواهم از تو که بیامرزی مرا

ما مَضىٰ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتي حَصَرْتَها حَفَظَتُكَ وَاَحْصَتْها كِرامُ

آنچه گذشت از گناهانی که شمار کرده اند آنها را نگهدارندگان و شمرده اند فرشتگان کرام تو

مَلائِكَتِكَ عَلَيَّ وَاَنْ تَعْصِمَني اِلٰهي مِنَ الذُّنُوبِ فيما بَقِيَ مِنْ عُمْري

فرشتگان بر من و آنکه نگهداری مرا ای خدا از گناهان در آنچه مانده از زندگانی

اِلىٰ مُنْتَهىٰ اَجَلي يا اَللهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ

تا پایان مرگ من ای خدای بخشنده ای مهربان درود ده بر محمد و مردم خانه

مُحَمَّدٍ وَآتِني كُلَّ ما سَئَلْتُكَ وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فيهِ فَاِنَّكَ اَمَرْتَني

محمد و بده بمن همه آنچه خواستم از تو و خواهش کرده ام از تو که تو فرموده

بِالدُّعاءِ وَتَكَفَّلْتَ لي بِالْاِجابَةِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ فصل بخیم

بخواندن و پذیرفتی برای من پاسخ دادن را ای بخشاینده ترین بخشایندگان

در اعمال هر شب وهر روز ماه مبارک رمضان است از حضرت صادق و کاظم صلوات الله علیهما منقولست که بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان این دعا بخوانند

يا عَلِيُّ يا عَظيمُ يا غَفُورُ يا رَحيمُ اَنْتَ الرَّبُّ الْعَظيمُ الَّذي لَيْسَ كَمِثْلِهِ

ای بلند ای بزرگوار ای بسیار آمرزنده ای مهربان توئی پروردگار بزرگوار که نیست مثل او

شَيْءٌ وَهُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ وَهٰذا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ

چیزی و اوست شنوای دانای و این ماهیست که بزرگ کرده و گرامی ساخته و بزرگوار کرده

وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذي فَرَضْتَ صِيامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ

و افزونی دادی او را بر ماهها و آن ماهیست که واجب کردی روزه او را بر من و او

شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي اَنْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ هُدىً لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ

ماه رمضانست که فرو فرستادی در آن کتاب را راهنمای مردمان و گواهها

مِنَ الْهُدىٰ وَالْفُرْقانِ وَجَعَلْتَ فيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَها خَيْراً

از راه نمائی و جدا کردن حق از باطل و بگردانیدی در آن شب قدر را و گردانیدی آن را بهتر

مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ فَيا ذَا الْمَنِّ وَلا يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفَكاكِ رَقَبَتي

از هزار ماه پس ای خداوند نیکوئی کردن و منت نهاده نشود بر تو منت نه بر من برهانیدن گردن من

مِنَ النّارِ فيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

از آتش در کسی که بر او منت میگذاری و در آر مرا به بهشت بخشایش ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و دعای بسیار خوبیست و اقلا شبی یکمرتبه خوانده شود و بسند صحیح منقولست که هر که در هر شب این ماه مبارک این دعا بخواند گناهان چهل ساله او آمرزیده شود

اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ الَّذي اَنْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ

بار خدایا پروردگار ماه رمضان که فرو فرستاده در آن قرآن و واجب

عَلىٰ عِبادِكَ فيهِ الصِّيامَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي حَجَّ

بر بندگانت در آن روزه داشتن را درود ده بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا آهنگ

بَيْتِكَ الْحَرامِ في عامي هٰذا وَفي كُلِّ عامٍ وَاغْفِرْ لي تِلْكَ الذُّنُوبَ

کردن خانه با شکوه در سال من این و در هر سال و بیامرز مرا این گناهای

الْعِظامَ فَاِنَّهُ لا يَغْفِرُها غَيْرُكَ يا رَحْمٰنُ يا عَلّامُ و ایضا هر شب هزار

بزرگ را چه نمی آمرزد آنها را جز تو ای بخشنده ای دانا

مرتبه سوره انا انزلناه سنت خواندن و صد مرتبه سوره حم دخان که میسر شود و سحور خوردن در سحر هر شب ماه مبارک مستحبست و از حضرت رسول منقولست که ترک نکند امت من سحور خوردن را اگرچه بیکدانه خرمای زبون باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که استغفار میکنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیک شربت آبی باشد و بهترین سحور قاووت و خرما و ایضا فرمود که سحور بخورید اگرچه بجرعه آبی باشد و خدا صلوات

ورحمت پیغمبر سند بر سحور خورندکان واز حضرت صادق ع منقولست که هر که
سوره انا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در ما بین این دو حالت
ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده
باشد و کفته اند که اکر نیت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است واز اول شب تا آخر
شب نیت میتوان کرد و همین که میداند و قصد دارد که فردا روزه میکیرد و از برای خدا
میکیرد بس است و دعای سحر ماه مبارک بسیارات و بهترین آنها دعای ابو حمزه
ثمالیست و مختصر یا مفزعی عند کربتی ویا غوثی عند شدتی الیک
ترین آنها اینست

فزعت وبک استغثت وبک لذت لا الوذ بسواک ولا اطلب
الفرج الا منک فاغثنی وفرج عنی یا من یقبل الیسیر واعف
عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم اللهم انی اسئلک ایمانا تباشر
به قلبی ویقینا حتی اعلم انه لن یصیبنی الا ما کتبت لی ورضنی من العیش
بما قسمت لی یا ارحم الراحمین یا عدتی فی کربتی ویا صاحبی فی
شدتی ویا ولیی فی نعمتی ویا غایتی فی رغبتی انت الساتر عورتی
والامن روعتی والمقیل عثرتی فاغفر لی خطیئتی یا ارحم الراحمین

ویعفو عن الکثیر فاقبل منی الیسیر

واما اداب افطار سنتست که اول نماز شام را بکند و بعد از ان افطار کند مکر
انکه جمعی انتظار او برند یا انکه کرسنکی و تشنکی بر او غالب باشد و مانع حضور
قلب او باشد در نماز که درین دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است

و در وقت

دعای افطار

و در وقت افطار سوره انا انزلناه خواندن سنتست چنانچه دانستی واز حضرت
رسول منقولست که هر که یا عظیم یا عظیم یا عظیم انت الهی لا اله لی غیرک
در وقت افطار بکوید

اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم از کناهان
پاک

شود مانند روزی که از مادر متولد شده است واز حضرت امام حسن ع منقولست
که هر روزه داری را در وقت افطار دعای مستجابی هست پس باید که در لقمه اول بکوید
بسم الله الرحمن الرحیم یا واسع المغفرة اغفر لی و در حدیث دیکر از حضرت
امام موسی ع منقولست که

در وقت اللهم لک صمت وعلی رزقک افطرت وعلیک توکلت
افطار بکو

خداوندا از برای خشنودی تو روزه داشتم و بر روزی تو روزه کشادم و بر تو توکل نمودم

تا خدا عطا کند ثواب هر کس را که درین روز روزه داشته است و در روایت دیکر
منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع در وقت افطار بدو زانو می نشست و چون خوان را
میکذاشتند اللهم لک صمنا وعلی رزقک افطرنا فتقبله منا انک
میکفتند

بار خدایا برای خشنودی تو روزه داشتیم و بر روزی تو روزه کشادیم پس بپذیر انرا از ما بدرستی

انت السمیع العلیم و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت پناه ص

که تو شنوای دانای

افطار میکردند بر خرما و آب یا بر رطب و در حدیث دیکر
منقولست که انحضرت در وقت افطار ابتدا بحلوا میفرمودند و اکر نمی یافتند به نبات
یا قند یا خرما افطار میکردند و اکر هیچ نبود باب نیم کرم افطار میکردند و میفرمودند
که آب نیم کرم پاک میکند معده را و قوت میدهد حدقه را و بینائی را زیاد میکند
و کناهان را میشوید و عروق را ساکن میکرداند و صفرای غالب را فرو مینشاند و
قطع میکند بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را بر طرف میکند و ایضا
از حضرت رسول منقولست که هر که بر خرمای حلالی افطار کند ثواب نمازش چهار
صد برابر مضاعف میکردد واز حضرت صادق ع منقولست که افطار کردن باب

کناهان دل امیشوید و در حدیث دیکر فرمود که حضرت امیر المؤمنین دوست میداشت
که افطار فرماید بشیر و از حضرت امام رضا منقولست که هر که در وقت افطار یک
کرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا کناهان او را بیامرزد و ثواب یک بنده آزاد
کردن از فرزندان اسمعیل در نامهٔ عمل او نوشته شود و بهترین اعمال در روزها
و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآنست و بسیار باید خواند چون قرآن
در این ماه نازل شده است و در حدیثست که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه
رمضانست و در ماههای دیکر در ماهی یک ختم سنتست و اقلش شش روز است
و در ماه مبارک رمضان هر سه روز یک ختم سنتست و اکر هر روز یک ختم تواند کرد
خوبست و در حدیثست که بعضی از ائمه علیهم السلم در این ماه چهل ختم و زیاده
میکردند و اکر هر ختمی را ثوابش را بروح مقدس امامی و رسول خدا و فاطمه زهرا
هدیه کند ثوابش مضاعف میکردد و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار باید
فرستاد و استغفار بسیار باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید کفت و نافلهای
شب و روز را ترک نباید کرد و در شبهای طاق ماه مبارک رمضان غسل سنتست
خصوصا شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم
و در دههٔ آخر در شبهای جفت نیز غسل سنتست خصوصا شب آخر و در روایتی وارد
شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحبست و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر
منقولست که بشیعیان نوشتند که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا بخوانید
که دعای اینها را ملائکه میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند و دعا اینست
اللّهمّ انّی افتتح الثّناء بحمدک و انت مسدّد للصّواب بمنّک و ایقنت
[illegible]
انّک انت ارحم الرّاحمین فی موضع العفو و الرّحمة و اشدّ المعاقبین
[illegible]

فی موضع النّکال و النّقمة و اعظم المتجبّرین فی موضع الکبریاء و
[illegible]
العظمة اللّهمّ اذنت لی فی دعائک و مسألتک فاسمع یا سمیع
[illegible]
مدحتی و اجب یا رحیم دعوتی و اقل یا غفور عثرتی فکم یا الهی من
[illegible]
کربة قد فرّجتها و هموم قد کشفتها و عثرة قد اقلتها و رحمة قد نشرتها
[illegible]
و حلقة بلاء قد فککتها الحمد لله الّذی لم یتّخذ صاحبة و لا ولدا
[illegible]
و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولیّ من الذّلّ و کبّره تکبیرا
[illegible]
الحمد لله بجمیع محامده کلّها علی جمیع نعمه کلّها الحمد لله الّذی لا
[illegible]
مضادّ له فی ملکه و لا منازع له فی امره الحمد لله الّذی لا شریک
[illegible]
له فی خلقه و لا شبه له فی عظمته الحمد لله الفاشی فی الخلق امره
[illegible]
و حمده الظّاهر بالکرم مجده الباسط بالجود یده الّذی لا
[illegible]
تنقص خزائنه و لا تزیده کثرة العطاء الّا جودا و کرما انّه هو
[illegible]
العزیز الوهّاب اللّهمّ انّی اسألک قلیلا من کثیر مع حاجة بی
[illegible]
الیه عظیمة و غناک عنه قدیم و هو عندی کثیر و هو علیک سهل
[illegible]
یسیر اللّهمّ انّ عفوک عن ذنبی و تجاوزک عن خطیئتی و صفحک
[illegible]

شبیه

عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كثير جرمي عندما كان
[illegible]
من خطائي وعمدي اطمعني في ان اسالك ما لا استوجبه منك
[illegible]
الذي رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني من اجابتك
[illegible]
فصرت ادعوك آمنا واسالك مستانسا لا خائفا ولا وجلا مدلا
[illegible]
عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطا عني عتبت بجهلي عليك
[illegible]
ولعل الذي ابطا عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار
[illegible]
مولى كريما اصبر على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني
[illegible]
فاولي عنك وتتحبب الي فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل
[illegible]
منك كان لي التطول عليك فلم يمنعك ذلك من الرحمة بي و
[illegible]
الاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك
[illegible]
الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم الحمد لله مالك
[illegible]
الملك مجري الفلك مسخر الرياح فالق الاصباح ديان الدين رب
[illegible]
یوم
روز
العالمين الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد
[illegible]
قدرته والحمد لله على طول اناته في غضبه وهو قادر على ما يريد
[illegible]

اکر

الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق فالق الاصباح ذي الجلال والاكرام
[illegible]
والفضل والانعام الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك
[illegible]
شبیه
وتعالى الحمد لله الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله
[illegible]
ولا ظهير يعاضده قهر بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء
[illegible]
فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر
[illegible]
علي كل عورة وانا اعصيه ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم
[illegible]
من موهبة هنيئة قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة
[illegible]
مونقة قد اراني فاثني عليه حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي
[illegible]
یخیب
لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله الحمد
[illegible]
الصالحین
نیکان
لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصادقين ويرفع المستضعفين و
[illegible]
يضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين والحمد لله قاصم
[illegible]
الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين
[illegible]
موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته
[illegible]
ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها وتموج البحار
[illegible]

ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي
لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق ويرزق ولا
يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى وهو حي لا يموت
بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم صل على محمد عبدك ورسولك
وامينك وصفيك وحبيبك وخيرتك من خلقك وحافظ سرك
ومبلغ رسالاتك افضل واحسن واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب
واطهر واسنى واكثر ما صليت وباركت وترحمت وتحننت وسلمت
على احد من عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك واهل الكرامة
عليك من خلقك اللهم صل على علي امير المؤمنين ووصي رسول
رب العالمين عبدك ووليك واخي رسولك وحجتك على خلقك
وآيتك الكبرى والنبأ العظيم وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة
سيدة نساء العالمين وصل على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن
والحسين سيدي شباب اهل الجنة وصل على ائمة المسلمين علي
بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى

ومحمد بن

ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والخلف الهادي المهدي حججك
على عبادك وامنائك في بلادك صلاة كثيرة دائمة اللهم وصل
على ولي امرك القائم المؤمل والعدل المنتظر وحفه بملائكتك المقربين
وايده بروح القدس يا رب العالمين اللهم اجعله الداعي الى كتابك
والقائم بدينك استخلفه في الارض كما استخلفت الذين من قبله
مكن له دينه الذي ارتضيته له ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا
يشرك بك شيئا اللهم اعزه واعزز به وانصره وانتصر به وانصره
نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا واجعل له من لدنك سلطانا نصيرا
اللهم اظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق
مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها
الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة
الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا و
الآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه
اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به

قلبنا واعز به ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به
فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك به
اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا و
اعطنا به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والآخرة آمالنا واعطنا به
فوق رغبتنا يا خير المسئولين واوسع المعطين اشف به صدورنا
واذهب به غيظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك
انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا به على عدوك وعدونا
اله الحق آمين اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه و
آله وغيبة ولينا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن وتظاهر
الزمان علينا فصل على محمد وآله واعنا على ذلك بفتح تعجله وبضر
تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة منك تجللناها و
عافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين و بسند بسیار معتبر بلکه صحیح از حضرت
صادق منقولست که در هر شب اللهم اني اسئلك ان تجعل فيما تقضي
ماه مبارک این دعا را بخوانند
وتقدر من الامر المحتوم وفي الامر الحكيم من القضاء الذي لا يرد

ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور
سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عن سيئاتهم وان تجعل فيما تقضي
وتقدر ان تطيل عمري في خير وعافية وتوسع في رزقي وتجعلني
ممن تنتصر به لدينك ولا تستبدل بي غيري و این دعای عالیة
المضامین نیز در هر شب
وارد شده است اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين فارفعنا
وبكأس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين
برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون
فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب
السندس والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر وحج
بيتك الحرام وقتلا في سبيلك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسألة
فاستجب لنا واذا جمعت الاولين والآخرين يوم القيامة فارحمنا
وبراءة من النار فاكتب لنا وفي جهنم فلا تغلنا وفي عذابك و
هوانك فلا تبتلنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا ومع الشياطين
فلا تجعلنا وفي النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن ثياب النار

یا لا اله الا انت
ای آنکه نیست خدائی جز تو

وسرابیل القطران فلا تلبسنا ومن کل سوء نجنا لا اله الا انت فنجنا
وقرب جامها قطران پس در میپوشان ما را از هر بدی پس از آنکه نیست خدائی بجز تو

واما دعاهای سحر پس بسیار معتبر و وارد شده است که حضرت امام رضا ع
فرمود که این دعائیست که حضرت امام محمد باقر ع در سحرها میخواندند و میفرمودند
که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آنرا هر آینه بشمشیر
برای طلب این دعا با یکدیگر قتال میکنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم
اعظم خدا در این دعاست هر آینه راست گفته ام پس چون این دعا را
بخوانید با هتمام تمام و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید و دعا این است

دعای سحر ماه مبارک

اللهم انی اسألک من بهائک بابهاه وکل بهائک بهی اللهم انی
بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو در نیکوئی تو نیکوترین آن و همه نیکوئی تو نیکو است بارخدایا بدرستی
اسألک ببهائک کله اللهم انی اسألک من جمالک باجمله وکل
که من از تو میخواهم به نیکوئی تو همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو از خوبی تو خوبترین آن و همه
جمالک جمیل اللهم انی اسألک بجمالک کله اللهم انی اسألک
خوبی تو خوب است بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو بخوبی تو همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از
من جلالک باجله وکل جلالک جلیل اللهم انی اسألک بجلالک
از بزرگی تو بزرگترین آن و همه بزرگواری تو بزرگ است بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو به بزرگی تو
کله اللهم انی اسألک من عظمتک باعظمها وکل عظمتک عظیمة
همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو از عظمت تو بزرگترین آن و همه عظمت تو بزرگ است
اللهم انی اسألک بعظمتک کلها اللهم انی اسألک من نورک
بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو به بزرگی تو همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از نور تو
بانوره وکل نورک نیر اللهم انی اسألک بنورک کله اللهم انی
روشن ترین آن و همه روشنی تو روشن است بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو بروشنی تو همه آن بارخدایا بدرستی
اسألک من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعة اللهم انی اسألک
که من میخواهم از تو از بخشایش تو فراخ ترین آن و همه بخشایش تو فراخ است بارخدایا بدرستی که من میخواهم
برحمتک کلها اللهم انی اسألک من کلماتک باتمها وکل کلماتک
به بخشایش تو همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از سخنان تو تمام ترین آن و همه سخنان تو

تامة

تامة اللهم انی اسألک بکلماتک کلها اللهم انی اسألک من کمالک
تمام است بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو بسخنان تو همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو از تمامی تو
باکمله وکل کمالک کامل اللهم انی اسألک بکمالک کله اللهم
تمام ترین آن و همه تمامی تو تمام است بارخدایا بدرستی که میخواهم از تو بتمامی تو همه آن بارخدایا
انی اسألک من اسمائک باکبرها وکل اسمائک کبیرة اللهم انی اسألک
بدرستی که من میخواهم از تو از نامهای تو بزرگترین آن و همه نامهای تو بزرگ است بارخدایا بدرستی که من میخواهم
باسمائک کلها اللهم انی اسألک من عزتک باعزها وکل عزتک
بنامهای تو همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو از ارجمندی تو ارجمندترین آن و همه ارجمندی تو
عزیزة اللهم انی اسألک بعزتک کلها اللهم انی اسألک من
ارجمند است بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو بارجمندی تو همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو از
مشیتک بامضاها وکل مشیتک ماضیة اللهم انی اسألک بمشیتک
خواستن تو بارخدایا بدرستی که من میخواهم
کلها اللهم انی اسألک من قدرتک بالقدرة التی استطلت بها
همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو از توانائی تو بتوانائی که درازی کردی بآن
علی کل شیء وکل قدرتک مستطیلة اللهم انی اسألک بقدرتک
بر همه چیز و همه توانائی تو دراز است بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو بتوانائی تو
کلها اللهم انی اسألک من علمک بانفذه وکل علمک نافذ اللهم
همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از دانش تو روانترین آن و همه دانش تو روان است بارخدایا
انی اسألک بعلمک کله اللهم انی اسألک من قولک بارضاه وکل
بدرستی که من میخواهم از تو بدانش تو همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از گفتار تو پسندیده ترین آن و همه
قولک رضی اللهم انی اسألک بقولک کله اللهم انی اسألک من
گفتار تو پسندیده است بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو بگفتار تو همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از
مسائلک باحبها الیک وکل مسائلک الیک حبیبة اللهم انی
درخواستهای تو دوست ترین آن بسوی تو و همه درخواستهای تو بسوی تو دوست است بارخدایا بدرستی
اسألک بمسائلک کلها اللهم انی اسألک من شرفک باشرفه وکل
که من میخواهم از تو بدرخواستهای تو همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو از بزرگواری تو بزرگوارترین آن و همه
شرفک شریف اللهم انی اسألک بشرفک کله اللهم انی اسألک
بزرگواری تو بزرگوار است بارخدایا بدرستی که من میخواهم از تو به بزرگواری تو همه آن بارخدایا بدرستی که من میخواهم از

من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم اللهم انی اسئلك بسلطانك
كله اللهم انی اسئلك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم انی
اسئلك بملكك كله اللهم انی اسئلك من علوك باعلاه وكل
علوك عال اللهم انی اسئلك بعلوك كله اللهم انی اسئلك من منك
باقدمه وكل منك قديم اللهم انی اسئلك بمنك كله اللهم انی اسئلك
من آياتك باكرمها وكل آياتك كريمة اللهم انی اسئلك بآياتك
كلها اللهم انی اسئلك بما انت فيه من الشأن والجبروت واسئلك
بكل شأن وحده وجبروت وحدها اللهم انی اسئلك بما تجيبنی به
حين اسئلك فاجبنی يا الله پس هر حاجت که خواهد از حق تعالی بطلبد
که البته برآورده شود و از ادعیهٔ مشهوره
سحر دعائیست که شیخ طوسی و دیگران از ابوحمزهٔ ثمالی روایت کرده اند که حضرت امام
زین العابدین در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب را نماز میکردند و چون سحر
میشد این دعا میخواندند الهی لا تؤدبنی بعقوبتك ولا تمكر بی فی حيلتك
من اين لی الخير يا رب ولا يوجد الا من عندك ومن اين لی النجاة
ولا تستطاع الا بك لا الذی احسن استغنی عن عونك ورحمتك
ولا الذی اساء واجترء عليك ولم يرضك خرج عن قدرتك

يا رب يا رب يا رب آنقدر بگوید که نفس قطع شود بك عرفتك وانت دللتنی عليك
ودعوتنی اليك ولولا انت لم ادر ما انت الحمد لله الذی ادعوه
فيجيبنی وان كنت بطيئا حين يدعونی والحمد لله الذی اسئله فيعطينی
وان كنت بخيلا حين يستقرضنی والحمد لله الذی اناديه كلما شئت
لحاجتی واخلو به حيث شئت لسری بغير شفيع فيقضی لی حاجتی
والحمد لله الذی ادعوه ولا ادعو غيره ولو دعوت غيره لم يستجب
لی دعائی والحمد لله الذی ارجوه ولا ارجو غيره ولو رجوت غيره
لاخلف رجائی والحمد لله الذی وكلنی اليه فاكرمنی ولم
يكلنی الی الناس فيهينونی والحمد لله الذی تحبب الی وهو غنی
عنی والحمد لله الذی يحلم عنی حتی كانی لا ذنب لی فربی احمد
شیء عندی واحق بحمدی اللهم انی اجد سبل المطالب اليك
مشرعة ومناهل الرجاء اليك مترعة والاستعانة بفضلك
لمن املك مباحة وابواب الدعاء اليك للصارخين مفتوحة و
اعلم انك للراجين بموضع اجابة وللملهوفين بمرصد اغاثة وان

لبیك

فِي اللّٰهُمَّ اِلٰى جُودِكَ وَاِلٰى رِضَا بِقَضَائِكَ عِوَضًا عَنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ
وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي اَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَاَنَّ الرَّاحِلَ اِلَيْكَ قَرِيبُ
الْمَسَافَةِ وَاَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ اِلَّا اَنْ تَحْجُبَهُمُ الْاٰمَالُ دُونَكَ
وَقَدْ قَصَدْتُ اِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ
بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسُّلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ
مِنِّي وَلَا اسْتِيجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِثِقَتِي بِكَرَمِكَ وَسُكُونِي
اِلٰى صِدْقِ وَعْدِكَ وَلَجَائِي اِلَى الْاِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ وَيَقِينِي
بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي اَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا
شَرِيكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ
وَاسْئَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ
يَا سَيِّدِي اَنْ تَاْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَاَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْ
عَطِيَّاتِ عَلٰى اَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَاْفَتِكَ اِلٰهِي
رَبَّيْتَنِي فِي نِعَمِكَ وَاِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ
رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِاِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ وَاَشَارَ لِي فِي الْاٰخِرَةِ

الآمال — کارها

تعلقنی — گیرم

اِلٰى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ
شَفِيعِي اِلَيْكَ وَاَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ
شَفِيعِي اِلٰى شَفَاعَتِكَ اَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ اَخْرَسَهُ
ذَنْبُهُ رَبِّ اُنَاجِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ اَوْبَقَهُ جُرْمُهُ اَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا
رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا اِذَا رَاَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ وَاِذَا رَاَيْتُ
كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَاِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ رَاحِمٍ وَاِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ
حُجَّتِي يَا اللّٰهُ فِي جُرْاَتِي عَلٰى مَسْئَلَتِكَ مَعَ اِتْيَانِي مَا تَكْرَهُ جُودُكَ
وَكَرَمُكَ وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قِلَّةِ حَيَائِي رَاْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ
وَقَدْ رَجَوْتُ اَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنْيَتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي
وَاسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَاَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظُمَ
يَا سَيِّدِي اَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَاَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ اَمَلِي
وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِاَسْوَءِ عَمَلِي فَاِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ
وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقَصِّرِينَ وَاَنَا يَا سَيِّدِي عَائِذٌ
بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ اِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ

غفرت — بیامرزی

منک — از تو

تحجب

احسن بك ظنا وما انا يا رب وما خطري هبني بفضلك وتصدق

علي بعفوك اي رب جللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم

وجهك فلو اطلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت

تعجيل العقوبة لاجتنبته لا لانك اهون الناظرين الي واخف

المطلعين علي بل لانك يا رب خير الساترين واحكم الحاكمين

واكرم الاكرمين ستار العيوب غفار الذنوب علام

الغيوب تستر الذنب بكرمك وتؤخر العقوبة بحلمك فلك

الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك ويحملني

ويجرئني على معصيتك حلمك عني ويدعوني الى قلة الحياء

سترك علي ويسرعني الى التوثب على محارمك معرفتي بسعة

رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حي يا قيوم يا غافر

الذنب يا قابل التوب يا عظيم المن يا قديم الاحسان اين سترك

الجميل اين عفوك الجليل اين فرجك القريب اين غياثك

السريع اين رحمتك الواسعة اين عطاياك الفاضلة اين

مواهبك

مواهبك الهنيئة اين صنائعك السنية اين فضلك العظيم

اين منك الجسيم اين احسانك القديم اين كرمك يا كريم

به وبمحمد وآل محمد فاستنقذني وبرحمتك فخلصني يا محسن

يا مجمل يا منعم يا مفضل لست اتكل في النجاة من عقابك على

اعمالنا بل بفضلك علينا لانك اهل التقوى واهل المغفرة

تبدئ بالاحسان نعما وتعفو عن الذنب كرما فما ندري ما

نشكر اجميل ما تنشر ام قبيح ما تستر ام عظيم ما ابليت واوليت

ام كثير ما منه نجيت وعافيت يا حبيب من تحبب اليك و

يا قرة عين من لاذ بك وانقطع اليك انت المحسن ونحن

المسيئون فتجاوز يا رب عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك

واي جهل يا رب لا يسعه جودك واي زمان اطول من اناتك

وما قدر اعمالنا في جنب نعمك وكيف نستكثر اعمالا نقابل بها

كرمك بل كيف يضيق على المذنبين ما وسعهم من رحمتك يا

واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة فوعزتك يا سيدي

لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما انتهى الي
من المعرفة بجودك وكرمك وانت الفاعل لما تشاء تعذب من
تشاء بما تشاء كيف تشاء وترحم من تشاء بما تشاء كيف
تشاء ولا تسئل عن فعلك ولا تنازع في ملكك ولا تشارك
في امرك ولا تضاد في حكمك ولا يعترض عليك احد في تدبيرك
لك الخلق والامر تبارك الله رب العالمين يا رب هذا مقام
من لاذ بك واستجار بكرمك والف احسانك ونعمك وانت
الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص فضلك ولا تقل
رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القديم والفضل العظيم
والرحمة الواسعة افتراك يا رب تخلف ظنوننا او تخيب
آمالنا كلا يا كريم فليس هذا ظننا بك ولا هذا فيك طمعنا يا
رب ان لنا فيك املا طويلا كثيرا ان لنا فيك رجاء عظيما
عصيناك ونحن نرجوا ان تستجيب لنا فحقق رجاءنا يا مولانا
فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا ولكن علمك فينا وعلمنا

نهرتني

بحودك

بانك لا تصرفنا عنك حثنا على الرغبة اليك وان كنا غير
مستوجبين لرحمتك فانت اهل ان تجود علينا وعلى المذنبين
بفضل سعتك فامنن علينا بما انت اهله وجد علينا فانا
محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا وبفضلك استغنينا
وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا بين يديك نستغفرك اللهم
منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم ونعارضك بالذنوب
خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد ولم يزل ولا يزال
ملك كريم يأتيك عنا في كل يوم بعمل قبيح فلا يمنعك ذلك
من ان تحوطنا بنعمك وتتفضل علينا بآلائك فسبحانك ما
احلمك واعظمك واكرمك مبدئا ومعيدا تقدست
اسماؤك وجل ثناؤك وكرم صنائعك وفعالك انت
الهي اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني بفعلي وخطيئتي
فالعفو العفو العفو سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا
بذكرك واعذنا من سخطك واجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك

وَانعِم عَلَينا مِن فَضلِكَ وَارزُقنا حَجَّ بَيتِكَ وَزِيارَةَ قَبرِ نَبِيِّكَ

صَلَواتُكَ وَمَغفِرَتُكَ وَرَحمَتُكَ وَرِضوانُكَ عَلَيهِ وَعَلى اَهلِ

بَيتِهِ اِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَارزُقنا عَمَلاً بِطاعَتِكَ وَتَوَفَّنا عَلى

مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اغفِر لِي

وَلِوالِدَيَّ وَارحَمهُما كَما رَبَّيانِي صَغِيراً وَاجزِهِما بِالاِحسانِ

اِحساناً وَبِالسَّيِّئاتِ غُفراناً اَللّٰهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنِينَ وَالمُؤمِناتِ

الاَحياءِ مِنهُم وَالاَمواتِ وَتابِع بَينَنا وَبَينَهُم بِالخَيراتِ اَللّٰهُمَّ اغفِر

لِحَيِّنا وَمَيِّتِنا وَشاهِدِنا وَغائِبِنا ذَكَرِنا وَاُنثانا صَغِيرِنا وَكَبِيرِنا

حُرِّنا وَمَملُوكِنا كَذَبَ العادِلُونَ بِاللهِ وَضَلُّوا ضَلالاً بَعِيداً وَ

خَسِرُوا خُسراناً مُبِيناً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاختِم لِي بِخَيرٍ

وَاكفِنِي ما اَهَمَّنِي مِن اَمرِ دُنيايَ وَآخِرَتِي وَلا تُسَلِّط عَلَيَّ مَن لا

يَرحَمُنِي وَاجعَل عَلَيَّ مِنكَ واقِيَةً باقِيَةً وَلا تَسلُبنِي صالِحَ ما

اَنعَمتَ بِهِ عَلَيَّ وَارزُقنِي مِن فَضلِكَ رِزقاً واسِعاً حَلالاً طَيِّباً اَللّٰهُمَّ

وَاحرُسنِي بِحِراسَتِكَ وَاحفَظنِي بِحِفظِكَ وَاكلَأنِي بِكِلاءَتِكَ

وارزقني

وَارزُقنِي حَجَّ بَيتِكَ الحَرامِ فِي عامِنا هٰذا وَفِي كُلِّ عامٍ وَزِيارَةَ قَبرِ

نَبِيِّكَ وَالاَئِمَّةِ عَلَيهِمُ السَّلامُ وَلا تُخلِنِي يا رَبِّ مِن تِلكَ المَشاهِدِ

الشَّرِيفَةِ وَالمَواقِفِ الكَرِيمَةِ اَللّٰهُمَّ تُب عَلَيَّ حَتّى لا اَعصِيَكَ

وَاَلهِمنِي الخَيرَ وَالعَمَلَ بِهِ وَخَشيَتَكَ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ اَبَداً ما

اَبقَيتَنِي يا رَبَّ العالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي كُلَّما قُلتُ قَد تَهَيَّأتُ وَتَعَبَّأتُ

وَقُمتُ لِلصَّلوةِ بَينَ يَدَيكَ وَناجَيتُكَ اَلقَيتَ عَلَيَّ نُعاساً اِذا اَنَا

صَلَّيتُ وَسَلَبتَنِي مُناجاتَكَ اِذا اَنَا ناجَيتُكَ ما لِي كُلَّما قُلتُ

قَد صَلُحَت سَرِيرَتِي وَقَرُبَ مِن مَجالِسِ التَّوّابِينَ مَجلِسِي عَرَضَت لِي

بَلِيَّةٌ اَزالَت قَدَمِي وَحالَت بَينِي وَبَينَ خِدمَتِكَ سَيِّدِي لَعَلَّكَ

عَن بابِكَ طَرَدتَنِي وَعَن خِدمَتِكَ نَحَّيتَنِي اَو لَعَلَّكَ رَاَيتَنِي

مُستَخِفّاً بِحَقِّكَ فَاَقصَيتَنِي اَو لَعَلَّكَ رَاَيتَنِي مُعرِضاً عَنكَ

فَقَلَيتَنِي اَو لَعَلَّكَ وَجَدتَنِي فِي مَقامِ الكاذِبِينَ فَرَفَضتَنِي اَو لَعَلَّكَ

رَاَيتَنِي غَيرَ شاكِرٍ لِنَعمائِكَ فَحَرَمتَنِي اَو لَعَلَّكَ فَقَدتَنِي مِن مَجالِسِ

العُلَماءِ فَخَذَلتَنِي اَو لَعَلَّكَ رَاَيتَنِي فِي الغافِلِينَ فَمِن رَحمَتِكَ

آيستني أو لعلك رأيتني آلف مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني
أو لعلك لم تحب أن تسمع دعائي فباعدتني أو لعلك بجرمي و
جريرتي كافيتني أو لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فإن
عفوت يا رب فطالما عفوت عن المذنبين قبلي لأن كرمك
أي رب يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة
المقصرين وأنا عائذ بفضلك هارب منك إليك متنجز ما وعدت (متنجز)
من الصفح عمن أحسن بك ظنا إلهي أنت أوسع فضلا وأعظم حلما
من أن تقايسني بعملي أو أن تستزلني بخطيئتي وما أنا يا سيدي (وما خطري هبني بفضلك سيدي)
وتصدق علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم
وجهك سيدي أنا الصغير الذي ربيته وأنا الجاهل الذي
علمته وأنا الضال الذي هديته وأنا الوضيع الذي رفعته
وأنا الخائف الذي آمنته وأنا الجائع الذي أشبعته والعطشان
الذي أرويته والعاري الذي كسوته والفقير الذي أغنيته و
الضعيف الذي قويته والذليل الذي أعززته والسقيم الذي

شفيته والسائل الذي أعطيته والمذنب الذي سترته والخاطئ
الذي أقلته وأنا القليل الذي كثرته والمستضعف الذي نصرته
وأنا الطريد الذي آويته أنا يا رب الذي لم أستحيك في الخلاء
ولم أراقبك في الملأ أنا صاحب الدواهي العظمى أنا الذي (ولم أراقبك في الملأ)
على سيده اجترى أنا الذي عصيت جبار السماء أنا الذي
أعطيت على معاصي الجليل الرشى أنا الذي حين بشرت بها
خرجت إليها أسعى أنا الذي أمهلتني فما ارعويت وسترت
علي فما استحييت وعملت بالمعاصي فتعديت وأسقطتني من
عينك فما باليت فبحلمك أمهلتني وبسترك سترتني حتى كأنك
أغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنبتني حتى كأنك استحييتني
إلهي لم أعصك حين عصيتك وأنا بربوبيتك جاحد ولا
بأمرك مستخف ولا لعقوبتك متعرض ولا لوعيدك متهاون
ولكن خطيئة عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي وأعانني
عليها شقوتي وغرني سترك المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك

بجهدي فالآن من عذابك من يستنقذني ومن ايدي الخصماء

بکوشش خود پس اکنون از شکنجه کردن تو کی میرهاند مرا و از دستهای دشمنان

غداً من يخلصني وبحبل من اتصل ان انت قطعت حبلك عني

فردا کی رهائی میدهد مرا و بریسمان کی بپیوندم اگر تو ببری رشته خود را از من

فوا سوأتا على ما احصى كتابك من عملي الذي لولا ما ارجو من

پس ای رسوائیها بر آنچه شمرده نامه تو از کردار من که اگر نبود آنچه امید میدارم از

كرمك وسعة رحمتك ونهيك اياي عن القنوط لقنطت

نوازش تو و فراخی بخشودن تو و بازداشتن تو مرا و پس از نومید شدن هر آینه نا امید شدم

عند ما اتذكرها يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه راج

نزد آنچه یاد میآورم آنرا ای نیکوترین کسی که خواند او را خواننده و افزونترین کسی که امید دارد او را امیدوار

اللهم بذمة الاسلام اتوسل اليك وبحرمة القرآن اعتمد

بارخدایا به پیمان گرویدن مسلمانان نزدیکی میجویم بسوی تو و بشکوه قرآن پشت باز دادم

عليك وبحبي النبي الامي القرشي الهاشمي العربي التهامي

بر تو و بدوستی من پیغمبر ناخوان از قریش از هاشم از عرب از تهامه

المكي المدني ارجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس ايماني

از مکه از مدینه امیدوارم نزدیک شدن نزد ترا پس مرمان آرام گرفتن دل گرویدن مرا

ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد سواك فان قوما آمنوا بالسنتهم

و مگردان مزد مرا مزد کسی که پرستید جز ترا پس بدرستی که گروهی گرویدند بزبانهاشان

ليحقنوا به دماءهم فادركوا ما املوا وانا آمنا بك بالسنتنا و

تا نگاه دارند بدان خونهاشان را پس دریافتند آنچه امید داشتند و ما گرویدیم بتو بزبانهای خود و

قلوبنا لتعفو عنا فادركنا ما املنا وثبت رجاءك في صدورنا

دلهای خود تا درگذری از ما پس دریاب ما را آنچه امید داریم و برجای دار امید خود در سینههای ما

ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت

و مگردان دلهای ما را پس از آنکه راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود بخشودنی بدرستیکه تو

الوهاب فوعزتك لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن

بسیار بخشنده پس بارجمندی تو سوگند که اگر باز رانی مرا نروم از درگاه تو و باز نایستم از

تملقك لما الهم قلبي من المعرفة بكرمك وسعة رحمتك الى

چاپلوسی کردن تو از برای آنچه الهام داده شد بدل من از شناختن نوازشت و فراخی بخشایشت بسوی

فوا سوأتاه — پس ای رسوائی

او بحق النبی

قلوبنا — دلهای ما

یا سیدی — ای آقای من

من يذهب

من يذهب العبد الا الى مولاه والى من يلتجئ المخلوق الا الى خالقه

میرود بنده مگر بسوی خداوندش و بسوی که پناه برد آفریده شده مگر بسوی آفریننده

الهي لو قرنتني بالاصفاد ومنعتني سيبك من بين الاشهاد و

خدای من اگر ببندی مرا به بندها و باز داری از من بخشش از میان پیدایان و

دللت على فضائحي عيون العباد وامرت بي الى النار وحلت بيني

راه نمائی بر رسوائیهای من دیدههای بندگان و فرمائی مرا بآتش و در آئی میان من

وبين الابرار ما قطعت رجائي ولا صرفت وجه تأميلي للعفو

و میان نیکوکاران نبرم امید خود را و نگردانم روی امید داشتنم برای درگذشتن

عنك ولا خرج حبك من قلبي انا لا انسى اياديك عندي و

از تو و بیرون نرود دوستی تو از دل من فراموش نکنم نعمتهای ترا نزد خود و

سترك علي في دار الدنيا يا سيدي صل على محمد وآل محمد واخرج

پوشانیدن تو را بر من در سرای پست ای مهتر من درود ده بر محمد و آل محمد و بیرون کن

حب الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين المصطفى وآله خيرتك من

دوستی دنیا را از دل من و فراهم آر میان من و میان پیغمبر و خاندانش برگزیدهٔ تو از

خلقك وخاتم النبيين محمد صلى الله عليه وآله وانقلني الى

آفریدگانت و ختم پیغمبران محمد درود دهد خدا بر او و بر خاندانش و ببر مرا بسوی

درجة التوبة واعني بالبكاء على نفسي فقد افنيت بالتسويف

پایگاه بازگشت و یاری ده مرا بگریستن بر خود پس بدرستیکه تمام کردم به امروز و فردا کردن

والآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين من خيري فمن يكون

و امیدها زندگانی خود را و بتحقیق که فرود آمدم پایه نا امیدان از نیکیم پس کیست که باشد

اسوء حالا مني ان انا نقلت على مثل حالي الى قبري لم امهده لرقدتي

بدحالتر از من اگر من بازده شوم و مانند حال خود بسوی گوری که نیاراستم

ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي ومالي لا ابكي ولا ادري

و نگستردم آنرا بکردار شایسته از برای خوابیدنم و چیست مرا که نگریم و ندانم

الى ما يكون مصيري وارى نفسي تخادعني وايامي تخاتلني وقد

بسوی چه میباشد بازگشت من و می بینم نفس خود را که می فریبد مرا و روزها مرا فریب میدهند و

خفقت عند رأسي اجنحة الموت فما لي لا ابكي ابكي لخروج

بتحقیق نزد سر من پرهای مرگ پس چیست مرا که نگریم میگریم از برای

منك — از تو

اليك — بسوی تو

فوق — بالای

نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي لضيق لحدي ابكي لسؤال منكر ونكير
بیرون آمدن جان ... گریه میکنم از تنگی لحد خود میکنم گریه از برای پرسیدن دو فرشته
ايّاي ابكي لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً حاملاً ثقلي على ظهري
از من و گریه میکنم از برای بیرون آمدنم از گورم برهنه خوار بردارنده گرانی بار خود بر پشتم
انظر مرّة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق في شأن غير
مینگرم یکبار از راست خود و دیگر بار از چپ خود چونکه خلایق در کاری باشند جز
شأني لكل امرئٍ منهم يومئذ شأن يغنيه وجوه يومئذ مسفرة
کار من هر مردی را از ایشان در آن روز کاری که بی نیاز دارد او را روها در آن روز روشن
ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة
خندان شادان و روها باشد در آن روز بر آن بود گردی بپوشاند آن را تاریکی و خواری
سيدي عليك معوّلي ومعتمدي ورجائي وتوكّلي وبرحمتك
ای مهتر من بر تست واگذاشتن کار من ... و امید من و کار باز گذاشتن من و به بخشودن تو
تعلّقي تصيب برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك من تحبّ
چنگ در زدن من میرسانی بخشودن خود کسی را که میخواهی و راه مینمائی ببزرگی ... کسی را که دوست داری
فلك الحمد على ما نقّيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط لساني
پس مر تراست سپاس بر آنچه پاک کردی از انباز کردن دل مرا و مر تراست سپاس بر گشاده کردن زبان من
افبلساني هذا الكالّ اشكرك ام بغاية جهدي في عملي ارضيك
آیا بزبان من ... سپاس میدارم ترا یا بنهایت کوشش ... در کردارم خوشنود میکنم
وما قدر لساني يا ربّ في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب نعمك
و چیست اندازه زبان من ای پروردگار در پهلوی سپاسداری تو و چیست اندازه کردار من در پهلوی نعمتهای تو
واحسانك اليّ الا ان جودك بسط املي وشكرك قبل عملي
و نیکوئی کردن تو بسوی من مگر آنکه بخشش تو گشاد امید مرا و سپاسداری تو پذیرفت کردار مرا
سيدي اليك رغبتي ومنك رهبتي واليك تأميلي وقد
ای مهتر من بسوی تست خواهش من و از تست ترس من و بسوی تست امید داشتن من و بتحقیق
ساقني اليك املي وعليك يا واحدي عكفت همّتي وفيما عندك
گردانید مرا بسوی تو امید من و بر تو ای یگانه من ... اندیشه من و در آنچه نزد تست
انبسطت رغبتي ولك خالص رجائي وخوفي وبك انست محبّتي
پهن شد خواهش من و مر تراست خالص امید من و بیم من و بتو آرام گرفت دوستی من

اللّهمّ
خداوندا

اليك
بسوی تو

واليك

واليك القيت بيدي وبحبل طاعتك مددت رهبتي يا مولاي
و بسوی تو خود را افکندم بدست خود و در ریسمان فرمان تو ... کشیدم ترس خود را ای خداوند
بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك بردت الم الخوف عنّي فيا مولاي
بیاد کردن تو زنده است دل من و براز گفتن با تو خنک کردم درد ترس را از خود پس ای خداوند
ويا مؤمّلي ويا منتهى سؤلي صلّ على محمد وآل محمد وفرّق
و ای امید داشته من و ای پایان خواهش من درود ده بر محمد و آل محمد و جدا کن
بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك فانّما اسألك لقديم
میان من و میان گناه من که باز دارنده است مرا از ... فرمان تو ... بدرستیکه من میخواهم از برای
الرجاء منك وخوفي اليك وعظيم الطمع منك الذي اوجبته
امید داشتن ... از تو و ترس من بسوی تو و امید بزرگ از تو که واجب کردی
على نفسك من الرأفة والرحمة والامر لك وحدك لا شريك
بر خود از مهربانی و بخشودن و فرمان مر تراست تنهائی تو انبازی نیست
لك والخلق كلّهم عيالك وفي قبضتك وكلّ شيء خاضع
مر ترا و آفریدگان همه ایشان خورندگان روزی تواند و در چنگ توانائی تو و همه چیز فروتن است
لك تباركت يا ربّ العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت حجّتي
مر ترا بزرگواری ای پروردگار جهانیان خدای من ببخشا مرا هرگاه بریده شد گواه من
وكلّ عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك ايّاي لبّي فيا عظيم
و کند شد از پاسخ دادن تو زبان من و ... خواستن تو ... ای بزرگ
رجائي لا تخيّبني اذا اشتدّت فاقتي اليك ولا تردّني لجهلي
امید من نومید مکن مرا چون سخت شد نیازمندی من بسوی تو و باز مگردان مرا بنادانی
ولا تمنعني لقلّة صبري اعطني لفقري وارحمني لضعفي سيّدي
و باز مدار مرا از برای ناشکیبائی من و بده مرا از برای درویشی من و ببخشا مرا از برای سستی من ای مهتر من
عليك معتمدي ومعوّلي ورجائي وتوكّلي وبرحمتك تعلّقي
بر تست ... واگذاشتن کار من و امید من و کار باز گذاشتن من و ببخشایش تو چنگ در زدن
وبفنائك احطّ رحلي وبجودك اقصد طلبتي وبكرمك اي ربّ
و بدرگاه تو ... بخشش تو ... میکنم خواستن ... ای پروردگار
استفتح دعائي ولديك ارجو فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت
گشایش ... خواندنم ... امید میدارم ... بی نیازی تو ...

فيا عظيماً يرجى لكلّ عظيم انت
پس ای بزرگی که امید داشته میشود برای هر بزرگ تو

سيّدي
ای

ظل عفوك قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك
اديم نظري فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي ولا تسكني الهاوية
فانك قرة عيني يا سيدي لا تكذب ظني باحسانك ومعروفك
فانك ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فانك العارف بفقري
الهي ان كان قد دنا اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت
الاعتراف اليك بذنبي وسائل عللي الهي ان عفوت فمن اولى
منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل منك في الحكم ارحم
في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر وحدتي وفي
اللحد وحشتي واذا نشرت للحساب بين يديك ذل موقفي واغفر لي
ما خفي على الادميين من عملي وادم لي ما به سترتني وارحمني
صريعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي وتفضل علي ممدودا
على المغتسل يقلبني يغسلني صالح جيرتي وتحنن علي محمولا
قد تناول الاقرباء اطراف جنازتي وجد علي منقولا قد نزلت بك
وحيدا في حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي حتى لا استانس

بغيرك

بغيرك يا سيدي فانك ان وكلتني الى نفسي هلكت سيدي فبمن
استغيث ان لم تقلني عثرتي والى من افزع ان فقدت عنايتك
في ضجعتي والى من التجئ ان لم تنفس كربتي سيدي من لي و
من يرحمني ان لم ترحمني وفضل من اؤمل ان عدمت فضلك يوم
فاقتي والى من الفرار من الذنوب اذا انقضى اجلي سيدي لا
تعذبني وانا ارجوك اللهم حقق رجائي وآمن خوفي فان كثرة
ذنوبي لا ارجو فيها الا عفوك سيدي انا اسالك ما لا استحق
وانت اهل التقوى واهل المغفرة فاغفر لي والبسني من
نظرك ثوبا يغطي على الذنوب والتبعات وتغفرها لي ولا
اطالب بها انك ذو من قديم وصفح عظيم وتجاوز كريم الهي انت
الذي تفيض سيبك على من لا يسالك وعلى الجاحدين بربوبيتك
فكيف سيدي بمن سالك وايقن ان الخلق لك والامر اليك
تباركت وتعاليت يا رب العالمين الهي وسيدي عبدك
ببابك اقامته الخصاصة بين يديك يقرع باب احسانك

بِدُعائِهِ وَيَسْتَعْطِفُ جَمِيلَ نَظَرِكَ بِمَكْنُونِ رَجائِهِ فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ
بخواندنش و میخواهد مهربانی کردن باميد نهانش پس رو مگردان
الْكَرِيمِ عَنِّي وَاقْبَلْ مِنِّي ما أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُكَ بِهذَا الدُّعاءِ وَ
بزرگوارت از من و در گذر از من آنچه میگویم پس بتحقیق که خواندم ترا باین دعا و
أَنَا أَرْجُو أَنْ لا تَرُدَّنِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ إِلهِي أَنْتَ
من امیدوارم که بر نگردانی مرا شناسا من بمهربانی تو و بخشش تو خدای من توئی
الَّذِي لا يُحْفِيكَ سائِلٌ وَلا يَنْقُصُكَ نائِلٌ أَنْتَ كَما تَقُولُ وَفَوْقَ
که ستوه نمی آورد ترا خواهنده و کم نمیکند از تو دهش تو چنانی که میگوئی و بالاتر
ما يَقُولُ الْقائِلُونَ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْراً جَمِيلاً وَفَرَجاً قَرِيباً وَقَوْلاً
آنچه میگویند گویندگان خدایا بدرستی که من میخواهم از تو شکیبائی نیکو را و گشایش نزدیک را و گفتن
صادِقاً وَأَجْراً عَظِيماً أَسْأَلُكَ يا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ
راست را و مزد بزرگ را میخواهم از تو ای پروردگار من از نیکی همه آن آنچه دانستم از آن
وَما لَمْ أَعْلَمْ أَسْأَلُكَ اللّهُمَّ مِنْ خَيْرِ ما سَأَلَكَ مِنْهُ عِبادُكَ
و آنچه ندانستم میخواهم از تو بار خدایا از بهترین آنچه خواستند از تو بندگان
الصّالِحُونَ يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ مَنْ أَعْطى أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي
شایسته تو ای بهترین کسی که خواسته شد و بخشنده ترین کسی که داد بده مرا خواسته مرا در
نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَوالِدَيَّ وَأَهْلِ حُزانَتِي وَإِخْوانِي فِيكَ
جان من و زن من و فرزند من و پدر و مادر من و کسانی که غمخواری کنند مرا و برادران مرا در راه تو
وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأَظْهِرْ مُرُوَّتِي وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوالِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ
و خوش گردان زندگانی مرا و آشکار کن مردی مرا و اصلاح کن همه حالهای مرا و بگردان مرا از کسانی که
أَطَلْتَ عُمْرَهُ وَحَسَّنْتَ عَمَلَهُ وَأَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضِيتَ
دراز کردی عمر آن کسانرا و نیکو کردی کردارش را و تمام کردی بر او نعمت را و خشنود شدی
عَنْهُ وَأَحْيَيْتَهُ حَيوةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغِ الْكَرامَةِ
از او و زنده داشتی او را زندگانی پاکیزه در پاینده ترین شادی و فراخ ترین نوازش
وَأَتَمِّ الْعَيْشِ إِنَّكَ تَفْعَلُ ما تَشاءُ وَلا يَفْعَلُ ما يَشاءُ غَيْرُكَ اللّهُمَّ
و تمام ترین زندگانی بدرستی که تو میکنی آنچه میخواهی و نمیکند آنچه میخواهد دیگری جز تو خدایا
وَخُصَّنِي مِنْكَ بِخاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمّا أَتَقَرَّبُ بِهِ
و بگذار مرا از خود بویژه یاد کردنت و مگردان چیزی از آنچه نزدیکی میجویم بآن

ما يقول القائلون
انچه گویند گویندگان

مروّتی

فِي آناءِ اللَّيْلِ وَأَطْرافِ النَّهارِ رِياءً وَلا سُمْعَةً وَلا أَشَراً وَلا بَطَراً
در وقتهای شب و کنارهای روز خودنمائی و نامآوازه و نه حرص و نه شادی
وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخاشِعِينَ اللّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ
و بگردان مرا از برای تو از فروتنان بار خدایا بده مرا فراخی در روزی
وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ وَالْمُقامَ
و ایمنی در جایگاه و روشنی چشم در زن و خواسته و فرزند و ایستادن
فِي نِعَمِكَ عِنْدِي وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلامَةَ
در نعمتهای تو نزد من و درستی در تن و نیرومندی در تن و سلامتی
فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ
در کیش و بکار دار مرا بفرمان برداری و فرمان برداری پیغمبرت محمد و مردمان
بَيْتِهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَداً ما اسْتَعْمَرْتَنِي وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ
خانه او درود دهاد خدا بر او و خاندان او همیشه تا زندگانی دهی مرا و بگردان مرا از تمام ترین
عِبادِكَ عِنْدَكَ نَصِيباً فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضانَ
بندگانت نزد خود بهره در هر نیکی که فرو فرستادی و فرو میفرستی آنرا در ماه رمضان
فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَما أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُها
در شب قدر و آنچه تو فرو فرستنده آنی در هر سال از بخشایشی که پهن کرده
وَعافِيَةٍ تُلْبِسُها وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُها وَحَسَناتٍ تَتَقَبَّلُها وَسَيِّئاتٍ
و تندرستی که پوشانی آنرا و بلائی که دفع کنی آنرا و خوبیها که بپذیری آنرا و بدیها که
تَتَجاوَزُ عَنْها وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ فِي عامِنا هذا وَفِي كُلِّ عامٍ
درگذری از آنها و روزی کن مرا زیارت خانه حرام در سال ما این و در هر سال
وَارْزُقْنِي رِزْقاً واسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ وَاصْرِفْ عَنِّي يا سَيِّدِي
و روزی کن مرا روزی فراخی از بخشش فراخ خود و بگردان از من ای مهتر من
الْأَسْواءَ وَاقْضِ عَنِّيَ الدَّيْنَ وَالظُّلاماتِ حَتّى لا أَتَأَذّى بِشَيْءٍ مِنْهُ
بدیها را و بگذار از من وام را و ستمهای مردمان تا آزرده نشوم بچیزی از آن
وَخُذْ عَنِّي بِأَسْماعِ وَأَبْصارِ أَعْدائِي وَحُسّادِي وَالْباغِينَ عَلَيَّ
و بگیر از من گوشهای و چشمهای دشمنانم و رشک برانم و ستمگران بر من
وَانْصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَأَقِرَّ عَيْنِي وَفَرِّجْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي
و یاری ده مرا بر ایشان و روشن ساز چشم مرا و شاد کن دل مرا و بگردان از برای من از اندوه من و اندوه

جسمی
تن مرا

اضدادی

وحظوظی
و وامهای من

فرجا ومخرجا واجعل من اراد بي سوء من جميع خلقك تحت قدمي
واكفني شر الشيطان وشر السلطان وسيئات عملي وطهرني
من الذنوب كلها واجرني من النار بعفوك وادخلني الجنة
برحمتك وزوجني من الحور العين بفضلك والحقني باوليائك
الصالحين محمد وآله الابرار الطيبين الطاهرين الاخيار
صلوات الله عليهم وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة الله
وبركاته الهي وسيدي وعزتك وجلالك لئن طالبتني بذنوبي
لاطالبنك بعفوك ولئن طالبتني بلؤمي لاطالبنك بكرمك
ولئن ادخلتني النار لاخبرن اهل النار بحبي لك الهي و
سيدي ان كنت لا تغفر الا لاوليائك واهل طاعتك
فالى من يفزع المذنبون وان كنت لا تكرم الا اهل الوفاء
بك فبمن يستغيث المسيئون الهي ان ادخلتني النار ففي ذلك
سرور عدوك وان ادخلتني الجنة ففي ذلك سرور نبيك
وانا والله اعلم ان سرور نبيك احب اليك من سرور عدوك

بجرمي

اللهم اني اسألك ان تملأ قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا
بكتابك وايمانا بك وفرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام
حبب الي لقاءك واحبب لقائي واجعل لي في لقائك الراحة و
الفرج والكرامة اللهم الحقني بصالح من مضى واجعلني من
صالح من بقي وخذ بي سبيل الصالحين واعني على نفسي بما
تعين به الصالحين على انفسهم واختم عملي باحسنه واجعل
ثوابي منه الجنة برحمتك يا رب العالمين واعني على صالح
ما اعطيتني وثبتني يا رب ولا تردني في سوء استنقذتني
منه اللهم اني اسألك ايمانا لا اجل له دون لقائك احيني
ما احييتني عليه وتوفني اذا توفيتني عليه وابعثني اذا بعثتني
عليه وابرئ قلبي من الرياء والشك والسمعة في دينك حتى
يكون عملي خالصا لك اللهم اعطني بصيرة في دينك وفهما
في حكمك وفقها في علمك وكفلين من رحمتك وورعا يحجزني
عن معاصيك وبيض وجهي بنورك واجعل رغبتي فيما عندك

علته / واو

ابدا

معاصيك

وتوفني في سبيلك وعلى ملة رسولك صلى الله عليه وآله
اللهم إني أعوذ بك من الكسل والفشل والهم والجبن والبخل والحزن
والغفلة والقسوة والذلة والمسكنة والفقر والفاقة وكل
بلية والفواحش ما ظهر منها وما بطن وأعوذ بك من نفس لا تقنع
وبطن لا يشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا ينفع و
صلوة لا ترفع وأعوذ بك يا رب على نفسي وولدي وديني و
مالي وعلى جميع ما رزقتني من الشيطان الرجيم إنك أنت السميع
العليم اللهم إنه لا يجيرني منك أحد ولا أجد من دونك ملتحدا
فلا تجعل نفسي في شيء من عذابك ولا تردني بهلكة ولا تردني
بعذاب أليم اللهم تقبل مني وأعل ذكري وارفع درجتي وحط
وزري ولا تذكرني بخطيئتي واجعل ثواب مجلسي وثواب منطقي
وثواب دعائي رضاك والجنة وأعطني يا رب جميع ما سألتك
وزدني من فضلك إني إليك راغب يا رب العالمين اللهم
إنك أنزلت في كتابك العفو وأمرتنا أن نعفو عمن ظلمنا وقد

ظلمنا

ظلمنا أنفسنا فاعف عنا فإنك أولى بذلك منا وأمرتنا أن لا
نرد سائلا عن أبوابنا وقد جئتك سائلا فلا تردني إلا بقضاء
حاجتي وأمرتنا بالإحسان إلى ما ملكت أيماننا ونحن أرقاؤك
فأعتق رقابنا من النار يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند
شدتي إليك فزعت وبك استغثت ولذت لا ألوذ بسواك
ولا أطلب الفرج إلا منك فأغثني وفرج عني يا من يقبل
اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير
إنك أنت الرحيم الغفور اللهم إني أسألك إيمانا تباشر به قلبي
ويقينا صادقا حتى أعلم أنه لن يصيبني إلا ما كتبت لي و
رضني من العيش بما قسمت لي يا أرحم الراحمين ومختصر من دعائها
سحر اينست
يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي إليك فزعت
وبك استغثت وبك لذت لا ألوذ بسواك ولا أطلب
الفرج إلا منك فأغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير و
يعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير إنك

انت الغفور الرحيم اللهم اني اسالك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا
حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضني من العيش بما
قسمت لي يا ارحم الراحمين يا عدتي في كربتي ويا صاحبي
في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غايتي في رغبتي انت الساتر
عورتي والامن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي يا
ارحم الراحمين واما دعاهاي هر روز ماه مبارك بسند معتبر منقولست
كه حضرت امام زين العابدين وامام محمد باقر صلوات الله
عليهما در هر روز اين ماه مبارك اين دعا ميخواندند اللهم هذا شهر رمضان الذي انزلت
فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان
وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر
الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر
العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فيه ليلة القدر
التي هي خير من الف شهر اللهم فصل على محمد وآل محمد واعني
على صيامه وقيامه وسلمه لي وسلمني فيه واعني عليه بافضل
عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك

صلوات الله عليهم وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة
كتابك وعظم لي فيه البركة واحسن لي فيه العافية واحرز
لي فيه التوبة واصح لي فيه بدني واوسع فيه رزقي واكفني فيه
ما اهمني واستجب فيه دعائي وبلغني فيه رجائي اللهم صل
على محمد وآل محمد واذهب عني فيه النعاس والكسل والسامة
والفترة والقسوة والغفلة والغرة وجنبني فيه العلل و
الاسقام والهموم والاحزان والاعراض والامراض والخطايا
والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء
والتعب والعناء انك سميع الدعاء اللهم صل على محمد وآل
محمد واعذني فيه من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه
ونفخه ووسوسته وتثبيطه وبطشه وكيده ومكره وحبائله
وخدعه وامانيه وغروره وفتنته وشركه واحزابه واتباعه
واشياعه واوليائه وشركائه وجميع مكائده اللهم صل على
محمد وآل محمد وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الامل فيه

١٤١

وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عني صبرا واحتسابا وايمانا و
يقينا ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا
رب العالمين اللهم صل على محمد وال محمد وارزقني الحج و
العمرة والجد والاجتهاد والقوة والنشاط والانابة والتوبة
والتوفيق والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة والتضرع
والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق اللسان والوجل منك
والرجاء لك والتوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك
مع صالح القول ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب
الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا
هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد و
التحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك
برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد واقسم
لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل
ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن

والاجابة

١٤٢

والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة
والعتق من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا والاخرة اللهم
صل على محمد وال محمد واجعل دعائي فيه اليك واصلا
ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه
مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكبر
وحظي فيه الاوفر اللهم صل على محمد وال محمد ووفقني فيه
لليلة القدر على افضل حال تحب ان يكون عليها احد من
اوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي خيرا من الف شهر وارزقني
فيها افضل ما رزقت احدا ممن بلغته اياها واكرمته بها واجعلني
فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك
بمغفرتك ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد
وال محمد وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط
وما تحب وترضى اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر
ورب شهر رمضان وما انزلت فيه من القران ورب جبرئيل

وميكائيل واسرافيل وجميع الملئكة المقربين ورب ابرهيم و
و میکائیل و اسرافیل و همه فرشتگان نزدیکان و پروردگار ابرهیم و
اسمعيل واسحق ويعقوب ورب موسى وعيسى وجميع النبيين
اسمعیل و اسحق و یعقوب و پروردگار موسی و عیسی و همه پیغمبران
والمرسلين ورب محمد خاتم النبيين صلواتك عليه وعليهم
و فرستادگان و پروردگار محمد انجام پیغمبران درودهای تو بر او و بر ایشان
اجمعين واسالك بحقهم عليك وبحقك العظيم عليهم لما
همگی و میخواهم از تو بسزاواری ایشان و بسزاواری بزرگ تو بر ایشان مگر
صليت عليه واله وعليهم اجمعين ونظرت الى نظرة رحيمة ترحمني
درود دهی بر او و بر خاندانش و بر ایشان همگی و بنگری بسوی من نگرستنی مهربانانه کرحمتو
بها عنى رضا لا اسخط على بعده ابدا واعطيتني جميع سؤلي و
بآن از خشنودی که ناخشنود نگردم پس از آن هرگز و بدهی بمن همه خواسته مرا و
رغبتي وامنيتي وارادتي وصرفت عني ما اكرم واحذر و
دلخواه مرا و آرزوی مرا و خواست مرا و بگردانی از من آنچه ناخوش میدارم و می‌پرهیزم
اخاف على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني
و میترسم بر خود و آنچه را که نمی‌ترسم و از کسانم و از مالم و برادرانم
واخواني وذريتي اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فاونا تائبين
و خواهرانم و فرزندانم بارخدایا بسوی تو گریختیم از گناهان پس جای ده ما را بازگردندگان
وتب علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا مستجيرين
و بازگردان بما آمرزش خواهندگان و بیامرز ما را پناه خواهندگان و پناه ده ما را زنهار خواهان
واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وامنا راغبين وشفعنا
و زنهار ده ما را گردن نهادگان و فرو مگذار ما را ترسندگان و ایمن گردان ما را خواهندگان و شفاعت پذیر ما را
سائلين واعطنا انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انت
خواهندگان و بده ما را بدرستی که تویی شنونده خواندن نزدیک پاسخ دهنده بارخدایا تو
ربي وانا عبدك واحق من سئل العبد ربه ولم يسئل العباد
پروردگار منی و منم بنده تو و سزاوارتر کسی که خواهد بنده پروردگار و نخواهند بندگان
مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى حاجة
مانند تو از روی نوازش و بخشش ای جای گله خواهندگان و ای پایان نیاز

الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجا
خواهندگان و ای فریادرس دادخواهان و ای پاسخ دهنده خواندن بیچارگان و ای پناه
الهاربين ويا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف
گریزندگان و ای فریادرس داد خواهان و ای پروردگار سست شمردگان و ای برندهٔ
كرب المكروبين ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم
اندوه اندوهناکان و ای گشاینده اندیشه اندیشناکان و ای برنده اندوه بزرگ
يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال
ای خدای بخشنده ای بخشاینده ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان بارخدایا درود فرست بر محمد و آل
محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي واساءتي وظلمي وجرمي واسرافي
محمد و بیامرز برای من گناهان مرا و عیبهای مرا و بدکرداری مرا و ستم کردن مرا و گناه مرا و از اندازه گذشتن
على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكهما غيرك
بر خودم و روزی ده مرا از افزونیت و بخشایشت پس بدرستی که خداوند آن نمیشود جز تو
واعف عني واغفر لي كلما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي
و درگذر از من و بیامرز برای من همه آنچه پیش رفت از گناهان من و نگاهدار مرا در آنچه ماند از
من عمري واستر علي وعلى والدي وقرابتي واهل حزانتي ووالدي
عمرم و بپوشان بر من و بر پدر و مادرم و خویشانم و کسانی که اندوهناک
ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والاخرة
و کسی که هست از من براه از مردان گرویده و زنان گرویده در این جهان و آن جهان
فان ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي
پس بدرستی که آن همه‌اش بدست تست و تویی فراخ آمرزش پس نومید مکن ای مهتر من
ولا ترد دعائي ولا تردد يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي و
و باز مگردان خواندن مرا و باز مگردان دستم را بگلوگاهم تا اینکه بکنی آن را بمن و
تستجيب لي جميع ما سئلتك وتزيدني من فضلك فانك على
پاسخ دهی از برای من هر آنچه را خواستم از تو و بیفزایی از برای من از افزونی کرمت پس بدرستی که تویی بر
كل شيء قدير ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى
هر چیز توانایی و ما بسوی تو رغبت کنندگانیم بارخدایا مر تراست نامهای نیکو
والامثال العليا والكبرياء والالاء اسالك باسمك بسم الله
و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها میخواهم از تو بنام تو بنام خدای

الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملئكة
بخشاینده مهربان اگر تو نوشته در این شب فرود آمدن فرشتگان
والروح فيها ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في
و روح را در آن اگر درود دهی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در
السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي
نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوئی کردن مرا در علیین و بدی کردن مرا
مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه
آمرزیده شده و اینکه ببخشی مرا یقینی که بشارت دهد به آن دل من و گرویدنی که در نیامیزد
شك ورضى بما قسمت لي واتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة
گمانی و خشنودی به آنچه بخش کرده ای از برای من و بده مرا در این جهان نیکی و در آن جهان
حسنة وقنا عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه الليلة
نیکی و نگاهدار ما را از شکنجه آتش و اگر نوشته در این شب
تنزل الملئكة والروح فيها فاخرني الى ذلك وارزقني فيها
فرود آمدن فرشتگان و روح را در آن پس باز پس دار مرا تا آن و روزی کن مرا در آن
ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك فصل على محمد
یاد کردنت و سپاس داریت و فرمان برداریت و نیکوئی پرستیدنت پس درود ده بر محمد
وآل محمد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا
و خاندان محمد با فزونتر درودهایت ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان ای یکتا ای بی‌نیاز ای
رب محمد وآل محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته
پروردگار محمد و خاندان محمد خشم گیر امروز از برای محمد و از برای نیکان خاندانش
واقتل اعداءهم بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض
و بکش دشمنان ایشان را پراکندگان از دوری شمار و مگذار بر پشت زمین
منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيين
از ایشان یکی را و میامرز ایشان را هرگز ای نیکو همراه ای جانشین پیغمبران
انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذي ليس كمثله شيء
توئی بخشاینده‌ترین بخشایندگان آغاز کننده نو پدید آورنده که نیست مانند آن چیزی
والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم في شان
همیشه نه بیخبر و زنده که نمی‌میرد تو هر روز در کاری

انت

انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسئلك ان تنصر وصي
توئی جانشین محمد و یاور محمد و افزونی دهنده محمد میخواهم از تو اینکه یاری دهی وصی
محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك
محمد و جانشین محمد را و ایستاده به داد از وصیهای محمد درودهای تو
عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق
بر او و بر ایشان مهربانی کن بر ایشان یاری خود را ای آنکه نیست خدائی مگر تو بحق
لا اله الا انت صل على محمد وآل محمد واجعلني معهم في الدنيا
نیست خدائی مگر تو درود ده بر محمد و آل محمد و بگردان مرا با ایشان در این جهان
والآخرة واجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم
و آن جهان و بگردان فرجام کار مرا بسوی آمرزیدنت و بخشودنت ای بخشاینده‌ترین
الراحمين وكذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطيف بلى انك
بخشایندگان و همچنین یاد خود را ای مهتر من به نیکوکار آری بدرستی
لطيف فصل على محمد وآل محمد والطف لي انك لطيف لما تشاء
که نیکوکاری پس درود ده بر محمد و آل محمد و نیکوئی کن بمن
اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا
بار خدایا درود ده بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره در سال ما
وفي كل عام وتطول علي بجميع حوائجي للدنيا والآخرة پس بگو
و در هر سال و بخش بر من بهمه نیازهای من از برای دنیا و آخرت
استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي قريب مجيب استغفر الله
آمرزش میخواهم از خدا پروردگارم و بازگشت میکنم بسوی او بدرستی که پروردگار من نزدیک است پاسخ دهنده آمرزش میخواهم از خدا
ربي واتوب اليه ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب
پروردگارم و بازگشت میکنم بسوی او بدرستی که پروردگار من بخشاینده دوست است آمرزش میخواهم از خدا پروردگارم و بازگشت میکنم
اليه انه كان غفارا اللهم اغفر لي انك انت ارحم الراحمين رب
بسوی او بدرستی که او هست آمرزنده بار خدایا بیامرز مرا بدرستی که توئی بخشاینده‌ترین بخشایندگان پروردگارا
اني عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي ذنوبي انه لا يغفر الذنوب
بدرستی که من کردم بدی و ستم کردم نفس خود را پس بیامرز گناهانم را بدرستی که نمی‌آمرزد گناهان را
الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الحليم
مگر تو آمرزش میخواهم از خدائی که نیست خدائی بجز او زنده پاینده بردبار

العظيم الكريم الغفار للذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله
بزرگوار دانای آمرزنده گناهان بزرگ و بازگشت میکنم بسوی او و آمرزش میخواهم از خدا
ان الله كان غفورا رحيما ثلث مرات اللهم اني اسئلك ان تصلي
بدرستیکه خدا هست آمرزنده بخشاینده بار خدایا بدرستیکه از تو میخواهم که رحمت فرستی
على محمد وآل محمد وان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر العظيم
بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی در آنچه حکم میکنی و اندازه میکنی از کار بزرگ
المحتوم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل
لازم شده در شب قدر از حکم آنچنانی که رد کرده نشود و گردانیده نشود
ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور
آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه با شکوه تو پذیرفته حجشان پسندیده شده
سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وان تجعل فيما
سعیشان آمرزیده گناهانشان برطرف شده از ایشان بدیهاشان و آنکه بگردانی در آنچه
تقضي وتقدر ان تطيل عمري وتوسع رزقي وتؤدي عني امانتي
حکم میکنی و اندازه میکنی آنکه دراز کنی عمر مرا و فراخ کنی روزی مرا و ادا کنی از من سپرده مرا
ودبني آمين رب العالمين اللهم اجعل لي فرجا ومخرجا وارزقني
و قرض مرا اجابت کن ای پروردگار جهانیان بار خدایا بگردان برای من گشادگی و بیرون شدنی و روزی ده مرا
من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب واحرسني من حيث احترس
از جائی که گمان میبرم و از جائی که گمان نمیبرم و نگاه دار مرا از جائی که نگاه میدارم
ومن حيث لا احترس وصلى الله على محمد وآله وسلم كثيرا واين
و از جائی که نگاه نمیدارم و درود فرستد خدا بر محمد و خاندان او و سلام فراوان
تسبيحات نيز بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام منقولست كه در هر روز اينها بخواند

سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
پاکا خدای آفریننده بندگان پاکا خدای نگارنده پاکا خدای آفریننده
الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله
جفتها همه آن پاکا خدای گرداننده تاریکیها و روشنی پاکا خدای
فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله
شکافنده دانه و هسته پاکا خدای آفریننده همه چیز پاکا خدای

خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب
آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکا خدای مداد سخنانش پاکا خدای پروردگار
العالمين سبحان الله السميع الذي ليس شيء اسمع منه يسمع من
جهانیان پاکا خدای شنوای که نیست چیزی شنواتر از آن میشنود از
فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويسمع ما في ظلمات البر والبحر
زبر عرشش آنچه زیر هفت زمین است و میشنود آنچه در تاریکیهای دشت و دریا
ويسمع الانين والشكوى ويسمع السر واخفى ويسمع وساوس
و میشنود ناله و گله را و میشنود راز نهان را و میشنود اندیشهای بد
الصدور ولا يصم سمعه صوت سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
در سینه‌ها و کر نمیکند شنیدن او را آوازی پاکا خدای آفریننده بندگان پاکا خدای
المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
نگارنده پاکا خدای آفریننده جفتهای همه آن پاکا خدای گرداننده تاریکیها
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل
و روشنی پاکا خدای شکافنده دانه و هسته پاکا خدای آفریننده همه
شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد
چیز پاکا خدای آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاکا خدای مداد
كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله البصير الذي ليس
سخنانش پاکا خدای پروردگار جهانیان پاکا خدای بینا که نیست
شيء ابصر منه يبصر من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين و
چیزی بیناتر از او می‌بیند از بالای عرش خود آنچه زیر هفت زمین و
يبصر ما في ظلمات البر والبحر لا تدركه الابصار وهو يدرك
می‌بیند آنچه در تاریکیهای دشت و دریا در نمی‌یابد او را چشمها و او در می‌یابد
الابصار وهو اللطيف الخبير لا تغشى بصره الظلمة ولا يستتر
چشمها را و او نیکوکار آگاه نپوشاند بینائی او را تاریکی و پوشیده نشود
منه بستر ولا يواري منه جدار ولا يغيب عنه بر ولا بحر ولا
از او به پرده و نمی‌پوشاند از او دیواری و پنهان نمی‌شود از او دشت و نه دریا و نه
يكن منه جبل ما في اصله ولا قلب ما فيه ولا جنب ما في قلبه
پنهان میدارد از او کوهی آنچه در بنیاد او و نه دلی آنچه در آن و نه پهلوئی آنچه در دل

ولا يستتر منه صغير ولا كبير ولا يخفى عليه شيء في الارض ولا

پوشیده نشد ازاو خورد و بزرگی و پنهان نیست ازاو چیزی در زمین و نه

في السماء هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو

در آسمان و اوست که مینگارد شما را در رحمهای زنان چنانکه میخواهد نیست خدائی مگر او

العزيز الحكيم سبحان الله البارئ النسم سبحان الله المصور سبحان

بیهمتای دانا پاکا خدای آفریننده بندگان پاکا خدای نگارنده پاکا

الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور

خدای آفریننده جفتها همه پاکا خدای گرداننده تاریکیها و روشنائی

سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان

پاکا خدای شکافنده دانه و هسته پاکا خدای آفریننده همه چیز پاکا

الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان

خدای آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود پاکا خدای مداد سخنانش پاکا

الله رب العالمين سبحان الله الذي ينشئ السحاب الثقال و

خدای پروردگار جهانیان پاکا خدای که پدید آورد ابر گرانبارها را و

يسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب

پاکی یاد میکند رعد بستایش او و فرشتگان از بیم او و میفرستد آتشها را از آسمان پس میرساند

بها من يشاء ويرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته وينزل الماء

بان ازانکه میخواهد و میفرستد بادها را مژده دهنده میان هر دو دست بخشایش و میفرستد آب را

من السماء بكلمته وينبت النبات بقدرته ويسقط الورق بعلمه

از آسمان بسخنانش و میرویاند گیاه را بتوانائی خود و میافکند برگ را بدانائی خویش

سبحان الله الذي لا يعزب عنه مثقال ذرة في الارض ولا في

پاکا خدای که پنهان نیست ازاو هم سنگ مورچه در زمین و نه در

السماء ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين سبحان

آسمان و نه خوردتر ازاین و نه بزرگتر مگر در کتاب روشن آشکار پاکا

الله البارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج

خدای آفریننده بندگان پاکا خدای نگارنده پاکا خدای آفریننده جفتها

كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب

همه پاکا خدای گرداننده تاریکیها و روشنائی پاکا خدای شکافنده دانه

والنوى

والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما

و هسته پاکا خدای آفریننده همه چیز پاکا خدای آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه

لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان

دیده نشد پاکا خدای مداد سخنانش پاکا خدای پروردگار جهانیان پاکا

الله الذي يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما

خدای که میداند آنچه بر میدارد هر زن و آنچه کم میکند رحمهای زنان و آنچه

تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة الكبير

می افزاید و هر چیز نزد او باندازه است دانای نهان و آشکارا بزرگوار

المتعال سواء منكم من اسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف

بلند پایه یکسانی برابر ازشما آنکه پنهان کند گفتار را و آنکه آشکار کند آنرا و آنکس که پوشیده است

بالليل وسارب بالنهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه

بتاریکی شب و روان است بروز مر خدای راست فرشتگان که از پیش روی او و از پس سر او

يحفظونه من امر الله سبحان الله الذي يميت الاحياء ويحيي الموتى

نگاه میدارند اورا بفرمان خدای پاکا خدای که میمیراند زنده گان را و زنده میکند مردگان را

ويعلم ما تنقص الارض منهم ويقر في الارحام ما يشاء الى اجل

و میداند آنچه کم میکند زمین ازایشان و آرام میدهد در رحمها آنچه میخواهد تا روزگاری

مسمى سبحان الله البارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله

نام برده شده پاکا خدای آفریننده بندگان پاکا خدای نگارنده پاکا خدای

خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان

آفریننده جفتها همه پاکا خدای گرداننده تاریکیها و روشنائی پاکا

الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله

خدای شکافنده دانه و هسته پاکا خدای آفریننده همه چیز پاکا خدای

خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله

آفریننده آنچه دیده شد و آنچه دیده نشد پاکا خدای مداد سخنانش پاکا خدای

رب العالمين سبحان الله مالك الملك تؤتي الملك من تشاء

پروردگار جهانیان پاکا خدای خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی را ازکسی که میخواهی

وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك

و باز میگیری پادشاهی را ازکسی که میخواهی و عزت میدهی کسی را که میخواهی و خوار میکنی کسی را که میخواهی بدست

الخير إنك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في
بنيكی بدست تو بر هر چيز توانائی درمی آری شب را در روز ودرمی آری روز را در
الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من
شب وبيرون می آری زنده را از مرده وبيرون می آری مرده را از زنده وروزی ميدهی کسی را
تشاء بغير حساب سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور
که ميخواهی بی شمار پاکا خدای آفريننده بندگان پاکا خدای نگارنده
سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
پاکا خدای آفريننده جفتها همه را پاکا خدای کننده تاريکيها
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل
وروشنيها پاکا خدای شکافنده دانه وهسته پاکا خدای آفريننده هر
شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد
چيز پاکا خدای آفريننده آنچه ديده شد وآنچه ديده نشد پاکا خدای مداد
كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي عنده
سخنانش پاکا خدای پروردگار جهان پاکا خدای که نزد اوست
مفاتح الغيب لا يعلمها إلا هو ويعلم ما في البر والبحر وما
کليدهای غيب نميداند آنرا مگر او وميداند آنچه در دشت ودرياهاست وآنچه
تسقط من ورقة إلا يعلمها ولا حبة في ظلمات الأرض ولا رطب
افتد از برگی مگر ميداند آنرا ونه دانه در تاريکيهای زمين ونه تری
ولا يابس إلا في كتاب مبين سبحان الله بارئ النسم سبحان
ونه خشکی مگر در کتابيست آشکار پاکا خدای آفريننده بندگان پاکا
الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله
خدای نگارنده پاکا خدای آفريننده جفتها همه را پاکا خدای
جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان
کننده تاريکيها وروشنيها پاکا خدای شکافنده دانه وهسته پاکا
الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
خدای آفريننده هر چيز پاکا خدای آفريننده آنچه ديده شد وآنچه ديده نشد
سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله
پاکا خدای مداد سخنانش پاکا خدای پروردگار جهانيان پاکا خدای

الذي لا يحصى

الذي لا يحصي مدحته القائلون ولا يجزي بآلائه الشاكرون
که نميتوانند شمار کنند ستايش او را گويندگان وستايش گزاران نميتوانند جزای نعمتهای او را
والعابدون وهو كما قال وفوق ما نقول والله سبحانه كما أثنى على
ودر پرستندگان واوست چنانکه گفت بالاتر آنچه ميگوييم وخدای پاک است چنانکه ستود
نفسه ولا يحيطون بشيء من علمه إلا بما شاء وسع كرسيه السموات
خود را وفرا نميرسند بچيزی از دانش او مگر بآنچه خواهد وگنجايش دارد کرسی او آسمانها
والأرض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم سبحان الله
وزمين را وگران نميکند نگاه داشتن آنها و او بلند پايه بزرگوار پاکا خدای
بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج
آفريننده بندگان پاکا خدای نگارنده پاکا خدای آفريننده جفتها
كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب
همه را پاکا خدای کننده تاريکيها وروشنيها پاکا خدای شکافنده دانه
والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى
وهسته پاکا خدای آفريننده هر چيز پاکا خدای آفريننده آنچه ديده شد
وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين
وآنچه ديده نشد پاکا خدای مداد سخنانش پاکا خدای پروردگار جهانيان
سبحان الله الذي يعلم ما يلج في الأرض وما يخرج منها وما ينزل
پاکا خدای که ميداند آنچه درمی آيد در زمين وآنچه بيرون می آيد از آن وآنچه فرود می آيد
من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما يلج في الأرض وما يخرج
از آسمان وآنچه بالا ميرود در آن وباز نميدارد او را آنچه درمی آيد در زمين وآنچه بيرون می آيد
منها عما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما ينزل
از آن از آنچه فرود می آيد از آسمان وآنچه بالا ميرود در آن وباز نميدارد او را آنچه فرود می آيد
من السماء وما يعرج فيها عما يلج في الأرض وما يخرج منها ولا
از آسمان وآنچه بالا ميرود در آن از آنچه درمی آيد در زمين وآنچه بيرون می آيد از آن وباز
يشغله علم شيء عن علم شيء ولا يشغله خلق شيء عن خلق شيء
نميدارد او را دانستن چيزی از دانستن چيزی وباز نميدارد او را آفريدن چيزی از آفريدن چيزی
ولا حفظ شيء عن حفظ شيء ولا يساويه شيء ولا يعدله شيء
ونه نگاه داشتن چيزی از نگاه داشتن چيزی ونيست مانند او چيزی وبرابر نميکند او را چيزی

لیس کمثله شیء وهو السمیع العلیم سبحان الله باریء النسم
ونیست مانند او چیزی واوست شنوا دانای پاکا خدای آفریننده بندگان
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان
پاکا خدای نگارنده پاکا خدای آفریننده جفتها همه پاکا
الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان
خدای کننده تاریکیها و روشنیها پاکا خدای شکافنده دانه و هسته پاکا
الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان
خدای آفریننده هر چیز پاکا خدای آفریننده آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود پاکا
الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان الله فاطر
خدای مداد سخنانش پاکا خدای پروردگار جهانیان پاکا خدای آفریننده
السموات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی و
آسمانها و زمین کننده فرشتگان و فرستادگان [illegible] دو دو و
ثلاث ورباع یزید فی الخلق ما یشاء ان الله علی کل شیء قدیر ما
سه سه و چهار چهار [illegible] هر چیز توانا است آنچه
یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها وما یمسک فلا مرسل
[illegible]
له من بعده وهو العزیز الحکیم سبحان الله باریء النسم سبحان الله
پس از آن [illegible] پاکا خدای آفریننده بندگان پاکا خدای
المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل
نگارنده پاکا خدای آفریننده جفتها همه پاکا خدای کننده
الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله
تاریکیها و روشنیها پاکا خدای شکافنده دانه و هسته پاکا خدای
خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان
آفریننده هر چیز پاکا خدای آفریننده آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود پاکا
الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان الله الذی
خدای مداد سخنانش پاکا خدای پروردگار جهانیان پاکا خدای که
یعلم ما فی السموات وما فی الارض ما یکون من نجوی ثلثة الا
میداند آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است [illegible]

هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنی من ذلک ولا
[illegible]
اکثر الا هو معهم این ما کانوا ثم ینبئهم بما عملوا یوم القیمة ان
[illegible]
الله بکل شیء علیم وایضا مستحبست که این صلوات را در هر روز ماه
مبارک و در هر روز جمعه در تمام سال بخوانند
[illegible]
ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا
[illegible]
علیه وسلموا تسلیما لبیک یا رب وسعدیک سبحانک اللهم صل علی
[illegible]
محمد وال محمد وبارک علی محمد وال محمد کما صلیت وبارکت
[illegible]
علی ابرهیم وال ابرهیم انک حمید مجید اللهم صل علی محمد وال
[illegible]
محمد کما سلمت علی نوح فی العالمین اللهم امن علی محمد وال
[illegible]
محمد کما مننت علی موسی وهرون اللهم صل علی محمد وال
[illegible]
محمد کما هدیتنا به اللهم صل علی محمد وال محمد وابعثه مقاما
[illegible]
محمودا یغبطه به الاولون والاخرون علی محمد واله السلام
[illegible]
کلما طلعت شمس او غربت علی محمد واله السلام کلما طرفت
[illegible]
عین او برقت علی محمد واله السلام کلما طرفت عین او
[illegible]
ذرفت علی محمد واله السلام کلما ذکر السلام علی محمد
[illegible]

سعدیک

[illegible]

وآله السلام كلما سبح الله ملك أو قدسه السلام على محمد وآله
و خاندانش درود چنانکه هرگاه که بپاکی یاد کرد خدا را فرشته یا بپاکی ستوده درود بر محمد و خاندانش
في الأولين السلام على محمد وآله في الآخرين السلام على محمد
در گذشتگان درود بر محمد و خاندانش و در آیندگان درود بر محمد
وآله في الدنيا والآخرة السلام على محمد وآله ورحمة الله
و خاندانش در دنیا و در آخرت درود بر محمد و خاندانش و بخشایش خدا
وبركاته اللهم رب البلد الحرام ورب الركن والمقام ورب
و افزونیهای او بارخدایا پروردگار شهر باشکوه مکه پروردگار رکن یمانی و مقام ابراهیم پروردگار
الحل والحرام أبلغ نبيك محمدا وآله عنا السلام اللهم أعط
روا و ناروا برسان بر پیغمبر محمد و خاندانش از ما درود بارخدایا بده
محمدا من البهاء والسرور والنضرة والكرامة والغبطة والوسيلة
محمد را از زیبائی و شادی و تازگی و نوازش و رشک و دستاویز
والمنزلة والمقام والشرف والرفعة والشفاعة عندك يوم
و پایه برافراشته و جای خوب و بزرگواری و بلندی و خواهش کردن از تو در روز
القيامة أفضل ما تعطي أحدا من خلقك وأعط محمدا فوق ما
رستخیز افزونتر آنچه میدهی یکی را از آفریدگان و بده محمد را بالاتر آنچه
تعطي الخلائق من الخير أضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم
میدهی آفریدگان را از نیکی دوچندانهای بسیار که نمی شماردش جز تو بارخدایا
صل على محمد وآل محمد أطيب وأطهر وأزكى وأنمى وأفضل
درود ده بر محمد و خاندان محمد پاکیزه و پاکتر و شایسته و بالنده و افزونتر
ما صليت على أحد من الأولين والآخرين وعلى أحد من خلقك
آنچه درود دادی بر یکی از پیشینان و پسینان و بر یکی از آفریدگان
يا أرحم الراحمين اللهم صل على علي أمير المؤمنين ووال من
ای بخشاینده ترین بخشایندگان بارخدایا درود ده بر علی فرمان فرمای گروندگان و دوست دار کسی را
والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه
دوست داشت او را و دشمن دار کسی که دشمن داشت او را و دوچندان کن شکنجه را بر کسی که انباز شد در خون او
اللهم صل على فاطمة بنت نبيك محمد عليه وآله السلام
بارخدایا درود ده بر فاطمه دختر پیغمبر تو محمد بر او و بر خاندانش درود

والعن

والعن من آذى نبيك فيها اللهم صل على الحسن والحسين إمامي
و نفرین کن کسی را که آزرد پیغمبر ترا در او بارخدایا درود ده بر حسن و حسین دو پیشوای
المسلمين ووال من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب
گردن نهندگان و دوست دار کسی را که دوست داشت ایشان را و دشمن دار کسی که دشمن داشت ایشان را و دوچندان کن شکنجه را
على من شرك في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين إمام
بر کسی که انباز شد در خونهای ایشان بارخدایا درود ده بر علی پسر حسین پیشوای
المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
مسلمانان و دوست دار کسی را که دوست داشت او را و دشمن دار کسی که دشمن داشت او را و دوچندان کن شکنجه را
على من ظلمه اللهم صل على محمد بن علي إمام المسلمين ووال
بر کسی که ستم کرد او را بارخدایا درود ده بر محمد پسر علی پیشوای مسلمانان و دوست دار کسی را
من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه
که دوست داشت او را و دشمن دار کسی که دشمن داشت او را و دوچندان کن شکنجه را بر کسی که ستم کرد او را
اللهم صل على جعفر بن محمد إمام المسلمين ووال من والاه
بارخدایا درود ده بر جعفر پسر محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار کسی که دوست داشت او را
وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل
و دشمن دار کسی که دشمن داشت او را و دوچندان کن شکنجه را بر کسی که ستم کرد او را بارخدایا درود ده
على موسى بن جعفر إمام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه
بر موسی پسر جعفر پیشوای مسلمانان و دوست دار کسی که دوست داشت او را و دشمن دار کسی که دشمن داشت او را
وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على علي
و دوچندان کن شکنجه را بر کسی که انبازی کرد در خونهای او بارخدایا درود ده بر علی
بن موسى إمام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه و
پسر موسی پیشوای مسلمانان و دوست دار کسی که دوست داشت او را و دشمن دار کسی که دشمن داشت او را و
ضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على محمد بن
دوچندان کن شکنجه را بر کسی که انبازی کرد در خونهای او بارخدایا درود ده بر محمد پسر
علي إمام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
علی پیشوای مسلمانان و دوست دار کسی که دوست داشت او را و دشمن دار کسی که دشمن داشت او را و دوچندان کن
العذاب على من ظلمه اللهم صل على علي بن محمد إمام
شکنجه را بر کسی که ستم کرد بر او بارخدایا درود ده بر علی پسر محمد پیشوای

المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
مسلمانان و دوست دار کسی که دوست دارد او را و دشمن دار کسی که دشمن دارد او را و دو چندان کن عذاب شکنجه را
على من ظلمه اللهم صل على الحسن بن علي امام المسلمين
بر کسی که ستم کرد بر او بار خدایا درود ده بر حسن پسر علی پیشوای مسلمانان
ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من
و دوست دار کسی که دوست دارد او را و دشمن دار کسی که دشمن دارد او را و دو چندان کن عذاب شکنجه را بر کسی که
ظلمه اللهم صل على الخلف من بعده امام المسلمين ووال من والاه
ستم کرد بر او بار خدایا درود ده بر جانشین پس از او پیشوای مسلمانان و دوست دار کسی که دوست دارد او را
وعاد من عاداه وعجل فرجه اللهم صل على القاسم والطاهر ابني
و دشمن دار کسی که دشمن دارد او را و شتاب کن گشایش او را بار خدایا درود ده بر قاسم و طاهر دو پسر
نبيك اللهم صل على رقية بنت نبيك والعن من آذى نبيك
پیغمبر تو بار خدایا درود ده بر رقیه دختر پیغمبر تو و دور دار از بخشایش کسی که آزار کرد پیغمبر ترا
فيها اللهم صل على ام كلثوم بنت نبيك والعن من آذى نبيك
در باره او بار خدایا درود ده بر ام کلثوم دختر پیغمبر تو و دور دار از بخشایش کسی که آزار کرد پیغمبر را
فيها اللهم صل على ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في اهل
در باره او بار خدایا درود ده بر فرزندان پیغمبر تو بار خدایا جانشینی کن پیغمبر را در
بيته اللهم مكن لهم في الارض اللهم اجعلنا من عددهم ومددهم
خانواده اش بار خدایا دسترس ده ایشان را در زمین بار خدایا بگردان ما را از شمار ایشان و یاری ایشان
وانصارهم على الحق في السر والعلانية اللهم اطلب بذحلهم
و یاوران ایشان بر راه حق در نهان و آشکار بار خدایا بجو دشمنی ایشان را
ووترهم ودمائهم وكف عنا وعنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة
و کینه ایشان و خونهای ایشان را و باز دار از ما و از ایشان و از همه مردان گرویده و زنان گرویده
بأس كل باغ وطاغ وكل دابة انت آخذ بناصيتها انك انت اشد
بیم هر ستمکار و از اندازه گذرنده و هر جنبنده که تویی گیرنده موی پیشانی او بدرستیکه تویی تو سخت‌تر
بأسا واشد تنكيلا و در اقبال و بعضی از نسخهای دیگر دعا از حضرت
در عذاب کردن و سخت‌تر
علي بن الحسين تا حضرت امام حسن عسکری علیهم السلام
بجای علی من ظلمه چنین است علی من شرك في دمه و از جمله دعاهای

هر روز

هر روز ماه مبارك رمضان دعائیست كه سید بن طاوس فضیلت بسیار
از جهة آن روایت کرده است و در استجابت دعوات مجربست و بر مضامین
عالیه مشتملست اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما
اینست دعا
بار خدایا بدرستی که میخوانم ترا چنانکه فرموده مرا پس اجابت کن مرا چنانچه
وعدتني سه مرتبه پس بگوید اللهم اني اسألك من بهائك بابهاه
وعده داده بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو از زیبائی تو بزیباترش
وكل بهائك بهي اللهم اني اسألك ببهائك كله اللهم اني
و همه زیبائی تو زیباست بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو بزیبائی تو همه آن بار خدایا بدرستی
اسألك من جلالك باجله وكل جلالك جليل اللهم اني اسألك
که میخواهم از تو بخوبی تو خوبترش و همه خوبی تو خوبست بار خدایا بدرستی که میخواهم از
بجلالك كله اللهم اني اسألك من جمالك باجمله وكل جمالك
بخوبی تو همه آن بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو بخوبی تو بخوبترش و همه خوبی تو
جميل اللهم اني اسألك بجمالك كله پس سه مرتبه بگوید اللهم اني
خوبست بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو بخوبی تو همه آن بار خدایا بدرستی
ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني
میخوانم ترا چنانکه فرموده مرا پس اجابت کن مرا چنانکه تو وعده داده مرا بار خدایا بدرستی
اسألك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم
که میخواهم از تو از بزرگیت ببزرگترش و همه بزرگی تو بزرگست بار خدایا
اني اسألك بعظمتك كلها اللهم اني اسألك من نورك
بدرستی که میخواهم از تو ببزرگی تو همه آن بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو از روشنیت
بانوره وكل نورك نير اللهم اني اسألك بنورك كله اللهم
بروشنترش و همه روشنی تو روشنست بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو بروشنی تو همه آن بار خدایا
اني اسألك من رحمتك باوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم
بدرستی که میخواهم از تو از بخشایش تو بفراخترش و همه بخشایش تو فراخست بار خدایا
اني اسألك برحمتك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم اني ادعوك كما
بدرستی که میخواهم از تو ببخشایش تو همه آن بار خدایا بدرستی که میخوانم ترا چنانکه
امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسألك
فرموده مرا پس اجابت کن مرا چنانچه تو وعده داده مرا بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو

من كمالك بأكمله وكل كمالك كامل اللهم إني أسألك بكمالك
كله اللهم إني أسألك من كلماتك بأتمها وكل كلماتك
تامة اللهم إني أسألك من أسمائك بأكبرها وكل أسمائك
كبيرة اللهم إني أسألك بأسمائك كلها مكرر اللهم
إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس اللهم إني
أسألك من عزتك بأعزها وكل عزتك عزيزة اللهم إني
أسألك بعزتك كلها اللهم إني أسألك من مشيتك بأمضاها
وكل مشيتك ماضية اللهم إني أسألك بمشيتك كلها
اللهم إني أسألك بقدرتك التي استطلت بها على كل شيء
وكل قدرتك مستطيلة اللهم إني أسألك بقدرتك كلها
مكرر اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس
اللهم إني أسألك من علمك بأنفذه وكل علمك نافذ اللهم
إني أسألك بعلمك كله اللهم إني أسألك من قولك بأرضاه
وكل قولك رضي اللهم إني أسألك بقولك كله اللهم

إني أسألك من مسائلك بأحبها إليك وكل مسائلك حبيبة
اللهم إني أسألك بمسائلك كلها مكرر اللهم إني أدعوك
كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس اللهم إني أسألك من
شرفك بأشرفه وكل شرفك شريف اللهم إني أسألك بشرفك
كله اللهم إني أسألك من سلطانك بأدومه وكل سلطانك
دائم اللهم إني أسألك بسلطانك كله اللهم إني أسألك
من ملكك بأفخره وكل ملكك فاخر اللهم إني أسألك بملكك
كله مكرر اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما
وعدتني پس اللهم إني أسألك من علائك بأعلاه وكل
علائك عال اللهم إني أسألك بعلائك كله اللهم إني
أسألك من منك بأقدمه وكل منك قديم اللهم إني أسألك
بمنك كله اللهم إني أسألك من آياتك بأعجبها وكل آياتك
عجيبة اللهم إني أسألك بآياتك كلها مكرر اللهم إني
أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس اللهم إني

اسألك من فضلك بأفضله وكل فضلك فاضل اللهم إني
میخواهم ازتو از افزونی تو بافزون‌ترینش وهمه افزونی تو افزونست بارخدایا بدرستی
اسألك بفضلك كله اللهم إني اسألك من رزقك بأعمه
که میخواهم ازتو بافزونی تو همه‌ان بارخدایا بدرستی که میخواهم ازتو از روزی تو بفراخ‌ترینش
وكل رزقك عام اللهم إني اسألك برزقك كله اللهم إني
وهمه روزی تو فراگیرست بارخدایا بدرستی که میخواهم ازتو بروزی تو همه‌ان بارخدایا بدرستی
اسألك من عطائك بأهنئه وكل عطائك هنيء اللهم إني
که میخواهم ازتو از دهش تو بگواراترین وهمه دهش تو گوارات بارخدایا بدرستی
اسألك بعطائك كله اللهم إني اسألك من خيرك بأعجله و
که میخواهم ازتو بدهش تو همه‌اش بارخدایا بدرستی که میخواهم ازتو از نیکی تو بشتابانترین
كل خيرك عاجل اللهم إني اسألك بخيرك كله اللهم إني
وهمه نیکی تو شتابانست بارخدایا بدرستی که میخواهم ازتو بنیکی تو همه‌ان بارخدایا بدرستی
اسألك من إحسانك بأحسنه وكل إحسانك حسن اللهم
که میخواهم ازتو از نیکوئی کردن تو بنیکوترین وهمه نیکوئی کردن تو نیکوست بارخدایا
إني اسألك بإحسانك كله اللهم إني اسألك بما تجيبني
بدرستی که میخواهم ازتو بنیکوئی کردن تو همه‌اش بارخدایا بدرستی که میخواهم ازتو بانچه پاسخ دهی مرا آن
به حين أدعوك فأجبني يا الله نعم دعوتك يا الله اللهم إني
هنگامی که میخوانم ترا پس پاسخ ده مرا ای خدا اری میخوانم ترا ای خدا بارخدایا بدرستی
اسألك بما أنت فيه من الشؤون والجبروت اللهم إني اسألك
که میخواهم ازتو بانچه تو در انی از کارها و بزرگی بارخدایا بدرستی که میخواهم ازتو
بكل شأن وجبروت اللهم إني اسألك بشأنك وجبروتك
بهمه کاری و بزرگی بارخدایا بدرستی که میخواهم ازتو بکار تو و بزرگی تو
كلها اللهم إني اسألك بما تجيبني به حين اسألك
همه‌ان بارخدایا بدرستی که میخواهم ازتو بانچه پاسخ دهی مرا هنگامی که میخواهم ازتو پس
فأجبني يا الله صل على محمد وآل محمد پس هر حاجت که داری اللهم
پاسخ ده مرا ای خدا درود ده بر محمد و آل محمد بطلب پس بگو بارخدایا
صل على محمد وآل محمد وابعثني على الإيمان بك والتصديق
درود ده بر محمد و خاندان محمد و برانگیز مرا بر گرویدن بتو و باور داشتن

برسولک

برسولك والولاية لعلي بن أبي طالب عليه السلام والائتمام
بفرستاده تو و دوستی و فرمانبرداری علی پسر ابی طالب و بر او باد درود و پیروی کردن
بالأئمة من آل محمد والبراءة من أعدائهم فإني قد رضيت بذلك
بپیشوایان از خاندان محمد و بیزاری از دشمنان ایشان پس بدرستی که من بتحقیق خشنود شدم بان
يا رب اللهم صل على محمد وآل محمد واسألك خير الخير رضوانك
ای پروردگار بارخدایا درود ده بر محمد و آل محمد و میخواهم از تو بهتر نیکی خوشنودی تو
والجنة وأعوذ بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل
و بهشت را و پناه میبرم بتو از بد بد ناخوشنودی تو و آتش بارخدایا درود ده
على محمد وآل محمد واحفظني من كل مصيبة ومن كل بلية ومن كل
بر محمد و خاندان محمد و نگاه دار مرا از همه ناخوشی و همه سختی و از همه
عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل شر ومن كل
سزادادنی و از هر آشوبی و از هر بلائی و از هر بدی و از هر
مكروه ومن كل مصيبة ومن كل آفة نزلت أو تنزل من السماء
ناخوشی و از هر [illegible] و از هر رنجی که فرود آمد و یا فرود آید از آسمان
إلى الأرض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم
بسوی زمین در این ساعت و در این شب و در این روز
وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل على محمد وآل
و در این ماه و در این سال بارخدایا درود ده بر محمد و آل
محمد واقسم لي من كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة
محمد و بخش کن از برای من از هر شادی و از هر خوبی و از هر راستی
ومن كل فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة
و از هر گشادی و از هر آسایشی و از هر درستی و از هر بزرگی
ومن كل رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة ومن كل
و از هر روزی فراخ حلال پاکیزه و از هر نعمتی و از هر
حسنة نزلت أو تنزل من السماء إلى الأرض في هذه الساعة
نیکی که فرود آمد و فرود می‌آید از آسمان بسوی زمین در این ساعت
وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه
و در این شب و در این روز و در این ماه و در این

السنة اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك وحالت
بيني وبينك او غيرت حالي عندك فاني اسألك بنور وجهك
الكريم الذي لم يطفأ وبوجه حبيبك محمد المصطفى وبوجه
وليك علي المرتضى وبحق اوليائك الذين انتجبتهم ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تغفر لي ولوالدي وما ولدا وللمؤمنين
والمؤمنات وما توالدوا ذنوبنا كلها صغيرها وكبيرها وان تختم
لنا بالصالحات وان تقضي لنا الحاجات والمهمات وصالح
الدعاء والمسئلة فاستجب لنا بحق محمد وآله اللهم صل على
محمد وآل محمد امين امين امين ما شاء الله كان لا حول ولا قوة الا
بالله سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين و
الحمد لله رب العالمين پس دستها را بجانب آسمان بلند کن و میل ده گردن را
بسوی دوش چپ خود و گریه بکن و اگر نیاید خود را
بگریه بدار یا لا اله الا انت اسئلك بحق من حقه عليك عظيم
پس بگو
بلا اله الا انت اسئلك ببهاء لا اله الا انت يا لا اله الا انت
اسألك بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك

بنور لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك
بعظمة

بجمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بكمال لا اله
الا انت يا لا اله الا انت اسألك بعزة لا اله الا انت يا لا
اله الا انت اسألك بعظم لا اله الا انت يا لا اله الا انت
اسألك بقول لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بشرف
لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بعلاء لا اله الا
انت يا لا اله الا انت اسئلك بلا اله الا انت يا لا اله الا
انت يا رباه يا رباه يا رباه انقدر بگوید که یکنفس و فاکند پس بگوید
پس همان حالتی که بود گردن کج کرده بسوی
دوش اسألك يا سيدي پس بگوید یا الله یا رباه انقدر که
چپ یک نفس وفا کند پس بگوید
يا سيداه يا مولاياه يا غياثاه يا ملجاه يا منتهى غاية رغبتاه
يا ارحم الراحمين اسئلك فليس كمثلك شيء واسئلك
بكل دعوة مستجابة دعاك بها نبي مرسل او ملك مقرب
او عبد مؤمن امتحنت قلبه للايمان واستجبت دعوته منه
واتوجه اليك بمحمد نبيك نبي الرحمة واقدمه بين يدي
حوائجي يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي اتوجه بك الى ربك

وَرَبّي وَاَقِلْ مَلَكْ بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ اَسْاَلُكَ بِكَ

ای پروردگار من و پیش مگذار [illegible] ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار میخواهم از تو بتو

فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ حَبيبِكَ وَبِعِتْرَتِهِ الْهادينَ

زیرا که نیست مانند تو چیزی و روی آورم بسوی تو بمحمد دوست تو و بعترت او راه نمایان

وَاُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَيوتِكَ الَّتي لا تَمُوتُ

و پیش میدارم ایشانرا در پیش حاجتهای خود و میخواهم از تو بار خدایا بزندگانی تو که نمیری

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذي لا يُطْفَا وَبِعَيْنِكَ الَّتي لا تَنامُ وَاَسْاَلُكَ بِحَقِّ

و بروشنائی ذات پاک تو که فرو نشانده نشود و بچشم تو که نخوابد و میخواهم از تو بحق

مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظيمٌ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ

کسی که سزاوار وی بر تو بزرگست که درود بفرستی بر محمد و خاندان محمد پیش از هر چیز و

بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَزِنَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَمِلْاَ كُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ اِنّي

بعد از هر چیز و بشمار هر چیز و بسنجش هر چیز و پری هر چیز بار خدایا بدرستی

اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضى

که میخواهم از تو که درود فرستی بر محمد بنده برگزیده تو و فرستاده پسندیده تو

وَاَمينِكَ الْمُصْطَفى وَنَجيبِكَ دُونَ خَلْقِكَ وَحَبيبِكَ وَخِيَرَتِكَ

و امانتدار برگزیده تو و برگزیده تو از آفریدگان تو و دوست تو و برگزیده تو

مِنْ خَلْقِكَ اَجْمَعينَ النَّذيرِ الْبَشيرِ السِّراجِ الْمُنيرِ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ

از آفریدگان همه ترساننده مژده دهنده چراغ روشن و بر مردم خانه‌اش

الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْمُطَهَّرينَ الْاَخْيارِ الْاَبْرارِ وَعَلى مَلائِكَتِكَ الَّذينَ

پاکیزگان پاکان پاک کرده شدگان بهتران نیکوکاران و بر فرشتگان تو که

اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ وَعَلى اَنْبِيائِكَ الَّذينَ

پاک کردی ایشانرا از برای ذات پاک و در پرده پوشیده کردی از آفریدگان و بر پیغمبران تو که

يُنْبِئُونَ بِالصِّدْقِ عَنْكَ وَعَلى عِبادِكَ الصّالِحينَ الَّذينَ اَدْخَلْتَهُمْ

خبر میدهند براستی از تو و بر بندگان شایستگان تو که در آوردی ایشانرا

في رَحْمَتِكَ الْاَئِمَّةِ الْمُهْتَدينَ الرّاشِدينَ الْمُطَهَّرينَ وَعَلى جَبْرَئيلَ وَ

در بخشایش پیشوایان راه یافتگان راه نمایان پاک کرده شدگان و بر جبرائیل و

ميكائيلَ وَاِسْرافيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَرِضْوانِ خازِنِ الْجَنَّةِ وَمالِكٍ

میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ و رضوان خزانه‌دار بهشت و مالک

خازِنِ النّارِ وَرُوحِ الْقُدُسِ وَحَمَلَةِ الْعَرْشِ وَمُنْكَرٍ وَنَكيرٍ وَعَلَى الْمَلَكَيْنِ

نگاه دارنده آتش و روح پاکیزه و بردارندگان عرش و منکر و نکیر و بر دو فرشته

الْحافِظَيْنِ عَلَيَّ بِالصَّلوةِ الَّتي تُحِبُّ اَنْ تُصَلِّيَ بِها عَلَيْهِمْ صَلوةً

نگاه دارندگان بر من درود که دوست میداری که درود فرستی بآن بر ایشان درود

كَثيرَةً طَيِّبَةً مُبارَكَةً زاكِيَةً نامِيَةً ظاهِرَةً شَريفَةً فاضِلَةً تُبَيِّنُ

بسیار پاکیزه افزاینده [illegible] شایسته ظاهر بزرگوار افزون ظاهر گردانی

بِها فَضْلَهُمْ عَلَى الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ اَنْ تَسْمَعَ

بآن افزونی ایشانرا بر پیشینیان و پسینیان بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو که بشنوی

صَوْتي وَتُجيبَ دَعْوَتي وَتَغْفِرَ ذُنُوبي وَتُنْجِحَ طَلِبَتي وَتَقْضِيَ حاجاتي

آواز مرا و جواب دهی خواندن مرا و بیامرزی گناهان مرا و روا کنی خواست مرا و برآوری حاجتهای مرا

وَتَقْبَلَ قِصَّتي وَتُنْجِزَ لي ما وَعَدْتَني وَتُقيلَني عَثْرَتي وَتَتَجاوَزَ عَنْ

و در پذیری حال مرا و وفا کنی برای من آنچه وعده دادی مرا و درگذری از لغزش من و درگذری از

خَطيئَتي وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمي وَتَعْفُوَ عَنْ جُرْمي وَتُقْبِلَ عَلَيَّ وَلا تُعْرِضَ

گناه من و درگذری از ستمکاری من و در گذری از گناه من و رو آری بر من و روی مگردانی

عَنّي وَتَرْحَمَني وَلا تُعَذِّبَني وَتُعافِيَني وَلا تَبْتَلِيَني وَتَرْزُقَني مِنْ

از من و ببخشائی مرا و عذاب نکنی مرا و تندرستی دهی مرا و گرفتار نکنی مرا و روزی دهی مرا از

اَطْيَبِ الرِّزْقِ وَاَوْسَعِهِ وَاَهْنَاهِ وَاَمْرَاهِ وَاَسْبَغِهِ وَاَكْثَرِهِ وَلا تَحْرِمْني

پاکیزه‌ترین روزی و فراخترین و گوارا‌ترین و خوش‌ترین و تمام‌ترین و بسیارترین و بی بهره مگردان مرا

يا رَبِّ النَّظَرَ اِلى وَجْهِكَ الْكَريمِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالْعِتْقَ مِنَ النّارِ وَاقْضِ

ای پروردگار من از نگریستن بذات پاک بزرگوار تو و فیروزی یافتن به بهشت و آزاد شدن از آتش و بگزار

عَنّي يا رَبِّ دَيْني وَاَمانَتي وَضَعْ عَنّي وِزْري وَلا تُحَمِّلْني ما لا طاقَةَ

از من ای پروردگار وام مرا و سپرده مرا و بگذار از من بار گناهم را و بار مکن بر من آنچه توانائی نیست

لي بِهِ يا مَوْلايَ وَاَدْخِلْني في كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ

مرا بآن ای خواجه من و در آر مرا در هر نیکی که در آورده در آن محمد و خاندان محمد

وَاَخْرِجْني مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ وَلا تُفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ

و بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کرده ایشانرا از آن و جدائی میفکن میان من و میان ایشان چشم زدنی

عَيْنٍ اَبَداً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ثم تسجد اَللّٰهُمَّ اِنّي اَدْعُوكَ كَما

هم زدنی همیشه در این جهان و آن جهان بار خدایا بدرستی که میخوانم ترا چنانکه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسألك قليلا
من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو
عندي كثير وهو عليك سهل يسير فامنن به علي انك على كل
شيء قدير اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين
فارفعنا وبكاس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور
العين برحمتك فزوجنا ومن ولدان مخلدين كانهم لؤلؤ مكنون
فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب
السندس والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك
الحرام وقتلا في سبيلك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسئلة
فاستجب لنا يا خالقنا اسمع واستجب لنا واذا جمعت الاولين و
الاخرين يوم القيمة فارحمنا وبراءة من النار وامانا من العذاب
فاكتب لنا وفي جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين في النار فلا تقرنا
وفي هوانك وعذابك فلا تقلبنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا
وفي النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران

فلا

فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت
فنجنا اللهم اني اسألك ولم يسأل مثلك وارغب اليك ولم يرغب
الى مثلك يا رب انت موضع مسئلة السائلين ومنتهى رغبة
الراغبين اسألك اللهم بافضل اسمائك كلها وانجحها يا الله
يا رحمن وباسمك المخزون المصون الاعز الاجل الاعظم الذي
تحبه وتهواه وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق
عليك يا رب ان لا تحرم سائلك اللهم اني اسألك بكل اسم
هو لك دعاك به عبد هو لك في بر او بحر او سهل وجبل او
عند بيتك الحرام او في شيء من سبلك فادعوك يا رب دعاء
من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه وضعف كدحه واشرفت
على الهلكة نفسه ولم يثق لشيء من عمله ولم يجد لما هو فيه سادا
ولا لذنبه غافرا ولا لعثرته مقيلا غيرك هاربا اليك متعوذا
بك متعبدا لك غير مستنكف ولا مستكبر ولا مستحسر ولا متجبر
ولا متعظم بل بائس فقير خائف مستجير اسألك يا الله يا رحمن

يا حنان يا منان يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام
ای بخشاینده مهربان ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای خداوند بزرگواری و گرامی
ان تصلي على محمد وال محمد صلوة كثيرة طيبة مباركة نامية
اکه درود فرستی بر محمد و خاندان محمد درود بسیار پاکیزه افزوده بالنده
زاكية شريفة اسألك اللهم ان تغفر لي في شهري هذا وترحمني
شایسته بزرگوار میخواهم از تو بارخدایا اکه بیامرزی مرا در ماه من این و ببخشایی
وتعتق رقبتي من النار وتعطيني فيه خير ما اعطيت احدا من
و آزاد کردانی گردن مرا از آتش و بدهی مرا در آن نیکوی آنچه داده یکی را از
خلقك وخير ما انت معطيه ولا تجعله اخر شهر رمضان صمته
آفریدگانت و بهتر آنچه تو دهنده آنی و مگردان آنرا انجام ماه رمضان که روزه داشتم
لك منذ اسكنتني ارضك الى يومي هذا بل اجعله على اتمه
[illegible]
نعمة واعمه عافية واوسعه رزقا واجزله واهناه اللهم اني
[illegible]
اعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك العظيم ان تغرب الشمس من
پناه میجویم بتو و بذات پاک بزرگوارت و پادشاهی بزرگت اکه فرو رود آفتاب از
يومي هذا او تنقضي بقية هذا اليوم او يطلع الفجر من ليلتي هذه
روز من این یا بسر رسد باقیمانده این روز یا برآید بامداد از شب من این
او يخرج هذا الشهر ولك قبلي تبعة او ذنب او خطيئة تريد ان
یا بیرون رود این ماه و مرا نزد تو باز خواستی یا گناهی یا تقصیری باشد که میخواهی اکه
تعاقبني بها او تؤاخذني بها او توقفني بها موقف خزي في الدنيا
سزا دهی مرا بآن یا بگیری مرا بآن یا بداری مرا بآن بجای رسوائی در این جهان
والاخرة او تعذبني يوم القاك يا ارحم الراحمين اللهم اني ادعوك
و آن جهان یا شکنجه کنی مرا روزی که ببینم ترا ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان بارخدایا من میخوانم ترا
لهم لا يفرجه غيرك ولرحمة لا تنال الا بك ولكرب لا يكشفه
[illegible]
الا انت ولرغبة لا تبلغ الا بك ولحاجة لا تقضى دونك اللهم
مگر تو و از برای خواهشی که نرسیده مگر بتو و از برای حاجتی که روا نشود مگر نزد تو بارخدایا

فكما

فكما كان من شأنك ما اردتني به من مسألتك ورحمتني به
پس چنانکه هست از کار تو آنچه خواستی از من از خواستن از تو و بخشوده مرا بآن
من ذكرك فليكن من شأنك الاستجابة لي فيما دعوتك به و
از یاد کردنت پس باید از کار تو باشد مستجاب کردن برای من در آنچه خواندم ترا بآن و
النجاة لي فيما فزعت اليك منه يا ملين الحديد لداود اي
رستگاری من در آنچه پناه بردم بسوی تو از آن ای نرم کننده آهن از برای داود ای
كاشف الضر والكرب العظام عن ايوب ومفرج غم يعقوب و
بردارنده آزار و اندوههای بزرگ از ایوب و کشاینده اندوه یعقوب و
منفس كرب يوسف صل على محمد وال محمد وافعل بي ما
بردارنده اندوه یوسف درود ده بر محمد و خاندان محمد و بکن بمن آنچه
انت اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة اللهم انت ثقتي
تو سزاوار آنی [illegible] بارخدایا توئی استواری من
في كل كرب ورجائي في كل شدة وانت لي في كل امر نزل بي
در هر اندوه و امید من در هر سختی و تو مرا در هر کاری که فرود آمد بمن
ثقة وعدة كم من كرب يضعف منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة
استواری و آمادگی بسیار از اندوهی که سست میشود از آن دل و اندک میشود در آن چاره
ويخذل فيه الصديق ويشمت فيه العدو انزلته بك وشكوته
و فرو گذاشته میشود در آن دوست و شادکام میگردد در آن دشمن فرود آوردم آنرا بتو و گله کردم آنرا
اليك رغبة مني فيه اليك عمن سواك ففرجته وكشفته و
بسوی تو از روی خواهش من در آن بسوی تو از جز تو پس گشادی آنرا و برداشتی آنرا و
كفيته فانت ولي كل نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل
بازداشتی آنرا پس توئی خداوند هر نعمت و یار هر نیکی و پایان هر
رغبة اعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق ومن شر ... اللهم
خواهشی پناه میبرم بسخنان خدا تمام از بدی آنچه آفرید از چیزی بارخدایا
عافني في يومي هذا حتى امسي اللهم اني اسألك بركة يومي هذا
[illegible]
وما انزل فيه من عافية ومغفرة ورحمة ورضوان ورزق واسع
و آنچه فرود آمده در آن از [illegible] و آمرزش و بخشایش و خشنودی و روزی فراخ

حلالٍ تبسطه علیّ وعلی والدیّ وولدی واهلی وعیالی واهل
روزی گردانی آنرا بر من و بر پدر و مادرم و فرزندم و اهلم و خویشانم و کسان
حزانتی ومن احببت واحبنی وولدت وولدنی اللهم انی اعوذ
گرداگرد من و آنکه دوست داشتم او را و دوست داشت مرا و زائیدم و زائید مرا بار خدایا بدرستیکه پناه میبرم
بک من الشک والشرک والحسد والبغی والحمیة والغضب اللهم
بتو از گمان بودن و انباز گرفتن بخدا و رشک بردن و ستم کردن و ننگ داشتن و خشم گرفتن بار خدایا
رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن
پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه در میان آنهاست
ورب العرش العظیم صل علی محمد وآله واکفنی المهم من امری بما
و پروردگار عرش بزرگ درود ده بر محمد و خاندانش و کار سازی کن مرا از کار مهم بآنچه
شئت وکیف شئت پس بخوان سوره حمد وآیة الکرسی را و بگو اللهم انک قلت
خواهی و چونکه خواهی بار خدایا بدرستیکه تو گفتی
لنبیک صلی الله علیه وآله ولسوف یعطیک ربک فترضی
مر پیغمبرت را درود دهاد خدا بر او و خاندانش و هر آینه زود باشد که بدهد ترا پروردگارت پس خوشنود شوی
اللهم ان نبیک ورسولک وحبیبک وخیرتک من خلقک لا یرضی
بار خدایا بدرستیکه پیغمبر تو و فرستاده تو و دوست تو و برگزیده تو از آفریدگانت خشنود نمیشود
بان تعذب احدا من امته دانوا بموالاته وموالات الائمة من
بآنکه عذاب دهی یکی را از امتش که نزدیک شدند بدوستی او و دوستی پیشوایان از
اهل بیته وان کان مذنبا خاطئا فی نار جهنم فاجرنی یا رب من
مردم خانه اش و اگرچه باشد گناهکار خطاکار در آتش دوزخ پس پناه ده مرا ای پروردگار از
جهنم وعذابها وهبنی لمحمد وآل محمد یا ارحم الراحمین یا جامعا
دوزخ و عذابش و ببخش مرا بمحمد و آل محمد ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای جمع آورنده
بین اهل الجنة علی تالف من القلوب وشدة المحبة ونازع الغل
میان بهشتیان بر [illegible] از دلها و سختی دوستی و بازکشنده کینه
من صدورهم وجاعلهم اخوانا علی سرر متقابلین یا جامعا بین
از سینهاشان و گرداننده شان برادران بر تختها برابر یکدیگر ای جمع کننده میان
اهل طاعته وبین من خلقها له ویا مفرج حزن کل محزون
فرمان برانش و میان کسی که آفرید آنرا برای او و ای گشاینده اندوه هر اندوهناک

ویا منهل

ویا منهل کل غریب یا راحمی فی غربتی وفی کل احوالی بحسن
وای محل فرود آمدن هر دور افتاده ای بخشاینده بر من در دوری افتادگی من و در همه حالهای من بر نیکو
الحفظ والکلاءة لی یا مفرج ما بی من الضیق والخوف صل
نگهداشتن و نگهداری من ای گشاینده آنچه بمن است از تنگی و ترس درود ده
علی محمد وآل محمد واجمع بینی وبین احبتی وقادتی و
بر محمد و خاندان محمد و گرد آور میان من و میان دوستانم و پیشوایان من و
سادتی وهداتی وموالی یا مؤلفا بین الاحباء صل علی محمد
سرورانم و راه نمایانم و خواجگانم ای الفت دهنده میان دلهای دوستان درود ده بر محمد
وآل محمد ولا تفجعنی بانقطاع رؤیة محمد وآل محمد عنی ولا
و آل محمد و اندوهگین مکن مرا به بریده شدن دیدن محمد و خاندان محمد از من و نه به
بانقطاع رؤیتی عنهم فبکل مسائلک یا رب ادعوک الهی
بریده شدن دیدن من از ایشان پس بهمه درخواستهای ای پروردگار میخوانم ترا ای خدای من
فاستجب دعائی ایاک یا ارحم الراحمین اللهم انی اسألک
پس مستجاب کن خواندن مرا ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا بدرستیکه میخواهم از تو
بانقطاع حجتی ووجوب حجتک ان تغفر لی اللهم انی اعوذ
به بریده شدن حجت من و لازم بودن حجت تو که بیامرزی مرا بار خدایا بدرستیکه پناه میبرم
بک من خزی یوم المحشر ومن شر ما بقی من الدهر ومن شر الاعداء
بتو از رسوائی روز قیامت و از بدی آنچه مانده از روزگار و از بدی دشمنان
وصغر الفناء وعضال الداء وخیبة الرجاء وزوال النعمة
و نیست شدن [illegible] و بیماری سخت و بی بهره شدن از امید و برگشتن نعمت
وفجاءة النقمة اللهم اجعل لی قلبا یخشاک کانه یراک الی یوم یلقاک
و ناگاه آمدن عقاب بار خدایا بگردان مرا دلی که بترسد از تو گویا که می بیند ترا تا روزی که برسد بتو
دور نیست که در اوقات دیگر هر گاه شدتی رو دهد یا حاجت ضروری
بهم رسد این دعا را توان خواند

فصل ششم

در اعمال مختصه شبها و روزهای مخصوص اینماه مبارکست در روایتی وارد شده است که انجیل بر حضرت عیسی ع در سیم اینماه نازل شد و بروایت دیگر در ششم و بروایت معتبر دیگر در دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمة نقل کرده است که در روز ششم

این ماه مامون خاین ملعون با حضرت امام رضا ع بیعت کرد و روایت شده است
که هر که در آن روز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه
قل هو الله بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و بروایات
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند
و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله
احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم
شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است
و غسل و زیارت حضرت امام حسین ع مستحبست در آن چنانچه مذکور
شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود
هر که در شب نیمه ماه مبارک رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند
حق تعالی ده ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از و ضرر دشمنان
او را از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او سی ملک بفرستد که او را بشارت
دهند ببهشت و سی ملک که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضا از آنحضرت
منقولست که هر که در شب نصف ماه رمضان زیارت حضرت امام حسین ع
بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعتی
سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند نمیرد تا در خواب ببیند
ملکی چند را که بشارت دهند او را ببهشت و ملکی چند که ایمن گردانند
او را از جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکیست و در آن شب لشکر
حضرت رسول ص با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روزش جنگ بدر
شد و حق تعالی لشکر حضرت را بر آن کافران ظفر داد و آن اعظم فتوحات

اسلام

اسلام بود و غسل و عبادت در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم
اول شبهای قدر است و حق تعالی میفرماید انا انزلناه فی لیلة القدر
یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی قدر و منزلت
عظیم دارد یا تقدیر امور سال درین شب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری
نزول ملائکه و ما ادریک ما لیلة القدر و چه چیز ترا اعلام کرده است که چیست
شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی
عبادت در آن بهتر است از عبادت هزار ماه تنزل الملائکة و الروح فیها فرود
می آیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است درین شب باذن ربهم
برخصت پروردگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار
وارد شده است که ملائکه و روح درین شب بر امام زمان نازل میشوند و آنچه
از برای هر کس درین شب مقدر شده است بر امام علیه السلم عرض میکنند سلام
هی حتی مطلع الفجر یعنی سلامتی است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام
میکنند بر امام و مومنان که درین شب عبادت میکنند تا طلوع صبح و میان
سنی و شیعه در شب قدر خلاف بسیار هست بعضی از سنیان گفته اند که شب
قدر در زمان حضرت رسول ص بود و بعد از آنحضرت برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند
که تا روز قیامت باقیست پس بعضی گفته اند در تمام سال پنهانست و در همه
شبها عبادت باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابد و بعضی گفته اند در
میان ماه شعبان و ماه رمضان پنهانست و بعضی گفته اند شب نیمه شعبانست
و بعضی گفته اند شب اول ماه رمضانست و بعضی گفته اند شب نیمه است و بعضی
شب هفدهم و بعضی بیست و یکم و بعضی بیست و سیم و بعضی بیست و نهم و بعضی
شب آخر گفته اند و اکثر سنیان درین زمان اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم

وعلمای شیعه امامیه اجماع کرده اند بر انکه از شب نوزدهم و بیست و یکم
و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی مردد میان شب بیست و یکم و بیست و سیم
میدانند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند بر انکه از این سه شب
بیرون نیست و این سه شب یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم را
احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و در بعضی احادیث معتبره تعیین
بیست و یکم و بیست و سیم شده است و در بعضی تعیین خصوص بیست و سیم
واقع شده است و منقولست که آنشب جهنی است و آن اعرابی بود که بحضرت
رسول صلعم عرض کرد که منزل من دور است از مدینه میخواهم شبی را از برای من
تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آنشب بخدمت تو برسم حضرت شب بیست
و سیم را برای او تعیین فرمود و او پیوسته در آنشب با خیل و اهل و خدم و حشم
خود داخل مدینه میشد و چون صبح میشد بر میکشت و از بعضی احادیث
ظاهر میشود که هر سه شب قدرند و در شب اول تقدیر میشود امور و در شب
دویم بکثرت دعا و عبادت ممکنست بعضی تغییر بیابد و در شب بیست و سیم
حتم میشود و تغییر نمییابد یا بسیار کم تغییر مییابد بلا تشبیه مانند ارقام
پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش آسانست و بعد از آن ثبت
دفاتر میشود و تغییرش دشوارتر است اما تا بمهر مهر آثار مزین نکردیده باشد
ممکنست تغییر بیابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزله حتم است و تغییرش
در غایت صعوبتست و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی امور هست مانند
اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازهاست
و ساعت استجابت دعا در هر شب و در هر روز جمعه و عمل مقبول در میان
اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها اینست که بر همهٔ اسمای مقدسهٔ

الهی

الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همهٔ نمازها بکنند و در همهٔ ساعات شب و روز
جمعه دعا بکنند و سعی در همهٔ اعمال خیر بکنند شاید یکی مقبول کردد و همچنین
در شب قدر شبهائی که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در
بعضی از اینها میتواند بود مثل انکه اگر اسم اعظم را همه کس بداند گاه باشد
بعضی از نفوس شریره آن را وسیلهٔ حصول مطالب دنیه کنند چنانچه از بلعم
نقل کرده اند و همچنین شب قدر و ساعت استجابت اگر بخصوص آنها را بدانند
ممکنست که امور غیر مشروعه یا ضررهای نسبت عظیم ببعضی از مسلمانان
استدعا کنند و اگر بخصوص دانند باید البته مستجاب کردد و دیگر انکه
مغرور باعمال خود نکردند و حکمتهای دیگر بسیار است که این رساله گنجایش
ذکر آنها ندارد پس باید که این سه شب را احیا کنند و اهتمام در عبادت و دعا
بکنند تا فضیلت شب قدر را دریابند و در دو شب اخر اهتمام بیشتر بکنند
و در شب بیست و سیم که احادیث معتبرهٔ بسیار در تخصیص آن وارد شده است
که شب قدر است پس سعی بیشتر بکنند و فوائد عبادت شب قدر بسیار است
از جمله انکه چون عبادت شب قدر دریابد بنص قران زیاده از ثواب عبادت
هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است از برای او مقرر میفرمایند دیگر انکه چون
تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر
و سایر امور در این شب میشود اصلاح احوال تمام سال خود را در این شب
کرده خواهد بود و ممکنست که نام او در دیوان اشقیا نوشته شده باشد و در این
شب تغییر یابد و از زمرهٔ سعادتمندان نوشته شود چنانچه این مضمون در اکثر
دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر انکه چون امام او حضرت صاحب
الامر صلوات الله علیه در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است و فوج

فوج بخدمت او می آیند و بر او سلام میکنند و تقدیرات که از برای او و سایر
خلق شده است بر او عرض میکنند سزاوار نیست که در چنین شبی تاسی بامام
خود نکنند و بغفلت بسر آورند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که چون شب قدر میشود فرود می آیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند
و از جمله ایشان جبرئیل است و جبرئیل با خود علمها می آورد یک علم را بر قبر منور
من نصب میکند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را بر در مسجد الحرام و یکی را
در طور سینا و نمیگذارند مرد مومن و زن مومنه را مگر آنکه بر او سلام می کنند
و ایضا از حضرت رسول منقولست که بهشت را هر سال از برای داخل شدن ماه
مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش
میوزد که آنرا مثیره میگویند و بصدا می آورد درختان و حلقهای درهای
بهشت را پس نغمه از آن میشنوند که هرگز شنوندگان از آن خوش آینده تر
نغمه نشنیده اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون می آیند و ندا میکنند
که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا باعمال صالحه خود پس از رضوان
خازن بهشت میپرسند که این چه شب است رضوان میگوید لبیک ای نیکو رویان
نیکو کاران این شب اول ماه مبارک رمضانست درهای بهشت گشوده
شده است برای روزه داران امت محمد صلی الله علیه و اله پس حق تعالی میفرماید
ای رضوان بگشا درهای بهشت را ای مالک ببند درهای جهنم را از روزه داران
امت محمد ص ای جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها
در گردن ایشان بگذار و ایشان را در لجههای دریا بینداز تا فاسد نگردانند بر امت
حبیب من محمد ص روزهای ایشان را و حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب
از شبهای ماه مبارک رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سوال کننده

هست

هست که سوال او را عطا کنم آیا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم
آیا استغفار کننده هست که گناهش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند
مالداری که هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده تراست بوعدهای خود و ستم
نمیکند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه رمضان در وقت افطار
حق تعالی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند و چون شب جمعه و روز جمعه
میشود در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که هریک مستوجب
عذاب شده باشند و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه
آزاد کرده است آزاد میکند و چون شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را
که بزمین می آید با لشکر عظیمی از ملائکه و با خود علم سبزی می آورد و بر بالای کعبه
معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بال را نمیگشاید مگر در شب
قدر و چون در شب قدر آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرد
و پهن میکند جبرئیل آن ملائکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام
میکنند بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشد و با ایشان
مصافحه میکنند و چون ایشان دعا میکنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته
مشغول این کارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل
که ای گروه ملائکه روانه جانب آسمان شوید پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا
چه کرد در حوایج مومنان از امت محمد ص جبرئیل میگوید خدا گناهان همه را آمرزید
مگر کسی که همیشه شراب خورد یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با
مومنان عداوت کند و چون شب عید فطر میشود و آنرا شب جوایز میگویند
خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه رمضان را بیحساب و چون بامداد روز
عید میشود حق تعالی ملائکه را بسیار در جمیع شهرها میفرستد که بزمین می آیند

و بر سر کوچها و بازارها و راهها می ایستند و میگویند ای امت محمد بیرون
روید بسوی درگاه پروردگار کریمی که عطاهای بزرگ می بخشد و گناهان
عظیم را می آمرزد پس چون بمصلی میروند برای نماز عید حق تعالی بملائکه میگوید
ای ملائکه من چیست جزای مزدور هرگاه عمل خود را بکند ملائکه میگویند ای
خداوند ما و آقای ما جزای او آنست که مزدش تمام داده شود حق تعالی میفرماید
ای ملائکه من شما را گواه میگیرم که ثواب ایشان از روزه روزهای ماه رمضان
و عبادت شبهای آن عطا کردم که از ایشان راضی شدم و گناهان ایشان را آمرزیدم
پس ندا میفرماید مؤمنانی را که در آن مجمع حاضر شده اند که ای بندگان من هرچه
خواهید از من سؤال کنید بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که درین مجمع
شما هر حاجت که برای آخرت و دنیای خود سؤال کنید البته عطا میکنم و عیبهای
شما را میپوشانم تا از من رو گردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف میدهم و شما را
در میان گناهکاران رسوا نمیکنم برگردید از مصلی آمرزیده بدرستی که خوشنود
کردانید مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور و شاد میشوند و یکدیگر را
مبارکباد میگویند بآنچه حق تعالی بامت محمد صلعم عطا کرد و در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که هر که احیا کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود
هرچند بعدد ستارهای آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد و اما

اعمال شبهای قدر

اعمال این سه شب پس بر دو نوع است اول آنکه در هر سه شب باید کرد دوم
آنکه مخصوص است بهر شبی اما اول از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعتی بعد از سوره
حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند استغفر الله و اتوب الیه بگوید از جای
و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه آمرزش میخواهم از خدا و باز میگردم بسوی او خود بر نخیزد

تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند بفرستند که حسنات
برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی بفرستد بسوی بهشت که درختها برای
او غرس نماید و قصرها برای او بنا کند و نهرها برای او جاری گردانند و از دنیا
بیرون نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل در این سه شب سنت مؤکد است
و غسل این شبها مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکند
و مستحب است که در این شبها قرآن مجید را بدست بگیرد و بگشاید و این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكِتابِكَ الْمُنْزَلِ وَما فیهِ وَفیهِ اسْمُكَ الْاَكْبَرُ
بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو بنامه فرو فرستاده شده تو و آنچه در اوست و در اوست نام بزرگ
وَاَسْماۤؤُكَ الْحُسْنی وَما يُخافُ وَيُرْجی اَنْ تَجْعَلَنی مِنْ عُتَقاۤئِكَ
و نامهای نیکو تو و آنچه ترسیده میشود و امید داشته میشود که بگردانی مرا از آزادکردگان
مِنَ النّارِ وَتَقْضِیَ حَواۤئِجی لِلدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ پس حاجات خود را از
از آتش و برآوری امیدهای مرا از برای این جهان و آن جهان حق تعالی طلب نماید
که انشاء الله تعالی بر آورده است و این دعا از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که مصحف را بگیر و بر سر بگذار و بگو
اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْاٰنِ وَبِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ
بار خدایا بحق این قرآن و بحق آورنده که فرستاده او را و بحق هر مؤمنی
مَدَحْتَهُ فیهِ وَبِحَقِّكَ عَلَیْهِمْ فَلا اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ
که ستوده او را در آن و بحق تو بر ایشان پس نیست کسی شناساتر بحق تو از تو
پس ده مرتبه بگو بِكَ یا اَللّٰهُ و ده مرتبه بِمُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِعَلِیٍّ و ده مرتبه بِفاطِمَةَ
و ده مرتبه بِالْحَسَنِ و ده مرتبه بِالْحُسَیْنِ و ده مرتبه بِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ و ده مرتبه
بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ و ده مرتبه بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ
و ده مرتبه بِعَلِیِّ بْنِ مُوسی و ده مرتبه بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ و ده مرتبه بِعَلِیِّ بْنِ
مُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ و ده مرتبه بِالْحُجَّةِ پس هر حاجت که داری
طلب کن و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را در هر یک از این سه شب

مستحب مؤکد است و در هر یک خصوصاً شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنت آنست
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد
میخوانند و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که بجهت مرتبه یا پنج مرتبه
یا سه مرتبه یا یکمرتبه قل هو الله احد اکتفا میتوانند کرد و احادیث بسیار در
فضیلت این صد رکعت وارد شده و باید که این صد رکعت غیر نافلهٔ شب بوده
باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتواند کرد و بهترین اعمال در این شب
طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر
و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مردهٔ ایشان و اذکار و صلوات بر محمد
و آل محمد صلوات الله علیهم آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد
شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند و اما دویم
پس اعمال مخصوص شب نوزدهم اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّيْ وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ و صد
آنست که صد مرتبه بگوید آمرزش میجواهم از خدا و باز میگردم بسوی او مرتبه
اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ و اینرا دعا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِيْ
خدا و خدا دوری ده از رحمت کشندهٔ پادشاه مؤمنان بخوانند بار خدایا بگردان در آنچه فرمان میدهی
وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُوْمِ وَفِيْمَا تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَكِيْمِ فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ
و اندازه کنی از کارهای حتم کرده شده و در آنچه جدا کنی از کارهای درست در شب قدر
مِنَ الْقَضَاۤءِ الَّذِيْ لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِيْ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ
از سرنوشت که رد کرده نشود و بدل کرده نشود اینکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانهٔ
الْحَرَامِ الْمَبْرُوْرِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُوْرِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُوْرِ ذُنُوْبُهُمُ الْمُكَفَّرِ
تو که حرام است نیکو داشته شده حجشان پسندیده شده سعیشان آمرزیده شده گناهانشان
عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِيْ وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِيْلَ عُمْرِيْ وَتُوَسِّعَ
از ایشان بدیهاشان و بگردان در آنچه فرمان میدهی و اندازه میکنی اینکه دراز کنی عمر مرا و فراخ سازی
عَلَيَّ فِيْ رِزْقِيْ وَتُقَدِّرَ لِيْ فِيْ جَمِيْعِ اُمُوْرِيْ مَا هُوَ خَيْرٌ لِيْ فِيْ دُنْيَايَ
بر من در روزی من و اندازه کنی برای من در همهٔ کارهای من آنچه از برای او بهتر است در دنیا

وَآخِرَتِيْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ پس حوایج خود را از حق تعالی طلب نماید
و آخرت من ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان
و شب بیست و یکم فضیلتش زیاده از شب سابق است و غسل و اعمال
سابقه را هم بعمل باید آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است
و دهه استجابت دعاست و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی منقول است
که در شب بیست و یکم و شب بیست و سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت
ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت
امام محمد باقر عم این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول دعا
میشد و در نصف آخر مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق عم روایت است
که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک صد رکعت
نماز بکن بغیر سیزده رکعت نماز شب و نافلهٔ صبح و تا صبح بیدار باش و مستحب است
که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی بدرستی که امید شب قدر در یکی از اینها
هست و شب قدر بهتر است از هزار ماه فرمود یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه
و هر امری که در امسال واقع میشود در شب قدر مقدر میگردد و دعای این شب
در ضمن دعاهای دههٔ آخر مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و اما شب
بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب قدر است و در
آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت صادق عم
فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت
مقدر میگردد و در آن شب مقدر میگردد مرگها و بلاها و اجلها و روزیها و
قضاها و آنچه در امسال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده که احیا
کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان
خود را در برابر دیدهای خود ممثل گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امید دارم

که از فضیلت شب قدر محروم نگردد انشاء الله و فرمود که حق تعالی امر میکند
ملکی را که ندا میکند در هر روز ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان
من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر
قبول میکنم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم مگر کسی که روزه را
افطار کند بر مست کننده یا کینه مومنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر
از حضرت صادق ع منقولست که هر که سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم
بخواند والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در آن احدی را و نمیترسم که
خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم
هست و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان
هزار مرتبه سوره انا انزلناه بخواند هر آینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بانچه
مخصوص ماست از کرامتها در این شب بسبب آنچه در خواب ببیند و سوره
حم دخان را نیز سنتست که در این شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی ع منقولست
که هر که زیارت کند حضرت امام حسین ع را در شب بیست و سیم که امید شب قدر
در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه کند با او روح صد و بیست
و چهار هزار پیغمبر که همه در این شب رخصت می طلبند از حق تعالی در زیارت آن
حضرت و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که احیا کند شب بیست و سیم
ماه مبارک را و صد رکعت نماز بکند حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا
و شر دشمنان از او کفایت کند و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سر خراب
شدن و لقمه در گلو گرفتن و از شر درندگان و دفع کند از او هول منکر و نکیر را
و از قبر بیرون آید و او را نوری باشد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه اش را
بدست راست او دهند و بنویسند برای او برات بیزاری از آتش جهنم را و گذشتن

بر صراط و ایمنی از عذاب با و داخل بهشت شود بیحساب و در بهشت او را از
رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان گردانند و نیکو رفیقانند
ایشان و دعای این شب را از جمله دعاهای دهه آخر بخواند و ایضا این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِی فِی عُمْرِی وَاَوْسِعْ لِی فِی رِزْقِی وَاَصِحَّ جِسْمِی وَبَلِّغْنِی
بار خدایا دراز گردان برای من در عمر من و فراخ گردان برای من در روزی من و درست کن جسم مرا و برسان مرا
اَمَلِی وَاِنْ کُنْتُ مِنَ الْاَشْقِیَاءِ فَامْحُنِی مِنَ الْاَشْقِیَاءِ وَاکْتُبْنِی مِنَ السُّعَدَاءِ
به امید من و اگر باشم از بدبختان پس محو کن نام مرا از بدبختان و بنویس مرا از نیکبختان
فَاِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ الْمُنْزَلِ عَلَی نَبِیِّکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ
پس بدرستی که تو گفته در نامه فرو فرستاده ات بر پیغمبرت درودهای تو بر او و خاندانش باد
یَمْحُو اللّٰهُ مَا یَشَاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْکِتَابِ وایضا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی
محو میکند خدا آنچه میخواهد و ثابت میدارد و نزد اوست اصل کتاب که لوح محفوظست بگوید بارخدایا بگردان مرا
مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِکَ نَصِیبًا مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اَوْ اَنْتَ
از تمام ترین بندگانت از راه بهره از هر نیکی که فرو فرستاده ای در این شب و فرو
مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِی بِهِ اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ اَوْ بَلَاءٍ
فرستنده ای از نوری که راه نمائی باو یا رحمتی که پهن کنی آنرا یا روزی که بخش کنی آنرا یا بلائی که باز
تَدْفَعُهُ اَوْ ضُرٍّ تَکْشِفُهُ وَاکْتُبْ لِی مَا کَتَبْتَ لِاَوْلِیَائِکَ الصَّالِحِینَ
داری آنرا یا آزاری که باز داری آنرا و بنویس از برای من آنچه نوشته از برای دوستان شایستگان
الَّذِینَ اسْتَوْجَبُوا مِنْکَ الثَّوَابَ وَاَمِنُوا بِرِضَاکَ عَنْهُمْ مِنْکَ الْعِقَابَ
که سزاوار شده اند از تو مزد نیک را و ایمن گردیده اند بخشنودی تو از ایشان از تو سزا دادن
یَا کَرِیمُ یَا کَرِیمُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِی ذٰلِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ
ای کرامی ای بزرگوار درود ده بر محمد و آل محمد و بکن بمن اینها را بمهربانی تو ای مهربانترین مهربانان

و هر مقدار از قرآن که ممکن باشد در این شب بخواند و دعاهای صحیفه کامله
بخواند خصوصا دعای مکارم اخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز
باید حرمت داشت و بعبادت و دعا و تلاوت بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره
وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب
بیست و چهارم نیز بخصوص غسل سنتست و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنتست

والحادیث معتبره وارد استحباب غسل در آن وارد شده است و منقولست که خدا
عز و جل در این شب دفع میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه
داران ماه رمضان پس عطا میکند حق تعالی با ایشان نوری در گوشها و دیدهای
ایشان و در شب بیست و هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده است و منقولست
که حضرت امام زین العابدین ع در این شب مکرر این دعا میخواندند از اول شب
تا آخر شب اللهم ارزقنی التجافی عن دار الغرور والانابة الی دار الخلود
بار خدایا روزی کن مرا یکسو شدن از سرای فریب را و بازگشتن بسرای جاوید را
والاستعداد للموت قبل حلول الفوت و در شب بیست و نهم نیز غسل
و ساخته شدن برای مرگ را پیش از فرود آمدن در گذشتن بخصوص وارد شده است
و همچنین در شب آخر غسل سنتست و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
سنتست و وداع ماه مبارک رمضان سنت مؤکد است برای اظهار آنکه روزه
و عبادت این ماه مبارک بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان او بودیم و از مفارقت
آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است و فواید آن را در دنیا و
عقبا دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد پس باید این ماه وافر البرکات را
بنحوی وداع کند که عزیزترین اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند و معلوم
که غلامی که از خدمت آقای خود شاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر باشد
مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و به آن راضی نباشد و دعاهای وداع
در شب آخر سنتست خواندن و اگر در روز آخر نیز بخواند خوبست و در حدیث است
که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطا سنتست خواندن دعاهای
وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و لیکن دعاهای معتبر بسیار
از امام جعفر صادق علیه السلام بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انک قلت
این دعای وداع منقولست بنام خدای بخشاینده مهربان بار خدایا بدرستی که تو گفته

فی کتابک

فی کتابک المنزل علی لسان نبیک المرسل صلواتک علیه و آله و قولک
در نامه فرو فرستاده شده بر زبان پیغمبر فرستاده ات درودهای تو بر او و خاندان او و گفتار تو
حق شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من
درست است ماه رمضان که فرو فرستاده شده در آن قرآن راهنمای از برای مردمان و گواههای از
الهدی والفرقان وهذا شهر رمضان قد تصرم وانقضت ایامه
راه نمائی و جدا کردن حق از باطل و این ماه رمضانست بتحقیق که بریده شد و بسر آمد روزهای آن
ولیالیه فاسئلک بوجهک الکریم وکلماتک التامة ان کان بقی
و شبهای آن پس میخواهم از تو بذات بزرگوارت و سخنان تو تمامت اگر مانده
علی ذنب لم تغفره لی او ترید ان تعذبنی علیه او تقایسنی به ان
بر من گناهی که نیامرزیده مرا یا میخواهی که عذاب کنی مرا یا باز خواست کنی مرا بآن اینکه
یطلع فجر هذه اللیلة او ینصرم هذا الشهر الا وقد غفرته لی یا ارحم
باید بامداد این شب یا بسر آید این ماه مگر آنکه بتحقیق آمرزیده باشی آنرا برای من ای بخشاینده
الراحمین اللهم لک الحمد بمحامدک کلها اولها و آخرها ما قلت
بخشایندگان بار خدایا مر تراست سپاس بستایشهای پسندیده همه آن نخستین و انجام آن آنچه گفته
لنفسک منها وما قال لک الخلائق الحامدون المجتهدون المعدودون
از برای خود از آن و آنچه گفته از برای تو آفریدگان ستایش کنندگان کوشش کنندگان شمارده شدگان
الموثرون فی ذکرک والشکر لک الذین اعنتهم علی اداء حقک من
برگزینندگان در یاد کردن تو و سپاس مر ترا آنانکه یاری کرده ایشان را بر ادا کردن حق تو از
اصناف خلقک من الملئکة المقربین والنبیین والمرسلین واصناف
گونه‌های آفریدگان از فرشتگان نزدیکان و پیغمبران و فرستادگان و گونه‌های
الناطقین المسبحین لک من جمیع العالمین علی انک بلغتنا شهر رمضان
گویندگان تسبیح کنندگان مر ترا از همه جهانیان بر آنکه تو رسانیدی ما را بماه رمضان
وعلینا من نعمک وعندنا من جزیل قسمک واحسانک وتظاهر
و بر ما داده از نعمتهای و نزد ما است از بخششهای بزرگ و نیکوئی کردن و هم پشت شدن
امتنانک بذلک لک منتهی الحمد الخالد الدائم الراکد المخلد السرمد
منت گذاشتن تو بآن مر تراست نهایت ستایش جاوید همیشه آرام گرفته جاوید همیشه
الذی لا ینفد طول الابد جل ثناؤک اعنتنا علیه حتی قضیت عنا
که انجام نرسد بدرازی روزگار بزرگ ستایش تو یاری دادی ما را بر آن تا گذاردی از ما

صيامه وقيامه من صلوة وما كان منا فيه من برّ او شكر او ذكر
دون داشتن او و بپا ایستادن او از گزاردن نماز و آنچه هست ما را درین ماه از نیکوکاری یا سپاس گزاری یا یاد کردنی
اللهم فتقبله منا باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك وصفحك
بار خدایا پس بپذیر آنرا از ما بهترین پذیرفتن تو و درگذشتن و عفو کردن تو و روی برتافتن
وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا فيه بكل خير مطلوب
و آمرزیدن تو و درستی خوشنودی تو تا دست یابی ما را در آن بهر نیکی خواسته شده
وجزيل عطاء موهوب وتؤمنا فيه من كل امر مرهوب او ذنب مكسوب
و بسیار کردانی و بخشش بخشیده شده و ایمن گردانی ما را در آن از هر کاری ترسیده شده و گناه کرده شده
اللهم اني اسئلك بعظيم ما سئلك احد من خلقك من كريم اسمائك
بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو به بزرگی آنچه خواست از تو یکی از آفریدگان تو از گرامی نامهای تو
وجزيل ثنائك وخاصة دعائك ان تصلي على محمد وآل محمد وان
و بزرگ ستایش و یکتا خواندن که درود دهی بر محمد و آل محمد و آنکه
تجعل شهرنا هذا اعظم شهر رمضان مرّ علينا منذ انزلتنا الى الدنيا
بگردانی ماه ما اینرا بزرگتر ماه رمضان که گذشت بر ما از آن زمان که فرود آوردی ما را درین جهان
بركة في عصمة ديني وخلاص نفسي وقضاء حاجتي وتشفعني في
از روی برکت در نگاه داشتن کیش من و رستگاری نفس من و برآوردن امید من و شفاعت پذیری مرا در
مسائلي وتمام النعمة علي وصرف السوء عني ولباس العافية لي
خواستنهای من و با انجام نعمت بر من و گردانیدن بدی از من و پوشش سلامتی از برای من
وان تجعلني برحمتك ممن حزت له ليلة القدر وجعلتها له خيرا
و آنکه بگردانی مرا ببخشایش از کسیکه فراهم آوردی از برای او شب قدر را و کردانیدی آنرا از برای او بهتر
من الف شهر في اعظم الاجر وكرائم الذخر وطول العمر وحسن الشكر
از هزار ماه در بزرگی مزد و گرامی ذخیره و درازی زندگانی و خوبی سپاس داری
ودوام اليسر اللهم واسئلك برحمتك وطولك وعفوك ونعمائك
و همیشه بودن آسانی بار خدایا و میخواهم از تو ببخشایش تو و بخشودن و درگذشتن و نعمت
وجلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله آخر العهد منا
و بزرگواری و نیکویی کردن همیشه و منت کردن که نگردانی انجام پیمان ما از ماه
لشهر رمضان حتى تبلغناه من قابل على احسن حال وتعرفني هلاله
ماه رمضان تا برسانی ما را از سال آینده بر نیکوترین حالی و شناسانی مرا ماه نو آن

تظفرنا

وتشفعني

مع

مع الناظرين اليه والمتعرفين له في اعفى عافيتك واتم نعمتك و
با نگرندگان او و شناسایان او در دورتر سلامت تو و تمامتر نعمت تو و
اوسع رحمتك واجزل قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره
فراختر بخشایش تو و بزرگتر بخشش تو بار خدایا ای پروردگار من که نیست مرا پروردگاری جز او
لا يكون هذا الوداع مني وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى
نباشد این بدرود کردن از من بدرود نیستی و نه انجام دیدار از دیدن تا
ترينيه من قابل في اسبغ النعم وافضل الرجاء وانا لك على احسن
بنمایانی آنرا بمن از سال آینده در تمامتر نعمتها و افزونتر امید و من از برای تو بر نیکوتر
الوفاء انك سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي
پیمان نگهداشتن بدرستیکه تو شنونده دعایی بار خدایا بشنو خواندن مرا و ببخشای زاری کردن مرا و خواری کردن
لك واستكانتي لك وتوكلي عليك وانا لك مسلم لا ارجو نجاحا
از برای تو و فروتنی کردن من از برای تو و واگذاشتن مرا کار را بر تو و من مر ترا گردن نهنده ام امید ندارم پیروزی
ولا معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا الا بك ومنك فامنن علي جل
و نه درستکاری و نه [illegible] و نه رسانیدن مگر بتو و از تو پس منت گذار بر من
ثناؤك وتقدست اسماؤك بتبليغي شهر رمضان وانا معافى
ستایش تو [illegible] برسانیدن من بماه رمضان و من درستکارم
من كل مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد لله الذي اعاننا
از هر ناخوشی و ترسیده شده و از همه بدیها ستایش خدا را که یاری داد ما را
على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا آخر ليلة منه اللهم
بر روزه داشتن این ماه و بپا داشتن نماز آن تا رسانید ما را باخر شبی از آن بار خدایا
اني اسئلك باحب ما دعيت به وارضى ما رضيت به عن محمد
من میخواهم از تو بدوسترین آنچه خوانده شدی بآن و خشنودترین آنچه خشنود شدی بآن از محمد
صلى الله عليه وآله ان تصلي على محمد وآل محمد ولا تجعل وداعي
درود خدا بر او و خاندان او که درود دهی بر محمد و خاندان محمد و نگردانی مرا بدرود
شهر رمضان وداع خروجي من الدنيا ولا وداع آخر عبادتي
بیرون رفتن من از این جهان و نه بدرود کردن انجام پرستش تو
فيه ولا آخر صومي لك وارزقني العود فيه برحمتك يا ولي
در آن و نه انجام روزه داشتن من و روزی کن مرا بازگشتن در آن ببخشایش تو ای یار

ولي

سلم

بلغنا

العود فيه

المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيراً من الف شهر
رب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض و
السماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا حي يا يا رحيم
قيوم يا بديع السموات لك الاسماء الحسنى والامثال العليا و
الكبرياء والآلاء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي
مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب
لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً لا يشوبه شك ورضاً بما قسمت لي
وان تؤتيني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وان تقيني عذاب
النار الحريق اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم وفيما
تفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا
يبدل ولا يغير ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم
المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما ذنبهم
تقضي وتقدر ان تطيل عمري وان تعتق رقبتي من النار يا ارحم

الراحمين

الراحمين اللهم اني اسألك ولم يسئل العباد مثلك جوداً وكرماً
وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك انت موضع مسئلة السائلين
ومنتهى رغبة الراغبين اسألك باعظم المسائل كلها وافضلها
وانجحها التي ينبغي للعباد ان يسألوك بها يا الله يا رحمن وباسمائك
ما علمت منها وما لا اعلم وباسمائك الحسنى وامثالك العليا و
بنعمك التي لا تحصى وباكرم اسمائك عليك واحبها اليك واشرفها بنعمتك
عندك منزلة واقربها منك وسيلة واجزلها منك ثواباً و
اسرعها لديك اجابة وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم الاكبر
الاجل الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك به وتستجيب له
دعاءه وحق عليك الا تحرم سائلك واسألك بكل اسم هو
لك في التوراة والانجيل والزبور والفرقان وبكل اسم دعاك به
حملة عرشك وملائكة سمواتك وجميع الاصناف من خلقك من
نبي وصديق وشهيد وبحق الراغبين اليك الفرقين منك المتعوذين
بك وبحق مجاوري بيتك الحرام حجاجاً ومعتمرين ومقدسين ومعتمرين

والمجاهدين في سبيلك ويحق كل عبد متعبد لك في برّ وبحر
وكارزار كنندگان در راه تو و بشنو دعاى هر بنده پرستنده مر ترا در دشت يا دريا
او سهل او جبل ادعوك دعاء من اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه
يا هامون يا كوه مى‌خوانم ترا خواندن كسى كه سخت شد بى‌نوائى او و بسيار شد گناهان
وعظم جرمه وضعف كدحه دعاء من لا يجد لنفسه سادًّا ولا
و بزرگ شد گناه و سست شد كوشش او خواندن كسى كه نيابد از براى خود سد كننده و نه
لضعفه مقويًا ولا لذنبه غافرًا غيرك هاربًا اليك متعوّذًا
از براى سستى او نيرو دهنده و نه از براى گناه او آمرزنده جز تو گريزان بسوى تو پناه دارنده
بك متعبدًا لك غير مستكبر ولا مستنكف خاشعًا بائسًا فقيرًا
بتو پرستنده مر ترا نه گردنكش و نه ننگ دارنده ترسان درويش نيازمند
مستجيرًا بك اسألك بعزتك وعظمتك وجبروتك وسلطانك
زنهار خواهنده بتو مى‌خواهم از تو بارجمندى تو و بزرگى تو و بزرگوارى تو و سلطنت تو
وملكك وبهائك وجودك وكرمك وبآلائك وحسنك وجمالك
و بپادشاهى تو و بزيبائى تو و بخشش تو و نوازش تو و بنعمتهاى تو و نيكى تو و خوبى تو
وبقوتك على ما اردت من خلقك ادعوك يا رب خوفًا وطمعًا ورهبة
و بنيروى تو بر آنچه خواهى از آفريدگان مى‌خوانم ترا اى پروردگار از ترس و اميد و بيم
ورغبة وتخشعًا وتملقًا وتضرعًا والحافًا والحاحًا خاضعًا لك لا
و خواهش و فروتنى نمودن و … و زارى كردن … و كوشش … فروتنى كننده مر ترا نيست
اله الا انت وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس
خدائى مگر تو تنها تو … اى پاكيزه از آلايش اى پاكيزه از آلايش
يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رب
اى خدا اى خدا اى بخشاينده اى بخشاينده اى بخشاينده اى بخشاينده اى پروردگار
يا رب يا رب اعوذ بك يا الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتكبر
اى پروردگار اى پروردگار پناه مى‌برم بتو اى خداى يكتا يكى بى‌نياز تاى بزرگوار
المتعال واسألك بجميع ما دعوتك به وباسمائك التي تملأ اركانك
بلند پايه و مى‌خواهم از تو بهمه آنچه خواندم ترا بآن و بنامهاى تو كه پر …
كلها ان تصلي على محمد وآل محمد واغفر لي ذنبي وارحمني واوسع
همه آن اگر درود دهى بر محمد و آل محمد و بيامرزى گناه مرا و ببخشايى مرا و فراخ گردانى

وبهائك

والحاحًا

على من فضلك العظيم وتقبل مني شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه
بر من از بخشش بزرگ و بپذير از من ماه رمضان را و روزه و ايستادن و نماز فريضه
ونوافله واغفر لي وارحمني واعف عني ولا تجعله آخر شهر رمضان
و نافله‌هاى را و بيامرز مرا و ببخشا مرا و درگذر از من و مگردان آن را انجام ماه رمضان
صمته لك وعبدتك فيه ولا تجعل وداعي اياه وداع خروجي من
كه روزه داشتم از براى تو و پرستيدم ترا در آن و مگردان وداع مرا … وداع بيرون رفتن من از
الدنيا اللهم اوجب لي من رحمتك ومغفرتك ورضوانك و
دنيا بار خدايا واجب ساز از براى من از بخشايش و آمرزش و خشنودى و
خشيتك افضل ما اعطيت احدًا ممن عبدك فيه اللهم لا تجعلني
ترسيدن از تو افزونتر آنچه دادى يكى را از كسى كه پرستيد ترا در آن بار خدايا مگردان مرا
آخر من سألك فيه واجعلني ممن اعتقته في هذا الشهر من النار
آخر كسى كه خواست از تو در آن و بگردان مرا از كسانى كه آزاد كردى در اين ماه از آتش
وغفرت له ما تقدم من ذنبه وما تأخر واوجبت له افضل ما رجاك
و آمرزيدى … از گناه او و آنچه پس افتاد و واجب كردى از براى او افزونتر آنچه اميد داشت
وامل منك يا ارحم الراحمين اللهم ارزقني العود في صيامه لك و
و اميد داشت از تو اى بخشاينده‌ترين بخشايندگان بار خدايا روزى كن مرا بازگشتن در روزه داشتن از براى تو و
عبادتك فيه واجعلني ممن كتبته في هذا الشهر من حجاج بيتك
و پرستيدن ترا و بگردان مرا از كسى كه نوشتى در اين ماه از حج كنندگان خانه
الحرام المبرور حجهم المغفور لهم ذنوبهم المتقبل عملهم آمين
با شكوه پذيرفته حج ايشان آمرزيده از براى ايشان گناهان پذيرفته كردار ايشان چنين
آمين آمين رب العالمين اللهم لا تدع لي فيه ذنبًا الا غفرته ولا
چنين چنين پروردگار جهانيان بار خدايا مگذار از براى من در آن گناهى مگر آنكه بيامرزى و نه
خطيئة الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها ولا دينًا الا قضيته ولا
خطا را مگر آنكه محو كنى آن را و نه لغزش را مگر … و نه وام را مگر گزارى آن را و نه
عيلة الا اغنيتها ولا همًّا الا فرجته ولا فاقة الا سددتها ولا
مگر … و نه اندوه مگر … و نه سختى مگر … آن را و نه
عريًا الا كسوته ولا مرضًا الا شفيته ولا داء الا اذهبته ولا
برهنگى مگر كه پوشانى آن را و نه بيمارى مگر كه تندرستى دهى آن را و نه درد مگر كه ببرى آن را و نه

ذنوبهم

حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الا قضيتها على افضل املی ورجائی
نیازی از نیازهای این جهان و آن جهان مگر گزاری آنرا بر افزون تر آرزوی من و امید من
فیك یا ارحم الراحمین اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا ولا تذلنا
در تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا مپیچان دلهای ما را پس از آنکه راه نمودی ما را و خوار مکن ما را
بعد اذ اعززتنا ولا تضعنا بعد اذ رفعتنا ولا تهنا بعد اذ اکرمتنا ولا
پس از آنکه ارجمند ساختی ما را و فرو مگذار ما را پس از آنکه بر افراشتی ما را و خوار مکن ما را پس از آنکه نوازش کردی ما را و
تفقرنا بعد اذ اغنیتنا ولا تمنعنا بعد اذ اعطیتنا ولا تحرمنا بعد
درویش مکن ما را پس از آنکه توانگر گردانیدی ما را و باز مدار ما را پس از آنکه دادی ما را و بی روزی مکن ما را پس
اذ رزقتنا ولا تغیر شیئا من نعمك علینا واحسانك الینا لشیء کان
از آنکه روزی دادی ما را و مگردان چیزی از نعمتهایت بر ما و نیکویی کردنت را بما از برای چیزی که باشد
من ذنوبنا ولا لما هو کائن منا فان فی کرمك وعفوك وفضلك سعة
از گناهان ما و نه از برای آنچه خواهد بود از ما پس بدرستیکه در نوازش تو و در گذشتن تو و در فزونی تو فراخیست
لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز عنا ولا تعاقبنا علیها یا ارحم
از برای آمرزیدن گناهان ما پس بیامرز ما را و درگذر از ما و شکنجه مکن ما را بر آنها ای بخشاینده ترین
الراحمین اللهم اکرمنی فی مجلسی هذا کرامة لا تهیننی بعدها ابدا
بخشایندگان بار خدایا گرامی دار مرا در نشستنگاه این گرامی داشتنی که خوار نکنی مرا پس از این هرگز
واعزنی عزا لا تذلنی بعده ابدا وعافنی عافیة لا تبتلینی بعدها
و ارجمند کن مرا ارجمندی که خوار نکنی مرا پس از این هرگز و عافیت ده مرا عافیت دادنی که گرفتار نکنی مرا پس از این
ابدا وارفعنی رفعة لا تضعنی بعدها ابدا واصرف عنی شر کل
هرگز و بر افراز مرا بر افراشتنی که فرو نگذاری مرا پس از این هرگز و بگردان از من بدی همه
شیطان مرید وشر کل جبار عنید وشر کل قریب وبعید وشر
دیوان ستیهنده را و بدی هر ستمکار ستیزنده و بدی هر خویش یا بیگانه و بدی
کل صغیر وکبیر وشر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
هر خورد یا بزرگ و بدی هر جنبنده که تو فرا گیرنده موی پیشانی اویی بدرستیکه پروردگار من بر راه
مستقیم اللهم ما کان فی قلبی من شك وریبة او جحود او قنوط او
راستست بار خدایا آنچه باشد در دل من از گمانی یا بدگمانی یا ناسپاسی یا نا امیدی یا
فرح او مرح او بطر او بذخ او خیلاء او ریاء او سمعة او شقاق
شادی یا خرمی یا ناسپاسی یا گردنکشی یا بزرگی بر خود کردن یا خودنمائی یا آوازه یا دشمنی

اونفاق

او نفاق او کفر او فسوق ومعصیة او شیء لا تحب علیه ولیا لك
یا دو رویی یا ناگرویدن یا بیرون شدن از فرمان خدا یا نافرمانی یا چیزی که دوست نداری بر آن دوستی از دوستانت
فاسألك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تمحوه من قلبی وتبدلنی
پس میخواهم از تو که درود فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بستری آنرا از دل من و بدل دهی مرا
مکانه ایمانا بوعدك ورضا بقضائك ووفاء بعهدك ووجلا
بجای آن گرویدن را بوعده ات و خشنودی را بفرموده ات و بانجام رسانیدن پیمانت و ترسیدن
منك وزهدا فی الدنیا ورغبة فیما عندك وثقة بك وطمأنینة
از تو و ناخواهان بودن در دنیا و خواهان بودن آنچه نزد تست و استوار بودن بتو و آرام گرفتن
الیك وتوبة نصوحا الیك اللهم ان کنت بلغتناه والا فاخر عنا
بسوی تو و بازگشت بی شکستن را بسوی تو بار خدایا اگر رسانیدی ما را آن و اگر نه پس انداز
اجالنا الی قابل حتی تبلغناه فی یسر منك وعافیة یا ارحم الراحمین
مرگهای ما را تا سال آینده تا برسانی ما را بآن در آسانی از تو و بی سختی ای بخشنده ترین بخشندگان
وصلی الله علی محمد وآله کثیرا ورحمة الله وبرکاته علیهم ودر جمعه
اخر بین
درود و رحمت خدا بر محمد و خاندانش بسیار بخشایش خدا و افزایش او بر ایشان باد
وداع جمعه باید نیت واز جابر بن عبد الله انصاری منقولست که گفت رفتم
بخدمت حضرت رسول صلعم در جمعه آخر ماه رمضان چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود
که این آخر جمعه ایست از ماه مبارك رمضان پس از او وداع کن و بگو
اللهم لا تجعله آخر العهد من صیامنا ایاه فان جعلته فاجعلنی مرحوما
بار خدایا مگردان آنرا انجام روزگار از روزه داشتن ما آنرا پس اگر گردانیدی آنرا پس بگردان مرا بخشوده شده
ولا تجعلنی محروما زیرا که هر که این دعا را در این روز بخواند بیکی از دو
و محروم مگردان مرا بی بهره روزی خصلت نیکو ظفر یابد یا برسیدن ماه رمضان آینده
یا بآمرزش خدا و رحمت بی انتها و بسند معتبر از حضرت صادق عم منقولست که هر که
در شب آخر ماه رمضان اللهم لا تجعله آخر العهد من صیامی لشهر
این دعا بخواند بار خدایا مگردان آنرا بانجام روزهای از روزه داشتن من ماه
رمضان واعوذ بك ان یطلع فجر هذه اللیلة الا وقد غفرت لی
رمضان را و پناه میبرم بتو از آنکه بر آید بامداد این شب مگر آنکه بخشیده باشی مرا

حق تعالی پیش از صبح او را بیامرزد و او را توبه و انابت روزی کند و ایضاً سنتست
که این دعا اللهم انی اسألک باحب ما دعیت به وارضی ما رضیت
بخوانند بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو بدوست ترین چیزی که خوانده شده بان و خشنود ترین چیزی که خشنود شدی
به عن محمد و عن اهل بیت محمد علیه وعلیهم السلام ان تصلی
بان از محمد واز مردم خانه محمد بر او و بر ایشان درود اینکه درود دهی
علیه وعلیهم ولا تجعل وداع شهری هذا وداع خروجی من الدنیا
بر او و بر ایشان و مگردانی بدرود ماه من این بدرود بیرون رفتن از دنیا
ولا وداع آخر عبادتک ووفقنی فیه للیلة القدر واجعلها لی
ونه بدرود انجام پرستش تو و سازواره گردان برای من در آن شب قدر را و بگردان آن را برای من
خیرا من الف شهر مع تضاعف الاجر والاجابة والعفو عن الذنب
بهتر از هزار ماه با دو چندان مزد و جواب دادن و در گذشتن از گناه
برضی الرب واز جمله چیزها که سنتست در شب آخر آزاد کردن بندهاست
بخوشنودی پروردگار زیرا که شبی است که حق تعالی بندهٔ بسیار از آتش جهنم آزاد
میکند و هر گاه بندهٔ ضعیف فرومایه بندگان را از قید رقیت آزاد کند امید هست
که خداوند قادر بی زوال با وسعت و کمال او را از آتش جهنم آزاد کرداند و نام او را
از جرائد عصیان محو نماید چنانچه منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
بندها که در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده و کم در شب آخر ماه
رمضان آزاد مینمود و میفرمود که شما ها را آزاد کردم بامید آنکه خداوند رحیم از
تقصیرات من در گذرد و مرا از آتش جهنم آزاد گرداند و چون روز عید میشد
جایزهای عظیم بایشان می بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سؤال کردن از
مردم و میگفت حق تعالی در هر شب ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار هزار
کس را آزاد میکند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب آخر مثل آنچه
در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ غلام و کنیز را زیاده از یک سال
خدمت نمیفرمود و در روز عید فطر و در عرفات نیز بندهای خود را آزاد میفرمود

دعاهای دهه آخر ماه مبارک رمضان

و در روایتی وارد شده است که سنتست که در شب آخر سورهٔ انعام و کهف و یس
بخوانند و صد مرتبه بگویند استغفر الله واتوب الیه **فصل هفتم** در دعاهای
مخصوص دههٔ آخر ماه مبارکست بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که آنحضرت
در هر یک از شبهای دهه اللهم انک قلت فی کتابک شهر رمضان
آخر این دعا میخواندند بار خدایا بدرستی که تو گفته در کتاب خود ماه رمضان
الذی انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان
که فرو فرستاده شد در آن قرآن راه نمائی و گواهها از راه نمائی و جدا کردن باطل
فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فیه القرآن وخصصته
پس بزرگ داشته شکوه ماه رمضان را بانچه فرو فرستاده در آن قرآن را و خاص گردانیده آن را
بلیلة القدر وجعلتها خیرا من الف شهر اللهم وهذه ایام شهر
بشب قدر و گردانیده آن را بهتر از هزار ماه بار خدایا و این روزهای ماه
رمضان قد انقضت ولیالیه قد تصرمت وقد صرت یا الهی منه
رمضان بتحقیق که بسر آمد و شبهای آن بتحقیق که بریده شد و بتحقیق که گردیدم ای خدای من از آن
الی ما انت اعلم به منی واحصی لعدده من الخلق اجمعین فاسألک
بسوی آنچه تو داناتری بان از من و شمارنده تری از شمارش از آفریدگان همگی پس میخواهم از تو
بما سألک به ملائکتک المقربون وانبیاؤک المرسلون وعبادک
بانچه میخواهم از تو بان فرشتگان نزدیک تو و پیغمبران فرستادگان و بندگان
الصالحون ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفک رقبتی من النار
شایستگان اینکه درود دهی بر محمد و آل محمد و اینکه آزاد کنی گردن مرا از آتش
وتدخلنی الجنة برحمتک وان تتفضل علی بالامن یوم الخوف من
و در آوری مرا در بهشت برحمت خود و اینکه فضل کنی بر من با ایمنی در روز بیم از
کل هول اعددته لیوم القیمة الهی واعوذ بوجهک الکریم وبجلالک
هر ترسی که ساخته آن را روز رستخیز خدای من پناه میبرم بذات پاک بزرگوارت و بیزرگواری
العظیم ان ینقضی ایام شهر رمضان ولیالیه ولک قبلی تبعة او
بزرگت اینکه بسر آید روزهای ماه رمضان و شبهای آن و مر ترا نزد من بازخواستی باشد یا
ذنب تؤاخذنی به او خطیئة تریدان تقتصها منی لم تغفرها لی
گناهی که بگیری مرا بان یا گناهی که خواهی قصاص ستانی از من نیامرزی آن را برای من

سیدی یا سیدی یا سیدی اسئلك یا لا اله الا انت اذ لا اله الا انت

آقای من آقای من آقای من میخواهم از تو ای که خدایی نیست بجز تو که نیست خدایی بجز تو

ان کنت رضیت عنی فی هذا الشهر فازدد عنی رضا وان لم تکن رضیت

اگر هستی تو خشنود از من در این ماه پس بیفزا از من خشنودی و اگر خشنود نا شدی

عنی فمن الآن فارض عنی یا ارحم الراحمین یا الله یا احد یا صمد

از من پس از الآن تا خشنود باشی از من ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان ای خدا ای تنها ای سرمد

یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد و بسیار میگفتند یا ملین

که نزاد و زائیده نشد و نیست مر او را همتا یکی ای نرم کننده

الحدید لداود علیه السلام یا کاشف الضر والکرب العظام عن ایوب

آهن برای داود بر او درود ای برطرف کننده بیماریها و اندوه بزرگ از ایوب

علیه السلام ای مفرج هم یعقوب علیه السلام ای منفس غم یوسف

بر او درود ای گشاینده غم یعقوب بر او درود ای فرو برنده غم یوسف

علیه السلام صل علی محمد وآل محمد کما انت اهله ان تصلی علیهم

بر او درود درود بر محمد و خاندان محمد چنانکه تو سزاوار آنی که درود دهی و ایشان

اجمعین وافعل بی ما انت اهله ولا تفعل بی ما انا اهله و بسند معتبر

همگی و بکن بمن آنچه تو سزاواری و مکن بمن آنچه من سزاوارم دیگر از حضرت

منقولست که در هر شب دهه اعوذ بجلال وجهك الکریم ان ینقضی عنی

آخر این دعا بخوانند پناه میبرم بزرگواری ذات پاك بزرگوار تو که بسر رود از من

شهر رمضان او یطلع الفجر من لیلتی هذه و بقی لك عندی تبعة

ماه رمضان ای برآمدن بامداد از شبهای من این و بماند از برای تو نزد من بازخواستی

او ذنب تعذبنی علیه یوم القاك و بسندهای معتبر در هر شب از

یا گناهی که عذاب کنی مرا بآن روزی که میرسم بتو دهه آخر دعای مخصوصی از حضرت

صادق علیه السلام وارد شده است و بر مطالب یا مولج اللیل فی النهار

دنیا و آخرت مشتملست دعای شب بیست و یکم ای درآورنده شب در روز

ویا مولج النهار فی اللیل ومخرج الحی من المیت ومخرج المیت من الحی

و ای درآورنده روز در شب و بیرون آرنده زنده از مرده و بیرون آرنده مرده از زنده

یا رازق من یشاء بغیر حساب یا الله یا رحمن یا الله یا رحیم یا الله یا الله

ای روزی دهنده آنکه میخواهد بغیر شمار ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای مهربان ای خدا ای خدا

یا الله

یا الله یا الله یا الله یا الله لك الاسماء الحسنی والامثال العلیا

ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا از برای تست نامهای نیکو و مانندهای بلند

والکبریاء والآلاء اسئلك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل

و بزرگی و نعمتهای میخواهم از تو آنکه درود دهی بر محمد و خاندان محمد و آنکه بگردانی

اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی

نام مرا در این شب در نیکبختان و جان مرا با شهداء و نیکویی مرا در

علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا

بالاترین بهشت و بدی مرا آمرزیده و آنکه ببخشی مرا یقینی که برسد بآن دل مرا و گرویدنی

یذهب الشك عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة

که ببرد شك را از من و خشنود سازی مرا بانچه بخش کرده از برای من و بده ما را در دنیا نیکویی را

وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرك و

و در آخرت نیکی و نگهدار ما را از شکنجه آتش سوزان و روزی کن مرا در آن یاد کردنت و

شکرك والرغبة الیك والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له

سپاس گزاری کردنت و خواهش بسوی تو و بازگشت و توبه را و توفیق ده بانچه توفیق دادی

محمدا وآل محمد علیه وعلیهم السلام دعای شب یا سالخ النهار من

محمد و خاندان محمد بر او و برایشان درود بیست و دویم ای برکننده روز از

اللیل فاذا نحن مظلمون ومجری الشمس لمستقرها بتقدیرك یا عزیز

شب و روان کننده آفتاب بآرامگاه خود باندازه کردنت ای ارجمند

یا علیم یا مقدر القمر منازل حتی عاد کالعرجون القدیم یا نور

ای دانا ای اندازه کننده برای ماه منزلهای تا بازگشت چون شاخ درخت خرمای کهنه ای روشنی

کل نور ومنتهی کل رغبة وولی کل نعمة یا الله یا رحمن یا الله یا

هر روشنی و منتهای هر خواهش و خداوند همه نعمتها ای خدا ای بخشنده ای خدا ای

قدوس یا احد یا واحد یا فرد یا الله یا الله یا الله لك الاسماء

پاکیزه ای تنها ای یکی ای واحد ای خدا ای خدا ای خدا از برای تست نامهای

الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلك ان تصلی

نیکو و مانندهای بسیار بلند و بزرگی و نعمتها میخواهم از تو آنکه درود دهی

علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء

بر محمد و خاندان محمد و آنکه بگردانی اسم مرا در این شب از نیکبختان

وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي

وجان مرا با شهیدان ونیکوئی کردنم را در بالای بهشت وبدکرداریم را آمرزیده واینکه بخشی مرا

يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي

یقینی که برسد بآن دل من وگرویدنی که ببرد شک را از من وخشنود سازی مرا بانچه بخش کرده

وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ

وبده مرا در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی ونگهدار ما را از عذاب آتش سوزان

وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَ

وروزی کن مرا در آن یاد کردن ترا وسپاس‌گزاری ترا ورغبت کردن بسوی تو وبازگشتن و توبه را و

التَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست وسیم

دست یافتن بانچه توفیق دادی محمد را وخاندان محمد را بر او وبر ایشان درود

يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

ای پروردگار شب قدر وگرداننده بهتر از هزار ماه وپروردگار شب وروز

وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْاَنْوَارِ وَالْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ

وکوهها ودریاها وتاریکیها وروشنائیها وزمین وآسمان ای پدید آورنده ای صورت‌گر

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اَللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللهُ يَا قَيُّومُ يَا اَللهُ يَا بَدِيعُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ

ای بسیار مهربان ای بسیار عطا کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای پاینده ای خدا ای نو پدید آورنده ای خدا ای خدا

يَا اَللهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ

ای خدا از آن تست نامهای نیکو وصفتهای بسیار بلند وبزرگی ونعمتها

اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ

میخواهم از تو آنکه درود دهی بر محمد وخاندان محمد واینکه بگردانی نام مرا در این شب

فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي

در نیکبختان وجان مرا با شهیدان ونیکوئی کردن مرا در بالای بهشت وبدکرداری مرا

مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ

آمرزیده واینکه ببخشی مرا یقینی که برسد بآن دل مرا وگرویدنی که ببرد شک را

عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

از من وخشنود سازی مرا بانچه بخش کرده از برای من وبده مرا در دنیا نیکی ودر آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ

نیکی ونگهدار از عذاب آتش سوزان ودر روزی کن مرا در آن یاد کردنت وسپاس‌گزاری کردن

وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ

وخواهش کردن بسوی تو وبازگشتن را وتوبه را ودست یافتن بانچه توفیق دادی محمد را وآل

مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای شب بیست وچهارم يَا فَالِقَ الْاِصْبَاحِ وَيَا

محمد را درودهای تو بر او وبر ایشان ای شکافنده بامداد وای

جَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْبَانًا يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمَنِّ

گرداننده شبها آرامگاه وخورشید وماه را شمار کردن ای ارجمند ای دانا ای خداوند بخشش کردن

وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

وفضل کردن ونیرومندی وتوانائی وبخشش کردن ونعمت دادن ای خداوند بزرگواری وگرامی داشتن

يَا اَللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللهُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ يَا اَللهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ يَا

ای خدا ای بخشنده ای خدا ای تنها ای یکتا ای خدا ای آشکار ای پنهان ای زنده ای

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ

نیست خدائی مگر تو از آن تست نامهای نیکو وصفتهای بسیار بلند وبزرگی

وَالْآلَاءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي

نعمتها میخواهم از تو آنکه درود دهی بر محمد وخاندان محمد واینکه بگردانی نام مرا

فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي

در این شب در نیکبختان وجان مرا با شهیدان ونیکوئی کردن مرا در

عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ

بالای بهشت وبدکرداری مرا آمرزیده واینکه ببخشی مرا یقینی که برسد بآن دل من و

اِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا

گرویدنی که ببرد شک از من وخشنودی بانچه بخش کرده مرا وبده ما را در دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا

نیکی ودر آخرت نیکی ونگهدار ما را از عذاب آتش سوزان وروزی کن مرا در آن

ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

یاد کردن خود را وسپاس‌گزاری خود را ورغبت کردن بسوی تو وبازگشت را وتوبه را ودست یافتن بانچه

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای شب بیست وپنجم يَا جَاعِلَ

توفیق دادی محمد وخاندان محمد درودهای تو بر او وبر ایشان ای گرداننده

اللَّيْلِ لِبَاسًا وَالنَّهَارِ مَعَاشًا وَالْاَرْضِ مِهَادًا وَالْجِبَالِ اَوْتَادًا

شب را پوششی وروز را زندگانی وزمین بگاهواره وکوهها را میخها

يا الله يا قاهر يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا الله يا قريب يا الله يا مجيب

ای خدا ای شکننده ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای جواب دهنده

يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء

ای خدا ای خدا ای خدا از برای تست نامهای نیکو و مانند بسیار بلند و بزرگی

والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي

و نعمتها میخواهم از تو اگر درود دهی بر محمد و خاندان محمد و اگر بگردانی نام مرا

في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في

در این شب در نیکبختان و جان مرا با شهیدان و نیکویی کردن مرا در

عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به

بالاترین بهشت و بد کرداری مرا آمرزیده و اگر بخشی مرا بی گمانی که برسد بآن

قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا

دل من و گرویدنی که ببرد شک از من و خشنود بگردانی مرا بآنچه بخش کرده از برای من و بده ما را در دنیا

حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني

نیکی و در آخرت نیکی و نگهدار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا

فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة و

در آن بیاد کردن و سپاس داری کردن و خواهش بسوی تو و بازگشتن را و توبه را و

التوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام دعای شب

دست یافتن بآنچه توفیق داده محمد را و خاندان محمد را بر او و بر ایشان درود باد بیست و ششم

يا جاعل الليل والنهار آيتين يا من محا آية الليل وجعل آية النهار

ای گرداننده شب و روز دو نشان ای کسی که ستردی نشان شب را و گردانید نشان روز

مبصرة لتبتغوا فضلا منه ورضوانا يا مفصل كل شيء تفصيلا

روشن تا بجویند بخشش از او و خشنودی را ای ... همه چیز

يا الله يا ماجد يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله يا الله لك

ای خدا ای بزرگوار ای ... ای خدا ای بخشنده ای خدا ای خدا ای خدا از برای تست

الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك

نامهای نیکو و مثالهای بلند و بزرگی و نعمتها میخواهم از تو

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة

اگر درود دهی بر محمد و خاندان محمد و اگر بگردانی نام مرا در این شب

في السعداء

في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي

در نیکبختان و جان مرا با شهیدان و نیکی مرا در بالاترین بهشت و بدی مرا

مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك

آمرزیده و اگر بخشی مرا بی گمانی که برسد بآن دل من و گرویدنی که ببرد شک را

عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة

از من و خشنود سازی مرا بآنچه بخش کرده از برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت

حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك

نیکی و نگهدار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن یاد کردن و سپاس داری کردن

والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا و

و خواهش کردن بسوی تو و بازگشتن را و توبه را و دست یافتن بآنچه توفیق داده محمد را و

آل محمد عليه وعليهم السلام دعای شب يا ماد الظل ولو شئت

خاندان محمد بر او و بر ایشان درود باد بیست و هفتم ای کشنده سایه و اگر خواهی

جعلته ساكنا وجعلت الشمس عليه دليلا ثم قبضته اليك

میکردانی آن را ساکن و گردانیدی آفتاب را در آن راه نما پس فرا گرفتی آن را بسوی تو

قبضا يسيرا يا ذا الحول والطول والكبرياء والآلاء لا اله الا انت

فرا گرفتنی اندک ای خداوند نیرو و توانگری و بزرگی و نعمتها نیست خدایی جز تو

عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لا اله الا انت يا قدوس يا

دانای ناپیدا و پیدا بخشنده بخشاینده نیست خدایی مگر تو ای پاکیزه ای

سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا الله يا خالق

سالمت ای ایمن کننده ای نگهبان ای ارجمند ای بزرگوار ای بزرگوار ای خدا ای آفریننده

يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال

ای پدید آورنده ای پیکر کشنده ای خدا ای خدا ای خدا از برای تست نامهای نیکو و مثالهای

العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد

بلند و بزرگی و نعمتها میخواهم از تو اگر درود دهی بر محمد و آل محمد

وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء

و اگر بگردانی نام مرا در این شب در نیکبختان و جان مرا با شهیدان

واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا

و نیکویی کردن مرا در بالاترین بهشت و بدی مرا آمرزیده و اگر بخشی مرا بی گمانی

تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي
وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق
وارزقني فيهما ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة
والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلى الله عليه وعليهم
دعای شب يا خازن الليل في الهواء وخازن النور في السماء ومانع
السماء ان تقع على الارض الا باذنه وحابسهما ان تزولا يا عليم یا عظیم
يا غفور يا دائم يا الله يا وارث يا باعث من في القبور يا الله يا الله
يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء
اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة
في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واساءتي
مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك
عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة
حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقنا فيهما ذكرك وشكرك و
الرغبة اليك والتوبة والانابة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل

محمد عليه وعليهم السلام دعای شب يا مكور الليل على النهار
ويا مكور النهار على الليل يا عليم يا حكيم يا رب الارباب وسيد
السادات لا اله الا انت يا من هو اقرب الي من حبل الوريد
يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء
والآلاء اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في
هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين
واساءتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب
الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي
الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقنا فيهما ذكرك و
شكرك والرغبة اليك والتوبة والانابة والتوفيق لما وفقت له
محمدا وآل محمد صلى الله عليه وعليهم دعای شب الحمد لله لا شريك
له الحمد لله كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وكما هو اهله يا قدوس
يا نور يا نور القدس يا سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل
الرحمة يا الله يا عليم يا كبير يا الله يا لطيف يا جليل يا الله يا الله

یا سمیع یا بصیر یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی و الامثال
ای شنونده ای بینا ای خدا ای خدا ای خدا از تراست نیکو و نشانهای
العلیا و الکبریاء و الآلاء اسألک ان تصلی علی محمد و آل محمد
بلند و بزرگی و نعمتها میخواهم از تو اگر درود دهی بر محمد و خاندان محمد
و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء و روحی مع الشهداء
و اگر بگردانی نام مرا در این شب در نیکبختان و جان مرا با شهیدان
و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة و ان تهب لی یقینا
و نیکوئی کردن مرا در بالاترین بهشت و بدی مرا بیامرزی و اگر ببخشی مرا بی گمانی
تباشر به قلبی و ایمانا یذهب الشک عنی و ترضینی بما قسمت لی
که برسید بآن دل امن و گرویدنی که ببرد شک را از من و خشنود سازی مرا باینچه بخش کرده از برای
و آتنی فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار الحریق
و بده مرا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگهدار ما را از عذاب آتش سوزان
و ارزقنی فیها ذکرک و شکرک و الرغبة الیک و الانابة و التوبة
و روزی ده مرا در این شب یاد کردنت و سپاس داری کردنت و خواهش کردن بسوی تو و بازگشتن را و توبه را
و التوفیق لما وفقت له محمدا و آل محمد صلی الله علیه و علیهم اجمعین
و توفیق داده باینچه توفیق داده محمد را و آل محمد را درود دهاد خدا بر او و بر ایشان همگی

فصل هشتم در بیان نمازهای شبها و دعای روزها است که مشهور است و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبر نیست شب اول چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید شب دویم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه شب سیم ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید شب چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا انزلناه شب پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد شب ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تبارک الذی بیده الملک شب هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه شب هشتم دو رکعت در هر رکعت

حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله شب نهم شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد شب دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید شب یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا اعطیناک الکوثر شب دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلناه شب سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید شب چهاردهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت شب پانزدهم چهار رکعت در دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید شب شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر شب هفدهم دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دویم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله شب هجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر شب نوزدهم پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یکمرتبه بخواند زیرا که مشکلست در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت خواندن شب بیستم و شب بیست و یکم و شب بیست و دویم و شب بیست و سیم و شب بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسر شود شب بیست و پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید شب بیست و ششم هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید شب بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک الذی بیده الملک و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید شب بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز

صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد شب بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت
حمد و بیست مرتبه توحید شب سی ام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و
بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل
محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام و اما دعاهای
روزها از ابن عباس روایت کرده شده که حضرت رسول صلی الله علیه و اله
فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرمود
و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار برای آن
آنحضرت ذکر کرده و ما باصل دعاها اکتفا مینمائیم روز اول اللهم اجعل
بارخدایا بگردان

صِيامي فيهِ صِيامَ الصّائِمينَ وَقِيامي فيهِ قِيامَ القائِمينَ وَ
روزه داشتن مرا در آن روزه داشتن روزه داران و نماز گزاردن مرا در آن نماز گزاردن نماز گزاران و

نَبِّهْني فيهِ عَنْ نَوْمَةِ الغافِلينَ وَهَبْ لي جُرْمي فيهِ يا إلهَ العالَمينَ
بیدار کن مرا در آن از خفتن غافلان و ببخش از برای من گناه مرا در آن ای خدای جهانیان

وَاعْفُ عَنّي يا عافِياً عَنِ المُجْرِمينَ روز دوم اللّهُمَّ قَرِّبْني فيهِ إلى مَرْضاتِكَ
و درگذر از من ای درگذرنده از گناهکاران بارخدایا نزدیک گردان مرا در آن بسوی خشنودی

وَجَنِّبْني فيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنَقِماتِكَ وَوَفِّقْني فيهِ لِقِراءَةِ آياتِكَ
و دور کن مرا در آن از ناخوشنودی خود و خشمهای خود و توفیق ده مرا در آن برای خواندن آیتهای

بِرَحْمَتِكَ يا أرْحَمَ الرّاحِمينَ روز سیم اللّهُمَّ ارْزُقْني فيهِ الذِّهْنَ وَالتَّنْبيهَ
بخشایش خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان بارخدایا روزی کن مرا در آن زیرکی و آگاهی

وَباعِدْني فيهِ مِنَ السَّفاهَةِ وَالتَّمْويهِ وَاجْعَلْ لي نَصيباً مِنْ كُلِّ
و دور گردان مرا در آن از بیخردی و مکر و بگردان از برای من بهره از هر

خَيْرٍ تُنَزِّلُ فيهِ بِجودِكَ يا أجْوَدَ الأجْوَدينَ روز چهارم اللّهُمَّ قَوِّني
نیکوئی فرود می آید در آن ببخشش خود ای بخشاینده بخشایندگان بارخدایا نیرو ده مرا

فيهِ عَلى إقامَةِ أمْرِكَ وَأذِقْني فيهِ حَلاوَةَ ذِكْرِكَ وَأوْزِعْني فيهِ
در آن بر بپا داشتن فرمانت و بچشان مرا در آن شیرینی یاد کردنت و در دل انداز مرا در آن

لأداءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَاحْفَظْني فيهِ بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ يا أبْصَرَ
از برای گذاردن شکرت بکرمت و نگهدار مرا بنگهداشتنت و بپوشیدنت ای بیناترین

کآیاتک
وابعدنی
وازرعنی

النّاظِرينَ روز پنجم اللّهُمَّ اجْعَلْني فيهِ مِنَ المُسْتَغْفِرينَ وَاجْعَلْني فيهِ مِنْ
نگرندگان بارخدایا بگردان مرا در آن از آمرزش خواهندگان و بگردان مرا در آن از

عِبادِكَ الصّالِحينَ القانِتينَ وَاجْعَلْني مِنْ أوْلِيائِكَ المُقَرَّبينَ
از بندگان شایستگان فرمان برداران و بگردان مرا از دوستان نزدیکان

بِرَأفَتِكَ يا أرْحَمَ الرّاحِمينَ روز ششم اللّهُمَّ لا تَخْذُلْني فيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ
ای بخشاینده ترین بخشایندگان بارخدایا فرو مگذار مرا در آن از برای فرا پیش آمدن نافرمانی

وَلا تَضْرِبْني بِسِياطِ نَقِمَتِكَ وَزَحْزِحْني فيهِ مِنْ موجِباتِ سَخَطِكَ
و مزن مرا بتازیانهای خشمت و دور کن مرا در آن از واجب کنندهای ناخوشنودی

بِمَنِّكَ وَأيادِيكَ يا مُنْتَهى رَغْبَةِ الرّاغِبينَ روز هفتم اللّهُمَّ أعِنّي
بمنت و نیکوئیهایت ای نهایت رغبت رغبت کنندگان بارخدایا یاری کن مرا

عَلى صِيامِهِ وَقِيامِهِ وَجَنِّبْني فيهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَآثامِهِ وَارْزُقْني فيهِ
بر روزه داشتنش و نماز گزاردنش و دور کن مرا در آن از خطاهای و گناهانش و روزی کن مرا

ذِكْرَكَ بِدَوامِهِ بِتَوْفيقِكَ يا هادِيَ المُضِلّينَ روز هشتم اللّهُمَّ ارْزُقْني
یاد کردنت همیشه بتوفیق دادنت ای راه نمای گمراهان بارخدایا روزی کن مرا

فيهِ رَحْمَةَ الأيْتامِ وَإطْعامَ الطَّعامِ وَإفْشاءَ السَّلامِ وَصُحْبَةَ
در آن بخشودن یتیمان و خورانیدن خوراکی و آشکار کردن درود و همراهی

الكِرامِ بِطَوْلِكَ يا مَلْجَأ الآمِلينَ روز نهم اللّهُمَّ اجْعَلْ لي فيهِ
بزرگواران به بخشش ای پناه امیدواران بارخدایا بگردان مرا در آن

نَصيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الواسِعَةِ وَاهْدِني فيهِ لِبَراهينِكَ السّاطِعَةِ
بهره از بخشایش فراخ و راه نما مرا در آن از برای برهانهای بالا رونده

وَخُذْ بِناصِيَتي إلى مَرْضاتِكَ الجامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يا أمَلَ المُشْتاقينَ
و بگیر موی پیشانی من بسوی خشنودی فراهم آورنده دوستیت ای امید آرزومندان

روز دهم اللّهُمَّ اجْعَلْني فيهِ مِنَ المُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْني فيهِ مِنَ
بارخدایا بگردان مرا در آن از کار بازگذارندگان بسوی تو و بگردان مرا در آن از

الفائِزينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْني فيهِ مِنَ المُقَرَّبينَ إلَيْكَ بِإحْسانِكَ
فیروزی یافتگان نزد تو و بگردان مرا در آن از نزدیکان بسوی تو به نیکو کردنت

يا غايَةَ الطّالِبينَ روز یازدهم اللّهُمَّ حَبِّبْ إلَيَّ فيهِ الإحْسانَ وَكَرِّهْ
ای پایان کار جویندگان بارخدایا دوست گردان از برای من در آن نیکوئی و ناخوش گردان

المتقین
بپرهیزکاران
یا اکرم الاکرمین
واجنبنی
ومجانبة اللئام
و دوری کردن
القادرین الیک

الى فيه الفسوق والعصيان وحرم علي فيه السخط والنيران
بعونك يا غياث المستغيثين دوازدهم اللهم زيني فيه بالستر و
العفاف واسترني فيه بلباس القنوع والكفاف واحملني فيه
على العدل والانصاف وآمني فيه من كل ما اخاف بعصمتك
يا عصمة الخائفين سيزدهم اللهم طهرني فيه من الدنس والاقذار
وصبرني فيه على كائنات الاقدار ووفقني فيه للتقى وصحبة
الابرار بعونك يا قرة عين المساكين چهاردهم اللهم لا تؤاخذني
فيه بالعثرات واقلني فيه من الخطايا والهفوات ولا تجعلني
فيه غرضا للبلايا والآفات بعزتك يا عز المسلمين پانزدهم اللهم
ارزقني فيه طاعة الخاشعين واشرح فيه صدري بانابة المخبتين
بامانك يا امان الخائفين شانزدهم اللهم وفقني فيه لموافقة
الابرار وجنبني فيه مرافقة الاشرار وآوني فيه برحمتك الى
دار القرار بالهيتك يا اله العالمين هفدهم اللهم اهدني فيه
لصالح الاعمال واقض لي فيه الحوائج والآمال يا من لا يحتاج

زيني فيه بالستر

بعونك

بامانك

صل على محمد وآله الطاهرين

الى التفسير والسؤال يا عالما بما في صدور العالمين هجدهم اللهم
نبهني فيه لبركات اسحاره ونور فيه قلبي بضياء انواره وخذ بكل
اعضائي الى اتباع آثاره بنورك يا منور قلوب العارفين نوزدهم اللهم وفر
حظي من بركاته وسهل سبيلي الى خيراته ولا تحرمني قبول حسناته
يا هاديا الى الحق المبين بيستم اللهم افتح لي فيه ابواب الجنان و
اغلق عني فيه ابواب النيران ووفقني فيه لتلاوة القرآن يا
منزل السكينة في قلوب المؤمنين بيست و يكم اللهم اجعل لي
فيه الى مرضاتك دليلا ولا تجعل للشيطان فيه علي سبيلا
واجعل الجنة لي منزلا ومقيلا يا قاضي حوائج الطالبين بيست و دوم
اللهم افتح لي فيه ابواب فضلك وانزل علي فيه بركاتك ووفقني
فيه لموجبات مرضاتك واسكني فيه بحبوحات جناتك يا
مجيب دعوة المضطرين بيست و سيم اللهم اغسلني فيه من الذنوب
وطهرني فيه من العيوب وامتحن قلبي فيه بتقوى القلوب يا مقيل
عثرات المذنبين بيست و چهارم اللهم اني اسالك فيه ما يرضيك

بحبوحة جناتك

وَاَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤذِيكَ وَاَسْئَلُكَ التَّوفِيقَ فِيهِ لِاَنْ اُطِيعَكَ وَلا
ونپناه میبرم بتو از آنچه رنجاند ترا و میخواهم از تو توفیق را درآن تا که فرمان برم تورا و نا
اَعصِيَكَ يا جَوادَ السّائِلِينَ بيست و پنجم اَللّهُمَّ اجعَلنِي فِيهِ مُحِبّاً لِاَولِيائِكَ
فرمانی نکنم ترا ای بخشنده خواهندگان بارخدایا بگردان مرا درآن دوستدار دوستانت
وَمُعادِياً لِاَعدائِكَ مُستَنّاً بِسُنَّةِ خاتَمِ اَنبِيائِكَ يا عاصِمَ قُلُوبِ
ودشمن از برای دشمنانت گیرنده روش انجام پیغمبرانت ای نگاهدارنده دلهای
النَّبِيِّينَ بيست و ششم اَللّهُمَّ اجعَل سَعيِي فِيهِ مَشكُوراً وَذَنبِي فِيهِ مَغفُوراً
پیغمبرانت بارخدایا بگردان شتافتن مرا درآن مزد داده شده وگناه مرا درآن آمرزیده
وَعَمَلِي فِيهِ مَقبُولاً وَعَيبِي فِيهِ مَستُوراً يا اَسمَعَ السّامِعِينَ بيست و هفتم
وکار مرا درآن پذیرفته شده و پوشیده مرا درآن پوشیده ای شنواتر شنوندگان
اَللّهُمَّ ارزُقنِي فِيهِ فَضلَ لَيلَةِ القَدرِ وَصَيِّر اُمُورِي فِيهِ مِنَ العُسرِ
بارخدایا روزی کن مرا درآن افزونی شب قدر را و بگردان کارهای مرا درآن از دشواری
اِلَى اليُسرِ وَاقبَل مَعاذِيرِي وَحُطَّ عَنِّي الوِزرَ يا رَؤُفاً بِعِبادِهِ الصّالِحِينَ
بسوی آسانی و در پذیر بوزشهای مرا و فروریز از من بار گران گناه را ای مهربان بر بندگان شایسته
بيست و هشتم اَللّهُمَّ وَفِّر حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوافِلِ وَاَكرِمنِي فِيهِ بِاِحضارِ
بارخدایا تمام کن مرا درآن از افزونیها و گرامی دار مرا درآن به بیدار کردن
المَسائِلِ وَقَرِّب فِيهِ وَسِيلَتِي اِلَيكَ مِن بَينِ الوَسائِلِ يا مَن لا يَشغَلُهُ
خواستنها و نزدیک گردان مرا درآن دستاویز مرا بسوی تو از میان دستاویزها ای کسی که باز ندارد
اِلحاحُ المُلِحِّينَ بيست و نهم اَللّهُمَّ غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحمَةِ وَارزُقنِي فِيهِ
کوشیدن کوشندگان بارخدایا بپوشان مرا درآن ببخشایش و روزی کن مرا درآن
التَّوفِيقَ وَالعِصمَةَ وَطَهِّر قَلبِي مِن غَياهِبِ التُّهمَةِ يا رَحِيماً بِعِبادِهِ
توفیق و نگاهداشتن را و پاک کن دل مرا از تاریکیهای دروغ ای مهربان بر بندگان
المُؤمِنِينَ سی ام اَللّهُمَّ اجعَل صِيامِي فِيهِ بِالشُّكرِ وَالقَبُولِ
گرویدگان بارخدایا بگردان روزه داشتن مرا درآن بسپاس گردن و پذیرفتن
عَلى ما تَرضاهُ وَيَرضاهُ الرَّسُولُ مُحكَمَةً فُرُوعُهُ بِالاُصُولِ بِحَقِّ
بر آنچه خشنود شوی و خشنود شود فرستاده استوار فرعهای آن با اصلهایش بحق داری
سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمِينَ مؤلف گوید
سرورما محمد و خاندان پاکان و ستایش مرخدایرا است پروردگار جهانیان که در تقدیم

اعمال ماه شوال

وتاخیر دعاها و عبارات هر یک درکتب دعوات مختلف ذکر کرده اند و چون
روایتش را معتبر ندیدم متعرض ذکر آنها نشدم ودعای روز بیست وهفتم را
کفعمی در بیست ونهم ذکر کرده است وموافق مذهب شیعه در روز بیست
وسیم خواندن روز بیست که انسب باشد والله یعلم باب چهارم در اعمال
لیالی و ایام متبرکه ماه شوال وماه ذی القعده است از جمله ایام متبرکه ماه
شوال روز عید فطر است وشبش از جمله لیالی شریفه است و در فضیلت
وثواب عبادت واحیاء آن احادیث بسیار است وازحضرت رسول صلی الله
علیه واله منقولست که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی
که دلها از ترس بمیرد وازحضرت امام محمد باقر مرویست که گفت پدرم علی بن
الحسین شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح ودر تمام آن شب در مسجد میماند
ومیگفت ای فرزند این شب کمتر از شب قدر نیست وغسل در این شب سنت است
وشخصی بخدمت حضرت صادق عرض کرد که مردم میگویند که آمرزش نازل
میشود برکسی که روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود که کارگر
مزدش را میدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن در شب عید است راوی
گفت چه کار سزاوار است کرد در آن شب بکنیم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل
بکن و چون فریضه مغرب و نافله آن را بجا آوری دستها بسوی آسمان بلند کن و بگو
يا ذَا المَنِّ وَالطَّولِ يا ذَا الجُودِ يا مُصطَفى مُحَمَّدٍ وَناصِرَهُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
ای صاحب نعمت و توانگری ای صاحب بخشش ای برگزیننده محمد و یاوری دهنده او بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَاغفِر لِي كُلَّ ذَنبٍ اَحصَيتَهُ وَهُوَ عِندَكَ فِي كِتابٍ مُبِينٍ
محمد و بیامرز از برای من هر گناهی که شمرده آنرا و حال آنکه او نزد تو در نامه ایست آشکار
پس بسجود برو وصد مرتبه در سجده بگو اَتُوبُ اِلَى اللّهِ پس هر حاجت که
داری از حق تعالی طلب کن که انشاء الله تعالی بر آورده است و لسند معتبر

منقولست که حضرت امیر المؤمنین درشب عید فطر دو رکعت نماز میکردند
و در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و در رکعت
دویم یکمرتبه میخواندند پس برکوع وسجود میرفتند و بعد از سلام بسجده
میرفتند وصد اتوب الی الله پس میگفتند یا ذا المن والجود یا ذا المن
مرتبه میگفتند — ای خداوند بخشش ای خداوند بخشش
والطول یا مصطفی محمد صلی الله علیه واله پس حاجات خود را از
و توانگری ای برگزیده محمد درود ها از خدا بر او و خاندان او — خدا میطلبیدند پس
سر از سجود بر میداشتند و میفرمودند بحق خداوندی که جانم بدست قدرت
اوست که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از حق تعالی بطلبد البته او را
عطا کند و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد و بعد
از نماز سنتست که یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا ملک یا الله
این دعا بخوانند — ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشنده ای خدا ای پادشاه ای خدا
یا قدوس یا الله یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا
ای پاکیزه ای خدا ای با سلامت ای خدا ای گرونده ای خدا ای نگهبان ای خدا ای
عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله یا خالق یا الله یا باری
ارجمند ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای بزرگ ای خدا ای آفریدگار ای خدا ای پدید آرنده
یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله یا کریم یا الله
ای خدا ای صورت بخش ای خدا ای دانا ای خدا ای بزرگ ای خدا ای نوازش کننده ای خدا
یا حلیم یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله یا قریب
ای بردبار ای خدا ای استاد ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا ای نزدیک
یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد یا الله یا ولی یا الله
ای خدا ای جواب دهنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یگانه ای خدا ای دوست ای خدا
یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا شدید
ای وفادار ای خدا ای خواجه ای خدا ای فرمان دهنده ای خدا ای شتابنده ای خدا ای سخت گیر
یا الله یا رؤف یا الله یا رقیب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله
ای خدا ای مهربان ای خدا ای نگهبان ای خدا ای جواب دهنده ای خدا ای بخشنده ای خدا

یا عظیم یا الله
ای بزرگ ای خدا

یا ماجد یا الله یا علی یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا الله یا سید السادات
ای بزرگوار ای خدا ای بلند پایه ای خدا ای نگهدارنده ای خدا ای سرور سروران
یا الله یا اول یا الله یا آخر یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا فاخر
ای خدا ای نخست ای خدا ای انجام ای خدا ای آشکار ای خدا ای نهان ای خدا ای خوب
یا الله یا قاهر یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه
ای خدا ای فرو شکننده ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار
یا الله یا رباه یا الله یا ودود یا الله یا نور یا الله یا دافع یا الله یا مانع
ای خدا ای پروردگار ای خدا ای دوست دارنده ای خدا ای روشنی ای خدا ای دفع کننده ای خدا باز دارنده
یا الله یا فاتح یا الله یا نفاع یا الله یا جلیل یا الله یا جمیل یا الله
ای خدا ای گشاینده ای خدا ای نیک سود دهنده ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای خوب ای خدا
یا شهید یا الله یا شاهد یا الله یا حبیب یا الله یا فاطر یا الله یا
ای نیک بینا ای خدا ای بینا ای خدا ای دوست ای خدا ای آفریننده ای خدا ای
مطهر یا الله یا مالک یا الله یا مقتدر یا الله یا قابض یا الله یا باسط
پاکیزه ای خدا ای مالک ای خدا ای توانا ای خدا ای فرا گیرنده ای خدا ای گستراننده
یا الله یا محیی یا الله یا ممیت یا الله یا مجیب یا الله یا باعث یا الله
ای خدا ای زنده کننده ای خدا ای میراننده ای خدا ای پاسخ دهنده ای خدا ای برانگیزاننده ای خدا
یا معطی یا الله یا مفضل یا الله یا منعم یا الله یا حق یا الله یا مبین
ای دهنده ای خدا ای افزون کننده ای خدا ای نعمت دهنده ای خدا ای راست ای خدا ای آشکار
یا الله یا طیب یا الله یا محسن یا الله یا مبدی یا الله یا معید یا الله
ای خدا ای درمان کننده ای خدا ای نیکوکار ای خدا ای آغاز کننده ای خدا ای باز گرداننده ای خدا
یا بادی یا الله یا بدیع یا الله یا هادی یا الله یا کافی یا الله یا شافی
ای پدید آرنده ای خدا ای نو کننده ای خدا ای راهنما ای خدا ای کار گذار ای خدا ای شفا دهنده
یا الله یا علی یا الله یا حنان یا الله یا منان یا الله یا ذا الطول یا
ای خدا ای بلند پایه ای خدا ای نیک مهربان ای خدا ای بسیار بخشنده ای خدا ای خداوند بخشش ای
الله یا متعالی یا الله یا عدل یا الله یا ذا المعارج یا الله یا صادق
خدا ای بلند پایه ای خدا ای دادرس ای خدا ای خداوند پله ها ای خدا ای راستگو
یا الله یا دیان یا الله یا باقی یا الله یا ذا الجلال یا الله یا ذا الاکرام
ای خدا ای جزا دهنده ای خدا ای پاینده ای خدا ای خداوند بزرگوار ای خدا ای خداوند بخشش ای خدا

یا اللهُ یا معبودُ یا اللهُ یا محمودُ یا اللهُ یا صانعُ یا اللهُ یا معینُ یا اللهُ
ای خدا ای پرستیده ای خدا ای ستوده ای خدا ای سازنده ای خدا ای یاری دهنده ای خدا
یا مکوّنُ یا اللهُ یا فعّالُ یا اللهُ یا لطیفُ یا اللهُ یا جلیلُ یا اللهُ یا غفورُ
ای بود کننده ای خدا ای کننده ای خدا ای نیک کننده ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای آمرزنده
یا اللهُ یا شکورُ یا اللهُ یا نورُ یا اللهُ یا حنّانُ یا اللهُ یا قدیمُ یا اللهُ
ای خدا ای پاداش دهنده ای خدا ای روشنی ای خدا ای بسیار مهربان ای خدا ای توانا ای خدا
یا ربّاهُ یا اللهُ یا ربّاهُ یا اللهُ یا ربّاهُ یا اللهُ یا ربّاهُ یا اللهُ
ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا
یا ربّاهُ یا اللهُ یا ربّاهُ یا اللهُ اسئلک ان تصلّی علی محمّدٍ وآل محمّدٍ و
ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا میخواهم از تو اگر درود دهی بر محمد و خاندان محمد و
تمنّ علیّ برضاک وتعفو عنّی بحلمک وتوسّع علیّ من رزقک
بر داشتی بر من بخشنودیت و در گذری از من به بردباریت و فراخ کنی بر من از روزی
الحلال الطیّب من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب فانّی عبدک
روای پاکیزه از جائی که گمان میبرم و از جائی که گمان نمیبرم پس بدرستیکه من بنده
لیس لی احدٌ سواک ولا احدٌ اسئله غیرک یا ارحم الرّاحمین
نیست مرا کسی جز تو و نه کسی که میخواهم از او جز تو ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان
ماشاء الله لا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم پس بسجده میروی یا اللهُ یا اللهُ
آنچه خواست خدا شد نیروئی نیست مگر بخدای بلند بزرگوار و میگوئی ای خدا ای خدا
یا ربُّ یا اللهُ یا ربُّ یا اللهُ یا ربُّ یا اللهُ یا منزل البرکات بک
ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای فرو فرستنده برکتها به تو
تنزّل کلّ حاجةٍ اسئلک بکلّ اسمٍ فی مخزون الغیب عندک والاسماء
فرود آورده شده هر حاجتی میخواهم از تو بهر نامی که در نگاه داشته شده نهان نزد تو و نامهای
المشهورات عندک المکتوبة علی سرادق عرشک ان تصلّی علی محمّدٍ
آشکار کرده شده نزد تو نوشته شده بر سراپرده‌های عرش اگر درود دهی بر محمد
وآل محمّدٍ وان تقبّل منّی شهر رمضان وتکتبنی من الوافدین الی بیتک
و آل محمد و اگر بپذیری از من ماه رمضان و بنویسی مرا در وارد شوندگان بسوی خانه
الحرام وتصفح لی عن الذّنوب العظام وتستخرج یا ربّ کنوزک یا رحمن
با شکوهت و در گذری از من از گناهان بزرگ و بیرون کردن خواهی پروردگار گنجها ای بخشنده

یا الله
ای خدا

و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه قل هو الله صد مرتبه نیز وارد شده است و ایضا
سنّت مؤکّد است که بعد از نماز شام و خفتن و صبح شب عید و نماز عید این
تکبیرها را اللهُ اکبر اللهُ اکبر لا اله الّا اللهُ واللهُ اکبر ولله الحمد
بخواند خدا بزرگست خدا بزرگست نیست خدائی بجز الله و خدا بزرگترست و مر خدا راست ستایش
الله اکبر علی ما هدانا و امّا اعمال روز عید پس زکوة فطره واجب
خدا بزرگوارتر است بر آنچه راه نموده مارا مؤکّدات و ترکش با تحقق شرایط وجوب گناه
کبیره است و شرط قبول روزه ماه مبارک چنانچه از حضرت صادق منقولست
که از تمامی روزه دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمّد و آل محمّد
ترک کند در تشهّد نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش از نماز ذکر کرده
در آنجا که فرموده است قد افلح من تزکّی وذکر اسم ربّه فصلّی یعنی بتحقیق
که رستگاری یافت هر که زکوة فطره را داد و پروردگار خود را یاد کرد بان تکبیرات
که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد چنانکه زکوة مال باعث پاکیزگی مال
میشود و مال از تلف محفوظ میماند چنانکه منقولست که هیچ مال در دریا و صحرا
تلف نمیشود مگر بر ندادن زکوة همچنین فطره زکوة بدنست و بدن را پاکیزه
میکرداند از بخل و سایر کثافات معنویه و او را تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند
چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق با معتب وکیل خرج خود فرمود
که برو و فطره جمیع عیال ما و غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را ترک مکن
که زکوة او را ندهی که اگر یکی را ترک کنی میترسم که در عرض سال بمیرد و بدانکه زکوة
فطره بمال نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمیشود و اگر نابالغ و دیوانه عیال
دیگری باشند بر او واجبست که فطره ایشان را بدهد و زکوة بنده را آقا بدهد
بنابر مشهور مگر آنکه در آن شب عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست که در
وجوب فطره توانگری شرطست و آن موافق مشهور آنست که قوت سالیانه

الله اکبر
خدا بزرگترست

خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او و عیال
او کند و بعضی گفته اند که اگر در شب عید زاید بر قوت خود و عیال خود بقدر
فطره داشته باشد بر او واجبست و اظهر آنست که بر او سنتست و اگر فقیر یکسر
فطره را با عیال خود دست بدست بگرداند و بعد از آن بفقیر دیگر بدهند همه
ثواب فطره را می یابند و باید که غنی اخراج فطره کند از خود و از هر کس که واجب
النفقه او باشد بشرط آنکه عیال دیگری نباشد و در شب فطر اگر عیال دیگری
شده باشد بر او واجبست و همچنین باید بدهد از هر کس که در خانه او باشد
از مهمان و غیر آن که آخر روز آخر ماه رمضان پیش از شام در آن خانه باشد و
افطار کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار کند یا نکند واجب نیست بر
صاحب خانه و اگر پیش از شام داخل شود و افطار از مال او نکند احوط آنست
که هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد قربة الی الله
و اگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه و کسوة او را دهد و در خانه دیگری باشد
زکوة او بر معطی نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از شام از جهة همسایه
طعامی بفرستد یا فقیر را چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان او باشد
و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرده بخانه او آید
یا چیزی نخورده باشد و بعد از شام بیاید زکوة بر او واجب نیست و احوط
آنست که در صورت تاخیر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی باشد خود
نیز بدهد بهتر است و وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور شام شب عید است
تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط آنست که در شب
جدا کند و پیش از نماز عید بدهد و اگر بصبح جدا کند نیز خوبست و اگر
پیش از نماز جدا کند و بعد از نماز در آن روز یا دو روز دیگر بنابر حاضر نبودن

مستحق

مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قصوری ندارد و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید
احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر از روز عید بگذرد بقصد
قربة بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که این را میدهم که اگر
قضای فطره بر من واجب باشد فطره باشد و الا تصدق باشد و پدر و مادر
و جد و جده و فرزندان و فرزندزادگان هر گاه فقیر باشند نفقه ایشان بر او
واجبست پس اگر نفقه او را خورند فطره بر اوست و اگر عیال شخص دیگر باشد
بر او شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نیز نباشد اشهر و احوط آنست که او
فطره ایشان را بدهد **و اما** جنس فطره مشهور آنست که هر چه قوت غالب و با
میتوانند داد و احوط آنست که جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشک بدهد و بهتر
آنست که خرما بدهد و بعد از آن مویز است و بعد از آن هر چه قوت غالب باشد
چنانچه مردم شهر چون غالب قوت ایشان نان گندم است بهتر آنست که گندم
بدهند و مردم دهات که غالب نان جو میخورند جو بدهند و در حدیث است که
اگر یکصاع خرما در فطره بدهم دوستر میدارم از آنکه یکصاع طلا بدهم **و اما**
مقدار فطره از هر شخصی یکصاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهرا
یکمن تبریز و چهارده مثقال و ربع مثقال است و احوط آنست که یکمن و نیم تبریز
بدهند و نهایت احتیاط آنست که یکمن شاه بدهند و باید بکسی بدهند که مو
سالیانه خود و عیال خود را نداشته باشد و سایل بکف نباشد و احوط آنست
که متظاهر بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت امام
بمجتهد جامع الشرایط عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون مصارف را
او بهتر میداند و بعضی از علما این را واجب دانسته اند و احوط آنست که فقیری را
کمتر از یکصاع ندهند و بیک کس چند سر میتوان داد و فطره را بواجب النفقه

بمیتوان داد و بجویشان غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از ان بهمسایگان
بر ایشان و بعد از آن بکسانی که فاضلتر و صالحتر و بر ایشان نباشد و فطرهٔ غیر
سید را بسید نمیتوان داد و فطرهٔ سید را بسید و غیر سید هر دو میتوان داد
و سنت است که در روز عید پیش از نماز عید در اول روز افطار کنند و سنت است
که بچیزی ما افطار کنند و غسل روز عید سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند
و از حضرت صادق ع منقولست که غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر آسمان مکن
و پیش از غسل اَللّٰهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَتَصْدِيْقًا بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ بگو
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پس بسم الله بگو و غسل بکن و چون اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
از غسل فارغ شوی بگو
كَفَّارَةً لِذُنُوْبِيْ وَطَهِّرْ دِيْنِيْ اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الدَّنَسَ و زیارت حضرت
امام حسین ع

بدنی

در روز عید نیز سنت مؤکد است و ثواب بسیار در ان وارد شده است و
نماز عید در زمان حضور امام علیه السلم واجب است و در زمان غیبت
امام ع اکثر علما سنت میدانند و بجماعت کردن را سنت میدانند و میگویند
تنها نیز میتوان کرد و بگمان فقیر واجبست که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل
حاضر شوند و اگر نتوانند حاضر شد تنها کردن سنت است و نماز عید دو رکعت است
و در رکعت اول بعد از قرآءت پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت
میخوانند و در رکعت دوم بعد از قرآءت چهار تکبیر میگوید و چهار قنوت میخوانند
و قنوت مخصوصی دارد و اگر کسی آن را نداند آنچه در قنوت نمازهای دیگر میخواند بخواند
و هرگاه بجماعت بکنند پیشنماز دو خطبه بعد از نماز میخواند و قنوت مخصوص نماز
عید اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُوْدِ وَالْجَبَرُوْتِ
بار خدایا ای سزاوار پادشاهی و بزرگواری

وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوٰى وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا
الْيَوْمِ الَّذِيْ جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِيْنَ عِيْدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
ذُخْرًا وَمَزِيْدًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَنِيْ فِيْ كُلِّ خَيْرٍ

وَشَرَفًا وَكَرَامَةً

اَدْخَلْتَ فِيْهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنِيْ مِنْ كُلِّ سُوْءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ
مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ خَيْرَ
مَا سَئَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُوْنَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ
الصَّالِحُوْنَ و بعد از نماز عید دعای بسیاری وارد شده است و بهترین

الْمُخْلِصُوْنَ

دعاها دعای صحیفهٔ کامله است و بسند صحیح از حضرت امام محمد
باقر ع منقولست که در روز جمعه و عید فطر و عید قربان در هنگامی که مهیای
رفتن بسوی نماز جمعه و عید اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّاَ فِيْ هٰذَا الْيَوْمِ اَوْ تَعَبَّاَ اَوْ
مهیا شوی این دعا بخوان
بار خدایا کسی که ساخته شد در این روز یا ساخته شد یا
اَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلٰى مَخْلُوْقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ
آماده گردید و ساخته شد از برای وارد شدن بسوی آفریده بامید بخشش او و عطاهای او و فزونیهای او
وَعَطَايَاهُ فَاِنَّ اِلَيْكَ يَا سَيِّدِيْ تَهْيِئَتِيْ وَتَعْبِئَتِيْ وَاِعْدَادِيْ وَاسْتِعْدَادِيْ
و بخششهای او پس بدرستیکه بسوی تست ای سید من ساخته شدن من و آماده کردن من و ساخته شدن من
رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ وَفَضَائِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ وَعَطَائِكَ
بامید بخشش تو و دهشهای تو و بخششهای تو و فزونیهای تو و عطاهای تو
وَقَدْ غَدَوْتُ اِلٰى عِيْدٍ مِنْ اَعْيَادِ اُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
و بتحقیق که بامداد کردم بسوی جشنی از جشنهای امت پیغمبر تو محمد درودهای خدا بر او
وَآلِهِ وَلَمْ اَفِدْ اِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ اَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ
و بر آل او و نیامدم بسوی تو امروز بکردار شایسته که اعتماد کنم بآن که پیش فرستاده باشم آنرا

بمخلوق امانته ولكن اتيتك خاضعا مقرا بذنوبي واسائتي الى نفسي
بازیرا که امید داشتم ... ولیکن آمدم ... فروتن اقرار کننده بگناهانم و بدکرداریم بخودم
فيا عظيم يا عظيم اغفر لي العظيم من ذنوبي فانه لا يغفر الذنوب
پس ای بزرگ ای بزرگ بیامرز برای من گناه بزرگ از گناهان مرا پس بدرستیکه نمی‌آمرزد گناهان
العظام الا انت يا لا اله الا انت يا ارحم الراحمين ودر حديث معتبر
بزرگ را مگر تو ای نیست خدائی مگر تو ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان از حضرت صاحب
الامر منقولست که بعد از نماز صبح روز فطر این دعا بخوانند اللهم اني توجهت اليك بمحمد
بارخدایا بدرستی که روآوردم بسوی تو بمحمد
امامي وعلي من خلفي وعن يميني والائمة عن يساري استتر بهم من
پیش روی من و علی از پس سرمن و از راست من و پیشوایان از چپ من ... پوشیده شدم بایشان از
عذابك واتقرب اليك زلفى لا اجد احدا اقرب اليك منهم فهم
عذاب تو و نزدیکی میجویم بسوی تو ... نزدیکی ... نمی‌یابم یکی را نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشان
ائمتي فآمن بهم خوفي من عقابك وسخطك وادخلني برحمتك في
پیشوایان منند ... ترس مرا از عقاب تو و غضب تو و داخل کن مرا ببخشایش خود در
عبادك الصالحين اصبحت بالله مؤمنا مخلصا على دين محمد وسنته
بندگان شایستگان بامداد کردم بخدا گرونده ... بر کیش محمد و روش
وعلى دين علي وسنته وعلى دين الاوصياء وسنتهم آمنت بسرهم
و بر کیش علی و روش او و بر کیش جانشینان و روش ایشان گرویدم بنهان
وعلانيتهم وارغب الى الله فيما رغب فيه اليه محمد وعلي والائمة
و آشکار ایشان و رغبت میکنم بسوی خدا در آنچه رغبت کرده‌اند در آن بسوی او محمد و علی و جانشینان
ولا حول ولا قوة الا بالله ولا عزة ولا منعة ولا سلطان الا لله
... [illegible] ... مگر برای خدای
الواحد القهار العزيز الجبار توكلت على الله ومن يتوكل على الله
یگانه ... توکل کردم بر خدا و کسی که توکل کند بر خدا
فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اني اريدك فاردني واطلب
پس او بس است او را بدرستیکه خدا رساننده است کار خود را بارخدایا بدرستیکه من میخواهم ترا ... و میجویم از تو
ما عندك فيسره لي واقض لي حوائجي فانك قلت في كتابك وقولك
آنچه نزد تست ... پس آسان کن آن را برای من و بگذار برای من حاجتهای مرا ... پس بدرستیکه تو گفتی در نامه خود و سخن تو

الحق شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات
راست است ماه رمضان که فرو فرستاده شد در آن قرآن راهنمای مردمان و گواهها
من الهدى والفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فيه
از راهنمائی و جدا کردن ... پس بزرگ گردانیدی حرمت ماه رمضان را بآنچه فرو فرستادی در آن
من القرآن وخصصته وعظمته بتصييرك فيه ليلة القدر
از قرآن و مخصوص گردانیدی آن را و بزرگ کردی آن را ... در آن شب قدر
فقلت ليلة القدر خير من الف شهر تنزل الملئكة والروح
پس گفتی شب قدر بهتر از هزار ماه فرود میآیند فرشتگان و روح
فيها باذن ربهم من كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر اللهم وهذه
در آن بدستوری پروردگار ایشان از هر امری سلامتیست ... تا برآمدن صبح بارخدایا و این
ايام شهر رمضان قد انقضت ولياليه قد تصرمت وقد صرت
روزهای ماه رمضانست ... و شبهای آن ...
منه يا الهي الى ما انت اعلم به مني واحصى لعدده من عددي
از آن ای خدای من ... دانا تری بآن از من ...
فاسئلك يا الهي بما سالك به عبادك الصالحون ان تصلي على
پس میخواهم از تو ای خدای من ... بندگان شایستگان ... که درود فرستی بر
محمد واهل بيت محمد وان تتقبل مني ما تقربت به اليك وتتفضل
محمد و مردم خانه محمد ...
علي بتضعيف عملي وقبول تقربي وقرباتي واستجابة دعائي وهب
... و مستجاب کردن دعای من و ببخش
لي منك عتق رقبتي من النار ومن علي بالفوز بالجنة والامن يوم
...
الخوف من كل فزع ومن كل هول اعددته ليوم القيمة اعوذ بحرمة
ترس از هر بیمی و از هر ترسی ... پناه میبرم بشکوه
وجهك الكريم وحرمة نبيك وحرمة الصالحين ان ينصرم هذا
ذات ... و شکوه پیغمبر و شکوه شایستگان ... این
اليوم ولك قبلي تبعة تريد ان تؤاخذني بها او ذنب تريد ان
روز ... گناهی ...

وآل محمد

تقايسني به وتنفيني وتفضحني به او خطيئة تريد ان تقايسني
بها وتقتصها مني لم تغفرها لي واسئلك بحرمة وجهك الكريم
الفعال لما تريد الذي تقول لشيء كن فيكون لا اله الا هو اللهم
اني اسالك بلا اله الا انت ان كنت رضيت عني في هذا الشهر
ان تزيد فيما بقي من عمري رضا وان كنت لم ترض عني في هذا الشهر
فمن الان فارض عني الساعة الساعة الساعة واجعلني في هذه
الساعة وفي هذا المجلس من عتقائك من النار وطلقائك من جهنم
وسعداء خلقك بمغفرتك ورحمتك يا ارحم الراحمين اللهم
اني اسالك بحرمة وجهك الكريم ان تجعل شهري هذا خير شهر
رمضان عبدتك فيه وصمته لك وتقربت به اليك منذ اسكنتني
فيه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه مغفرة واكمله رضوانا واقربه
الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله اخر شهر رمضان صمته لك
وارزقني العود ثم العود حتى ترضى وبعد الرضا وحتى تخرجني من الدنيا فيه
سالما وانت عني راض وانا لك مرضي اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر

من

من الامر المحتوم الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك
الحرام في هذا العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور سعيهم
المغفور ذنوبهم المتقبل مناسكهم المعافين على اسفارهم
المقبلين على نسكهم المحفوظين في انفسهم واموالهم وذراريهم
وكل ما انعمت به عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا في شهري هذا
في يومي هذا في ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا لي مغفورا ذنبي
معافا من النار ومعتقا منها عتقا لا رق بعده ابدا ولا رهبة
يا رب الارباب اللهم اني اسئلك ان تجعل فيما شئت واردت
وقضيت وقدرت وحتمت وانفذت ان تطيل عمري وتنسئ
في اجلي وان تقوي ضعفي وان تغني فقري وان تجبر فاقتي و
ان ترحم مسكنتي وان تعز ذلي وان ترفع ضعتي وان تغني
عائلتي وان تؤنس وحشتي وان تكثر قلتي وان تدر رزقي في
عافية ويسر وخفض وان تكفيني ما اهمني من امر دنياي واخرتي
ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني وان

تعافینی فی دینی وبدنی وجسدی وروحی وولدی واهلی واهل
و آگاه داری مرا در کیشم و تنم و جسدم و جانم و فرزندانم و زنم و دوستانم
مودتی واخوانی وجیرانی من المؤمنین والمؤمنات والمسلمین
و برادرانم و همسایگانم از مردان گرویدگان و زنان گرویدگان و مردان گردن نهادگان
والمسلمات الاحیاء منهم والاموات وان تمن علی بالامن والایمان
و زنان گردن نهادگان زندگان از ایشان و مردگان و اینکه منت نهی بر من با ایمنی و ایمان
ما ابقیتنی فانک ولیی ومولای وثقتی ورجائی ومعدن مسئلتی
تا باقی داری مرا پس بدرستیکه تویی دوست من و خواجه من و استواری من و امید من و کان خواستن من
وموضع شکوای ومنتهی رغبتی فلا تخیبنی فی رجائی یا سیدی
و جای گله من و پایان خواهش من پس بی بهره مکن مرا در امیدم ای مهتر من
ومولای ولا تبطل طمعی ورجائی فقد توجهت الیک بمحمد وآل
و خواجه من و بیهوده مساز طمع مرا و امید مرا پس بتحقیق رو آوردم بسوی تو بمحمد و خاندان
محمد وقدمتهم الیک امامی وامام حاجتی وطلبتی وتضرعی و
محمد و پیش داشتم ایشانرا بسوی تو پیشوای من و پیشوای حاجت من و خواسته من و زاری من و
مسئلتی فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا والآخرة ومن المقربین فانک
درخواست من پس بگردان مرا بایشان آبرومند در دنیا و آخرت و از جمله نزدیکان پس بدرستیکه
مننت علی بهم فاختم لی بالسعادة والسلامة والامن والایمان و
منت نهادی بر من بایشان پس انجام ده برای من به نیکبختی و سلامتی و ایمنی و ایمان و
المغفرة والرضوان والسعادة والحفظ یا الله انت لکل حاجة لنا
و آمرزیدن و خشنودی و نیکبختی و نگاهداری ای خدا تو برای هر حاجتی برای ما
فصل علی محمد وآله وعافنا ولا تسلط علینا احدا من خلقک
پس درود ده بر محمد و خاندانش و عافیت ده ما را و مسلط مکن بر ما یکی از آفریدگانت را
لا طاقة لنا به واکفنا کل امر من امر الدنیا والآخرة یا ذا الجلال
که توانائی نباشد ما را بآن و کفایت کن ما را هر کاری از کار دنیا و آخرت ای خداوند بزرگی
والاکرام صل علی محمد وآل محمد وترحم علی محمد وآل محمد و
و نیکوکاری درود ده بر محمد و آل محمد و بخشا بر محمد و آل محمد و
سلم علی محمد وآل محمد کافضل ما صلیت وبارکت وترحمت
سلام بر محمد و آل محمد چون افزونتر آنچه درود دادی و خجسته گردانیدی و بخشودی

وتحننت

وتحننت علی ابرهیم وآل ابرهیم انک حمید مجید واستحباب روزه
بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تویی ستوده بزرگوار
داشتن شش روز
بعد از عید در بعضی از روایات وارد شده است ونهی از آن نیز وارد شده است
وظاهرا روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانچه در میان سنیان
مشهور است وترکش بهتر است وهمچنین کراهت نکاح کردن در میان
عید فطر وعید قربان اصلی ندارد وشاید اصلش از عامه بوده باشد و
در ماه شوال چون عقد عایشه در آن واقع شده است واکثر مفاسد
اسلام بر آن مترتب شده واز بعضی روایت کراهت مستفاد میشود اگر در
خصوص شوال احتراز کنند بهتر است **واما** اعمال ماه ذی القعده بدانکه
اول ماههای حرام است که حق تعالی در قرآن یاد فرموده است وآنها ذو القعده
وذو الحجه ومحرم وماه رجب است ودرین ماهها ابتدای قتال با کافران نباید
کرد وشیخ مفید وغیر او از حضرت رسول روایت کرده اند که هر که یکی از ماههای
حرام پنجشنبه وجمعه وشنبه را متوالی روزه بدارد ثواب نهصد سال
عبادت برای او نوشته شود ودر روایتی از حضرت رسول منقول است که در شب
پانزدهم ماه ذی القعده حق تعالی بسوی بندگان مؤمن نظر رحمت میکند کسی که
آن شب را بعبادت بسر آورد ثواب صد عابد با و عطا کند که در یک چشم زدن معصیت
خدا نکرده باشد چون نصف شب بگذرد شروع کن بعبادت ونماز وحاجات
خود را از حق تعالی طلب کن که هر حاجت که طلب کنی مستجاب میگردد وبعضی
از علما گفته اند که در روز بیست وسیم ماه ذی القعده زیارت حضرت امام رضا ع
از نزدیک واز دور سنت است وروز بیست وپنجم ذی القعده دحو الارض است
یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه بر روی آب وروز بسیار مبارکیست وکلینی از
محمد بن عبد الله روایت کرده است که حضرت امام رضا ع در شهر مرو در روز

اعمال ماه ذیقعده

بیست و پنجم ذی القعده بیرون آمدند و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من
نیز روزه ام گفتیم فدای تو شویم امروز چه روزیست فرمود که روزیست که رحمت
درین روز منتشر گردیده است و زمین درین روز پهن شده است و کعبه
درین روز نصب شده است و حضرت آدم درین روز بزمین فرود آمده است
و ابن بابویه روایت کرده است از حسن وشاکه گفت من با پدرم در خدمت حضرت
امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ذی القعده پس فرمود که امشب
حضرت ابرهیم و حضرت عیسی متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است
پس هر که روزش را روزه بدارد چنانست که شصت ماه را روزه داشته باشد و
حضرت قایم علیه السلم درین روز ظاهر خواهد شد و از حضرت رسول منقولست که
حق تعالی رحمت خود را بر بندگان درین روز فرستاده است و روزه اش مثل روزه
هفتاد سالست و بروایت دیگر رحمت از آسمان درین شب نازل شده است و تعظیم
کعبه بر آدم درین روز نازل شده است و هر که این روز را روزه بدارد هرچه در
میان آسمان و زمین است برای او استغفار کنند و طلب آمرزش نمایند و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که اول رحمتی که از آسمان نازل شد در بیست و پنجم ماه
ذی القعده بود هر که این روز را روزه دارد و شب آنرا بعبادت بایستد برای
او عبادت صد سال نوشته شود که روزها را روزه داشته باشد و شبها را
بعبادت بسر آورده باشد و هر جماعتی که درین روز جمع شوند برای ذکر پروردگار
خود پیش از آنکه متفرق گردند حاجت ایشان بر آورده شود و درین روز هزار هزار
رحمت از جانب حق تعالی بر بندگان نازل میگردد و نود و نه رحمت از آنها مخصوص
جمعی است که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول گردند و روزش را روزه بدارند و شبش را
عبادت کنند و در روایتی وارد شده است که مستحبست که درین روز در وقت

دحو زمین

چاشت

چاشت دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره حمد پنج مرتبه
سوره والشمس بخواند و بعد از سلام این دعا بخوانند
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ یَا مُقِیْلَ الْعَثَرَاتِ اَقِلْنِیْ
عَثْرَتِیْ یَا مُجِیْبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ دَعْوَتِیْ یَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ اِسْمَعْ صَوْتِیْ
وَارْحَمْنِیْ وَتَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِیْ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ و شیخ طوسی ره
گفته است
که مستحبست که درین روز این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ دَاحِیَ الْکَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ
اللَّزْبَةِ وَکَاشِفَ کُلِّ کُرْبَةٍ اَسْاَلُکَ فِیْ هٰذَا الْیَوْمِ مِنْ اَیَّامِکَ الَّتِیْ
اَعْظَمْتَ حَقَّهَا وَاَقْدَمْتَ سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَدِیْعَةً
وَاِلَیْکَ ذَرِیْعَةً بِرَحْمَتِکَ الْوَسِیْعَةِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ الْمُنْتَجَبِ
فِی الْمِیْثَاقِ الْقَرِیْبِ یَوْمَ التَّلَاقِ فَاتِقِ کُلِّ رَتْقٍ وَدَاعٍ اِلٰی کُلِّ حَقٍّ
وَعَلٰی اَهْلِ بَیْتِهِ الْاَطْهَارِ الْهُدَاةِ الْمَنَارِ دَعَائِمِ الْجَبَّارِ وَوُلَاةِ اَهْلِ
الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَاَعْطِنَا فِیْ یَوْمِنَا هٰذَا مِنْ عَطَائِکَ الْمَخْزُوْنِ غَیْرَ
مَقْطُوْعٍ وَلَا مَمْنُوْعٍ تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ یَا خَیْرَ مَدْعُوٍّ
وَاَکْرَمَ مَرْجُوٍّ یَا کَفِیُّ یَا وَفِیُّ یَا مَنْ لُطْفُهُ خَفِیٌّ اُلْطُفْ لِیْ بِلُطْفِکَ
وَاَسْعِدْنِیْ بِعَفْوِکَ وَاَیِّدْنِیْ بِنَصْرِکَ وَلَا تُنْسِنِیْ کَرِیْمَ ذِکْرِکَ

بولاة امرك وحفظة سرك احفظني من نوائب الدهر الى يوم الحشر
بوالیان وجانت ونگهدارندگان رازت نگهدار مرا از آسیبهای روزگار تا روز گرد آمدن
والنشر واشهدني اولياءك عند خروج نفسي وحلول رمسي و
وپهن شدن وبنما بمن دوستانت را نزد تو بیرون آمدن جان من وفرود آمدن حال گور من و
انقطاع عملي وانقضاء اجلي اللهم واذكرني على طول البلى اذا
بریده شدن کار من وبسر آمدن روزگار من بار خدایا وبیاد آور مرا بر درازی پوسیدن هرگاه
حللت بين اطباق الثرى ونسيني الناسون من الورى واحللني
فرود آیم میان طبقهای خاک وفراموش کنند مرا فراموش کنندگان از مردمان وفرود آور مرا
دار المقامة وبوئني منزل الكرامة واجعلني من مرافقي اوليائك
در بهشت وجای ده مرا فرود آمدنگاه بزرگواری وبگردان مرا از همراهان دوستانت
واهل اجتبائك واصطفائك وبارك لي في لقائك وارزقني
ودر گزیدگانت وپاکانت وفراخی ده مرا در دیدارت وروزی کن مرا
حسن العمل قبل حلول الاجل مبرءة من الزلل وسوء الخطل
خوبی کردار پیش از فرود آمدن مرگ بیزار از خطاها وبدی سخن زشت
اللهم واوردني حوض نبيك محمد صلى الله عليه وآله واسقني
بار خدایا وبیاور مرا بحوض پیغمبرت محمد درود دهاد خدا بر او وبر خاندانش وآب ده مرا
منه مشربا رويا سائغا هنيئا لا اظما بعده ولا احلؤ ورده
از آن آشامیدنی سیراب روان گوارا که تشنه نشوم پس از آن وبازداشته نشوم از آب خوردن
ولا عنه اذاد واجعله لي خير زاد واوفى ميعاد يوم يقوم الاشهاد
ونه از آن بازداشته شوم وبگردان آنرا برای من بهترین توشه وتمامی تر وعده در روزی که برپای خیزند حاضران
اللهم والعن جبابرة الاولين والآخرين وبحقوق اوليائك المستأثرين
بار خدایا ولعنت کن ستمکاران پیشینیان وپسینیان وبسزاواری دوستانت وبرگزیدگانت
اللهم واقصم دعائمهم واهلك اشياعهم وعاملهم وعجل مهالكهم
بار خدایا وبشکن ستونهاشان را
واسلبهم ممالكهم وضيق عليهم مسالكهم والعن مساهمهم و
مشاركهم اللهم وعجل فرج اوليائك واردد عليهم مظالمهم

واظهر بالحق قائمهم واجعله لدينك منتصرا وبامرك في اعدائك
مؤتمرا اللهم احففه بملائكة النصر وبما القيت اليه من الامر
في ليلة القدر منتقما لك حتى ترضى ويعود دينك به وعلى يديه
جديدا غضا ويمحض الحق محضا ويرفض الباطل رفضا اللهم صل
عليه وآله وعلى جميع آبائه واجعلنا من صحبه واسرته وابعثنا في كرّته
حتى نكون في زمانه من اعوانه اللهم ادرك بنا قيامه واشهدنا ايامه
وصل عليه واردد الينا سلامه والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته

باب پنجم در بیان فضایل واعمال ماه ذی الحجه است ودر آن پنج فصل است
فصل اول در بیان فضایل ماه ذی الحجه ودهه اول واعمال آنست ایام
این دهه همه در نهایت فضیلت وبرکت اند وحق تعالی میفرماید واذكروا الله
في ايام معدودات یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده شده یعنی کم
وباز فرموده است ویذكروا اسم الله في ايام معلومات على ما رزقهم من بهيمة
الانعام یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا وآخرت را
ویاد کنند خدا را در روزی چند معلوم برای آنکه روزی کرده ماست ایشان از
گوشت چهارپایان که گاو وشتر وگوسفند وبز است ودر احادیث معتبره بسیار
از ائمه صلوات الله علیهم منقولست که ایام معلومات ده روز اول ماه ذی الحجه است
وایام معدودات روز دهم ویازدهم ودوازدهم وسیزدهم ماه ذی الحجه است واز
حضرت رسول منقولست که عمل خیر وعبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوب تر

اعمال ماه ذی الحجه

نیکشان زده روز اول ذی الحجه و چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه
و تابعان اهتمام عظیم در عبادات میکردند و بسند معتبر منقولست از حضرت
امام جعفر صادق ع که پدرم امام محمد باقر علیه السلم با من گفت ای فرزند گرامی
البته در هر شب دهه اول ذی الحجه دو رکعت نماز بجا آورد در میان نماز
شام و خفتن و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سوره قل هو الله احد و این آیه را
بخوان وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي
فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون چنین کنی با
حاجیان در ثواب
حج شریک خواهی بود هر چند بحج نروی و روز اول ذی الحجه روز مبارکیست
و در روایتی وارد شده است که حضرت ابرهیم خلیل در این روز متولد شده است
و در این روز حق تعالی ابرهیم را خلیل خود کردانید و بسند معتبر از حضرت موسی
بن جعفر علیهم السلم منقولست که هر که روز اول ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی
برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت امام موسی ع منقولست که هر که
نه روز اول ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر از برای او
بنویسد و شیخ طوسی گفته است که از روز اول ذی الحجه تا روز نهم روزه
مستحبست و اگر نتواند روز اول را روزه بدارد و در روز اول حضرت رسالت پناه
حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بحضرت امیر المؤمنین علیه السلم تزویج نمود
و بروایت دیگر در روز ششم تزویج نمود و بدانکه قضای ماه مبارک رمضان را از اول
ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیحه بر آن دلالت
دارد و بعضی از روایات که بر منع وارد شده است مستند آنها معتبر نیست و محمولند
بر تقیه چنانچه در کتب مبسوطه دلایل آنرا ایراد نموده ام و باز شیخ رحمه الله

واعمفنا ها بعشر فتم میقات ربه اربعین لیله

کورست

گفته است که مستحبست که در روز اول نماز حضرت فاطمه علیها السلم را بجا آورد
و روایت شده است که آن چهار رکعتست مثل نماز حضرت امیر المؤمنین ع بدو سلام
و در هر رکعت بعد از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد میخواند و بعد
از سلام تسبیح حضرت فاطمه زهرا سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ
میخواند و تسبیح اینست پاکا خداوند ارجمند مرتفع بزرگوار پاکا
ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ
خداوند بزرگی بلند بزرگ پاکا خداوند پادشاهی خوب همیشه پاکا کسیکه
مَنْ يَرَىٰ أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَىٰ وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ
که ببیند نشان پای مورچه را در سنگ ... پاکا کسیکه می بیند افتادن مرغ را در میان آسمان بود
سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ مؤلف گوید که بعد از این انشاء الله
پاکا کسیکه او چنین است و نه چنین خواهد بود دیگری مذکور خواهد شد که نماز حضرت
فاطمه صلوات الله علیها دو رکعتست و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا
انزلناه است و در رکعت دویم صد مرتبه قل هو الله احد و اگر هر دو را بعمل آورد
و آن دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت
فاطمه را بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند شاید بهتر باشد و در بعضی از
روایات وارد شده است که مستحبست که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال
دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید
و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است
که هر که از ظالمی ترسد و در حَسْبِي حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي
روز اول ذی الحجه بگوید بس است مرا بس است مرا از خواستنم دانستن تو باحوال من
حق تعالی کفایت شر آن ظالم را از و بکند و شیخ و تلعکبری و سید بن طاوس
بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق ع در روز اول
ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب آفتاب پیش از شام

ابتداء میخواندند اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْاَیّامُ الَّتی فَضَّلْتَها عَلی غَیْرِها مِنَ الْاَیّامِ وَ

شَرَّفْتَها وَقَدْ بَلَّغْتَنیها بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ فَاَنْزِلْ عَلَیْنا مِنْ بَرَکاتِكَ

وَاَسْبِغْ عَلَیْنا فیها مِنْ نَعْمائِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ فیه

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَهْدِیَنا فیها سَبیلَ الْهُدی وَتَرْزُقَنا فیهَا التَّقْوی

وَالْعَفافَ وَالْغِنی وَالْعَمَلَ فیها بِما تُحِبُّ وَتَرْضی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ

یا مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوی وَیا سامِعَ کُلِّ نَجْوی وَیا شاهِدَ کُلِّ مَلَاءٍ وَیا عالِمَ

کُلِّ خَفِیَّةٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَکْشِفَ عَنّا فیهَا الْبَلاءَ

وَتَسْتَجیبَ لَنا فیهَا الدُّعاءَ وَتُقَوِّیَنا فیها وَتُعینَنا وَتُوَفِّقَنا فیها لِما

تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضی وَعَلی مَا افْتَرَضْتَ عَلَیْنا مِنْ طاعَتِكَ وَطاعَةِ

رَسُولِكَ وَاَهْلِ وِلایَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَنْ

تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَهَبَ لَنا فیهَا الرِّضا اِنَّكَ سَمیعُ الدُّعاءِ [illegible]

وَلا تَحْرِمْنا خَیْرَ ما تُنْزِلُ فیها مِنَ السَّماءِ وَطَهِّرْنا مِنَ الذُّنُوبِ یا عَلّامَ

الْغُیُوبِ وَاَوْجِبْ لَنا فیها دارَ الْخُلُودِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَلا تَتْرُكْ لَنا فیها ذَنْباً اِلّا غَفَرْتَهُ وَلا هَمّاً اِلّا فَرَّجْتَهُ وَلا دَیْناً اِلّا

قضیته

دردته
کربرکرده‌اند

قَضَیْتَهُ وَلا غائِباً اِلّا اَدَّیْتَهُ وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ اِلّا

سَهَّلْتَها وَیَسَّرْتَها اِنَّكَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اَللّٰهُمَّ یا عالِمَ الْخَفِیّاتِ

یا راحِمَ الْعَبَراتِ یا مُجیبَ الدَّعَواتِ یا رَبَّ الْاَرَضینَ وَالسَّماواتِ یا مَنْ

لا تَتَشابَهُ عَلَیْهِ الْاَصْواتُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنا فیها

مِنْ عُتَقائِكَ وَطُلَقائِكَ مِنَ النّارِ وَالْفائِزینَ بِجَنَّتِكَ النّاجینَ بِرَحْمَتِكَ

یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعینَ وَسَلَّمَ تَسْلیماً

وشیخ مفید و سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر روایت

کرده‌اند که جبرئیل از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی پنج دعا را بهدیه

آورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول ماه ذی الحجه بخوان بدرستیکه

عبادتی نزد حق تعالی محبوب‌تر نیست از عبادت کردن در این دهه اول اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ

لا شَریكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

دوم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ اَحَداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ

صاحِبَةً وَلا وَلَداً سیم اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ

لَهُ اَحَداً صَمَداً لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ چهارم اَشْهَدُ

اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی

وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بمیر
اند و او زنده است که نمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز توانا است
حَسْبِيَ اللهُ وَكَفَى سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللهِ مُنْتَهَى أَشْهَدُ
بس است مرا خدا و بس است شنید و پذیرفت خدا از برای کسی که خواند خدا را نیست پس از خدا نهایتی گواهی میدهم
لِلَّهِ بِمَا دَعَا وَأَنَّهُ بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءَ وَأَنَّ لِلَّهِ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى پس حواریون
خدا را بانچه خواند و آنکه بیزار است از کسی که بیزار شد و آنکه مر خدا راست آن جهان و این جهان گفتند

یا روح الله چه ثواب دارد کسی که این کلمات را بگوید حضرت عیسی گفت که هر که
دعای اول را صد مرتبه بخواند عمل هیچیک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد
در آن روز و در قیامت حسنات او زیاده از همه کس باشد و هر که دعای دویم را
صد مرتبه بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه توریة و انجیل را خوانده باشد
و ثواب اینها را باو دهند حضرت عیسی گفت ای جبرئیل ثواب خواندن توریة
و انجیل چیست جبرئیل گفت طاقت برداشتن یک حرف توریة و انجیل نداشت
هر که در آسمانهای هفتگانه است از ملئکه تا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل
زیرا که اسرافیل اول بنده بود که گفت لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ و هر که دعای
سیم را صد مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد از برای او باین دعا ده هزار هزار حسنه
و محو کند از او ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار هزار
درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها برداشته باشند و صلوات
فرستند بر کسی که این کلمات را باین عدد خوانده است پس عیسی گفت که ای جبرئیل
ملئکه صلوات میفرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت هر که ایمان آورد
بآنچه پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغییری ندهد شریعت ایشان را حق تعالی
ثواب پیغمبران باو عطا میفرماید و هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند آندعا را
استقبال نماید ملکی و بالا برد بسوی حق تعالی پس خدا نظر کند بسوی گوینده
آندعا برحمت و هر که را خدا نظر رحمت بر او کند هرگز شقی و بدبخت نشود پس

حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست جبرئیل گفت این دعای
منست و حقتعالی مرا رخصت نداده است که ثواب آنرا بگویم مؤلف گوید
که اگر هر روز هر یک از این دعاها را ده مرتبه بخواند دور نیست که عمل باین روایت
کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ
و ابن بابویه و سید ابن طاوس از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده اند که
هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حق تعالی
عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان هر
درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد برفتار سواری که بتازد و در هر درجه
شهری بوده باشد و در آن شهر قصری باشد از یکجوهر که در آن فصلی نباشد
و در هر شهر از آن شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها
و حوریان و نهالیها و متکاها و خانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها
و حلها بوده باشد که وصف کنندگان در وصف آنها بمانند و چون از قبر
بیرون آید از هر موی بدن او نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی او
هفتاد هزار ملک و از پیش رو و جانب راست و چپ او راه روند تا او را بدر
بهشت برسانند و چون داخل بهشت شود او را مقدم دارند و ملئکه از عقب او
روند تا آنکه بشهری برسد که بیرونش از یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز
و در آن شهر بوده باشد هر نعمتی که حق تعالی در بهشت خلق کرده است پس باو گویند
که ای دوست خدا میدانی این شهر چیست گوید نه و شما کیستید گویند ما ملکی
چندیم که حاضر بودیم در هنگامی که تو آن تهلیلها را میخواندی در دنیا و این شهر
و آنچه در آن هست از نعمتهای الهی بثواب خواندن آن تهلیلها و بشارت
باد ترا بهتر از این ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام

کہ بلائی و غمی و مکروهی در آن نباشد و نعمتها و رحمتهای خدا هر که از تو منقطع
نمی گردد و لا اله الا الله عدد اللیالی و الدهور لا اله الا
تهلیلات اینست نیست خدائی مگر خدای یکتا بشمار شبها و روزگارها نیست خدائی مگر
الله عدد امواج البحور لا اله الا الله و رحمته خیر مما یجمعون
خدای یکتا بشمار موجهای دریاها نیست خدائی مگر خدای یکتا و رحمت او بهتر است از آنچه فراهم می آورند
لا اله الا الله عدد الشوک و الشجر لا اله الا الله عدد الشعر و الوبر لا
نیست خدائی بشمار خار و درخت نیست خدائی مگر خدای یکتا بشمار مو و کرک نیست
اله الا الله عدد الحجر و المدر لا اله الا الله عدد لمح العیون
خدائی مگر خدای یکتا بشمار سنگ و کلوخ نیست خدائی مگر خدای یکتا بشمار بهم زدن چشمها
لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس و الصبح اذا تنفس لا اله الا الله
نیست خدائی مگر خدای یکتا در شب آنگاه که درآید و در صبح آنگاه که روشن شود نیست خدائی مگر خدای
عدد الریاح فی البراری و الصخور لا اله الا الله من الیوم الی یوم
بشمار بادها در بیابانها و سنگها و کوهها نیست خدائی مگر خدای یکتا از امروز تا روز دیگر
ینفخ فی الصور **فصل دویم** در اعمال روز ترویه و روز عرفه است و روز ترویه
دمیده شود که در صور که کرنا باشد
روز هشتم ذی الحجه است و روز مبارکیست و ابن بابویه از حضرت
امام موسی روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها
چهار روز را جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضا از حضرت صادق
روایت کرده است که روزه روز ترویه کفاره شصت سال گناهست و شب عرفه از
لیالی متبرکه است و از حضرت رسول منقولست که در شب عرفه دعا مستجاب و کسی که
آن شب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آن شب مناجات
با قاضی الحاجات و هر که در آن شب توبه کند توبه اش مقبولست و از حضرت صادق
منقولست که هر که در شب عرفه یا در شبهای جمعه این دعا را بخواند حق تعالی گناهانش را بیامرزد
اللهم یا شاهد کل نجوی و موضع کل شکوی و عالم کل خفیة
بار خدایا ای پیدای هر راز دلهای هر گله و دانای هر پنهان

الا الله — مگر خدای یکتا
الصخور
اعمال روز ترویه و روز عرفه

ومنتهی

و منتهی کل حاجة یا مبتدئا بالنعم علی العباد یا کریم العفو یا حسن
و پایان هر نیاز ای آغاز کننده نعمتها بر بندگان ای کریم در گذشتن نیکو [illegible]
التجاوز یا جواد یا من لا یواری منه لیل داج و لا بحر عجاج و لا سماء
ای بخشاینده ای آنکه پنهان نمی ماند از او شب تاریک و نه دریای [illegible] و نه آسمان
ذات ابراج و لا ظلم ذات رتاج یا من الظلمة عنده ضیاء اسألک
خداوند برجها و نه تاریکیهای [illegible] ای آنکه تاریکی نزد او روشنائی است میخواهم از تو
بنور وجهک الکریم الذی تجلیت به للجبل فجعلته دکا و خر موسی
بروشنی روی [illegible] که تجلی کردی بآن بر کوه پس گردانیدی آنرا ریزه ریزه و افتاد
صعقا و باسمک الذی رفعت به السموات بلا عمد و سطحت به الارض
بیهوش و بنام تو که برافراشتی بآن آسمانها را بی ستونها و گسترده‌ای بآن زمین را
علی وجه ماء جمد و باسمک المخزون المکنون المکتوب الطاهر الذی
بر روی آبی فسرده و بنام تو نگهداشته شده پنهان نوشته شده پاک که
اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت به اعطیت و باسمک السبوح
هرگاه خوانده شدی بآن جواب دادی و هرگاه خواسته شدی بآن بخشیدی و بنامهای تو پاک
القدوس البرهان الذی هو نور علی کل نور و نور من نور یضیء منه
پاکیزه گواه درست که آن روشنیست بر هر روشنی و روشنی از روشنی روشن میشود از آن
کل نور اذا بلغ الارض انشقت و اذا بلغ السموات فتحت و اذا بلغ العرش
هر روشنی هرگاه رسید بزمین شکافته شد و هرگاه رسید باسمانها برگشاده شد و هرگاه رسید بعرش
اهتز و باسمک الذی ترتعد منه فرائص ملائکتک و اسئلک بحق
بجنبید و بنام تو که میلرزد از او گوشت زیر شانهای فرشتگان و میخواهم از تو بحق
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد المصطفی صلی الله علیه
جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد برگزیده درود خدا بر او
و آله و علی جمیع الانبیاء و جمیع الملائکة و بالاسم الذی مشی به
و خاندانش و بر همه پیغمبران و همه فرشتگان و بنامی که رفت بان
الخضر علی قلل الماء کما مشی به علی جدد الارض و باسمک الذی
خضر بر سرهای آب چنانکه رفت بان بر زمینهای هموار و بنام تو که
فلقت به البحر لموسی و اغرقت فرعون و قومه و انجیت به موسی ابن
شکافتی بآن دریا را برای موسی و غرق کردی فرعون و گروهش و رهانیدی بآن موسی پسر

جدود
غرقت

عمران ومن معه وباسمك الذي دعاك به موسى بن عمران من جانب
عمران را و كسانى كه با او بودند و بنام تو كه خواندند ترا بآن موسى پسر عمران از كنار
الطور الايمن فاستجبت له والقيت عليه محبة منك وباسمك
راست كوه پس مستجاب كردى دعاى او را وافكندى بر او مهرى از خود وبنام تو
الذي احيى به عيسى بن مريم الموتى وتكلم في المهد صبيا وابرء
كه زنده كرد بآن عيسى پسر مريم مردگان را وسخن گفت در گهواره در كودكى وبه كرد
الاكمه والابرص باذنك وباسمك الذي دعاك به حملة عرشك
كور مادرزاد را و ابلق را بدستورى تو وبنام تو كه خواندند ترا بآن بردارندگان عرشت
وجبرئيل وميكائيل واسرافيل وحبيبك محمد صلى الله عليه وآله
وجبرائيل وميكائيل واسرافيل ودوست تو محمد درود فرستد خدا بر او و خاندانش
وملائكتك المقربون وانبياؤك المرسلون وعبادك الصالحون
وفرشتگان نزديكان و پيغمبران فرستادگان و بندگان شايستگان
من اهل السموات والارضين وباسمك الذي دعاك به ذو النون
از مردم آسمانها و زمينها و بنام تو كه خواندند ترا بآن يونس چون رفت
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا
خشمناك پس گمان كرد كه هرگز تنگ نخواهيم گرفت بر او پس آواز داد در تاريكيها كه
اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته
نيست معبودى مگر تو پاكا تو بدرستى كه من هستم از ستمكاران پس مستجاب كردى دعاى او را و رهانيدى او را
من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وباسمك العظيم الذي دعاك به
از اندوه و همچنين ميرهانيم گروندگان را وبنام بزرگ تو كه خواند ترا بآن
داود وخر لك ساجدا فغفرت له ذنبه وباسمك الذي دعتك
داود و در افتاد براى تو بر خاك افتاده پس آمرزيدى براى او گناهش را وبنام تو كه خواند ترا
به آسية امرأة فرعون اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة
بآن آسيه زن فرعون چون گفت پروردگارا بنا كن براى من نزد خودت خانه در بهشت
ونجني من فرعون وعمله ونجني من القوم الظالمين فاستجبت لها دعاءها
و رهان مرا از فرعون و كردارش و رهان مرا از گروه ستمكاران پس مستجاب كردى براى او دعايش را
وباسمك الذي دعاك به ايوب اذ حل به البلاء فعافيته وآتيته
وبنام تو كه خواند ترا بآن ايوب چون فرود آمد بآن بلا پس عافيت دادى او را و دادى او

اهله ومثلهم معهم رحمة من عندك وذكرى للعابدين وباسمك
كسانش را و مانندشان با ايشان بخشايشى از نزد خودت و پندى از براى عبادت كنندگان و بنام تو
الذي دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره وقرة عينه يوسف
كه خواندم ترا بآن يعقوب پس بازگردانيدى بر او چشم او را و روشنى چشمش يوسف را
وجمعت شمله وباسمك الذي دعاك به سليمان فوهبت له ملكا
و فراهم آوردى پراكندگيش وبنام تو كه خواند ترا بآن سليمان پس بخشيدى او را پادشاهی
لا ينبغي لاحد من بعده انك انت الوهاب وباسمك الذي سخرت
كه سزاوار نباشد از براى يكى پس از آن بدرستى كه توئى تو بسيار بخشنده و بنام تو كه رام كردانيدى
به البراق لمحمد صلى الله عليه وآله وسلم اذ قال الله تعالى
بآن براق را از براى محمد درود فرستد خدا بر او و خاندانش و درود فرستد چون گفت خداى بلند مرتبه پاك است
سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى
پاكا كه بالا برده بنده خود را در شب از مسجد باشكوه تا مسجد دورتر
وقوله سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا الى ربنا
و گفتارش پاكا كه رام كرد براى ما اين را و نبوديم ما مر او را توانايان و بدرستى كه ما بسوى پروردگار ما
لمنقلبون وباسمك الذي تنزل به جبرئيل على محمد صلى الله
باز گردندگانيم و بنام تو كه فرود آمد بآن جبرائيل بر محمد درود فرستد خدا
عليه وآله وباسمك الذي دعاك به آدم فغفرت له ذنبه و
بر او و خاندانش و بنام تو كه خواند ترا بآن آدم پس آمرزيدى براى او گناهش را و
اسكنته جنتك واسئلك بحق القرآن العظيم وبحق محمد خاتم
ساكن گردانيدى او را در بهشت و ميخواهم بسزاوارى قرآن بزرگ و بسزاوارى محمد انجام
النبيين وبحق ابراهيم وبحق فصلك يوم القضاء وبحق الموازين
پيغمبران و بسزاوارى ابراهيم و بسزاوارى جدا كردن تو در روز حكم و بسزاوارى ترازوها
اذا نصبت والصحف اذا نشرت وبحق القلم وما جرى واللوح وما
هرگاه برافراخته شود و نامها هرگاه گشوده شوند و بسزاوارى خامه و آنچه بر آن روان شود و لوح و آنچه
احصى وبحق الاسم الذي كتبته على سرادق العرش قبل خلقك
شمرد و بسزاوارى نامى كه نوشتى آنرا بر سراپردهاى عرش پيش از آفريدن
الخلق والدنيا والشمس والقمر بالفي عام واشهد ان لا اله
بندگان را و جهان را و آفتاب و ماه را بدو هزار سال و گواهى ميدهم كه نيست خدا

الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله واسالك باسمك
مگر خدا یگانه او انبازی نیست مر او را و آنکه محمد بنده او و فرستاده او و میخواهم از تو بنام تو

المخزون في خزائنك الذي استأثرت به في علم الغيب عندك لم
نگهداشته شده در خزانهای تو که برگزیدی آن را در دانش نهان نزد خود

يظهر عليه احد من خلقك لا ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا عبد
آشکار نشد بر او یکی از آفریدگان تو نه فرشته نزدیک و نه پیغمبر فرستاده شده و نه بنده

مصطفى واسالك باسمك الذي شققت به البحار وقامت به الجبال
برگزیده و میخواهم از تو بنام تو که شکافته شد بآن دریاها و ایستاده شد بآن کوهها

واختلف به الليل والنهار وبحق السبع المثاني والقرآن العظيم
و آمد شد کرد بآن شب و روز و بسزاواری هفت آیه دوبار فرود آمده و قرآن بزرگوار

وبحق الكرام الكاتبين وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق و
و بسزاواری نویسندگان گرامیان و بسزاواری سوره طه و یس و سوره مریم و سوره شوری و

بحق توراة موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله
بسزاواری توریت موسی و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمد درود خدا

عليه واله وعلى جميع الرسل وباهيا شراهيا اللهم اني اسالك
بر او و بر خاندان او و بر همه فرستادگان و ... بار خدایا بدرستی میخواهم

بحق تلك المناجاة التي كانت بينك وبين موسى بن عمران فوق
بسزاواری آن راز گفتنی که بود میان تو و میان موسی پسر عمران بالای

جبل طور سيناء واسالك باسمك الذي علمته ملك الموت
کوه طور سینا و میخواهم از تو بنام تو که آموختی آن را فرشته مرگ

لقبض الارواح واسالك باسمك الذي كتب على ورق الزيتون
از برای گرفتن جانها و میخواهم از تو بنام تو که نوشته شد بر برگ زیتون

فخضعت النيران لتلك الورقة فقلت يا نار كوني بردا وسلاما
پس فروتنی کرد آتشها مر آن برگ را پس گفتی ای آتش باش سرد و خنک

واسالك باسمك الذي كتبته على سرادق المجد والكرامة
و میخواهم از تو بنام تو که نوشته آن را بر سراپردهای بزرگواری و گرامی

يا من لا يحفيه سائل ولا ينقصه نائل يا من به يستغاث واليه
ای کسی که ستوه نمی آرد او را خواهنده و کم نمیکند او را بخشش ای کسی که بآن فریاد خواسته میشود و بسوی او

يلجأ

يلجأ اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك و
پناه گرفته شده میخواهم از تو ببندهای عزت از عرش تو و پایان بخشش تو از کتاب تو و

باسمك الاعظم وجدك الاعلى وكلماتك التامات العلى اللهم
بنام تو بزرگتر و بزرگی تو بلندتر و سخنان تمام بلند بار خدایا

رب الرياح وما ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت
پروردگار بادها و آنچه پراگنده کرد و آسمان و آنچه سایه افکند و زمین و آنچه برداشت

والشياطين وما اضلت والبحار وما جرت وبحق كل حق هو عليك
و دیوان و آنچه بی راه کردند و دریاها و آنچه روان شد و بسزاواری هر حقی که او بر تو

حق وبحق الملائكة المقربين والروحانيين والكروبيين والمسبحين
حق است و بسزاواری فرشتگان نزدیکان و روحانیان و کروبیان و تسبیح کنندگان

لك بالليل والنهار لا يفترون وبحق ابراهيم خليلك وبحق كل ولي
از برای تو شب و روز سست نمیشوند و بسزاواری ابراهیم دوست تو و بسزاواری هر دوستی

يناديك بين الصفا والمروة وتستجيب له دعاءه يا مجيب اسالك
که میخواند ترا میان صفا و مروه و مستجاب میکنی از برای او دعای او ای جواب دهنده میخواهم از تو

بهذه الاسماء وبهذه الدعوات ان تغفر لنا ما قدمنا وما اخرنا
باین نامها و باین دعاها آنکه بیامرزی از برای ما آنچه پیش کردیم و آنچه پس کردیم

وما اسررنا وما اعلنا وما ابدينا وما اخفينا وما انت اعلم به
و آنچه نهان کردیم و آنچه آشکار کردیم و آنچه فاش نمودیم و آنچه نهان کردیم و آنچه تو داناتری بآن

منا انك على كل شيء قدير برحمتك يا ارحم الراحمين يا حافظ كل
از ما بدرستیکه تو بر هر چیز توانایی ببخشودن ای بخشاینده بخشایندگان ای نگهدارنده هر

غريب يا مونس كل وحيد يا قوة كل ضعيف يا ناصر كل مظلوم
غریبی ای همدم هر یگانه ای نیروی هر سستی ای یاور هر ستمدیده

يا رازق كل محروم يا مونس كل مستوحش يا صاحب كل مسافر
ای روزی دهنده هر بی بهره ای همدم هر غمگین ناخوشی ای یار هر رونده

يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب وخطيئة يا غياث المستغيثين
ای ستون هر حاضر ای آمرزنده هر گناهی و بزه ای فریادرس فریادخواهان

يا صريخ المستصرخين يا كاشف كرب المكروبين يا فارج هم
ای فریادرس فریادخواهان ای برنده اندوه اندوهناکان ای گشاینده اندیشه

المهمومين يا بديع السموات والارضين يا منتهى غاية الطالبين

اندوهناکان ای پدید آرندهٔ آسمانها و زمینها ای پایان پایهٔ جویندگان

يا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين يا رب العالمين يا ديان

ای جواب دهندهٔ خواندن بیچارگان ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان ای پروردگار جهانیان ای پاداش دهندهٔ

يوم الدين يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين

روز پاداش ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان ای بزرگوارترین بزرگواران ای شنواترین شنوایان

يا ابصر الناظرين يا اقدر القادرين اغفر لي الذنوب التي تغير النعم

ای بیناتر نگرندگان ای تواناتر توانایان و بیامرز از برای من گناهانی را که میگرداند نعمتها را

واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تورث

و بیامرز از برای گناهانی را که باز میدهد پشیمانی را و بیامرز از برای من گناهانی را که باز میدهد

السقم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب

بیماری را و بیامرز از برای من گناهانی را که ... و بیامرز از برای من گناهانی را

التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي تحبس قطر السماء واغفر لي

که باز میگرداند خواندن را و بیامرز از برای من گناهانی را که باز میدارد قطرهای باران و بیامرز از برای

الذنوب التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تجلب الشقاء

گناهانی را که ... نیست شدن را و بیامرز از برای من گناهانی را که باز میدهد بدبختی را

واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب التي تكشف

و بیامرز از برای من گناهانی را که تاریک میکند هوا را و بیامرز از برای من گناهانی را که میگشاید

الغطاء واغفر لي الذنوب التي لا يغفرها غيرك يا الله واحمل

پرده را و بیامرز از برای من گناهانی را که نمی‌آمرزد آنرا جز تو ای خدا و بردار

عني كل تبعة لاحد من خلقك واجعل لي من امرك فرجا ومخرجا

از من هر بازخواستی که باشد از برای احدی از آفریدگانت و بگردان از برای من از فرمانت گشایشی و بیرون شدنی

ويسرا وانزل يقينك في صدري ورجاءك في قلبي حتى لا ارجو غيرك

و آسانی را و فرود آور بیگمانیت در سینهٔ من و امیدواریت در دل من تا امید ندارم بدیگری

اللهم احفظني وعافني في مقامي واصحبني في ليلي ونهاري ومن

بارخدایا نگهدار مرا و رستگاری ده مرا در جای من و همراه من باش در شب من و روز من و از

بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي ومن فوقي ومن تحتي

میان هر دو دست من و از پس من و از راست من و از چپ من و از زبر من و از زیر من

امري

ويسر لي السبيل واحسن لي التيسير ولا تخذلني في العسير واهدني

و آسان گردان از برای من راه را و نیکو گردان از برای من آسان کردن را و فرو مگذار مرا در دشواری و راه نما مرا

يا خير دليل ولا تكلني الى نفسي في الامور ولقني كل سرور واقلبني

ای بهتر راه نما و مگذار مرا بخود من در کارها و برسان از برای من هر شادمانی را و برگردان مرا

الى اهلي بالفلاح والنجاح محبورا في العاجل والآجل انك على كل

بسوی کسانم برستگاری و روا کردن حاجت شادمان را در این جهان و آن جهان بدرستیکه تو بر همه

شيء قدير وارزقني من فضلك واوسع علي من طيبات رزقك

چیز توانائی و روزی ده مرا از افزون کردنت و فراخ ساز بر من از پاکیزه‌های روزیت

واستعملني في طاعتك واجرني من عذابك ونارك واقلبني اذا

و بکار دار مرا در فرمان برداریت و زنهار ده مرا از شکنجه‌ات و آتشت و برگردان مرا هرگاه

توفيتني الى جنتك برحمتك اللهم اني اعوذ بك من زوال نعمتك

بمیرانی مرا بسوی بهشت به بخشودنت بارخدایا بدرستیکه پناه میبرم بتو از گشتن دستگاریت

ومن تحويل عافيتك ومن حلول نقمتك ومن نزول عذابك واعوذ

و از فرو رستگاری دادنت و از فرود آمدن خشمت و از فرود آمدن عذابت و پناه میبرم

بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن سوء القضاء وشماتة الاعداء

بتو از سختی رنج و از رسیدن بدبختی و از بدی سرنوشت و شادکامی دشمنان

ومن شر ما ينزل من السماء ومن شر ما في الكتاب المنزل اللهم لا

و از بدی آنچه فرود می‌آید از آسمان و از بدی آنچه در کتاب فرستاده شده است بارخدایا

تجعلني من الاشرار ولا من اصحاب النار ولا تحرمني صحبة الاخيار

مگردان مرا از بدان و نه از یاران آتش و بی بهره مکن مرا از همراهی نیکان

واحيني حيوة طيبة وتوفني وفاة طيبة تلحقني بالابرار وارزقني

و زنده دار مرا زندگانی پاکیزه و بمیران مرا مردن پاکیزه که برسانی مرا به نیکوکاران و روزی کن مرا

مرافقة الانبياء في مقعد صدق عند مليك مقتدر اللهم

همراهی پیغمبران در نشستنگاه راستی نزد پادشاه توانا بارخدایا

لك الحمد على حسن بلائك وصنعك ولك الحمد على الاسلام و

مر تراست ستایش بر نیکو دادن نعمت و خوب بودن کارت و مر تراست ستایش بر مسلمانی و

السنة يا رب كما هديتهم لدينك وعلمتهم كتابك فاهدنا

و روش ای پروردگار چنانکه راه نمودی ایشانرا از برای دینت و آموزانیدی ایشانرا کتابت پس راه نما مارا

وعلّمنا ولك الحمد على حسن بلائك وصنعك عندي خاصّة كما
دیا مونیمارا و مراست ستایش بر خوب دادن نعمت و نیکو کردنت نزد من بی
خلقتني فأحسنت خلقي وعلّمتني فأحسنت تعليمي وهديتني
نیکو کردی هدایتی
فأحسنت هدايتي فلك الحمد على إنعامك عليّ قديماً وحديثاً فكم
پس نیکو کردی راه نمائی مرا پس مر ترا ستایش بر نعمت دادنت بر من کهنه و نو پس چه بسیار
من كرب يا سيّدي قد فرّجته وكم من غمّ يا سيّدي قد نفّسته
از اندوه گران ای مهتر من بتحقیق که برطرف کردی آنرا و بسیار از غم ای مهتر من بتحقیق که باز بردی
وكم من همّ يا سيّدي قد كشفته وكم من بلاء يا سيّدي قد صرفته
و بسا از اندوه ای مهتر من بتحقیق که برداشتی او و بسا از محنتی ای مهتر من بتحقیق که گردانیدی
وكم من عيب يا سيّدي قد سترته فلك الحمد على كلّ حال في كلّ
و بسا از عیبی ای مهتر من بتحقیق که پوشانیدی او را پس مر ترا سپاس بر هر حالی در هر
مثوىً وزمان ومنقلب ومقام وعلى هذه الحال وكلّ حال اللّهمّ
جا و روزگار و بازگشتگاه و جایگاه و بر این حال و هر حالی بار خدایا
اجعلني من أفضل عبادك نصيباً في هذا اليوم من خير تقسمه أو ضرّ
بگردان مرا از افزونتر بندگانت از روی بهره در این روز از نیکی که بخش میکنی او را
تكشفه أو سوء تصرفه أو بلاء تدفعه أو خير تسوقه أو رحمة
[illegible]
تنشرها أو عافية تلبسها فإنّك على كلّ شيء قدير وبيدك خزائن
پهن میکنی آنرا یا تندرستی که بپوشانی آنرا پس بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و بدست تست خزانهای
السّماوات والأرض وأنت الواحد الكريم المعطي الّذي لا يردّ
آسمانها و زمین و توئی یگانه بزرگوار دهنده که باز نمیگردانی
سائله ولا يخيّب آمله ولا ينقص نائله ولا ينفد ما عنده بل يزداد
خواهنده [illegible] امید دارنده [illegible]
كثرة وطيباً وعطاءً وجوداً وارزقني من خزائنك الّتي لا تفنى
از راه بسیاری و خوبی و دهش و بخشش و روزی ده مرا از خزانهای که نیست نمیشود
ومن رحمتك الواسعة إنّ عطاءك لم يكن محظوراً وأنت على
و از بخشایش فراخت بدرستیکه دهش تو نیست باز داشته شده و توئی بر

كلّ شيء قدير برحمتك يا أرحم الرّاحمين واحادیث بسیار در فضیلت
هر چیز توانائی بر بخشایشت ای بخشاینده ترین بخشایندگان زیارت حضرت امام حسین ع
در شب و روز عرفه وارد شده است و زیارت تن دیگر را در کتاب تحفة
الزائر ذکر کرده ام و زیارت دو را انشاء الله بعد از این مذکور خواهد شد و پیش
نیز زیارت آنحضرت مذکور شد و اما روز عرفه از اعیاد عظیم است و کسی که
توفیق یابد که در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این
روز دعاست حتی مستحب است که جمع کند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت
و نافله و اذان عصر ساقط میشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد
تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه
در حدیث صحیح منقولست که ابرهیم بن هاشم گفت من عبد الله بن جندب را
دیدم در موقف عرفات و حال هیچکس را از او بهتر ندیدم پیوسته دستهای خود را
بسوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده اش بر رویش جاری بود تا بزمین میرسید
چون مردم فارغ شدند گفتم وقوف هیچکس را چون وقوف تو ندیدم گفت بخدا
سوگند که دعا نکردم مگر برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت امام موسی علیه السلام
شنیدم که هر که دعا کند از برای برادر مؤمن خود در غیبت او از عرش ندا باو
رسد که از برای تو صد هزار برابر او باد پس من نخواستم که دست بردارم از
صد هزار برابر دعای ملائکه که البته مستجابست برای یک دعای خود که نمیدانم
مستجاب خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبه مقدس
حضرت امام حسین صلوات الله علیه باشد ثوابش کمتر نیست از کسی که در عرفات
باشد بلکه زیاده است چنانکه از حضرت صادق ع منقولست که هر که در روز عرفه
بزیارت آنحضرت برود و حق او را بشناسد و او را امام واجب الاطاعة داند
بنویسد حق تعالی از برای او ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره مقبول و هزار

جهاد کرده با پیغمبر مرسل کرده باشد یا امام عادلی راوی گفت کجاست ثواب
وقوف عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود که بدرستی
که بنده مؤمن چون در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در نهر فرات غسل
کند و متوجه زیارت شود هر گامی که برمیدارد ثواب یک حج و یک عمره برای او
مینویسند و در روایتی دیگر فرمود که در روز عرفه حق تعالی اول نظر رحمت
بسوی زوار حضرت امام حسین ع میکند و گناهان ایشان را می آمرزد و حاجات
ایشان را بر می آورد و بعد از آن متوجه اهل عرفات میگردد زیرا که در میان
زوار آنحضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست و در میان اهل عرفات هست و کسی که
توفیق هیچیک از اینها را نیافته باشد باید که در سایر بلاد غسل بکند و در مجمع
مؤمنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند و اگر در بام بلندی یا صحرائی گشاده باشد
بهتر است پس مشغول دعا شود و تا شام مشغول ذکر و دعا باشد تا در ثواب آنها
شریک گردد چنانچه از حضرت صادق ع منقولست و احادیث در باب روزه روز
عرفه مختلف است و اکثر علما جمع میان احادیث باین روش کرده اند که اگر
اشتباهی در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نگرداند سنت است و الا
مکروه است یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع شده است که روزه روز
عرفه برابر است با روزه یکسال و اگر اشتباه در ماه باشد یا روزه دار از دعا
ضعیف شود روزه نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق ع منقولست که هر که
در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان
و اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود فایز گردد
بثواب اهل عرفات و گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده گردد و شیخ مفید ره
این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته است که این نماز مخصوص

جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات حاضر نباشند و در حدیث معتبر
از حضرت صادق ع منقولست که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه الله
اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و
صد مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و در روایتی دیگر
فرمود که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و صد مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله بگوید
و صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای
صحیفه کامله است آنرا با خشوع و خضوع و تانی و رفق بخواند که مشتملست بر
جمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی ره بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت
کرده است که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای
روز عرفه را و آن دعای پیغمبران پیش از من است میگوئی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ
نیست خدائی مگر خداوند آنچنانکه اوست یگانه نیست شریکی مر او را
لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ
از برای اوست پادشاهی و از برای اوست ستایش زنده میکند و میمیراند و اوست زنده که نمیرد بدست اوست نیکی و
هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کَالَّذِی تَقُولُ وَخَیْرًا مِمَّا
او بر هر چیز تواناست بارخدایا مر تراست ستایش چنانکه میگوئی و بهتر از آنچه
نَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا یَقُولُ الْقَائِلُونَ اَللّٰهُمَّ لَکَ صَلَوٰتِی
میگوئیم و زبر آنچه میگوئیم و زبر آنچه میگویند گویندگان بارخدایا از برای توست نماز من
وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی وَلَکَ بَرَاءَتِی وَبِکَ حَوْلِی وَمِنْکَ
و پرستش و زندگی من و مردگی من و از برای توست بیزاری من و بتو گردیدن من و از تو نیروی
قُوَّتِی اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَسْوَاسِ الصَّدْرِ وَمِنْ
من بارخدایا بدرستیکه پناه میبرم بتو از درویشی و از اندیشه زشت سینه و از
شَتَاتِ الْاَمْرِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ خَیْرَ الرِّیَاحِ
پراکندگی کار و از شکنجه گور بارخدایا بدرستیکه میخواهم از تو نیکی بادها
وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِیءُ بِهِ الرِّیَاحُ وَاَسْئَلُکَ خَیْرَ اللَّیْلِ وَخَیْرَ
و پناه میبرم بتو از بدی آنچه میآورد آن بادها و میخواهم از تو نیکی شب و نیکی

النهار اللهم اجعل فی قلبی نوراً وفی سمعی نوراً وفی بصری نوراً وفی
روز بارخدایا بگردان در دل من روشنی و در گوش من روشنی و در چشم من روشنی و در
لحمی نوراً وفی دمی وعظامی وعروقی ومقامی ومقعدی ومدخلی
گوشت من روشنی و در خون و در استخوانهای من و رگهای من و جایگاه من و نشیمنگاه من و در آمدن
ومخرجی نوراً واعظم لی النور یا رب یوم القاک انک علی کل شیء
و بیرون شدن من روشنی و بزرگ گردان برای من روشنی را ای پروردگار روزی که ملاقات کنم ترا بدرستیکه تو بر هر چیز
قدیر وازحضرت امام رضا منقولست که این اللهم کما سترت علی ما لم
دعا را در روز عرفه بخوانند
توانائی … بارخدایا چنانکه پوشانیدی بر من آنچه را
اعلم فاغفر لی ما تعلم وکما وسعنی علمک فلیسعنی عفوک و
ندانستم پس بیامرز برای من آنچه میدانی و چنانکه فرا گرفت مرا دانش تو پس باید فرا گیرد مرا در گذشتن تو و
کما بدأتنی بالاحسان فاتمم نعمتک بالغفران وکما اکرمتنی
چنانچه ابتدا کردی بمن به نیکوئی کردن پس تمام کن نعمت را بآمرزیدن و چنانچه گرامی داشتی مرا
بمعرفتک فاشفعها بمغفرتک وکما عرفتنی وحدانیتک فاکرمنی
بشناخت خود پس جفت کن آنرا با آمرزش و چنانکه شناسانیدی بمن یگانگی خود را پس گرامی دار مرا
بطاعتک وکما عصمتنی مما لم اکن اعتصم منه الا بعصمتک
بفرمان برداری و چنانکه نگاه داشتی مرا از آنچه نبودم که نگاه دارم خود را از آن مگر بنگهداشتن تو
فاغفر لی ما لو شئت عصمتنی منه یا جواد یا کریم یا ذا الجلال و
پس بیامرز مرا آنچه اگر خواستی نگهداشتی مرا از آن ای بخشنده ای بزرگوار ای خداوند بزرگی و
الاکرام وازحضرت امام موسی علیه السلام این دعا منقولست
نیکوکاری
اللهم انی عبدک وابن عبدک ان تعذبنی فبامور قد سلفت منی
بارخدایا بدرستیکه من بنده توام و پسر بنده تو اگر عذاب کنی مرا پس بسبب کارهائیست که گذشته است از من
وانا بین یدیک برمتی وان تعف عنی فاهل العفو انت اهل العفو
و منم میان هر دو دست تو بهمه ام و اگر در گذری از من پس سزاوار در گذشتن توئی سزاوار در گذشتن
یا احق من عفی اغفر لی ولاخوانی وازجمله دعاهای مشهور روز
ای سزاوارترین کسی که در گذشت بیامرز مرا و برادرانم را عرفه دعای حضرت سید الشهداء
امام حسین صلوات الله علیه است بشر و بشیر پسران غالب اسدی
روایت کرده اند که بین روز عرفه در عرفات در خدمت آنحضرت

بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان
خود با نهایت تذلل و خشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را
بسوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر روی داشتند مانند مسکینی که
در نهایت مذلت و مسکنت طعام طلبد بسم الله الرحمن الرحیم الحمد
و این دعا را خواندند و دعا اینست
بنام خدای بخشاینده مهربان ستایش مر
لله الذی لیس لقضائه دافع ولا لعطائه مانع ولا کصنعه صنع صانع
خدائیرا که نیست مر فرمان او را بازدارنده و نه مر دهش او را بازدارنده و نه مانند ساختن او ساختن سازنده
وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع واتقن بحکمته الصنائع
و اوست بخشنده فراخ دهش آفرید گونهای نو آورده شدها را و استوار کرد بدانش خود کارها را
ولا تخفی علیه الطلائع ولا تضیع عنده الودائع جازی کل صانع
و نهان نیست بر او … و تباه نمیشود نزد او سپردها مزد دهنده هر نیکوکاری
ورائش کل قانع وراحم کل ضارع ومنزل المنافع والکتاب الجامع
و دارا سازنده هر خورسند و بخشاینده هر زاری و فرو فرستنده سودها و کتاب فراهم آورنده
بالنور الساطع وهو للدعوات سامع وللمطیعین نافع وللدرجات
روشنی تابان و او مر خوانندها را شنونده است و مر فرمانبرداران را سود دهنده و مر پایها را
رافع وللکربات دافع وللجبابرة قامع وراحم عبرة کل ضارع ورافع
بالا برنده و مر اندوهها را گرداننده و مر ستمکاران را خوار کننده و بخشاینده اشک هر زاری کننده و بردارنده
ضرعة کل ضارع فلا اله غیره ولا شیء یعدله ولیس کمثله شیء
افتادن هر افتاده پس نیست خدائی جز او و نه چیزی برابری میکند با او و نیست مانند او چیزی
وهو السمیع البصیر اللطیف الخبیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم
و اوست شنوای بینا نیکوکار آگاه و اوست بر هر چیزی توانا بارخدایا
انی ارغب الیک واشهد بالربوبیة لک مقراً بانک ربی وان الیک
بدرستیکه من خواهش میکنم بسوی تو و گواهی میدهم به پروردگاری از برای تو در حالتی که اقرار کننده ام بآنکه توئی پروردگار من و بسوی تست
مردی ابتدأتنی بنعمتک قبل ان اکون شیئاً مذکوراً وخلقتنی من
بازگشت من آغاز کردی برای من بنعمت پیش از آنکه باشم چیزی یاد کرده شده و آفریدی مرا از
التراب ثم اسکنتنی الاصلاب آمناً لریب المنون واختلاف الدهور
خاک پس آرام دادی مرا در پشتهای پدران ایمن از مرگ و سختیهای روزگار و گردیدن روزگاران

فلم ازل ظاعناً من صلب الى رحم في تقادم الايام الماضية والقرون
الخالية لم تخرجني لرأفتك بي ولطفك لي واحسانك الي في دولة
ايام الكفرة الذين نقضوا عهدك وكذبوا رسلك لكنك اخرجتني
رأفة منك وتحنناً علي للذي سبق لي من الهدى الذي له يسرتني
وفيه انشأتني ومن قبل ذلك رؤفت بي بجميل صنعك وسوابغ
نعمك فابتدعت خلقي من مني يمنى ثم اسكنتني في ظلمات ثلاث
بين لحم وجلد ودم ولم تشهرني بخلقي ولم تجعل الي شيئاً من
امري ثم اخرجتني الى الدنيا تاماً سوياً وحفظتني في المهد طفلاً
صبياً ورزقتني من الغذاء لبناً مرياً وعطفت علي قلوب الحواضن
وكفلتني الامهات الرواحم وكلأتني من طوارق الجان وسلمتني
من الزيادة والنقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهللت
ناطقاً بالكلام اتممت علي سوابغ الانعام فربيتني زائداً في كل
عام حتى اذا اكملت فطرتي واعتدلت سريرتي اوجبت علي
حجتك بان الهمتني معرفتك وروعتني بعجائب فطرتك

مرئياً

وانطقتني

وانطقتني لما ذرأت في سمائك وارضك من بدائع خلقك ونبهتني
لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك وفهمتني ما
جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل مرضاتك ومننت علي في
جميع ذلك بعونك ولطفك ثم اذ خلقتني من خير الثرى لم ترض لي
يا الهي بنعمة دون اخرى ورزقتني من انواع المعاش وصنوف الرياش
بمنك العظيم واحسانك القديم الي حتى اذا اتممت علي جميع
النعم وصرفت عني كل النقم لم تمنعك جهلي وجرأتي عليك
ان دللتني على ما يقربني اليك ووفقتني لما يزلفني لديك
فان دعوتك اجبتني وان سألتك اعطيتني وان اطعتك
شكرتني وان شكرتك زدتني كل ذلك اكمالاً لانعمك علي واحسانك
الي فسبحانك سبحانك من مبدئ معيد حميد مجيد تقدست
اسماؤك وعظمت آلاؤك فاي نعمك يا الهي احصي عدداً اوذكراً
ام اي عطاياك اقوم بها شكراً وهي يا رب اكثر من ان يحصيها
العادون او يبلغ علماً بها الحافظون ثم ما درأت وصرفت عني

نعمة

اللهم من الضر والضراء اكثر مما ظهر لي من العافية والسراء
وانا اشهدك يا الهي بحقيقة ايماني وعقد عزمات يقيني وخالص
صريح توحيدي وباطن مكنون ضميري وعلائق مجاري نور بصري
واسارير صفحة جبيني وخرق مسارب نفسي وخذاريف مارن
عرنيني ومسارب صماخ سمعي وما ضمت واطبقت عليه شفتاي
وحركات لفظ لساني ومغرز حنك فمي وفكي ومنابت اضراسي و
بلوغ حبائل بارع عنقي ومساغ ماكلي ومشربي وحمالة ام راسي
وجمل حمائل حبل وتيني وما اشتمل عليه تامور صدري ونياط
حجاب قلبي وافلاذ حواشي كبدي وما حوته شراسيف اضلاعي وحقاق
مفاصلي واطراف انامل وقبض عواملي ولحمي ودمي وشعري وبشري
وعصبي وقصبي وعظامي ومخي وعروقي وجميع جوارحي وما انتسج على
ذلك ايام رضاعي وما اقلت الارض مني ونومي ويقظتي وسكوني
وحركات ركوعي وسجودي ان لو حاولت واجتهدت مدى
الاعصار والاحقاب لو عمرتها ان اؤدي شكر واحدة من انعمك

ما استطعت ذلك الا بمنك الموجب علي شكرك ابدا جديدا وثناء
طارفا عتيدا اجل ولو حرصت انا والعادون من انامك ان نحصي
مدى انعامك سالفه وآنفه لما حصرناه عددا ولا احصيناه
امدا هيهات انى ذلك وانت المخبر عن نفسك في كتابك الناطق
والنبأ الصادق وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها صدق كتابك
اللهم وانباؤك وبلغت انبياؤك ورسلك ما انزلت عليهم
من وحيك وشرعت لهم من دينك غير اني يا الهي اشهد بجهدي
وجدي ومبلغ طاقتي ووسعي واقول مؤمنا موقنا الحمد
لله الذي لم يتخذ ولدا فيكون موروثا ولم يكن له شريك في الملك
فيضاده فيما ابتدع ولا ولي من الذل فيرفده فيما صنع سبحانه
سبحانه سبحانه لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا وتفطرتا
سبحان الله الواحد الحق الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد الحمد لله حمدا يعدل حمد ملائكته
المقربين وانبيائه المرسلين وصلى الله على خيرته من خلقه

محمد خاتم النبيين وآله الطيبين الطاهرين المخلصين پس شروع
فرمود آنحضرت در سؤال و اهتمام نمود در دعا و آب از دیدهای مبارکش جاری
بود پس گفت اللهم اجعلني اخشاك كأني اراك واسعدني بتقواك
ولا تشقني بمعصيتك وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك
حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تأخير ما عجلت اللهم اجعل غناي
في نفسي واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والنور في بصري
والبصيرة في ديني ومتعني بجوارحي واجعل سمعي وبصري الوارثين
مني وانصرني على من ظلمني وارني فيه ثاري ومآربي واقر
بذلك عيني اللهم اكشف كربتي واستر عورتي واغفر لي خطيئتي — خطيئاتي
واخسأ شيطاني وفك رهاني واجعل لي يا الهي الدرجة العليا
في الآخرة والاولى اللهم لك الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا
بصيرا ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني حيا سويا رحمة بي وقد كنت — خلقا
عن خلقي غنيا رب بما برأتني فعدلت فطرتي رب بما انشأتني
فأحسنت صورتي يا رب بما احسنت بي وفي نفسي عافيتني رب

بما كلأتني ووفقتني رب بما انعمت علي فهديتني رب بما اوليتني
ومن كل خير اعطيتني واعطيتني رب بما اطعمتني وسقيتني رب
بما اغنيتني واقنيتني رب بما اعنتني واعززتني رب بما البستني — واعززتني
من سترك الصافي ويسرت لي من صنعك الكافي صل على محمد وآل
محمد واعني على بوائق الدهر وصروف الايام والليالي ونجني من اهوال — الدهور
الدنيا وكربات الآخرة واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض
اللهم ما اخاف فاكفني وما احذر فقني وفي نفسي وديني فاحرسني
وفي سفري فاحفظني وفي اهلي ومالي وولدي فاخلفني وفيما
رزقتني فبارك لي وفي نفسي فذللني وفي اعين الناس فعظمني
ومن شر الجن والانس فسلمني وبذنوبي فلا تفضحني وبسريرتي
فلا تخزني وبعملي فلا تبتلني ونعمك فلا تسلبني والى غيرك فلا
تكلني الهي الى من تكلني الى القريب فيقطعني ام الى البعيد
فيتجهمني ام الى المستضعفين لي وانت ربي ومليك امري اشكو
اليك غربتي وبعد داري وهواني على من ملكته امري اللهم — الهي

فلا تحلل بي غضبك فان لم تكن غضبت علي فلا ابالي سواك غير

ان عافيتك اوسع لي فاسئلك بنور وجهك الذي اشرقت له الارض

والسموات وانكشفت به الظلمات وصلح عليه امر الاولين والاخرين

ان لا تميتني على غضبك ولا تنزل بي سخطك لك العتبى حتى

ترضى قبل ذلك لا اله الا انت رب البلد الحرام والمشعر الحرام

والبيت العتيق الذي احللته البركة وجعلته للناس امنا يا من

عفا عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من اسبغ النعمة بفضله

يا من اعطى الجزيل بكرمه يا عدتي في شدتي يا صاحبي في وحدتي

يا غياثي في كربتي يا مونسي في حفرتي يا ولي نعمتي يا الهي واله

ابائي ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل

واسرافيل ورب محمد خاتم النبيين واله المنتجبين ومنزل

التورية والانجيل والزبور والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس

والقران الحكيم انت كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق

علي الارض برحبها ولولا رحمتك لكنت من الهالكين وانت مقيل

Margin: يا ربّ — اى پروردگار

Margin: آمنة

عثرتي ولولا سترك اياي لكنت من المفضوحين وانت مؤيدي بالنصر

على الاعداء ولولا نصرك اياي لكنت من المغلوبين يا من خص

نفسه بالسمو والرفعة فاولياؤه بعزه يعتزون يا من جعلت

له الملوك نير المذلة على اعناقهم فهم من سطواته خائفون

تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور وغيب ما تاتي به الازمنة

والدهور يا من لا يعلم كيف هو الا هو يا من لا يعلم ما يعلمه الا

هو يا من كبس الارض على الماء وسد الهواء بالسماء يا من له اكرم

الاسماء يا ذا المعروف الذي لا ينقطع ابدا يا مقيض الركب ليوسف

في البلد القفر ومخرجه من الجب وجاعله بعد العبودية ملكا

يا راد يوسف على يعقوب بعد ان ابيضت عيناه من الحزن فهو

كظيم يا كاشف الضر والبلاء عن ايوب يا ممسك يدي ابرهيم من الذبح

عن ابنه بعد ان كبر سنه وفني عمره يا من استجاب لزكريا فوهب

له يحيى ولم يدعه فردا وحيدا يا من اخرج يونس من بطن الحوت

يا من فرق البحر لبني اسرائيل فانجيهم وجعل فرعون وجنوده من

Margin: هو — او

Margin: فلق — شكافت

المغرقين يا من ارسل الرياح مبشرات بين يدى رحمته يا من لم يعجل
على من عصاه من خلقه يا من استنقذ السحرة من بعد طول الجحود
وقد غدوا في نعمته يأكلون رزقه ويعبدون غيره وقد حادوه عدوا
ونادوه وكذبوا رسله يا الله يا بدئ لا ند لك يا دائما لا نفاد
لك يا حي حين لا حي يا محيي الموتى يا من هو قائم على كل نفس بما
كسبت يا من قل له شكري فلم يحرمني وعظمت عنده خطيئتي خطيئاتي
فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني في صغري يشهرني
يا من رزقني في كبري يا من اياديه عندي لا تحصى يا من نعمه
عندي لا تجازى يا من عارضني بالخير والاحسان وعارضته
بالاساءة والعصيان يا من هداني بالايمان قبل ان اعرف شكر للايمان
الامتنان يا من دعوته مريضا فشفاني وعريانا فكساني وجائعا
فاطعمني وعطشانا فارواني وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني فاشبعني
ووحيدا فكثرني وغائبا فردني ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني
وغنيا فلم يسلبني وامسكت عن جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد

يا من

يا من اقال عثرتي ونفس كربتي واجاب دعوتي وستر عورتي و
غفر ذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني على عدوي وان اعد نعمك
ومننك وكرائم منحك لا احصيها يا مولاي انت الذي انعمت انت
الذي احسنت انت الذي اجملت انت الذي افضلت انت الذي
مننت انت الذي كلمت انت الذي رزقت انت الذي وفقت انت أكملت
الذي اعطيت انت الذي اغنيت انت الذي اقنيت انت الذي
اويت انت الذي كفيت انت الذي هديت انت الذي عصمت انت
الذي سترت انت الذي غفرت انت الذي اقلت انت الذي مكنت
انت الذي اعززت انت الذي اعنت انت الذي عضدت انت الذي
نصرت انت الذي شفيت انت الذي عافيت انت الذي اكرمت
تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائما ولك الشكر واصبا ثم
يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي انا الذي اسأت انا الذي
اخطأت انا الذي غفلت انا الذي جهلت انا الذي هممت
انا الذي سهوت انا الذي اعتمدت انا الذي تعمدت انا الذي

وعدت أنا الذي خلفت أنا الذي نكثت أنا الذي أقررت أنا يا إلهي
اعترف بنعمك عندي وأبوء بذنوبي فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب
عباده وهو الغني عن طاعتهم والموفق من عمل منهم صالحاً بمعونته
ورحمته فلك الحمد إلهي أمرتني فعصيتك ونهيتني فارتكبت
نهيك فأصبحت لا ذا براءة فأعتذر ولا ذا قوة فأنتصر فبأي شيء
أستقبلك يا مولاي أبسمعي أم ببصري أم بلساني أم بيدي أم برجلي
أليس كلها نعمك عندي وبكلها عصيتك يا مولاي فلك الحجة و
السبيل علي يا من سترني من الآباء والأمهات أن يزجروني ومن
العشائر والإخوان أن يعيروني ومن السلاطين أن يعاقبوني و
لو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت عليه مني إذاً ما أنظروني و
لرفضوني وقطعوني فها أنا ذا بين يديك يا سيدي خاضعاً ذليلاً
حصيراً حقيراً لا ذو براءة فأعتذر ولا ذو قوة فأنتصر ولا حجة
لي فأحتج بها ولا قائل لم أجترح ولم أعمل سوءاً وما عسى الجحود لو
جحدت يا مولاي ينفعني فكيف وأنى ذلك وجوارحي كلها

فارتكبت

شاهدة

شاهدة علي بما قد عملت وعلمت يقيناً غير ذي شك أنك سائلي عن
عظائم الأمور وأنك الحكيم العدل الذي لا يجور وعدلك مهلكي ومن
كل عدلك مهربي فإن تعذبني فبذنوبي يا إلهي بعد حجتك علي و
إن تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك لا إله إلا أنت سبحانك
إني كنت من الظالمين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من المستغفرين
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الموحدين لا إله إلا أنت سبحانك
إني كنت من الخائفين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الوجلين
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من السائلين لا إله إلا أنت سبحانك
إني كنت من الراجين الراغبين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت
من المهللين المسبحين لا إله إلا أنت ربي ورب آبائي الأولين
اللهم هذا ثنائي عليك ممجداً وإخلاصي لذكرك موحداً وإقراري
بآلائك معدداً وإن كنت مقراً أني لا أحصيها لكثرتها وسبوغها
وتظاهرها وتقادمها إلى حادث ما لم تزل تتغمدني به معها مذ خلقتني
وبرأتني من أول العمر من الإغناء بعد الفقر وكشف الضر وتسبيب

الحكم

تسبيب

البشر ودفع العسر وتفريج الكرب والعافية في البدن والسلامة
في الدين ولو رفدتني على قدر ذكر نعمتك على جميع العالمين من
الاولين والآخرين لما قدرت ولا هم على ذلك تقدست وتعاليت من
رب عظيم كريم رحيم ولا نحصي آلاءك ولا نبلغ ثناءك ولا نكافي
نعماءك صل على محمد وآل محمد واتمم علينا نعمك واسعدنا بطاعتك
سبحانك لا اله الا انت اللهم انك تجيب دعوة المضطر اذا
دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي السقيم وتغني الفقير
وتجبر الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس دونك ظهير
ولا فوقك قدير وانت العلي الكبير يا مطلق المكبل الاسير يا رازق
الطفل الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك له ولا وزير
صل على محمد وآل محمد واعطني في هذه العشية افضل ما اعطيت
وانلت احدا من عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها وبلية تصرفها
وكربة تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة تغفرها
انك لطيف خبير وعلى كل شيء قدير اللهم انك اقرب من دعي

نعمتك

اوليائك
دوستان تو

واسرع

واسرع من اجاب واكرم من عفا واوسع من اعطى واسمع من سئل
يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسئول ولا سواك
مأمول دعوتك فاجبتني وسألتك فاعطيتني ورغبت اليك
فرحمتني ووثقت بك فنجيتني وفزعت اليك فكفيتني اللهم فصل
على محمد عبدك ورسولك ونبيك وعلى آله الطيبين الطاهرين
اجمعين وتمم لنا نعماءك وهننا عطاءك واجعلنا لك شاكرين
ولآلائك ذاكرين آمين آمين رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر
وقدر فقهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين
ومنتهى امل الراجين يا من احاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين
رأفة ورحمة وحلما اللهم انا نتوجه اليك في هذه العشية التي
شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك و
امينك على وحيك اللهم فصل على محمد البشير النذير السراج
المنير الذي انعمت به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم
فصل على محمد وآله كما محمد اهل ذلك يا عظيم فصل عليه وعلى آل

هو
او

محمد المنتجبين الطيبين الطاهرين اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا
فاليك عجت الاصوات بصنوف اللغات واجعل لنا في هذه العشية
نصيبا في كل خير تقسمه ونور تهدي به ورحمة تنشرها وعافية
تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم الراحمين اللهم اقلبنا
في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا تجعلنا من
القانطين ولا تخلنا من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك
ولا تردنا خائبين ولا من بابك مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك
محرومين ولا لفضل ما نؤمله من عطائك قانطين يا اجود عطایاك
الاجودين ويا اكرم الاكرمين اليك اقبلنا مؤمنين ولبيتك مؤمنين
الحرام امين قاصدين فاعنا على مناسكنا واكمل لنا حجنا واعف
اللهم عنا وعافنا فقد مددنا اليك ايدينا وهي بذلة الاعتراف
موسومة اللهم فاعطنا في هذه العشية ما سالناك واكفنا ما
استكفيناك فلا كافي لنا سواك ولا رب لنا غيرك نافذ فينا حكمك
محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض لنا الخير واجعلنا من اهل

الخير اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم الذخر ودوام اليسر
واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف عنا
رافتك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا في هذا الوقت
ممن سالك فاعطيته وشكرك فزدته وتاب اليك فقبلته وتنصل
اليك من ذنوبه كلها فغفرتها له يا ذا الجلال والاكرام اللهم ونقنا
وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم
يا من لا يخفى عليه اغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر
في المكنون ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب الا كل ذلك
قد احصاه علمك ووسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول
الظالمون علوا كبيرا تسبح لك السموات السبع والارض ومن فيهن ارضون
وان من شيء الا يسبح بحمدك فلك الحمد والمجد وعلو الجد يا ذا الجلال
والاكرام والفضل والانعام والايادي الجسام وانت الجواد
الكريم الرؤوف الرحيم اللهم اوسع علي من رزقك الحلال وعافني في
بدني وديني وامن خوفي واعتق رقبتي من النار اللهم لا تمكر بي

وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ پس سر
و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و از دیدهای مبارکش آب می‌ریخت مانند دو مشک و بصدای بلند گفت یَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ
وَيَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ
الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا
أَعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ
لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ
يَا رَبِّ يَا رَبِّ پس مکرر میگفت یا رب و صداها بگریه بلند شد و بار کردند
و روانه جانب مشعر الحرام شدند و سید ابن طاوس رضی الله
بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق ع که در روز عرفه چون
زوال شمس شود نماز ظهر و عصر را بکن پس بدو بمحل وقوف و صد مرتبه اَللّٰهُ اَکْبَرُ
و صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و صد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ و صد مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و صد مرتبه
قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و صد مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ
بخوان پس این دعا را بخوان
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ
الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُرِيدُ

اعطیتنیها

اعبد

اثنی

اَنْ اُثْنِيَ عَلَيْكَ وَمَا عَسَى اَنْ اَبْلُغَ مِنْ مَدْحِكَ مَعَ قِلَّةِ عَمَلِي وَقِصَرِ
رَأْيِي وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوقُ وَاَنْتَ الْمَالِكُ وَاَنَا الْمَمْلُوكُ وَاَنْتَ
الرَّبُّ وَاَنَا الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ وَاَنَا الذَّلِيلُ وَاَنْتَ الْقَوِيُّ وَاَنَا
الضَّعِيفُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنَا الْفَقِيرُ وَاَنْتَ الْمُعْطِي وَاَنَا السَّائِلُ
وَاَنْتَ الْغَفُورُ وَاَنَا الْخَاطِئُ وَاَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا تَمُوتُ وَاَنَا خَلْقٌ
اَمُوتُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا
اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اَنْتَ مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ مِنْكَ بَدْءُ الْخَلْقِ
وَاِلَيْكَ يَعُودُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ وَاَنْتَ اللّٰهُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَالِقُ
الْخَيْرِ وَالشَّرِّ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْوَاحِدُ الْاَحَدُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ
لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا اَحَدٌ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْمَلِكُ

بَدْءُ كُلِّ شَيْءٍ
ابتدای همه چیز

القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله
عما يشركون وانت الله لا اله الا انت الخالق البارئ المصور لك
الاسماء الحسنى يسبح لك ما في السموات والارض وانت الله العزيز
الحكيم وانت الله لا اله الا انت الكبير المتعال والكبرياء رداؤك
اللهم انك سابغ النعماء حسن البلاء جزيل العطاء مقسط
القضاء باسط اليدين بالرحمة فتاح نفاع بالخيرات كاشف الكربات
رفيع الدرجات منزل الآيات من فوق سبع سموات عظيم البركات
مخرج من في الظلمات الى النور مبدل السيئات حسنات وجاعل
الحسنات درجات اللهم انك دنوت في علوك وعلوت في دنوك
فدنوت فليس دونك شيء وارتفعت فليس فوقك شيء ترى ولا ترى
وانت بالمنظر الاعلى فالق الحب والنوى لك ما في السموات العلى و
لك الكبرياء في الآخرة والاولى اللهم انك غافر الذنب شديد
العقاب ذو الطول لا اله الا انت اليك المصير وسعت رحمتك كل
شيء وبلغت حجتك ولا معقب لحكمك وانت لا تخيب سائلك انت

الذي لا دافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت انت الذي اثبت كل
شيء بحكمتك واحصيت كل شيء بعلمك واتقنت كل شيء بحكمتك
ولا يفوتك شيء بعلمك ولا يمتنع عنك شيء انت الذي لا يعجزك
هاربك ولا يمتنع ضريعك ولا ينجي قبيلك انت علوت فقهرت
وملكت فقدرت وبطنت فخبرت وعلى كل شيء ظهرت علمت خائنة
الاعين وما تخفي الصدور وتعلم ما تحمل كل انثى وما تضع وما تغيض
الارحام وما تزداد وكل شيء عندك بمقدار انت الذي لا تنسى من
ذكرك ولا تضيع من توكل عليك انت الذي لا يشغلك ما في
جو ارضك عما في جو سمواتك ولا يشغلك ما في جو سمواتك عما
في جو ارضك انت الذي تعززت في ملكك ولم يشركك احد
في جبروتك انت الذي علا كل شيء ملكك وملك كل شيء
امرك انت الذي ملكت الملوك بقدرتك واستعبدت الارباب
بعزتك وانت الذي قهرت كل شيء بقوتك وعلوت كل شيء
بفضلك انت الذي لا يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما

ودايع: امانتهان
سمائك

عِنْدَكَ اَنْتَ الَّذِي لَا يَصِفُ الْوَاصِفُونَ عَظَمَتَكَ وَلَا يَسْتَطِيعُ الْمَرْءُ الْوُرُ...

نزدیک تو که ستایش نمی‌توانند ستایش کنندگان بزرگی ترا و نتوانند آرزوها...

تحويلك انت شفاء لما في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين انت

گردانیدن ترا توئی شفا ... هدایت و رحمت برای گروندگان توئی

الذي لا يخيبك سائل ولا ينقصك نائل ولا يبلغ مدحك مادح

که بی‌بهره نگرداند ترا خواهنده و کم نمیکند ترا بخشش و نمیرساند ستایش ترا ستاینده

ولا قائل انت الكائن قبل كل شيء والمكون لكل شيء والكائن

و نه گوینده توئی بودی پیش از هر چیز و پدید کننده مر هر چیز و بودی

بعد كل شيء انت الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تولد ولم يكن لك

پس از هر چیز توئی یگانه بی‌نیاز که نزادی و زاده نشده

كفوا احد ولم تتخذ صاحبة ولا ولدا السموات ومن فيهن لك

آسمانها و آنچه در آنهاست برای تست

والارضون ومن فيهن لك وما بينهن وما تحت الثرى احصيت كل

و زمینها و آنچه در میان آنهاست ... و آنچه زیر خاک است شمار کرده هر

شيء واحطت به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء وانت لا تسئل

چیزها ... و توئی ... آنچه میخواهی و توئی پرسیده نشوی

عما تفعل وهم يسئلون وانت الفعال لما تريد وانت القريب و

از آنچه میکنی و ایشان پرسیده میشوند

انت البعيد وانت السميع وانت البصير وانت الماجد وانت الواحد

و توئی شنوا و توئی بینا و توئی بزرگوار و توئی یگانه

وانت العليم وانت الحكيم وانت الغني وانت الكريم وانت البار

و توئی دانا و توئی ... و توئی بی‌نیاز و توئی بزرگوار و توئی نیکوکار

وانت الرحيم وانت القادر وانت القاهر لك الاسماء الحسنى كلها

و توئی بخشاینده و توئی توانا و توئی ... نامهای نیکو همه آن

وانت الجواد الذي لا تبخل وانت العزيز الذي لا تذل وانت ممتنع

و توئی بخشنده که نابخیلی میکنی و توئی ارجمند که خوار نمیشوی و توئی ...

لا ترام يسبح لك ما في السموات والارض وانت بالخير اجود منك

... تسبیح میکند ترا آنچه در آسمانها و زمین و تو ... بخشنده‌تری

بينهما

بالشر انت ربي ورب آبائي الاولين انت تجيب المضطر اذا دعاك

... توئی پروردگار من و پروردگار پدران پیشینیان من توئی جواب میدهی بیچاره را هرگاه خواند ترا

انت نجيت نوحا من الغرق وانت غفرت لداود ذنبه وانت نفست

تو رستگاری دادی نوح را از غرق و تو آمرزیدی برای داود گناه او را و تو ...

عن ذي النون كربه وانت كشفت عن ايوب ضره ورددت موسى

از خداوند ماهی ... و تو باز داشتی از ایوب آزار او را و بازگردانیدی موسی را

على امه وانت صرفت قلوب السحرة اليك فقالوا آمنا برب العالمين

بر مادرش و تو گردانیدی دلهای جادوگران را بسوی خود ... گرویدیم به پروردگار جهانیان

وانت ولي نعم الصالحين لا يذكر منك الا الحسن الجميل وما

و توئی خداوند نعمت شایستگان یاد کرده نشد از تو مگر خوب نیکو و آنچه

لا يذكر اكثر لك الآلاء والنعم وانت المحسن المجمل لا تبلغ

یاد کرده نشد ... و توئی نیکوکار ... نمیرسد

مدحتك ولا الثناء عليك كما اثنيت على نفسك سبحانك

ستایش ترا و نه آفرین کردن بر تو چنانکه آفرین کردی بر خودت پاکا تو

وبحمدك تباركت اسماؤك وجل ثناؤك ما اعظم شانك واجل

و بستایش تو ... نامهای تو ... آوازه تو ... بزرگست پایه تو و بزرگوار

مكانك وما اقربك من عبادك والطفك بخلقك وامنعك

جای تو ... نزدیکی تو ... وچه مهربانی تو با آفریدگان ...

بقوتك انت اعز واجل واسمع وابصر واعلى واكبر واظهر واشكر

... توئی ارجمند و بزرگوار و شنوا و بینا و بلندتر و بزرگتر ...

واقدر واعلم واجبر واكبر واعظم واقرب واملك واوسع وامنع

و توانا و دانا و ... و بزرگتر و نزدیکتر و خداوندتر ...

واعطي واحكم وافضل واحمد من ان تدركك العيون عظمتك

... از آنکه دریابد ... بزرگی ترا

او يصف الواصفون صفتك او يبلغوا غايتك اللهم انت الله

یا ... ستایش کنندگان ... بار خدایا توئی خدا

الذي لا اله الا انت اجل من ذكر واشكر من عبد وارءف من ملك

که نیست خدائی مگر تو بزرگتر کسی یاد کرده ... مهربانتر کسی ...

العيون
جتها

شكر
شاكرده

واجود من سئل واوسع من اعطى تحلم بعد ما تعلم وتعفو وتغفر
بعد ما تقدر ولم نطع قط الا باذنك ولم نعص قط الا بعلمك
نطيع ربنا فتشكر ونعصي ربنا فتغفر اللهم انت اقرب حفيظ
وادنى شهيد حلت بين القلوب واخذت بالنواصي واحصيت
الاعمال وعلمت الاخبار وبيدك المقادير والقلوب اليك مفضية
والسر عندك علانية والمهتدي من هديت والحلال ما احللت
والحرام ما حرمت والدين ما شرعت والامر ما قضيت تقضي ولا
يقضى عليك اللهم انت الاول فليس قبلك شيء وانت الآخر فليس
بعدك شيء وانت الظاهر فليس فوقك شيء وانت الباطن فليس
دونك شيء وانت العزيز الحكيم اللهم بيدك مقادير الليل و
النهار وبيدك مقادير الشمس والقمر وبيدك مقادير النصر و
الخذلان وبيدك مقادير الدنيا والآخرة وبيدك مقادير الموت
والحيوة وبيدك مقادير الخير والشر صل على محمد وآل محمد
واغفر لي كل ذنب اذنبته في ظلم الليل وضوء النهار عمدا

مُغْضِيَةٌ

اللهم

خطاء

اوخطاء سرا او علانية انك على كل شيء قدير وهو عليك سهل
يسير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم اني اثني عليك
باحسن ما اقدر عليه واشكرك بما مننت به علي وعلمتني من
شكرك اللهم لك الحمد بمحامدك كلها على نعمائك كلها وعلى جميع
خلقك حتى ينتهي الحمد لك الى ما تحب ربنا وترضى اللهم لك الحمد
عدد ما خلقت وعدد ما ذرأت ولك الحمد عدد ما برأت ولك الحمد
عدد ما احصيت ولك الحمد عدد ما في السموات والارضين ولك
الحمد ملء الدنيا والآخرة يكده مرتبه لا اله الا الله وحده لا شريك له
له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على
كل شيء قدير وده مرتبه استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم واتوب
اليه وده مرتبه يا الله يا الله وده مرتبه يا رحمن يا رحمن وده مرتبه يا رحيم يا رحيم
وده مرتبه يا بديع السموات والارض وده مرتبه يا ذا الجلال والاكرام وده مرتبه
يا حنان يا منان وده مرتبه يا حي يا قيوم وده مرتبه بسم الله الرحمن الرحيم وده مرتبه
اللهم صل على محمد وآل محمد يكي اللهم لك الحمد ولي الحمد

ومنتهى الحمد وفي العهد غير الجند فله الحمد الحمد لله الذي كان
عرشه على الماء حين لا شمس تضيء ولا قمر يسري ولا بحر يجري ولا
رياح تذري ولا سماء مبنية ولا ارض مدحية ولا ليل يجن
ولا نهار يكن ولا عين تنبع ولا صوت يسمع ولا جبل مرسى ولا سحاب
منشئ ولا انس مبرو ولا جن مذرو ولا املاك كرام ولا شيطان رجيم
ولا ظل ممدود ولا شيء معدود الحمد لله الذي استحمد الى من
استحمد من اهل محامده ليحمدوه على ما بدل لهم من نوافله الذي
فاق مدح المادحين مآثر محامده وعدا وصف الواصفين هيبة
جلاله هو اهل لكل حمده ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة الواحد
الذي لا ابتداء له الملك الذي لا زوال له الرفيع الذي ليس فوقه ناظر
ذو المغفرة والرحمة المحمود لبذل نواله المعبود لهيبة جلاله المذكور
بحسن الائه المنان بسعة فواضله المرغوب اليه في تمام المواهب
من خزائنه العظيم الشان الكريم في سلطانه العلي في مكان المحسن
في امتنانه الجواد في فواضله الحمد لله بارئ خلق المخلوقين بعلمه ومصور

تدمع
اشك ميريزد

مبرؤ

امجاد

اجساد العباد بقدرته ومخالف صور من خلق من خلقه ونافخ الارواح
في خلقه بعلمه ومعلم من خلق من عباده اسمه ومدبر خلق السموات
والارض بعظمته الذي وسع كل شيء خلق كرسيه وعلا بعظمته
فوق الاعلين وقهر الملوك بجبروته الجبار الاعلى المعبود في سلطانه
المتسلط بقوته المتعالي في دنوه المتداني من كل شيء في ارتفاعه
الذي نفذ بصره في خلقه وحارت الابصار لشعاع نوره الحمد لله
الحليم الرشيد القوي الشديد المبدئ المعيد الفعال لما يريد الحمد
لله منزل الايات وكاشف الكربات ومؤتي السؤلات الحمد لله في
كل مكان وفي كل زمان وفي كل اوان الحمد لله الذي لا ينسى من
ذكره ولا يخيب من دعاه ولا يذل من والاه الذي يجزي بالاحسان
احسانا وبالصبر نجاة الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض و
له الحمد في الاخرة وهو الحكيم الخبير الحمد لله فاطر السموات والارض
جاعل الملئكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق
ما يشاء ان الله على كل شيء قدير سبحان الله والحمد لله ولا اله

إلا الله والله أكبر ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم وسبحان
الله حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السموات والأرض و
عشيا وحين تظهرون وسبحان الله آناء الليل وأطراف النهار و
سبحان الله بالغدو والآصال وسبحان ربك رب العزة عما يصفون
وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين الحمد لله كما يحب ربنا
وكما يرضى حمدا كثيرا طيبا وسبحان الله كلما سبح الله شيء وكما
يحب الله أن يسبح والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله أن يحمد
ولا إله إلا الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله أن يهلل والله أكبر
كلما كبر الله شيء وكما يحب الله أن يكبر ولا حول ولا قوة إلا بالله
العلي العظيم پس بخوان این اللهم إني أسألك يا الله يا رحمن هفت مرتبه
دعای محزون را
بأسمائك الحسنة المرضية المكنونة يا الله اللهم إني أسألك بأسمائك
الكبيرة الكبرى الشريفة اللهم إني أسألك بأسمائك العزيزة المنيعة
وأسألك بأسمائك التامة الكاملة المشهورة يا الله وأسألك
بأسمائك التي هي رضاك يا الله وأسألك بأسمائك التي لا يردها

دونک

دونك أحد يا الله وأسألك من مسائلك بما عاهدت أوفى العهد
يا الله أن لا تخيب سائلك يا الله وأسألك بجملة مسائلك التي لا
ينبغي بجملها شيء غيرك يا الله هفت مرتبه وأسألك بكل اسم أوجبته و
بكل اسم هو لك وكل مسئلة حتى ينتهي إلى اسمك الأعظم
الأعظم الأكبر العلي الأعلى الذي استويت به على
عرشك واستقللت به على كرسيك وهو اسمك الفاضل الكامل
الذي فضلته على جميع أسمائك يا رحمن هفت مرتبه وأسألك بما لا أعلم
ما لو علمته لسئلتك به يا الله وبكل اسم استأثرت به في علم الغيب
عندك يا رحمن يا رحمن أن تصلي على محمد عبدك ورسولك و
نبيك وأمينك وحبيبك وصفوتك من خلقك وخاصتك
من بينك ونجيك ونجيبك وحبيبك وصفيك وعلى أهل
بيت محمد وترحم على محمد وآل محمد كأفضل وأجمل وأزكى و — وأهل بيته
أطهر وأعظم وأكثر وأتم ما صليت على أحد من أنبيائك و
رسلك يا ذا الجلال والإكرام اللهم صل على محمد وآل محمد

فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

فِي الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ

أَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَالشَّرَفَ

وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ اللَّهُمَّ أَكْرِمْ مَقَامَهُ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ

نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَعْلِ كَعْبَهُ وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَأَظْهِرْ عُذْرَهُ

وَدَعْوَتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَتَلَا آيَاتِكَ وَأَمَرَ

بِطَاعَتِكَ وَائْتَمَرَ بِهَا وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَانْتَهَى عَنْهَا فِي سِرٍّ وَ

عَلَانِيَةٍ وَجَاهَدَ حَقَّ الْجِهَادِ فِيكَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِهِ اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ عَلَيْهِ

الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ

وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَابْعَثْنَا فِي شِيعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ

يَتَّبِعُهُ وَلَا تَحْجُبْنَا عَنْ رُؤْيَتِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا مُرَافَقَتَهُ حَتَّى تُسْكِنَنَا

غُرَفَهُ وَتُخَلِّدَنَا فِي جِوَارِ رَبَّانِيٍّ أَحِبَّتَهُ فَأَحْيِنِي لِذَلِكَ وَلَا تُفَرِّقْ

بَيْنِي وَبَيْنَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّد

مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا

يَسِيرًا وَانْصُرْهُمْ نَصْرًا عَزِيزًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَاجْعَلْهُمْ أَئِمَّةً وَاجْعَلْهُمُ الْوَارِثِينَ

اللَّهُمَّ أَرِهِمْ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَأْمُلُونَ وَأَرِ عَدُوَّهُمْ مِنْهُمْ مَا يَحْذَرُونَ اللَّهُمَّ

اجْمَعْ بَيْنَهُمْ فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ اللَّهُمَّ عَجِّلِ الرَّوْحَ وَالْفَرَجَ لِآلِ مُحَمَّدٍ

اللَّهُمَّ اجْمَعْ عَلَى الْهُدَى أَمْرَهُمْ وَاجْعَلْ قُلُوبَهُمْ عَلَى قُلُوبِ خِيَارِهِمْ

وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَأَعْتِقْهُمَا مِنَ

النَّارِ وَارْحَمْهُمَا وَارْضِهِمَا عَنِّي وَاغْفِرْ لِكُلِّ وَالِدٍ لِي دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ

وَلِأَهْلِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ قَرَابَتِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي

وَجَمِيعَ ذُرِّيَّتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ مِنْ أَهْلِ وِلَايَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَإِنَّكَ لَا

يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ غَيْرُكَ يَا رَحْمَنُ اللَّهُمَّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَكَ وَأَشْكُرَ

نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ

أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَاجْزِ وَالِدَيَّ

مُحِبِّكَ از دوستان تو

والديّ خير ما جزيت والداً عن ولده واجعل ثوابهما عنّي جنات النعيم
واغفر لنا ولإخواننا الذين سبقونا بالإيمان ولا تجعل في قلوبنا غلّاً
للذين آمنوا ربنا إنك رؤوف رحيم واغفر لنا وللمؤمنين والمؤمنات
الأحياء منهم والأموات اللهم أصلح ذات بينهم واجمع على الهدى
أمرهم واجعلني وإياهم على طاعتك ومحبتك اللهم والمم شعثهم
واحقن دماءهم وولّ أمرهم خيارهم أهل الرأفة والمعدلة عليهم
إنك على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب اللهم بديع السماوات و
الأرض عالم الغيب والشهادة ذا الجلال والإكرام والجود والقوة
والسلطان والجبروت والملكوت والكبرياء والعظمة والقدرة
والمدحة والرهبة والرغبة والجود والعلو والحجة والهدى والطاعة
والعبادة والأمر والخلق وكل شيء لك يا رب العالمين يا ربنا ربّ
يا ربنا أسألك يا رب سؤال الضارع المتضرع من المساكين
المستكين الراغبين الراهبين الذين لا يجدون سواك يا من يجيب
المضطر ويكشف الضر ويجيب الداعي ويعطي السائل أسألك يا رب

(حاشية: وارحمهم — الصالحين / نیکوکاران — يجدون)

سؤال

سؤال من لم يجد لضعفه مقوّياً ولا لذنبه غافراً ولا لفقره سادّاً
غيرك أسألك سؤال من اشتدت فاقته وضعفت قوته وكثرت
ذنوبه يا ذا الجلال والإكرام يا رب يا رب يا رب أسألك يا رب
مسألة كل سائل ورغبة كل راغب تبدل إلى دعائي أجب
وبحق السائلين عليك وبحق صفوتك ومنتهى العز من عرشك
ومنتهى الرحمة من كتابك أن لا تستدرجني بخطيئتي ولا تجعل
مصيبتي في ديني واذكرني يا رب برضاك ولا تنسني حين تنشر
رحمتك وأقبل عليّ بوجهك الكريم وامنن عليّ بكرامتك يا كريم
العفو واستجب دعائي وارحم تضرعي فإني بائس فقير خائف مستجير
من عذابك لا أثق بعملي ولكني أثق برحمتك يا رب يا رب يا رب
اللهم كن بي حفيّاً ولا تجعلني بدعائك رب شقيّاً وامنن عليّ
بعافيتك وأعتق رقبتي من النار فإني لا أستغيث بغيرك وأستجيرك
فأجرني من كل هول ومشقة وخوف وآمن خوفي وشجّع جبني وقوّ
ضعفي وسدّ فاقتي وأصلح لي جميع أموري يا رب أعوذ بك من هول

(حاشية: من عبادك / از بندگان تو — ولا تنسني خير أتيته — برحمتك / ببخشودنت)

المطلع ومن شدة الموقف يوم الدين فإنك لا تجير ولا يجار عليك يا رب
يا رب يا رب اللهم لا تعرض عني حين أدعوك ولا تصرف عني وجهك
حين أسألك فلا أرب لي سواك وأعطني مسألتي وآمن خوفي يوم
ألقاك اللهم إني أعوذ بك فأعذني فإني ضعيف خائف مستجير
بك فقير يا رب يا رب يا رب اللهم اكشف ضر ما استعذت بك
منه وألبسني رحمتك وجللني عافيتك وآمني برحمتك فإنك
تجير ولا يجار عليك اللهم إني أعوذ بك من وحشة القبر ومن حلوله
ومن ظلمته وضيقه وعذابه ومن هول ما أتخوف بعده يا رب العالمين
يا رب يا رب يا رب اللهم إني أسألك أن تصلي على محمد وأهل بيته
صفوتك وخيرتك من خلقك وأن تستجيب لي دعائي وتعطيني سؤلي
وأكفني أمر آخرتي ودنياي وارحم فاقتي واغفر ذنوبي ما تقدم منها
وما تأخر وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني برحمتك
عذاب النار اللهم ارزقني صلة قرابتي وحجا مقبولا وعملا صالحا
مبرورا ترضاه ممن عمل به وأصلح لي أهلي وولدي وأسألك أن تجعل

عقبا

عقبا صالحا تلحقني من دعائهم رضوانا ومغفرة وزيادة في كرامتك
إنك على كل شيء قدير وأنت أرحم الراحمين يا رب يا رب يا رب
اللهم وكلما كان في قلبي من شك أو ريبة أو جحود أو قنوط أو فرح
أو مرح أو بطر أو فخر أو خيلاء أو جبن أو خيفة أو رياء أو سمعة
أو شقاق أو نفاق أو كفر أو فسوق أو عصيان أو عظمة أو شيء مما
لا تحب عليه أولياءك فأسألك بحق محمد وآل محمد أن تمحو ذلك
وأن تبدلني مكانه إيمانا وعدلا ورضى بقضائك ووفاء بعهدك
ووجلا منك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما عندك وثقة بك و
طمأنينة إليك وتوبة إليك نصوحا يا رب يا رب يا رب اللهم
لك الحمد كما خلقتني ولم أك شيئا مذكورا فأعني على أهوال الدنيا
وبوائق الدهر ونكبات الزمان وكرب الآخرة ومصيبات الليالي
في قدرك ورضني بقضائك اللهم افتح مسامع قلبي لذكرك
وارزقني شكرا وتوفيقا وعبادة وخشية يا رب العالمين يا رب
يا رب يا رب اللهم اطلع إلى اليوم اطلاعة تدخلني بها الجنة

من قلبي

والأيتام واخفض [illegible]
الظالمون [illegible]
يا [illegible]

على

اللهم استجب دعائي واقبله مني واجعله دعاءً جامعاً يوافق بعضه
بعضاً فان كل شيءٍ عندك بمقدار اللهم واجعله من شانك فانك
كل يوم في شان اللهم واكتبه لي في عليين في كتاب لا يمحى ولا
يبدل بان تقول قد غفرت لعبدي ما تقدم من ذنبه وما تاخر
واستجبت له دعوته ووفقته واصطفيته لنفسي وكرمته
وفضلته وعصمته وهديته وزكيته واصلحته واستخلصته
وغفرت له وعفوت عنه امين يا رب يا رب يا ربا اللهم اني
اتوجه اليك بنبيك نبي الرحمة محمد صلى الله عليه واله في خلاص
وخلاص والدي وما ولدا واهلي وولدي وجميع ذريتي ابي واخواني
فيك وجميع المؤمنين والمؤمنات وكل والدي دخل في الاسلام
من اهوال يوم القيمة ومن شر عذاب القبر ومن شر هموم الدنيا
والاخرة واهوالها واسالك ان ترزقني عزها وتصرف عني شرها
وتثبتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الاخرة انك رؤف
رحيم وصلى الله على محمد واله وسلم كثيراً وحسبنا الله ونعم

واستخلصته

الوكيل

الوكيل يا رب يا رب يا ربا اللهم اني اسئلك ان تصرف عني شر
كل جبار عنيد وشيطان مريد وشر كل ضعيف من خلقك وشديد
ومن شر السامة والهامة واللامة والخاصة والعامة ومن شر
كل دابة صغيرة او كبيرة بالليل والنهار ومن شر فسقة العرب والعجم
ومن شر فسقة الجن والانس انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد واله خير مخلوق دعا الى خير
معبود اللهم ربنا واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا
برحمتك عذاب النار يا رب يا رب يا ربا اللهم وما كان من خير
او عمل صالح اسالك به واكون في رضوانك وعافيتك وما
صلح من ذلك من البر فامنن علي به اني اليك راغب وبك مستجير
اللهم ما استعفيتك منه وما لم استعفك منه وتوجب علي به
النار وسخطك فاعفني منه وما عذت من الخازي يوم القيمة وسوء
المطلع الى ما في القبور فاعذني منه اللهم وما اندم عليه من فعلي
له واجازى عليه يوم المعاد او تراني في الدنيا على الحال التي

فاعفو

تورث سخطك فاسئلك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي من جميع
ذلك يا ولي العافية يا رب يا رب يا رب واسألك يا رب مع
ذلك العافية من جهد البلاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء
وان تحملني ما لا طاقة لي به وان تسلط علي ظالما او تبتليني بما
لا طاقة لي به وتناقشني الحساب يوم الحساب مناقشة بمساوي
احوج ما اكون الى عفوك وتجاوزك اسألك بوجهك الكريم ان
تعظم عافيتي في جميع ذلك يا ولي العافية اي من عفا عن السيئات
ولم يجازيها ارحم عبدك يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله
نفسي نفسي ارحم عبدك يا سيداه عبدك بين يديك يا رباه
يا رباه يا رباه يا منتهى رغبتاه يا مجري الدم في عروق عبدك
يا سيداه يا مالك عبده يا سيداه يا مالكاه يا هو يا رباه لا حيلة لي
ولا غناء بي عن نفسي ولا استطيع لها ضرا ولا نفعا ولا ارجاء لي
ولا احدا اصانعه تقطعت اسباب الخدائع عني واضمحل عني كل
باطل افردني الدهر اليك فقمت هذا المقام الهي بعلمك فكيف

انت صانع بي ليت شعري ولا اشعر كيف تقول لدعائي اتقول
نعم او تقول لا فان قلت لا فيا ويلتاه يا ويلتاه يا ويلتاه يا
عولتاه يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا ذلاه
يا ذلاه يا ذلاه الى من والى عند من او كيف او بماذا او الى اي
شيء ومن ارجو او من يعود علي ان رفضتني يا واسع المغفرة
وان قلت نعم كما الظن بك فطوبى لي انا السعيد فطوبى لي
انا المسعود فطوبى لي انا المرحوم ايا مترحم ايا مترئف ايا
متعطف يا متحنن ايا متملك ايا متسلط لا عمل لي ارجو به نجاح
حاجتي ولا احد انفع لي منك يا من عرفني نفسه يا من امرني
بطاعته يا مدعو يا مسئول ايا مطلوب اليه رفضت وصيتك
التي اوصيتني ولو اطعتك لكفيتني ما قمت اليك فيه من
قبل ان اقوم وانا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين
ما رجوته وارددني يدي ملاء من خيرك بحقك يا سيدي يا وليي
انا من قد عرفت سر عبده وانت خبير رب يا مخشي الانتقام

يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله يا محيط بملكوت السموات والارض

اصلحني لدنياي واصلحني لديني واصلحني لآخرتي واصلحني

لاهلي واصلحني لولدي واصلح لي ما خولتني يا الهي واصلحني

من خطاياي يا حنان يا منان تفضل علي برحمتك وامنن علي

باجابتك وصل اللهم على محمد النبي واهله وسلم وحل بيني

وبين ما حلت بينه وبين اهل بيت محمد من الباطل وآتنا في

الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة يا ارحم الراحمين پس بگو

بسم الله الرحمن الرحيم والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن

الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم

له ما في السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا

باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه

الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما

وهو العلي العظيم الم الله لا اله الا هو الحي القيوم هو الذي

يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم

لوالدتي
به مادر من

الذين

الذين يقولون ربنا اننا آمنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار

الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين والمستغفرين با

لاسحار شهد الله انه لا اله الا هو والملئكة واولوا العلم قائما

بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام

الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه ومن

اصدق من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق كل

شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل اتبع ما اوحي اليك

من ربك لا اله الا هو واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني

رسول الله اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض لا اله

الا هو يحيي ويميت فآمنوا بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون

وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه وتعالى

عما يشركون لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم

حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا

اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه

ورسوله النبي الامي الذي
يؤمن بالله

الغرق قال آمنت أنه لا إله إلا الذي آمنت به بنوا إسرائيل وأنا
غرق شدن یافت گفت گرویدم که نیست خدائی جز آنکه گرویدند باو پسران یعقوب و من
من المسلمين فإن لم يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله و
از مسلمانانم پس اگر اجابت نکنند مر شما را پس بدانید که آنچه فرستاده شد بدانش خدا است
أن لا إله إلا هو فهل أنتم مسلمون قل هو ربي لا إله إلا هو
و آنکه نیست خدائی مگر او پس آیا هستید شما مسلمانان بگو او پروردگار من است نیست خدائی جز او
عليه توكلت وإليه متاب أن أنذروا أنه لا إله إلا أنا
بر او توکل کردم و بسوی او است بازگشت که بترسانید که نیست خدائی مگر من
فاتقون الله لا إله إلا هو له الأسماء الحسنى فاستمع لما يوحى
پس بترسید از من خدا نیست خدائی جز او مر او راست نامهای نیکو پس بشنو هرچه پیغام کرده میشود
إنني أنا الله لا إله إلا أنا فاعبدني وأقم الصلوة لذكري إنما
بدرستی که منم من خدا که نیست خدائی جز من پس بپرست مرا و بپای دار نماز را برای یاد من جز این نیست
إلهكم الله الذي لا إله إلا هو وسع كل شيء علما وما أرسلنا من
که خدای شما که نیست خدائی جز او فرا رسید هر چیز را از دانش و نفرستادیم
قبلك من رسول إلا يوحى إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون وذا
پیش از تو هیچ فرستاده مگر که پیغام میفرستادیم باو که نیست خدائی جز من پس بپرستید مرا و خداوند
النون إذ ذهب مغاضبا فظن أن لن نقدر عليه فنادى في
ماهی یونس را هنگامی که رفت خشمناک پس گمان کرد که هرگز تنگ نخواهیم گرفت براو پس آواز داد در
الظلمات أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبنا
تاریکیها که نیست خدائی جز تو پاکا تو بدرستی که من هستم از ظالمان پس اجابت کردیم
له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فتعالى الله الملك
مر او را و رهانیدیم اورا از اندوه و همچنین میرهانیم گروندگان را پس برتر آمد خدا پادشاه
الحق لا إله إلا هو رب العرش الكريم الله لا إله إلا هو رب
راست درست نیست خدائی جز او پروردگار عرش گرامی خدا نیست خدائی جز او پروردگار
العرش العظيم وهو الله لا إله إلا هو له الحمد في الأولى والآخرة
عرش بزرگوار و اوست خدا نیست خدائی جز او مراوراست ستایش در این جهان و آن جهان
وله الحكم وإليه ترجعون يا أيها الناس اذكروا نعمة الله عليكم
و مراوراست فرمان و بسوی او گردانیده میشوید ای مردمان یاد کنید نعمة خدا را بر شما

هل من

هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والأرض لا إله إلا
آیا هیچ باشد آفریننده جز خدا که روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست خدائی جز
هو فأنى تؤفكون إنهم كانوا إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون
او پس کجا برگردانیده میشوید بدرستی که ایشان بودند که چون گفته میشد مر ایشان را نیست خدائی جز خدا سرکشی
ذلكم الله ربكم له الملك لا إله إلا هو فأنى تصرفون غافر
میکردند این است خدا پروردگار شما مراوراست پادشاهی نیست خدائی جز او پس کجا برگردانیده میشوید آمرزنده
الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول لا إله إلا
گناه و پذیرنده توبه سخت عذاب کننده خداوند توانگری نیست خدائی جز
هو إليه المصير ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا إله إلا هو
او بسوی اوست بازگشت این است خدا پروردگار شما آفریننده هر چیزی نیست خدائی جز او
فأنى تؤفكون تبارك الله رب العالمين لا إله إلا هو يحيي ويميت
پس کجا برگردانیده میشوید افزون آمد خدا پروردگار عالمیان نیست خدائی مگر او زنده میکند و میمیراند
ربكم ورب آبائكم الأولين فاعلم أنه لا إله إلا الله واستغفر
پروردگار شما و پروردگار پدران پیشینیان شما پس بدان که نیست خدائی جز خدا و آمرزش خواه
لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثواكم
برای گناهت و برای مردان گرونده و زنان گرونده و خدا میداند جای گردش شما و آرامگاه شما را
لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية
اگر فرو فرستاده بودیم این قرآن را بر کوهی هر آینه دیدی او را فروتن شکافته شده از ترس
الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي
خدا و این داستانها میزنیم برای مردمان باشد که ایشان اندیشه کنند اوست خدائی که
لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله
نیست خدائی مگر او دانای نهان و آشکارا اوست بخشنده مهربان اوست خدائی
الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
که نیست خدائی مگر او پادشاه پاک از عیبها ایمن کننده نگهبان
العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق
بی مثل و کامل بزرگوار است پاکا خدا از آنچه انباز میگیرند اوست خدای آفریننده
الباري المصور له الأسماء الحسنى يسبح له ما في السموات
پدید آرنده پیکرکش مر او راست نامهای نیکو پاکی یاد میکند او را آنچه در آسمانها

والارض وهو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل
المؤمنون رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا
پس هفت مرتبه بگو وانه لكتاب عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا
من خلفه تنزيل من حكيم حميد پس بگو آمنا بالله وما انزل الينا
وما انزل الى ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط
وما اوتي موسى وعيسى وما اوتي النبيون من ربهم لا نفرق
بين احد منهم ونحن له مسلمون ربنا رب السموات والارض لن
ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططا الحمد لله الذي هدانا لهذا
وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق
صلى الله عليهم اجمعين پس بگو السلام عليك يا رسول الله السلام
عليك يا نبي الله السلام عليك يا خيرة الله من خلقه وامينه
على وحيه السلام عليك يا مولاي يا امير المؤمنين انت حجة
الله على خلقه وامينه على وحيه وباب علمه ووصي نبيه
والخليفة من بعده في امته لعن الله امة غصبتك حقك

وقعدت

وقعدت مقعدك انا بريء منهم ومن شيعتهم اليك السلام
عليك يا فاطمة البتول السلام عليك يا زين نساء العالمين
السلام عليك يا بنت رسول الله رب العالمين صلى الله عليه
وعليه السلام عليك يا ام السبطين الحسن والحسين لعن
الله امة غصبتك حقك ومنعتك ما جعله الله لك حلالا
انا بريء اليك منهم ومن شيعتهم السلام عليك يا مولاي يا
ابا محمد الحسن الزكي لعن الله امة قتلتك وبايعت في امرك
وشايعت انا بريء اليك منهم ومن شيعتهم السلام عليك يا
مولاي يا ابا عبد الله الحسين بن علي صلوات الله عليك وعلى
ابيك وجدك محمد المصطفى صلى الله عليه وآله لعن الله امة
استحلت دمك ولعن الله امة قتلتك واستباحت حريمك
ولعن الله اشياعهم واتباعهم ولعن الله الممهدين لهم بالتمكين
من قتالكم انا بريء الى الله واليك منهم السلام عليك يا مولاي
يا ابا محمد علي بن الحسين السلام عليك يا مولاي يا ابا جعفر

فی امرك وبايعت
علی
اليكم

محمد بن علی السلام علیک یا مولای یا ابا عبد الله جعفر بن محمد
محمد بن علی درود بر تو ای آقای من ای ابا عبد الله جعفر بن محمد
السلام علیک یا مولای یا ابا الحسن موسی بن جعفر السلام
درود بر تو ای خواجه من ای ابا الحسن موسی بن جعفر درود
علیک یا مولای یا ابا الحسن علی بن موسی الرضا السلام علیک
بر تو ای خواجه من ای ابا الحسن علی بن موسی الرضا درود بر تو
یا مولای یا ابا جعفر محمد بن علی السلام علیک یا مولای یا ابا الحسن
ای خواجه من ای ابا جعفر محمد بن علی درود بر تو ای خواجه من ای ابا الحسن
علی بن محمد السلام علیک یا مولای یا ابا محمد الحسن بن علی السلام
علی بن محمد درود بر تو ای آقای من ای ابا محمد حسن بن علی درود
علیک یا مولای یا ابا القاسم الحجة بن الحسن صاحب الزمان صلی
بر تو ای خواجه من ای ابا القاسم گواه درست پسر حسن خداوند روزگار درود دهاد
الله علیک وعلی عترتک الطاهرة الطیبة یا موالی کونوا شفعائی
خدا بر تو و بر خویشان نزدیک تو پاک پاکیزه ای خواجگان من باشید درخواست کنندگان
لی عند الله فی حط وزری وخطایای آمنت بالله وبما انزل الیکم
برای من نزد خدا در فرو گرفتن بار گناه من و گناهان من گرویدم بخدا و بانچه فرستاده شد بسوی شما
وأتوالی آخرکم بما أتوالی به اولکم وبرئت من الجبت والطاغوت
و دوست میدارم انجام شما را بانچه دوست میدارم بحث شما را و بیزارم از جبت ابا بکر و طاغوت عمر
واللات والعزی یا موالی انا سلم لمن سالمکم وحرب لمن حاربکم
ولات عثمان و عزی معاویه ای خواجگان من آشتیم با کسی که آشتی کرد با شما و در جنگم با کسیکه در جنگ است با شما
وعدو لمن عاداکم وولی لمن والاکم الی یوم القیمة ولعن الله
و دشمنم کسی را که دشمن داشت شما را و دوستم کسی را که دوست داشت شما را تا روز رستخیز و نفرین کند خدا
ظالمیکم وغاصبیکم ولعن الله اشیاعهم واتباعهم واهل مذهبهم
ستم کنندگان شما را و غصب کنندگان حق شما را و نفرین کند خدا مانند شان و پیروان ایشان را و هم مذهبان ایشان را
وابرء الی الله والیکم منهم اللهم انی اشهدک وکفی بک شهیدا
و بیزارم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان بار خدایا بدرستی که من گواه میگیرم ترا و بس است بتو گواه
واشهد محمدا صلی الله علیه وآله وعلیا والائمة من ذریتهما
و گواه میگیرم محمد را درود دهاد خدا بر او و خانواده او و علی و پیشوایان از فرزندان ایشان

والثمانیة

والثمانیة حملة عرشک والاربعة الاملاک لخزنة علمک انی
و هشت کس بردارندگان عرش ترا و چهار فرشته خزانه داران دانش ترا بدرستی که من
بریء من اعدائهم فصل علی محمد وعلی اهل بیته الطیبین الطاهرین
بیزارم از دشمنان ایشان پس درود بر محمد و بر مردم خانه اش پاکیزگان پاکان
الصلوة والسلام اللهم اقر عینی بصلوته وصلوة اهل بیته
درود و سلام بار خدایا روشن ساز چشم مرا بدرود دادن او و درود دادن بر مردم خانه اش
واجعل ما هدیتنی الیه من الحق والمعرفة بهم مستقرا لا مستودعا
و بگردان آنچه راه نمودی مرا بسوی آن از حق و شناختن ایشان آرام گیرنده نه عاریه سپرده شده
یا ارحم الراحمین اللهم وعرفنی نفسک وعرفنی رسلک وعرفنی
ای مهربانترین بخشایندگان بار خدایا و بشناسان بمن خودت را و بشناسان بمن فرستادگانت را و بشناسان
ملائکتک وعرفنی ولاة امرک اللهم انی لا آخذ الا ما اعطیت ولا
فرشتگانت را و بشناسان بمن کارداران فرمانت را بار خدایا بدرستی که فرا نگیرم مگر آنچه را تو دادی و
اوقی الا ما وقیت اللهم لا تحرمنی منازل اولیائک ولا تزغ قلبی
نگهداشته نشوم مگر آنچه را تو نگهداشتی بار خدایا محروم مساز مرا از جای فرود دوستانت و مگردان دل مرا
بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب و
بعد از آنکه راه نمودی مرا و ببخش مرا از نزد خود بخشایشی بدرستی که تو بسیار بخشنده و
هیئ لی من امری رشدا اللهم وعلمنی ناطق التنزیل وخلصنی من
بساز برای من از کار من راه راست بار خدایا و بیاموز بمن گویای تنزیل را و رهائی ده مرا از
المهالک اللهم وخلصنی من الشیطان وحزبه ومن السلطان وجنده
افتادنها بار خدایا و رهائی ده مرا از شیطان و سپاهش و از پادشاه و لشکرش
ومن الجن وانصارهم بحق محمد المحمود وبعلی المقصود وبحق شبر
و از پری و یارانش بسزاواری محمد ستوده و علی آهنگ کرده شده و بسزاواری امام حسن
وشبیر وبحق اسمائک الحسنی صل علی محمد افضل الصلوات انک علی
و امام حسین و بسزاواری نامهای نیکوی تو درود ده بر محمد افزونتر پاکان بدرستی که تو بر
کل شیء قدیر وانت بکل شیء محیط یا رب یا رب یا رب یا الله یا الله
هر چیزی توانائی و تو بهمه چیز فرارسیده ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا
یا الله یا رباه یا رباه یا رباه یا سیداه یا سیداه یا سیداه یا مولاه
ای پروردگارا ای مهترا ای مهترا ای خداوندا

يا مولاياه يا مولاياه يا عماد من لا عماد له ويا سند من لا سند له ويا

ای خداوندا ای ستون کسی که ستون نیست مر او را و ای پشت آن کسی که پشت نیست مر او را و ای

ذخر من لا ذخر له انت ربي وانا عبدك على عهدك ووعدك

ای ذخیره کسی که نیست ذخیره مر او را توئی پروردگار من و منم بنده تو بر پیمان تو و وعده تو

اللهم اجعله موقفا محمودا ولا تجعله آخر العهد منا واشركنا في

بار خدایا گردان او را جایگاه ستوده شده و مگردان او را آخر زمان از ما و انباز گردان ما را در

صالح دعاء من دعاك بمنى وعرفات ومزدلفة وعند قبر نبيك

شایسته خواندن کسی که خواند ترا به منی و عرفات و مزدلفه و نزد قبر پیغمبر تو

عليه السلام وعند زمزم والمقام اللهم لك الحمد حيث رفعت

بر او باد سلام و نزد زمزم و مقام ابراهیم بار خدایا مر تراست ستایش از آنجا که بلند کردی

وآله — و بر خاندان او

اقدارنا عن شد الزنانير في الاوساط والخواتيم في الاعناق ولك

جایهای ما را از بستن زنارها در میانها و مهرها در گردنها و مر تراست

الحمد حيث لم تجعلنا زنادقة مضلين ولا مدعية شاكين مرتابين

ستایش از آنجا که نگردانیدی ما را زندیقان گمراهان و نه خواهندگان ...

ولا معارضين ولا عن اهل بيت نبيك صلى الله عليه وآله منحرفين

و نه برگردندگان و نه از مردم خانه پیغمبر تو درود دهاد خدا بر او و خاندانش گردندگان

اللهم كما بلغتنا هذا اليوم المبارك من شهرنا وسنتنا هذه المباركة

بار خدایا چنانکه رسانیدی ما را این روز افزاینده از ماه ما و سال ما این ...

فبلغنا آخرها في عافية وبلغنا اعواما كثيرة برحمتك يا ارحم

پس برسان ما را انجامش در رستگاری و برسان ما را سالهای بسیار به بخشایش خود ای بخشاینده‌تر

الراحمين يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه

بخشایندگان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا ای پروردگارا

يا رباه يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا مولاياه يا مولاياه

ای پروردگارا ای مهترا ای مهترا ای خداوندا ای خداوندا ای خداوندا

اللهم وما قسمت لي في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر

بار خدایا و آنچه بخش کردی در این دم و در این روز و در این ماه

وفي هذه السنة من خير او بركة او عافية او مغفرة او رافة او رحمة

و در این سال از نیکی یا افزونی یا رستگاری یا آمرزش یا مهربانی یا بخشایش

او عتق

او عتق من النار او رزق واسع حلال طيب او توبة نصوح فاجعل

یا آزادی از آتش یا روزی فراخ روای پاکیزه یا بازگشت صاف پاک پس گردان

لنا في ذلك اوفر النصيب واجزل الحظ اللهم وما انزلت في

برای ما در آن بسیار بهره و بزرگ کن بخشش را بار خدایا و آنچه فرو فرستاده در

هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة

این دم و در این روز و در این ماه و در این سال

من حرق او شرق او غرق او هدم او ردم او خسف او قذف او

از آتش یا گلوگیری یا غرق شدن یا ویرانی یا افتادن دیوار یا فرو رفتن به زمین یا سنگ انداختن یا

رجف او مسخ او صيحة او زلزلة او فتنة او صاعقة او برد او جنون

لرزیدن زمین یا گردیدن پیکر یا بانگ یا لرزش زمین یا آشوب یا افتادن آتش یا باران ... یا دیوانگی

او جذام او برص او اكل سبع او ميتة سوء وجميع انواع البلاء

یا خوره یا پیسی یا خوردن ددی یا مردن بد و با همه گونه‌های سختی

في الدنيا والآخرة فاصرفه عنا كيف شئت وانى شئت وعن جميع

در دنیا و آخرت پس بگردان از ما چنانکه خواستی و چنانکه خواستی و از همه

المؤمنين في كل دار ومنزل في شرق الارض وغربها عز جارك

مؤمنان در هر سرا و جایگاه ... زمین ...

وجل ثناؤك ولا اله غيرك وحدك لا شريك لك فاطر السموات

و بزرگ است ... نیست خدائی جز تو تنهائی تو انبازی نیست مر ترا ای آفریننده آسمانها

والارض عالم الغيب والشهادة رب كل شيء ومليكه اشهد ان

و زمین دانای نهان و آشکار پروردگار هر چیز و پادشاهش گواهی میدهم که

لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا صلى الله عليه

نیست خدائی مگر خدای تنها او انبازی نیست مر او را و گواهی میدهم که محمد درود دهاد خدا بر او

وآله عبده ورسوله واشهد ان الجنة حق والنار حق وان الساعة

و خاندانش بنده اوست و فرستاده او و گواهی میدهم که بهشت راست است و آتش راست است و که قیامت

آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور اشهد ان لا اله

آینده است نیست شکی در آن و که خدا برانگیزاند کسانی را که در گورند گواهی میدهم که نیست خدائی

الا الله وحده لا شريك له عليها احيى وعليها اموت وعليها

مگر خدای تنها او انبازی نیست مر او را بر این زنده‌ام و بر این میمیرم و بر آن

أبعث حيا إن شاء الله بعد الموت رضيت بالله ربا وبالإسلام دينا
وبمحمد صلى الله عليه وآله نبيا وبعلي وليا وبالقرآن إماما
وبالكعبة قبلة وبإبراهيم عليه السلام لنبينا أبا وبمحمد صلى الله عليه
وآله نبيا وبأمير المؤمنين صلوات الله عليه للحق موضحا وللجنة
والنار قاسما وبالمؤمنين من شيعته إخوانا لا أشرك بالله شيئا
ولا أتخذ من دونه وليا ولا أدعي معه إلها لا إله إلا الله وحده
لا شريك له إلها واحدا أحدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا
اللهم إني أسألك بالعظيم من لا ألك والقديم من نعمائك والمخزون
من أسمائك وما واراه الحجب من بهائك ومعاقد العز من عرشك
ومنتهى الرحمة من كتابك وبك وحدك لا شريك لك أن تصلي
على محمد وآل محمد وأن ترحم هذه النفس الجزوع وهذا البدن
الهلوع الذي لا يطيق حر شمسك فكيف حر نارك إن تعاقبني لا
يزيد في ملكك شيء وإن تعف عني لا ينقص من ملكك شيء أنت
يا رب بخلقك أرحم وبعبادك أعلم وبسلطانك أرءف وبملكك

اقدم

أقدم وبعفوك أكرم وعلى عبادك أنعم لا يزيد في ملكك طاعة
المطيعين ولا ينقص منه معصية العاصين فاعف عني يا أكرم
الأكرمين ويا أرحم الراحمين ألوذ بعزتك وأستظل بفنائك
وأستجير بعهدك وأستغيث برحمتك وأعتصم بحبلك ولا
أثق إلا بك ولا ألجأ إلا إليك يا عظيم الرجاء يا كاشف البلاء
ويا أحق من تجاوز وعفا اللهم إن ظلمي مستجير بعفوك وخوفي
مستجير بأمانك وفقري مستجير بغناك ووجهي البالي الفاني مستجير
بوجهك الدائم الباقي الذي لا يفنى ولا يزول يا من لا يشغله شأن
عن شأن لا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا أكبر همنا
ولا تسلط علينا من لا يرحمنا وعد بحلمك على جهلنا وبإحسانك
على إساءتنا وبقوتك على ضعفنا وبغناك على فقرنا وأعذنا
من الأذى والقذى والضر وسوء القضاء وشماتة الأعداء
وسوء المنظر في المال والدين والأهل والولد وعند معاينة ملك
الموت اللهم يا رب نشكو غيبة نبينا عنا وقلة ناصرنا وكثرة

إليك

عَدُوِّنا وَشِدَّةَ الزَّمانِ عَلَيْنا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ وَتَظاهُرَ الْخَلْقِ عَلَيْنا
دشمن ما و سختی روزگار بر ما و افتادن آشوبها و هم پشت شدن آفریدگان و کردن ما
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْرُجْ ذٰلِكَ بِفَرَجٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ
بار خدایا درود ده بر محمد و خاندان محمد و بگشا این را بگشایشی از خود که بشتابی آن را و
نَصْرٍ تُعِزُّهُ وَحَقٍّ تُظْهِرُهُ اَللّٰهُمَّ وَابْعَثْ بِقائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
یاری دادنی که ارجمند سازی آن را و حقی که آشکار کنی آن را بار خدایا و برانگیز ایستاده از خاندان محمد درود
وَآلِهِ لِلنَّصْرِ لِدِينِكَ وَاِظْهارِ حُجَّتِكَ وَالْقِيامِ بِاَمْرِكَ وَتَطْهِيرِ
خدا بر او و آل او برای یاری دادن دین ترا و آشکار کردن حجت و ایستادن بفرمانت و پاک کردن
اَرْضِكَ مِنْ اَرْجاسِها بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ
زمینت از پلیدیهاش بخشایشت ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا من پناه میبرم
بِكَ اَنْ اُوالِيَ لَكَ عَدُوًّا اَوْ اُعادِيَ لَكَ وَلِيًّا اَوْ اَسْخَطَ لَكَ رِضًا
بتو که دوست دارم دشمن ترا یا دشمن دارم دوستت را یا ناخشنود باشم از آنچه تو از آن خوشنود باشی
اَوْ اَرْضىٰ لَكَ سَخَطًا اَوْ اَقُولَ لِلْحَقِّ هٰذا باطِلٌ اَوْ اَقُولَ لِلْباطِلِ هٰذا
یا خوشنود باشم ناخوشنودی را یا بگویم مر راستی را که این بیهوده است یا بگویم مر بیهوده را که این
حَقٌّ اَوْ اَقُولَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هٰؤُلاءِ اَهْدىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا
راست است یا بگویم مر آنانی را که کافر شدند که ایشان راه نماتر از آنانند که گرویدند از روی راه راست را
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
بار خدایا درود ده بر محمد و خاندانش و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی
وَقِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النّارِ وسابقا مذکور شد که عمل استفتاح را
و نگهدار ما را به بخشایشت از عذاب آتش
نیز در این روز بعمل آوردن مستحبست

اعمال شب عید قربان

فصل سیم در بیان اعمال ضروریه شب عید قربان و روزش و ایام تشریق است یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بدانکه شب عید اضحی از جمله چهار شب است که احیای آنها سنت مؤکد است و منقولست که در این شب درهای آسمان بسته نمیشود برای آنکه صداهای دعای حاجیان بالا رود و صدای ایشان در آسمان پیچیده است مانند صدای مگس عسل در میان کند و حق تعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار شما و شمائید

بندگان من و حق مرا ادا کردید و بر من لازم است که دعای شما را مستجاب گردانم پس هر که مستحق آمرزش است همه گناهان او را می آمرزد و هر که سزاوار آن نیست گناهانش را کم میکند پس هر که با ایشان در عبادت و دعا شریک شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت امام حسین در این شب سنت است و منقولست که هر که آنحضرت را در این شب زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود

اعمال روز عید

اما اعمال روز عید غسل در آن سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و بهتر آنست که پیش از نماز غسل کند و نماز عید بنا بر مشهور در زمان غیبت امام علیه السلام سنت مؤکدست و بگمان فقیر واجبست بشرایط مقرره و نمازش بهمان کیفیت است که در عید فطر مذکور شد و دعای بسیار پیش از نماز وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها دعای چهل و هشتم صحیفه کامله است که اولش اینست که اَللّٰهُمَّ هٰذا يَوْمٌ مُبارَكٌ و اگر دعای چهل و ششم را که اولش يا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لا يَرْحَمُهُ الْعِبادُ است نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ قدیمه صحیفه استحباب خواندن آن دعا نیز وارد شده است و دعای ندبه بهترین دعاهاست و در این روز و سایر اعیاد سنت است خواندن چنانچه انشاء الله بعد از این در ضمن زیارات مذکور خواهد شد و در این عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی شود احکام این عید قربانی است و آن سنت مؤکد است و بعضی از علما واجب دانسته اند اگر قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که اضحیه واجبست بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود البته بکن و از برای عیال خود اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجه حضرت رسول

منقولست که با آنحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت
اضحیه ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بکنم حضرت فرمود که قرض کن که آن
قرض را خدا ادا میکند و بهتر آنست که در روز عید بکشد و در روز یازدهم
و دوازدهم نیز میتواند کشت و اگر در منی باشد روز سیزدهم نیز میتواند کشت
و بهتر آنست که در دهه ذی الحجه خریده باشد و مکروهست قربانی کردن
حیوانی که در خانه تربیت کرده باشند و میباید شتر یا گاو یا گوسفند یا بز
باشد بکسالش تمام باشد و داخل در سال دویم شده باشد و اگر دو سال
تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند باشد شش ماهه کافیست و اگر
هفت ماهش تمام باشد بهتر است و میباید نقصی در اعضایش نبوده باشد
و کور بیکچشم یا هر دو چشم نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد که راه رفتن بر او
دشوار نباشد و گوشش بریده نباشد و اگر شق شده باشد و جدا نشده باشد
باکی نیست و اگر شق نیز نباشد بهتر است و باید که مغز شاخش نشکسته باشد
و اگر پوستش نیز نشکسته باشد بهتر است و بهتر آنست که بیمار و بسیار
پیر نبوده باشد و سنتست که فربه باشد و باید که بسیار لاغر نباشد که پیه
بر کردهاش نباشد و باید که خصی نباشد یعنی خصیه اش را نبریده باشند
و مکروه است اگر خصیه اش را مالیده باشند و اگر بغیر خصی بهم نرسد خصی را
قربانی میتوان کرد و سنتست که اگر قربانی شتر یا گاو ماده باشد و اگر گوسفند
یا بز باشد نر باشد و سنتست که خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست
قصاب بگذارد و مددی بکند و طریق کشتن آنست که اگر شتر باشد نحر کند
یعنی حربه را مانند کارد یا نیزه در گودال پایین گردنش فرو برد و اگر بعوض آن
ذبح کند حرام میشود و واجبست که رو بقبله بدارد آنرا و نام خدا ببرد

باشد

وسنت

و سنتست که انرا ایستاده بدارد رو بقبله و هر دو دستش را از سر پا
تا زانو بر ریسمانی یا تسمه بر یکدیگر به پیچد و انکه نحر میکند در جانب راست
شتر بایستد و حربه را در نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند یا بز باشد باید
چهار رگ را از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که در جانب حلقومست
و رگی که در پشت حلقوم است که آب و علف از آن رگ بجوف آن میرود و اگر
اینها را نحر کند حرام میشود و سنتست که دعا بخواند در وقت کشتن چنانکه
بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که چون قربانی را بجزی روی آن را
بقبله کن و در وقت وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضَ
نحر یا ذبح بگو گردانیدم روی خود را بسوی کسی که آفرید آسمانها و زمین را
حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلٰوتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ
حق گرای گردن نهاده و نیستم من از انباز گیرندگان بدرستی که نماز من و قربانی من و زندگی من
وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ
و مردگی من از برای خداست و پروردگار عالمیان انباز نیست مر او را و باین فرموده شده ام و من از
الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ پس نحر یا ذبح بکند
مسلمانم بارخدایا از تست و از برای تست بنام خدا و خدا بزرگتر است و بگوید
اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي و فرمود که تا نمیرد سرش را جدا مکن و چون پوست بکند
بارخدایا قبول کن از من سنتست که یکحصه را خود و اهل خانه اش بخورند و بهتر
آنست که خود بآن افطار کند و یکحصه را برای همسایگان بهدیه فرستند
و اگر پریشان باشند بهتر است و یکحصه را بفقرا و سؤال کنندگان
بدهد و اگر اکثر را تصدق کند شاید بهتر باشد و سنتست که پوست
و کله و جمیع اجزای حلال انرا تصدق کند و تصرف نکند و بقصاب
ندهد مگر آنکه قصاب پریشان باشد و بتصدق باو بدهد و در حدیث
صحیح وارد شده است که پوستش را میتواند دباغی بکند و بر روی

آن نماز کند و بنشیند و اگر گوسفند یافت نشود سه نث که قیمت وسطش را
تصدق کند و اگر یکحیوان برای خود و عیال خود بکشد کافیست و اگر یکی
از برای خود و یکی از برای عیال خود بکشد بهتر است و اگر بعدد عیال
بکشد ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده
باشند قربانی کردن خوبست و اگر از برای حضرت رسول و ائمه صلوات الله علیهم
قربانی کند ظاهرا خوبست و منقولست که حضرت رسول دو گوسفند قربانی کردند
و در اول فرمودند که خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده است از اهل بیت
من و در دویم فرمودند خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده است از امت
من و حضرت امیر المؤمنین ع هر سال اول یک گوسفند قربانی میکرد و میفرمود
خداوندا این از پیغمبر تو است پس یک گوسفند دیگر از برای خود قربانی میفرمود
و اگر جمعی قادر نباشند که هر یک قربانی جدا بکنند جایز است که با یکدیگر
شریک شوند تا هفت نفر بلکه تا هفتاد نفر و حق تعالی فرموده است که خدا را
یاد کنید در ایام معدودات یعنی در روزی چند شمرده شده و در احادیث
معتبره منقولست که مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که در منی باشد
عقیب پانزده نماز بگوید که اولش ظهر روز عید است و آخرش صبح روز سیزدهم
و در سایر شهرها عقیب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم
و مشهور استحبابست و بعضی واجب دانسته‌اند و اقلش بعد از هر نماز یکمرتبه است
و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و طریق تکبیر موافق
حدیث صحیح اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ
اینست [illegible]
وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلیٰ مَا هَدٰینَا اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلیٰ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیمَةِ
[illegible]

اعمال عید غدیر

الْاَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلیٰ مَا اَبْلَانَا **فصل چهارم** در فضایل اعمال شب و روز
[illegible]
عید غدیر است و عید غدیر مجید هم اینماه است
و عظیم‌ترین اعیاد است و احادیث از طرق عامه و خاصه در فضیلت این
روز و اعمال آن زیاده از حد و احصاست و در این مقام بچند حدیث اکتفا
مینماید بسند معتبر از حضرت امام رضا ع منقولست که چون روز قیامت شود
چهار روز را بسوی عرش الهی برند با زینت تمام مانند عروسی که او را بخانه
داماد برند روز عید اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر و روز
غدیر در میان آنها مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که
حق تعالی ابراهیم خلیل را از آتش نجات داد و آن روز را روزه داشت برای
شکر حق تعالی و آن روزیست که خدا دین را در آن روز کامل گردانید بآنکه حضرت
رسول حضرت امیر المؤمنین ع را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی بودن
او را ظاهر گردانید بر مردم پس روزه داشتن این روز را و این روز کامل شدن
دینست و روزیست که بینی شیطان برخاک مالیده شده است و روزیست
که اعمال شیعیان و دوستان آل محمد در این روز مقبول میشود و این روزیست
که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی کرامت خدا را در برابر
بیت المعمور و جبرئیل بر آن کرسی بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها نزد او
جمع میشوند و ثنا میکنند بر محمد و آل محمد و استغفار میکنند برای شیعیان
امیر المؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلم و دوستان ایشان از فرزندان
آدم و این روزیست که امر میکند حق تعالی ملائکه نویسندگان اعمال را که
قلم بردارند از محبان اهل بیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز غدیر و
ننویسند هیچ خطا و گناه ایشان را برای کرامت محمد و علی و ائمه صلوات الله علیهم

واین روزیست که خدا مخصوص محمد و آل او و شیعیان ایشان کردانید
و این روزیست که خدا زیاده میکرداند مال کسی را که عبادت خدا کند در این
روز و توسعه دهد روزی را بر عیال خود و برادران مؤمن خود و او را آزاد
میکرداند از آتش جهنم و این روزیست که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی
مزد میدهد و کناه ایشان را می آمرزد و عمل ایشان را قبول میکند و این روزیست
که خدا غمهای ایشان را زایل میکرداند و کناهان ایشان را کم میکند و روز بخشش
و روز عطیه است و روز پهن کردن علم است و روز بشارتست و روز عید
غدیر بزرگست و روزیست که دعاها در آن مستجاب میشود و روز موقف
بزرگست و روز پوشیدن جامهای نیکوست و روز بخشیدن کناهان شیعیان
امیر المؤمنین ع است و روزیست که بسیار صلوات باید فرستاد بر محمد و آل محمد
و روز خوشنودیست و روز عید اهل بیت محمد است و روز قبول اعمالست
و روز طلب زیادتی ثوابست و روز استراحت مؤمنانست و روز سوداکری
ایشانست و روز دوستی کردن شیعیانست با یکدیگر و روز رسیدن برحمت
خداست و روز تزکیه و کناهانست و روز عبادتست و روز افطار فرمودن
روزه دارانست پس هر که روزه داری را در این روز افطار فرماید چنانست که ده فئام
اطعام کرده باشد و هر فئامی صد هزار کس است و روز تهنیت و مبارکباد است
پس هر مؤمن که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید الحمد لله الذی
جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین و الائمة علیهم السلم
یعنی حمد و سپاس خداوندی را سزاست که کردانیده ما را از آنها که چنگ زده اند
در ولایت و محبت پادشاه مؤمنان و ائمه علیهم السلم و این روز تبسم است
در روی مؤمنان پس هر که تبسم کند در روی برادر مؤمن خود در روز غدیر

حق تعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت و برآورد هزار حاجت
او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را نورانی
کرداند و این روز زینت است پس هر که زینت کند برای روز غدیر حق تعالی
بیامرزد از برای او هر کناهی را که کرده است از صغیره یا کبیره و بفرستد حق تعالی
بسوی او ملکی چند را که بنویسند برای او حسنات و بلند کردانند برای
او درجات تا سال آینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و
ثواب شهیدان داشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندکانی کند
و هر که طعامی دهد در این روز مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد
جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که دیدن کند در این روز مؤمنی را داخل
کرداند خدا در قبر او هفتاد نور و قبرش را کشاده کرداند و زیارت کنند او را
در قبر او هفتاد هزار ملک و بشارت دهند او را ببهشت و در روز غدیر
حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت و محبت ما اهل بیت را بر اهل آسمانهای
هفت کانه پس پیشی کرفتند باقرار بآن اهل آسمان هفتم پس زینت داد آنرا
بعرش پس بعد از آن سبقت کرفتند اهل آسمان چهارم پس زینت داد آنرا
به بیت المعمور پس سبقت کرفت باقرار بما اهل آسمان اول پس زینت بخشید
بستارکان پس حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی کرفت باقرار
بآن مکه معظمه پس زینت داد آنرا بکعبه پس پیشی کرفت مدینه طیبه پس
زینت داد آنرا بمحمد مصطفی ص پس سبقت کرد بسوی آن شهر کوفه پس زینت
داد آنرا بقبر حضرت امیر المؤمنین ع پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول
کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت و باین
سبب این جواهر در آنها بهم رسید پس کوههای دیگر سبقت کرفتند

وباین سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها کردید و هر یک که اقرار نکرد
معدن هیچ چیز نکردید و باز در روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر آبها هر چه
قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت
ما را بر مرغان هر مرغ که قبول کرد سخن کو و خوش آواز کردید و هر یک که قبول
نکرد لال و بد آواز کردید و مثل مؤمنان در قبول کردن ولایت امیر المؤمنین ع
در روز غدیر مانند مثل ملائکه است در قبول کردن سجدهٔ حضرت آدم علیه السلام
و مثل آنها که قبول ولایت آنحضرت نکردند در روز غدیر مانند مثل شیطان است
در قبول نکردن سجدهٔ آدم و در روز غدیر این آیه نازل شد اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ
دِینَکُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْاِسْلَامَ دِینًا یعنی امروز کامل
کردانیدم از برای شما دین شما را و تمام کردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم
اسلام را برای دین شما پس حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر آنکه
وصی و خلیفهٔ خود را در این روز نصب کرده است و کلینی بسند معتبر روایت
کرده است که از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر جمعه
و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی گفت
کدام عید است فرمود که آن روزیست که نصب کرد رسول خدا ص امیر المؤمنین را
بخلافت خود و فرمود که هر که من مولا و آقای اویم علی مولای و آقا و پیشوای او است
و آن روز هیجدهم ذی الحجه است راوی گفت که چه کار در آن روز باید کرد فرمود
که روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات
بفرستید و وصیت کرد که این روز را عید کردانند و بروایت دیگر فرمود که
روزهٔ روز غدیر کفارهٔ شصت ساله گناه است و بروایت دیگر منقولست که مفضل
از حضرت صادق ع پرسید که امر میکنی مرا که روز غدیر را روزه بدارم فرمود آری

والله

والله آری والله آری والله بدرستی که در این روز خدا توبهٔ حضرت آدم را
قبول کرد و بشکر انه این روز را روزه داشت و در این روز خدا حضرت ابرهیم را
از آتش نجات داد و بشکرانه این روز را روزه داشت و در این روز حضرت
موسی هرون را وصی خود کردانید و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت
و در این روز حضرت عیسی وصیت وصی خود شمعون الصفا را ظاهر کردانید
و این روز را بشکر حق تعالی روزه داشت و در این روز حضرت رسول حضرت
امیر المؤمنین ع را خلیفه و جانشین خود کردانید و فضیلت و وصایت او را
بر خلق ظاهر کردانید و این روز را بشکر این نعمتها روزه داشت و این روز روزه
داشتن است و روز عبادتست و روز طعام دادنست و روز نیکی کردنست
با برادران مؤمن و روزیست که خدا از مؤمنان خوشنود میکردد و بینی شیطان
بر خاک مالیده میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقولست که گفت روزی
در خدمت امام رضا ع بودم و جماعت بسیار حاضر بودند پس فضیلت روز
غدیر مذکور شد و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود که پدرم
از پدرانش روایت کرد که روز غدیر در آسمانها مشهورتر است از زمین بدرستی
که خدا را در فردوس اعلی قصری هست که یکخشت آن از طلاست و یکخشت
از نقره و در آن قصر صد هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است
از یاقوت سبز و خاکش مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از
شراب و نهری از آب و نهری از شیر و نهری از عسل و در دور آن درختان
هست از انواع میوهها و بر آن درختان مرغان خوش الحان هستند بدنهای
آنها از مروارید است و بالهای آنها از یاقوت و بانواع نغمها خوانندگی میکنند
چون روز عید غدیر میشود در آن قصر حاضر میشوند جمیع اهل آسمانها تسبیح

شوند

وتقدیس وتهلیل حق تعالی میکنند وآن مرغان پرواز میکنند و در میان
آب فرو میروند و بر آن مشک و عنبر میغلطند و چون ملائکه جمع شدند
پرواز میکنند و مشک و عنبر بر سر ایشان می افشانند و در این روز نثار
حضرت فاطمه صلوات الله علیها که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی
و درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر بهدیه میفرستند و چون آخر این
روز میشود ندا از جانب رب اعلی بایشان میرسد که برگردید بسوی درجها
و مرتبهای خود پس بتحقیق که ایمن گردید از گناه و خطا و لغزش تا مثل این روز
از سال آینده برای کرامت محمد و علی صلوات الله علیهما پس حضرت فرمود ای
پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
حاضر شوی بدرستی که خدا در این روز بیامرزد از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه
گناه شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد میکند از آتش جهنم دو برابر آنچه
آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یک درهم که در این روز
ببرادران مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان
کن در این روز ببرادران مؤمن خود و شاد گردان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را
بخدا سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید هر آینه هر روز
ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند و زیارت حضرت امیر المؤمنین در این روز
فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور و موافق روایت صفوانی و غیر آن اگر از
دور زیارت کنند دو رکعت نماز زیارت بجا آورند و در رکعت اول سوره
انا انزلناه و در رکعت دویم سوره قل هو الله احد بخوانند پس این دعا را بخوانند
اللهم صل علی ولیک واخی نبیک ووزیره وحبیبه وخلیله
ار خدایا درود ده بر همکار راست و برادر پیغمبرت و کارگزار او و دوستش و دوست خالص

وموضع

وموضع سره وخیرته من اسرته ووصیه وصفوته وخالصته
وجای رازش و گزیده او از خویشانش و جانشینش و برگزیده اش و همرازش
وامینه وولیه واشرف عترته الذین آمنوا به وابی ذریته و
و امینش و ولیش و بزرگوارترین خویشانش که ایمان آوردند به او و پدر فرزندانش و
باب حکمته والناطق بحجته والداعی الی شریعته والماضی
در دانش او و گویا بحجتش و خواننده بسوی راه روشنش و رونده
علی سنته وخلیفته علی امته سید المسلمین وامیر المؤمنین
بر روشش و جانشین او بر امتش بهترین مسلمانان و فرمان فرمای گروندگان
وقائد الغر المحجلین افضل ما صلیت علی احد من خلقک و
و پیشرو سفید رویان افزونتر آنچه درود داده بر یکی از آفریدگانت و
اصفیائک واوصیاء انبیائک اللهم انی اشهد انه قد بلغ
برگزیدگانت و جانشینان پیغمبرانت بار خدایا بدرستی که من گواهی میدهم که او بحقیق رسانید
عن نبیک صلی الله علیه وآله ما حمل ورعی ما استحفظ
از پیغمبرت درود خدا بر او و آلش آنچه بار کرده شد و نگاه داشت آنچه نگاه داشته شد
وحفظ ما استودع وحلل حلالک وحرم حرامک واقام احکامک
و نگاه داشت آنچه امانت بدو سپرده شد و روا کرد روای ترا و ناروا کرد ناروای ترا و برپا داشت فرمانهای ترا
ودعا الی سبیلک ووالی اولیاءک وعادی اعداءک وجاهد
و خواند بسوی راه تو و دوستی کرد با دوستان تو و دشمنی کرد با دشمنان تو و کارزار کرد
الناکثین عن سبیلک والقاسطین والمارقین عن امرک صابرا
با شکنندگان پیمان از راه تو و از حق برگشتگان ستمکاران و بیرون رفتگان از فرمان تو شکیبا در
محتسبا مقبلا غیر مدبر لا تاخذه فی الله لومة لائم حتی بلغ
رنج خود امید ثواب دارنده رو آورنده نه پشت کننده نگرفت او را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده تا رسید
فی ذلک الرضا وسلم الیک القضاء وعبدک مخلصا ونصح
در این خوشنودی را و سپرد بسوی تو قضا را و پرستید ترا بی ریا و نیکخواهی کرد
لک مجتهدا حتی اتاه الیقین فقبضته الیک شهیدا سعیدا
در راه تو کوشنده تا آمد او را مرگ پس فرا گرفتی او را بسوی خود کشته شده نیک بخت
ولیا تقیا رضیا زکیا هادیا مهدیا اللهم صل علی محمد
همکار و پرهیزکار پسندیده پاکیزه راه نمای راه نموده شده بار خدایا درود فرست بر محمد

وعليه افضل ما صليت على احد من انبيائك واصفيائك يا
و بر او افزون‌ترین درودی که دادی بر یکی از پیغمبرانت و برگزیدگانت ای
رب العالمين واكر اشاره بانكشت شهادت بجانب قبر شريف آنحضرت
پروردگار جهانیان
كند واين زيارت را نيز بخواند بهتر است
السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام
درود بر تو ای فرمانده مؤمنان و بخشایش خدا و افزایشهای او درود
عليك يا امين الله في ارضه وحجته على عباده اشهد لقد
بر تو ای استوار خدا در زمینش و حجت او بر بندگانش گواهی میدهم که بتحقیق
جاهدت يا امير المؤمنين في الله حق جهاده وعملت بكتابه
کارزار کردی ای امیر المؤمنین در راه خدا حق کارزار کردنش و کار کردی بکتابش
واتبعت سنن نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله
و پیروی نمودی روشهای پیغمبرش را درود دهاد خدا بر او و خاندانش تا خواند ترا خدا
الى جواره فقبضك اليه باختيارك لك كريم ثوابه والزم
بسوی جوارش پس فرا گرفت ترا بسوی خود بگزیدن از برای تو مزد بزرگوارش را و لازم کرد
اعداءك الحجة في قتلهم اياك مع ما لك من الحجج البالغة على
دشمنانت را حجت در کشتن ایشان ترا با آنچه از تست از حجتهای رسا بر
جميع خلقه اللهم صل على محمد وآله واجعل نفسي مطمئنة
همه آفریدگانش ای خدا درود فرست بر محمد و آلش و گردان نفس مرا آرمیده
بقدرك راضية بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة
بتقدیرت خوشنود بقضایت بسیار حریص بیاد آوردنت و خواندنت دوست دارنده
لصفوة اوليائك محبوبة في ارضك وسمائك صابرة عند
از برای گزیدگان دوستانت دوست داشته شده در زمینت و آسمانت شکیبا نزد
نزول بلائك شاكرة لفواضل نعمائك ذاكرة لسوابغ آلائك
فرود آمدن بلای تو سپاس دارنده از برای افزونیهای نعمت یاد آورنده نعمتهای فراخ عامت
مشتاقة الى فرحة لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة
آرزومند بسوی شادی رسیدن بتو توشه گیرنده پرهیزکاری را برای روز جزای تو سنت گیرنده
بسنن اوليائك مفارقة لاخلاق اعدائك مشغولة عن الدنيا
بروش دوستانت جدا شونده از خویهای دشمنانت باز ایستاده از دنیا

بحمدك

بحمدك وثنائك اللهم ان قلوب المخبتين اليك والهة وسبل
بستایش کردنت و ثنای تو ای خدا بدرستی که دلهای فروتنان بسوی تو سرگشته است و راههای
الراغبين اليك شارعة واعلام القاصدين اليك واضحة
خواهندگان بسوی تو باز است و نشانهای آهنگ کنندگان بسوی تو روشن است
وافئدة العارفين منك فازعة واصوات الداعين اليك
و دلهای شناسندگان از تو ترسناکست و آوازهای خوانندگان بسوی تو
صاعدة وابواب الاجابة لهم مفتحة ودعوة من ناجاك
بالا رونده است و درهای اجابت برای ایشان گشاده است و دعای کسی که راز گفت با تو
مستجابة وتوبة من اناب اليك مقبولة وعبرة من بكى من خوفك
مستجابست و بازگشت کسی که بازگشت کرد بسوی تو پذیرفته است و اشک کسی که گریست از ترس تو
مرحومة والاغاثة لمن استغاث بك موجودة والاعانة لمن
بخشوده شده است و فریادرسی از برای کسی که دادخواهی کرد بتو یافت شده است و یاری دادن برای کسی که
استعان بك مبذولة وعداتك لعبادك منجزة وزلات
یاری جست بتو بخشیده شده است و وعدههای تو از برای بندگانت وفا کرده شده است و لغزشهای
من استقالك مقالة واعمال العاملين لديك محفوظة و
کسی که درگذشتن خواهد از تو درگذشته شده است و کارهای کارکنان نزد تو نگاه داشته شده است
ارزاق الخلائق من لدنك نازلة وعوائد المزيد اليهم واصلة
و روزیهای آفریدگان از نزد تو فرود آینده است و فایدههای افزون بسوی ایشان رسنده است
وذنوب المستغفرين مغفورة وحوائج خلقك عندك مقضية
و گناهان آمرزش خواهان آمرزیده شده است و حاجتهای آفریدگانت نزد تو روا کرده شده است
وجوائز السائلين عندك موفرة وعوائد المزيد متواترة
و جایزههای خواهندگان نزد تو افزوده شده است و نعمتهای افزوده پیاپی است
وموائد المستطعمين معدة ومناهل الظماء لديك مترعة
و سفرههای خوراک جویندگان آماده است و آبخورهای تشنگان نزد تو پر مالامال است
اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي واجمع بيني وبين
بار خدایا پس اجابت کن دعای مرا و بپذیر ثنای مرا و فراهم آر میان من و میان
اوليائي واحبائي بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين
دوستانم و دوستانم بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین

وَالائمَّةِ مِن ذُرِّیَّةِ الحُسَینِ ائمَّتی اِنَّکَ وَلِیُّ نَعمائی وَمُنتَهی مُنای
و پیشوایان از فرزندان حسین که پیشوایان من اند بدرستی که خداوند نعمت منی و پایان کامهای من
وَغایَةُ رَجائی فی مُنقَلَبی وَمَثوایَ و اگر بعد از نماز اول این زیارت را
و پایان امید من در بازگشتگاهم و در جایگاهم بعمل آورد و آخر آن دعا را بخواند
شاید بهتر باشد و شب غدیر نیز شب بسیار مبارکیست و در شب نیز
مناسبست که این زیارت را بعمل آورند و نمازی در شب وارد شده است چون
سندش معتبر نبود ایراد ننمودیم واما فضیلت روزه داشتن و تصدق کردن
وافطار روزه دار نمودن درین روز در این ابواب احادیث بسیار است
ازجمله آنها این روایتست که حضرت صادق ع فرمود که روزه روز عید غدیر
برابر است با روزه عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام عمر دنیا عمر بیابد و روزه
بدارد روزه این روز برابر است با ثواب او و روزه اش برابر است نزد خدا
با صد حج و صد عمره و این عید بزرگ خداست و خدا نفرستاده است
پیغمبری را مگر آنکه این روز را عید کرده است و حرمت آن را دانسته است
و نامش در آسمان روز عهد معهود است و نامش در زمین روز میثاق مأخوذ
وجمع مشهود است و هر که درین روز مؤمنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد
که ده فئام را طعام دهد و هر فئامی صد هزار کس است و ثواب کسی را
دارد که طعام دهد و آب دهد باین عدد که مذکور شد از پیغمبران و اوصیای
ایشان و شهیدان و صالحان در سال قحط و یک درهم که درین روز تصدق
کنند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کنند پس فرمود
که شاید گمان کنی که خدا روزی خلق کرده است که حرمتش از این روز بیشتر
باشد نه والله نه والله نه والله و بروایت دیگر فرمود که روزه اش برابر است
با شصت ماه از ماههای حرام که روزه بدارند و فرمود که روز عید و سرور است

وشادیست و بسند معتبر از فیاض بن محمد منقولست که گفت در روز عید
غدیر در مرو در خدمت حضرت امام رضا ع بودم و آنحضرت در آن روز مخصوصان
خویشان و اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشان را نگاه داشته بود که در شب
افطار کنند و بخانهای ایشان طعام و زرها و خلعتها فرستاد حتی انگشتر
و کفش نیز فرستاد و با ایشان خلعتهای فاخر شفقت فرمود و ملازمان و
خدمتکاران خود را جامهای نو بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت این
روز را برای مردم نقل میفرمود از جمله آنها گفت که در بعضی از سالهای خلافت
حضرت امیرالمؤمنین ع روز جمعه با عید غدیر در یکروز جمع شد بعد از پنج ساعت
که از روز گذشت بر منبر بالا رفت و خطبه طولانی خواند و فضایل روز غدیر را
بسیار بیان فرمود و نامهای بسیار از برای این روز ذکر کرد پس فرمود که بعد از
انقضای این مجمع برگردید بخانهای خود و توسعه کنید بر عیال خود و احسان
و نیکی کنید نسبت ببرادران مؤمن خود و در خانهای خود برادران مؤمن خود را
جمع کنید و نیکوئی کنید نسبت با ایشان و یکدیگر را تهنیت و مبارکباد بگوئید
و نیکی و احسان کردن درین روز مال و عمر را زیاد میکند و مهربانی بایکدیگر
کردن موجب مزید رحمت الهی است و تا توانید بخشش و احسان کنید با عیال
خود و برادران مؤمن خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید احسان
از شما دارد در حق او تقصیر مکنید و ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان را
با خود برابر کنید بدرستیکه یکدرهم درین روز برابر است با دویست هزار
درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا میکند و روزه این روز را حق تعالی سنت
کرده است و ثوابش را مانند ثواب کسی کرده است که از اول دنیا تا آخر دنیا عبادت
کند بآنکه روزها روزه بدارد و شبها بعبادت بایستد و کسی که برآورد حاجت

برادر مؤمنی را پیش از آنکه او اظهار کند و از روی رغبت و خواهش با او نیکی
کند چنان باشد که این روز را روزه داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده
باشد و هر که در شبش مؤمنی را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر
و شهید و صدیق را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد ثواب کسی که متکفل
احوال چندین نفر از مردان مؤمن و زن مؤمنه بود و هرگاه چنین کند من
ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن و اگر بمیرد در آن شب یا در
آن روز یا بعد از آن تا عید غدیر آینده بدون آنکه گناه کبیره بسیار بدی بکند
البته آمرزیده است و هر که قرضی بکند درین روز برای برادران خود من ضامنم
بر خدا که اگر او را زنده بدارد یا بمیراند آن قرض را از و متحمل و از دوش او بردارد
و چون یکدیگر را ملاقات کنید مصافحه کنید و زبانها یکدیگر را تهنیت بگوئید
و آنچه گفتم حاضران بغائبان بگوئید و توانگران رعایت کنید فقیران را و اقویا
دستگیری کنید ضعیفان را حضرت رسول خدا مرا همه اینها امر فرمود و بدانکه
غسل در اول این روز سنت مؤکد است و اما کیفیت نماز روز عید غدیر
نماز مشهور پس آنست که از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که درین روز
نیم ساعت پیش از زوال شمس دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سوره
حمد یک مرتبه و قل هو الله احد و انا انزلناه و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون هر یک
ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت
از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال کند البته باسانی و عافیت
بر آورده شود و چون برادر مؤمن را ملاقات کنی بگو الحمد لله الذی اکرمنا
بهذا الیوم و جعلنا من المؤمنین بعهده الذی عهد الینا و میثاقه
الذی واثقنا به من ولایة ولاة امره و القوام بقسطه و لم یجعلنا

من الجاحدین و المکذبین بیوم الدین یعنی سپاس خداوندی را سزاست
که ما را گرامی داشت درین روز و گردانید ما را از ایمان آورندگان و گردانید
ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد گرفته است بر ما و پیمانی که محکم گردانیده
بر ما که ولایت والیان امر امامت و آنها که حکم میکنند بعدالت در میان
خلق و نگردانید ما را از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا و فرمود
که بعد از نماز ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا
اسید عا بخواند ای پروردگار ما بدرستی که ما شنیدیم خواننده را که میخواند بایمان که ایمان آورید
بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا
به پروردگار خود پس گرویدیم ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را و بپوشان از ما بدیهای ما را و بمیران
مع الابرار ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمة
ما را با نیکوکاران ای پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده داده ما را بر زبان پیغمبران و رسوا مکن ما را در روز قیامت
انک لا تخلف المیعاد اللهم انی اشهدک و کفی بک شهیدا
بدرستی که تو خلاف نمیکنی وعده را خداوندا بدرستی که من گواه میگیرم ترا و بس است تو گواهی
و اشهد ملائکتک و انبیاءک و حملة عرشک و سکان سمواتک
و گواه میگیرم فرشتگان ترا و پیغمبران ترا و بردارندگان عرش ترا و آرام گیرندگان در آسمانهای ترا
و ارضیک بانک انت الله لا اله الا انت المعبود فلا نعبد سواک
و زمینهای ترا که توئی تو خدا که نیست خدائی جز تو توئی پرستیده شده پس نمی پرستیم جز ترا
فتعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا و اشهد ان محمدا عبدک
پس برتری از آنچه میگویند ستمکاران برتری بزرگ و گواهی میدهم که محمد بنده تو
و رسولک و اشهد ان امیر المؤمنین عبدک و مولانا ربنا
و فرستاده تو است و گواهی میدهم که امیر مؤمنان بنده تو است و خواجه ما ای پروردگار ما
سمعنا و اجبنا و صدقنا المنادی رسولک صلی الله علیه و آله
شنیدیم و اجابت کردیم و باور داشتیم خواننده فرستاده ترا درود دهاد خدا بر او و بر آل او
اذ نادی بنداء عنک بالذی امرته ان یبلغ ما انزلت الیه من
چون خواند بخواندن از تو آنچه فرمان دادی او را که برساند آنچه فرو فرستادی بسوی او از
ولایة ولی امرک و حذرته و انذرته ان لم یبلغ ما امرته به ان
ولایت ولی کار تو و ترسانیدی او را و بیم دادی او را که اگر نرساند آنچه را که فرمودی او را که

لتسخط عليه ولمّا بلّغ رسالاتك عصمته من الناس فنادی مبلّغا
خشم گیری بر او و چون که برسانید پیغامهای ترا نگهداشتی او را از مردمان پس ندا داد رساننده
عنك الا من كنت مولاه فعليّ مولاه ومن كنت وليّه فعليّ وليّه
از تو فرمود آگاه باشید کسی که من هستم صاحب اختیار او پس علی صاحب اختیار اوست و کسی که هر کاره ام پس علی هم
ومن كنت نبيّه فعليّ اميره ربّنا قد اجبنا داعيك النذير محمّدا
کاره اوست و کسی که من پیغمبر اویم پس علی فرمان فرمای اوست ای پروردگار ما بتحقیق اجابت کردیم خواننده بیم کننده ات محمد
عبدك ورسولك الی الهادي المهديّ عبدك الذي انعمت عليه
بنده ات و فرستاده ات را بسوی راهنمای راه یافته شده بنده ات که نعمت کرده او را و
وجعلته مثلا لبني اسرائيل عليّ امير المؤمنين ومولاهم و
گردانیدی او را مانندی از برای فرزندان یعقوب علی فرمان فرمای گروندگان و صاحب اختیار ایشان و
وليّهم ربّنا واتّبعنا مولانا ووليّنا وهادينا وداعينا وداعي
هر کاره ایشان ای پروردگار ما پیروی کردیم خواجه خود را و هر کاره خود را و راهنمای خود و خواننده خود و خواننده
الانام وصراطك المستقيم وحجّتك البيضاء وسبيلك الداعي
مردمان را و راه راست ترا و حجت سفید روشن ترا و راه تو خواننده را
اليك علی بصيرة هو ومن اتّبعه وسبحان الله عمّا يشركون
بسوی تو بر بینائی او و کسی که پیروی کرد او را و پاکا خدا از آنچه انباز میگیرند
واشهد انّه الامام الهادي الرشيد امير المؤمنين الذي ذكرته
و گواهی میدهیم که او پیشوای راه نمای راه راست یافته فرمان فرمای گروندگان که یاد کرده او را
في كتابك وقلت الحقّ وانّك قلت وانّه في امّ الكتاب لدينا
در کتاب تو و گفتی تو حق است و بدرستی که تو گفته و بدرستی که او در اصل کتاب نزد ما
لعليّ حكيم اللهمّ فانّا نشهد بانّه عبدك والهادي بعد نبيّك
هرآینه بلند مرتبه است کشاینده بار خدایا پس بدرستی که ما گواهی میدهیم که او بنده تست و راهنما بعد از پیغمبر تو
النذير المنذر وصراطك المستقيم وامير المؤمنين وقائد الغرّ
بیم کننده بیم دهنده و راه راست تو و فرمان فرمای گروندگان و کشنده سفید رویان
المحجّلين وحجّتك البالغة ولسانك المعبّر عنك في خلقك وانّه
سفید دست و پایان و حجت رسای تو و زبان تو سازنده عبارت از تو در آفریدگان و آنکه او
القائم بالقسط في بريّتك وديّان دينك وخازن علمك وامينك
ایستاده است بداد در میان مردمات و پاداش دهنده دین تو و خزانه دار دانش و استوار تو

المامون

المأمون المأخوذ ميثاقه وميثاق رسولك عليهما السلام من جميع
امین کرده شده پیمان او و پیمان فرستاده ات و ایشان را درود از همه
خلقك وبريّتك شاهدا بالاخلاص لك وبالوحدانيّة والربوبيّة
آفریدگان و مردمات گواه بیک رنگی از برای تو و بیگانگی و پروردگاری
بانّك انت الله لا اله الّا انت وانّ محمّدا عبدك ورسولك وانّ
بآنکه تو توئی خدا نیست خدائی جز تو و آنکه محمد بنده تو و فرستاده تست و آنکه
عليّا امير المؤمنين جعلته وليّك والاقرار بولايته تمام
علی فرمان فرمای گروندگان گردانیدی او را هر کاره خود و اقرار کردن به هر کاره بودن تمام
وحدانيّتك وكمال دينك وتمام نعمتك علی جميع خلقك و
یگانگی تو و تمام دین و تمام نعمت بر همه آفریدگان و
بريّتك فقلت وقولك الحقّ اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم
مردمات پس گفتی و گفتن تو حق است امروز کامل کردم دین شما را و تمام کردم بر شما
نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا فلك الحمد بموالاته واتمام
نعمت خود را و خوشنود شدم از برای شما مسلمانی را دین پس مر تراست ستایش بدوستی داشتن او و تمام
نعمتك علينا بالذي جدّدت من عهدك وميثاقك وذكّرتنا
کردن نعمت خود بما بآنچه تازه کردی از پیمان بستن تو و پیمانت و یاد دادی ما را
ذلك وجعلتنا من اهل الاخلاص والتصديق بميثاقك ومن
این را و گردانیدی ما را از یکرنگان و باور داشتن پیمانت و از
بذلک / با این اهل الوفاء ولم تجعلنا من اتباع المغيّرين والمبدّلين والمحرّفين و
وفا کنندگان و نگردانیدی ما را از پیروان گردانندگان و بدل کنندگان و برگردانندگان و
المبتّكين اذان الانعام والمغيّرين خلق الله ومن الذين استحوذ
دریدگان گوشهای چهارپایان و گردانندگان آفرینش خدا و از آنکه دست یافت
عليهم الشيطان فانساهم ذكر الله وصدّهم عن السبيل والصراط
بر ایشان شیطان پس فراموش گردانید ایشان را یاد کردن خدا و باز داشت ایشان را از راه و راه
المستقيم اللهمّ العن الجاحدين والناكثين والمغيّرين والمبدّلين
راست بار خدایا لعنت کن منکران را و شکنندگان پیمان و گردانندگان و بدل کنندگان
والمكذّبين بيوم الدين من الاوّلين والآخرين اللهمّ فلك الحمد
و باور ناداشتگان روز پاداش از پیشینیان و پسینیان بار خدایا پس مر تراست ستایش

عَلی اِنعامِکَ عَلَینا بِالهُدَی الَّذی هَدَیتَنا بِهِ اِلی وُلاةِ اَمرِکَ

بر داشت کردن برما براه نمائی که راه نمودی ما را بآن بسوی والیان فرمانت

مِن بَعدِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ الاَئِمَّةِ الهُداةِ الرّاشِدینَ

پس از پیغمبرت درود فرستاد خدا براو وبر خاندان او وپیشوایان راه نمایان راه راست یافتگان

وَاَعلامِ الهُدی وَمَنارِ القُلُوبِ وَالتَّقوی وَالعُروَةِ الوُثقی وَکَمالِ

ونشانهای راه نمائی ونشان راه دلها وپرهیزکاری ودستگیره استوار وتمام

دینِکَ وَتَمامِ نِعمَتِکَ وَمَن بِهِم وَبِمُوالاتِهِم رَضیتَ لَنَا الاِسلامَ

دینت وتمام نعمت وکسی که با ایشان ودوستی ایشان خوشنود شدی از برای ما مسلمانی را

دیناً رَبَّنا فَلَکَ الحَمدُ آمَنّا وَصَدَّقنا بِمَنِّکَ عَلَینا بِالرَّسُولِ النَّذیرِ

دین ای پروردگار ما پس مر تراست ستایش گرویدیم وباور داشتیم بر داشت کردن برما رسول بیم کننده

المُنذِرِ والَینا وَلِیَّهُم وَعادَینا عَدُوَّهُم وَبَرِئنا مِنَ الجاحِدینَ وَالمُکَذِّبینَ

بیم دهنده دوست داشتیم دوستان ایشان را ودشمن داشتیم دشمن ایشان را وبیزار شدیم از نشناسندگان وتکذیب کنندگان

بِیَومِ الدّینِ اَللّهُمَّ فَکَما کانَ ذلِکَ مِن شَأنِکَ یا صادِقَ الوَعدِ یا مَن لا

روز جزا بار خدایا پس چنانکه هست این از کار تو ای راست وعده ای آنکه نکرد

یُخلِفُ المیعادَ یا مَن هُوَ کُلَّ یَومٍ فی شَأنٍ اِذ اَتمَمتَ عَلَینا نِعمَتَکَ

تخلف وعده را ای آنکه او هر روزی در کاری است چونکه تمام کردی برما نعمت را

بِمُوالاةِ اَولِیائِکَ المَسؤُولِ عَنهُم عِبادُکَ فَاِنَّکَ قُلتَ ثُمَّ لَتُسئَلُنَّ

بدوست داشتن دوستانت پرسیده شده از ایشان بندگانت پس تو گفتی پس هرآینه پرسیده خواهید

یَومَئِذٍ عَنِ النَّعیمِ وَقُلتَ وَقَولُکَ الحَقُّ وَقِفُوهُم اِنَّهُم مَسؤُولُونَ

امروز از نعمت وگفتی تو وحق تو راستست وبازدارید ایشان را بدرستیکه ایشان پرسیده شدگان

وَمَنَنتَ عَلَینا بِشَهادَةِ الاِخلاصِ وَبِوِلایَةِ اَولِیائِکَ الهُداةِ بَعدَ

ومنت گذاشتی برما بگواهی دادن خالص وبدوستی دوستانت راه نمایان پس از

النَّذیرِ المُنذِرِ السِّراجِ المُنیرِ فَاَکمَلتَ لَنا بِهِمُ الدّینَ وَاَتمَمتَ عَلَینا

بیم دهنده بیم کننده چراغ درخشان پس تمام کردی برای ما بایشان دین را وتمام کردی برما

النِّعمَةَ وَجَدَّدتَ لَنا عَهدَکَ وَذَکَّرتَنا میثاقَکَ المَأخُوذَ مِنّا فی

نعمت را ونو کردی برای ما پیمانت را ویاد دادی ما را پیمانت را گرفته شده از ما در

ابتِداءِ خَلقِکَ اِیّانا وَجَعَلتَنا مِن اَهلِ الاِجابَةِ وَلَم تُنسِنا ذِکرَکَ

آغاز آفرینش ما را وگردانیدی ما را از اجابت کنندگان وفراموش نکردی ما را یاد کردنت

فانک

فَاِنَّکَ قُلتَ وَاِذ اَخَذَ رَبُّکَ مِن بَنی آدَمَ مِن ظُهُورِهِم ذُرِّیَّتَهُم وَاَشهَدَهُم

پس بدرستیکه تو گفته وچون فرا گرفت پروردگارت از پسران آدم از پشتهای ایشان فرزندان ایشان وگواه گرفت

عَلی اَنفُسِهِم اَلَستُ بِرَبِّکُم قالُوا بَلی شَهِدنا بِمَنِّکَ وَلُطفِکَ فَاِنَّکَ

ایشان را بر نفسهای ایشان آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری گواهی دادیم به منت گذاشتن تو ومهربانی تو پس بدرستیکه

اَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ رَبُّنا وَمُحَمَّدٌ عَبدُکَ وَرَسُولُکَ نَبِیُّنا وَ

توئی خدا نیست خدائی مگر تو پروردگار ما ومحمد بنده تست وفرستاده تست پیغمبر ما و

عَلِیٌّ اَمیرُ المُؤمِنینَ عَبدُکَ الَّذی اَنعَمتَ بِهِ عَلَینا وَجَعَلتَهُ آیَةً

علی فرمانفرمای گروندگان بنده تو که انعام کردی بآن برما وگردانیدی او را نشانی

لِنَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ وَآیَتَکَ الکُبری وَصِراطَکَ المُستَقیمَ

مر پیغمبرت را درود فرستاد خدا براو وخاندانش ونشانه بزرگ تو وراه راست

وَالنَّبَأَ العَظیمَ الَّذی هُم فیهِ مُختَلِفُونَ وَعَنهُ مَسؤُولُونَ اَللّهُمَّ

وخبر بزرگوار که ایشان در آن خلاف کنندگانند واز آن پرسیده شدگان بار خدایا

فَکَما کانَ مِن شَأنِکَ اَن اَنعَمتَ عَلَینا بِالهِدایَةِ اِلی مَعرِفَتِهِم

پس چنانکه هست از کار تو که انعام کرده برما براه نمودن بسوی شناختن ایشان

فَلیَکُن مِن شَأنِکَ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تُبارِکَ لَنا

پس باید که از کار تو باشد که درود دهی بر محمد وخاندان محمد واینکه افزایش دهی برای ما

فی یَومِنا هذَا الَّذی اَکرَمتَنا بِهِ وَذَکَّرتَنا فیهِ عَهدَکَ وَ

در این روز ما اینکه گرامی داشتی ما را بآن ویاد داده ما را در آن عهدت را و

میثاقَکَ وَاَکمَلتَ دینَنا وَاَتمَمتَ عَلَینا نِعمَتَکَ وَجَعَلتَنا

پیمانت را وکامل گردانیدی دین ما را وتمام کردی برما نعمت را وگردانیدی ما را

بِمَنِّکَ مِن اَهلِ الاِجابَةِ لَکَ وَالبَراءَةِ مِن اَعدائِکَ وَاَعداءِ

بر داشت کردن از اجابت کنندگان تو وبیزاری از دشمنانت ودشمنان

اَولِیائِکَ المُکَذِّبینَ بِیَومِ الدّینِ فَاَسأَلُکَ یا رَبِّ تَمامَ ما اَنعَمتَ

دوستانت دروغ دارندگان بروز جزا پس میخواهم از تو ای پروردگار من تمام آنچه نعمت داده

وَاَن تَجعَلَنا مِنَ المُوفینَ وَلا تُلحِقَنا بِالمُکَذِّبینَ وَاجعَل لَنا

واینکه بگردانی ما را از بجا آورندگان ودر نرسانی ما را بدروغ دارندگان وبگردان برای ما

قَدَمَ صِدقٍ مَعَ المُتَّقینَ وَاجعَلنا مَعَ المُتَّقینَ اِماماً یَومَ نَدعُوا

قدم راستی با پرهیزکاران وبگردان ما را با پرهیزکاران امام روزی که میخوانیم

البرآءة

كُلَّ اُناسٍ بِاِمامِهِمْ وَاحْشُرْنا فى زُمْرَةِ اَهلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الاَئِمَّةِ
همه مردمان را بپیشوایانشان و برانگیز ما را در گروه مردم خانه پیغمبرت پیشوایان

الصّادِقينَ وَاجْعَلْنا مِنَ البَراۤءَةِ مِنَ الَّذينَ هُمْ دُعاةٌ اِلَى النّارِ وَ
راست گویان و بگردان ما را از بیزاران از آنانکه ایشان خوانندگانند بسوی آتش و

يَوْمَ القِيمَةِ هُمْ مِنَ المَقْبُوحينَ وَاَحْيِنا عَلى ذٰلِكَ ما اَحْيَيْتَنا وَاجْعَلْ
روز قیامت ایشان از زشت شدگانند و زنده دار ما را بر این چندانکه زنده داری ما را و بگردان

لَنا مَعَ الرَّسُولِ سَبيلاً وَاجْعَلْ لَنا قَدَمَ صِدْقٍ فِى الهِجْرَةِ اِلَيْهِمْ وَاجْعَلْ
برای ما با پیغمبر راهی و بگردان برای ما قدم راستی در دوری بسوی ایشان و بگردان

مَحْيانا خَيْرَ المَحْيا وَمَماتَنا خَيْرَ المَماتِ وَمُنْقَلَبَنا خَيْرَ المُنْقَلَبِ عَلى
زندگی ما را بهتر زندگی و مردن ما را بهتر مردگی و بازگشت ما را بهتر بازگشت بر

مُوالاةِ اَوْلِيائِكَ وَمُعاداةِ اَعْدائِكَ حَتّى تَوَفّانا وَاَنْتَ عَنّا راضٍ
دوستی دوستانت و دشمنی دشمنانت تا بمیرانی ما را و تو از ما خوشنود باشی

قَدْ اَوْجَبْتَ لَنا جَنَّتَكَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَالمَثْوى مِنْ
بتحقیق واجب گردانیده باشی برای ما بهشت را بخشایشت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و جایگاه از

جِوارِكَ فى دارِ المُقامَةِ مِنْ فَضْلِكَ لا يَمَسُّنا فيها نَصَبٌ وَلا يَمَسُّنا
همسرای ایشان در از بخشش بمرسد ما را در آن رنجی و نمیرسد ما را

فيها لُغُوبٌ رَبَّنا اغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَكَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ
در آن ماندگی ای پروردگار ما بیامرز برای ما گناهان ما را و بپوشان از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با

الاَبْرارِ رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنا يَوْمَ القِيمَةِ
نیکان ای پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده داده ما را بر زبان پیغمبرانت و رسوا مکن ما را در روز قیامت

اِنَّكَ لا تُخْلِفُ المِيعادَ اَللّٰهُمَّ احْشُرْنا مَعَ الاَئِمَّةِ الهُداةِ مِنْ آلِ رَسُولِكَ
بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را ای خدا برانگیز ما را با پیشوایان راهنما از خاندان پیغمبرت

نُؤْمِنُ بِسِرِّهِمْ وَعَلانِيَتِهِمْ وَشاهِدِهِمْ وَغائِبِهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ
میگرویم بپنهان ایشان و آشکارای ایشان و حاضر ایشان و غایب ایشان بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو

بِالحَقِّ الَّذى جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِالَّذى فَضَّلْتَهُمْ بِهِ عَلَى العالَمينَ
بحق که گردانیده ای نزد ایشان و بآنچه افزونی دادی ایشان را بآن بر جهانیان

جَميعاً اَنْ تُبارِكَ لَنا فى يَوْمِنا هٰذَا الَّذى اَكْرَمْتَنا فيهِ بِالمُوافاةِ
همه اینکه افزونی دهی برای ما در این روز ما اینکه نوازش کردی ما را در آن برسیدن

بعهدك

بِعَهْدِكَ الَّذى عَهِدْتَ اِلَيْنا وَبِالمِيثاقِ الَّذى واثَقْتَنا بِهِ مِنْ
بعهدت که عهد کرده ای بسوی ما و بپیمانی که استوار داشتی ما را بآن از

مُوالاةِ اَوْلِيائِكَ وَالبَراۤءَةِ مِنْ اَعْدائِكَ اَنْ تُتِمَّ عَلَيْنا نِعْمَتَكَ
دوست داشتن دوستانت و بیزاری از دشمنانت اینکه تمام کنی بر ما نعمت را

وَلا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدَعاً وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرّاً وَلا تَسْلُبْناهُ اَبَداً وَلا
و مگردان آنرا سپرده و بگردان آنرا بر جای و مگیر آنرا از ما هرگز و

تَجْعَلْهُ مُسْتَعاراً وَارْزُقْنا مُرافَقَةَ وَلِيِّكَ الهادِى المَهْدِىِّ اِلَى
مگردان آنرا عاریت خواسته و روزی کن ما را همراهی دوستت راهنمای راه نموده شده بسوی

الهُدىٰ وَتَحْتَ لِوائِهِ فى زُمْرَتِهِ شُهَداۤءَ صادِقينَ عَلىٰ بَصيرَةٍ مِنْ
راه راست و زیر رایت او در گروه او گواهان راستان بر بینش از

دينِكَ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ واگر این عمل بر او دشوار باشد باین
دینت بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی

روایت عمل کند که شیخ مفید و دیگران از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که در روز غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد و اگر نزدیک بزوال بکند که در آن ساعت حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین را در غدیر خم برای مردم بامامت و خلافت نصب کرد بهتر است یعنی هر سوره که خواهد و اگر در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دویم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روایت معتبر دیگر وارد شده است بهتر است پس بسجده رود و صد مرتبه شکراً لله یا شکراً بگوید و چون سر از سجده بردارد این اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الحَمْدَ وَحْدَكَ لا شَريكَ
دعا را بخواند
بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو باینکه مر تراست ستایش تنهائی تو انبازی

لَكَ وَاَنَّكَ واحِدٌ اَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُواً اَحَدٌ
نیست ترا و اینکه تو یکتائی یکتا سروری که نزادی و نزاده نشدی و نیست ترا همتا یکی

وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يا مَنْ هُوَ كُلَّ
و اینکه محمد بنده تو و فرستاده تست درودهای تو بر او و خاندانش ای آنکه او هر

يَوْمٍ فى شَأْنٍ كَما كانَ مِنْ شَأْنِكَ اَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَىَّ بِاَنْ جَعَلْتَنى
روز در کاری است چنانکه هست از کار تو اینکه افزونی نهادی بر من اینکه گردانیدی مرا

من اهل اجابتك واهل دينك واهل دعوتك ووفقتني لذلك
في مبتدا خلقي تفضلا منك وكرما وجودا ثم اردفت الفضل
فضلا والجود جودا والكرم كرما رافة منك ورحمة الى ان جددت
ذلك العهد لي تجديدا بعد تجديدك خلقي وكنت نسيا منسيا
ناسيا ساهيا غافلا فاتممت نعمتك بان ذكرتني ذلك ومننت
به علي وهديتني له فليكن من شانك يا الهي وسيدي و
مولاي ان تتم لي ذلك ولا تسلبنيه حتى تتوفاني على ذلك
وانت عني راض فانك احق المنعمين ان تتم نعمتك علي اللهم
سمعنا واطعنا واجبنا داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا
واليك المصير آمنا بالله وحده لا شريك له وبرسوله محمد صلى
الله عليه وآله وصدقنا واجبنا داعي الله واتبعنا الرسول
في موالاة مولانا ومولى المؤمنين امير المؤمنين علي بن ابي طالب
عبد الله واخي رسوله والصديق الاكبر والحجة على بريته المؤيد
به نبيه ودينه الحق المبين علما لدين الله وخازنا لعلمه وعيبة

غیب الله

غيب الله وموضع سر الله وامين الله على خلقه وشاهده في بريته
اللهم ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم
فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع
الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة
انك لا تخلف الميعاد فانا ربنا بمنك ولطفك اجبنا داعيك
واتبعنا الرسول وصدقناه وصدقنا مولى المؤمنين وكفرنا
بالجبت والطاغوت فولنا ما تولينا واحشرنا مع ائمتنا فانا بهم
مؤمنون موقنون ولهم مسلمون آمنا بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم
وغائبهم وحيهم وميتهم ورضينا بهم ائمة وقادة وسادة و
قادة وحسبنا بهم بيننا وبين الله دون خلقه لا نبتغي بهم بدلا
ولا نتخذ من دونهم وليجة وبرئنا الى الله من كل من نصب لهم حربا
من الجن والانس من الاولين والآخرين وكفرنا بالجبت والطاغوت
والاوثان الاربعة واشياعهم واتباعهم وكل من والاهم من
الجن والانس من اول الدهر الى آخره اللهم انا نشهدك انا ندين

وجودك
وبخشش تو

بما دان به محمد وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم وقولنا ما قالوا
باآنچه فرمانبرداری کنند بآن محمد و خاندان محمد درود خدا بر او و بر ایشان و سخن ما آنچیزیست که گفتند
ودیننا ما دانوا به ما قالوا به قلنا وما دانوا به دنّا وما انکروا
و دین ما آنچیزیست که فرمانبرداری کردند بآن آنچه را گفتند بآن گفتیم و آنچه فرمانبرداری کردند فرمانبرداری کردیم و آنچه انکار
انکرنا ومن والوا والینا ومن عادوا عادینا ومن لعنوا لعنّا
کردند ما انکار کردیم و کسی را که دوست داشتند دوست داشتیم و کسی را که دشمن داشتند دشمن داشتیم و کسی را که لعن کردند
ومن تبرّؤا منه تبرّأنا منه ومن ترحّموا علیه ترحّمنا علیه
لعن کردیم و از کسی که بیزاری جستند بیزاری جستیم از او و از آنکه رحم کردند بر او رحم کردیم بر او
آمنّا وسلّمنا ورضینا واتّبعنا موالینا صلوات الله علیهم اللهم
گرویدیم و گردن نهادیم و خوشنود شدیم و پیروی کردیم آقایان خود را درودهای خدا بر ایشان باد خدایا
فتمّم لنا ذلک ولا تسلبناه واجعله مستقرّا ثابتا عندنا
پس تمام کن از برای ما این را و مگیر از ما و بگردان او را پا برجای ثابت نزد ما
ولا تجعله مستعارا واحینا ما احییتنا علیه وامتنا اذا
و مگردان او را عاریت و زنده دار ما را تا زنده داری ما را بر آن و بمیران ما را چون
امتّنا علیه آل محمد ائمّتنا فبهم نأتمّ وایّاهم نوالی وعدوّهم
بمیرانی ما را بر آن خاندان محمد پیشوایان ما اند پس بایشان پیروی میکنیم و ایشان را دوست میداریم و دشمن
عدوّ الله نعادی فاجعلنا معهم فی الدنیا والآخرة ومن
ایشان دشمن خداست دشمن میداریم پس بگردان ما را با ایشان در دنیا و آخرت و از
المقرّبین فانّا بذلک راضون یا ارحم الراحمین پس باز بسجده رود و صد
نزدیکان پس بدرستیکه ما بآن خوشنودیم ای بخشاینده ترین بخشایندگان
مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شکر الله بگوید پس حضرت فرمود که هر که
این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد که در روز غدیر نزد حضرت رسول
حاضر شده باشد و با حضرت رسول و حضرت امیرالمؤمنین بر ولایت آنحضرت
بیعت کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه راستگویان و تصدیق
کنندگان باشد که تصدیق خدا و رسول در آن روز از روی اخلاص کردند مانند
سلمان و ابوذر و مقداد رضی الله عنهم و مانند کسی باشد که شهید شده باشد

با حضرت رسول و امیرالمؤمنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم و مانند
کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر و در زیر خیمه آنحضرت بوده باشد از
نجیبان و نقیبان و برگزیدگان اصحاب آنحضرت و ایضاً شیخ مفید دعا روایت
کرده است که سنّت است که این دعا را اللهم انی اسألک بحقّ محمد نبیّک
در روز غدیر بخوانند بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بحق محمد پیغمبرت
وعلیّ ولیّک والشأن والقدر الذی خصصتهما به دون
و علی دوستدارت و بپایه و اندازه که خاص کرده ایشان را بآن جز
خلقک ان تصلّی علی محمد وعلیّ وان تبدأ بهما فی کلّ خیر عاجل
آفریدگانت اینکه درود دهی بر محمد و علی و آنکه آغاز کنی بایشان در هر نیکی شتابنده
اللهم صلّ علی محمد وآل محمد الائمة القادة والدعاة السادة
بار خدایا درود ده بر محمد و آل محمد پیشوایان پیشروان و خوانندگان مهتران
والنجوم الزاهرة والاعلام الباهرة وساسة العباد وارکان
و ستارگان درخشندگان و نشانهای روشنان و نگاهدارندگان بندگان و ستونهای
البلاد والناقة المرسلة والسفینة الناجیة الجاریة فی اللجج
شهرها و شتر فرستاده شده و کشتی رهائی دهنده روان در دریاهای
الغامرة اللهم صلّ علی محمد وآل محمد خزّان علمک وارکان توحیدک
انبوه بار خدایا درود ده بر محمد و خاندان محمد نگهدارندگان دانشت و ستونهای یکتائی ات
ودعائم دینک ومعادن کرامتک وصفوتک من بریّتک وخیرتک
و ستونهای دینت و کانهای نوازش و بزرگواریت و برگزیدگان از آفریدگانت و بهتران
من خلقک الاتقیاء الانقیاء النجباء الابرار والباب المبتلی
از آفریدگانت پرهیزکاران پاکیزگان برگزیدگان نیکوکاران و در آزموده شده
به الناس من اتاه نجی ومن اباه هوی اللهم صلّ علی محمد وآل محمد
بآن مردمان هر که آمد او را رهائی یافت و هر که سر باز زد فرو افتاد بار خدایا درود ده بر محمد و آل محمد
اهل الذکر الذین امرت بمسألتهم وذوی القربی الذین امرت
اهل یاد که فرمودی بخواستن از ایشان و صاحبان خویشی که فرمودی
بمودّتهم وفرضت حقّهم وجعلت الجنّة معاد من اقتصّ آثارهم
بدوستی ایشان و فرض کردی حق ایشان را و گردانیدی بهشت را بازگشتگاه کسی که گرفت پی‌های ایشان را

اللهم صل على محمد وآل محمد كما أمروا بطاعتك ونهوا عن
بار خدایا درود ده بر محمد و خاندان محمد چنانکه فرمودند بفرمان برداری تو و باز داشتند از
معصيتك ودلوا عبادك على وحدانيتك اللهم إني أسألك
نافرمانی تو و راه نمودند بندگان را به یگانگی تو بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو
بحق محمد نبيك ونجيبك وصفوتك وأمينك ورسولك
بحق و راستی محمد پیغمبر تو و برگزیده تو و گزیده تو و امانت دار تو و فرستاده تو
إلى خلقك وبحق أمير المؤمنين ويعسوب الدين وقائد الغر
بسوی آفریدگان تو و بحق فرمانفرمای گروندگان و مهتر دین و پیشرو سفید رویان و
المحجلين الوصي الوفي والصديق الأكبر والفاروق بين الحق و
سفید دست و پایان سفارش کرده شده و وفادار و راست کننده بزرگتر و جدا کننده میان حق
الباطل والشاهد لك والدال عليك والصادع بأمرك والمجاهد
و باطل و گواه مر ترا و راه نماینده بر تو و روشن سازنده بفرمان تو و کارزار کننده
في سبيلك لم تأخذه فيك لومة لائم أن تصلي على محمد وآل محمد
در راه تو نگرفت او را در باره تو سرزنش سرزنش کننده اینکه درود دهی بر محمد و آل محمد
وأن تجعلني في هذا اليوم الذي عقدت فيه لوليك العهد
و اینکه گردانی مرا در این روز که بستی در آن از برای دوست تو پیمان را
في أعناق خلقك وأكملت لهم الدين من العارفين بحرمته و
در گردنهای آفریدگانت و کامل گردی از برای ایشان دین را از شناسندگان بزرگی آن و
المقرين بفضله ومن عتقائك وطلقائك من النار ولا تشمت بي
اقرار کنندگان بزرگی آن و از آزاد کردگان و رهاشدگانت از آتش و شاد مکن بمن
حاسدي النعم اللهم فكما جعلته عيدك الأكبر وسميته في
رشک برندگان نعمتها را بار خدایا پس چنانکه گردانیدی آنرا عید بزرگتر و نامیدی آنرا در
السماء يوم العهد المعهود وفي الأرض يوم الميثاق المأخوذ والجمع
آسمان روز پیمان کرده شده و در زمین روز پیمان گرفته شده و
المسئول صل على محمد وآل محمد وأقرر به عيوننا وأجمع به شملنا
جمع پرسیده شده درود ده بر محمد و آل محمد و روشن گردان بآن چشمهای ما را و فراهم آور بآن پراکندگی ما را
ولا تضلنا بعد إذ هديتنا واجعلنا لأنعمك من الشاكرين
و گمراه مکن ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و بگردان ما را از برای نعمتهای تو از سپاس داران

يا أرحم الراحمين الحمد لله الذي عرفنا فضل هذا اليوم وبصرنا
ای بخشاینده ترین بخشایندگان ستایش مر خدای را که شناسانید ما را افزونی این روز و بینا گردانید ما را
حرمته وكرمنا به وشرفنا بمعرفته وهدانا بنوره يا رسول
ببزرگی آن و گرامی کرد ما را بآن روز و بزرگ کرد ما را بشناختن آن و راه نمود ما را بروشنی آن ای فرستاده
الله يا أمير المؤمنين عليكما وعلى عترتكما وعلى محبيكما مني
خدا ای فرمانفرمای مومنان بر شما و بر خویشان نزدیک شما و بر دوستان شما از من
أفضل السلام ما بقي الليل والنهار وبكما أتوجه إلى الله
افزونتر درود تا باقی است شب و روز و بشما روی آورم بسوی خدا
ربي وربكما في نجاح طلبتي وقضاء حوائجي وتيسير أموري
پروردگار من و پروردگار شما در روا شدن خواستن من و روا شدن نیازهای من و آسان گردانیدن کارهای من
اللهم إني أسألك بحق محمد وآل محمد أن تصلي على محمد وآل
بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو بحق محمد و خاندان محمد اینکه درود دهی بر محمد و خاندان
محمد وأن تلعن من جحد حق هذا اليوم وأنكر حرمته فصد عن
محمد و اینکه دور داری از رحمت کسی که نشناخت سزای این روز را و انکار کرد بزرگی آنرا پس باز ایستاد از
سبيلك لإطفاء نورك فأبى الله إلا أن يتم نوره اللهم فرج
راه تو از برای فرو نشاندن روشنایی تو پس سر باز زد خدا مگر اینکه تمام کند روشنایی او را بار خدایا بگشا
عن أهل بيت محمد نبيك واكشف عنهم وبهم عن المؤمنين الكربات
اندوه خانه محمد پیغمبرت و دور دار از ایشان و بایشان از گروندگان اندوهها را
اللهم املأ الأرض بهم عدلا كما ملئت ظلما وجورا وأنجز لهم
بار خدایا پر کن زمین را بایشان داد چنانکه پر شده از ستم و بیداد و راست کن از برای ایشان
ما وعدتهم إنك لا تخلف الميعاد واگر بعد این دعا بسجده رود و صد
آنچه وعده دادی ایشان را بدرستی که تو خلاف نمیکنی وعده را مرتبه شکرا و صد مرتبه الحمد لله
بگوید و صد مرتبه یا آنچه تواند بگوید الحمد لله على إكمال الدين وإتمام النعمة
ستایش مر خدای راست بر کامل کردن دین و تمام کردن نعمت
ورضى الرب الكريم والحمد لله رب العالمين والصلوة على
و خوشنودی پروردگار بزرگوار و ستایش مر خدای را که پروردگار جهانیان است و درود بر
خير خلقه محمد وعترته الطاهرين بهتر خواهد بود چنانکه سید ابن
باقی و کفعمی روایت کرده اند
بهترین آفریدگانش محمد و خویشان نزدیک او که پاکانند

اعمال روز مباهله

اما شیخ مفید این زیادتی را نقل نکرده است **فصل بیست و هفتم** در فضیلت
و اعمال روز مباهله است تا آخر ماه و در تعیین روز مباهله میان علما
خلافست و اشهر و اقوی آنست که روز بیست و چهارم است و بعضی بیست و پنجم
و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته اند و اگر در هر یک از اینها
اعمال مستحبه را بعمل آورند بهتر است و آنچه مشهور است بیست و چهارم است
و سبب فضیلت روز مباهله آنست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله
رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران که اعظم ترسایان عرب بودند و ایشان
بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت رسول را در کتب جمیع انبیا مشاهده
کردند حب دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند و هفتاد
نفر از علما و عظمای خود را فرستادند که صفاتی که در کتب سابقه برای حضرت
دیده اند مشاهده نمایند و بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند
و حضرت رسول حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب حب
ریاست و اغراض باطله مضایقه کردند در ایمان آوردن حق تعالی این آیه کریمه را
فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ
أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ
لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ یعنی پس هر که با تو مجادله کند در امر عیسی بعد از آنچه
آمده است بسوی تو از علم و برهان و القا کردی بر ایشان و قبول نکردند پس
بگو ای محمد بیایید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان
شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها را که بمنزله جان ما اند
پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت و دوری از رحمت خدا را بر آنها
که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول عبائی بر دوش مبارک گرفتند

و حضرت

و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را در زیر
عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبر را اهل بیتی بوده است که مخصوص
ترین خلق بوده اند باو خداوندا اینها اهل بیت من اند پس از ایشان برطرف کن
شك و گناه را و پاك کن ایشان را پاك کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه را
در شان ایشان آورد إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا یعنی نیست جز اینکه اراده دارد حق تعالی که زایل گرداند از شما
اهل بیت بدی و شك را و پاك گرداند شما را از گناهان پاك گردانیدنی پس
حضرت رسول علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود بیرون
برد از مدینه برای مباهله و چون نصاری حقیت آنحضرت را دانسته بودند
بعد از ایستادن حضرت با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب
در زمین و آسمان ظاهر شد و عاقل بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند که من روی
چند می بینم که اگر دعا کنند که کوهی از جا کنده شود خواهد شد جرات
نکردند بر مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند و قبول کردند
که هر سال جزیه بدهند و حضرت ایشان را نفرین نکرد و بامر الهی جزیه بر ایشان
قرار داد و حضرت فرمود که بخدا سوگند که هلاك و عذاب آویخته شد
بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم هر آینه همه این جماعت میمون و خوك
میشدند و این وادی بر ایشان آتش میشد و سرایت میکرد بنجران و همه
ترسایان نجران میسوختند و پیش از آنکه سال تمام شود جمیع نصاری میمردند
و یك نصرانی بر روی زمین زنده نمیماند و باین سبب چندین امر بر عالمیان
ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را
و عزیزترین اهل خود را در معرض مباهله در نمی آورد و اگر آنجماعت حقیت

آنحضرت بر ایشان ظاهر شد بود مباهله نکردند و مذلت و خواری جزیه
بر خود قرار نمیدادند **دویم** آنکه ظاهر شد که آل عبا علیهم السلم بزرگوارترین
خلق بودند که ایشانرا آنحضرت در دعا با خود شریک کردانید **سیم** آنکه ایشان
عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیت خود ایشانرا در معرض
نفرین در آورد زیرا که آدمی بسیار است که خود را بمهالک می افکند اما اعزه
عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانچه صاحب کشاف
و غیر او از متعصبان سنیان اعتراف باین نموده اند **چهارم** اینکه حسن و حسین
فرزند حقیقی آنحضرت شدند و رتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا و
رسول با آن صغر سن **پنجم** آنکه حضرت فاطمه صلوات الله علیها بهترین زنان
بود و از زوجات و سایر قربات با آنحضرت اخص و اقرب بوده و منزلت او نزد
حق تعالی از همه بیشتر بود **ششم** آنکه باتفاق عامه و خاصه حضرت امیر المؤمنین ع
در مباهله داخل بود و داخل ابنا و نسا نیست پس باید داخل انفسنا باشد
و حقیقت مراد درینجا نمیتواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محالست پس مراد آنست
که اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت در کمالات و صفات بمرتبه بود که بمنزله
نفس و جان آنحضرت بود پس هر کمالی که در حضرت رسول بود باید که در آنحضرت
باشد بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران بغیر
آنحضرت و باید که مخصوص ترین خلق باشد با آنحضرت و اعز خلق باشد نزد
او و روایات مفصله این قصه شریفه و فواید که از آن مستفاد میشود
در کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و از جمله
اموری که در روز بیست و چهارم واقع شده و موجب مزید فضل آن گردیده
آنست که درین روز حضرت امیر المؤمنین ع در رکوع نماز انگشتر خود را بسایل

بخشید

بخشید و این آیه کریمه نازل شد و امامت آنحضرت بر اصحاب بصیرت هویدا کردید
اِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلٰوةَ وَیُؤْتُونَ
الزَّکٰوةَ وَهُمْ رَاکِعُونَ یعنی نیست اولی بامر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول
او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را بر پا میدارند و چنانچه باید بجا می آورند
و زکوة میدهند در رکوع و این آیه نص صریح است بر امامت آنحضرت چنانچه
در سایر کتب ذکر کرده ام و درین روز غسل سنت و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع
درین روز ذکر کرده اند و خواندن زیارت جامعه مناسبست و روزه این روز
مستحبست و تاسی بمولای خود حضرت امیر المؤمنین ع کردن در تصدق بر فقرا
و ارباب حاجات بانچه مقدور و میسر باشد مطلوبست **و اعمال** این روز
مبارک بسیار است **اول** شیخ طوسی ره از حضرت صادق ع روایت کرده است
که درین روز پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت
مباهله و در هر رکعت بعد از سوره حمد ده بار سوره قل هو الله احد
و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا انزلناه راده مرتبه بخواند که این نماز را
بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی از
حاجتهای دنیا و آخرت که از حق تعالی سوال کند البته بر آورده شود هر چند
عظیم باشد انشاء الله و این نماز همان نماز است که در اعمال روز غدیر مذکور شد
عمل دویم از اعمال این روز دعائیست که شیخ طوسی و سید ابن طاوس قدس الله
روحهما بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده اند که
آنحضرت از جد بزرگوار خود امام محمد باقر ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود
که اگر گویم درین دعا اسم اعظم حق تعالی هست هر آینه راست گفته ام و اگر
مردم بدانند که این دعا در اجابت چگونه تاثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور

باشد سعی نمایند در تحصیل آن هر چند باید که قتال کنند و مرا هر حاجت
که عارض میشود این دعا را میخوانم و بعد از آن حاجت خود را میطلبم و البته
مستجاب میگردد و این دعائیست که در وقتیکه آیهٔ مباهله نازل شد جبرئیل
از جانب خداوند جلیل بر حضرت سید رسل نازل شد و این دعا را آورد و گفت
برای مباهله بیرون رو و وصی خود علی بن ابی طالب و سیدة النساء فاطمه زهرا
و دو نور دیده و فرزند پسندیده خود حسن و حسین صلوات الله علیهم را
با خود ببر و این دعا را بخوان و با ترسایان مباهله کن و بر ایشان نفرین کن پس
حضرت امام جعفر صادق گفت که هرگاه این دعا را خوانید جهد و سعی کنید
در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود گردانید در حاجتها و از کسی که اهلش نباشد
از سفیهان و منافقان پنهان دارید و با ایشان تعلیم منمائید که از علمهای مخزونست
و هر کس قابل این گوهر گرانمایه نیست و دعا اینست اللهم انی اسألک من بهائک بابهاه
بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو از نیکوئی و زیبائی تو بنیکوترین
وکل بهائک بهی اللهم انی اسألک ببهائک کله اللهم انی
و همه نیکوئی و زیبائی تو نیکوست بار خدایا بدرستی که من میخواهم بنیکوئی و زیبائی تو همه آن بار خدایا بدرستی که
اسألک من جلالک باجله وکل جلالک جلیل اللهم انی اسألک
میخواهم از تو از بزرگی تو ببزرگترین آن و همه بزرگواری تو بزرگست بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو
بجلالک کله اللهم انی اسألک من جمالک باجمله وکل جمالک
به بزرگی تو همه آن بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو از خوبی تو بخوبترین آن و همه خوبی تو
جمیل اللهم انی اسألک بجمالک کله اللهم انی ادعوک کما
خوبست بار خدایا بدرستی که میخواهم از تو بخوبی تو همه آن بار خدایا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه
امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسألک من عظمتک
امر نمودی مرا پس مستجاب کن برای من چنانکه وعده دادی مرا بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو از بزرگواری
باعظمها وکل عظمتک عظیمة اللهم انی اسألک بعظمتک
ببزرگترین آن و همه بزرگواری تو بزرگست بار خدایا بدرستی که من سؤال میکنم از تو ببزرگواری تو همه آن

دعای مباهله

کلها

کلها اللهم انی اسألک من نورک بانوره وکل نورک نیر اللهم
بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو از روشنائی تو بروشن ترین آن و همه نور تو روشنست بار خدایا
انی اسألک بنورک کله اللهم انی اسألک من رحمتک باوسعها
بدرستی که من میخواهم از تو بروشنائی تو همه آن بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو از بخشایش تو بفراخ ترین آن
وکل رحمتک واسعة اللهم انی اسألک برحمتک کلها اللهم
و همه بخشایش تو فراخست بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو ببخشایش تو همه آن بار خدایا
انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی
بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس مستجاب کن از برای من چنانکه وعده دادی مرا بار خدایا بدرستی که
اسألک من کمالک باکمله وکل کمالک کامل اللهم انی اسألک
من میخواهم از تو از تمامیت تو بتمام ترین آن و همه تمامی تو تمام است بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو
بکمالک کله اللهم انی اسألک من کلماتک باتمها وکل کلماتک
بتمامیت تو همه آن بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو از سخنان تو بتمام ترین آن و همه سخنان تو
تامة اللهم انی اسألک بکلماتک کلها اللهم انی اسألک من
تمام است بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو بسخنان تو همه آن بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو از
اسمائک باکبرها وکل اسمائک کبیرة اللهم انی اسألک
نامهای تو به بزرگترین آنها و همه نامهای تو بزرگست بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو
باسمائک کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما
بنامهای تو همه آن بار خدایا بدرستی که من میخوانم ترا چنانکه امر کرده مرا پس مستجاب کن برای من چنانکه
وعدتنی اللهم انی اسألک من عزتک باعزها وکل عزتک عزیزة
وعده دادی مرا بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو از ارجمندی تو بارجمندترین آن و همه ارجمندی تو ارجمند است
اللهم انی اسألک بعزتک کلها اللهم انی اسألک من مشیتک
بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو بارجمندی تو همه آن بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو از خواستن تو
بامضاها وکل مشیتک ماضیة اللهم انی اسألک بمشیتک
بروانترین آن و همه خواستن تو رواست بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو بخواستن تو
کلها اللهم انی اسألک بقدرتک التی استطلت بها علی کل
همه آن بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو بتوانائی تو که گردن کشیدی آن بر همه
شیء وکل قدرتک مستطیلة اللهم انی اسألک بقدرتک کلها
چیزها و همه توانائی تو گردن کش است بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو بتوانائی تو همه آن

اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني
أسألك من علمك بأنفذه وكل علمك نافذ اللهم إني أسألك
بعلمك كله اللهم إني أسألك من قولك بأرضاه وكل قولك
رضي اللهم إني أسألك بقولك كله اللهم إني أسألك من
مسائلك بأحبها وكل مسائلك حبيبة اللهم إني أسألك بمسائلك
كلها اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم
إني أسألك من شرفك بأشرفه وكل شرفك شريف اللهم إني
أسألك بشرفك كله اللهم إني أسألك من سلطانك بأدومه
وكل سلطانك دائم اللهم إني أسألك بسلطانك كله اللهم
إني أسألك من ملكك بأفخره وكل ملكك فاخر اللهم إني
أسألك بملكك كله اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب
لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من علائك بأعلائه وكل
علائك عال اللهم إني أسألك بعلائك كله اللهم إني
أسألك من آياتك بأعجبها وكل آياتك عجيبة اللهم إني

اسالک

أسألك بآياتك كلها اللهم إني أسألك من منك بأقدمه وكل
منك قديم اللهم إني أسألك بمنك كله اللهم إني أدعوك
كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك بما أنت
فيه من الشئون والجبروت اللهم إني أسألك بكل شأن و
كل جبروت لك اللهم إني أسألك بما تجيبني به حين أسألك
فأجبني يا الله يا لا إله إلا أنت أسألك ببهاء لا إله إلا أنت
يا لا إله إلا أنت أسألك بجلال لا إله إلا أنت يا لا إله إلا
أنت أسألك بلا إله إلا أنت اللهم إني أدعوك كما أمرتني
فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من رزقك بأعمه
وكل رزقك عام اللهم إني أسألك برزقك كله اللهم إني
أسألك من عطائك بأهنئه وكل عطائك هني اللهم إني
أسألك بعطائك كله اللهم إني أسألك من خيرك بأعجله وكل
خيرك عاجل اللهم إني أسألك بخيرك كله اللهم إني أسألك
من فضلك بأفضله وكل فضلك فاضل اللهم إني أسألك

بفضلك كله اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما
وعدتني اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثني على الايمان
بك والتصديق برسولك عليه وآله السلام والولاية لعلي
بن ابي طالب والبراءة من عدوه والائتمام بالائمة من آل محمد
عليهم السلام فاني قد رضيت بذلك يا رب اللهم صل على محمد
عبدك ورسولك في الاولين وصل على محمد وآل محمد في
الآخرين وصل على محمد وآله في الملأ الاعلى وصل على محمد
وآله في المرسلين اللهم اعط محمدا الوسيلة والشرف و
الفضيلة والدرجة الكبيرة اللهم صل على محمد وآل محمد
وقنعني بما رزقتني وبارك لي فيما اعطيتني واحفظني في
غيبتي وفي كل غائب هو لي اللهم صل على محمد وآل محمد و
اسألك خير الخير رضوانك والجنة واعوذ بك من شر الشر
سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني من كل
مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل

بلاء ومن كل شر ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل آفة
نزلت او تنزل من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي كل
ساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي
هذه السنة اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي من كل سرور
ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل عافية
ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال طيب
ومن كل نعمة ومن كل سعة نزلت او تنزل من السماء الى الارض
في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا
الشهر وفي هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي
عندك وحالت بيني وبينك وغيرت حالي عندك فاني اسألك
بنور وجهك الذي لا يطفأ وبوجه محمد حبيبك المصطفى و
بوجه وليك علي المرتضى وبحق اوليائك الذين انتجبتهم ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ما مضى من ذنوبي وان
تعصمني فيما بقي من عمري واعوذ بك اللهم ان اعود في

شیٔ من معاصیك ابدًا ما ابقیتنی حتی تتوفانی وانا لك مطیع

چیزی از نافرمانیهایت هرگز چندانکه باقی داری مرا تا میرانی مرا و من مر ترا فرمان بردارم

وانت عنی راض وان تختم لی عملی باحسنه وتجعل لی ثوابه الجنة

و تو از من خوشنود باشی و آنکه انجام رسانی از برای من کردارهای مرا بنیکوترین آن و گردانی برای من نزد تو ثواب بهشت

وان تفعل بی ما انت اهله یا اهل التقوی ویا اهل المغفرة

و آنکه بکنی بمن آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار آنکه از او ترسند و ای سزاوار آنکه بیامرزد

صل علی محمد وآل محمد وارحمنی برحمتك یا ارحم الراحمین وبعد

درود فرست بر محمد و آل محمد و ببخشا مرا ببخشایش تو ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان

از آن هر حاجتی که داری از حق تعالی طلب کن که ان شاء الله تعالی بر آورده است

مؤلف گوید که خواندن این دعا در روز مباهله انسب است و شیخ طوسی هم

نیز درین روز روایت کرده است و از روایت مذکور معلوم میشود که در همه

وقت میتوان خواند و در دعا اختلاف هست میان روایات و آنچه در اینجا

ذکر شده است موافق روایت شیخ است و روایت دیگر را با ترجمه در رساله

دیگر ایراد نموده ام و شبیه این دعا در سحرهای ماه مبارک رمضان و

روزهای آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار و از عظیم‌ترین دعاها

عمل سیم آنست که شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر از حضرت موسی بن

جعفر روایت کرده اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است

و درین روز آنچه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن

هفتاد مرتبه استغفر الله ربی واتوب الیه بگو پس میایستی بموضع

سجود خود نظر میکنی و این دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و بروایت

دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است باید که این روز را

روزه بداری برای شکر خدا تعالی بر این نعمت عظمی و غسل بکن و پاکیزه‌ترین

جامهای خود را بپوش و با آنچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید

که بآرام دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن

ضریح مقدس حاضر شوی والا بجائی خلوتی روی یا بر کوه بلندی بر آئی

یا بصحرائی بروی و باید که از منزل خود بیرون رود و غسل کند و بهترین جامهای

خود را بپوشد و چون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز بکند

با آداب و شرایط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد و بجانب آسمان

نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که پس هر دعائی که خواهی بکنی باز

دو رکعت نماز بکن و دعا الحمد لله رب العالمین الحمد لله فاطر السموات

بکن و دعا اینست

ستایش مر خدا را که پروردگار عالمیانست ستایش مر خدا راست که آفریننده آسمانها

والارض الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض الحمد لله

و زمین است ستایش مر خدا راست که مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینهاست ستایش مر خدا راست

الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذین

که آفرید آسمانها و زمین را و گردانید تاریکیها و روشنی را پس آنانکه

کفروا بربهم یعدلون الحمد لله الذی عرفنی ما کنت به جاهلا ولولا

کافر شدند بپروردگارشان مانند میگردانند [illegible] ستایش مر خدا را که شناسانید بمن آنچه بودم بآن نادان و اگر نه

تعریفه ایای لکنت هالکا اذ قال وقوله الحق قل لا اسئلکم

شناسانیدن او بود مرا هر آینه بودم از هلاک شدگان چون گفت و سخن او راست است بگو نمیخواهم از شما

علیه اجرا الا المودة فی القربی فبین لی القرابة وقال

بر آن مزدی مگر دوست داشتن خویشان را پس هویدا کرد از برای من خویشی را و فرمود

سبحانه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم

[illegible] جز این نیست که میخواهد خدا تا ببرد از شما پلیدی را ای مردم خانه پیغمبر و پاکیزه کند شما را

تطهیرا فبین لی اهل البیت بعد القرابة ثم قال تعالی مبینا

پاکیزه کردنی پس هویدا کرد برای من مردم خانه پیغمبر را پس از خویشی پس فرمود خدا تعالی هویدا کننده

عن الصادقین الذین امرنا بالکون معهم والرد الیهم بقوله سبحانه

از راستان که فرمود ما را بودن با ایشان و باز گردانیدن بسوی ایشان بگفتن او پاک او

یا ایها الذین امنوا اتقوا الله وکونوا مع الصادقین فاوضح عنهم

ای آنکسانی که گرویده اید بپرهیزید از خدا و باشید با راستگویان پس هویدا کرد از ایشان

وأبان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم
و آشکار نمود از چگونگی ایشان بگفتنش و بزرگ است ازو پس بگو بیایید بخوانیم پسران ما را و پسران شما را
ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله
و زنان ما را و زنان شما را و نفسهای ما را و نفسهای شما را پس تضرع کنیم بیکدیگر پس بگردانیم نفرین خدا را
على الكاذبين فلك الشكر يا رب ولك المن حيث هديتني و
بر دروغ گویان پس مر تراست سپاس ای پروردگار من و مر تراست منت که راه نمودی مرا و
ارشدتني حتى لم يخف علي الاهل والبيت والقرابة فعرفتني
راه نمودی مرا تا پنهان نماند بر من مردم و خانه و خویشی پس شناسانیدی مرا
نساءهم واولادهم ورجالهم اللهم اني اتقرب اليك بذلك
زنان ایشان را و فرزندان ایشان را و مردان ایشان را بار خدایا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی تو بآن
المقام الذي لا يكون اعظم منه فضلا للمؤمنين ولا اكثر
جای که نباشد بزرگتر از آن از روی افزونی از برای گروندگان و نه بیشتر
منه رحمة لهم بتعريفك اياهم شأنهم وابانتك فضل اهله الذين
از آن از روی بخشودن مر ایشان را بشناسا کردن تو ایشان را کار ایشان را و آشکار نمودن تو افزونی کسان او را که
بهم ادحضت باطل اعدائك وثبت بهم قواعد دينك ولولا
بایشان لغزانیدی بیهوده دشمنانت را و برپا داشتی بایشان بنیادهای دینت را و اگر نه
هذا المقام المحمود الذي انقذتنا به ودللتنا على اتباع المحقين
این جای ستوده که رهانیدی ما را بآن و راه نمودی ما را بر پیروی استواران
من اهل بيت نبيك الصادقين عنك الذين عصمتهم من لغو
از مردم خانه پیغمبرت راستگویان از تو که نگاهداشتی ایشان را از نا[illegible]
المقال ومدانس الافعال لخصم اهل الاسلام وظهرت كلمة
گفتار و چرکینهای کارها هر آینه خصومت کردندی مسلمانان و آشکار شدی سخن
اهل الالحاد وفعل اولي العناد فلك الحمد ولك المن ولك الشكر
ملحدان و کار ستیزندگان پس مر تراست ستایش و مر تراست منت و مر تراست سپاس
على نعمائك وأياديك اللهم فصل على محمد وآل محمد الذين
بر نعمتهایت و نیکوییهایت بار خدایا پس درود ده بر محمد و خاندان محمد که
افترضت علينا طاعتهم وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا
واجب کرده بر ما فرمانبرداری ایشان را و بستی در گردنهای ما دوستی ایشان را و گرامی کردی ما را

بمعرفتهم

بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفونا
بشناختن ایشان و بزرگوار گردانیدی ما را به پیروی اثرهای ایشان و پا بر جا داشتی ما را بسخن پا بر جا که شناسانیدند ما را
فأعنا على الأخذ بما بصرونا واجز محمدا عنا افضل الجزاء بما
پس یاری ده ما را بر گرفتن آنچه بینا گردانیدند ما را و پاداش ده محمد را از ما بهترین پاداش بآنچه
نصح لخلقك وبذل وسعه في ابلاغ رسالاتك واخطر بنفسه
نیکخواهی کرد از برای آفریدگانت و بخشید توانائی خود را در رسانیدن پیغامهایت و در خطر انداخت جان خود را
في اقامة دينك وعلى اخيه ووصيه والهادي من بعده الى
در برپا داشتن دینت و بر برادرش و جانشینش و راه نماینده پس از او بسوی
دينه والمقيم سنته علي امير المؤمنين صلوات الله عليه وصل
دینش و برپا دارنده روش او علی که امیر گروندگان است درودهای خدا بر او و درود ده
على الائمة من ابنائهما الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك
بر پیشوایان از پسران او راستگویان که پیوستی فرمانبرداری ایشان را بفرمانبرداریت
وادخلنا بشفاعتهم دار الكرامة يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء
و در آر ما را بخواهش کردن ایشان سرای بزرگواری ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا ایشان
اصحاب الكساء والعباء يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا
یاران کسا و عبا اند در روز نفرین کردن بار خدایا بگردان ایشان را درخواست کنندگان ما
واسألك بحق ذلك المقام المحمود واليوم المشهود ان تغفر لي
و میخواهم از تو بحق این جای ستوده و روز گواهی که بیامرزی مرا
وتتوب علي انك انت التواب الرحيم اللهم اني اشهد ان ارواحهم
و بازگردی بر من بدرستیکه توئی بازگردنده بخشاینده بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم که جانهای ایشان
وطينتهم واحدة وهي الشجرة التي طاب اصلها وفرعها و
و سرشت ایشان یکی است و آن درختیست که خوش است بیخ آن و شاخ آن و
اغصانها واوراقها اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزي
شاخهای آن و برگهای آن بار خدایا رحم کن ما را بحق ایشان و پناه ده ما را از ایستادنگاههای رسوائی
في الدنيا والآخرة بولايتهم واوردنا موارد الامن من اهوال
در دنیا و آخرت بدوستی ایشان و در آور ما را بجای آمدنهای ایمنی از هولهای
يوم القيامة بحبهم واقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم واهتدائنا
روز رستخیز بدوستی ایشان و اقرار کردن ما بافزونی ایشان و پیروی کردن ما اثرهای ایشان را و راه یافتن ما

بهداهم واعتقادنا ما عرفوناه من توحيدك ووقفونا عليه من تعظيم
شانك وتقديس اسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات ان
تحلك والعلم ان يحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك اقمتهم
حججا على خلقك ودلائل على توحيدك وهداة تنبه على امرك
وتهدي الى دينك وتوضح ما اشكل على عبادك وبابا
للمعجزات التي يعجز عنها غيرك وبها تبين حجتك وتدعوا الى
تعظيم السفير بينك وبين خلقك وانت المتفضل عليهم حيث
قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك واصطفيتهم لوحيك
واورثتهم غوامض تاويلك رحمة لخلقك ولطفا بعبادك وحنانا
على بريتك وعلما بما تنطوي عليه ضمائر امنائك وما يكون
من شان صفوتك وطهرتهم في منشاهم ومبتدئهم وحرستهم
من نفث نافث اليهم واريتهم برهانا على من عرض بسوء لهم
فاستجابوا لامرك وشغلوا انفسهم بطاعتك وملاؤا اجزاءهم
من ذكرك وعمروا قلوبهم بتعظيم امرك وجزؤا اوقاتهم فيما

يرضيك

يرضيك واخلوا دخائلهم من معاريض الخطرات الشاغلة عنك
فجعلت قلوبهم مكامن لارادتك وعقولهم مناصب لامرك
ونهيك والسنتهم تراجمة لسنتك ثم اكرمتهم بنورك حتى
فضلتهم من بين اهل زمانهم والاقربين اليهم فخصصتهم بوحيك
وانزلت اليهم كتابك وامرتنا بالتمسك بهم والرد اليهم والاستنباط
منهم اللهم فانا قد تمسكنا بكتابك وبعترة نبيك صلواتك
عليهم الذين اقمتهم لنا دليلا وعلما وامرتنا باتباعهم اللهم
فانا قد تمسكنا بهم فارزقنا شفاعتهم حين يقول الخائبون فما لنا من
شافعين ولا صديق حميم واجعلنا من الصادقين المصدقين لهم
المنتظرين لايامهم الناظرين الى شفاعتهم ولا تضلنا بعد اذ
هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب آمين
رب العالمين اللهم صل على محمد نبيك وعلى اخيه وصنوه
امير المؤمنين وقبلة العارفين وعلم المهتدين وثاني الخمسة
الميامين الذين فخر بهم روح الامين وباهل الله تعالى بهم

المباهلین فقال وهو اصدق القائلین فمن حاجک فیه من بعد
مباهله کنندگان پس فرمود او و راست گوی گویندگانست پس کسی که حجت گوید با تو در آن از پس
ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءکم ونساءنا
آنچه آمد ترا از دانش پس بگو بیائید تا بخوانیم پسران ما را و پسران شما را و زنان ما را
ونساءکم وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی
و زنان شما را و خود ما را و خود شما را پس تضرع کنیم پس بگردانیم لعنت خدا را بر
الکاذبین ذلک لامام المخصوص بمواخاته یوم الاخاء والمؤثر
دروغ گویان این است پیشوای خاص کرده شده ببرادری او روز برادری و اختیار کننده
بالقوت بعد ضر الطوی ومن شکر الله سعیه فی هل اتی ومن
بروزی پس از آزار گرسنگی و کسی که سپاس داشت خدای سعی او را در سوره هل اتی و کسی که
شهد بفضله معادوه واقر بمناقبه جاحدوه مولی الانام و
گواهی داد بافزونی او دشمنان او و اقرار کردند بمناقب او ناشناسان او خواجه مردمان و
مکسر الاصنام ومن لم تاخذه فی الله لومة لائم صلی الله علیه
شکننده بتان و کسی که نگرفت او را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده درود دهاد خدا بر او
وآله ما طلعت شمس النهار واورقت الاشجار وعلی النجوم المشرقات
و آل او تا بر آید خورشید روز و برگ آورند درختان و بر ستارگان تابندگان
من عترته والحجج الواضحات من ذریته وابتدعا بحسب سند و
از خویشان نزدیک او و حجتهای روشن از فرزندان او

متن اصح ادعیه است و دیگر از ایام متبرکه روز بیست و پنجم است
و مشهور آنست که درین روز سوره کریمه هل اتی در شان حضرت امیر المؤمنین
و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم نازل شد بسبب
آنکه حسن و حسین ع بیمار شدند و حضرت رسول بعیادت ایشان رفت
و امر فرمود که حضرت امیر و فاطمه و حسن و حسین ع نذر کردند که اگر خدا ایشان را
عافیت دهد سه روز روزه بگیرند و چون خدا عافیت کرامت کرد آن
چهار بزرگوار با فضه خادمه ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که
بآن افطار نمایند پس حضرت امیر علیه السلام قدری پشم از شمعون یهودی

گرفت

گرفت با سه صاع از جو که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هر روز ثلث
آن پشم را بریسد و یکصاع از آن جو را بمزد خود برد آرد پس در روز اول
حضرت فاطمه قدر ثلث آن پشم را گرفت و رشت و بمزد آن صاعی از جو برداشت
و آرد کرد و پنج کرده نان پخت و چون حضرت امیر با حضرت رسول نماز شام
کرد و بخانه برگشت و حضرت فاطمه پنج کرده نان حاضر کرد و خواستند افطار
نمایند مسکینی بر در خانه ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من
مسکینم از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را از مائدهای
بهشت طعام دهد پس حضرت امیر ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را بدهم
و سایر اهل بیت با فضه با آنحضرت موافقت کردند و نانهای خود را بسایل
دادند و بآب افطار کردند و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه
بمزد رشتن یک ثلث دیگر از پشم یکصاع برداشت و آرد کرد و پنج کرده
دیگر پخت و چون خواستند که افطار کنند سایلی بر در خانه آمد و صدا
زد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من یتیمی ام از اولاد مهاجرین و پدرم
در روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را از خوانهای
بهشت طعام دهد پس اول حضرت امیر مؤمنان نان خود را داد و بعد از او
فاطمه زهرا و بعد از او دو گوشواره عرش خدا و بعد از ایشان فضه سعادتمند
همگی نانهای خود را بر یتیم دادند و بآب افطار نمودند و در روز سیم روزه
داشتند و باز حضرت سیدة النساء در روز سیم بقیه پشم را رشت و بقیه
جو را گرفت و در آسیا خورد کرد و باز پنج کرده نان پخت و چون حضرت امیر
کبیر از نماز برگشت و حضرت فاطمه طعام را حاضر ساخت که افطار نمایند
ناگاه اسیری از اسیران کافران ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد

ما را اسیر میکنید و می‌بندید و طعام نمیدهید بخورید پس بخوشبهای
سابق همه گرده‌های نان را بسایل دادند و بآب بحت افطار نمودند چون صبح شد
حق تعالی سورهٔ کریمهٔ هل اتی را در شان ایشان فرستاد و در آن سوره اشاره
باین قصه نمود که یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَیَخافُونَ یَوْماً کانَ شَرُّهُ مُسْتَطِیراً
وَیُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَیَتِیماً وَأَسِیراً إِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللّهِ
لا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزاءً وَلا شُکُوراً إِنّا نَخافُ مِنْ رَبِّنا یَوْماً عَبُوساً قَمْطَرِیراً یعنی
وفا میکنند بنذر و میترسند از روزی که شر آن اکثر خلق را فرا گرفته است
و میخورانند طعام را با خواهش و محبت آن یا از برای محض محبت خدا مسکین و
یتیم و اسیر و میگویند یعنی در دل خود و نیت ایشان اینست که ما طعام نمیدهیم
شما را مگر از برای رضای خدا نمیخواهیم از شما نه جزا و پاداشی را و نه شکری و ثنائی را
و ما میترسیم از روز قیامت که در نهایت شدت و هولست و چون در روز چهارم
که بیست و پنجم ماه ذی الحجه بود سورهٔ هل اتی در مدح ایشان نازل شد
حضرت رسول بخانهٔ اهل بیت علیهم السلام آمد و ایشان را بآن شدت گرسنگی و آن حالت
غریب مشاهده کرد و گریست و فرمود که این چه حالتست که در شما مشاهده مینمایم
و امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما را دید که از نقاهت بیماری و از
گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون آید میلرزند و حضرت فاطمه صلوات الله
علیها را دید در محراب عبادت ایستاده بود و از گرسنگی شکم مبارکش بر پشت
چسپیده بود و چشمهایش فرو رفته بود و چون از نماز فارغ شد حق تعالی
خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که در آن کاسه بود و گوشت و ترید گرم در آن
میان بود که میجوشید و بوئی بهتر از بوی مشک از آن ساطع بود پس حضرت
فاطمه آن خوان را نزد حضرت رسول آورد حضرت فرمود که ای فاطمه این را از کجا

آوردی گفت از جانب خدا آمده است خدا هر که را خواهد روزی میدهد
بیحساب حضرت فرمود که الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم
مادر عیسی را دیدم پس از آن تناول نمودند و تا هفت روز از آن میخوردند
و آخر نمیشد و حضرت صادق فرمود که آن کاسه نزد ماست و حضرت صاحب
الامر آنرا ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت از آن تناول خواهد نمود و سنیان
نیز این روایت را با نزول مائده بطرق بسیار نقل کرده‌اند و تفصیل این قصه را
در سایر کتب ذکر کرده‌ام پس مناسبست که شیعیان اهل بیت علیهم السلم
در این ایام تاسی نمایند بموالی خود در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان و
سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید گفته است که مستحبست که این
روز را روزه بدارند برای شکر نعمت نزول سورهٔ هل اتی در شان آل عبا علیهم السلام
و ایضا مناسبست غسل و زیارت ائمه علیهم السلم و زیارت جامعه را خواندن
در این روز مناسبست و چون بعضی از علما این روز را روز مباهله میدانند
دعاهای مباهله را در این روز نیز خواندن خوبست و روز بیست و ششم بنا
بر مشهور عمر علیه اللعنه را خنجر بر شکمش زده‌اند و باین سبب نهایت
برکت دارد و در روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم
واصل شد و دولت ملعونهٔ بنی امیه لعنهم الله برطرف شد پس در این روز
شکر این نعمت باید کرد و بعضی گفته‌اند که حضرت امام علی نقی علیه السلام در این روز
متولد شده است و در روز بیست و نهم بنا بر مشهور عمر باسفل درک جهنم سقر
منتقل شده است و باین سبب فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه
که آخر سال عربیست روایت کرده‌اند که سنتست که دو رکعت نماز بجا آورد
و در هر رکعت یکمرتبه سورهٔ حمد و ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و ده مرتبه

آیة الکرسی بخواند و بعد از آن اللهم ما عملت فی هذه السنة من عمل نهیتنی
سلام این دعا را بخوانند
بار خدایا آنچه کردم در این سال از کاری که باز داشتی مرا
عنه ولم ترضه ونسیته ولم تنسه ودعوتنی الی التوبة بعد
از آن و تو نپسندیدی آن را و فراموش کردم آن را و فراموش نکردی آن را و خواندی مرا به سوی بازگشت پس از
اجترائی علیک اللهم فانی استغفرک منه فاغفر لی وما عملت
دلیری من بر تو بار خدایا پس بدرستی که من آمرزش میخواهم از تو از آن پس بیامرز مرا و آنچه کردم
من عمل یقربنی الیک فاقبله منی ولا تقطع رجائی منک یا کریم
از کاری که نزدیک گرداند مرا بسوی تو پس قبول کن آن را از من و مبر امید مرا از خودت ای بخشنده

باب ششم در بیان اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است

اعمال دههٔ اول ماه محرم الحرام

فصل اول در اعمال دههٔ اول محرم است از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که حضرت رسول در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون
از نماز فارغ میشدند دست بدعا برمیداشتند اللهم انت الاله القدیم و
و این دعا را سه مرتبه میخواندند
بار خدایا | توئی خدای همیشه | و
هذه سنة جدیدة فاسألک فیها العصمة من الشیطان والقوة
این سال نو است پس میخواهم از تو در آن نگاهداری را از دیو رانده شده و توانائی را
علی هذه النفس الامارة بالسوء والاشتغال بما یقربنی الیک
بر این نفس فرماینده به بدی و بکار در شدن با آنچه نزدیک گرداند مرا بسوی تو
یا ذا الجلال والاکرام یا عماد من لا عماد له یا ذخیرة من لا ذخیرة
ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای ستون کسی که ستونی نیست برای او ای ذخیره کسی که نیست ذخیره
له یا حرز من لا حرز له یا غیاث من لا غیاث له یا سند من لا
برای او ای جای پناه کسی که پناهی نیست برای او ای فریادرس کسی که فریادرسی نیست برای او ای پشت کسی که نیست
سند له یا کنز من لا کنز له یا حسن البلاء یا عظیم الرجاء
پشتی برای او ای گنج کسی که نیست گنجی برای او ای خوب آزمایش ای بزرگ امید
یا کریم — ای بخشنده
یا عز الضعفاء یا منقذ الغرقی یا منجی الهلکی یا منعم یا مجمل
ای عزت ضعیفان ای رهاننده غرق شدگان ای رستگاری دهنده هلاک شوندگان ای نعمت دهنده ای نیکوئی کننده
یا مفضل یا محسن انت الذی سجد لک سواد اللیل ونور النهار
ای بخشنده ای نیکوکار توئی که سجده کرد برای تو سیاهی شب و روشنائی روز

وضوء

وضوء القمر وشعاع الشمس ودوی الماء وحفیف الشجر یا الله
و روشنی ماه و تیغ آفتاب و بانگ آب و آواز درخت ای خدا
لا شریک لک اللهم اجعلنا خیرا مما یظنون واغفر لنا ما لا
انباز نیست مر ترا بار خدایا بگردان ما را بهتر از آنچه گمان میبرند و بیامرز برای ما آنچه را
یعلمون ولا تؤاخذنا بما یقولون حسبی الله لا اله الا هو علیه
که نمیدانند و مگیر ما را به آنچه میگویند بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او
توکلت وهو رب العرش العظیم آمنا به کل من عند ربنا وما
کار را گذاشتم و او پروردگار عرش بزرگوار است گرویدیم به او همه از نزد پروردگار ما است و
یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا
پند نگیرند مگر خداوندان خردها ای پروردگار ما مگردان دلهای ما را پس از آنکه راه نمودی ما را
وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب و چون حضرت
و ببخش ما را از نزد خود بخشایشی بدرستی که توئی تو بسیار بخشنده
سید الشهداء علیه السلام
در دهم این ماه بسعادت شهادت فائز گردید و در اکثر این دهه محزون
و غمگین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید باید که شیعیان ایشان
در مجموع این ده روز بلوازم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و محزون و اندوهناک
باشند و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصایب ایشان باشد بخوانند
و بعضی از علما گفته اند که ترک لذات بکنند و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام میدانستند
و منافقان این امت در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند
و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمههای ما زدند و اسباب و اموال
ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالت پناه را در باب ما رعایت نکردند
بدرستی که مصیبت امام حسین علیه السلام چشمهای ما را مجروح گردانیده و آب
دیدههای ما را جاری ساخته و عزیز ما را ذلیل گردانیده و واقعهٔ کربلا کرب
و بلا برای ما مهیا کرد تا روز قیامت پس باید که بر مصایب آنحضرت گریه

اکشندگان بگریند بدرستی که گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را بر طرف میکند
پس فرمود که پدرم امام موسی ع چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را
خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه
اول ماه و چون روز دهم میشد روز مصیبت و گریه و اندوه او بود و میگفت
امروز روز شهادت امام حسین علیه السلام است و در حدیث دیگر فرمود
که چون جدم حسین ع شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید اگر بر آنحضرت
انقدر گریه کنی که آب دیده بر روی تو جاری گردد حق تعالی جمیع گناهان
کوچک و بزرگ ترا بیامرزد پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناه بر تو
نباشد زیارت کن امام حسین ع را و اگر خواهی که در غرفهای بهشت با حضرت
رسول و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین را و اگر خواهی که ثواب شهیدان کربلا
داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت را بیاد آوری بگو یا لَیتَنِی کُنْتُ مَعَهُمْ
فَاَفُوزَ فَوْزاً عَظِیماً یعنی ای کاشکی میبودم با ایشان پس رستگاری می یافتم
رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیهٔ بهشت با ما باشی از برای
اندوه ما اندوهناک شو و از برای شادی ما شاد باش و بدانکه روزهٔ روز اول ماه
محرم مستحبست از حضرت امام رضا ع منقولست که در روز اول محرم حضرت
زکریا ع دعا کرد و از خدا فرزند طلبید و حق تعالی دعای او را مستجاب کردانید
و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس هر که این روز را روزه دارد و دعا کند حق تعالی
دعای او را مستجاب کرداند چنانکه دعای زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید علیه الرحمه
گفته است که روز سیم محرم روز مبارکیست و در آن روز یوسف ع از چاه بیرون
آمد هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی کارهای صعب بر او آسان گرداند و غمها
او را زایل گرداند و بهتر آنست که روز نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه

این

این دو روز را از برای برکت و شماتت بر قتل آنحضرت روزه میداشتند
و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز و روزهٔ آنها بر حضرت رسول ص
بسته اند و از طریق اهل بیت ع احادیث بسیار در مذمت روزهٔ این دو روز
خصوصا روز عاشورا وارد شده است و ایضا بنی امیه علیهم اللعنه از برای
برکت آذوقهٔ سال را در روز عاشورا ذخیره میکردند لهذا از حضرت امام رضا ع
منقولست که هر که ترک کند سعی در حوایج خود را در روز عاشورا و پی کاری نرود
حق تعالی حوایج دنیا و آخرت او را برآورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و
اندوه و گریهٔ او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند
و دیده اش در بهشت بما روشن گردد و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد
و از برای منزل خود در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را بر او مبارک نگرداند
و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنه محشور
گردد پس باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول
گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانهٔ خود را که تعزیهٔ آنحضرت را بدارند
و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد خود میباشند و در آن روز واقارب
امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز
بعد از عصر افطار کند اگرچه بشربت آبی باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در
خصوص آن روز روزهٔ واجبی داشته باشد که بنذر یا شبه آن بر او واجب شده
باشد که آن روز را باید بگیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول
لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند بگوید اَللّهُمَّ الْعَنْ
قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق ع که هر که در روز
عاشورا هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت

بسوی او بکند و هر که خدا نظر رحمت بسوی او کند هرگز او را عذاب نکند
و در شب عاشورا نیز باید که احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای تاسی
بحضرت امام حسین ع و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا در میان
سی هزار نفر از کافران بیحیا تا صباح احیا کردند و عبادت و تهیه سعادت
شهادت میکردند **فصل دویم** در زیارت مشهور آنحضرت است در روز
عاشورا و فضیلت زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا بسند معتبر از
حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب عاشورا نزد قبر شریف آنحضرت باشد
و آنحضرت را زیارت کند در روز قیامت محشور گردد بخون خود آلوده و همیات
شهداء کربلا در میان ایشان محشور گردد و هر که در شب و روز عاشورا
زیارت کند آنحضرت را چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد
و بسند صحیح از آنحضرت منقولست که هر که حضرت امام حسین را در روز عاشورا
زیارت کند بهشت او را واجب گردد و اما زیارت مشهور شیخ طوسی و ابن
قولویه و غیر ایشان ره روایت کرده اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه
و هر دو از محمد بن اسمعیل و علقمه بن محمد حضرمی و هر دو از مالک جهنی که
حضرت امام محمد باقر ع فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را
در روز دهم محرم تا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات کند خدا را در روز
قیامت با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار جهاد
که هر یک با رسول خدا ص و ائمه طاهرین علیهم السلم کرده باشد مالک گفت فدای
تو شوم چه ثوابست برای کسی که در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را
رفتن بسوی قبر آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رود بسوی صحرا
یا بالا رود بر بام بلندتر در خانه خود و اشاره کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد

کند

فضیلت روز عاشورا

کند در نفرین کردن بر قاتلان آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند
این کار را در اول روز پیش از پیشین پس ندبه و گریه بکند بر حسین ع و امر کند
هر که را در خانه او است و از او تقیه نکند بر گریه کردن بر آنحضرت و در خانه
خود مصیبتی برپا دارد و باظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات کنند بعضی از
ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا که هرگاه این کارها
بکند حق تعالی جمیع آن ثوابها را با ایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی
از برای ایشان باین ثواب فرمود که بلی پرسید که چگونه یکدیگر را تعزیه میگویند فرمود
که میگویند عَظَّمَ اللّٰهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالحُسَینِ عَلَیهِ السَّلامُ وَجَعَلَنا وَ
بزرگ گرداند خدا مزدهای ما را بمصیبت ما بحسین ع و بگرداند ما را و
اِیّاکُم مِنَ الطّالِبِینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الاِمامِ المَهدِیِّ مِن آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیهِمُ
شما را از خواهندگان خون او با امام راه نماینده از خاندان محمد بر ایشان
السَّلامُ و اگر توانی در این روز از برای هیچ کار از خانه بیرون مرو که آن روز
درود باد
نحسیست که حاجت هیچ مؤمنی در آن روز بر آورده نمیشود و اگر بر آورده شود
از برای او مبارک نیست و در آن خیری و رشدی نخواهد دید و ذخیره مکن
از برای منزل خود چیزی که هر که در این روز از برای منزل خود چیزی ذخیره کند از برای
او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است
مبارک نخواهند بود از برای او پس کسی که چنین کند از برای او نوشته شود ثواب
هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را با رسول خدا ص کرده باشد
و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدیقی و شهیدی
که مرده باشد یا کشته شده باشد از وقتی که خدا دنیا را خلق کرده است تا روز
قیامت علقمه بن محمد گفت من گفتم بحضرت امام محمد باقر ع که تعلیم نما بمن دعائی
که بخوانم در این روز که هرگاه خواهم آنحضرت را زیارت کنم از نزدیک و دعائی

که هرگاه در شهرهای دور خواهم که اشاره کنم و آنحضرت را زیارت کنم بخوانم
فرمود که ای علقمه هرگاه بکنی آن دو رکعت را بعد از آنکه اشاره کرده باشی
بجانب آنحضرت بسلام و گفته باشی بعد از اشاره و نماز آن قول را که مذکور
خواهد شد پس دعا کرده خواهی بود بدعائی که ملائکه میخوانند در وقتی که
زیارت آنحضرت میکنند و مینویسد خدا از برای تو بآن زیارت هزار هزار حسنه
و محو میکند از تو هزار هزار گناه و بلند میکند از برای تو در بهشت هزار هزار
درجه و خواهی بود از آنها که شهید شده باشند با حسین بن علی صلوات الله
علیهما تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و نشناسند ترا از آنها
که با آنحضرت شهید شده اند و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی و ثواب
زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده است از روزی که شهید شده است میگوئی

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ
درود بر تو ای ابا عبدالله درود بر تو ای پسر فرستاده خدا
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ اَلسَّلامُ
درود بر تو ای فرزند فرمان روای گروندگان و پسر مهتر سفارش شدگان درود
عَلَیْکَ یَا بْنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ
بر تو ای پسر فاطمه مهتر زنان جهانیان درود بر تو ای خواهنده خون
اللهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْاَرْواحِ
خدا و پسر خواهنده خون او و طلب کننده خون از خدا درود بر تو و بر جانهائی
الَّتی حَلَّتْ بِفِنائِکَ عَلَیْکُمْ مِنّی جَمیعاً سَلامُ اللهِ اَبَداً ما بَقیتُ وَ
که فرود آمدند پیش سرای تو بر شما باد از من همگی درود خدا همیشه تا بمانم من و
بَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ یا اَبا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتْ
بماند شب و روز ای ابا عبدالله تحقیق بزرگ است این مصیبت و گران است
الْمُصیبَةُ بِکَ عَلَیْنا وَعَلی جَمیعِ اَهْلِ الْاِسْلامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ
این اندوه که بتو رسید بر ما و بر همه مسلمانان و گران است و بزرگ است

مصیبتک

الزهراء

مُصیبَتُکَ فِی السَّماواتِ عَلی جَمیعِ اَهْلِ السَّماواتِ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً
اندوه تو در آسمانها بر همه اهل آسمانها پس نفرین کناد خدا گروهی را
اَسَّسَتْ اَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً
که بنیان نهادند بنای ستم و جور بر شما خانواده پیغمبر و دور داراد از رحمت خدا گروهی را
دَفَعَتْکُمْ عَنْ مَقامِکُمْ وَاَزالَتْکُمْ عَنْ مَراتِبِکُمُ الَّتی رَتَّبَکُمُ اللهُ فیها
که باز داشتند شما را از جای شما و برطرف کردند شما را از پایهای شما که قرار داد شما را خدا در آن
وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکُمْ وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدینَ لَهُمْ بِالتَّمْکینِ مِنْ قِتالِکُمْ
و نفرین کناد خدا گروهی را که کشتند شما را و لعنت کناد خدا مهیا کنندگان را برای ایشان ببست یافتن از کشتن شما
بَرِئْتُ اِلَی اللهِ وَاِلَیْکُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْیاعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ وَاَوْلِیائِهِمْ
بیزار شدم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و از پیروان ایشان و تابعان و دوستان ایشان
یا اَبا عَبْدِ اللهِ اِنّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ اِلی یَوْمِ
ای ابا عبدالله بدرستی که من در صلحم با آنکه در صلحست با شما و در جنگم با آنکه در جنگست با شما تا روز
الْقِیامَةِ وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِیادٍ وَآلَ مَرْوانَ وَلَعَنَ اللهُ بَنی اُمَیَّةَ قاطِبَةً
رستخیز و دور داراد خدا از رحمت خاندان زیاد و خاندان مروان را و دور داراد خدا از رحمت بنی امیه را همگی
وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجانَةَ وَلَعَنَ اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً وَ
و لعنت کند خدا پسر مرجانه را و لعنت کند خدا عمر پسر سعد را و لعن کناد خدا شمر را و
لَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَیَّاَتْ لِقِتالِکَ بِاَبی
لعن کند خدا گروهی را که زین کردند و لجام کردند و نقاب کردند و آماده شدند از برای کشتن تو پدرم فدای
اَنْتَ وَاُمّی لَقَدْ عَظُمَ مُصابی بِکَ فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذی اَکْرَمَ مَقامَکَ
تو باد و مادرم تحقیق بزرگ است اندوه من بتو پس میخواهم از خدا که عطا کرد جایگاه ترا
وَاَکْرَمَنی بِکَ اَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ اِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ
و عطا کرد مرا بتو که روزی کند مرا خواستن خون تو با پیشوای یاری کرده شده از خانواده
بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْنی عِنْدَکَ وَجیهاً
محمد رحمت کناد خدا بر او و خاندانش بار خدایا بگردان مرا نزد خود روشناس
بِالْحُسَیْنِ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَةِ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ
بحسین یاد باد در دنیا و آخرت ای ابا عبدالله بدرستی که من نزدیکی میجویم بسوی خدا
وَاِلی رَسُولِهِ وَاِلی اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَاِلی فاطِمَةَ وَاِلَی الْحَسَنِ وَاِلَیْکَ
و بسوی فرستاده اش و بسوی فرمانفرمای گروندگان و بسوی فاطمه و بسوی حسن و بسوی تو

بِمُوالاتِكَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبَرَاءَةِ
بدوستی تو و بیزاری از آنها که کارزار کردند با تو و برپا داشتند جنگ را و بیزاری
مِمَّنْ اَسَّسَ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَاَبْرَاُ اِلَى اللّٰهِ وَاِلَى رَسُولِهِ
از آنها که بنیاد کردند بنیاد ستم و جور را بر شما و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی فرستاده اش
مِمَّنْ اَسَّسَ اَسَاسَ ذٰلِكَ وَبَنٰى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرٰى فِى ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ
از آنکه بنیاد کرد بنیاد آنرا و گذارد بر آن بنای او را و روان شد در ستم او و بیداد وی
عَلَيْكُمْ وَعَلٰى اَشْيَاعِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى اللّٰهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَاَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ
بر شما و بر پیروان شما بیزارم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و نزدیکی میجویم بسوی خدا
ثُمَّ اِلَيْكُمْ بِمُوالاتِكُمْ وَمُوالاةِ وَلِيِّكُمْ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ
پس بسوی شما بدوستی شما و دوستی دوستان شما و بیزاری از دشمنان شما
وَالنَّاصِبِينَ لَكُمُ الْحَرْبَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ اَشْيَاعِهِمْ وَاَتْبَاعِهِمْ
و برپا دارندگان برای شما جنگ را و بیزاری از پیروان ایشان و تابعان ایشان
اِنِّى سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِىٌّ لِمَنْ وَالاكُمْ
بدرستی که من در صلحم با کسی که در صلحست با شما و در جنگم با کسی که در جنگ با شماست و دوستم با دوستان شما
وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ فَاَسْئَلُ اللّٰهَ الَّذِىٓ اَكْرَمَنِى بِمَعْرِفَتِكُمْ
و دشمنم با دشمنان شما پس میخواهم از خدا که گرامی داشت مرا بشناختن شما
وَمَعْرِفَةِ اَوْلِيَائِكُمْ وَرَزَقَنِى الْبَرَاءَةَ مِنْ اَعْدَائِكُمْ اَنْ يَجْعَلَنِى مَعَكُمْ
و شناختن دوستان شما و روزی کرد مرا بیزاری از دشمنان شما اگر گرداند مرا با شما
فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَنْ يُثَبِّتَ لِى عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِى الدُّنْيَا
در دنیا و آخرت و اگر ثابت دارد مرا نزد شما پای دوستی و راستی در دنیا
وَالْاٰخِرَةِ وَاَسْئَلُهُ اَنْ يُبَلِّغَنِى الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ وَاَنْ
و آخرت و میخواهم از او اگر برساند مرا بجایگاه ستوده که برای شماست نزد خدا و اگر
يَرْزُقَنِى طَلَبَ ثَارِى مَعَ اِمَامٍ مَهْدِىٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ مِنْكُمْ وَاَسْئَلُ اللّٰهَ
روزی کند مرا خواستن خون با امام هدایت آشکار گویا از شما و میخواهم از خدا
بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّاْنِ الَّذِى لَكُمْ عِنْدَهُ اَنْ يُعْطِيَنِى بِمُصَابِى بِكُمْ
بحق شما و بجایگاهی که برای شماست نزد او اگر عطا کند مرا بانده من با شما
اَفْضَلَ مَا يُعْطِى مُصَابًا بِمُصِيبَتِهِ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا اَعْظَمَهَا
از بهترین آنچه عطا کرده شود اندوهناکی با اندوهش و اندوهی که چه بزرگ است آن

مُصِيبَةً مَا اَعْظَمَهَا
اندوهی چه بزرگ است

وَاَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِى الْاِسْلَامِ وَفِى جَمِيعِ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ
و بزرگست مصیبت آن در اسلام و در همه اهل آسمانها و زمین بار خدایا
اجْعَلْنِى فِى مَقَامِى هٰذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ
بگردان مرا در این جای من از آنها که میرسد او را از تو درودها و بخشش و آمرزش
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَاىَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِى مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
بار خدایا بگردان زندگی مرا زندگی محمد و خاندان محمد و مردگی مرا مردگی محمد و خاندان
مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُوٓا اُمَيَّةَ وَابْنُ اٰكِلَةِ الْاَكْبَادِ
محمد بار خدایا بدرستی که این روزیست که برکت جستند این بنی امیه و پسر خورنده جگرها
اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلٰى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ
لعنت شده پسر لعنت شده بر زبان پیغمبرت درود دهاد خدا بر او و خاندانش
فِى كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
در هر جائی و هر ایستادنگاهی که ایستاد در آن پیغمبرت درودهای تو بر او
وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَبَا سُفْيَانَ وَمُعٰوِيَةَ بْنَ اَبِى سُفْيَانَ وَيَزِيدَ بْنَ
و خاندانش بار خدایا دور دار از رحمت ابوسفیان و معویه پسر ابی سفیان را و یزید پسر
مُعٰوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ اَبَدَ الْاٰبِدِينَ وَهٰذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ
معاویه را بر ایشان از تو دوری از رحمت همیشه و این روزیست که شاد شدند در آن
اٰلُ زِيَادٍ وَاٰلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ
خاندان زیاد و خاندان مروان بکشتن ایشان حسین را درودهای خدا بر او بار خدایا
فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ اَللّٰهُمَّ اِنِّىٓ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ
دو چندان کن بر ایشان لعنت را از خود و عذاب را بار خدایا بدرستی که من نزدیکی میجویم بسوی تو
فِى هٰذَا الْيَوْمِ وَفِى مَوْقِفِى هٰذَا وَاَيَّامِ حَيٰوتِى بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ
در این روز و در این ایستادنم و در روزهای زندگیم به بیزاری از ایشان و لعن
عَلَيْهِمْ وَبِالْمُوَالاتِ لِنَبِيِّكَ وَاٰلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ
بر ایشان و بدوستی مر پیغمبرت را و خاندان پیغمبرت بر ایشان باد درود

پس صد مرتبه میگوئی

اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاٰخِرَ تَابِعٍ لَهُ
بار خدایا لعن کن نخستین ستمکاری که ستم کرد حق محمد و خاندان محمد را و آخر پیروی مر او را
عَلٰى ذٰلِكَ اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِى جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَشَايَعَتْ
بر آن بار خدایا لعنت کن جماعتی را که کارزار کردند با حسین و پیروی کردند

وتابعت — بپیروی کردند

وَبَايَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا پس صد مرتبه اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

و بیعت کردند بر کشتن او او خدایا لعنت کن ایشان را همه میگوئی درود بر تو

يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي

ای ابا عبد الله و بر جانهائی که فرود آمدند در ساحت تو بر تو باد از من

سَلَامُ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ

درود خدا همیشه تا باقی ام من و باقی شب و روز و نگرداند او را خدا انجام

لزیارتکم — مر زیارت شما را

الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

زمان از من مر زیارت شما را درود بر حسین و بر علی پسر حسین

وَعَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ پس میگوئی اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ

و بر یاران حسین بار خدایا مخصوص دار تخستین ستمکار را بلعنت

مِنِّي وَابْدَأْ بِهِ اَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِيَ ثُمَّ الثَّالِثَ ثُمَّ الرَّابِعَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ

از من و آغاز کن بآن اول را پس دوم را پس سیم را پس چهارم را بارخدایا لعنت کن

يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ خَامِسًا وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ

یزید پسر معاویه را پنجمین و لعنت کن عبید الله پسر زیاد را و پسر مرجانه را و عمر پسر

سَعْدٍ وَشِمْرًا وَآلَ اَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

سعد و شمر را و خاندان ابو سفیان و خاندان زیاد و خاندان مروان تا روز قیامت

پس بسجده میروی و میگوئی اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ اَلْحَمْدُ

بارخدایا مر تراست ستایش ستایش سپاس داران مر ترا بر ناخوشی ایشان ستایش

لِلّٰهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مر خدایراست بر مصیبت بزرگ من بارخدایا روزی کن مرا درخواست نمودن حسین بر او باد درود

يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاَصْحَابِ

روز در آمدن و استوار دار برای من پای راستی نزد خود با حسین و یاران

الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ علقمه گفت

حسین آنانکه عطا کردند جان خود را در نزد حسین بر او باد درود

که امام محمد باقر فرمود که اگر توانی هر روز آنحضرت را باین کیفیت زیارت کنی

بکن که جمیع این ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد الطیالسی

از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی از اصحاب خود

رفتیم

دعای علقمه که بعد از زیارت عاشورا و... میخوانند

رفتیم بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق بیرون رفته بودند از حیره

بمدینه پس از ما چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین فارغ شدیم صفوان

روی خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین گفت زیارت کنید حضرت

امام حسین را از اینمکان از بالای سر حضرت امیر المؤمنین که حضرت امام

جعفر صادق چنین کرد در وقتی که من در خدمت آنحضرت باینمکان شرف

آمده بودم پس خواند صفوان آن زیارتی که علقمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

برای روز عاشورا روایت کرده است پس دو رکعت نماز کرد نزد سر امیر المؤمنین

وداع کرد بعد از آن امیر المؤمنین را و رو بجانب قبر امام حسین کرد و آنحضرت را

نیز وداع کرد و از جمله دعاها که بعد از آن دو رکعت خواند این دعا بود

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا كَاشِفَ كُرَبِ الْمَكْرُوبِينَ

ای خدا ای خدا ای خدا ای اجابت کننده دعای بیچارگان ای برداشته اندوه اندوهناکان

يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ

ای فریادرس فریادرس خواهان و ای دادرس دادخواهان و ای آنکه او نزدیکتر است بسوی من

مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ

از رگ گردن و ای آنکه واسطه میشود میان مرد و دلش و ای آنکه او بنظرگاه

الْاَعْلَى وَبِالْاُفُقِ الْمُبِينِ وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوٰى

بلند است و بانتهای ظاهر است و ای آنکه او بخشاینده مهربانست بر عرش مستولی است

وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَيَا مَنْ لَا يَخْفٰى

و ای آنکه میداند کج نگریستن پنهانی چشمها را و آنچه پنهان میدارد سینهها و ای آنکه پوشیده نیست

عَلَيْهِ خَافِيَةٌ وَيَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْاَصْوَاتُ وَيَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ

براو پوشیده و ای آنکه مشتبه نمیشود براو آوازها و ای آنکه غلط نمی اندازد او را

الْحَاجَاتُ وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ

حاجتهای طلبان و ای آنکه ملول نمی سازد او را الحاح کردن الحاح کنندگان ای دریابنده هر چه فوت کرده

وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمْلٍ وَيَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ

و ای فراهم آرنده هر پراکنده و ای پدید آرنده جانها پس از مرگ ای آنکه او هر روز

السؤالات

فى شأن يا قاضى الحاجات يا منفس الكربات يا معطى السؤلات يا ولى

الرغبات يا كافى المهمات يا من يكفى من كل شئ ولا يكفى منه شئ

فى السموات والارض اسئلك بحق محمد وبحق على وبحق فاطمة بنت

نبيك وبحق الحسن والحسين فانى بهم اتوجه اليك فى مقامى

هذا وبهم اتوسل وبهم اتشفع اليك وبحقهم اسألك واقسم و

اعزم عليك وبالشأن الذى لهم عندك وبالقدر الذى لهم

عندك وبالذى فضلتهم على العالمين وباسمك الذى جعلته

عندهم وبه خصصتهم دون العالمين وبه ابنتهم وابنت فضلهم

من فضل العالمين حتى فاق فضلهم فضل العالمين ان تصلى على

محمد وال محمد وان تكشف عنى غمى وهمى وكربى وتكفينى المهم

من امورى وتقضى عنى دينى وتجيرنى من الفقر وتجيرنى من

الفاقة وتغنينى عن المسئلة الى المخلوقين وتكفينى هم من

اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونة من اخاف حزونته

وشر من اخاف شره ومكر من اخاف مكره وبغى من اخاف

بغيه وجور من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه وكيد من

اخاف كيده ومقدرة من اخاف بلاء مقدرته على وترد عنى

كيد الكيدة ومكر المكرة اللهم من ارادنى فارده ومن كادنى

فكده واصرف عنى كيده ومكره وبأسه وامانيه وامنعه عنى

كيف شئت وانى شئت اللهم اشغله عنى بفقر لا تجبره و

ببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها وبسقم لا تعافيه وذل لا

تعزه ومسكنة لا تجبرها اللهم اضرب بالذل نصب عينيه

وادخل عليه الفقر فى منزله والعلة والسقم فى بدنه حتى تشغله

عنى بشغل شاغل لا فراغ له وانسه ذكرى كما انسيته ذكرك

وخذ عنى بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه وجميع

جوارحه وادخل عليه فى جميع ذلك السقم ولا تشفه حتى تجعل

ذلك له شغلا شاغلا به عنى وعن ذكرى واكفنى يا كافى ما لا

يكفى سواك فانك الكافى لا كافى سواك ومفرج لا مفرج

سواك ومغيث لا مغيث سواك ومفزع الى سواك ومهرب

وجار لا جار سواك وحصن لا حصن لمن كان حصن حصين سواك ومعقل لا معقل سواك

وملجاؤ الى غيرك ومنجاء من مخلوق غيرك فانت ثقتى ورجائى

ومفزعى ومهربى وملجائى ومنجاى فبك استفتح وبك استنجح

وبمحمد وال محمد اتوجه اليك واتوسل واتشفع فاسئلك يا الله

يا الله يا الله فلك الحمد ولك الشكر واليك المشتكى وانت

المستعان فاسئلك يا الله بحق محمد وال محمد ان تصلى على

محمد وال محمد وان تكشف عنى غمى وهمى وكربى فى مقامى هذا كما

كشفت عن نبيك همه وغمه وكربه وكفيته هول عدوه فاكشف

عنى كما كشفت عنه وفرج عنى كما فرجت عنه واكفنى كما كفيته

واصرف عنى ما اخاف هوله ومؤنة ما اخاف مؤنته وهم ما اخاف

همه بلا مؤنة على نفسى من ذلك واصرفنى بقضاء حوائجى وكفاية

ما اهمنى همه من امر اخرتى ودنياى يا امير المؤمنين ويا ابا

عبد الله عليكما منى سلام الله ابدا ما بقيت وبقى الليل والنهار

ولا جعله الله اخر العهد من زيارتكما ولا فرق الله بينى وبينكما

اللهم احينى حياة محمد وذريته وامتنى مماتهم وتوفنى على

هول

منتهم

اگر از دور خواند توجهت الى ضريحكما بگويد

ملتهم واحشرنى فى زمرتهم ولا تفرق بينى وبينهم طرفة عين ابدا

فى الدنيا والاخرة يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله اتيتكما زائرا

ومتوسلا الى الله ربى وربكما ومتوجها اليه بكما ومستشفعا

بكما الى الله فى حاجتى هذه فاشفعا لى فان لكما عند الله المقام

المحمود والجاه الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة انى انقلب

عنكما منتظرا لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتكما

لى الى الله فى ذلك فلا اخيب ولا يكون منقلبى منقلبا خائبا

خاسرا بل يكون منقلبى منقلبا راجحا مفلحا منجحا مستجابا لى

بقضاء جميع حوائجى وتشفعا لى الى الله انقلب على ما شاء الله

انقلبت

ولا حول ولا قوة الا بالله مفوضا امرى الى الله ملجأ ظهرى

الى الله ومتوكلا على الله واقول حسبى الله وكفى سمع الله لمن

دعا ليس لى وراء الله ووراءكم يا سادتى منتهى ما شاء ربى

كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا قوة الا بالله استودعكما الله

ولا جعله الله اخر العهد منى اليكما انصرفت يا سيدى يا امير

المؤمنین و مولای و انت یا ابا عبد الله یا سیدی و سلامی علیکما
گروندگان و آقای من و تو ای ابا عبد الله ای آقای من و درود من بر شما
متصل ما اتصل اللیل و النهار و اصل ذلک الیکما غیر محجوب
پیوسته باد تا پیوسته است شب و روز رسنده باشد آن بسوی شما … و درود …
عنکما سلامی ان شاء الله و اسئله بحقکما ان یشاء ذلک و یفعل
از شما درود من اگر خواهد خدا و میطلبم از او … شما اگر خواهد آنرا و بکند
فانه حمید مجید انقلبت یا سیدی عنکما تائبا حامدا لله شاکرا
پس بدرستی که او ستوده بزرگوار است برگردیدم ای دو آقای من از شما توبه کننده حمد کننده مر خدا را سپاس گزار
راجیا للاجابة غیر آیس و لا قانط آئبا عائدا راجعا الی زیارتکما
امیدوار مر اجابت را نه نومید و نه محروم بازگردنده عود کننده برگردنده بسوی زیارت شما
غیر راغب عنکما و لا من زیارتکما بل راجع عائد ان شاء الله و لا حول
نه روی گرداننده از شما و نه از زیارت شما بلکه بازگردنده عود کننده اگر خواهد خدا و نیست گردیدنی
و لا قوة الا بالله یا سادتی رغبت الیکما و الی زیارتکما بعد ان
و نه قوتی مگر بخدا ای آقایان من خواهش نمودم بسوی شما و بسوی زیارت شما پس از آنکه
زهد فیکما و فی زیارتکما اهل الدنیا فلا خیبنی الله مما رجوت
بی رغبت شدند در شما و در زیارت شما اهل دنیا پس نومید نگرداند مرا خدا از آنچه امید دارم
و ما املت فی زیارتکما انه قریب مجیب سیف بن عمیره گفت من
و آنچه آرزو دارم در زیارت شما بدرستی که او نزدیک اجابت کننده است بصفوان گفتم که علقمه
که این زیارت را از امام محمد باقر ع از برای ما روایت کرد این دعا را نقل نکرده
صفوان گفت که من وارد شدم با سید خودم امام جعفر صادق علیه السلام
باین مکان پس کرد مثل آنچه ما کردیم در زیارت و این دعا را خواند در هنگام
وداع بعد از آنکه دو رکعت نماز را کرد و آن وداع را بجا آورد بعد از آن
صفوان گفت که حضرت صادق ع بمن گفت که تعاهد نما این زیارت را و بخوان
این دعا را و باین نحو زیارت بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارت بکند
و این دعا را بخواند از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول باشد و سعیش مزد
داده شود و سلامش بآنحضرت برسد و محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا

بطلبد بر آورده شود هر چند حاجتش بزرگ باشد ای صفوان این زیارت را
با همین ضامنی از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن الحسین ع با همین ضامنی و او
از امام حسین ع با همین ضامنی و او از امام حسن ع با همین ضامنی و او از پدرش
امیر المؤمنین ع با همین ضامنی و امیر المؤمنین از رسول خدا ص با همین ضامنی و
رسول خدا از جبرئیل با همین ضامنی و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین
ضامنی و بتحقیق که حق تعالی قسم بذات مقدس خود خورده است که هر که حضرت
امام حسین ع را باین روش زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا را بخواند
زیارت او را قبول کنم و هر حاجت که بطلبد بر آورم هر چند بزرگ باشد و هر سؤال
که بکند عطا کنم و از درگاه من نا امید برنگردد و او را برگردانم شاد و خوشحال
به بر آمدن حاجتش و فایز شدن به بهشت و آزاد شدن از جهنم و از برای هر که
شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم مگر کسی که دشمن ما اهل بیت باشد و گواه
گرفت خدا ما را بر آنچه گواه گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت خود را پس جبرئیل گفت
یا رسول الله حق تعالی مرا بسوی تو فرستاده است برای بشارت و سرور و خوشحالی
تو و بشارت و شادی علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از
فرزندان تو تا روز قیامت پس حضرت صادق ع فرمود که ای صفوان هر گاه ترا
حاجتی بسوی خدا بهم رسد این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از
پروردگار خود حاجت خود را بطلب که البته بر آورده میشود و حق تعالی خلف
وعده خود نمیفرماید مؤلف گوید که چون عبارت حدیث تشویش عظیمی دارد
و قابل احتمال بسیار هست اگر اول زیارت السلام علیک یا ابا عبد الله را
تا و آل نبیک علیهم السلام را بخواند و نماز زیارت را بکند و باز همان زیارت را
اعاده کند بهتر است و اگر بعد از صد مرتبه لعنت بار دیگر نماز بکند و بعد از

صد مرتبه سلام بارد بکر نماز کند و متصل بسجده و بعد از سجده نیز نماز
بکند شاید بجمیع احتمالات عمل کرده باشد و اکر یکی از این زیارات بعیده را
بعمل آورد دو نماز بکند و بعد از آن این اعمال را بجا آورد ظاهرا کافی باشد و اکر
زیارت امیر المؤمنین ع را با این زیارت ضم کند بهتر است خصوصا هرکاه این
زیارت را در نزد ضریح امیر المؤمنین ع بعمل آورد و چون در حدیث بجوی کردن این
زیارت در هر وقت وارد شده است اکر در غیر روز عاشورا کند بجای اَللّٰهُمَّ
اِنَّ هٰذَا یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُو اُمَیَّةَ بکوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ یَوْمَ قَتْلِ الْحُسَیْنِ صَلَوَاتُکَ
عَلَیْهِ یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُو اُمَیَّةَ **فصل سیم** در سایر زیارات این روز است
و از جمله آنها زیارتیست که بسند صحیح عبد الله بن سنان روایت کرده است که
رفتم بخدمت حضرت صادق ع در روز عاشورا و آنحضرت را شکسته رنک و
اندوهناک یافتم و آب از دیدهای مبارک آنحضرت مانند مروارید میریخت کفتم
یا ابن رسول الله سبب کریه شما چیست خدا هرکز دیدهای شما را کریان نکرداند
حضرت فرمود که مکر غافلی و نمیدانی که در مثل این روز حضرت امام حسین علیه السلام
شهید شده است کفتم ای سید و آقای من چه میفرمائید در روزه اش فرمود
که روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه بکنی و افطار بکن نه از روی شماتت و بکرو
تمام روزه مکیر و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیکساعت بشربتی از آب
زیرا که در یوقت جنک بر طرف شد از آل رسول صلی الله علیه و آله و در زمین
سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بود که صاحب مصیبت در آنها حضرت
رسالت بود و اکر آنحضرت در دنیا میبود بایست آنحضرت را برای ایشان تعزیه
بکویند پس آنحضرت چندان کریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس
حضرت فرمود که بهترین کاری که در آن روز بکنی آنست که جامهای پاکیزه بپوشی

و بندها بکشائی و آستینها را تا مرفق بالا کنی بروش مصیبت زدکان
پس بیرون روی بسوی بیابانی یا مکانی که کسی ترا نه بیند یا خانه خالی
از برای تقیه از سفیان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری
با خشوع و خضوع و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بکوئی و در رکعت
اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون بخوانی و در رکعت دویم سوره
قل هو الله احد و در دو رکعت دیکر در رکعت اول بعد از حمد سوره احزاب
بخوانی و در رکعت دویم سوره اذا جاءک المنافقون و اکر اینها را ندانی هر سوره
که توانی بخوانی پس بکردانی روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت و
بخاطر آوری شهادت آن امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آن جناب را
و سلام بر او و صلوات فرستی بر او و لعنت کنی بر قاتلان ایشان و بروایت
دیکر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت که بهر لعنتی هزار حسنه برای تو
نوشته میشود و هزار کناه از تو محو میشود و هزار درجه در بهشت از برای تو
بلند میشود و بهتر اینست که هزار مرتبه بکوید اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ
خداوندا لعنت کن کشندکان حسین
وَاَصْحَابِهِ پس فرمود که بعد از آن از موضعی که ایستاده چند کام پیش روی
و اصحاب اورا
و بکوئی اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ رِضًا بِقَضَائِهِ وَتَسْلِیمًا لِاَمْرِهِ و اکر
بدرستی که ما برای خدائیم و بدرستی که بسوی او بازکردیم خوشنودیم بحکم او و کردن نهاده ایم برای امر او
هفت مرتبه چنین کند بهتر است و فرمود که در جمیع این احوال
باید که محزون و غمناک و کریان باشی پس بجای خود بر کردی و بکوئی
اَللّٰهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذِینَ شَاقُّوا رَسُولَکَ وَحَارَبُوا اَوْلِیَاءَکَ
خداوندا عذاب کن زشتکاران را که مخالفت کردند رسول ترا و جنک کردند با دوستان تو
وَعَبَدُوا غَیْرَکَ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَکَ وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْاَتْبَاعَ
و پرستیدند غیر تورا و حلال کردانیدند محرمات ترا و لعن کن پیشروان ایشان را

وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ وَأَوْضَعَ مَعَهُمْ أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا
و هر که بوده از ایشان پس بحیث و شتاب میکرد با ایشان یا خشنود میگشت بکردار ایشان لعنت بسیار
اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ
خداوندا و بشتابان کشایش آل محمد را و بگردان رحمتهای خود را بر او و بر ایشان و برهان ایشان را
مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ وَالْكَفَرَةِ الْجَاحِدِينَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا
از دستهای دورویان گمراه کنندگان و ناگروندگان انکار نمایندگان و بگشا برایشان گشایش
يَسِيرًا وَأَتِحْ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى
آسانی و مهیا کن برای ایشان آسایش و گشایش نزدیک و بگردان از برای ایشان از نزد خود بر
عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا
دشمن تو و دشمن ایشان غلبه یاری نماینده
پس دست بدعا بردارد و قصد کند دشمنان آل محمد علیهم السلام را و بگو
اللَّهُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَئِمَّةِ وَكَفَرَتْ
خداوندا بدرستی که بسیاری از امت دشمنی کردند با آنان که محافظت ایشان از ائمت و نگرویدند
بِالْكَلِمَةِ وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّلَمَةِ وَهَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ وَ
بکلمه حق و اقامت نمودند بر پیروی پیشروان ستمکاران و واگذاشتند شریعت را و
عَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمَا وَالتَّمَسُّكِ بِهِمَا
بر گشتند از دو دستاویزی که فرمان دادی بفرمان برداری ایشان و چنگ در زدن بایشان
فَأَمَاتَتِ الْحَقَّ وَحَادَتْ عَنِ الْقَصْدِ وَمَالَأَتِ الْأَحْزَابَ وَحَرَّفَتِ الْكِتَابَ
پس بمیرانیدند حق را و عدول کردند از راه راست و پی روی کردند طوایف را و تغییر دادند حکم کتاب را
وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا وَتَمَسَّكَتْ بِالْبَاطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَهَا وَضَيَّعَتْ
و نگرویدند بحق چون آمد ایشان را و چنگ در زدند بباطل چون فرا پیش آمد ایشان را و ضایع کردند
حَقَّكَ وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ وَقَتَلَتْ أَوْلَادَ نَبِيِّكَ وَخِيَرَةَ عِبَادِكَ
حق ترا و گمراه کردند خلق ترا و کشتند فرزندان پیغمبر ترا و برگزیدگان بندگان ترا
وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ اللَّهُمَّ فَزَلْزِلْ أَقْدَامَ
و بردارندگان علم ترا و وارثان حکم شریعت ترا و پیغام ترا خداوندا بلرزان قدمهای
أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيَارَهُمْ وَافْلُلْ سِلَاحَهُمْ
دشمنان خود را و دشمنان رسول خود را خداوندا و خراب کن خانهای ایشان و بشکن آلت کارزار ایشان
وَخَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَفُتَّ فِي أَعْضَادِهِمْ وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ وَاضْرِبْهُمْ
و مخالفت افکن میان گفتار ایشان و سستی بینداز در بازوهای ایشان و سست کن مکر ایشان را و بزن ایشان را

بسیفک

بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَارْمِهِمْ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ وَطُمَّهُمْ بِالْبَلَاءِ طَمًّا
بر تیغ برنده خود و بیفکن بر ایشان سنگ خود را که مغز را بشکند و فرو گیر ایشان را ببلا فرو گرفتنی
وَقُمَّهُمْ بِالْعَذَابِ قَمًّا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا نُكْرًا وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ
و بر کن ایشان را بسبب عذاب برکندنی و عذاب کن ایشان را عذاب بسیار و فرو گیر ایشان را بقحطها و
وَالْمَثُلَاتِ الَّتِي أَهْلَكْتَ بِهَا أَعْدَاءَكَ إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ
عقوبتهائی که هلاک کردی بآنها دشمنان خود را که تو خداوند انتقامی از گناهکاران
اللَّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ وَأَحْكَامَكَ مُعَطَّلَةٌ وَعِتْرَةَ نَبِيِّكَ
خداوندا بدرستی که شریعت تو تلف گشته و حکمهای تو فرو گذاشته و ذریه پیغمبر تو
فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ اللَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ وَاقْمَعِ الْبَاطِلَ وَأَهْلَهُ
در زمین منتشر ظهور بعد خداوندا پس معاونت کن حق و اهل آن را و خوار کن باطل و اهل آن را
وَمُنَّ عَلَيْنَا بِالنَّجَاةِ وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ وَعَجِّلْ فَرَجَنَا وَانْظِمْهُ بِفَرَجِ
و منت کن از برما برستگاری و راهنمائی کن ما را بسوی ایمان و بشتابان گشایش ما را و بپیوند آن بگشایش
أَوْلِيَائِكَ وَاجْعَلْهُمْ لَنَا وُدًّا وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَفْدًا اللَّهُمَّ وَأَهْلِكْ
دوستان خود و بگردان ایشان را برای ما دوستان و بگردان ما را برای ایشان واردشوندگان خداوندا و هلاک کن آنان را
مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ عِيدًا وَاسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحًا وَ
که گردانید روز کشتن پسر پیغمبر تو و برگزیده تو عیدها و صدا بلند کردند از دلگشادی
مَرَحًا وَخُذْ آخِرَهُمْ كَمَا أَخَذْتَ أَوَّلَهُمْ وَضَاعِفِ اللَّهُمَّ الْعَذَابَ وَ
و فرا گیر آخر کار ایشان را چنانچه فرا گرفتی اول ایشان را و مضاعف کن خداوندا عذاب و
التَّنْكِيلَ عَلَى ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَأَهْلِكْ أَشْيَاعَهُمْ وَقَادَتَهُمْ
عقوبت را بر آنانکه ستم کردند بر خانواده پیغمبر تو و نیست کن پیروان ایشان را و پیشروان ایشان را
وَأَبِرْ حُمَاتَهُمْ وَجَمَاعَتَهُمْ اللَّهُمَّ وَضَاعِفْ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ
و هلاک کن حمایت کنندگان ایشان را و گروه ایشان را خداوندا و مضاعف کن درودهای تو و رحمت تو
وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِتْرَةِ نَبِيِّكَ الْعِتْرَةِ الضَّائِعَةِ الْخَائِفَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ
و برکتهای خود را بر ذریه پیغمبر خود و ذریه تلف کرده شده ترسان خود و کذا شمرده شده
بَقِيَّةٍ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزَّاكِيَةِ الْمُبَارَكَةِ وَأَعْلِ اللَّهُمَّ كَلِمَتَهُمْ
باقی مانده از شجره طیبه پاک فزایش کننده با برکت و بلند کن خداوندا کلمه ایشان را
وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُمْ وَاكْشِفِ الْبَلَاءَ وَاللَّأْوَاءَ وَحَنَادِسَ الْأَبَاطِيلِ
و ظاهر ساز حجت ایشان را و زایل کن بلا و شدت و تیرگیهای امور باطل

واضعف

والعفو عنهم وثبت قلوب شيعتهم وحزبك على طاعتك و
و گذشتن از ایشان و ثابت دار دلهای پیروان ایشان و گروه خود را بر فرمان برداری خود
ولايتهم ونصرتهم وموالاتهم واعنهم وامنحهم الصبر على الاذى
و دوستی ایشان و یاری ایشان و دوست داشتن ایشان و مدد کن ایشان را و ببخش ایشان را شکیبائی بر اذیت
فيك واجعل لهم اياما مشهودة واوقاتا محمودة مسعودة توشك
در راه تو و گردان از برای ایشان روزها حاضر شده [illegible] ستوده [illegible]
فيها فرجهم وتوجب فيها تمكينهم ونصرهم كما ضمنت لاوليائك
در آن [illegible] ایشان [illegible] چنانچه ضامن شدی مر دوستان خود را
في كتابك المنزل فانك قلت وقولك الحق وعد الله الذين امنوا منكم
در کتاب فرو فرستاده شده پس بدرستیکه تو گفتی و گفته تو درست که وعده داده خدا آنها را که گرویدند از شما
وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من
و کردند کارهای شایسته که هر آینه خلیفه کند ایشان را در زمین چنانچه خلیفه کرد آنهایی که
قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد
پیش از ایشان بودند [illegible] دین ایشان را [illegible] از پس
خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا اللهم فاكشف غمتهم
ترس ایشان ایمنی که میپرستند مرا شریک نمی آورند بمن هیچ چیز را خداوندا پس دور کن اندوه ایشان را
يا من لا يملك كشف الضر الا هو يا واحد يا احد يا حي يا قيوم وانا
ای آنکه قادر نیست بر زایل نمودن بدحالی مگر او ای یگانه ای یکتا ای زنده ای پاینده و من
يا الهي عبدك الخائف منك والراجع اليك السائل لك المقبل
ای معبود من بنده توام ترسان از تو و باز گردنده ام بسوی تو سؤال کننده مر ترا و رو آورنده
عليك اللاجي الى فنائك العالم بانه لا ملجا منك الا اليك اللهم
بر تو پناه گیرنده بسوی درگاه تو دانا با آنکه نیست پناهی از تو مگر بسوی تو خداوندا
فتقبل دعائي واسمع يا الهي علانيتي ونجواي واجعلني ممن رضيت
پس بپذیر دعای مرا و بشنو ای خدای من آشکار مرا و راز مرا و بگردان مرا از آنکه پسندیدی
عمله وقبلت نسكه ونجيته برحمتك انك انت العزيز الكريم اللهم
کردار او را و پذیرفتی عبادت او را و رهانیدی او را ببخشایش تو بدرستیکه توئی غالب بزرگوار خداوندا
وصل اولا واخرا على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد وارحم
و رحمت فرست در اول و آخر بر محمد و آل محمد و برکت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن

الحكيم

محمدا

محمدا وال محمد باكمل وافضل ما صليت وباركت وترحمت على
محمد و آل محمد را بکاملتر و بهتر رحمتی که فرستادی و برکتی که دادی و بخشش کردی بر
انبيائك ورسلك وملائكتك وحملة عرشك بلا اله الا انت
پیغمبران خود و رسولان خود و فرشتگان خود و بردارندگان عرش تو بحرمت لا اله الا انت
اللهم ولا تفرق بيني وبين محمد وال محمد صلواتك عليه وعليهم
خداوندا و جدائی مینداز میان من و میان محمد و آل محمد رحمتهای تو بر او و بر ایشان
واجعلني يا مولاي من شيعة محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين
و بگردان مرا ای آقای من از پیروان محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین
وذريتهم الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك بحبلهم والرضا
و فرزندان ایشان [illegible] برگزیده و ببخش مرا چنگ زدن بریسمان ایشان و خشنودی
بسبيلهم والاخذ بطريقتهم انك جواد كريم پس بسجده رود و طرف روی خود را بر خاک بگذارد و بگو
براه ایشان و فرا گرفتن طریقه ایشان بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری
يا من يحكم ما يشاء ويفعل ما يريد انت حكمت فلك الحمد
ای آنکه حکم میکند هرچه خواهد و میکند آنچه اراده نماید تو حکم کردی پس مر تراست ستایش
محمودا مشكورا فعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فانك ضمنت
[illegible]
اعزازهم بعد الذلة وتكثيرهم بعد القلة واظهارهم بعد الخمول
[illegible]
يا اصدق الصادقين ويا ارحم الراحمين فاسئلك يا الهي وسيدي
ای راستگوترین راست گویان و ای مهربانترین [illegible]
متضرعا اليك بجودك وكرمك بسط املي والتجاوز عني وقبول
[illegible]
قليل عملي وكثيره والزيادة في ايامي وتبليغي ذلك المشهد وان
[illegible]
تجعلني ممن يدعى فيجيب على طاعتهم وموالاتهم ونصرتهم و
[illegible]
تريني ذلك قريبا سريعا في عافية انك على كل شيء قدير پس سر خود را
[illegible]

الى

سوی آسمان بلند اعوذ بك ان اكون من الذین لا یرجون ایامك
کن و بگو پناه میگیرم از آنکه بوده باشم از آنکه امید ندارند روزگار ترا
فاعذنی یا الهی برحمتك من ذلك چون چنین کنی این عمل بهتر است
پس پناه ده مرا ای خدای من برحمت خود از آن از برای تو از حجهای بسیار
و عمرهای بسیار که مال بسیار در آنها صرف نمائی و بدن خود را در آنها
بتعب افکنی و از اهل و عیال و فرزندان خود جدا شوی و بدانکه کسی که این
نماز را در این روز بکند و این دعا را از روی اخلاص بخواند و این عمل را بایقین
و تصدیق بجا آورد حق تعالی ده خصلت باو عطا کند که از جمله آنها آنست
که او را از مردنهای بد حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت
ماندن و امثال اینها و تا مردن دشمنی بر او مسلط نگردد و نگاه دارد او را از
دیوانگی و خوره و پیسی در خودش و در فرزندانش تا چهار پشت و شیطان را و
دوستان و یاوران شیطان را مسلط نگرداند بر او و بر نسل او تا چهار پشت

زیارت عصر روز عاشورا

زیارت دیگر زیارتیست که مشتملست بر زیارت شهدا و متضمن تعزیت حضرت رسول خدا و
ائمه هدی هست و مناسبست که درین روز خوانده شود و اگر السلام علیك
در آخر روز خوانده شود شاید انسب باشد و زیارت اینست درود بر تو باد
یا وارث آدم صفوة الله السلام علیك یا وارث نوح نبی الله السلام
ای میراث برنده آدم برگزیده خدا درود بر تو باد ای میراث برنده نوح پیغمبر خدا درود
علیك یا وارث ابرهیم خلیل الله السلام علیك یا وارث موسی
بر تو باد ای میراث برنده ابراهیم دوست خدا درود بر تو باد ای میراث برنده موسی
کلیم الله السلام علیك یا وارث عیسی روح الله السلام علیك
سخن گوی خدا درود بر تو باد ای میراث برنده عیسی روح خدا درود بر تو باد
یا وارث محمد حبیب الله السلام علیك یا وارث علی امیر المؤمنین
ای میراث برنده محمد دوست خدا درود بر تو باد ای میراث برنده علی پادشاه مؤمنان
السلام علیك یا وارث الحسن الشهید سبط رسول الله السلام
درود بر تو باد ای میراث برنده حسن شهید فرزند زاده رسول خدا درود

علیك

علیك یا بن رسول الله السلام علیك یا بن البشیر النذیر و ابن سید
بر تو باد ای فرزند رسول خدا درود بر تو باد ای فرزند مژده دهنده بیم دهنده و فرزند بزرگ
الوصیین السلام علیك یا بن فاطمة سیدة نساء العالمین السلام
اوصیا درود بر تو باد ای فرزند فاطمه خاتون زنان جهانیان درود
علیك یا ابا عبد الله السلام علیك یا خیرة الله و ابن خیرته
بر تو باد ای ابو عبد الله درود بر تو باد ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده
السلام علیك یا ثار الله و ابن ثاره السلام علیك ایها الوتر
درود بر تو باد ای ثار خدا و فرزند ثار خدا درود بر تو باد ای خون
الموتور السلام علیك ایها الامام الهادی الزکی و علی ارواح حلت
خون وارسیده درود بر تو باد ای پیشوای راهنمای پاک و بر جانها که فرود آمدند
بفنائك و اقامت فی جوارك و وفدت مع زوارك السلام علیك
بکرم آستانه تو و در نزدیک تو در پناه تو و آمدند با زیارت کنندگان درود بر تو باد
منی ما بقیت و بقی اللیل و النهار فلقد عظمت بك الرزیة و جل
از من تا آنکه باقی باشم و باقی باشد شب و روز و بتحقیق عظیم گشته مصیبت تو و بزرگ
المصاب فی المؤمنین و المسلمین و فی اهل السموات اجمعین و
گشته مصیبت در مؤمنان و مسلمانان و در میان اهل آسمانها همگی و
فی سکان الارضین فانا لله و انا الیه راجعون و صلوات الله
در ساکنان زمینها پس بدرستیکه ما از برای خداییم و بدرستیکه ما بسوی او باز گردندگانیم و رحمتهای خدا
و برکاته و تحیاته علیك و علی آبائك الطیبین المنتجبین و علی
و برکتهای او و درودهای او بر تو و بر پدران تو که پاکانند برگزیدگان و بر
ذراریهم الهداة المهدیین السلام علیك یا مولای و علیهم
فرزندان ایشان که راهنمایان راه یافتگان درود بر تو باد ای آقای من و بر ایشان
و علی روحك و علی ارواحهم و علی تربتك و علی تربتهم
و بر جان تو و بر جانهای ایشان و بر خاک تو و بر خاکهای ایشان
اللهم لقهم رحمة و رضوانا و روحا و ریحانا السلام علیك یا
خداوندا بپیش ایشان انداز رحمت و خشنودی و آسایش و روزی پاک درود بر تو باد ای
مولای یا ابا عبد الله یا بن خاتم النبیین و ابن سید الوصیین
آقای من ای ابو عبد الله ای فرزند آخر پیغمبران و فرزند بزرگ اوصیا

وابن سیدة نساء العالمین السلام علیك یا شهید یا ابن الشهید یا
و فرزند بهترین زنان جهانیان درود بر تو باد ای شهید راه خدا و فرزند کشته راه خدا و
اخا الشهید یا ابا الشهداء اللهم بلغه عنی فی هذه الساعة وفی
برادر شهید ای پدر شهیدان خداوندا برسان او را از من در این ساعت و در
هذا الیوم وفی هذا الوقت وفی کل وقت تحیة کثیرة وسلاما
این روز و در این وقت و در هر وقتی درود بسیار و سلام فراوان
سلام الله علیك ورحمة الله وبرکاته یا ابن سید العالمین وعلی
سلام خدا بر تو باد و بخشایش خدا و زیادتیها او ای فرزند بهترین جهانیان و بر
المستشهدین معك سلاما متصلا ما اتصل اللیل والنهار
آنکه شهید گشتند با تو درود پیوسته تا پیوسته باشد شب و روز
السلام علی الحسین بن علی الشهید السلام علی علی بن الحسین
سلام بر حسین فرزند علی شهید سلام بر علی پسر حسین
الشهید السلام علی العباس بن امیر المؤمنین الشهید السلام
شهید سلام بر عباس پسر پادشاه مؤمنان شهید سلام
علی الشهداء من ولد امیر المؤمنین السلام علی الشهداء من ولد
بر شهیدان از فرزند پادشاه مؤمنان سلام بر شهیدان از فرزندان
الحسن السلام علی الشهداء من ولد الحسین السلام علی الشهداء
حسن سلام بر شهیدان از فرزندان حسین سلام بر شهیدان
من ولد جعفر وعقیل السلام علی کل مستشهد معهم من المؤمنین
از فرزندان جعفر و عقیل سلام بر هر شهید کشته با ایشان از مؤمنان
اللهم صل علی محمد وآل محمد وبلغهم عنی تحیة کثیرة وسلاما
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برسان ایشان را از من درود بسیار و سلام فراوان
السلام علیك یا رسول الله احسن الله لك العزاء فی ولدك
سلام بر تو ای رسول خدا نیکو گرداند خدا برای تو صبر را در فرزند تو
الحسین السلام علیك یا امیر المؤمنین احسن الله لك العزاء فی ولدك
حسین سلام بر تو باد ای پادشاه مؤمنان نیکو گرداند خدا برای تو صبر را در فرزند
الحسین السلام علیك یا فاطمة احسن الله لك العزاء فی ولدك الحسین
حسین سلام بر تو ای فاطمه نیکو گرداند خدا برای تو صبر را در فرزند تو حسین

السلام

السلام علیك یا ابا محمد الحسن احسن الله لنا العزاء فی اخیك الحسین
سلام بر تو ای ابا محمد حسن مجتبی نیکو گرداند خدا برای ما صبر را در برادر تو حسین
یا مولای یا ابا عبد الله انا ضیف الله وضیفك وجار الله وجارك و
ای آقای من ای ابا عبد الله من مهمان خدا و مهمان تو و در پناه خدا و پناه تو و
لکل ضیف وجار قری وقرای فی هذا الوقت ان تسأل الله سبحانه
برای هر مهمان و پناه گرفته مهمانی است و مهمانی من در این وقت آنست که درخواهی از خدا که پاکست
وتعالی ان یرزقنی فکاك رقبتی من النار انه سمیع الدعاء قریب مجیب
و برتر است که روزی کند مرا خلاصی گردن من از آتش بدرستی که او شنونده دعای نزدیک و پذیرنده
وشیخ مفید گفته است که در شب بیست و یکم ماه محرم زفاف حضرت فاطمه
و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما واقع شد باید که روز آنرا برای شکر این نعمت
عظمی شیعیان روزه بدارند و شیخ طوسی ره گفته است که در روز هفدهم
ماه محرم اصحاب فیل که بجهت خراب کردن کعبه آمده بودند برگشتند و عذاب
بر ایشان نازل شد و در روز بیست و پنجم اینماه حضرت امام زین العابدین صلوات
الله علیه بعالم اعلی ارتحال نمود **باب هفتم** در اعمال ماه صفر است و این
ماه مشهور است بنحوست و دو وجه میتواند داشت اول آنکه موافق قول علمای
شیعه وفات حضرت رسالت پناه در اینماه واقع شده است دویم آنکه در سه ماه
متوالی که اشهر حرم اند چون عرب قتال نمیکرده اند و در اینماه شروع بقتال میکرده اند
لهذا نحس شمرده اند و در احادیث شیعه ندیده ام چیزی که دلالت بر نحوست
کند و در روایات معتبره غیر عامه وارد شده است و سید ابن طاوس از بعضی از کتب
معتبره روایت کرده است که در روز سیم اینماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند
در رکعت اول بعد از سوره حمد سوره انا فتحنا بخوانند و در دویم سوره توحید
و بعد از سلام صد مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد و صد مرتبه اللهم
العن آل ابی سفیان و صد مرتبه استغفر الله واتوب الیه و در روز بیستم اینماه

در اعمال ماه صفر

مشهور است بروز اربعین یعنی روز چهلم شهادت حضرت سید الشهدا صلوات
الله علیه و در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده اند که علامات
مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله در شب و روز و زیارت
اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجده شکر بر خاک گذاشتن
و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن و کیفیت زیارت بسند معتبر از صفوان جمال منقول است
که گفت مولای من حضرت صادق علیه السلام بمن گفت در زیارت اربعین که زیارت میکنی در
هنگامی که روز بلند شده باشد و میگوئی اَلسَّلامُ عَلی وَلِیِّ اللهِ وَحَبیبِهِ اَلسَّلامُ عَلی خَلیلِ
سلام بر خلیفه خدا و دوست او سلام بر یار
اللهِ وَنَجیبِهِ اَلسَّلامُ عَلی صَفِیِّ اللهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ
خدا و برگزیده او سلام بر اختیار کرده خدا و پسر برگزیده او سلام بر حسین
الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلی اَسیرِ الْکُرُباتِ وَقَتیلِ الْعَبَراتِ اَللّهُمَّ
ستم کشیده شهید سلام بر اسیر غمها و کشته گریه ها خداوندا
اِنّی اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّکَ وَابْنُ وَلِیِّکَ وَصَفِیُّکَ وَابْنُ صَفِیِّکَ الْفائِزُ
بدرستی که من گواهی میدهم که آن دوست تو است و پسر دوست تو و برگزیده تو و پسر برگزیده تو است رسنده
بِکَرامَتِکَ اَکْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ وَاجْتَبَیْتَهُ بِطیبِ الْوِلادَةِ
بکرامت تو گرامی داشتی او را بشهادت و عطا کردی او را بسعادت و اختیار کردی او را بپاکی ولادت
وَجَعَلْتَهُ سَیِّداً مِنَ السّادَةِ وَقائِداً مِنَ الْقادَةِ وَذائِداً مِنَ الذّادَةِ
وگردانیدی او را بزرگی از بزرگان و راهنمائی از راهنمایان و حمایت کننده از حمایت کنندگان
وَاَعْطَیْتَهُ مَواریثَ الْاَنْبِیاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلی خَلْقِکَ مِنَ
و دادی او را میراثهای پیغمبران را و گردانیدی او را حجت بر خلق خود از جمله
الْاَوْصِیاءِ فَاَعْذَرَ فِی الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فیکَ
اوصیای پیغمبران پس عذر خود را تمام کرد در دعوت مردم و عطا کرد خیرخواهی را و داد جان خود را
لِیَسْتَنْقِذَ عِبادَکَ مِنَ الْجَهالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلالَةِ وَقَدْ تَوازَرَ عَلَیْهِ
در راه تو تا خلاص گرداند بندگان ترا از جهالت و حیرانی گمراهی و تحقیق که یاری یکدیگر کردند برای
مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْیا وَباعَ حَظَّهُ بِالْاَرْذَلِ الْاَدْنی وَشَری آخِرَتَهُ
کسی که فریب داده بود او را دنیا و فروخته بود بهره خود را از آخرت بزبان [illegible] و فروختند آخرت خود را

(حاشیه: زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز اربعین — الرَّشیدِ)

بالثمن

بِالثَّمَنِ الْاَوْکَسِ وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّی فی هَواهُ وَاَسْخَطَکَ وَاَسْخَطَ نَبِیَّکَ
بقیمت کم بها و تکبر کردند و بغضب آمدند و افتادند در گرداب خواهشهای خود و بخشم آوردند پیغمبر ترا
وَاَطاعَ مِنْ عِبادِکَ اَهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبینَ
و اطاعت کردند از بندگان تو اهل مخالفت و نفاق را و حاملان گناهان را آنها که مستوجب
النّارَ فَجاهَدَهُمْ فیکَ صابِراً مُحْتَسِباً حَتّی سُفِکَ فی طاعَتِکَ دَمُهُ
آتش بودند پس جنگ کرد با ایشان در راه تو صبر کننده طلب اجر کننده تا آنکه ریخته شد در طاعت تو خون او
وَاسْتُبیحَ حَریمُهُ اَللّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبیلاً وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً اَلیماً
و مباح کرده شد حرمت او خداوندا پس لعنت کن ایشان را لعنت سخت و عذاب کن ایشان را عذابی دردناک
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ سَیِّدِ الْاَوْصِیاءِ
سلام بر تو باد ای فرزند رسول خدا سلام بر تو باد ای فرزند بزرگ اوصیا
اَشْهَدُ اَنَّکَ اَمینُ اللهِ وَابْنُ اَمینِهِ عِشْتَ سَعیداً وَمَضَیْتَ حَمیداً
گواهی میدهم که تو امین خدائی و پسر امین خدائی زندگانی کردی سعادتمند و رحلت کردی ستایش کرده شده
وَمُتَّ فَقیداً مَظْلُوماً شَهیداً وَاَشْهَدُ اَنَّ اللهَ مُنْجِزٌ لَکَ ما وَعَدَکَ
و مردی گم شده ستم رسیده شهید و گواهی میدهم که خدا وفا میکند برای تو بانچه وعده داده
وَمُهْلِکٌ مَنْ خَذَلَکَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَکَ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ وَفَیْتَ
و هلاک میکند آنها را که یاری تو نکردند و عذاب خواهد کرد کشندگان ترا و گواهی میدهم که تو وفا کردی
بِعَهْدِ اللهِ وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللهِ حَتّی اَتاکَ الْیَقینُ فَلَعَنَ اللهُ
به پیمان خدا و جهاد کردی در راه خدا تا آنکه آمد ترا یقین پس لعنت کند خدا
مَنْ قَتَلَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِکَ
کسی را که کشت ترا و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد ترا و لعنت خدا گروهی را که شنیدند این را
فَرَضِیَتْ بِهِ اَللّهُمَّ اِنّی اُشْهِدُکَ اَنّی وَلِیٌّ لِمَنْ والاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ
و راضی شدند بآن خداوندا بدرستی که من گواه میگیرم ترا که من دوستم با هر که دوستی کرد با او و دشمنم با هر که
عاداهُ بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی
دشمنی کرد با او پدر و مادرم فدای تو ای فرزند پیغمبر خدا گواهی میدهم که تو بودی نوری در
الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ وَالْاَرْحامِ الطّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجاهِلِیَّةُ
پشتهای بلند مرتبه و رحمهای پاکیزه نجس نکرد ترا ایام جاهلیت
بِاَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْکَ الْمُدْلَهِمّاتُ مِنْ ثِیابِها وَاَشْهَدُ اَنَّکَ مِنْ دَعائِمِ
بنجاستهای خود و نپوشانید ترا [illegible] از جامه های خود و گواهی میدهم که تو از ستونهای

(حاشیه: کَثیراً — بسیار؛ الْوَصِیّینَ؛ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَابْنِ — امیر مؤمنان و فرزند)

الدین وارکان المسلمین ومعقل المؤمنین واشهد انک الامام البر
دین وارکانهای مسلمانان و پناه مؤمنان و گواهی میدهم که تو پیشوای نیکوکار
التقی الرضی الزکی الهادی المهدی واشهد ان الائمة من ولدک
پرهیزکار پسندیده پاکیزه هدایت کننده هدایت یافته و گواهی میدهم که امامان از فرزندان تو
کلمة التقوی واعلام الهدی والعروة الوثقی والحجة علی اهل
کلمهٔ پرهیزکاریند و نشانهای راه هدایتند و حلقهای محکمند و حجتند بر اهل
الدنیا واشهد انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع دینی
دنیا و گواهی میدهم که من بشما ایمان دارم و ببازگشت شما یقین دارم بشرایع دین خود
وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع ونصرتی
و خاتمهٔ عمل خود و دل من برای دل شما منقادست و امر من برای امر شما متابعت کننده و یاری من
لکم معدة حتی یاذن الله لکم فمعکم معکم لا مع عدوکم
برای شما مهیاست تا رخصت دهد خدا برای شما پس با شما باشم نه با دشمن شما
صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم واجسادکم وشاهدکم
درود خدا بر شما باد و بر جانهای شما و بدنهای شما و حاضران شما
وغائبکم وظاهرکم وباطنکم آمین رب العالمین ودو رکعت
و غائبان شما و ظاهر شما و باطن شما مستجاب کن ای پروردگار جهانیان
نماز میکنی و هر دعا که خواهی میکنی و بر میگردی و سید ابن طاوس
گفته است که من برای این زیارت وداعی یافته ام که مخصوص است
باین زیارت باید که بایستی پیش روی ضریح و بگوئی
السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک یا بن علی المرتضی
درود بر تو باد ای پسر رسول خدا درود بر تو باد ای پسر علی پسندیده
وصی رسول الله السلام علیک یا بن فاطمة الزهراء سیدة نساء
وصی رسول خدا درود بر تو باد ای پسر فاطمه زهرا بهترین زنان
العالمین السلام علیک یا وارث الحسن الزکی السلام علیک
جهانیان درود بر تو باد ای میراث برندهٔ حسن پاکیزه درود بر تو باد
یا حجة الله فی ارضه وشاهده علی خلقه السلام علیک
ای حجت خدا در زمین او و گواه او بر خلق او درود بر تو باد

یا ابا عبد الله الشهید والسلام علیک یا مولای وابن مولای
ای ابو عبد الله ای شهید و درود بر تو باد ای آقای من و پسر آقای من
اشهد انک اقمت الصلوة واتیت الزکوة وامرت بالمعروف و
گواهی میدهم که تو برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر کردی بر نیکی و
نهیت عن المنکر وجاهدت فی سبیل الله حتی اتاک الیقین و
نهی نمودی از بدی و جهاد کردی در راه خدا تا آمد ترا مرگ یقین و
اشهد انک علی بینة من ربک اتیتک واکرا ازدور توجهت
گواهی میدهم که تو بر برهان از پروردگار خود آمدم نزد تو زیارت نماید رو آوردم
الیک یا مولای زائرا وافدا راغبا مقرا لک بالذنوب هاربا
بسوی تو ای آقای من زیارت کننده و طلب حاجت کننده و رغبت کننده اقرار کننده بگناهان گریزنده
الیک من الخطایا لتشفع لی عند ربک یا بن رسول الله صلی الله
بسوی تو از گناهان برای آنکه شفاعت کنی برای من نزد پروردگار خود ای پسر رسول خدا درود خدا
علیک حیا ومیتا فان لک عند الله مقاما معلوما وشفاعة
بر تو در زندگی و مردگی پس بدرستی که ترا نزد خدا مقامی هست معلوم و شفاعتی
مقبولة لعن الله من ظلمک لعن الله من حرمک وغصب حقک
قبول شده لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد ترا لعنت خدا کسی را که محروم کرد ترا و غصب کرد حق ترا
ولعن الله من قتلک ولعن الله من خذلک ولعن الله من دعوته
و لعنت کند خدا کسی را که کشت ترا و لعنت کند خدا کسی را که یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که خواندی او را
فلم یجبک ولم یعنک ولعن الله من منعک من حرم الله وحرم
پس اجابت نکرد ترا و اعانت نکرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که مانع شد ترا از حرم خدا و حرم
رسوله وحرم ابیک واخیک ولعن الله من منعک من شرب ماء
رسول خدا و حرم پدر تو و برادر تو و لعنت کند خدا کسی را که منع کرد ترا از آشامیدن آب
الفرات لعنا کثیرا یتبع بعضها بعضا اللهم فاطر السموات والارض
فرات لعنت بسیار که تابع بعضی از آنها بعضی را خداوندا ای آفریننده آسمان و زمین
عالم الغیب والشهادة انت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون
دانای پنهان و آشکار تو حکم میکنی میان بندگان خود در آنچه در آن خلاف کرده اند
وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون اللهم لا تجعله آخر
و زود باشد بدانند آنها که ستم کردند که بکدام جایگاه بر گردند خداوندا مگردان این زیارت را آخر

اَلعَهدَ مِن زِیارَتِهِ وَارزُقنیهِ اَبَداً ما بَقیتُ وَحَییتُ یا رَبِّ وَاِن
عهد من از زیارت او و روزی کن زیارت او مرا همیشه مادام که زنده باشم و زنده باشم ای پروردگار و اگر
مُتُّ فَاحشُرنی فی زُمرَتِهِ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ و اگر زیارت آخر روز عاشورا
بمیرم پس محشور کردان مرا در زمرهٔ او ای بخشاینده ترین بخشایندگان در این روز نیز بخوانند
مناسبست وبدانکه مشهور آنست که سبب تاکید زیارت آنحضرت درین روز
آنست که حضرت امام زین العابدین ع با سایر اهل بیت درین روز بعد از مراجعت
از شام بکربلای معلی وارد شدند و سرهای مقدس شهدا را ببدنهای مقدس
ایشان ملحق کردند و این بسیار بعیدست از جهات بسیار که ذکر آنها موجب
تطویلست وبعضی گفته اند درین روز اهل بیت علیهم السلم وارد مدینهٔ
طیبه شدند و این نیز بسیار بعیدست وبعضی گفته اند که شاید حضرت
امام زین العابدین باعجاز و طی الارض مخفی بکربلا رفته باشد از شام و سرها را
ببدنها ملحق کرده باشد و این ممکنست اما روایتی درین باب بنظر نرسیده است
بلکه بعضی از روایات منافی فی الجمله با این دارد و وجهی که از احادیث ظاهر
میشود آنست که اول کسی که از اصحاب حضرت رسالت بزیارت آنحضرت مشرف
شد جابر بن عبد الله انصاری بود و او درین روز بکربلا رسید و آنحضرت را
با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس این امر عظیم را گذاشت
میتواند بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت درین روز شده باشد و شاید
وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد و چون فرموده اند که درین روز زیارت
کنیم باید کرد و تفحص سببش ضرور نیست و مشهور میان علمای امامیه آنست
که وفات حضرت سید انبیا در روز بیست و هشتم ماه صفر واقع شد و شیخ طوسی
و جمعی دیگر گفته اند که شهادت امام حسن مجتبی ع نیز در این روز واقع شد
پس قیام بمراسم تعزیه این دو بزرگوار و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسب است

وبدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه آخر ماه صفر شهرت
دارد و در کتب معتبرهٔ عامه و خاصه خبری که دلالت بر این کند بنظر
نرسیده است و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصاً چهارشنبه
آخر ماه وارد شده و چون اینماه بنابر اسبابی که مذکور شد فی الجمله نحوستی
دارد ممکنست که چهارشنبه آخر آن از سایر چهارشنبه ها نحوستش بیشتر
باشد اگر در آنروز از قبیل احتراز از طیره و استدفاع بلا بتصدقات و ادعیه
و استعاذات که از ائمه صلوات الله علیهم وارد شده است بکنند و توکل
نمایند بر جناب مقدس الهی که آن کفارهٔ طیره است مناسبست و اگر
بلائی متوجه باشد باینها دفع میشود نه آنکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان
کنند بلهو و لعب و سور و سرور و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب
مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی گردد **باب هشتم**
در فضایل ایام و اعمال ماه ربیع الاول است و در آن دو فصل است
فصل اول در فضیلت و اعمال روز اول تا روز شانزدهم است شیخ مفید
و شیخ طوسی و دیگران ره گفته اند که حضرت رسالت در شب اول ماه ربیع
الاول اراده هجرت نمود از مکهٔ معظمه بسوی مدینهٔ مشرفه و در آنشب بغار رفت
و حضرت امیر المؤمنین ع جان شریف خود را فدای جان مقدس حضرت رسول ص
کرد و در جای آنحضرت خوابید و از شمشیرهای کین قبایل مشرکین پروا نکرد و فضل
او بر جمیع امت بلکه بر جمیع عالمیان و بر همگنان ظاهر گردید و حق تعالی با ملائکه
سموات بآنحضرت مباهات نمود و آیهٔ کریمهٔ وَمِنَ النّاسِ مَن یَشری نَفسَهُ
ابتِغاءَ مَرضاتِ اللهِ در شان او نازل گردید چنانکه تفصیلش در حیات القلوب
مذکور است و حق تعالی آن دو جان مقدس را نجات داد از کید کافران حفظ

فضایل و اعمال ربیع الاول

گرد گفته اند که روزش را که روز اول ماه ربیع الاولست مستحبست که برای
شکر این نعم عظیمه روزه بدارند و هرچند علما درین روز زیارت ذکر
نکرده اند اما زیارت حضرت رسول و حضرت امیرالمومنین ع درین روز مناسبست
بجهاتی که مذکور شد و شیخ طوسی ره در مصباح گفته است که در روز اول
این ماه حضرت امام حسن عسکری ع بعالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الامر ع
بمنصب جلیل امامت فایز گردید پس زیارت آن دو امام عالی مقام درین روز
مناسبست و اما شیخ رحمه الله در تهذیب و کلینی و محمد بن جریر طبری و ابن
الخشاب و شیخ مفید ره گفته اند که وفات امام حسن عسکری ع در روز هشتم این
ماه بود پس در آن روز زیارت آن دو امام ع انسبست و اما روز نهم این ماه بدانکه
میان علمای خاصه و عامه در تاریخ قتل عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب
خلافست و مشهور میان فریقین آنست که قتل آن ملعون در روز بیست و ششم
ماه ذی الحجه واقع شد چنانچه سابقا اشارت بآن شد و بعضی بیست و هفتم
نیز گفته اند و مستند این دو قول نقل مورخانست و از کتب معتبره چنان
معلوم میشود که چنانچه الحال در میان عوام شیعه مشهور است قتل او
در نهم ماه ربیع الاول واقع شده است و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه نیز
چنین مشهور بوده است و سید بزرگوار علی بن طاوس ره در کتاب اقبال اشاره
نموده است بآنکه ابن بابویه روایتی از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است
که آن ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک اسفل جحیم متوجه شده است از
نقل او چنان معلوم میشود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته است هر چند
سید خود آن حدیث را تاویلات نموده است و ایضا سید ذکر کرده است که
جماعتی از شیعیان عجم پیوسته آن روز را باین سبب تعظیم و تکریم مینموده اند

وغیر ایشان

وخلف

فضایل روز نهم ربیع الاول

و خلف بزرگوار سید علی ابن طاوس در کتاب زواید الفواید باین مذهب تقویت
کرده است و روایت معتبری درین باب ایراد نموده است چنانچه گفته است که روایت
کرده اند محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد بن جریج بغدادی که روزی ما
منازعه کردیم در باب عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب و رفتیم در شهر قم
بنزد احمد بن اسحق قمی که از خواص حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری ع بود
و بخدمت حضرت صاحب الامر نیز رسیده بود و چون در را کوبیدیم دختر عراقیه
بیرون آمد و احوال احمد را از او پرسیدیم گفت او امروز مشغول اعمال عید است
و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مومنان چهار است
عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که احمد بن اسحق از
حضرت امام علی نقی ع روایت میکند که امروز روز عید است و بهترین عیدهاست
نزد اهل بیت رسالت ع و شیعیان ایشان ما گفتیم که رخصت بطلب تا بنزد او
آئیم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد بسوی ما و لنگی بسته بود و عبائی بر خود
پیچیده بود و بوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم که این چه حالتست که در تو
مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم مگر امروز عید است
گفت بلی و ما را بخانه خود در آورد و بر روی کرسی نشاند و گفت روزی با
جمعی از برادران خود بنزد مولای خود امام حسن عسکری ع رفتیم در سر من رای
در مثل این روز که شما بنزد من آمده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت حضرت
رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته است
و بدست مبارک خود عود در آن مجمره می اندازد و مجلس خود را مزین کرده است
و بر غلامان و خدمتکاران خود جامهای فاخر پوشانیده است گفتیم یا ابن رسول
الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز فرحی تازه

روداده است حضرت فرمود که کدام روز حرمتش از این روز نزد اهل بیت
عظیم تر است بدرستی که خبر داد مرا پدرم که حذیفه بن یمان در روز نهم
ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا حذیفه گفت که دیدم حضرت
امیر المؤمنین و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم را
که با حضرت رسالت پناه طعام تناول مینمودند و آنحضرت بروی ایشان
تبسم مینمود و با امام حسن و امام حسین میگفت بخورید گوارا باد از برای
شما برکت و سعادت این روز بدرستی که این روزیست که حق تعالی هلاک
میکند درین روز دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب میگرداند درین
روز دعای مادر شما را بخورید که این روزیست که حق تعالی درین روز قبول
میکند اعمال شیعیان و محبان شما را بخورید که این روزیست که ظاهر
میشود راستی گفته خدا که میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی
اینست خانهای ایشان که خالی گردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید
که این روزیست که شکسته میشود درین روز شوکت دشمن جد شما و یاری
کنندهٔ دشمن شما بخورید که این روزیست که درین روز هلاک میشود فرعون
اهل بیت من و ستم کنندهٔ بر ایشان و غصب کنندهٔ حق ایشان بخورید که
این روزیست که حق تعالی عملهای دشمنان را باطل و هبا میگرداند حذیفه
گفت که من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این
حرمتها نماید حضرت فرمود که ای حذیفه بتی از منافقان بر ایشان سرکرده
خواهد شد و دعوای ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی
خود دعوت خواهد نمود و تازیانه ظلم و ستم بر دوش خود خواهد گرفت و مردم
از راه خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا

تغیر خواهد داد و میراث فرزندم را متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد
خواند و زیادتی بر وصی من علی بن ابی طالب خواهد کرد و مالهای خدا را بناحق
بر خود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر من و
وزیر من علی را بدروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد
پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی نفرین او را درین روز مستجاب خواهد
کرد حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا نمیکنی که حق تعالی او را در حیات
تو هلاک گرداند حضرت فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرات کنم بر قضای
خدا و از او طلب کنم تغییر امری که در علم او گذشته است ولیکن از حق تعالی
سؤال کردم که فضیلت دهد آن روز را که در آن روز او بجهنم میرود بر سایر روزها
تا آنکه احترام آن روز سنتی گردد در میان دوستان من و دوستان شیعیان
اهل بیت من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق من گذشته است
که در یابد ترا و اهل بیت ترا محنتها و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان و غصب
کنندگان از بندگان من آن منافقانی که تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت
کردند و تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی
و ایشان دشمنی ترا بدل گرفتند و تو ایشان را خوشنود گردانیدی و ایشان ترا تکذیب
کردند و تو ایشان را برگزیدی و ایشان ترا در بلیه گذاشتند و سوگند یاد میکنم بحول
و قوه و پادشاهی خود که البته بگشایم بر روح کسی که غصب کند حق علی را
که وصی تست بعد از تو هزار در از پست ترین طبقهای جهنم که از فیلوق گویند
و او را و اصحاب او را جا دهم در قعر جهنم که شیطان از مرتبهٔ خود بر او مشرف
شود و او را لعنت کند و آن منافق را در قیامت عبرتی گردانم برای فرعونها که در
زمان پیغمبران دیگر بوده اند و برای سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان

ایشان ابسوی جهنم برم با دیدهای کبود و روهای ترش با نهایت مذلت
وخواری وپشیمانی وایشان ودوستان ایشانرا ابدالاباد در عذاب خود بدارم
ای محمد بمیرسد علی بمنزلت تو مکر با آنچه میرسد باو از بلاها از فرعون او وغصب
کنند حق او وجرات میکند برمن وکلام مرا بدل میکند وشرك بمن میآورد ومردم
منع میکند از راه رضای من وکوساله از برای امت تو برپا میکند که آن ابوبکر است
وکافر میشود بمن در عرش عظمت وجلال من بدرستی که من امر کرده ام ملائکه
هفت آسمان خودرا که برای شیعیان ومحبان دین شما عید کنند آنروزی را
که آن ملعون کشته میشود وامر کرده ام ایشانرا که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر
بیت المعمور وثنا کنند برمن وطلب آمرزش نمایند برای شیعیان ومحبان شما
از فرزندان آدم وامر کرده ام ملائکه نویسندکان اعمال را که از این روز تا سه روز
قلم از مردم بردارند وننویسند کناهان ایشانرا برای کرامت تو ووصی تو ای محمد این
روزرا عیدی کردانیده ام برای تو واهل بیت تو وبرای هرکه تابع ایشان باشد از مؤمنان
وشیعیان ایشان وسوکند یاد میکنم برخود بعزت وجلال خود وعلو منزلت ومکان
خود که عطا کنم کسی را که عید کند این روزرا از برای من ثواب آنها که بدور عرش احاطه
کرده اند وقبول کنم شفاعت اورا در خویشان او وزیاد کنم مال اورا اکر کشادکی
دهد بر خود وعیال خود در این روز وهر سال در این روز صد هزار کس از موالیان
وشیعیان شمارا از آتش جهنم آزاد کردانم واعمال ایشانرا قبول کنم وکناهان ایشانرا
بیامرزم حذیفه کفت پس برخاست رسول خدا وبخانه ام سلمه رفت ومن برکشتم
وصاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه بعد از وفات رسول خدا دیدم که او چه فتنها
برانکیخت وکفر اصلی خودرا اظهار کرد واز دین برکشت ودامان بیحیائی ووقاحت
برای غصب امامت وخلافت برزد وقرآنرا تحریف کرد وآتش در خانه وحی

درست

ورسالت زد وبدعتها در دین خدا پیدا کرد وملت پیغمبررا تغییر داد
وسنت آنحضرترا بدل کرد وشهادت حضرت امیر المؤمنین را رد کرد وفاطمه
دختر رسول خدارا بدروغ نسبت داد وفدك را غصب کرد ویهود ونصاری
ومجوس را از خود راضی کرد ونور دیده مصطفی را بخشم آورد ورضا جوئی
اهل بیت رسالت نکرد وجمیع سنتهای رسول را برطرف کرد وتدبیر کشتن
امیر المؤمنین کرد وجور وستم را در میان مردم علانیه کرد وهرچه خدا حلال
کرده بود حرام کرد وهرچه خدا حرام کرده بود حلال کرد وحکم کرد که از پوست شتر
دینار ودرهم بسازند وخرج کنند ودر برو وشکم فاطمه زهرا زد وبر منبر حضرت
رسالت صلعم بغصب وجور بالا رفت وبر حضرت امیر المؤمنین ع افترا بست وبا آنحضرت
معارضه کرد ورای آنحضرترا بسفاهت نسبت داد حذیفه کفت پس حق تعالی
دعای برکزیده خود ودختر پیغمبر خودرا در حق آن منافق مستجاب کردانید
وقتل اورا بردست کشنده او رحمه الله علیه جاری ساخت پس رفتم بخدمت
حضرت امیر المؤمنین ع که آنحضرترا تهنیت ومبارکباد بکویم بآنکه آن منافق کشته
شد وبعذاب حق تعالی واصل کردید چون حضرت مرا دید کفت ای حذیفه آیا
در خاطر داری آنروزرا که آمدی بنزد سید من رسول خدا ومن ودو سبط
او حسن وحسین نزد او نشسته بودیم وبا او طعام میخوردیم پس ترا دلالت
کرد بر فضیلت این روز کفتم بلی ای برادر رسول خدا حضرت فرمود بخدا سوکند
که این روزیست که حق تعالی در آن دیده آل رسول را روشن کردانید ومن
از برای این روز هفتاد ودو نام میدانم حذیفه کفت یا امیر المؤمنین میخواهم
که آن نامهارا از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت است که مؤمنان
از شر آن منافق استراحت یافتند وروز زایل شدن کرب وغم است وروز

غدیر دویم است و روز تخفیف گناهان شیعیانست و روز اخبار نیکوئی
برای مؤمنانست و روز برداشتن قلم از شیعیانست و روز برهم شکستن
بنای کفر و عدوانست و روز عافیتست و روز برکتست و روز طلب
خونهای مؤمنانست و روز عید بزرگ خداست و روز مستجاب شدن
دعاست و روز موقف اعظم است و روز وفای بعهد است و روز شرطست
و روز کندن جامهٔ سیاهست و روز ندامت ظالم است و روز شکسته شدن
شوکت مخالفانست و روز نفی هموم است و روز فتح است و روز عرض اعمال
آن کافرانست و روز ظهور قدرت خداست و روز عفو از گناهان شیعیانست
و روز فرج ایشانست و روز توبه است و روز انابه بسوی حق تعالی است و روز
زکوة بزرگست و روز غدیر دویم است و روز اندوه یاغیانست و روز گره شدن
آب دهان در گلوی مخالفانست و روز خوشنودی مؤمنانست و روز عید
اهل بیت است و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعونست و روز مقبول شدن
اعمال شیعیانست و روز پیش فرستادن تصدقاتست و روز زیادتی مثوباتست
و روز قتل منافقست و روز وقت معلوم است و روز سرور اهل بیت است
و روز مشهود است و روز قهر بر دشمن است و روز خراب شدن بنیان ضلالت
و روزیست که ظالم انگشت ندامت بدندان میگزد و روز تنبیه است و روز
شرفست و روز خنک شدن دلهای مؤمنانست و روز شهادتست و روز در گذشتن
از گناه مؤمنانست و روز تازگی بوستان اهل ایمانست و روز شیرینی کام ایشانست
و روز خوشی دلهای مؤمنانست و روز برطرف شدن پادشاهی منافقانست
و روز توفیق اهل ایمانست و روز رهائی مؤمنان از شر کافرانست و روز مظاهره است
و روز مفاخره است و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و تعظیم است و روز

نجات و عطاست و روز شکر حق تعالی است و روز یاری مظلومانست و روز
زیارت کردن مؤمنانست و روز محبت کردن ایشانست و روز رسیدن برحمتهای
الهی است و روز مبارک گردانیدن اعمالست و روز فاش کردن رازهاست و روز
برطرف شدن بدعتهاست و روز ترک گناهان کبیره است و روز ندا کردن بجوانب است
و روز عبادتست و روز موعظه و نصیحتست و روز انقیاد پیشوایان دین است
حذیفه گفت که پس از خدمت حضرت امیرالمؤمنین برخاستم و گفتم اگر در دنیا بهم
از افعال خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز و دانستن فضیلت
این بهر آینه منتهای آرزوی من خواهد بود پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند
که چون این حدیث را از احمد ابن اسحق شنیدیم برخاستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم
حمد و شکر میکنیم خداوندی را که برانگیخت ترا از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را بما
رسانیدی پس بخانهای خود برگشتیم و این روز را عید کردیم و صاحب کتاب زوائد
الفوائد گفته است که این حدیث را از خط علی بن محمد طی نوشتم و در کتب دیگر
که تتبع کردم چندین روایت دیگر موافق این یافتم پس اعتماد بر این روایات نمودم و سزاوار است
شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی در این روز بکنند و شیخ
ابرهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه
روایت کرده است که هر که در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی
گناهان او را بیامرزد و مستحبست در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشنود گردانیدن
ایشان و توسعه دادن بر عیال خود و دیگران و پوشیدن جامهای نو و شکر
و عبادت حق تعالی و این روز برطرف شدن غمهاست و روز روزه داشتن نیست
مؤلف گوید که از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت این روز و وقوع
این قضیه مبارکه در آن احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه

میان شیعه مشهور بوده است و بر خلاف روایتی بنظر این قاصر رسیده است
و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر کسی استبعاد
کند که چنین واقعهٔ عظیمی که سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردید چون میتواند بود
که مضبوط نماند جواب آنست که این واقعه از واقعه حضرت رسالت و شهادت
حضرت امیر المؤمنین عظیم تر نیست و در هر یک از آنها خلاف میان خاصه و عامه
هست و در واقعهٔ اول اتفاق دارند عامه بر خلاف آنچه مختار شیعه است و اگر
گویند که باعث بر افترای ایشان در اینجا نیست جواب میگوییم که شبهه در هر دو
جاری نیست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که ممکنست که برای رفع شماتت شیعیان
اخفای آن نموده باشند و علی ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه بر آن است
که در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک میشوند بنا بر احادیث صحیحه که از
ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که هر که ثوابی از خدا
باو رسد بر عملی و آنرا بجا آورد ثواب باو داده میشود هر چند چنان نباشد که
باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را اگر نوعی از شارع وارد شده باشد
و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و
مستحق ثواب خواهد گردید و بعضی میگویند که عمر بن سعد علیه اللعنه
در این روز بجهنم واصل شده است اگر چنین باشد این شرافت نیز از برای آن
کافیست و شیخ مفید گفته است که در روز نهم این ماه حضرت رسول خدیجه کبری را
تزویج نمود و مستحبست برای شکر این مواصلت عظیم البرکه که شیعیان روزه
بدارند و گفته است که روز دوازدهم این ماه حضرت رسول داخل مدینه طیبه
شد و از شر دشمنان ایمن گردید و باین جهت روز مبارکیست و ایضا دولت
بنی مروان که از بقیه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت بودند در این روز

دولت ایشان بنهایت رسید و زایل گردید و این نیز فضیلت دیگر است با
این روز و اکثر سنیان ولادت با سعادت حضرت رسول را در این روز
میدانند و محمد بن یعقوب کلینی ره از علمای امامیه در کتاب کافی چنین
قایل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق فحوای بعضی از روایات
این را اظهر میدانند و اگر چه خلاف مشهور میان امامیه است اما اگر روزه
و غسل و زیارت و سایر اعمال که در هفدهم مذکور خواهد شد در این روز
بعمل آورند باحتیاط اقربست و سید بن طاوس ره از بعضی علمای عجم روایت
کرده است که سنتست که در روز دوازدهم اینماه دو رکعت نماز بجا آورند
و در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت دویم
سه مرتبه قل هو الله بخواند و ایضا شیخ مفید و شیخ طوسی روایت کرده اند
که یزید پلید علیه اللعنه و العذاب الشدید در روز چهاردهم این ماه
باسفل درک جهنم منتقل شد باید که شیعیان این روز را برای خود مبارک
دانند و شکر حق تعالی برای این نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزهٔ این روز را
سنت میدانند **فصل دویم** در فضایل و اعمال روز هفدهم اینماه است
و مشهور میان علمای شیعه آنست که ولادت کثیر السعادت حضرت رسالت
در روز جمعهٔ هفدهم ماه ربیع الاول واقع شد و در بعضی از روایات
وارد شده است که عروج آنحضرت باسمانها نیز در شب هفدهم واقع شده است
و شب و روزش هر دو مبارکست و هر دو زیارت حضرت رسالت و حضرت
امیر المؤمنین مناسبت و علما ذکر کرده اند و روزهٔ روز آن فضیلت
بسیار دارد و شیخ مفید گفته است که این روز شریفیست و پیوسته فرقهٔ
محقهٔ شیعه از قدیم الایام الی الان تعظیم آن میکرده اند و حق او را میشناخته اند

فضایل و اعمال روز هفدهم ماه ربیع الاول

ودر روزه میداشته اند واز ائمه هدی ع روایت کرده اند که هر که این روز را روزه
دارد ثواب روزه یکسال برای او نوشته شود و مستحبست که تصدقات بارباب
حاجات بدهند مؤمنان و مؤمنات را شاد کردانند و بزیارت مشاهد مشرفه
روند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت و ضریح منور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
و شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس ره گفته اند که چون در غیر مدینه
طیبه خواهی که حضرت رسالت را زیارت کنی غسل بکن و شبیه بقبر در پیش روی
خود بساز و اسم مبارک آنحضرت را بر آن بنویس و بایست اشهد ان لا اله الا
ودل خود را متوجه آنحضرت کردان و بگو — گواهی میدهم اگر خدای نیست بجز
الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وانه
خدا اگر یکتا ذات نیست شریکی برای او و گواهی میدهم اگر محمد بنده و پیغمبر او است و اگر او است
سيد الاولين والآخرين وانه سيد الانبياء والمرسلين اللهم
بزرگ پیشینیان و پسینیان است و اگر او بزرگ پیغمبران و فرستادگان است بار خدایا
صل عليه وعلى اهل بيته الائمة الطيبين ثم تقول السلام عليك
درود ده بر او و بر خاندان او [illegible] پاکیزه کاران [illegible] درود باد بر تو
يا رسول الله السلام عليك يا خليل الله السلام عليك يا نبي الله
ای رسول خدا درود باد بر تو ای دوست خدا درود باد بر تو ای پیغمبر خدا
السلام عليك يا صفي الله السلام عليك يا رحمة الله السلام عليك
درود باد بر تو ای برگزیده خدا درود باد بر تو ای بخشش خدا درود باد بر تو
يا خيرة الله السلام عليك يا حبيب الله السلام عليك يا نجيب الله
ای اختیار کرده شده خدا درود باد بر تو ای دوست خدا درود باد بر تو ای برگزیده خدا
السلام عليك يا خاتم النبيين السلام عليك يا سيد المرسلين
درود باد بر تو ای آخر پیغمبران درود باد بر تو ای بزرگ پیغمبران
السلام عليك يا قائما بالقسط السلام عليك يا فاتح الخير السلام
درود باد بر تو ای برپادارنده راستی درود باد بر تو ای گشاینده نیکی درود باد
عليك يا معدن الوحي والتنزيل السلام عليك يا مبلغا عن الله
بر تو ای معدن وحی و معانی قرآن درود باد بر تو ای رساننده از جانب خدا

السلام

السلام على عمك العباس بن عبد المطلب

السلام عليك ايها السراج المنير السلام عليك يا مبشر السلام
درود باد بر تو ای چراغ روشنایی دهنده درود باد بر تو ای مژده دهنده درود باد
عليك يا نذير السلام عليك يا منذر السلام عليك يا نور الله الذي
بر تو ای بیم کننده درود بر تو ای ترساننده درود بر تو باد ای روشنی خدا که
يستضاء به السلام عليك وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين
روشنایی جسته میشود به او درود بر تو باد و بر خانواده تو که پاکان و پاکیزگان
الهادين المهديين السلام عليك وعلى جدك عبد المطلب وعلى
راه نماینده و راه یافتگان درود باد بر تو و بر جد تو عبد المطلب و بر
ابيك عبد الله السلام عليك وعلى امك آمنة بنت وهب السلام
پدر تو عبد الله درود باد بر تو و بر مادر تو آمنه دختر وهب درود باد
على عمك حمزة سيد الشهداء السلام على عمك وكفيلك ابي طالب
بر عم تو حمزه بزرگ شهیدان درود بر عم تو و کفالت کننده ابی طالب
السلام على ابن عمك جعفر الطيار في جنان الخلد السلام عليك
درود بر پسر عم تو جعفر طیار که پرواز کننده است در بهشتهای جاوید درود بر تو
يا محمد السلام عليك يا احمد السلام عليك يا حجة الله على الاولين
ای محمد درود بر تو ای احمد درود بر تو ای حجت خدا بر پیشینیان
والآخرين والسابق في طاعة رب العالمين والمهيمن على رسله و
و پسینیان و پیشی گیرنده در فرمان پروردگار عالمیان و گواه بر پیغمبران او و
خاتم الانبياء والشاهد على خلقه والشفيع اليه والمكين لديه
آخر پیغمبران و گواه بر آفریدگان و درخواست کننده [illegible]
والمطاع في ملكوته الاحمد من الاوصاف المحمد لسائر الاشراف
و فرمان برده شده در عالم پادشاهی [illegible] ستوده شده [illegible]
الكريم عند الرب والمكلم من وراء الحجب الفائز بالسباق والفائت
بزرگوار نزد پروردگار و سخن کننده [illegible]
عن اللحاق تسليم عارف بحقك معترف بالتقصير في قيامه بواجبك
[illegible] تسلیم کردن شناسا بحق تو اقرار کننده بتقصیر خود در قیام نمودن بواجب تو
غير منكر ما انتهى اليه من فضلك موقن بالمزيدات من ربك مؤمن
[illegible] از فضل تو [illegible]

بالكتاب المنزل عليك محلل حلالك محرم حرامك اشهد يا رسول الله

نابنده بكتاب فرو فرستاده شده بر تو حلال كننده حلال تو حرام كننده حرام تو گواهی میدهم ای رسول خدا

مع كل شاهد واتحملها عن كل جاحد انك قد بلغت رسالات

با هر گواهی و بر میدارم گواهی را از هر انكار كننده بتحقیق كه تو رسانیدی پیغامهای

ربك ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل ربك وصدعت

پروردگار خود را و پند دادی برای امت خود و كارزار كردی در راه پروردگار تو و ظاهر ساختی

بامره واحتملت الاذى في جنبه ودعوت الى سبيله بالحكمة و

بفرمان او و برداشتی رنجها را در كار او و خواندی بسوی راه او بدلیل محكم و

الموعظة الحسنة وأديت الحق الذي كان عليك وانك قد رؤفت — الجميلة

پند نیكو و ادا كردی حقی را كه بود بر تو و بتحقیق كه تو مهربانی كردی

بالمؤمنين وغلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصا حتى اتاك

بمؤمنان و خشم كین داشتی بر كافران و پرستیدی خدا را خالص گردانیده تا آمد بتو

اليقين فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين

یقین پس رسانید خدا ترا ببلندترین جای گرامی یافتگان و برترین مرتبهای نزدیكان درگاه

وارفع درجات المرسلين حيث لا يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق

و بلندترین درجهای پیغمبران جائیكه نمیرسد ترا هیچ رسنده و بلند نگردد از تو هیچ بلند مرتبه

ولا يسبقك سابق ولا يطمع في ادراكك طامع الحمد لله الذي

و پیشی نگیرد ترا پیشی گیرنده و طمع نكند در رسیدن مرتبه تو طمع كننده ستایش مر خدا را كه

استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة ونورنا بك من

رهانید ما را بسبب تو از ورطه هلاكت و راه نمود ما را بتو از گمراهی و روشنی داد ما را بتو از

الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث افضل ما جازى نبيا عن — جرى

تاریكی پس جزا دهد ترا خدا ای رسول خدا از فرستاده شده بهتر آنچه جزا داد پیغمبری را از جانب

امته ورسولا عمن ارسل اليه بابي انت وامي يا رسول الله زرتك

امت او و رسولی را از آنكه فرستاده شده بسوی او پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا زیارت كردم ترا

عارفا بحقك مقرا بفضلك مستبصرا بضلالة من خالفك و

در حالتیكه شناسنده ام حق ترا اقرار كننده ام بفضل تو بینا بگمراهی آنكس كه مخالفت كرد ترا و

خالف اهل بيتك عارفا بالهدى الذي كنت عليه بابي انت — انت

مخالفت كرد خانواده ترا شناسنده براه راستی كه بودی بر آن پدر و مادرم فدای تو

وامي

وامي ونفسي واهلي ومالي وولدي انا اصلي عليك كما صلى الله

باد و جان من و خانواده من و مال من و فرزندان من درود میفرستم بر تو چنانكه درود داد خدا

عليك وصلى عليك ملائكته وانبياؤه ورسله صلوة متتابعة

بر تو و درود داد بر تو فرشتگان او و پیغمبران او و فرستادگان او درودی پیاپی

وافرة متواصلة لا انقطاع لها ولا امد ولا اجل صلى الله عليك

فراوان بهم پیوسته كه نباشد بریدگی مر آنرا و نه غایتی و نه نهایتی درود دهاد خدا بر تو

وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين كما انتم اهله پس دستها را بگشا و بگوی

و بر خانواده تو كه پاكان و پاكیزگان اند چنانكه شما سزاوار آنید

اللهم اجعل جوامع صلواتك ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك

بار خدایا بگردان رحمتهای تمام آمده خود را و زیادتیهای بركتهای خود را و افزونیهای نیكیهای خود را

وشرائف تحياتك وتسليماتك وكراماتك ورحماتك وصلوات

و درودهای بزرگ خود را و سلامهای خود را و كرامتهای خود را و رحمتهای خود را و درودهای

ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين وائمتك المنتجبين وعبادك

فرشتگان مقرب خود را و پیغمبران فرستاده خود را و پیشوایان برگزیدگان خود و بندگان

الصالحين واهل السموات والارضين ومن سبح لك يا رب العالمين

شایسته خود را و اهل آسمانها و زمینها و هر كه تسبیح كرده مر ترا ای پروردگار عالمیان

من الاولين والاخرين على محمد عبدك ورسولك وشاهدك و

از پیشینیان و پسینیان بر محمد بنده تو و پیغمبر تو و گواه تو و

نبيك ونذيرك وامينك ومكينك ونجيك ونجيبك وحبيبك

پیغام دهنده تو و بیم كننده تو و امین تو و صاحب منزلت تو و همراز تو و برگزیده تو و دوست تو

وخليلك وصفيك وصفوتك وخاصتك ورحمتك وخير خيرتك — وخالصتك

و خلیل تو و برگزیده تو و دوست خاص تو و برگزیده تو و بخشایش تو و بهترین برگزیدگان تو

من خلقك نبي الرحمة وخازن المغفرة وقائد الخير والبركة ومنقذ

از آفریدگان تو پیغمبر رحمت و خزانه دار آمرزش تو و كشاننده بنیكی و بركت و رهاننده

العباد من الهلكة باذنك وداعيهم الى دينك القيم بامرك اول

بندگان از هلاكت بفرمان تو و خواننده ایشان بسوی دین تو تمام بفرمان تو اول

النبيين ميثاقا وآخرهم مبعثا الذي غمسته في بحر الفضيلة والمنزلة

پیغمبران در پیمان و آخر ایشان در بعثت آنكه فرو بردی او را در دریای فضیلت بزرگی و منزلت

الجليلة والدرجة الرفيعة والمرتبة الخطيرة واودعته الاصلاب
ودولت و درجه بلند و مرتبه عظیم و امانت گذاشتی اورا در پشتهای
الطاهرة ونقلته منها الى الارحام المطهرة لطفا منك له عليه
پاك و نقل فرمودی اورا از آنها بسوی رحمهای پاکیزه بجهة مهربانی از تو مر اورا
وتحننا منك عليه اذ وكلت لصونه وحراسته وحفظه وحياطته
و شفقت تو بر او چون برگماشتی برای نگهداری و نگاهبانی و حفظ او و رعایت او
من قدرتك عينا عاصمة حجبت بها عنه مدانس العهر ومعائب
از قدرت خود نگهبانی نگهدارنده باز داشتی بسبب آن از او چرکهای فجور و ناپسندی
السفاح حتى رفعت به نواظر العباد واحييت به ميت البلاد بان
زنا را تا برداشتی بسبب او دیدهای بندگان را و زنده کردی بان زمینهای مرده را باینکه
كشفت عن نور ولادته ظلم الاستار والبست حرمك به حلل الانوار
برداشتی از روشنائی ولادت او پردهای تیره را و پوشید حرم خود را بسبب او جامهای روشنائی را
اللهم فكما خصصته بشرف هذه المرتبة الكريمة وذخر هذه المنقبة
بار خدایا پس چنانچه مخصوص دادی او را بشرافت این مرتبه پسندیده و ذخیره این هنر
العظيمة صل عليه كما وفى بعهدك وبلغ رسالاتك وقاتل اهل
بزرگ درود فرست بر او چنانچه وفا کرد بعهد تو و رسانید پیغامهای ترا و کارزار کرد با اهل
الجحود على توحيدك وقطع رحم الكفر في اعزاز دينك ولبس ثوب
انکار بر یگانگی تو و قطع کرد خویشی کفر را در عزیز گردانیدن دین تو و پوشید جامه
البلوى في مجاهدة اعدائك واوجبت له بكل اذى مسه او كيد
رنج و محنت در کارزار کردن با دشمنان تو و واجب گردانیدی برای او بهر رنجی که رسید او را یا مکری
احس به من الفئة التي حاولت قتله فضيلة تفوق الفضائل
که رسید باو از گروهی که قصد کردند کشتن او را زیادتی که فایق آید زیادتیها را
وتملك بها الجزيل من نوالك وقد اسر الحسرة واخفى الزفرة
و صاحب شد بان بخشش بسیاری از بخششهای تو و بتحقیق که نهان داشت پشیمانی را و پنهان کرد آه را
وتجرع الغصة ولم يتخط ما مثل له وحيك اللهم صل عليه
و فرو برد غصه و غم را و تجاوز نکرد از آنچه صورت بست برای او وحی تو بار خدایا درود فرست بر او
وعلى اهل بيته صلوة ترضيها لهم وبلغهم منا تحية كثيرة
و بر خانواده او درودی که پسندی آنرا برای ایشان و برسان بایشان از ما درودی بسیار

وسلاما

وسلاما واتنا من لدنك في موالاتهم فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا
و درود و بده مارا از نزد خود در دوستی ایشان افزونی و نیکی و بخشایش و آمرزش
انك ذو الفضل العظيم پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام باهر
بدرستیکه تو خداوند افزونی بزرگی سورة که خواهی و چون فارغ شوی تسبیح فاطمه را
بخوان پس بگو اللهم انك قلت لنبيك محمد صلى الله عليه وآله
بار خدایا بدرستیکه تو گفتی مر پیغمبر خود را محمد درود خدا بر او و آل او
ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم
و اگر ایشان چون ستم کردند بر نفسهای خود آمدندی نزد تو پس آمرزش طلبیدندی از خدا و آمرزش خواستی
الرسول لوجدوا الله توابا رحيما ولم احضر زمان رسولك عليه و
برای ایشان پیغمبر هر آینه یافتندی خدا را توبه پذیر مهربان و حاضر نبودم در زمان رسول تو بر او و
اله السلام اللهم وقد زرته راغبا تائبا من سيئ عملي ومستغفرا
و آل او باد درود بار خدایا و بتحقیق زیارت کردم او را خواهشمند رجوع کننده از بدیهای کردار خود آمرزش طلبنده
لك من ذنوبي ومقرا لك بها وانت اعلم بها مني ومتوجها اليك
مر ترا از گناهان خود و اقرار کننده مر ترا بانها و تو داناتری بانها از من و روی آورنده بسوی تو
بنبيك نبي الرحمة صلواتك عليه واله فاجعلني اللهم بمحمد
بپیغمبرت پیغمبر رحمت درودهای تو بر او و آل او باد پس بگردان مرا بار خدایا بمحمد
واهل بيته عندك وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين يا محمد
و خانواده او در نزد تو صاحب جاه در این جهان و آن جهان و از مقربین ای محمد
يا رسول الله بابي انت وامي يا نبي الله انى اتوجه بك الى الله ربك
ای رسول خدا پدر و مادرم فدای تو باد ای پیغمبر خدا بدرستیکه من روی آورم بتو بسوی خدا پروردگار تو
وربي ليغفر لي ذنوبي ويتقبل مني عملي ويقضي لي حوائجي فكن لي
و پروردگار من تا بیامرزد برای من گناهان مرا و بپذیرد از من کردار مرا و بر آورد حاجتهای مرا پس باش برای من
شفيعا عند ربك وربي فنعم المسئول المولى ربي ونعم الشفيع انت
شفاعت کننده نزد پروردگار تو و پروردگار من پس نیکو سؤال کرده شده است آقای من پروردگار من و نیکو شفاعت کننده
يا محمد عليك وعلى اهل بيتك السلام اللهم واوجب لي منك المغفرة
ای محمد بر تو و بر خانواده تو درود باد بار خدایا و واجب کن برای من از نزد خود آمرزش
والرحمة والرزق الواسع الطيب النافع كما اوجبت لمن اتى نبيك
و بخشایش و روزی فراخ پاکیزه نفع دهنده چنانچه واجب ساختی برای کسی که آمد پیغمبر ترا

يا سيد خلق الله
ای بهترین آفریدگان خدا
جميع

محمدا صلی الله علیه وآله وهو حی فاقر له بذنوبه واستغفر له
محمد درود خدای بر او و خانواده او و او زنده بود پس اقرار کردمی او را بگناهان خود و آمرزش طلبیدمی از
رسولک علیه السلام فغفرت له برحمتک یا ارحم الراحمین
پیغمبر تو بر او باد درود پس آمرزیدی او را برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
اللهم وقد املتک ورجوتک وقمت بین یدیک ورغبت الیک
بار خدایا بتحقیق امید گرفته ام از تو و امید دارم از تو و ایستاده ام در پیش تو و رغبت کرده ام بسوی تو
عمن سواک وقد املت جزیل ثوابک وانی مقر غیر منکر وتائب
از آنکه جز تو است و بتحقیق امید کردم پاداش فراوان تو را و بدرستی که من اقرار کننده ام نه انکار کننده و توبه کننده
الیک مما اقترفت وعائذ بک فی هذا المقام ممن قدمت من الاعمال
بسوی تو از آنچه کسب کرده ام و پناه برنده بتو در این جایگاه از آنچه پیش فرستاده ام از کردارهائی
التی تقدمت الی فیها ونهیتنی عنها واوعدت علیها العقاب
که پیش گرفتی بسوی من در آنها و باز داشتی مرا از آنها و وعده کردی بر آنها عقوبت را
واعوذ بکرم وجهک ان تقیمنی مقام الخزی والذل یوم تهتک
و پناه میبرم بخداوندی ذات تو اگر بر پا داری مرا بجای رسوائی و خواری روزی که دریده شود
فیه الاستار وتبدو فیه الاسرار والفضائح وترعد فیه
در آن پردها و آشکار گردد در آن پوشیدگیها و رسوائیها و لرزان گردد در آن
الفرائص یوم الحسرة والندامة یوم الافکة یوم الآزفة یوم
رگهای گردن روز افسوس و پشیمانی روز عذاب روز نزدیک روز
التغابن یوم الفصل یوم الجزاء یوما کان مقداره خمسین الف
زیانکاری روز جدا شدن حق از باطل روز پاداش روزی که باشد مقدار آن پنجاه هزار سال
سنة یوم النفخة یوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة یوم النشر
سال روز دمیدن صور روزی که بلرزاند زمین را لرزاننده که از پی درآید او را دمنده دوم روز برانگیختن
یوم العرض یوم یقوم الناس لرب العالمین یوم یفر المرء من اخیه
روز عرض کردن روزی که برخیزند مردمان برای پروردگار عالمیان روزی که بگریزد مرد از برادر خود
وامه وابیه وصاحبته وبنیه یوم تشقق الارض واکناف السماء
و مادر خود و پدر خود و زن خود و پسران خود روزی که شکافته شود زمین و اطراف آسمان
یوم تاتی کل نفس تجادل عن نفسها یوم یردون الی الله فینبئهم بما
روزی که بیاید هر نفسی که مجادله کند از قبل نفس خود روزی که بازگردانیده شوند بسوی خدا پس خبر دهد ایشان را

عملوا

عملوا یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا ولا هم ینصرون الا من رحم الله
بآنچه کردند روزی که باز ندارد هیچ دوستی از دوستی چیزی را و نه ایشان یاری کرده شوند مگر آنکه رحم کند
انه هو العزیز الرحیم یوم یردون الی عالم الغیب والشهادة یوم
خدا بدرستی که او است ارجمند و مهربان روزی که بازگردانیده شوند بسوی دانای نهان و آشکار روزی که
یردون الی الله مولیهم الحق یوم یخرجون من الاجداث سراعا کانهم
بازگردانیده شوند بسوی خدا که خداوند ایشان است بحق روزی که بیرون آورده شوند از گورها شتابندگان گویا ایشان
الی نصب یوفضون وکانهم جراد منتشر مهطعین الی الداع الی
بسوی نشان میشتابند و گویا که ایشان ملخان پراکنده اند شتابندگان بسوی خواننده بسوی
الله یوم الواقعة یوم ترج الارض رجا یوم تکون السماء کالمهل
خدا روز قیامت روزی که جنبانیده شود زمین جنبانیدنی روزی که باشد آسمان چون مس گداخته
وتکون الجبال کالعهن ولا یسئل حمیم حمیما یوم الشاهد والمشهود
و باشند کوهها چون پشم رنگ کرده و پرسیده نشود خویشی از خویشی روز گواه دهنده و گواهی داده شده
یوم تکون الملائکة صفا صفا اللهم ارحم موقفی فی ذلک الیوم بموقفی
روزی که باشند فرشتگان صف در صف بار خدایا رحم کن ایستادن مرا در آن روز
فی هذا الیوم ولا تخزنی فی ذلک الموقف بما جنیت علی نفسی واجعل
و رسوا مکن مرا در آن ایستادن از آنچه جنایت کردم بر نفس خود و بگردان
یا رب فی ذلک الیوم مع اولیائک منطلقی وفی زمرة محمد واهل
ای پروردگار من در آن روز با دوستان تو رفتن مرا و در گروه محمد و خانواده
بیته علیهم السلام محشری واجعل حوضه موردی وفی الغر الکرام
او بر ایشان باد درود برانگیختن مرا و بگردان حوض او را محل وارد شدن من و در روسفیدان گرامی
مصدری واعطنی کتابی بیمینی حتی افوز بحسناتی وتبیض به
بازگردیدن مرا و عطا کن بمن نامه مرا بدست راست من تا فیروز شوم بنیکوئیهای خود و سفید گردان
وجهی وتیسر به حسابی وترجح به میزانی وامضی مع الفائزین من
روی مرا و آسان کنی بآن حساب مرا و افزون کنی بآن میزان مرا و بگذرم با رستگاران از
عبادک الصالحین الی رضوانک وجنانک یا اله العالمین اللهم
بندگان شایسته تو بسوی خوشنودی تو و بهشتهای تو ای خدای جهانیان بار خدایا
انی اعوذ بک ان تفضحنی فی ذلک الیوم بین یدی الخلائق بجریرتی
بدرستی که من پناه میبرم بتو از آنکه رسوا کنی مرا در آن روز پیش خلائق بگناه من

اَوْ اَنْ اَلْقَى الْخِزْيَ وَالنَّدَامَةَ بِخَطِيئَتِي اَوْ اَنْ تَظْهَرَ مِنْهُ سَيِّئَاتِي
یا اگر ببینم خواری و پشیمانی بگناهان من یا اگر ظاهر گردد میان گناهان من

عَلَى حَسَنَاتِي فَاَنْ تُنَوِّهَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ بِاِسْمِي يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ الْعَفْوَ
بر نیکیهای من یا اگر شهرت دهی میان مردم نام مرا ای بزرگوار ای بزرگوار امید دارم در گذشتن

الْعَفْوَ السِّتْرَ السِّتْرَ اَللّٰهُمَّ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ يَكُونَ فِي ذٰلِكَ الْيَوْمِ
در گذشتن را پوشانیدن را پوشانیدن را بار خدایا و پناه میبرم بتو از اگر باشد در آن روز

فِي مَوَاقِفِ الْاَشْرَارِ مَوْقِفِي اَوْ فِي مَقَامِ الْاَشْقِيَاءِ مَقَامِي وَاِذَا مَيَّزْتَ
در جایگاه بدان ایستادن مرا یا در جایگاه بدبختان ایستادن مرا و چون جدا کنی

بَيْنَ خَلْقِكَ فَسُقْتَ كُلًّا بِاَعْمَالِهِمْ زُمَرًا اِلَى مَنَازِلِهِمْ فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ
میان آفریدگان پس برانی همه را بکردارهای ایشان گروه گروه بسوی جایهای ایشان پس بران مرا برحمت

فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَفِي زُمْرَةِ اَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ اِلَى جَنَّاتِكَ يَا رَبَّ
در بندگان شایسته خود و در زمره دوستان پرهیزکاران بسوی بهشتهای ای پروردگار

الْعَالَمِينَ پس وداع کن اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
جهانیان انحضرت را و بگو درود باد بر تو ای رسول خدا درود بر تو

اَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
ای مژده دهنده بیم کننده درود بر تو ای چراغ روشنی دهنده درود بر تو

اَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللّٰهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ اَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا
ای رسول اصلاح کننده میان خدا و میان آفریدگان او گواهی میدهم ای رسول خدا که تو بودی نور

فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ
در پشتهای بلند و رحمهای پاک نجس نکرد ترا جاهلیت

بِاَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَنِّي
بنجاستهای خود و نپوشانید ترا از جامههای تیره خود و گواهی میدهم ای رسول خدا که من

مُؤْمِنٌ بِكَ وَبِالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِكَ مُوقِنٌ بِجَمِيعِ مَا اَتَيْتَ بِهِ رَاضٍ
ایمان آورنده ام بتو و بپیشوایان از خانواده تو یقین دارنده بهمه آنچه آوردی بآن راضی

مُؤْمِنٌ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِكَ اَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ
گرونده و گواهی میدهم که پیشوایان از خانواده تو نشانهای هدایتند و دست آویز

الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى اَهْلِ الدُّنْيَا اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ
محکم و حجت خدایند بر اهل دنیا بار خدایا مگردان این زیارت را آخر عهد از

جنانك

زیارة

زِيَارَةِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَاِنْ تَوَفَّيْتَنِي فَاِنِّي اَشْهَدُ فِي مَمَاتِي
زیارت پیغمبر تو بر او و آل او باد درود و اگر بمیرانی مرا پس بدرستی که من گواهی میدهم در مرگ

عَلَى مَا اَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ
بر آنچه گواهی دادم بآن در زندگی من بدرستی که توئی خدا که نیست خدائی مگر تو حال آنکه تنهائی

لَا شَرِيكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ اَهْلِ
نیست انبازی برای و بدرستی که محمد بنده تو و پیغمبر تست و بدرستی که پیشوایان از خانواده

بَيْتِهِ اَوْلِيَاؤُكَ وَاَنْصَارُكَ وَحُجَجُكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخُلَفَاؤُكَ فِي
او دوستان تو و یاری دهندگان تو اند و حجتهای تو بر آفریدگان و خلیفههای تو در میان

عِبَادِكَ وَاَعْلَامُكَ فِي بِلَادِكَ وَخُزَّانُ عِلْمِكَ وَحَفَظَةُ سِرِّكَ وَ
بندگان تو و نشانهای تو در شهرهای تو و خزانهداران علم تو و نگاهدارندگان سر تو و

تَرَاجِمَةُ وَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ
بیان کنندگان وحی تو بار خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان بروح پیغمبرت محمد

وَآلِهِ فِي سَاعَتِي هٰذِهِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ تَحِيَّةً مِنِّي وَسَلَامًا وَالسَّلَامُ
و آل او در این ساعت و در هر ساعت درودی از من و سلامی و سلام

عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ لَا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ تَسْلِيمِي
بر تو ای رسول خدا و رحمتهای خدا و برکتهای او نگرداند خدا آخر درود فرستادن

عليك
بر تو

مؤلف گوید اگرچه این زیارت مستندش بنظر فقیر نرسیده و لهذا در تحفة الزائر این را ذکر نکرده ام اما زیارت جامع کاملیست و در همه اوقات بجا میتوان آورد و اگر کسی نتواند زیارت مختصری که بعد از این انشاء الله مذکور خواهد شد بعمل آورد و علما ذکر کرده اند که زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز سنتست و خصوص این زیارت را در این روز ذکر کرده اند و در بعضی از روایات خصوص این روز معلوم نمیشود و بهترین زیارات آنست از جهة لفظ و معنی و سند بسیار معتبر منقولست و در همه ایام و اوقات از نزدیک و دور میتوان کرد خصوصا در این روز چنانکه شیخ مفید و شیخ شهید و سید بن طاوس روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق ع زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین را

در هفتدهم ماه ربیع الاول باین زیارت و تعلیم فرمود زیارتش برای ثقة
عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی فرمود که چون بیائی مشهد امیر المؤمنین علیه السلام
غسل زیارت بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بقدری بوی خوش خود را
خوشبو کن و برو باید با رام دل و آرام تن پس چون برسی بباب السلام یعنی درگاه
روضهٔ مقدسه که ضریح مقدس نمایان میشود پس رو بقبله بایست و سی
مرتبه الله اکبر بگو اَلسَّلامُ عَلیٰ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ خِیَرَةِ اللهِ

درود بر رسول خدا درود بر اختیار کرده شده خدا

اَلسَّلامُ عَلَی البَشیرِ النَّذیرِ السِّراجِ المُنیرِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

درود بر مژده دهنده بیم کننده چراغ روشنی دهنده و رحمت خدا و برکتهای او

اَلسَّلامُ عَلیٰ اَنْبِیاءِ اللهِ المُرْسَلینَ وَعِبادِ اللهِ الصّالِحینَ اَلسَّلامُ عَلیٰ

درود بر پیغمبران خدا که فرستاده شدند و بندگان خدا که شایسته‌اند درود بر

مَلائِکَةِ اللهِ الحافّینَ بِهٰذَا الحَرَمِ وَبِهٰذَا الضَّریحِ اللّائِذینَ بِهِ

فرشتگان خدا که احاطه کرده اند این حرم و این ضریح پناه گیرندگان بان

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَصِیَّ الاَوْصِیاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عِمادَ الاَتْقِیاءِ

درود بر تو باد ای وصی اوصیا درود بر تو ای ستون پرهیزکاران

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ

سلام بر تو ای دوست خدا سلام بر تو ای مهتر شهیدان درود

عَلَیْکَ یا آیَةَ اللهِ العُظْمیٰ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خامِسَ آلِ العَباءِ اَلسَّلامُ

بر تو ای نشانهٔ خدای بزرگ درود بر تو ای پنجمین آل عبا درود

عَلَیْکَ یا قائِدَ الغُرِّ المُحَجَّلینَ الاَتْقِیاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عِصْمَةَ الاَوْلِیاءِ

بر تو ای پیشرو [illegible] پرهیزکاران درود بر تو ای نگهدار دوستان خدا

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا زَیْنَ المُوَحِّدینَ النُّجَباءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خالِصَ

سلام بر تو ای آرایش یکتاپرستان نجیبان درود بر تو ای خالص

الاَخِلّاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا والِدَ الاَئِمَّةِ الاُمَناءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

دوستان خدا درود بر تو ای پدر پیشوایان امانت درود بر تو

یا صاحِبَ الحَوْضِ وَحامِلَ اللِّواءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قَسیمَ الجَنَّةِ وَلَظیٰ

ای صاحب حوض کوثر و بردارنده علم حمد درود بر تو ای قسمت کننده بهشت و آتش

الاولیاء — دوستان

والنار لظی

السلام

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَکَّةُ وَمِنیٰ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا بَحْرَ العُلُومِ

درود بر تو ای آنکه مشرف شده بوجود شریف او مکه و منی درود بر تو ای دریای علوم

وَکَهْفَ الفُقَراءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ وُلِدَ فِی الکَعْبَةِ وَزُوِّجَ فِی السَّماءِ

و پناه درویشان درود بر تو ای آنکه زاده شد در کعبه و تزویج کرده شد در آسمان

بِسَیِّدَةِ النِّساءِ وَکانَ شُهُودُهَا المَلائِکَةَ الاَصْفِیاءَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

بمهتر زنان و بود گواهان او فرشتگان برگزیدگان درود بر تو

یا مِصْباحَ الضِّیاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ خَصَّهُ النَّبِیُّ بِجَزیلِ الحِباءِ

ای چراغ روشنائی درود بر تو ای آنکه مخصوص گردانید او را پیغمبر بعطای بسیار

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ باتَ عَلیٰ فِراشِ خاتَمِ الاَنْبِیاءِ وَوَقاهُ بِنَفْسِهِ

درود بر تو ای آنکه خوابید بر فرش آخر پیغمبران و نگهبانی نمود او را بنفس خود

شَرَّ الاَعْداءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَسامیٰ شَمْعُونَ

از گزند دشمنان درود بر تو ای آنکه باز گردانده شد برای او آفتاب پس موافقت کرد با شمعون

الصَّفاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ اَنْجَی اللهُ سَفینَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَبِاسْمِ

الصفا درود بر تو ای آنکه نجات داد خدا کشتی نوح را بنام او و بنام

اَخیهِ حَیْثُ التَطَمَ الماءُ حَوْلَها وَطَمیٰ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ تابَ اللهُ بِهِ

برادر او آنگاه که موج زد آب گرداگرد آن و بلند شد موجهای آن درود بر تو ای آنکه پذیرفت خدا توبه

وَبِاَخیهِ عَلیٰ آدَمَ اِذْ غَویٰ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا فُلْکَ النَّجاةِ الَّذی مَنْ رَکِبَهُ

بوسیله او و برادر او بر آدم هنگامی که [illegible] درود بر تو ای کشتی رستگاری که هر که سوار

نَجا وَمَنْ تَاَخَّرَ عَنْهُ هَویٰ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ خاطَبَ الثُّعْبانَ وَذِئْبَ

او شد نجات یافت و هر که باز ماند از او هلاک شد درود بر تو ای آنکه گفتگو نمود با اژدها و گرگ

الفَلاةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمیرَ المُؤْمِنینَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ

بیابانها درود بر تو ای فرمانفرمای مؤمنان و رحمت خدا و برکتهای او درود

عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللهِ عَلیٰ مَنْ کَفَرَ وَاَنابَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اِمامَ ذَوِی

بر تو ای حجت خدا بر هر که کافر شد و هر که بازگشت درود بر تو ای پیشوای خداوندان

الاَلْبابِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَعْدِنَ الحِکْمَةِ وَفَصْلِ الخِطابِ اَلسَّلامُ

خردها درود بر تو ای معدن حکمت و علوم و کلام جدا سازنده حق از باطل درود

عَلَیْکَ یا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الکِتابِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا میزانَ یَوْمِ الحِسابِ

بر تو باد ای آنکه نزد اوست دانش کتاب درود بر تو ای ترازوی روز شمار

کهف

تخلف

السلام عليك يا فاصل الحكم الناطق بالصواب السلام عليك ايها
درود بر تو ای خداوند حکم فارق سخن گوی براستی سلام بر تو ای
المتصدق بالخاتم في المحراب السلام عليك يا من كفى الله المؤمنين
صدقه دهنده با انگشتری در محراب درود بر تو ای آنکه کفایت کرد خدا مؤمنان را
القتال يوم الاحزاب السلام عليك يا من اخلص لله الوحدانية و
در کارزار روز جنگ احزاب درود بر تو ای آنکه خالص کرد ایمان برای خدا بیگانگی را و
اناب السلام عليك يا قاتل خيبر وقالع الباب السلام عليك يا من
بازگشت نمود درود بر تو ای کشنده اهل خیبر و کننده در آن درود بر تو ای آنکه
دعاه خير الانام للمبيت على فراشه فاسلم نفسه للمنية واجاب
خواند او را بهترین مردم برای خوابیدن بر بستر او پس تسلیم نمود نفس خود را برای مرگ و اجابت کرد
السلام عليك يا من له طوبى وحسن مآب ورحمة الله وبركاته
درود بر تو ای آنکه برای اوست طوبی و نیکی بازگشت و رحمت خدا و برکتهای او
السلام عليك يا ولي عصمة الدين ويا سيد السادات السلام عليك
درود بر تو ای دوست نگاهدارنده دین خدا و ای مهتر مهتران درود بر تو
يا صاحب المعجزات السلام عليك يا من نزلت في فضله سورة العاديات
ای خداوند معجزات درود بر تو ای آنکه فرود آمد در فضل او سوره والعادیات
السلام عليك يا من كتب اسمه في السماء على السرادقات السلام عليك
درود بر تو ای آنکه نوشته شد نام او در آسمان بر سراپردهها درود بر تو
يا مظهر العجائب والآيات السلام عليك يا امير الغزوات السلام
ای ظاهر کننده عجایب و نشانهای قدرت خدا درود بر تو ای پادشاه جنگها درود
عليك يا مخبرا بما غبر وبما هو آت السلام عليك يا مخاطب ذئب
بر تو ای خبر دهنده بآنچه گذشته و بآنچه آینده است درود بر تو ای خطاب کننده گرگ
الفلوات السلام عليك يا خاتم الحصى ومبين المشكلات السلام
بیابانها درود بر تو ای تمام کننده حجتها و بیان کننده مشکلها درود
عليك يا من عجبت من حملاته في الوغا ملائكة السموات السلام عليك
بر تو ای آنکه عجب کردند از حملهای او در هنگام حرب فرشتگان آسمانها درود بر تو
يا من ناجى الرسول فقدم بين يدي نجواه الصدقات السلام
ای آنکه راز گفت با پیغمبر خدا پس پیش داشت در پیش راز گفتن خود صدقهها درود

عليك يا والد الائمة البررة السادات ورحمة الله وبركاته
بر تو باد ای پدر پیشوایان نیکوکاران بزرگان و رحمت خدا و برکتهای او
السلام عليك يا امام المتقين السلام عليك يا غياث المكروبين
درود باد بر تو ای پیشوای پرهیزکاران درود بر تو باد ای فریادرس اندوهناکان
السلام عليك يا عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر البراهين
درود بر تو باد ای حمایت کننده گروندگان درود بر تو باد ای ظاهر کننده حجتها
السلام عليك يا طه وليس السلام عليك يا حبل الله المتين
درود بر تو باد ای طه و یس درود بر تو باد ای ریسمان محکم خدا
السلام عليك يا من تصدق في صلوته بخاتمه على المسكين
درود بر تو باد ای آنکه تصدق کرد در نماز خود انگشتری خود را به درویش
السلام عليك يا قالع الصخرة عن فم القليب ومظهر الماء المعين
درود بر تو باد ای کننده سنگ از دهن چاه و ظاهر سازنده آب روان
السلام عليك يا عين الله الناظرة ويده الباسطة ولسانه المعبر
درود بر تو باد ای دیده نگرنده خدا و دست گشاده او و زبان او بیان کننده
عنه في بريته اجمعين السلام عليك يا وارث علم النبيين و
از او در خلق او همه درود بر تو باد ای میراث برنده علم پیغمبران و
مستودع علم الاولين والآخرين وصاحب لواء الحمد وساقي اوليائه
قرارگاه علم پیشینیان و پسینیان و خداوند علم حمد و آب دهنده دوستان
من حوض خاتم النبيين السلام عليك يا يعسوب الدين وقائد الغر
از حوض ختم پیغمبران درود بر تو باد ای بزرگ دین و کشنده سفیدرویان
المحجلين ووالد الائمة المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام على
سفیدان و پدر پیشوایان پسندیدگان و رحمت خدا و برکتهای او درود بر
اسم الله الرضي ووجهه المضيء وجنبه القوي وصراطه السوي
نام پسندیده خدا و روی روشن او و جانب توانای او و راه راست او
السلام على الامام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب
درود بر این پیشوای پرهیزکار خالص گرداننده عبادت و گزیده خدا درود بر ستاره
الدري السلام على الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته
درخشان درود بر پیشوای خلایق ابو الحسن علی و رحمت خدا و برکتهای او

يا ابا النبي المبعوث السلام عليك يا وارث علم ... ورحمة الله وبركاته السلام عليك
ای پدر ... درود باد بر تو ای ... و رحمت خدا و برکتهای او درود باد بر تو

السلام على الامام الهدى ومصباح الدجى وعلم التقى ومنار
درود بر پیشوای هدایت و چراغ روشن و نشانه پرهیزکاری و روشنی
الهدى وذي النهى وكهف الورى والعروة الوثقى والحجة على
هدایت و خداوند عقل کامل و پناه خلایق و دست آویز محکم و حجت بر
اهل الدنيا ورحمة الله وبركاته السلام على نور الانوار وحجة الجبار
اهل دنیا و رحمت خدا و برکتهای او درود بر روشنائی روشنائیها و حجت خداوند غالب
ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن الآثار المدمر
و پدر پیشوایان پاکیزگان و قسمت کننده بهشت و دوزخ خبر دهنده از خبرها هلاک کننده
على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم الاوزار السلام
بر کافران رهاننده پیروان با اخلاص از گناهان بزرگ درود
على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار المولود في البيت
بر مخصوص است بپاکیزه و پرهیزکار دختر پیغمبر برگزیده زائیده شده در خانه کعبه
ذي الاستار المزوج في السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة
خداوند پرده هاست زن داده شده در آسمان بنیکوکار پاک خوشنود شده پسندیده دختر
الاطهار ورحمة الله وبركاته السلام على النبأ العظيم الذي هم
پاکان و رحمت خدا و برکتهای او درود بر آن خبر بزرگ که مردمان
فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسئلون السلام على نور الله
درباره او اختلاف کنند و بر او عرض کرده شوند و از او پرسیده شوند درود بر روشنائی خدا که
الانور وضيائه الازهر ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي الله
روشن تر است و روشنی او که درخشان تر است و رحمت خدا و برکتهای او درود بر تو ای دوست خدا
وحجته وخالصته وخاصته اشهد يا ولي الله لقد جاهدت في
و دلیل او و دوست خالص و بنده خاص او گواهی میدهم ای دوست خدا که بتحقیق جهاد کردی در
سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله صلى الله عليه و
راه خدا جهاد لایق آن و پیروی نمودی طریقه رسول خدا را درود خدا بر او و
آله وحللت حلال الله وحرمت حرامه وشرعت احكامه واقمت
آل او باد و حلال کردی حلال خدا را و حرام کردی حرام او را و جاری ساختی حکمهای شریعت او را و برپا داشتی
الصلوة وآتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر
نماز را و دادی زکوة را و امر کردی بنیکی و نهی نمودی از هر زشتی

وجاهدت

وجاهدت في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا عند الله عظيم
و جهاد کردی در راه خدا صبر کننده نصیحت کننده کوشش کننده شمارنده نزد خدا مزد بزرگ
الاجر حتى اتاك اليقين فلعن الله من دفعك عن حقك وازالك عن
را تا اینکه آمد بسوی تو مرگ پس لعنت کند خدا کسی را که منع کرد ترا از حق تو و زایل کرد ترا از
مقامك ولعن الله من بلغه ذلك فرضي به اشهد الله وملائكته
جایگاهت و لعنت کند خدا کسی را که رسید باو این پس راضی شد بآن گواه میگیرم خدا و فرشتگان
وانبيائه ورسله اني وال لمن والاك وعاد لمن عاداك السلام
و پیغمبرانش و رسولانش را که من دوستم با کسی که دوست دارد ترا و دشمنم با کسی که دشمن است ترا درود
عليك ورحمة الله وبركاته پس خود را بقبر بچسبان اشهد انك تسمع
بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او وقبر را ببوس و بگو گواهی میدهم که تو میشنوی
كلامي وتشهد مقامي واشهد لك يا ولي الله ان بيني وبين الله عز
سخن مرا و حاضری در نزد ایستادنگاه من و گواهی میدهم برای تو ای دوست خدا که میان من و میان خدای غالب
وجل ذنوبا قد اثقلت ظهري ومنعتني عن الرقاد وذكرها يقلقل
و بزرگ گناهانست که گران کرده پشت مرا و بازداشته مرا از خواب و یاد آن بلرزه آورده
احشائي وقد هربت الى الله عز وجل واليك فبحق من ائتمنك على
اندرونهای مرا و بتحقیق گریختم بسوی خدا که غالب و بزرگست و بسوی تو پس بحق آنکه امین کرده ترا بر
سره واسترعاك امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموالاتك
راز خود و خواست از تو رعایت امر خلقش را و پیوسته ساخت فرمانبرداری ترا بفرمانبرداری خود و دوستی ترا
بموالاته كن لي الى الله شفيعا ومن النار مجيرا وعلى الدهر ظهيرا پس
بدوستی خود باش برای من بسوی خدا شفاعت کننده و از آتش پناه دهنده و در روزگار یاری کننده باز
خود را بقبر بچسبان يا ولي الله يا حجة الله يا باب حطة الله وليك
وقبر را ببوس و بگو ای دوست خدا ای حجت خدا ای درگاه عفو خدا دوست تو
وزائرك واللائذ بقبرك والنازل بفنائك والمنيخ رحله في
و زیارت کننده تو و پناه برنده بقبر تو و فرود آینده بر آستانه تو و خواباننده شتر خود در
جوارك يسئلك ان تشفع له الى الله في قضاء حاجته ونجح طلبته
پناه تو درخواست میکند از تو که شفاعت کنی برای او بسوی خدا در روا شدن حاجت او و رسیدن مطلب او
في الدنيا والآخرة فان لك عند الله الجاه العظيم والشفاعة المقبولة
در دنیا و آخرت پس بدرستی که مر تراست نزد خدا جاه بزرگ و شفاعت پذیرفته شده

فاجعلني يا مولاي من همّك وادخلني في حزبك والسلام عليك

پس بگردان مرا ای آقای من از اهل حزن خود و درآور مرا در زمرهٔ یاران خود و سلام بر تو باد

وعلى ضجيعيك آدم ونوح والسلام عليك وعلى ولديك الحسن

و بر همخوابهای تو آدم و نوح و درود بر تو باد و بر دو فرزند تو حسن

والحسين وعلى الأئمة الطاهرين من ذريتك ورحمة الله وبركاته

و حسین و بر پیشوایان پاکان از فرزندان تو و رحمت خدا و برکتهای او

که چون از دور زیارت کند در بهذا الحرم وبهذا الضريح
قصد روضه و ضریح حضرت امیر المؤمنین میکند و زیارتها و دعاها را
متصل بیکدیگر میخوانند و دیگر رفتن و بوسیدن نمیباشد یعنی بعوض
آنها دیگر کاری نیست که چیزی بعمل آورد و سید بن طاوس گفته است که مستحب است
در اینجا دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه ده مرتبه
سورهٔ انا انزلناه و ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام بگوید در
جای نماز خود بنشیند انت حيّ لا تموت وخالق لا تغلب وبديّ لا
و این دعا بخواند

تنفد وقريب لا تبعد وقادر لا تضادّ وغافر لا تظلم وصمد لا تطعم

وقيوم لا تنام وعالم لا تعلّم وقوي لا تضعف وعظيم لا توصف

ووفيّ لا تخلف وغنيّ لا تفتقر وحكيم لا تجور ومنيع لا تقهر ومعروف

لا تنكر ووكيل لا تخفى وغالب لا تغلب وفرد لا تستشير ووهّاب

لا تملّ وسريع لا تذهل وجواد لا تبخل وعزيز لا تذلّ وحافظ لا تغفل

وقائم لا تزول ومحتجب لا ترى ودائم لا تفنى وباق لا تبلى وواحد

لاتشبه

لا تشبه ومقتدر لا تنازع اللهم إني أسألك بعلم الغيب عندك

وقدرتك على الخلق أجمعين أن تحييني ما علمت الحياة خيرا لي وأن

تتوفاني إذا كانت الوفاة خيرا لي وأسألك الخشية في الغيب و

الشهادة وأسألك اللهم كلمة الحق في الغضب والرضا وأسألك

نعيما لا ينفد وأسألك الرضا بعد القضاء وأسألك برد العيش

بعد الموت وأسألك لذة النظر إلى وجهك الكريم آمين رب العالمين

اللهم إني أسألك بمنك الكريم وفضلك العظيم أن تغفر لي وترحمني

يا لطيفا الطف بي في كل ما تحب وترضى اللهم إني أسألك فعل

الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين ومجالسة الصالحين وأن

تغفر لي وترحمني وإذا أردت بقوم فتنة فتوفني غير مفتون وأسألك

حبك وحب من يحبك وحب كل عمل يقربني إلى حبك اللهم

بحق محمد صلى الله عليه وآله حبيبك وبحق إبراهيم خليلك

بحق محمد درود خدا بر او و آل او دوست تو و بحق ابرهیم خلیل تو

وصفيك وبحق موسى كليمك وبحق عيسى روحك وأسألك بصحف

و برگزیدهٔ تو و بحق موسی هم سخن تو و بحق عیسی روح تو و سؤال میکنم از تو بحق صحف

إبراهيم وتوراة موسى وإنجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد

ابرهیم و تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمد

صلى الله عليه وآله واسألك بكل وحي وحيته وبحق كل قضاء
درود و رحمت خدا بر او و آل او و سؤال میکنم از تو بحق هر وحی که وحی کردی و از بحق هر حکمی که
قضيته وبكل سائل اعطيته واسألك بكل اسم انزلته في كتابك
حکم کردی آن را و بحق هر سؤال کننده که عطا کردی او را و سؤال میکنم از تو بحق هر نامی که فرستادی آن را در کتاب خود
واسألك باسمائك التي استقل بها عرشك واسألك باسمائك
و سؤال میکنم از تو بنامهای تو که مرتفع گشته بسبب آنها عرش تو و سؤال میکنم از تو بنامهای تو
التي وضعتها على النار فاستنارت واسألك باسمائك التي
که گذاردی آنها را بر آتش پس روشن گردید و سؤال میکنم از تو بنامهای تو که
وضعتها على الليل فاظلم واسألك باسمائك التي وضعتها على النهار
گذاردی آنها را بر شب پس تاریک گردید و سؤال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که گذاشتی آنها را بر روز
فاضاء واسألك باسمائك التي وضعتها على الارض فاستقر
پس روشن گردید و سؤال میکنم از تو بنامهای تو که گذاشتی آنها را بر زمین پس قرار گرفت
واسألك باسمك الاحد الصمد الذي ملأ اركان كل شيء واسألك
و سؤال میکنم از تو بنام تو که یکتا و بی نیاز است که پر کرده اطراف هر چیزی را و سؤال میکنم از تو
باسمك الطهر الطاهر المبارك الحي القيوم لا اله الا هو الرحمن الرحيم
بنام تو که بغایت پاک و پاکیزه و با خیر و برکت زنده و پاینده است نیست خدائی مگر او بخشاینده و مهربان
واسألك بمعاقد العز من عرشك ومبلغ الرحمة من كتابك و
و سؤال میکنم از تو بحرمت جاهای انعقاد عزت از عرش تو و رسانیدن رحمت که ظاهر شود از کتاب تو و
باسمائك العظام وجدك الاعلى وكلماتك التامات ان ترزقنا حفظ
بنامهای تو که بزرگ است و عظمت بلند تو و کلمهای تو که تمام و کامل است اگر روزی کنی ما را حفظ
القرآن والعمل به والطاعة لك والعمل الصالح وان تثبت ذلك
قرآن و عمل کردن بآن و فرمانبرداری تو و کردار شایسته و اگر ثابت داری این را
في اسماعنا وابصارنا وان تخلط ذلك بلحمي ودمي ومخي وشحمي
در گوشهای ما و دیدهای ما و اگر آمیزی آن را بگوشت من و خون من و مغز استخوان من و پیه من
وان تستعمل بذلك بدني وقوتي فانه لا يقوى على ذلك الا انت
و اگر بکار داری بآن بدن مرا و توانائی مرا پس بدرستیکه قدرت ندارد بر آن مگر تو
وحدك لا شريك لك يا الله الواحد الرب القدير يا الله الخالق
یگانه نیست انبازی برای تو ای خدای یگانه پروردگار توانا ای خدای آفریننده

الباری

الباري المصور يا الله الباعث الوارث يا الله الفتاح العزيز العليم
پدید آورنده نگارنده ای خدای برانگیزاننده میراث برنده ای خدای گشاینده غالب و دانا
يا الله الملك القادر المقتدر اغفر لي وارحمني انك انت ارحم
ای خدای پادشاه توانا قدرت دارنده بیامرز مرا و رحم کن مرا بدرستیکه تو توئی رحم کننده ترین
الراحمين اللهم انك قلت وقولك الحق ادعوني استجب لكم
رحم کنندگان خداوندا بدرستیکه تو گفتی و گفتار تو راست است که بخوانید مرا تا اجابت کنم برای شما
فاسألك يا الله باسمك الذي دعاك به آدم صلى الله عليه فاوجبت
پس سؤال میکنم از تو ای خدا بنام تو که خواند ترا بآن آدم درود خدا بر او پس واجب کردی
له الجنة واسألك باسمك الذي دعاك به شيث بن آدم فجعلته
برای او بهشت را و سؤال میکنم از تو بنام تو که خواند ترا بآن شیث پسر آدم پس گردانیدی او را
وصي ابيه بعده ان تستجيب دعاءنا وان ترزقنا انفاذ كل وصية
وصی پدر خود پس از او اگر اجابت کنی دعای ما را و اگر روزی کنی ما را جاری ساختن هر وصیت
لاحد عندنا وان تقدم وصيتنا امامنا واسألك باسمك الذي
برای کسی نزد ما و اگر پیش داری وصیت ما را پیش روی ما و سؤال میکنم از تو بنام تو که
دعاك به ادريس فرفعته مكانا عليا وان ترفعنا الى احب البقاع
خواند ترا بآن ادریس پس بالا بردی او را بجایگاه بلند و اگر بلند کنی ما را بسوی دوست ترین بقعها
اليك وتمن علينا برضاك وتدخلنا الجنة برحمتك واسألك
بسوی تو و انعام کنی ما را خوشنودی خود را و درآوری ما را در بهشت برحمت خود و سؤال میکنم از تو
باسمك الذي دعاك به نوح فنجيته من الغرق واهلكت القوم
بنام تو که خواند ترا بآن نوح پس نجات دادی او را از غرق شدن و هلاک کردی گروه
الظالمين ان تنجينا مما نحن فيه من البلاء واسألك باسمك الذي
ستمکاران را اگر نجات دهی ما را از آنچه ما در آنیم از بلا و سؤال میکنم از تو بنام تو که
دعاك به هود عليه السلام فنجيته من الريح العقيم ان تنجينا
خواند ترا بآن هود درود خدا بر او پس نجات دادی او را از باد بی باران اگر نجات دهی ما را
من بلاء الدنيا والآخرة وعذابهما واسألك باسمك الذي دعاك
از بلای دنیا و آخرت و عذاب آنها و سؤال میکنم از تو بنام تو که خواند ترا
به صالح فنجيته من خزي يومئذ ان تنجينا من خزي الدنيا والآخرة
بآن صالح پس نجات دادی او را از رسوائی آن روز اگر نجات دهی ما را از رسوائی دنیا و آخرت

وعذابهما واسالك باسمك الذي دعاك به لوط فنجيته من المؤتفكة
و عذاب آنها و سوال میکنم از تو بنام تو که خواند ترا بآن لوط پس نجات دادی او را از شهرهای نگون
والمطر السوء ان تنجينا من مخازي الدنيا والاخرة واسالك باسمك
و باران بد که نجات دهی ما را از خواریهای دنیا و آخرت و سوال میکنم از تو بنام تو
الذي دعاك به شعيب فنجيته من عذاب يوم الظلة ان تنجينا من
که خواند ترا بآن شعیب پس نجات دادی او را از عذاب روز سایه کردن که نجات دهی ما را
العذاب الى روحك ورحمتك واسالك باسمك الذي دعاك
عذاب بسوی راحت خود و بخشایش خود و سوال میکنم از تو بنام تو که خواند ترا
به ابرهيم فجعلت النار عليه بردا وسلاما ان تخلصنا كما خلصته
آن ابرهیم پس گردانیدی آتش را بر او سرد و باسلامت که خلاصی بخشی ما را چنانچه خلاص بخشیدی او را
وان تجعل ما نحن فيه بردا وسلاما كما جعلتها عليه واسالك باسمك
و آنکه بگردانی آنچه ما در آنیم سرد و باسلامت چنانکه گردانیدی آنرا بر او و سوال میکنم از تو بنام تو
الذي دعاك به اسمعيل عند العطش واخرجت من زمزم الماء الروي
که خواند ترا بآن اسمعیل نزد تشنگی و بیرون آوردی از چاه زمزم آب سیراب
ان تجعل مخرجنا الى خير وان ترزقنا المال الواسع برحمتك واسالك
آنکه بگردانی بیرون شدن ما را بسوی نیکی و آنکه روزی کنی ما را مال فراخ برحمت خود و سوال میکنم
باسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره وولده وقرة
بنام تو که خواند ترا بآن یعقوب پس برگردانیدی بر او چشمان او را و فرزند او را و روشنی
عينه وان تخلصنا وتجمع بيننا وبين اولادنا واهالينا واسالك
چشم او را و آنکه خلاصی بخشی ما را و جمع کنی میان ما و میان فرزندان ما و یاران ما و سوال میکنم از تو
باسمك الذي دعاك به يوسف فاخرجته من السجن ان تخرجنا من
بنام تو که خواند ترا بآن یوسف پس بیرون آوردی او را از زندان که بیرون آوری ما را از
السجن وتملكنا نعمتك التي انعمت بها علينا واسالك باسمك
زندان و مالک سازی ما را نعمت خود را که انعام کردی آنرا بر ما و سوال میکنم از تو بنام تو
الذي دعاك به الاسباط فتبت عليهم وجعلتهم انبياء ان تتوب
که خواند ترا بآن فرزندان یعقوب پس پذیرفتی توبه ایشان را و گردانیدی ایشانرا پیغمبران که بپذیری
علينا وترزقنا طاعتك وعبادتك والخلاص مما نحن فيه واسالك
توبه ما را و روزی کنی ما را فرمانبرداری خود و بندگی خود و خلاص شدن از آنچه ما در آنیم و سوال میکنم

باسمك

باسمك الذي دعاك به ايوب اذ حل به البلاء فقال رب اني مسني
بنام تو که خواند ترا بآن ایوب چون فرود آمد باو بلا پس گفت ای پروردگار من بدرستیکه رسید مرا
الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت له وكشفت عنه ضره و
بلا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس اجابت کردی دعای او و زایل کردی از او بلای او را
رددت عليه اهله ومثلهم معهم رحمة منك وذكرى للعالمين للعابدين نخ
و گردانیدی بر او اهل خانه او را و مانند ایشان با ایشان بجهت بخشایش از خود و پندی مر جهانیان را مهتدکانرا
اللهم اني اقول كما قال رب اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين
خداوندا بدرستیکه من میگویم چنانکه گفت ای پروردگار من بدرستیکه رسید مرا بلا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی
فاستجب لنا وارحمنا وخلصنا ورد علينا اهلنا ومالنا ومثلهم
پس اجابت کن برای ما و رحم کن ما را و خلاصی بخش ما را و برگردان بر ما اهل ما و مال ما را و مانند ایشان
معهم رحمة منك واجعلنا من العابدين لك واسالك باسمك
با ایشان بجهت بخشایش از تو و بگردان ما را از پرستندگان مر ترا و سوال میکنم از تو بنام تو
الذي دعاك به هرون وموسى فقلت عززت من قائل قد اجيبت
که خواند ترا بآن هرون و موسی پس گفتی عزیز و غالبی تو از گوینده بتحقیق اجابت کرده شد
دعوتكما ان تستجيب لنا دعاءنا وتنجينا كما نجيتهما واسالك
دعای شما که اجابت کنی برای ما دعای ما را و نجات دهی ما را چنانچه نجات دادی ایشانرا و سوال میکنم
باسمك الذي دعاك به داود فغفرت ذنبه وتبت عليه ان
بنام تو که خواند ترا بآن داود پس آمرزیدی گناه او را و پذیرفتی توبه او را که
تغفر ذنبي وتتوب علي انك انت التواب الرحيم واسالك باسمك
بیامرزی گناه مرا و بپذیری توبه مرا بدرستیکه تو توبه پذیرنده مهربانی و سوال میکنم از تو بنام تو
الذي دعاك به سليمان فرددت عليه ملكه وامكنته من عدوه
که خواند ترا بآن سلیمان پس برگردانیدی بر او پادشاهی او را و دست دادی او را بر دشمن
وسخرت له الجن والانس والطير ان تخلصنا من عدونا وترد علينا
و رام کردی برای او دیوان و آدمیان و مرغان را که خلاصی بخشی ما را از دشمن ما و برگردانی بر ما
نعمتك وتستخرج لنا من ايديهم حقنا وتخلصنا منهم انك على
نعمت خود را و بیرون آری برای ما از دستهای ایشان حق ما را و خلاصی بخشی ما را از ایشان بدرستیکه تو بر
كل شيء قدير واسالك باسمك الذي دعاك به الذي عنده علم
هر چیزی توانائی و سوال میکنم از تو بنام تو که خواند ترا بآن آنکس که نزد او بود دانشی

مِنَ الْكِتَابِ عَلَى عَرْشِ مَلِكَةِ سَبَا اَنْ يُحْمَلَ عَلَيْهِ فَاِذَا هُوَ مُسْتَقِرٌّ عِنْدَهُ
از کتاب آسمان در سریر پادشاه شهر سبا اگر بار کرده شود برو پس ناگاه آن سریر قرار گرفت نزد او

اَنْ تَحْمِلَنَا مِنْ عَامِنَا هٰذَا اِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجًا وَزُوَّارًا لِقَبْرِ
اگر بار کنی ما را از سال ما این سال بسوی خانه محترم خود حج کنان و زیارت کنان حتی

نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ السَّلَامُ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
پیغمبر تو بر او و آل او باد درود و سوال میکنم از تو بنام تو که خواند ترا بان

يُونُسُ بْنُ مَتّٰى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ
یونس پسر متی در تاریکیها اینکه نیست هیچ خدائی مگر تو پاکی تو بدرستیکه من بودم

مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ مِنَ الْغَمِّ وَقُلْتَ
از ستمکاران پس اجابت کردی برای او و نجات دادی او را از شکم ماهی و از غم و گفتی

عَزَزْتَ مِنْ قَائِلٍ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ فَنَشْهَدُ اَنَّا مُؤْمِنُونَ وَنَقُولُ
عزیز و غالبی از گوینده و همچنین نجات میدهیم مومنان را پس گواهی میدهیم اگر ما گروندگانیم و میگوئیم

كَمَا قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْ لِي
چنانچه گفت نیست خدائی مگر تو پاکی تو بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس اجابت کن برای من

وَنَجِّنِي مِنْ غَمِّ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ كَمَا ضَمِنْتَ اَنْ تُنْجِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَاَسْاَلُكَ
و نجات ده مرا از غم دنیا و آخرت چنانچه ضامن شدی اگر نجات دهی مومنان را و سوال میکنم از تو

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ زَكَرِيَّا وَقَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَاَنْتَ
بنام تو که خواند ترا بان زکریا و گفت ای پروردگار من مگذار مرا تنها و فرزند و تویی

خَيْرُ الْوَارِثِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيٰى وَاَصْلَحْتَ لَهُ زَوْجَهُ
بهترین ارث برندگان پس اجابت کردی برای او و بخشیدی برای او یحیی و بصلاح آوردی برای او زن او را

وَجَعَلْتَهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَكَ رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا
و گردانیدی ایشان را که میشتافتند در نیکیها و میخواندند ترا از روی خواهش و ترس و بودند

لَكَ خَاشِعِينَ فَاِنِّي اَقُولُ كَمَا قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ
برای تو فروتنان پس بدرستیکه من میگویم چنانکه گفت ای پروردگار من مگذار مرا تنها و تو بهترین

الْوَارِثِينَ فَاسْتَجِبْ لِي وَاَصْلِحْ لِي شَاْنِي وَجَمِيعَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ
ارث برندگان پس اجابت کن برای من و بصلاح آور برای من کار مرا و همه آنچه نعمت دادی آن را بر من

وَخَلِّصْنِي مِمَّا اَنَا فِيهِ وَهَبْ لِي كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَوْلَادًا
و خلاص کن مرا از آنچه من در آنم و ببخش مرا کرامت دنیا و آخرت و فرزندان

صالحین

صَالِحِينَ يَرِثُونِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ رَغَبًا وَرَهَبًا وَمِنَ الْخَاشِعِينَ
شایسته که ارث برند از من و گردان مرا از آنها که میخوانند ترا رغبت و ترس و از فروتنان

الْمُطِيعِينَ لَكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَحْيٰى فَجَعَلْتَهُ
فرمان برداران مر ترا و سوال میکنم از تو بنام تو که خواند ترا بان یحیی پس گردانیدی او را

بَرًّا الْقِيٰمَةَ وَلَمْ يَعْمَلْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يَهُمَّ بِهَا اَنْ تَعْصِمَنِي مِنِ اقْتِرَافِ
کردار و مقبول روز قیامت و نکرده معصیتی و نه قصد کرده بان اگر نگاه داری مرا از کسب کردن

الْمَعَاصِي حَتّٰى نَلْقَاكَ طَاهِرِينَ لَيْسَ لَكَ قِبَلَنَا مَعْصِيَةٌ وَاَسْاَلُكَ
معصیتها تا اینکه ملاقات کنیم ترا پاکان که نباشد مر ترا نزد ما گناهی و سوال میکنم از تو

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَتْكَ بِهِ مَرْيَمُ فَنَطَقَ وَلَدُهَا بِحُجَّتِهَا اَنْ تُوَفِّقَنَا وَ
بنام تو که خواند ترا بان مریم پس گویا شد فرزند او بحجت و دلیل او اگر توفیق دهی ما را و

تُخَلِّصَنَا بِحُجَّتِنَا عِنْدَكَ وَعِنْدَ كُلِّ مُلِمَّةٍ حَتّٰى تَظْهَرَ حُجَّتُنَا عَلٰى ظَالِمِينَا
خلاص گردانی ما را بحجت ما نزد تو و نزد هر حادثه تا اگر ظاهر شود حجت ما بر ستم کنندگان ما

وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَاَحْيٰى بِهِ الْمَوْتٰى
و سوال میکنم از تو بنام تو که خواند ترا بان عیسی پسر مریم پس زنده کرد بان مردگان را

وَاَبْرَءَ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتُبَرِّئَنَا مِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَاٰفَةٍ
و به کرد کور مادرزاد و پیس را اگر خلاص کنی ما را و شفا بخشی ما را از هر بدی و دردی

وَاَلَمٍ وَتُحْيِيَنَا حَيٰوةً طَيِّبَةً فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَنْ تَرْزُقَنَا
و المی و زنده داری ما را از زندگانی پاکیزه در دنیا و آخرت و اگر روزی کنی ما را

الْعَافِيَةَ فِي اَبْدَانِنَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْحَوَارِيُّونَ
سلامتی در بدنهای ما و سوال میکنم ترا بنام تو که خواندند ترا بان حواریون

فَاَعَنْتَهُمْ حَتّٰى بَلَّغُوا عَنْ عِيسٰى مَا اَمَرَهُمْ بِهِ وَصَرَفْتَ عَنْهُمْ كَيْدَ
پس یاری نمودی ایشان را تا رسانیدند از عیسی آنچه امر کرد ایشان را بان و گردانیدی از ایشان حیله

الْجَبَّارِينَ وَتَوَلَّيْتَهُمْ اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتَجْعَلَنَا مِنَ الدُّعَاةِ اِلٰى طَاعَتِكَ
ستمکاران و دوست گردانیدی ایشان را اگر خلاص دهی ما را و بگردانی ما را از خوانندگان بسوی فرمان برداری تو

وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ جِرْجِيسُ فَرَفَعْتَ عَنْهُ اَلَمَ
و سوال میکنم از تو بنام تو که خواند ترا بان جرجیس پس برداشتی از او درد

الْعَذَابِ اَنْ تَرْفَعَ عَنَّا اَلَمَ الْعَذَابِ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَنْ لَا
عذاب را اگر برداری از ما الم عذاب را در دنیا و آخرت و اگر

مسلّم و مسلّمة

نبتلينا وان ابتليتنا فصبرنا والعافية احب الينا واسئلك

مبتلا نسازی ما را و اگر مبتلا سازی ما را پس صبر ده ما را و سلامتی دوست تر است بسوی ما و سؤال میکنم

باسمك الذي دعاك به الخضر حتى ابقيته ان تفرج عنا و

بنام تو که خواند ترا آن خضر تا آنکه باقی گذاشتی او را اینکه بگشائی از ما و

تنصرنا على من ظلمنا وتردنا الى مامنك واسئلك باسمك الذي

یاری دهی ما را و اگر ستم کند بر ما و باز گردانی ما را بسوی پناهگاه تو و سؤال میکنم از تو بنام تو که

دعاك به حبيبك محمد صلى الله عليه واله فجعلته سيد

خواند ترا آن دوست تو محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او پس گردانیدی او را مهتر

المرسلين وايدته بعلي سيد الوصيين ان تصلي عليهما وعلى

پیغمبران و قوت دادی او را بعلی مهتر اوصیا اینکه رحمت فرستی بر ایشان و بر

ذريتهما الطاهرين وان تقيلني في هذا اليوم عثرتي وتغفر لي

فرزندان ایشان که پاکانند و اینکه درگذری در این روز از لغزش من و بیامرزی مرا

ما سلف من ذنوبي وخطاياي ولا تصرفني من مقامي هذا الا

از آنچه گذشته از گناهان من و خطاهای من و نگردانی مرا از جایگاه من که این است مگر

بسعي مشكور وذنب مغفور وعمل مقبول ورحمة ومغفرة ونعيم

[illegible]

موصول بنعيم الاخرة وبرحمتك يا حنان يا منان يا ذا الجلال و

[illegible]

الاكرام انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

[illegible]

باب نهم در اعمال ماه ربيع الثاني وجمادي الاول وجمادي الثانيه است

ودر آن سه فصل است **فصل اول** در اعمال ماه ربيع الثاني است سيد

بن طاوس روايت كرده است كه در روز اول اين ماه مستحب است كه اين دعا بخوانند

اللهم انت اله كل شيء وخالق كل شيء ورب كل شيء اسئلك

خداوندا تو خدای هر چیزی و آفریننده هر چیزی و پروردگار هر چیزی سؤال میکنم ترا

بالعروة الوثقى والغاية والمنتهى فيما خالفت به بين الانوار

[illegible]

والظلمات

والظلمات والجنة والنار والدنيا والاخرة وباعظم اسمائك

و تاریکیها و بهشت و دوزخ و دنیا و آخرت و ببزرگترین نامهایت

في اللوح المحفوظ واتم اسمائك في التورية نبلا وازهر اسمائك

در لوح محفوظ و تمامترین نامهایت در توریت از روی فضلت و نیکوترین نامهایت

في الزبور عزا واجل اسمائك في الانجيل قدرا وارفع اسمائك في

در زبور از روی عزت و روشنترین نامهای تو در انجیل از روی مرتبه و بلندترین نامهایت در

القرآن ذكرا واعظم اسمائك في الكتب المنزلة وافضلها و

قرآن از روی ذکر و بزرگترین نامهایت در کتابهای فرو فرستاده شده از آسمان و بهترین آنها و

اسر اسمائك في نفسك الذي ليس كمثله شيء واسئلك بعزتك

پنهانترین نامهایت در نفس تو که نیست مانند آن چیزی و سؤال میکنم از تو بعزت تو

وقدرتك وبالعرش العظيم وما حمل وبالكرسي الكريم وما وسع

و توانائی تو و بعرش [illegible] و آنچه برداشت و بحرمت کرسی و آنچه فرا گرفت

ان تصلي على محمد وال محمد وتتيح لي من عندك فرجك القريب

[illegible]

العظيم الاعظم اللهم اتمم على احسانك القديم الاقدم وتابع

[illegible]

الي معروفك الدائم الادوم وانعشني بعز جلالك الكريم

[illegible]

الاكرم والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الله لا

[illegible]

اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم الم الله لا اله الا

[illegible]

هو الحي القيوم هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله

[illegible]

الا هو العزيز الحكيم شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا

[illegible]

العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو

[illegible]

لَيَجْمَعَنَّكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
هراينه كرد آورد شما را در روز رستخيز كه هيچ شكى در آن نيست اين خداى پروردگار شماست نيست خدايى مگر
هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ اِتَّبِعْ مَا اُوحِيَ اِلَيْكَ
او آفريننده هر چيزى پس بپرستيد او را و او بر هر چيزى كارگزار است پيروى كن آنچه وحى كرده شد
مِنْ رَبِّكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ قُلْ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اِنِّي
از پروردگار تو نيست هيچ خدايى مگر او و روى بگردان از شرك آرندگان بگو اى مردمان بدرستى كه من
رَسُولُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ لَا اِلٰهَ
پيغمبر خدايم بسوى شما همگى آن خدايى كه مر او راست پادشاهى آسمانها و زمين نيست خدايى
اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ
مگر او زنده ميكند و ميميراند پس بگرويد بخدا و بفرستاده او پيغمبر منسوب بام القرى آنكه ميگرود
بِاللّٰهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا اُمِرُوا اِلَّا لِيَعْبُدُوا اِلٰهًا
بخدا و سخنان او و پيروى كنيد او را تا مگر شما راه يابيد و مأمور نشدند مگر كه بپرستند خدايى
وَاحِدًا لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ
يگانه را نيست خدايى مگر او پاكست او از آنچه شريك او ميدانند پس اگر روى گردانند پس بگو بس است مرا خدا
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَتّٰى اِذَا اَدْرَكَهُ
نيست خدايى مگر او بر او توكل كردم و او پروردگار عرش بزرگوار است تا چون دريافت او را
الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو اِسْرَائِيلَ وَاَنَا
غرق شدن گفت ايمان آوردم كه نيست خدايى مگر آنكه ايمان آوردند باو فرزندان يعقوب و من
مِنَ الْمُسْلِمِينَ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ مَتَابِ
از مسلمانانم بگو او پروردگار منست نيست خدايى مگر او بر او توكل كردم و بسوى اوست بازگشت من
يُنَزِّلُ الْمَلٰئِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ اَمْرِهِ عَلٰى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ اَنْ اَنْذِرُوا اَنَّهُ
فرو ميفرستد فرشتگان را بوحى از امر خود بر هر كه ميخواهد از بندگان او كه بيم كنيد كه
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاتَّقُونِ وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَاَخْفَى اللّٰهُ
نيست خدايى مگر من پس بترسيد از من و اگر آشكارا كنى گفتار را پس بدرستى كه او ميداند نهان و نهانتر را خدا
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحٰى
نيست خدايى مگر او مر او راست نامهاى نيكو و من برگزيدم ترا پس بشنو مر آنچه وحى كرده شد
اِنَّنِي اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِي وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِي اِنَّمَا
بدرستى كه منم خدا نيست خدايى مگر من پس بپرستيد مرا و برپاى دار نماز را براى ياد من جز اين نيست

الهكم الله

اِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ
خداى شما خدايى است كه نيست خدايى مگر او فرا رسيده هر چيزى را دانش و نفرستاديم پيش از
قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ اِلَّا نُوحِي اِلَيْهِ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدُونِ وَذَا
تو هيچ پيغمبرى مگر كه وحى كرديم بسوى او كه نيست خدايى مگر من پس بپرستيد مرا و ياد كن
النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِي الظُّلُمَاتِ
صاحب ماهى را چون رفت از ميان قوم خشمناك پس گمان كرد كه هرگز تنگ نگيريم بر او پس خواند در تاريكيها
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ
كه نيست خدايى مگر تو پاكى تو بدرستى كه من هستم از ستمكاران پس برتر است خدا پادشاه
الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
بسزا نيست خدايى مگر او پروردگار عرش بزرگوار است خدا نيست خدايى مگر او پروردگار عرش
الْعَظِيمِ وَهُوَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْاُولٰى وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُ
بزرگست و اوست خدا نيست خدايى مگر او مر او راست ستايش در اين جهان و آن جهان و مر او راست
الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا آخَرَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ
حكم و بسوى او بازگردانيده ميشويد و مخوان با خداى خداى ديگر را نيست خدايى مگر او هر چيزى
هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا
در معرض فناست مگر ذات او مر او راست حكم و بسوى او بازگردانيده ميشويد اى مردمان ياد كنيد
نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ
نعمت خدا را بر شما آيا هست هيچ آفريننده جز خدا كه روزى دهد شما را از آسمان و زمين
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ
نيست خدايى مگر او پس چگونه برگردانيده ميشويد اين خداى پروردگار شماست پس افزون است خير خدا پروردگار
الْعَالَمِينَ هُوَ الْحَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ
جهانيان اوست زنده نيست خدايى مگر او پس بخوانيد او را پاك كنندگان مر او را دين ستايش
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ
مر خدا راست پروردگار عالميان پروردگار آسمانها و زمين و آنچه ميان آنهاست اگر هستيد
مُوقِنِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْاَوَّلِينَ
يقين دارندگان نيست خدايى مگر او زنده ميكند و ميميراند پروردگار شما و پروردگار پدران پيشين شما
فَاَنّٰى لَهُمْ اِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرٰيهُمْ فَاعْلَمْ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَاسْتَغْفِرْ
پس از كجا باشد ايشان را چون بيايد ايشان را پند گرفتن ايشان پس بدان كه نيست خدايى مگر او و آمرزش خواه

لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات وهو الله الذي لا اله الا هو عالم
برای گناه خود و برای مردان مؤمن و زنان مؤمنه و اوست خدائی که نیست خدائی مگر او دانای
الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك
نهان و آشکارا   اوست بخشاینده مهربان   اوست خدائی که نیست خدائی مگر او پادشاه
القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله
پاک از هر عیبی سالم ایمن از هر آفت بخشنده امن و امان نگهبان هر چیز غالب بر همه خدائی عظیم بزرگوار پاکست
عما يشركون الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون اللهم
از آنچه شریک می‌آورند خدا نیست خدائی مگر او و بر خدا پس باید توکل کنند مؤمنان خداوندا
اني اسئلك عفوا ليس بعده عقوبة ورضى ليس بعده سخط و
بدرستی که من سؤال میکنم از تو در گذشتنی که نباشد پس از آن عقوبتی و خوشنودی که نباشد پس از آن خشمی و
عافية ليس بعدها بلاء وزهادة ليس بعدها شقاء وهدى وسعادة
سلامتی که نباشد پس از آن بلائی و نیک بختی که نباشد پس از آن بدبختی و هدایتی که
لا يكون بعده ضلال وايمانا لا يخالطه كفر وقلبا لا يخالطه
نباشد پس از آن گمراهی و ایمانی که داخل نشود او را کفر و دلی که داخل نشود او را
فتنة اللهم اني اسئلك السعة في القبر والحجة البالغة والقول
فتنه خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم فراخی در قبر و حجت کامل رسا و گفتار
الثابت وان تنزل على الامان والفرج والسرور ونضرة النعيم
حق و آنکه فرود آری بر من امان و فرج و خوشحالی و تازگی نعمت
اللهم صل على محمد وآل محمد وعرفني بركة هذا الشهر ويمنه و
خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و بشناسان مرا برکت این ماه و میمنت او و
ارزقني خيره واصرف عني شره واجعلني فيه من الفائزين
روزی کن مرا خوبی او و بگردان از من بدی او را و بگردان مرا در آن از رستگاران
برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انت وهاب الخير فهب لي شوقا
برحمت تو ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان خداوندا توئی بخشاینده نیکی پس ببخش مرا آرزومندی
الى لقائك واشفاقا من عذابك وحياء منك وتوقيرا واجلالا
بسوی ملاقات تو و ترسیدن از عذاب تو و شرم داشتن از تو و بزرگ داشتن و بزرگوار شمردن
حتى يوجل من ذلك قلبي ويقشعر منه جلدي ويتجافى له جنبي
تا آنکه بترسد از آن دل من و بلرزد از آن پوست من و دور شود پهلوی من

وتدمع منه عيني ولا اخلو من ذكرك في ليلي ونهاري يا ارحم
واشک ریزد از آن دیده من و خالی نمانم از یاد تو در شب خود و روز خود ای رحم کننده‌ترین
الراحمين اللهم اني اثني عليك وما عسى ان يبلغ مدحي و
رحم کنندگان خداوندا بدرستی که من ستایش میکنم ترا و شاید اگر رسد ستایش من و
ثنائي مع قلة عملي وقصر رأيي وانت الخالق وانا المخلوق وانت
ثنای من با کمی کردار من و کوتاهی اندیشه من و تو آفریننده و من آفریده شده‌ام و تو
المليك وانا المملوك وانت الرب وانا العبد وانت العزيز
خداوندی و من مملوک و تو پروردگاری و من بنده‌ام و تو ارجمندی
وانا الذليل وانت القوي وانا الضعيف وانت الغني وانا
و من خوار و توئی توانا و من ناتوانا و توئی بی نیازی و من
الفقير وانت المعطي وانا السائل وانت الحي الذي لا يموت وانا
نیازمند و توئی عطا کننده و منم سؤال کننده و توئی زنده که نمیمیرد و من
خلق اموت فاغفر لي وارحمني واعطني سؤلي في دنياي وآخرتي
آفریده‌ام که میمیرم پس بیامرز مرا و رحم کن مرا و عطا کن مرا سؤال من در دنیای من و آخرت من
وتجاوز عني وعن جميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات
و در گذر از من و از جمیع مردان مؤمن و زنان مؤمنه و مردان مسلم و زنان مسلمه
الاحياء منهم والاموات اللهم صل على محمد عبدك ورسولك و
زندگان از ایشان و مردگان خداوندا رحمت فرست بر محمد بنده تو و پیغمبر تو و
نبيك وصفيك وخيرتك من خلقك اللهم ارفع درجته و
نبی تو و برگزیده تو و اختیار کرده شده از خلق تو بار خدایا بلند کن مرتبه او را و
كرم مقامه واجزل ثوابه وافلج حجته واظهر عذره وعظم نوره
گرامی دار جایگاه او را و وافر کن ثواب او را و غالب کن حجت او را و ظاهر کن عذر او را و بلند کن نور او را
وادم كرامته والحق به امته وذريته واقرر بذلك عينه اللهم
و پیوسته دار نوازش او را و برسان باو امت او را و ذریه او را و روشن کن بآن چشم او را خداوندا
اجعل محمدا اكرم النبيين تبعا واعظمهم منزلة واشرفهم
بگردان محمد را بزرگوارترین پیغمبران بحسب پیروان و بزرگترین ایشان در منزلت و گرامی‌ترین ایشان
كرامة واعلاهم درجة وافسحهم في الجنة منزلا اللهم بلغ
از جهت کرامت و بلندترین ایشان در مرتبه و گشاده‌ترین ایشان در بهشت جایگاه خداوندا برسان

محمدا درجة الوسيلة وشرف بنيانه وعظم نوره وبرهانه وتقبل
شفاعته في امته وتقبل صلوة امته عليه اللهم صل على محمد
كما بلغ رسالاتك وتلا اياتك ونصح لعبادك وجاهد في سبيلك
حتى اتيه اليقين اللهم زد محمدا مع كل شرف شرفا ومع كل فضل
فضلا ومع كل كرامة كرامة ومع كل سعادة سعادة حتى تجعل
محمدا في الشرف الاعلى من الدرجات العلى اللهم صل على محمد وال
محمد وسهل لي محبتي وبلغني امنيتي ووسع علي في رزقي واقض
عني ديني وفرج عني غمي وهمي وكربي ويسر لي ارادتي واوصلني
الى بغيتي سريعا عاجلا يا ارحم الراحمين وشيخ مفيد گفته است كه
در روز دهم ماه ربيع الاخر
سال دويست وسى ودو از هجرت نبوى حضرت امام حسن عسكرى ع
متولد شده است و روز شريف بسيار مباركيست و مستحبست كه بشكر اين
نعمت عظمى روزه بدارند مؤلف گويد كه زيارت آنحضرت و ساير اعمال خير در اين
روز بابركت مناسبست **فصل دوم** در اعمال ماه جمادى الاولى است سيد
بن طاوس از بعضى از كتب معتبره نقل كرده است كه در روز اول اين ماه
مستحبست كه اين دعا بخوانند اللهم انت الله وانت الرحمن الرحيم وانت الملك
القدوس وانت السلام المؤمن وانت المهيمن وانت العزيز

والمحمد

اعمال ماه جمادى الاولى

وانت الجبار وانت المتكبر وانت الخالق وانت البارئ وانت المصور
وانت العزيز الحكيم وانت الاول والاخر والظاهر والباطن لك
الاسماء الحسنى واسئلك يا رب بحق هذه الاسماء الحسنى وبحق
اسمائك كلها ان تصلي على محمد وال محمد واتنا في الدنيا حسنة
وفي الاخرة حسنة واختم لنا بالسعادة والشهادة في سبيلك
وعرفنا بركة شهرنا هذا ويمنه وارزقنا خيره واصرف عنا شره
واجعلنا فيه من الفائزين وقنا برحمتك عذاب النار يا ارحم
الراحمين انك على كل شيء قدير پس اين آيات بخوانند الحمد لله الذي خلق
السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم
يعدلون هو الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلا واجل مسمى عنده
ثم انتم تمترون وهو الله في السموات وفي الارض يعلم سركم و
جهركم ويعلم ما تكسبون الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب
ولم يجعل له عوجا قيما لينذر باسا شديدا من لدنه الحمد لله
الذي له ما في السموات وما في الارض وله الحمد في الاخرة وهو

الحکیم الخبیر الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی

حکیم داناست ستایش مر خدای را که آفریننده آسمانها و زمین کننده فرشتگان فرستادگان صاحب

اجنحة مثنی وثلاث ورباع یزید فی الخلق ما یشاء ان الله علی کل شیء

بالها دو دو و سه سه و چهار چهار می افزاید در آفرینش آنچه میخواهد بدرستی که خدا بر هر چیزی

قدیر ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها وما یمسک فلا مرسل

تواناست آنچه بگشاید خدا برای مردمان از رحمتی پس نیست نگاهدارنده مر آنرا و آنچه نگاه دارد پس نیست فرستنده

له من بعده وهو العزیز الحکیم الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا

مر آنرا از پس وی و اوست غالب درست کردار ستایش مر خدای را که راه نمود ما را باین و نبودیم

لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق الحمد لله

که راه یابیم اگر نه آن بود که راه نمودی ما را خدا بتحقیق که آمدند پیغمبران پروردگار ما براستی ستایش مر خدای را

الذی وهب لی علی الکبر اسمعیل واسحق ان ربی لسمیع الدعاء

که بخشید مرا با وجود پیری اسمعیل و اسحق بدرستی که پروردگار من هر آینه شنونده دعاست

الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون الحمد لله الذی نجانا من القوم الظالمین

ستایش مر خدای را بلکه بیشتر ایشان نمیدانند ستایش مر خدای را که نجات داد ما را از گروه ستمکاران

الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین الحمد لله

ستایش مر خدای را که افزونی داد ما را بر بسیاری از بندگان خود که گرویدگانند ستایش مر خدای را

سیریکم آیاته فتعرفونها وما ربک بغافل عما تعملون الحمد لله الذی اذهب

زود باشد که بنماید شما را نشانهای خود را پس بشناسید آنها را و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنید ستایش مر خدای را که

عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور الحمد لله الذی صدقنا وعده

ببرد از ما اندوه را بدرستی که پروردگار ما هر آینه آمرزنده است سپاس دارنده ستایش مر خدای را که راست کرد با ما وعده

واورثنا الارض نتبوأ من الجنة حیث نشاء فنعم اجر العاملین و

خود را و میراث داد ما را زمین که جای گیریم از بهشت هر جا که خواهیم پس نیکوست مزد کارکنان و

تری الملائکة حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم وقضی بینهم

بینی فرشتگان را فرو گیرندگان از گرداگرد عرش که تسبیح میگویند بستایش پروردگار خود و حکم کرده شد میان ایشان

بالحق وقیل الحمد لله رب العالمین فلله الحمد رب السموات والارض

براستی و گفته شود ستایش مر خدای را که پروردگار عالمیان است پس مر خدا راست ستایش پروردگار آسمانها و زمین

رب العالمین وله الکبریاء فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم

پروردگار عالمیان و مر او راست بزرگواری در آسمانها و زمین و اوست غالب درست کار

الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی

سپاس مر خدای را که فرا نگرفت فرزندی را و نباشد مر او را انبازی در پادشاهی و نباشد مر او را یاوری

من الذل وکبره تکبیرا اللهم اغفر لی ما سلف من ذنوبی وتدارکنی

از مذلت و بزرگی یاد کن او را بزرگی یاد کردنی خداوندا بیامرز برای من آنچه گذشت از گناهان من و دریاب مرا

فیما بقی من عمری وقو ضعفی للذی خلقتنی له وحبب الی الایمان

در آنچه باقی مانده از عمر من و قوت ده ناتوانی مرا برای آنچه آفریدی مرا برای آن و دوست گردان بسوی من ایمان را

وزینه فی قلبی وقد دعوتک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی

و زینت ده او را در دل من و بتحقیق خواندم ترا چنانچه امر کردی مرا پس مستجاب کن برای من چنانچه وعده کردی

اللهم اصبحت لک عبدا لا استطیع دفع ما اکره ولا املک ما

خداوندا صبح کردم حال آنکه هستم مر ترا بنده که قدرت ندارم بر دفع آنچه ناخوش دارم و مالک نیستم آنچه را

ارجوا واصبحت مرتهنا بعملی فلا فقیر افقر منی الیک یا رب العالمین

امید دارم و صبح کردم مرهون بکردار خود پس نیست هیچ محتاجی محتاج‌تر از من بسوی تو ای پروردگار عالمیان

اسئلک ان تستعملنی عمل من استیقن حضور اجله لا بل عمل من

سؤال میکنم از تو که بکار داری مرا کار آنکه یقین داشته حاضر بودن اجل خود را نه بلکه کار آنکه

قد مات فرای عمله ونظر الی ثواب عمله انک علی کل شیء قدیر

بتحقیق مرده پس دید کردار خود را و نظر کرد بسوی پاداش کردار خود بدرستی که تو بر هر چیزی توانائی

اللهم هذا مکان العائذ برحمتک من عذابک وهذا مکان العائذ

خداوندا این جای پناه برنده است برحمت تو از عذاب تو و این جای پناه برنده

بمعافاتک من غضبک اللهم اجعلنی ممن دعاک فاجبته وسالک

بعفو تو از خشم تو خداوندا بگردان مرا از آنها که خواندند ترا پس اجابت کردی او را و سؤال کرد

فاعطیته وآمن بک فهدیته وتوکل علیک فکفیته وتقرب

پس عطا کردی او را و ایمان آورد بتو پس راه نمودی او را و توکل کرد بر تو پس کفایت کردی او را و نزدیکی جست

الیک فادنیته وافتقر الیک فاغنیته واستغفرک فغفرت

بسوی تو پس نزدیک کردی او را و محتاج شد بسوی تو پس بی‌نیاز کردی او را و آمرزش خواست از تو پس آمرزیدی

له ورضیت عنه وارضیته وهدیته الی مرضاتک واستعملته

مر او را و راضی شدی از او و راضی کردی او را و راه نمودی او را بسوی خوشنودی خود و بکار داشتی او را

بطاعتک ولذلک فرغته ابدا ما احییته فتب علی یا رب

بفرمان برداری خود و برای آن فارغ گردانیدی او را همیشه مادام که زنده داشتی او را پس قبول توبه کن بر من ای پروردگار

وَاعطِني سُؤلي وَلا تحرِمني شيئاً مِمّا سئلتُكَ وَاكفِني شَرَّ ما يَعمَلُ
وعطا كن مرا خواهش مرا و محروم مكن مرا چيزى از آنچه سؤال كردم از تو وكفايت كن مرا از شر آنچه ميكند
الظّالِمُونَ فِي الارضِ وَاستغفِرُ اللهَ الَّذي لا اِلهَ اِلّا هُوَ الّذي لا
ستمكاران در زمين و طلب آمرزش ميكنم از خدائى كه نيست هيچ خدائى مگر او آن خدائى كه
يَغفِرُ الذُّنُوبَ اِلّا هُوَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِنّي عَلى
نيامرزد گناهان را مگر او خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد و مدد كن مرا بر امر
الدُّنيا وَارزُقني خَيرَها وَكَرِّه اِلَيَّ الكُفرَ وَالفُسُوقَ وَالعِصيانَ وَجَعَلني
دنيا و روزى ده مرا نيكى آنرا و ناخوش گردان نزد من كفر را و نافرمانى و بدكارى و بگردان مرا
مِنَ الرّاشِدينَ اللّهُمَّ قَوِّني لِعِبادَتِكَ وَاستَعمِلني في طاعَتِكَ وَ
از راه يافتگان خداوندا قوت ده مرا براى پرستش خود و بكار دار مرا در فرمان بردارى خود و
بَلِّغني الَّذي اَرجُوا مِن رَحمَتِكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ اللّهُمَّ اِنّي
برسان مرا بآنچه اميد دارم از رحمت تو اى رحم كننده ترين رحم كنندگان خداوندا بدرستيكه من
اَسئَلُكَ الرِّيَّ يَومَ الظَّماءِ وَالنَّجاةَ يَومَ الفَزَعِ الاَكبَرِ وَالفَوزَ يَومَ
سؤال ميكنم از تو سيرابى را در روز تشنگى و خلاصى را در روز ترس بزرگتر و فيروزى در روز
الحِسابِ وَالاَمنَ يَومَ الخَوفِ وَاَسئَلُكَ النَّظَرَ اِلى وَجهِكَ الكَريمِ
حساب و ايمنى در روز ترس و سؤال ميكنم از تو نظر كردن بسوى ذات بزرگوار تو
وَالخُلُودَ في جَنَّتِكَ في دارِ المُقامَةِ مِن فَضلِكَ وَالسُّجُودَ يَومَ
و جاويد بودن در بهشت تو در سراى اقامت از فضل تو و سجده كردن در روزى كه
يُكشَفُ عَن ساقٍ وَالظِّلَّ يَومَ لا ظِلَّ اِلّا ظِلُّكَ وَمُرافَقَةَ اَنبِيائِكَ
بالا زده شود جامه از ساق پاى و سايه در روزى كه نباشد سايه مگر سايه تو و رفاقت كردن پيغمبران تو
وَرُسُلِكَ وَاَولِيائِكَ اللّهُمَّ اغفِر لي ما قَدَّمتُ مِن ذُنُوبي وَما
و رسولان تو و دوستان تو خداوندا بيامرز مرا آنچه پيش فرستادم از گناهان خود و آنچه
اَخَّرتُ وَما اَسرَرتُ وَما اَعلَنتُ وَما اَسرَفتُ عَلى نَفسي وَما
تاخير كردم و آنچه پنهان داشتم و آنچه آشكار كردم و آنچه اسراف كردم بر نفس خود و آنچه
اَنتَ اَعلَمُ بِهِ مِنّي وَارزُقنِي التُّقى وَالهُدى وَالعَفافَ وَالغِنى
تو داناترى بآن از من و روزى كن مرا پرهيزگارى و هدايت و عفت و بى نيازى
وَوَفِّقني لِلعَمَلِ بِما تُحِبُّ وَتَرضى اللّهُمَّ اَصلِح لي ديني الَّذي
و توفيق ده مرا براى كردار بآنچه دوست دارى و پسندى خداوندا اصلاح كن براى من دين مرا كه

هو

هُوَ عِصمَةُ اَمري وَاَصلِح
او نگاه دارنده امورات من و نيكو گردان
لي دُنيايَ الَّتي
براى من دنياى مرا كه

فيها مَعاشي وَاَصلِح لي آخِرَتِيَ الَّتي اِلَيها مُنقَلَبي وَاجعَلِ الحَيوةَ زِيادَةً
كه در اوست زندگانى من و نيكو گردان براى من آخرت مرا كه بسوى اوست بازگشت من و گردان زندگانى را زيادتى
لي في كُلِّ خَيرٍ وَاجعَلِ المَوتَ راحَةً لي مِن كُلِّ سُوءٍ اللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ
براى من در هر نيكى و گردان مرگ را آسايش براى من از هر بدى خداوندا بدرستيكه سؤال ميكنم
يا رَبَّ الاَربابِ وَيا سَيِّدَ السّاداتِ وَيا مالِكَ المُلُوكِ اَن تَرحَمَني
اى پروردگار پروردگاران و اى آقاى آقايان و اى پادشاه پادشاهان اگر رحم كنى مرا
وَتَستَجيبَ لي وَتُصلِحَني فَاِنَّهُ لا يُصلِحُ مَن صَلَحَ مِن عِبادِكَ اِلّا
و اجابت كنى براى من و شايسته گردانى مرا پس بدرستيكه شايسته نشود آن كه شايسته است از بندگان تو مگر
اَنتَ فَاِنَّكَ اَنتَ رَبّي وَثِقَتي وَرَجائي وَمَلجاي وَلا راحِمَ لي
تو پس بدرستيكه تو پروردگار منى و محل اعتماد من و اميد من و پناه منى و نيست رحم كننده مرا
غَيرُكَ وَلا مُغيثَ لي سِواكَ وَلا مالِكَ سِواكَ وَلا مُجيبَ اِلّا اَنتَ
غير از تو و نيست فريادرسى براى من سواى تو و نيست خداوندى غير از تو و نيست اجابت كننده مگر تو
اَنا عَبدُكَ وَابنُ عَبدِكَ وَابنُ اَمَتِكَ الخاطِئُ الَّذي وَسِعَتهُ
من بنده تو ام و پسر بنده تو و پسر كنيز تو آن بنده خطاكارى كه فرا رسيده او را
رَحمَتُكَ وَاَنتَ عالِمٌ بِحالي وَحاجَتي وَكَثرَةِ ذُنُوبي وَالمُطَّلِعُ عَلى
رحمت تو و تو دانائى بحال من و حاجت من و بسيارى گناهان من و مطلع بر
اُمُوري كُلِّها فَاَسئَلُكَ يا لا اِلهَ اِلّا اَنتَ اَن تَغفِرَ لي ما تَقَدَّمَ
كارهاى من همه آن پس سؤال ميكنم از تو اى كه نيست خدائى مگر تو اگر بيامرزى براى من آنچه گذشته
مِن ذَنبي وَما تَاَخَّرَ اللّهُمَّ لا تَدَع لي ذَنباً اِلّا غَفَرتَهُ وَلا هَمّاً اِلّا
از گناه من و آنچه باز پس مانده خداوندا مگذار براى من گناهى مگر آمرزيده باشى و نه اندوهى مگر
فَرَّجتَهُ وَلا حاجَةً هِيَ لَكَ رِضىً اِلّا قَضَيتَها وَلا عَيباً اِلّا اَصلَحتَهُ
كه زايل كنى آنرا و نه حاجتى كه آن باشد خوشنودى تو مگر روا كنى آنرا و نه عيبى مگر بصلاح آورى آن
اللّهُمَّ آتِنا فِي الدُّنيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ
خداوندا بده ما را در دنيا نيكى و در آخرت نيكى و نگاه دار ما را از عذاب
النّارِ اللّهُمَّ اَعِنّي عَلى اَهوالِ الدُّنيا وَبَوائِقِ الدُّهُورِ وَمُصيباتِ
آتش خداوندا يارى كن مرا بر شدايد دنيا و حوادث روزگار و مصيبتهاى گردش
اللَّيالي وَالاَيّامِ اللّهُمَّ وَاحرُسني مِن شَرِّ ما يَعمَلُ الظّالِمُونَ
شبها و روزها خداوندا و حفظ كن مرا از بدى آنچه ميكنند ستمكاران

وَمَولايَ
وآقاى من

فی الارض فانه لا حول ولا قوة الا بک اللهم انی اسألک ایماناً ثابتاً
در زمین پس بتحقیق که نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتو خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو ایمانی ثابت
وعملاً متقبلاً ودعاءً مستجاباً ویقیناً صادقاً وقولاً طیباً وقلباً
و کرداری مقبول و دعائی پذیرفته و یقینی راست و درست و گفتاری پاکیزه و دلی
شاکراً وبدناً صابراً ولساناً ذاکراً اللهم انزع حب الدنیا ومعاصیها
شکر کننده و بدنی صبر کننده و زبانی ذکر کننده خداوندا برداد محبت دنیا را و نافرمانیهای آن
وذکرها وشهوتها من قلبی اللهم انک بکرمک تشکر الیسیر من
و یاد آن و خواهشهای آنرا از دل من خداوندا بدرستی که تو بکرم خود جزا میدهی اندک را از
عملی فاعف لی الکثیر من ذنوبی وکن لی ولیاً ونصیراً ومعیناً وحافظاً
کردار من پس درگذر برای من بسیار از گناهان مرا و باش مرا دوست و یاری دهنده و [illegible] نگهدارنده
اللهم هب لی قلباً اشد رهبةً لک من قلبی ولساناً ادوم لک
خداوندا ببخش مرا دلی سخت ترسنده مر ترا از دل من و زبانی پیوسته تر برای تو
ذکراً من لسانی وجسماً اقوی علی طاعتک وعبادتک من جسمی اللهم
در ذکر از زبان من و بدنی تواناتر بر فرمانبرداری تو و بندگی تو از بدن من خداوندا
انی اعوذ بک من زوال نعمتک ومن فجاءة نقمتک ومن تحول عافیتک
بدرستی که من پناه میبرم بتو از زوال نعمت تو و از ناگاه رسیدن عقوبت تو و از گردیدن عافیت تو
ومن حلول غضبک واعوذ بک من جهد البلاء ودرک الشقاء
و از در آمدن خشم تو و پناه میبرم بتو از سختی بلا و دریافت بدبختی
ومن شماتة الاعداء وسوء القضاء فی الدنیا والآخرة اللهم انی
و از شادی دشمنان و بدی قضا در این جهان و آن جهان خداوندا بدرستی که من
اسألک باسمک الکریم وعرشک العظیم وملکک القدیم یا وهاب
سوال میکنم از تو بنام بزرگوار تو و عرش بزرگ تو و پادشاهی قدیم تو ای بسیار بخشنده
العطایا ویا مطلق الاساری ویا فکاک الرقاب ویا کاشف العذاب
عطاها و ای رها کننده دستگیر شدگان و ای خلاص کننده گردنها و ای برطرف کننده عذاب
اسألک ان تخرجنی من الدنیا سالماً غانماً وان تدخلنی الجنة
سوال میکنم از تو اینکه بیرون آوری مرا از دنیا سالم از گناهان غنیمت برنده و اینکه داخل کنی مرا در بهشت
برحمتک آمناً وان تجعل اول شهری هذا صلاحاً واوسطه فلاحاً
برحمت خود ایمن و اینکه بگردانی اول ماه مرا این ماه شایسته و میانه آنرا رستگاری

ومعیناً

وآخره

اعمال ماه جمادی الثانیه

وآخره نجاحاً انک انت علام الغیوب مولف گوید که کلینی بسند صحیح از
و آخر آنرا رستگاری بدرستی که توئی دانای پنهانیها حضرت صادق روایت کرده است
که حضرت فاطمه هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت زنده بود پس بنابر مشهور
که وفات حضرت رسول در بیست و هشتم ماه صفر بود باید وفات حضرت فاطمه
در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد پس زیارت آنحضرت در این
ایام مناسبت خصوصاً در چهاردهم ظاهرتر است و شیخ مفید گفته است
که در شب پانزدهم اینماه حضرت امام زین العابدین متولد شده است و در روز [illegible]
و مستحب است که روزه بدارند و اعمال خیر از تصدقات و عبادات بجا آورند
و شیخ طوسی گفته است که فتح بصره برای حضرت امیرالمؤمنین در این روز میسر
شد **مولف گوید** که زیارت هر دو امام در این روز مناسبت و اگر زیارت جامعه
در این قسم ایام بخواند چنانچه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی بهتر است

فصل سیم در اعمال ماه جمادی الثانیه است سید بن طاوس روایت کرده
که در اینماه در هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکند یعنی بدو
سلام و در رکعت اول بعد از سوره فاتحه یکمرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و پنج
مرتبه انا انزلناه و در رکعت دویم یکمرتبه الهیکم التکاثر و بیست و پنج مرتبه
قل هو الله و در رکعت سیم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ
برب الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء نصر الله و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ
برب الناس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله والحمد
لله ولا اله الا الله والله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد وآل محمد
[illegible]
پس سه مرتبه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات پس سر بسجده بگذارد
[illegible]
و سه مرتبه بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا الله یا رحمن یا رحیم
[illegible]

یا ارحم الراحمین پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید هر که چنین کند
ای مهربانترین مهربانان
خدا خودش را و مالش را و زنان و فرزندان او و دین و دنیای او را حفظ کند
و اگر در این سال بمیرد بشهادت بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ
بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلایل الامامة بسند معتبر از حضرت صادق
روایت کرده است که ولادت با سعادت حضرت فاطمه در بیستم ماه جمادی الثانیه
واقع شد و شهادت آنحضرت در سیم این ماه نیز واقع شد و شیخ طوسی و سید بن
طاوس و دیگران چنین ذکر کرده اند و اگرچه وفات منافی روایتی است که سابقا
ذکر کردیم اما چون مشهور است و روایت معتبر دارد باید که در روز سیم ببر اسم
تعزیت آنحضرت قیام نمایند و زیارت آنحضرت بکنند و لعن بسیار بر قاتلان آنحضرت
و غاصبان حق او بکنند خصوصا ابوبکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در روز بیستم
آنحضرت را باز زیارت کنند و چنانکه شیخ مفید گفته است اظهار سرور و خوشحالی
بکنند و روزه بدارند و تصدقات و اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرت بدو طریق
وارد شده است اول آنکه سید بن طاوس روایت کرده است که هر که آنحضرت را زیارت
کند باین زیارت السلام علیک یا سیدة نساء العالمین السلام علیک یا
که بگوید
درود بر تو ای خاتون زنان جهانیان درود بر تو ای
والدة الحجج علی الناس اجمعین السلام علیک ایتها المظلومة الممنوعة
مادر حجتهای خدا بر مردمان همگی درود بر تو ای ستم رسیده منع کرده شده
حقها پس بگوید اللهم صل علی امتک و ابنة نبیک و زوجة وصی نبیک
حق خود خداوندا درود فرست بر کنیز خود دختر پیغمبر خود و زن وصی پیغمبر خود
صلوة تزلفها فوق زلفی عبادک المکرمین من اهل السموات و اهل الارضین
درودی که نزدیک گرداند او را بالای نزدیکی بندگان گرامی داشته شده از اهل آسمانها و اهل زمینها
پس طلب آمرزش کند از خدا حق تعالی گناهان او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند
و این زیارت مختصر معتبر است و هر وقت میتوان کردن دویم زیارت مبسوطی است که علما

ذکر کرده اند در کتب زیارات و سندش السلام علیک یا بنت رسول الله
بنظر فقیر نرسیده و آن زیارت اینست درود بر تو ای دختر رسول خدا
السلام علیک یا بنت نبی الله السلام علیک یا بنت حبیب الله
درود بر تو ای دختر پیغمبر خدا درود بر تو ای دختر دوست خدا
السلام علیک یا بنت خلیل الله السلام علیک یا بنت صفی الله
درود بر تو ای دختر صدیق خدا درود بر تو ای دختر برگزیده خدا
السلام علیک یا بنت امین الله السلام علیک یا بنت خیر خلق الله السلام
درود بر تو ای دختر امین خدا درود بر تو ای دختر بهترین خلق خدا درود
علیک یا بنت افضل انبیاء الله السلام علیک یا بنت خیر البریة
بر تو ای دختر فاضلترین پیغمبران خدا درود بر تو ای دختر بهترین آفریدگان
السلام علیک یا سیدة نساء العالمین من الاولین و الآخرین السلام
درود بر تو ای خاتون زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان درود
علیک یا زوجة ولی الله و خیر خلقه بعد رسول الله السلام علیک
بر تو ای زن دوست و ولی خدا و بهترین خلق خدا پس از رسول خدا درود بر تو
یا ام الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة السلام علیک یا
ای مادر حسن و حسین آقایان جوانان اهل بهشت درود بر تو ای
ام المؤمنین السلام علیک ایتها الصدیقة الشهیدة السلام علیک
مادر گروندگان درود بر تو ای راست گفتار و راست کردار کشته شده درود بر تو
ایتها الرضیة المرضیة السلام علیک ایتها الصادقة الرشیدة السلام
ای پسندیده پسندیده شده درود بر تو باد ای راستگوی راه یافته درود
علیک ایتها الفاضلة الزکیة السلام علیک ایتها الحوراء الانسیة
بر تو ای فضیلت دارنده پاکیزه درود بر تو باد ای حوراء انسیه
السلام علیک ایتها التقیة النقیة السلام علیک ایتها المحدثة العلیمة
درود بر تو باد ای پرهیزکار پاکیزه درود بر تو باد ای حدیث گوینده دانا
السلام علیک ایتها المعصومة المظلومة السلام علیک ایتها الطاهرة
درود بر تو ای نگاه داشته شده از گناه ستم رسیده درود بر تو ای پاکیزه
المطهرة السلام علیک ایتها المضطهدة المغصوبة السلام علیک ایتها
پاکیزه کرده شده درود بر تو باد ای مقهور غصب کرده شده درود بر تو باد ای

الغراء الزهراء السلام عليك يا فاطمة بنت محمد رسول الله ورحمة الله
بزرگوار درخشان درود بر تو ای فاطمه دختر محمد فرستاده خدا و [illegible] خدا
وبركاته صلى الله عليك يا مولاتي وابنة مولاي وعلى روحك و
و افزونیهای او درود دهاد خدا بر تو ای خواجه و دختر خواجه من و بر جانت و
بدنك اشهد انك مضيت على بينة من ربك وان من سرك فقد سر
بدنت گواهی میدهم اینکه تو گذشتی بر گواهی از پروردگارت و اینکه کسیکه شاد کرد ترا پس بتحقیق
رسول الله ومن جفاك فقد جفا رسول الله صلى الله عليه ومن آذاك
شاد کرد فرستاده خدا را و کسیکه آزرد ترا پس بتحقیق آزرده فرستاده خدا را درود دهاد خدا براو و کسیکه آزار کرد ترا
فقد آذى رسول الله ومن وصلك فقد وصل رسول الله ومن قطعك
پس بتحقیق آزار کرد فرستاده خدا را و کسیکه پیوست بتو پس بتحقیق که پیوست فرستاده خدا را و کسیکه برید از تو
فقد قطع رسول الله لانك بضعة منه وروحه التي بين جنبيه كما
پس بتحقیق که برید از پیغمبر خدا زیرا که تو پاره تن او و جان او و میان دو پهلوی او و چنانکه
قال عليه افضل الصلوة واكمل السلام اشهد الله وملائكته اني
فرمود بر او باد افزونتر درودها و تمامتر سلام گواه میکنم خدا را و فرشتگانش را اینکه من
ولي لمن والاك وعدو لمن عاداك وحرب لمن حاربك انا يا مولاتي بك
دوستم کسی را که دوست داشت ترا و دشمنم کسی را که دشمن داشت ترا و جنگم با کسیکه جنگ کرد با تو من ای آقای من بتو
وبابيك وبعلك والائمة من ولدك موقن وبولايتهم مؤمن وبطاعتهم
و بپدرت و بشوهرت و بپیشوایان از فرزندانت بیگمانم و بدوستی ایشان گرویده ام و بفرمان بردن ایشان
ملتزم اشهد ان الدين دينهم والحكم حكمهم وهم قد بلغوا عن الله عز
چسبیده ام گواهی میدهم اینکه کیش کیش ایشانست و فرمان فرمان ایشانست و ایشان بتحقیق رسانیدند از خدای ارجمند
وجل ودعوا الى سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة لا تأخذهم في الله
و بزرگ و خواندند بسوی راه خدا بدانش و پند نیکو نگرفت ایشان را در راه خدا
لومة لائم وصلوات الله عليك وعلى ابيك وبعلك وذريتك الائمة
نکوهش کردن نکوهش کننده و درودهای خدا بر تو و بر پدرت و شوهرت و فرزندانت پیشوایان
الطاهرين اللهم صل على محمد واهل بيته وصل على البتول الطاهرة
پاکان بار خدایا درود ده بر محمد و مردم خانه او و درود ده بر بریده از دنیا پاک
الصديقة المعصومة التقية النقية الرضية الزكية الرشيدة المظلومة
راست گفتار نگاهداشته شده پرهیزگار پاکیزه پسندیده پاک راه راست یافته ستمدیده

المقهوره

المقهورة المغصوب حقها الممنوع ارثها المكسور ضلعها المظلوم
فرو شکسته شده بستم ستانیده شده از او حقش باز داشته شده از ارثش شکسته شده پهلویش ستمدیده
بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك وبضعة لحمه وصميم قلبه
شوهرش کشته شده فرزندش فاطمه دختر رسول خدا و پاره گوشتش و اندرون دلش
وفلذة كبده والنخبة منك له والتحفة خصصت بها وصيه وحبيبة
و پاره جگرش و برگزیده از تو از برای او و ارمغانی که برگزیدی بان جانشین و دوست
منك له — از تو از برای او
المصطفى وقرينة المرتضى وسيدة النساء ومبشرة الاولياء حليفة
پیغمبر برگزیده او و همسر علی پسندیده و مهتر زنان و مژده دهنده دوستان یار
الورع والزهد وتفاحة الفردوس والخلد التي شرفت مولدها بنساء
پرهیزکاری و بیخواهشی و سیب باغ بهشت و بهشت که گرامی کردی زادن او را بزنان
الجنة وسللت منها انوار الائمة وارخيت دونها حجاب النبوة اللهم
بهشت و بیرون کشیدی از آن روشنائی پیشوایان و افکندی نزد او پرده پیغمبری را بار خدایا
صل عليها صلوة تزيد في محلها عندك وشرفها لديك ومنزلتها
درود ده بر او درودی که بیفزاید در جای او نزد تو و بزرگواریش نزد تو و پایه اش
من رضاك وبلغها منا تحية وسلاما وآتنا من لدنك في حبها فضلا
از خوشنودی تو و برسان از ما تحیت و درود و بده ما را از نزد خودت در دوست داشتن او افزونی
واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو العفو الكريم وسيد بن طاوس گفته است
و نیکوئی و بخشایش و آمرزش بدرستیکه تو خداوند در گذشتن بزرگوار پس نماز زیارت بکن و اگر
توانی نماز آنحضرت را بجا آور و آن دو رکعت است و در هر رکعت بعد از فاتحه شصت
مرتبه سوره قل هو الله بخوان و اگر نتوانی دو رکعت بکن و در رکعت اول بعد از فاتحه
یکمرتبه قل هو الله بخوان و در رکعت دویم یکمرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخوان
و بعد از نماز تسبیح آنحضرت را اللهم اني اتوجه اليك بنبينا محمد واهل
بگو و این دعا را بخوان بار خدایا بدرستیکه من روی میآرم بسوی تو به پیغمبر ما محمد و بمردم
بيته صلواتك عليهم واسئلك بحقك العظيم عليهم الذي لا
خانه اش درودهای تو بر ایشان و میخواهم از تو بسزاواری بزرگت بر ایشان که ندانند
يعلم كنهه سواك واسئلك بحق من حقه عندك عظيم وباسمائك
پایان آن را دیگری جز تو و میخواهم از تو بسزاواری کسی که سزاواری او نزد تو بزرگست و بنامهای

٤٣٧

الحسنى الذي امرتني ان ادعوك بها واسألك باسمك الاعظم الذي
نيكوي تو كه فرموده مرا كه بخوانم ترا بآن و ميخواهم از تو بنام بزرگوارت كه
امرت به ابرهيم ان يدعوك به الطير فاجابته وباسمك العظيم الذي قلت
فرمودي بآن ابرهيم را كه بخواند بآن مرغانرا پس جواب دادند او را و بنام بزرگت كه گفتي
للنار كوني بردا وسلاما على ابرهيم فكانت وباحب اسمائك اليك و
مر آتش را كه باش خنك و بي ضرر بر ابرهيم پس شد و بدوسترين نامها بسوي تو و
اشرفها واعظمها لديك واسرعها اجابة وانجحها طلبة وبما انت
بزرگوارترين و بزرگترين نزد تو و تندترين از روي پاسخ دادن و روان ترين از روي خواست و بانچه تو
اهله ومستحقه ومستوجبه واتوسل اليك وارغب اليك واتضرع
سزاي آن و مستحق آن و سزاوار آن و دست آويز ميكنم بسوي تو و رغبت ميكنم بسوي تو و زاري ميكنم
والح عليك واسألك بكتبك التي انزلتها على انبيائك ورسلك
و كوشش ميكنم نزد تو و ميخواهم از تو بكتابهاي تو كه فرو فرستاده آنرا بر پيغمبرانت و فرستادگانت
صلواتك عليهم من التورية والانجيل والزبور والفرقان العظيم فان
درودهاي تو بر ايشان از توريت و انجيل و زبور و فرقان بزرگوار پس بدرستيكه
فيها اسمك الاعظم وبما فيها من اسمائك العظمى ان تصلي على محمد وال
در آنهاست نام بزرگوارت و بانچه در آنهاست از نامهاي بزرگوارت آنكه درود دهي بر محمد و خاندان
محمد وان تفرج عن ال محمد وشيعتهم ومحبيهم وعني وتفتح ابواب السماء
محمد و آنكه بگشائي از خاندان محمد و دوستان ايشان و از من و بگشائي درهاي آسمانرا
لدعائي وترفعه في عليين وتاذن في هذا اليوم وفي هذه الساعة
از براي خواندن من و برافرازي آنرا در بالا از بهشت و دستوري دهي در اين روز و در اين دم
بفرجي واعطاء املي وسؤلي في الدنيا والاخرة يا من لا يعلم احد كيف
بگشادگي كار من و دادن من اميدم را و خواسته ام در اين دنيا و در آن جهان اي كسي كه نميداند يكي كه چگونه
هو وقدرته الا هو يا من سد الهواء بالسماء وكبس الارض على الماء
او و توانائيش مگر او اي كسي كه بست هوا را بآسمان و در آورد زمين را بر آب
واختار لنفسه احسن الاسماء يا من سمى نفسه بالاسم الذي يقضي به حاجة
و برگزيد از براي ذات پاكش نيكوترين نامها را اي كسي كه ناميد ذات پاكش را بنامي كه بر آورده ميشود بآن حاجت
من يدعوه اسألك بحق ذلك الاسم فلا شفيع اقوى لي منه ان تصلي على
كسي كه ميخواند او را ميخواهم از تو بحق آن نام پس نيست خواهش كننده نيرومندتر از آن براي من آنكه درود دهي

محمد

٤٣٨

محمد وال محمد وتقضي لي حوائجي وتسمع محمدا وعليا وفاطمة والحسن و
محمد و خاندان محمد و برآوري از براي من نيازهاي مرا و بشنوي بر محمد و علي و فاطمه و حسن و
الحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر
حسين و علي پسر حسين و محمد پسر علي و جعفر پسر محمد و موسي پسر جعفر
وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة المنتظر
و علي پسر موسي و محمد پسر علي و علي پسر محمد و حسن پسر علي و حجت چشم داشته شده
لاذنك صلواتك وسلامك ورحمتك وبركاتك عليهم صوتي ليشفعوا
از براي دستوري تو درودهاي تو و سلام تو و بخشايش تو و افزونيهاي تو بر ايشان آواز مرا تا درخواست
لي اليك وتشفعهم في ولا تردني خائبا بحق لا اله الا انت پس حاجتهاي
مرا بسوي تو و شفاعت دهي ايشانرا درباره من و برنگرداني مرا نااميد بحق آنكه نيست خدائي مگر تو خود را
طلب كن كه بر آورده است **باب دهم** در اعمال هر ماه است بدانكه در وقت
ديدن ماه خواه در شب اول و خواه در شب دويم و خواه در شب سيم مستحبست
كه دعاي منقول بخوانند و بهترين آنها دعاي هلال صحيفه كامله است كه دعاي
چهل و سيم است و هفت مرتبه سوره حمد خواندن براي دفع درد چشم
منقولست و اندك پنير خوردن گفته اند مستحبست و از حضرت صادق منقولست
كه نيكو لقمه ايست پنير دهانرا خوشبو ميكند و اشتهاي طعام مي آورد و باعث هضم
طعام ميشود و هر كه در اول ماه بخورد حاجت او رد نميشود و از حضرت صادق
منقولست كه هر كه در شب اول ماه دو ركعت نماز بكند و در هر ركعت بعد از سوره
فاتحه سوره انعام بخواند و از حقتعالي سؤال كند كه او را از هر ترسي و دردي ايمن گرداند
و نه بيند در آن ماه امري را كه مكروه او باشد و از حضرت امام محمد تقي منقولست كه چون
ماه تازه در آيد در روز اول ماه دو ركعت نماز بكن و در ركعت اول بعد از حمد سي
مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و در ركعت دويم بعد از حمد سي مرتبه سوره انا
انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق بكن چون چنين كني سلامتي آن ماه را از حقتعالي خريده
و در روايت ديگر وارد شده است كه مستحبست كه بعد از اين دو ركعت اين دعا را بخوانند

در اعمال هر ماه

طريق نماز اول ماه

بسم الله الرحمن الرحیم وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها ویعلم
بنام خداوند بخشاینده مهربان ونیست هیچ جنبنده در زمین مگر آنکه برخداست روزیش ومیداند
مستقرها ومستودعها کل فی کتاب مبین بسم الله الرحمن الرحیم وان
آرامگاهش را وسپردنگاهش همگی است در نامهٔ روشن بنام خداوند بخشاینده مهربان واگر
یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله
برساند خدا ترا بآزاری پس نیست ازدارندهٔ مرآنرا جز او واگر خواهد ترا بنیکی پس نیست بازگرداننده مر فضل او را
یصیب به من یشاء من عباده وهو الغفور الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم
میرساند آنرا بهر کو که میخواهد از بندگانش واوست آمرزندهٔ مهربان بنام خداوند بخشاینده مهربان
سیجعل الله بعد عسر یسرا ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبنا الله ونعم
بزودی خواهد کرد خدا بعد از دشواری آسانی آنچه خواست خدا نیست نیروئی مگر بخدا بس است ما را خدا وخوب
الوکیل وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد لا اله الا انت
وکیلیست وباز میگذارم کارم را بخدا بدرستیکه خدا بیناست به بندگان نیست خدائی مگر تو
سبحانک انی کنت من الظالمین رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر رب
پاکا تو بدرستیکه من هستم از ستمکاران پروردگارا بدرستیکه من بآنچه فرو فرستادهٔ بسوی من از نیکی نیازمندم ای پروردگار
لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین وبدانکه از جملهٔ سنتهای موکده
مگذار مرا تنها وتوئی بهترین بازماندگان حضرت رسول بر آن مواظبت نمود
از دنیا رفت روزه سه روز در هر ماهست وآن موافق مشهور پنجشنبه اول ماه
وپنجشنبه آخر ماه وچهارشنبه اول از دههٔ میان ماهست ودر بعضی از روایات
عکس این نیز وارد شده است یعنی چهارشنبه اول وچهارشنبه آخر ماه وپنجشنبه
اول از دههٔ میان ماهست واول اشهر وبهتر است وسنن آنحضرت نافلهٔ واجبات
در فضیلت وتأکید وآنحضرت نماز سنت را در هر شب وروز دو برابر نماز واجب
مقرر فرمود هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر وهشت رکعت پیش از نماز عصر و
چهار رکعت بعد از نماز شام ودو رکعت وتیره بعد از نماز خفتن وچون نشسته
کرده میشود برابر یک رکعت است ویازده رکعت نماز شب ودو رکعت پیش از نماز
صبح واینها متمم فریضه اند ودر ثواب وتأکید مثل آنند ومانند فریضه اگر

ترک

ترک کنند سنت است که قضا کنند واز برای ترک آن کفاره یک مد از گندم یا جو برای
نافلهٔ روز ویک مد از برای نافلهٔ شب مقرر کرده اند وهمچنین روزهٔ سنت دو برابر
روزهٔ واجبست که تمام ماه شعبانست ودر دههٔ ماه دیگر هر ماه سه روز واگر
فوت شود سنت است که قضا کنند واگر در تابستان دشوار باشد سنت است که در
زمستان قضا کنند واگر دشوار باشد بدل هر روز یک درهم بدهند که بحساب زر
دانگی سه بیستی وسه نار باشد وبحساب زرهای این زمان چهارده غازبیگی است
یا یک مد گندم که بحساب وسط صد درم بوزن قدیم اصفهان باشد واگر صد درم
شاه بدهند احوط است ودرهم دادن بهتر است وبسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حضرت رسول مدتی روزهٔ سنت آنقدر گرفت که مردم گمان کردند که
هرگز افطار نخواهد کرد ومدتی افطار کرد که گمان کردند که دیگر روزهٔ سنت نخواهد
حضرت
گرفت پس مدتی روزهٔ داود را گرفت که یک روز روزه میداشت ویک روز افطار مینمود
پس در آخر عمر اکتفا نمود بروزهٔ سه روز در هر ماه بنحوی که گذشت تا آنکه بر
امت دشوار نباشد متابعت آنحضرت وفرمود که این روزه ثوابش برابر است با روزهٔ
تمام سال ووسواس شیطان را از سینه برطرف میکند راوی پرسید که کدام
روزهاست فرمود که پنجشنبه اول چهارشنبه اول دههٔ دویم وپنجشنبه آخر
پرسید که این روزها را چرا روزه میدارند فرمود که برای آنکه عذاب بر امتهای
سابق در این روزها نازل میشده است پس امر کرد که در این روزها روزه بدارند
برای دفع عذاب ودر روایت دیگر فرمود که پنجشنبه را برای این روزه میدارند
که اعمال بندگان را در این روز بر خدا عرض میکنند وچهارشنبه میان را برای این روزه
میدارند که آتش جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است وروزه سپر آتش
جهنم است وبروایت دیگر هر عذابی که بر امتهای گذشته نازل شده است در

چهارشنبه میان ماه نازل شده است و اگر در دههٔ اول دو پنجشنبه بوده باشد
پنجشنبه اول را گرفتن بهتر است و اگر میسّر نشود پنجشنبه دوم را بگیرند و اگر
در دههٔ آخر دو پنجشنبه بوده باشد موافق مشهور پنجشنبه دوم بهتر است چنانکه
در روایت صحیح وارد شده است و در روایت دیگر وارد شده است که پنجشنبه
اول بهتر است و بعضی حمل کرده‌اند بر صورتی که محتمل باشد که پنجشنبه دوم اول
ماه دیگر باشد و بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که کسی که در هر ماه این
سه روز را روزه بدارد باید که با هیچکس مجادله نکند و سفاهت و تندخویی و بیخردی
نکند و مبادرت بسوگند خوردن بخدا نکند و اگر کسی با او سفاهت و بیخردی کند
درگذرد و معارضه نکند و اگر در این ایام روزه باشند و بخانهٔ برادر مومن وارد شود
و او تکلیف افطار کند افطار کردن بهتر است از روزه داشتن بهفتاد برابر چنانچه
در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که داخل
شود بخانهٔ برادر مؤمن خود و روزه باشد و افطار کند و اظهار نکند که من روزه ام
که بر او منّت گذارد حق تعالی ثواب روزه یکسال برای او بنویسد و اگر این سه روز را
در اول ماه یا میان ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی الجمله متابعت سنت کرده است
و ثواب روزه سال می‌یابد چنانچه حق تعالی فرموده است که مَن جاءَ بالحسنة فله عشر
امثالها یعنی هر که حسنه بدرگاه خدا بیاورد برای او هست ده برابر آن و این مضمون
در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که بنحوی باشد که اول مذکور شد
و از جملهٔ روزهای هر ماه روزهٔ ایام البیض است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
ماه و احادیث در فضیلت این سه روز از طرق عامه و خاصه منقولست و در بعضی
از روایات وارد شده است که چون حضرت آدم مرتکب آن مکروه شد در بهشت و
او را بزمین فرستادند بدنش سیاه بود تا بعد از قبول توبه خط سیاهی از سر تا پای

او مانده بود چون ملائکه آن حالت را در او دیدند خروش برآوردند و گریستند
و استغاثه کردند بدرگاه حق تعالی پس منادی از آسمان ندا کرد که امروز را روزه
بدار و آن روز سیزدهم ماه بود و چون روزه داشت ثلث آن سیاهی برطرف شد
پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار چون روزه داشت
ثلث دیگر برطرف شد پس در روز پانزدهم باز باو ندا رسید که امروز را
روزه بدار چون روزه داشت تمام سیاهی برطرف شد پس باو ندا رسید
از آسمان که ای آدم روزه این سه روز را برای تو و فرزندان تو مقرر کردم هر که
در هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه باشد
و ابن بابویه گفته است که روزه دو پنجشنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض
مقرر شده است و منافات ندارد که هر دو سنت باشد و دو پنجشنبه اول و آخر
و چهارشنبه میان بهتر باشد اما اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است
و ابن طاوس از حضرت رسول روایت کرده است که جبرئیل بر من نازل شد و گفت
بگو بعلی که روزه بدارد از هر ماه سه روز تا نوشته شود برای تو بسبب روزه
روز اول روزه ده هزار سال و بروز دوم روزه سی هزار سال و بروز سیوم
روزه صد هزار سال حضرت امیر گفت یا رسول الله این مخصوص منست یا برای
همه کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها را روزه بدارد
این ثواب برای او خواهد بود گفت کدام روزهاست از ماه فرمود که سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم و از جملهٔ روزهای مرغوب روزهٔ روز چهارشنبه و پنجشنبه
و جمعه است برای کسی که حاجتی داشته باشد چنانکه در ربیع الاسابیع در ضمن
نمازهای حاجت ذکر کرده ام و مشهور میان علما آنست که در هر پنجشنبه و هر
جمعه روزه گرفتن سنت است مگر آنکه موافق یکی از ایام محرّمه یا مکروهه و

و بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که کسی که ارادهٔ عمل خیری داشته باشد مانند تصدق کردن و روزه داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است و ابن جنید گفته است روز جمعه را تنها روزه داشتن جایز نیست و اگر ملحق سازد با آن یکروز پیش یا یکروز بعد را جایز است و گفته است استحباب روزهٔ روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ است و روزهٔ شنبه نهی از آن وارد شده است **مؤلف گوید** که اکثر آنچه ابن جنید گفته خلاف مشهور میان علماست و شیخ طوسی در مصباح گفته است که ترغیب در روز جمعه وارد شده است بهتر آنست که آنرا تنها روزه ندارد مگر آنکه یکروز پیشتر روزه بدارد و گمان فقیر آنست که نهی از تنها گرفتن روزهٔ روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این حدیث را از ابو هریره نقل کرده اند و بعضی از علما نهی از روز جمعه را حمل کرده اند بر آنکه کراهت آن در صورتیست که او را ضعیف کند از فرایض و نوافل و دعاهای روز جمعه و این حمل بدنیست و اما روزهٔ دوشنبه احادیث بر نهی آن روزه واقع شده است و بهتر ترک است خصوصا هرگاه بقصد برکت روز دوشنبه باشد مگر آنکه با روز متبرکی از روزهای ماه موافق شود مثل غدیر و مبعث و مولود و امثال اینها و نهی از روزهٔ شنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم در روزهٔ آن بخاطر ندارم مگر آنکه شیخ مفید روایت کرده است که هر که در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال بنویسد

باب یازدهم در بیان زیارات حضرت رسول خدا و ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم است بغیر آنچه سابقا مذکور شد بدانکه زیارت حضرت رسول خدا و ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم در همهٔ اوقات

در بیان زیارات حضرت رسول و ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم

ازنزدیک

از نزدیک و دور مستحبست و اگر بعد از غسل باشد افضل است خصوصا در شب و روز جمعه و سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر بتفصیل ذکر کرده ام و در این مقام بذکر چند زیارت بعید و زیارت جامعه و دعای ندبه و صلوات فرستادن بر ایشان اکتفا مینمائیم و اما زیارت حضرت رسالت از حضرت رسول منقولست که خدا را ملکی چند هست که میگردند در زمین و هر که از امت من بر من سلام میفرستد بمن میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ملکی از ملائکه از خدا سؤال نمود که هرچه بندگان خدا گویند او بشنود و حق تعالی با و عطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مؤمنان بگوید صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ البته آن ملک میگوید وَعَلَيْكَ یعنی بر تو باد نیز سلام پس آن ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام رسانیده است بر شما پس حضرت میفرماید وَعَلَيْهِ السَّلَامُ یعنی بر او باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول فرمود که هر که در هر جای زمین بر من سلام کند بمن میرسد و هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و در حدیث حسن از حضرمی منقولست که حضرت صادق مرا فرمود که در مسجد رسول خدا بسیار نماز کن تا توانی و فرمود که همیشه تو را میسر نمیشود که باین مکان شریف بیائی فرمود که نزد قبر رسول میروی گفتم بلی فرمود که بدرستی که سلامی که از نزدیک میکنی آنحضرت میشنود و اگر دور باشی سلام با نحضرت میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که بر و بد بمدینه و سلام کنید بر رسول خدا هرچند صلوات مؤمنان در هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که صلوات بفرستید بر حضرت رسول که در پهلوی قبر آنحضرت هرچند صلوات مؤمنان هر جا که باشند

باآنحضرت میرسد واین حدیث احتمال نماز هدیه دارد که از تر دیك و دور نماز کنند
و ثوابش را هدیه بروح مقدس آنحضرت کنند واحادیث صلوات وسلام بر آن
حضرت وزیارت آنحضرت در شهرهای دور بسیاراست وبسند صحیح منقولست
که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات
وسلام برحضرت رسول بابد فرستاد السلام علیك یا رسول الله ورحمة
فرمود که میگوئی
درود بر تو ای فرستادهٔ خدا وبخشایش
الله وبرکاته السلام علیك یا محمد بن عبد الله السلام علیك یا
خدا وافزونیهای او درود بر تو ای محمد بن عبد الله درود بر تو ای
خیرة الله السلام علیك یا حبیب الله السلام علیك یا صفوة الله
برگزیدهٔ خدا درود بر تو ای دوست خدا درود بر تو ای برگزیدهٔ خدا
السلام علیك یا امین الله اشهد انك رسول الله واشهد انك
درود بر تو ای استوار خدا گواهی میدهم که توئی فرستادهٔ خدا وگواهی میدهم که توئی
محمد بن عبد الله واشهد انك قد نصحت لامتك وجاهدت فی سبیل
محمد بن عبد الله وگواهی میدهم که توئی بتحقیق که نیکخواهی کردی [illegible] وکارزار کردی در راه
ربك وعبدته مخلصا حتی اتاك الیقین فجزاك الله یا رسول الله
پروردگارت [illegible] تا آمد ترا مرگ یقین پس جزا دهد ترا خدا ای فرستادهٔ خدا
عنا افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد وآل محمد
[illegible] پیغمبری را از امتش بارخدایا درود ده بر محمد وخاندان محمد
افضل ما صلیت وبارکت ورحمت وترحمت علی ابراهیم وآل ابراهیم انك
افزونتر [illegible] درود داده برکت ورحمت وبخشایش بر ابراهیم وخاندان ابراهیم [illegible]
حمید مجید ودر روایت معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که خواهد
ستوده بزرگوار زیارت کند قبر حضرت رسول وحضرت امیر المؤمنین وفاطمه وحسن
وحسین را وقبرهای حجتهای خدا را صلوات الله علیهم اجمعین واو در شهر
خود باشد پس غسل کند در روز جمعه وجامهٔ پاکیزه بپوشد وبیرون رود
بصحرائی وچهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره که میسر شود پس بایستد رو

بقبله

بقبله السلام علیك ایها النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علیك
وبگوید درود بر تو ای پیغمبر وبخشایش خدا وافزونیهای او درود بر تو
ایها النبی المرسل والوصی المرتضی والسیدة الزهراء والسبطان
ای پیغمبر فرستاده وجانشین پسندیده ومهتر زنان درخشنده ودو نوادهٔ
المنتجبان والاولاد الاعلام والامناء المنتجبون جئت انقطاعا الیکم
برگزیده وفرزندان بلندنشان واستواران گزینان آمدم بریده شده بسوی شما
والی ابائکم وولدکم الخلف علی برکة الحق فقلبی لکم مسلم ونصرتی
وبسوی پدران شما وفرزند [illegible] افزوده حق [illegible]
لکم معدة حتی یحکم الله لدینه فمعکم معکم لا مع عدوکم انی لمن القائلین
[illegible]
بفضلکم مقر برجعتکم لا انکر لله قدرة ولا ازعم الا ما شاء الله سبحان
[illegible]
الله ذی الملك والملکوت یسبح الله باسمائه جمیع خلقه والسلام علی ارواحکم
خدا خداوند پادشاهی آشکار وپنهان [illegible] ودرود بر جانهای شما
واجسادکم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ودر روایت دیگر واقع شده است
وتنهای شما ودرود بر شما وبخشایش خدا وافزونیهای او که این زیارت را در بام خانهٔ خود
وزیارت حضرت فاطمه سابقا مذکور شد اما زیارت حضرت امام حسین بسندهای
معتبر از سدیر صراف منقولست که گفت حضرت صادق بمن فرمود که چه مانع است
ترا از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین را در هر هفته پنج مرتبه یا در هر روز یکمرتبه
گفتم فدای تو شوم میان من وآنحضرت فرسخهای بسیار هست فرمود که بالا میروی
ببام خانهٔ خود پس ملتفت میشوی بجانب راست وچپ خود پس سر خود را بسوی آسمان
بلند میکنی پس رو بجانب قبر آن حضرت میکردانی ومیگوئی السلام علیك یا ابا عبد الله السلام علیك
درود بر تو ای ابا عبد الله درود بر تو
یا ابن رسول الله السلام علیك ورحمة الله وبرکاته تا نوشته شود برای
ای پسر فرستادهٔ خدا درود بر تو وبخشایش خدا وافزونیهای او تو ثواب حجی وعمرهٔ
سدیر گفت که بسیار است که من در روزی زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت

میکنم و بسند صحیح از آنحضرت منقولست که هر که ناحیه اش بعید و خانه اش دور
باشد از ما پس بالا رود ببام خانهٔ خود و دو رکعت نماز بکذارد و اشاره کند بسوی
قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در حدیث معتبر منقولست از سلیمان بن عیسی
که کفت بپدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق ع که چکونه ترا زیارت کنم هر کاه قادر
بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هر کاه قادر بر آمدن نباشی چون
روز جمعه شود غسل بکن یا وضو بساز و بالا رو ببام خانهٔ خود و دو رکعت نماز
بکن و متوجه شو بسوی من بدرستی که هر که مرا زیارت کند در حیات من چنانست
که مرا زیارت کرده است بعد از موت من و کسی که مرا زیارت کند بعد از موت من چنانست
که مرا زیارت کرده است در حیات من **مؤلف کوید** که این حدیث دلالت میکند بر
اینکه در این زمانها حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه را در همه موضع زیارت
توان کردن و اکر رو ببام کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی از زیارات
مخصوصهٔ آنحضرت مذکور خواهد شد ان شاء الله و در حدیث معتبر دیکر مرویست که
حضرت صادق ع بسدیر فرمود که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی ع را کفت از
بسیاری شغل مرا مقدور نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم نمایم که هر کاه
بکنی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود کفت بلی فدای تو شوم فرمود که
غسل بکن در خانهٔ خود و بالا رو ببام خانهٔ خود و اشاره کن بجانب آنحضرت بسلام کردن
تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر دیکر منقولست که حنان بن
سدیر رفت بخدمت حضرت صادق ع و نزد آنحضرت جماعتی از اصحاب آنحضرت بودند
پس حضرت فرمود که ای حنان زیارت امام حسین ع میکنی هر ماه یکمرتبه کفتم نه فرمود
که هر سال یکمرتبه کفت نه فرمود که چه بسیار جفاکارید شما نسبت بآقای خود کفت
یا بن رسول الله مانع من کمی توشه و دوری مسافتست فرمود که میخواهی شما را

دلالت کنم بر زیارتی که مقبول باشد هر چند زیارت کننده دور باشد کفت چکونه
زیارت کنم یا بن رسول الله فرمود که غسل کن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش
پاکترین جامهای خود را و بالا رو بر بلندترین بامهای خانهٔ خود یا برو بصحرا و رو
بجانب قبر کن و بکو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَ سَیِّدی وَ ابْنَ سَیِّدی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
درود بر تو ای آقای من و مهتر من و پسر مهتر من درود بر تو
یا مَوْلایَ یا قَتیلَ ابْنَ الْقَتیلِ الشَّهیدَ ابْنَ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللهِ
ای آقای من ای کشته شده پسر کشته شده ای شهید پسر شهید درود بر تو و بخشایش خدا
وَ بَرَکاتُهُ اَنَا زائِرُکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ بِقَلْبی وَ لِسانی وَ جَوارِحی وَ اِنْ لَمْ اَزُرْکَ
و افزونیهای او من پرستش نماینده توام ای پسر فرستادهٔ خدا بدل و زبان و اندامها ام و اکر چه پرستش ننمودم ترا
بِنَفْسی وَ الْمُشاهَدَةِ لِقُبَّتِکَ فَعَلَیْکَ السَّلامُ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ وَ
بجان خود و بدیدن خرکاهت و پس بر تو باد درود ای میراث دار آدم برکزیدهٔ خدا و
یا وارِثَ اِبْرهیمَ خَلیلِ اللهِ وَ وارِثَ مُوسی کَلیمِ اللهِ وَ وارِثَ عیسی رُوحِ اللهِ
وارث ابرهیم دوست دار خدا و وارث موسی هم سخن خدا و وارث عیسی روح از خدا
وَ کَلِمَتِهِ وَ وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللهِ وَ نَبِیِّهِ وَ رَسُولِهِ وَ وارِثَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ
و سخن او و وارث محمد دوست خدا و پیغمبر او و فرستادهٔ خدا و وارث علی پادشاه مؤمنان
وَ وَصِیِّ رَسُولِ اللهِ وَ خَلیفَتِهِ وَ وارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَصِیِّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ
و وصی فرستادهٔ خدا و جانشین او و وارث حسن پسر علی وصی پادشاه کرویدکان
لَعَنَ اللهُ قاتِلیکَ وَ جَدَّدَ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ فی هذِهِ السّاعَةِ وَ فی کُلِّ ساعَةٍ اَنَا یا
نفرین کناد خدا کشندکانت و تازه کرداناد بر ایشان عذاب در این دم و در همه دم منم ای
سَیِّدی مُتَقَرِّبٌ اِلَی اللهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ اِلی جَدِّکَ رَسُولِ اللهِ وَ اِلی اَبیکَ اَمیرِ
مهتر من نزدیک شونده بسوی خدای بزرک و بسوی جدت فرستاده خدا و بسوی پدرت فرمان
الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی اَخیکَ الْحَسَنِ وَ اِلَیْکَ یا مَوْلایَ عَلَیْکَ سَلامُ اللهِ وَ رَحْمَتُهُ
فرمای کرویدکان و بسوی برادرت حسن و بسوی تو ای خواجهٔ من بر تو باد درود خدا و بخشایش خدا
وَ بَرَکاتُهُ بِزِیارَتی لَکَ بِقَلْبی وَ لِسانی وَ جَمیعِ جَوارِحی فَکُنْ یا سَیِّدی شَفیعی
و افزونیها او بپرستش نمودن من ترا بدل و زبان و همه اندامها ام پس باش ای مهتر من خواهنده در خواست
لِقَبُولِ ذلِکَ مِنّی وَ اَنَا بِالْبَرائَةِ مِنْ اَعْدائِکَ وَ اللَّعْنَةِ لَهُمْ وَ عَلَیْهِمْ اَتَقَرَّبُ
از برای پذیرفتن این از من و منم بیزار شدن از دشمنانت و نفرین کردن ایشان و بر ایشان نزدیکی میجویم

وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ وَ
یا میراث دار نوح پیغمبر خدا

إلَى اللهِ وَإلَيْكُمْ أجْمَعِينَ فَعَلَيْكَ صَلَوَاتُ اللهِ وَرِضْوانُهُ وَرَحْمَتُهُ پس اندکی
بسوی خدا و بسوی شما همگی پس بر تو باد درودهای خدا و خوشنودیهای او و بخشایش او میکردی
بجانب چپ خود و رو میکردانی بسوی قبر علی بن الحسین که او نزد پای پدر خود
مدفونست و سلام میکنی بر او مثل این سلام پس دعا میکنی و میطلبی حاجتهای دنیا
و آخرت خود را پس چهار رکعت نماز میکذاری که نماز زیارت هشت رکعت یا شش
رکعت یا چهار رکعت یا دو رکعت و بهتر هشت رکعتست پس رو میکنی بجانب
قبر امام حسین انا مُوَدِّعُكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي
و میکوئی منم بدرود کنندهٔ تو ای خواجهٔ من و پسر خواجهٔ من و مهتر من و پسر مهتر من
يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُوَدِّعُكُمْ يَا سَادَاتِي يَا مَعْشَرَ الشُّهَدَاءِ فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ
ای علی پسر حسین و بدرود کنندهٔ تو ای مهتران من ای کروه شهیدان پس بر شما باد درود
اللهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ **مؤلف گوید** چون عبارت این حدیث متواتر
خدا و بخشایش او و افزونیهای او و خوشنودی او واضطرابی دارد چند احتمال دارد بهتر
آنست که همین زیارت را با وداع چنانچه رو بقبر شریف میخواند رو بقبله نیز بکند
و بخواند تا آنکه بهمه احتمالات عمل کرده باشد و در زیارت حضرت علی بن الحسین بجا
یا وارث در همه جاها یا بن وارث بخواند یا از وارث قصد وراثت امامت و خلافت
نکند زیرا که آنحضرت امام نبوده است و بدانکه این حدیث دلالت میکند بر اینکه از
دور که زیارت کند نماز زیارت را بعد از زیارت باید بکند و احادیث بعضی دلالت
میکند بر اینکه پیش باید بکند و دور نیست که مخیر باشند و اکر این زیارت را بکند
بهمین نحو که وارد شده است بکند و از این احادیث معلوم شد که غسل از برای زیارت
بعید مستحبست و از بعضی هم مفهوم شد که بی غسل نیز میتوان کرد و از بعضی عمومات
مستفاد میشود که هر جا که میتوان کرد چنانچه اکثر علما کفته اند و اکر در بام خانه یا صحرا
واقع سازد احوط و اولی است و در حدیث معتبر از حسن بن ثویر منقولست که بحضرت
حضرت صادق عرض کردم که بسیار حضرت امام حسین را یاد میکنم در آنوقت چه بکویم
فرمود که سه مرتبه بکو صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أبَا عَبْدِ اللهِ که سلام بر آنحضرت

برسد

میرسد از نزدیک و دور و شیخ طوسی ذکر کرده است که زیارت میتوان کرد ائمه را
از دور چنانچه از نزدیک ایشان زیارت میکنند اما در جائی که آمَیْتُكَ زائِرًا باشد
نکوید بلکه بکوید قَصَدْتُكَ بِقَلْبِي إذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِكَ وَوَجَّهْتُ إلَيْكَ
سَلَامِي لِعِلْمِي أنَّهُ يَبْلُغُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ
و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر علما روایت کرده است از ابو الحسن قادسی که
کفت من بسیار بزیارت حضرت امام حسین میرفتم پس چندی بسبب پیری و کمی
مال توفیق زیارت آنحضرت نیافتم پس شبی حضرت رسول را در خواب دیدم که حضرت
امام حسین در خدمت آنحضرت بودند چون من نزدیک ایشان رسیدم امام حسین علیه السلام
کفت یا رسول الله این مرد مرا بسیار زیارت میکرد و اکنون ترک کرده است حضرت رسول
متوجه من کردیده و فرمود که آیا ترک زیارت مثل حسین توان کرد کفتم یا رسول الله قلت
مال و پیری مرا مانع ادراک این سعادت کردیده است حضرت فرمود که هر شب بر بام
خانه خود برو و بانکشت شهادت بسوی قبر آنحضرت اشارت کن و بکو
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأبِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمِّكَ وَأخِيكَ
درود بر تو و بر جدت و پدرت درود بر تو و بر مادرت و برادر تو
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ مِنْ بَنِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
درود بر تو و بر پیشوایان از پسرانت درود بر تو ای
صَاحِبَ الدَّمْعَةِ السَّاكِبَةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ الرَّاتِبَةِ
خداوند اشکهای روان درود بر تو ای خداوند ناخوشیهای همیشه
لَقَدْ أصْبَحَ كِتَابُ اللهِ فِيكَ مَهْجُورًا وَرَسُولُ اللهِ فِيكَ مَوْتُورًا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
هر آینه بتحقیق بامداد کرد کتاب خدا در بارهٔ تو کذاشته شده و فرستادهٔ خدا در بارهٔ تو کینه خود دریافته درود بر تو
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى أنْصَارِ اللهِ وَخُلَفَائِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى اُمَنَاءِ
و بخشایش خدا و افزونیهای او درود بر یاوران خدا و جانشینان او درود بر استواران
اللهِ وَأحِبَّائِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللهِ وَحَفَظَةِ
خدا و دوستانش درود بر جاهای شناسائی خدا و کانهای دانش خدا و نکاهدارندکان

سر الله وحملة كتاب الله واوصياء نبي الله وذرية رسول الله صلى الله عليه
دار خدا و بردارندگان کتاب خدا و جانشینان پیغمبر خدا و فرزندان فرستادهٔ خدا درود خدا بر او
وآله ورحمة الله وبركاته پس هر حاجت که داری و خواهی از خدا سؤال کن
و خاندان او و بخشایش خدا و افزونیهای او پس اگر چنین کنی زیارت تو از دور و نزدیک هر دو
مقبول است واما زیارت سایر ائمه علیهم السلام از دور و نزدیک بهترین آنها زیارت
جامعه است که ابن بابویه و دیگران به سند معتبر روایت کرده اند که شخصی از حضرت
امام علی نقی ع سؤال نمود که ای فرزند رسول خدا بمن تعلیم نما سخن بلیغ کاملی که
آنرا بخوانم هر گاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه برسی بایست و بگو
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست انبازی برای او و گواهی میدهم که محمد بندهٔ او و فرستادهٔ اوست
و باید که با غسل باشی و چون داخل شوی و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه الله اکبر
بگو پس راه برو با آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیک بیکدیگر بردار پس
بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیک قبر برو و چهل
مرتبه الله اکبر بگو که صد مرتبه تمام شود پس بگو
السلام عليكم يا اهل بيت النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملئكة
درود بر شما ای خاندان پیغمبری و جای فرستادگی و آمد شدگاه فرشتگان
ومهبط الوحي ومعدن الرحمة وخزان العلم ومنتهى الحلم واصول
و فرود آمدنگاه پیغام و کانهای بخشایش و نگاهدارندگان دانش و پایان بردباری و بنیادهای
الكرم وقادة الامم واولياء النعم وعناصر الابرار ودعائم الاخيار
بزرگواری و پیشروان گروهها و خداوندان نعمتها و بنیادهای نیکوکاران و ستونهای نیکان
وساسة العباد واركان البلاد وابواب الايمان وامناء الرحمن وسلالة
و نگاهدارندگان بندگان و گوشههای استوار شهرها و درهای گرویدن و امینان خدای بخشنده و نژاد
النبيين وصفوة المرسلين وعترة خيرة رب العالمين ورحمة الله و
پیغمبران و برگزیدهٔ فرستادگان و خویشان نزدیک برگزیدهٔ پروردگار عالمیان و بخشایش خدا و
بركاته السلام على ائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام التقى وذوي
افزونیهای او درود بر پیشوایان راهنمائی و چراغهای تاریکی و نشانهای پرهیزکاری و خداوندان

النهى

النهى واولي الحجى وكهف الورى وورثة الانبياء والمثل الاعلى
خرد و پناه مردمان و میراث برندگان دانش و دانش پیغمبران و نشانهای برتر
والدعوة الحسنى وحجج الله على اهل الدنيا والآخرة والاولى ورحمة
و خواندن نیکو و حجتهای خدا بر مردم اینجهان و آنجهان و نخست و بخشایش
الله وبركاته السلام على محال معرفة الله ومساكن بركة الله ومعادن
خدا و افزونیهای او درود بر جاهای شناختن خدا و آرامگاه افزونی خدا و کانهای
حكمة الله وحفظة سر الله وحملة كتاب الله واوصياء نبي الله و
دانش خدا و نگاهداران راز خدا و بردارندگان کتاب خدا و جانشینان پیغمبر خدا و
ذرية رسول الله صلى الله عليه وآله ورحمة الله وبركاته السلام على
فرزندان پیغمبر خدا درود خدا بر او و بر خاندانش و بخشایش خدا و افزونیهای او درود بر
الدعاة الى الله والادلاء على مرضات الله والمستقرين في امر الله
خوانندگان بسوی خدا و راه نمایان بخوشنود شدن خدا و پایدارشوندگان در کار خدا
والتامين في محبة الله والمخلصين في توحيد الله والمظهرين لامر الله
و تمامان در دوست داشتن خدا و یکی کنندگان خدا و یکی گویان و آشکار کنندگان فرمان خدا
ونهيه وعباده المكرمين الذين لا يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون — ورحمة الله وبركاته
و نهی او و بندگان گرامی داشته شدگان آنانکه پیشی نمیگیرند او را بگفتار و ایشان بفرمان او کار میکنند — و بخشایش خدا و افزونیهایش
السلام على الائمة الدعاة والقادة الهداة والسادة الولاة و
درود بر پیشوایان خوانندگان و پیشروان راه نمایان و مهتران پیوندگان و
الذادة الحماة واهل الذكر واولي الامر وبقية الله وخيرته وعيبة — وحزبه
بازدارندگان نگهدارندگان و خداوندان یاد و خداوندان فرمان و باقیماندهٔ خدا و برگزیدهٔ او و صندوق — و لشکرش
علمه وحجته وصراطه ونوره ورحمة الله وبركاته اشهد ان لا اله — وبرهانه
دانشش و حجتش و راهش و روشنائیش و بخشایش خدا و افزونیهایش و گواهی میدهم که نیست خدائی — و دلیلهایش
الا الله وحده لا شريك له كما شهد الله لنفسه وشهدت له ملئكته
مگر خدای یگانه نیست انبازی برای او چنانکه گواهی داد خدا از برای ذات یگانگی و داد از برای او فرشتگانش
واولوا العلم من خلقه لا اله الا هو العزيز الحكيم واشهد ان محمدا عبده
و خداوندان دانش از آفریدگانش نیست خدائی مگر او بی شک دانا و گواهی میدهم که محمد بندهٔ اوست
المنتجب ورسوله المرتضى ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين — المجتبى
برگزیده و فرستادهٔ پسندیدهٔ اوست فرستاد او را براه راست و دین درست تا غالب گرداند او را بر دین

كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ

وگواهی میدهم که شمائید امامان راه یافتگان [illegible]

الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ

نگهداشته شدگان نواختگان نزدیکان پرهیزکاران راستگویان برگزیدگان فرمان‌برداران

لِلّٰهِ الْقَوَّامُونَ بِاَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِاِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اصْطَفَاكُمْ

خدا ایستادگان بفرمانش کارکنان بخواستنش فیروزمندان بنوازشش برگزید شما را

بِعِلْمِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَاَعَزَّكُمْ

بدانستنش و پسندید شما را [illegible]

بِهُدَاهُ وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَاَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ

[illegible]

خُلَفَاءَ فِي اَرْضِهِ وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَاَنْصَارًا لِدِينِهِ وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ

جانشینان در زمینش و حجتها بر مردمانش و یاوران از برای دینش و نگاهدارندگان از برای رازش

وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَتَرَاجِمَةً لِوَحْيِهِ وَاَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ

[illegible]

وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَاَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَاَدِلَّاءَ عَلَى

وگواهان بر آفریدگانش و نشانها [illegible] و راهنمایان بر

صِرَاطِهِ عَصَمَكُمُ اللّٰهُ مِنَ الزَّلَلِ وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ

راهش نگهداشت شما را خدا از [illegible]

وَاَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَاَكْبَرْتُمْ شَاْنَهُ

و برد از شما پلیدی را [illegible]

وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَاَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ وَاَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ

[illegible]

وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ اِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

[illegible] در پنهان و آشکار و خواندید بسوی راه او [illegible]

الْحَسَنَةِ وَبَذَلْتُمْ اَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا اَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ

نیکو و بخشیدید جانهای خود را [illegible]

وَاَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ

و بپاداشتید نماز را و دادید زکوة را و فرمودید بنیکوئی و بازداشتید از بدی

وادمنتم ذ

وَجَاهَدْتُمْ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتّٰى اَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَاَقَمْتُمْ

[illegible]

حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ اَحْكَامِهِ وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَصِرْتُمْ فِي ذٰلِكَ مِنْهُ

[illegible]

اِلَى الرِّضَا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضٰى فَالرَّاغِبُ

[illegible]

عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ

[illegible]

وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَاِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ اَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ

[illegible] و میراث پیغمبری نزد شماست

وَاِيَابُ الْخَلْقِ اِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ

[illegible]

وَآيَاتُ اللّٰهِ لَدَيْكُمْ وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَاَمْرُهُ اِلَيْكُمْ

و نشانهای خدا نزد شماست [illegible]

مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللّٰهَ وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللّٰهَ وَمَنْ اَحَبَّكُمْ

[illegible]

فَقَدْ اَحَبَّ اللّٰهَ وَمَنْ اَبْغَضَكُمْ فَقَدْ اَبْغَضَ اللّٰهَ وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ

[illegible]

بِاللّٰهِ اَنْتُمُ السَّبِيلُ الْاَعْظَمُ وَالصِّرَاطُ الْاَقْوَمُ وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَ

[illegible] راه بزرگتر و راه راست‌تر و گواهان سرای [illegible]

شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ وَالْاَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ

[illegible] پیوسته و نشان نگهداشته شده و امانت نگهداشته شده

وَالْبَابُ الْمُبْتَلٰى بِهِ النَّاسُ مَنْ اَتَاكُمْ فَقَدْ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَاْتِكُمْ فَقَدْ هَلَكَ

[illegible]

اِلَى اللّٰهِ تَدْعُونَ وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ وَبِهِ تُؤْمِنُونَ وَلَهُ تُسَلِّمُونَ وَبِاَمْرِهِ

بسوی خدا میخوانید [illegible]

تَعْمَلُونَ وَاِلٰى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ سَعِدَ وَاللّٰهِ مَنْ وَالَاكُمْ

[illegible]

وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ

[illegible]

وقررتم ذ

وَاِيَابُ الْخَلْقِ اِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ

[illegible]

بكم وأمن من لجأ إليكم وسلم من صدّقكم وهُدي من اعتصم بكم
بشما و ایمن شد کسی که پناه آورد بشما و سالم ماند کسی که راست گو دانست شما را و راه نموده شد کسی که چنگ زد بشما
من اتّبعكم فالجنّة مأواه ومن خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم كافر
کسی که پیروی کرد شما را پس بهشت جای اوست و کسی که مخالفت کرد شما را پس آتش جای اوست و کسی که انکار کرد شما را کافر است
ومن حاربكم مشرك ومن ردّ عليكم في أسفل درك من الجحيم أشهد
و کسی که جنگ کرد با شما مشرک است و کسی که رد کرد بر شما در پایین ترین پایه است از دوزخ گواهی میدهم
أنّ هذا سابق لكم فيما مضى وجارٍ لكم فيما بقي وأنّ أرواحكم ونوركم
که این پیشی است از برای شما در گذشته و روان است از برای شما در آینده و اینکه جانهای شما و نور شما
وطينتكم واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله أنوارا
و سرشت شما یکیست خوش است و پاک است برخی از شما از برخی آفرید شما را خدای نورها
فجعلكم بعرشه محدقين حتى منّ علينا بكم فجعلكم في بيوت أذن الله
پس گردانید شما را بعرش خود گرداگرد تا منت گذاشت بر ما بشما پس گردانید شما را در خانهائی که دستوری داد خدا
أن ترفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصّنا به
که بلند کرده شود و یاد کرده شود در آن نامش و گردانید درودهای ما را بر شما و آنچه ویژه کرد ما را بآن
من ولايتكم طيبا لخلقنا وطهارة لأنفسنا وتزكية لنا وكفّارة
از دوستی شما خوشی از برای آفرینش ما و پاکی از برای جانهای ما و پاکیزگی از برای ما و فرا پوشیدن از
لذنوبنا فكنّا عنده مسلّمين بفضلكم ومعروفين بتصديقنا إيّاكم
برای گناهان ما پس هستیم نزد او گردن نهندگان بافزونی شما و شناخته شدگان براست داشتن ما شما را
فبلغ الله بكم أشرف محلّ المكرّمين وأعلى منازل المقرّبين وأرفع درجات
پس رسانید خدا شما را بزرگترین جای نوازش کرده شدگان و بلندترین فرودگاه نزدیکان و افراشته ترین پایهای
المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق ولا
فرستادگان جائی که نرسد او را رسنده و برتری نجوید بر او برتری جوینده و پیشی نگیرد از او پیشی گیرنده و امید
يطمع في إدراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرّب ولا نبيّ مرسل ولا صدّيق
ندارد در دریافتن آن امیدوارنده تا نماند فرشته نزدیکی و نه پیغمبر فرستاده و نه راست گوینده
ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دنيّ ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا
و نه کشته شده در راه خدا و نه دانا و نه نادان و نه فرومایه و نه افزونی و نه گرونده شایسته و نه
فاجر طالح ولا جبّار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق فيما بين ذلك
نابکار تباه کار و نه ستمکار ستیزنده و نه دیو سرکش و نه آفریده در میان این

شهید

شهيد إلّا عرّفهم جلالة أمركم وعظم خطركم وكبر شأنكم وتمام نوركم
مگر آنکه شناسانید با ایشان بزرگواری کار شما را و بزرگی ارج شما را و بزرگواری پایه شما را و تمامی روشنائی شما را
وصدق مقاعدكم وثبات مقامكم وشرف محلّكم ومنزلتكم عنده
و راستی نشیمنگاه شما را و پا برجا بودن جای شما را و بزرگی جای شما را و پایه شما را نزد خودش
وكرامتكم عليه وخاصّتكم لديه وقرب منزلتكم منه بأبي أنتم وأمّي
و بزرگواری شما را بر او و ویژگی شما را نزد خودش و نزدیکی پایه شما از او پدرم و مادرم
وأهلي ومالي وأسرتي أشهد الله وأشهدكم أنّي مؤمن بكم وبما آمنتم
و کسانم و مالم و خویشانم فدای شما گواه میگیرم خدا را و گواه میگیرم شما را که من گرونده ام بشما و بآنچه گرویدید
به كافر بعدوّكم وبما كفرتم به مستبصر بشأنكم وبضلالة من خالفكم
بآن ناگرونده ام بدشمن شما و بآنچه نگرویدید بآن بینا دل بپایه شما و بگمراهی کسیکه خلاف کرد با شما
موالٍ لكم ولأوليائكم مبغض لأعدائكم ومعادٍ لهم سلم لمن سالمكم
دوست دارنده شما و دوستان شما دشمن دارنده دشمنان شما و دشمنی کننده مر ایشان را آشتی کننده ام با کسی که آشتی کرد با شما
وحرب لمن حاربكم محقّق لما حقّقتم مبطل لما أبطلتم مطيع لكم عارف
و جنگ کننده با کسی که جنگ کرد با شما درست دارنده آنچه درست کردید تباه دارنده آنچه تباه کردید فرمانبرنده مر شما را شناسا
بحقّكم مقرّ بفضلكم محتمل لعلمكم محتجب بذمّتكم معترف بكم
بحق شما اقرار کننده بافزونی شما بردارنده مر دانش شما را در پرده پیمان شما شناسا بشما
مؤمن بإيابكم مصدّق برجعتكم منتظر لأمركم مرتقب لدولتكم آخذ
گرونده ببازگشت شما راست دارنده برگشت شما چشم دارنده مر فرمان شما را چشم دارنده مر دولت شما را فرا گیرنده
بقولكم عامل بأمركم مستجير بكم زائر لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم
بگفتار شما کار کننده بفرمان شما زینهار خواهنده بشما زیارت کننده شما پناه برنده بشما پناه برنده بگورهای شما
مستشفع إلى الله عزّ وجلّ بكم ومتقرّب بكم إليه ومقدّمكم أمام
خواهان شفاعت بسوی خدا بشما و نزدیکی جوینده بشما بسوی او و پیش دارنده شما پیش روی
طلبتي وحوائجي وإرادتي في كلّ أحوالي وأموري مؤمن بسرّكم
خواستنم و امیدهایم و خواستنم در همه حالهایم و کارهایم گرونده بپنهان شما
وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم وأوّلكم وآخركم ومفوّض في ذلك
و آشکار شما و پیدای شما و ناپیدای شما و نخست شما و باز پسین شما و واگذارنده در این
كلّه إليكم ومسلّم فيه معكم وقلبي لكم مسلّم ورأيي لكم تبع ونصرتي
همه بسوی شما و گردن نهنده در آن با شما و دل من مر شما را گردن نهنده است و رای من

ونفسی

لكم معكم حتى يحيي الله تعالى دينه بكم ويردكم في ايامه ويظهركم
لعدله ويمكنكم في ارضه فمعكم معكم لا مع عدوكم آمنت بكم
وتوليت آخركم بما توليت به اولكم وبرئت الى الله عز وجل من اعدائكم
ومن الجبت والطاغوت والشياطين وحزبهم الظالمين لكم والجاحدين
لحقكم والمارقين من ولايتكم والغاصبين لارثكم والشاكين فيكم
والمنحرفين عنكم ومن كل وليجة دونكم وكل مطاع سواكم ومن الائمة
الذين يدعون الى النار فثبتني الله ابدا ما حييت على موالاتكم ومحبتكم
ودينكم ووفقني لطاعتكم ورزقني شفاعتكم وجعلني من خيار مواليكم
التابعين لما دعوتم اليه وجعلني ممن يقتص آثاركم ويسلك سبيلكم
ويهتدي بهداكم ويحشر في زمرتكم ويكر في رجعتكم ويملك في
دولتكم ويشرف في عافيتكم ويمكن في ايامكم وتقر عينه غدا برؤيتكم
بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي من اراد الله بدأ بكم ومن وحده
قبل عنكم ومن قصده توجه بكم موالي لا احصي ثناءكم ولا ابلغ
من المدح كنهكم ومن الوصف قدركم وانتم نور الاخيار وهداة

الابرار

الابرار وحجج الجبار بكم فتح الله وبكم يختم وبكم ينزل الغيث وبكم
يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه وبكم ينفس الهم وبكم
يكشف الضر وعندكم ما نزلت به رسله وهبطت به ملائكته والى
جدكم بعث الروح الامين واگر زيارت حضرت امیر المؤمنین باشد بجای
والى جدكم بعث الروح الامين بگو
والى اخيك بعث الروح الامين پس بگو آتاكم الله ما لم يؤت احدا من
العالمين طأطأ كل شريف لشرفكم وبخع كل متكبر لطاعتكم و
خضع كل جبار لفضلكم وذل كل شيء لكم واشرقت الارض بنوركم
وفاز الفائزون بولايتكم بكم يسلك الى الرضوان وعلى من جحد
ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي ذكركم
في الذاكرين واسماؤكم في الاسماء واجسادكم في الاجساد وارواحكم
في الارواح وانفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار وقبوركم في القبور
فما احلى اسماءكم واكرم انفسكم واعظم شأنكم واجل خطركم و
اوفى عهدكم واصدق وعدكم كلامكم نور وامركم رشد ووصيتكم
التقوى وفعلكم الخير وعادتكم الاحسان وسجيتكم الكرم وشأنكم

الحق والصدق والرفق وقولكم حكم وحتم ورأيكم علم وحلم وحزم
ان ذكر الخير كنتم اوله واصله وفرعه ومعدنه ومأويه ومنتهاه
بابي انتم وامي ونفسي كيف اصف حسن ثنائكم واحصي جميل بلائكم
وبكم اخرجنا الله من الذل وفرج عنا غمرات الكروب وانقذنا بكم
من شفا جرف الهلكات ومن النار بابي انتم وامي ونفسي بموالاتكم
علمنا الله معالم ديننا واصلح ما كان فسد من دنيانا وبموالاتكم
تمت الكلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة وبموالاتكم تقبل
الطاعة المفترضة ولكم المودة الواجبة والدرجات الرفيعة
والمقام المحمود والمكان المعلوم عند الله عز وجل والجاه العظيم و
الشأن الكبير والشفاعة المقبولة ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول
فاكتبنا مع الشاهدين ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا
من لدنك رحمة انك انت الوهاب سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا
يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا لا يأتي عليها الا رضاكم
فبحق من ائتمنكم على سره واسترعاكم امر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته

لما استوهبتم ذنوبي وكنتم شفعائي فاني لكم مطيع من اطاعكم فقد
اطاع الله ومن عصاكم فقد عصى الله ومن احبكم فقد احب الله
ومن ابغضكم فقد ابغض الله اللهم اني لو وجدت شفعاء اقرب اليك
من محمد واهل بيته الاخيار الائمة الابرار لجعلتهم شفعائي فبحقهم
الذي اوجبت لهم عليك اسألك ان تدخلني في جملة
العارفين بهم وبحقهم وفي زمرة المرحومين بشفاعتهم انك ارحم
الراحمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا
كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل **مؤلف گوید** که این زیارت کامل‌ترین
زیارات است از برای نزدیك و دور

وچون منظور عمده در این رساله ذکر زیارت جامعه است زیارت وداع را ذکر
نکردیم وچون این زیارت مشتملست بر مجملی از جمیع احادیثی که در مناقب ائمه علیهم السلام
وارد شده است اگر در هفته بلکه هر روز این زیارت را بخوانند وتدبر وتفکر در
معانی آن بکنند موافق آنچه فقیر مجملا ترجمه کرده ووالد مرحوم علیه الرحمه مفصلا
شرح نموده برای معرفت کمال ایشان بسیار نافع خواهد بود وعمده ارکان ایمان
معرفت ایشانست وزیارت حضرت صاحب الامر بطرق بسیار منقول شده ودر
کتاب تحفة الزائر ایراد کرده ام ودر این مقام زیارت مختصری با تجدید عهد امامت وولایت
آنحضرت ایراد مینمائیم که امام خود را پیوسته یاد نمایند واز برکات هدایات آنحضرت
بهره‌مند گردند وسید بن طاوس ذکر کرده که مستحبست که هر روز بعد از نماز صبح

حضرت صاحب الامر را چنین زیارت کنند اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله
بارخدایا برسان آقای ما خداوند روزگار درودهای خدا
علیه عن جمیع المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها
براو از همه مردان گرویدگان وزنان گرویدگان در برآمدنگاههای زمین وفرورفتنگاهها
وبرها وبحرها وسهلها وجبلها حیهم ومیتهم وعن والدی وولدی
دشتان ودریاهای آن وهامون آن وکوه آن زنده شان ومرده شان واز پدر ومادرم وفرزندم
وعنی من الصلوات والتحیات زنة عرش الله ومداد کلماته ومنتهی
واز من از درودها وتحیتها همسنگ عرش خدا وشمار سخنان او وپایان
رضاه وعدد ما احصاه کتابه واحاط به علمه اللهم انی اجدد له فی هذا
خوشنودیش وشمار آنچه شمرده است آنرا کتابش وفرا رسیده است آنرا دانشش بارخدایا نو میکنم از برای او در این
الیوم وفی کل یوم عهدا وعقدا وبیعة له فی عنقی رقبتی اللهم کما
روز ودر هر روز پیمانی وبستنی را وبیعتی را از برای او در گردنم بارخدایا چنانکه
شرفتنی بهذا التشریف وفضلتنی بهذه الفضیلة وخصصتنی
بزرگوار کردی مرا باین بزرگوار کردن وافزون کردی مرا باین هنر ویکتا گردانیدی مرا
بهذه النعمة فصل علی مولای وسیدی صاحب الزمان واجعلنی
باین نعمت پس درود ده بر خواجه ما ومهتر ما خداوند روزگار وبگردان مرا
من انصاره واشیاعه والذابین عنه واجعلنی من المستشهدین بین
از یاوران وپیروانش وبازدارندگان از آن وبگردان مرا از خواهندگان شهادت میان
یدیه طائعا غیر مکره فی الصف الذی نعت اهله فی کتابک فقلت
دو دستش فرمانبردار نه ناخوش در آن رده که نشان داده مردمش در کتابت پس گفته
صفا کانهم بنیان مرصوص علی طاعتک وطاعة رسولک وآله
چو رده گویا ایشان بنای استوار ساخته شده بر فرمانبرداریت وفرمانبرداری فرستاده ات وخاندانش
علیهم السلام اللهم هذه بیعة له فی عنقی الی یوم القیمة وبسند
برایشان باد درود بارخدایا این بیعتیست از برای او در گردن من تا روز رستخیز
معتبر
از حضرت صادق ع منقولست که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم
ما باشد واگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا اورا از قبر بیرون آورد که در خدمت آن
حضرت باشد وحق تعالی بهر کلمه هزار حسنه اورا کرامت فرماید وهزار گناه از او

محو کند وآن عهد اینست اللهم رب النور العظیم ورب الکرسی الرفیع ورب البحر
بارخدایا پروردگار روشنائی بزرگ وپروردگار کرسی بلند وپروردگار دریای
المسجور ومنزل التوریة والانجیل والزبور ورب الظل والحرور ومنزل
پرکرده وفروفرستنده توریة وانجیل وزبور وپروردگار سایه وباد گرم وفروفرستنده
القرآن العظیم ورب الملئکة المقربین والانبیاء والمرسلین اللهم
قرآن بزرگ وپروردگار فرشتگان نزدیکان وپیغمبران وفرستادگان بارخدایا
انی اسئلک بوجهک الکریم وبنور وجهک المنیر وملکک القدیم یا
بدرستیکه من میخواهم از تو بذات بزرگوارت وبروشنائی ذات تابانت وپادشاهی دیرینت ای
حی یا قیوم اسئلک باسمک الذی اشرقت به السموات والارضون
زنده ای پاینده میخواهم از تو بنام تو که روشن شده است آسمانها وزمینها
وباسمک الذی یصلح به الاولون والآخرون یا حیا قبل کل حی
وبنام تو که نیکو شده اند بآن گذشتگان وآیندگان ای زنده پیش از هر زنده
ویا حیا بعد کل حی یا حیا حین لا حی یا محیی الموتی وممیت الاحیاء
وای زنده پس از هر زنده ای زنده هنگامیکه نیست زنده ای زنده کننده مردگان ومیراننده زندگان
یا حی لا اله الا انت اللهم بلغ مولانا الامام الهادی المهدی
ای زنده نیست خدائی بجز تو بارخدایا برسان خواجه ما را پیشوای راهنمای راه یافته
القائم بامرک صلوات الله علیه وعلی آبائه الطاهرین عن جمیع
ایستاده بکار فرمان تو درودهای خدا براو وبر پدران پاکش از همه
المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها سهلها وجبلها
مردان گرویدگان وزنان گرویدگان در برآمدنگاههای زمین وفرورفتنگاههای آن هامون آن وکوه آن
برها وبحرها عنی وعن والدی من الصلوات زنة عرش الله ومداد عدد
ودشت آن ودریای آن از من واز پدر ومادرم از درودها همسنگ عرش خدا وشمار
کلماته وما احصاه علمه واحاط به کتابه اللهم انی اجدد له فی
سخنانش وآنچه شمرده آنرا دانشش وفرا رسیده آنرا کتابش بارخدایا بدرستیکه من نو میکنم از برای او در
صبیحة یومی هذا وما عشت من ایامی عهدا وعقدا وبیعة له فی
بامداد روز من این وآنچه زندگی کردم از روزهای من پیمانی وبستنی وبیعتی از برای او در
عنقی لا احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلنی من انصاره
گردنم نگردم از آن ونزائل شوم هرگز بارخدایا بگردان مرا از یاری کنندگان او

والممتثلين

واعوانه والذابين عنه والمسارعين اليه في قضاء حوائجه والممتثلين
لاوامره والمحامين عنه والسابقين الى ارادته والمستشهدين بين
يديه اللهم ان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك
حتما فاخرجني من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي
ملبيا دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم ارني الطلعة الرشيدة
والغرة الحميدة واكحل ناظري بنظرة مني اليه وعجل فرجه وسهل
مخرجه واوسع منهجه واسلك بي محجته وانفذ امره واشدد
ازره واعمر اللهم به بلادك واحي به عبادك فانك قلت وقولك
الحق ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم
لنا وليك وابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك حتى لا يظفر بشيء
من الباطل الا مزقه ويحق الحق ويحققه واجعله اللهم مفزعا
لمظلوم عبادك وناصرا لمن لا يجد له ناصرا غيرك ومجددا لما
عطل من احكام كتابك ومشيدا لما ورد من اعلام دينك وسنن
نبيك صلى الله عليه وآله واجعله اللهم ممن حصنته من

بأس

بأس المعتدين اللهم وسر نبيك محمدا صلى الله عليه وآله برؤيته
ومن تبعه على دعوته وارحم استكانتنا بعده اللهم اكشف هذه
الغمة عن الامة بحضوره وعجل لنا ظهوره انهم يرونه بعيدا و
نريه قريبا برحمتك يا ارحم الراحمين پس سه مرتبه دست بر ران راست
خود ميزني و در هر مرتبه ميگوئي
العجل يا مولاي يا صاحب الزمان واما دعاي ندبه كه مشتملست بر عقايد
حقه و تاسف بر غيبت حضرت قائم ع
بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست كه سنتست اين دعاي ندبه را
در چهار عيد بخوانند يعني روز جمعه و روز عيد فطر و روز عيد قربان
و روز عيد غدير الحمد لله الذي لا اله الا هو وله الحمد رب العالمين
وصلى الله على محمد نبيه وآله وسلم تسليما اللهم لك الحمد على ما
جرى به قضاؤك في اوليائك الذين استخلصتهم لنفسك ودينك
اذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم المقيم الذي لا زوال له
ولا اضمحلال بعد ان شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا
الدنية وزخرفها وزبرجها فشرطوا لك ذلك وعلمت منهم الوفاء
به فقبلتهم وقربتهم وقدمت لهم الذكر العلي والثناء الجلي
واهبطت عليهم ملائكتك وكرمتهم بوحيك ورفدتهم بعلمك

وكرمتهم

وجعلتهم الذرائع اليك والوسيلة الى رضوانك فبعض اسكنته جنتك
الى ان اخرجته منها وبعض حملته في فلكك ونجيته ومن امن
معه من الهلكة برحمتك وبعض اتخذته لنفسك خليلا وسألك
لسان صدق في الاخرين فاجبته وجعلت ذلك عليا وبعض كلمته
من شجرة تكليما وجعلت له من اخيه ردءا ووزيرا وبعض اولدته
من غير اب واتيته البينات وايدته بروح القدس وكل شرعت
له شريعة ونهجت له منهاجا وتخيرت له اوصياء مستحفظا بعد
مستحفظ من مدة الى مدة اقامة لدينك وحجة على عبادك و
لئلا يزول الحق عن مقره ويغلب الباطل على اهله ولا يقول احد
لولا ارسلت الينا رسولا منذرا واقمت لنا علما هاديا فنتبع اياتك
من قبل ان نذل ونخزى الى ان انتهيت بالامر الى حبيبك ونجيبك
محمد صلى الله عليه واله فكان كما انتجبته سيد من خلقته و
صفوة من اصطفيته وافضل من اجتبيته واكرم من اعتمدته قدمته
على انبيائك وبعثته الى الثقلين من عبادك واوطأته مشارقك

ومغاربك

ومغاربك وسخرت له البراق وعرجت بروحه الى سمائك واودعته
علم ما كان وما يكون الى انقضاء خلقك ثم نصرته بالرعب و
حففته بجبرئيل وميكائيل والمسومين من ملائكتك ووعدته
ان تظهر دينه على الدين كله ولو كره المشركون وذلك بعد ان بوأته
مبوأ صدق من اهله وجعلت له ولهم اول بيت وضع للناس للذي
ببكة مباركا وهدى للعالمين فيه ايات بينات مقام ابرهيم ومن
دخله كان امنا وقلت انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت
ويطهركم تطهيرا ثم جعلت اجر محمد صلواتك عليه واله مودتهم
في كتابك فقلت قل لا اسالكم عليه اجرا الا المودة في القربى
وقلت ما سالتكم من اجر فهو لكم وقلت ما اسالكم عليه من اجر
الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا فكانوا هم السبيل اليك والمسلك
الى رضوانك فلما انقضت ايامه اقام وليه علي بن ابي طالب
صلواتك عليهما والهما هاديا اذ كان هو المنذر ولكل قوم هاد
فقال والملأ امامه من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه

والمسومين

وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من كنت نبيه
فعلي اميره وقال انا وعلي من شجرة واحدة وسائر الناس من شجر شتى
واحله محل هرون من موسى فقال له انت مني بمنزلة هرون من موسى
الا انه لا نبي بعدي وزوجه ابنته سيدة نساء العالمين واحل له
من مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه علمه وحكمته
فقال انا مدينة العلم وعلي بابها فمن اراد الحكمة فليأتها من بابها
ثم قال له انت اخي ووصيي ووارثي لحمك لحمي ودمك دمي وسلمك
سلمي وحربك حربي والايمان مخالط لحمك ودمك كما خالط لحمي
ودمي وانت غدا على الحوض خليفتي وانت تقضي ديني وتنجز عداتي
وشيعتك على منابر من نور مبيضة وجوههم حولي في الجنة وهم
جيراني ولولا انت يا علي لم يعرف المؤمنون بعدي وكان بعده هدى
من الضلال ونورا من العمى وحبل الله المتين وصراطه المستقيم لا
يسبق بقرابة في رحم ولا بسابقة في دين ولا يلحق في منقبة من
مناقبه يحذو حذو الرسول صلى الله عليهما وآلهما ويقاتل على

التاويل

التاويل ولا تاخذه في الله لومة لائم قد وتر فيه صناديد العرب و
قتل ابطالهم وناوش ذؤبانهم فاودع قلوبهم احقادا بدرية و
خيبرية وحنينية وغيرهن فاصبت على عداوته واكبت على منابذته
حتى قتل الناكثين والقاسطين والمارقين ولما قضى نحبه وقتله
اشقى الاشقياء من الاولين والاخرين يتبع اشقى الاولين لم يمتثل
امر رسول الله صلى الله عليه وآله في الهادين بعد الهادين والامة
مصرة على مقته مجتمعة على قطيعة رحمه واقصاء ولده الا القليل
ممن وفى لرعاية الحق فيهم فقتل من قتل وسبي من سبي واقصي من
اقصي وجرى القضاء لهم بما يرجى له حسن المثوبة اذ كانت الارض
لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين وسبحان ربنا ان
كان وعد ربنا لمفعولا ولن يخلف الله وعده وهو العزيز الحكيم
فعلى الاطائب من اهل بيت محمد وعلي صلى الله عليهما وآلهما فليبك
الباكون واياهم فليندب النادبون ولمثلهم فلتذر الدموع وليصرخ
الصارخون ويعج العاجون اين الحسن واين الحسين واين ابناء

منابذته

فلتذرف

ويضج الضاجون

و نالہ کنند نالہ کنندگان

الحسين صالح بعد صالح وصادق بعد صادق وأين السبيل بعد
السبيل وأين الخيرة بعد الخيرة أين الشموس الطالعة أين الأقمار
المنيرة أين الأنجم الزاهرة أين أعلام الدين وقواعد العلم أين بقية
الله التي لا تخلو من العترة الطاهرة أين المعد لقطع دابر الظلمة أين
المنتظر لإقامة الأمت والعوج أين المرتجى لإزالة الجور والعدوان
أين المدخر لتجديد الفرائض والسنن أين المتخير لإعادة الملة و
الشريعة أين المؤمل لإحياء الكتاب وحدوده أين محيي معالم الدين
وأهله أين قاصم شوكة المعتدين أين هادم أبنية الشرك والنفاق
أين مبيد أهل الفسوق والعصيان أين حاصد فروع الغي والشقاق
أين طامس آثار الزيغ والأهواء أين قاطع حبائل الكذب والافتراء
أين مبيد العتاة والمردة أين مستأصل أهل العناد والتضليل
والإلحاد أين معز الأولياء ومذل الأعداء أين جامع الكلم على
التقوى أين باب الله الذي منه يؤتى أين وجه الله الذي إليه يتوجه
الأولياء أين السبب المتصل بين أهل السماء والأرض أين صاحب

يوم

يوم الفتح وناشر راية الهدى أين مؤلف شمل الصلاح والرضا أين
الطالب بذحول الأنبياء وأبناء الأنبياء أين الطالب بدم المقتول
بكربلا أين المنصور على من اعتدى عليه وافترى أين المضطر الذي
يجاب إذا دعا أين صدر الخلائق ذو البر والتقوى أين ابن النبي
المصطفى وابن علي المرتضى وابن خديجة الغراء وابن فاطمة الكبرى
بأبي أنت وأمي ونفسي لك الوقاء والحمى يا ابن السادة المقربين
يا ابن النجباء الأكرمين يا ابن الهداة المهديين يا ابن الغطارفة
الأنجبين يا ابن الخضارمة المنتجبين يا ابن القماقمة الأكرمين
يا ابن الأطائب المعظمين المطهرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج
المضيئة يا ابن الشهب الثاقبة يا ابن الأنجم الزاهرة يا ابن السبل
الواضحة يا ابن الأعلام اللائحة يا ابن العلوم الكاملة يا ابن السنن
المشهورة يا ابن المعالم المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة يا ابن الدلائل
المشهودة يا ابن الصراط المستقيم يا ابن النبأ العظيم يا ابن من هو في
أم الكتاب لدى الله علي حكيم يا ابن الآيات والبينات يا ابن الدلائل

الظاهرات یا ابن البراهین الواضحات الباهرات یا ابن الحجج البالغات

اشکار ای پسر برهانهای روشن افزون نیا روشن ای پسر حجتهای رسا

یا ابن النعم السابغات یا ابن طه والمحکمات یا ابن یس والذاریات یا ابن

ای پسر نعمتهای تمام ای پسر طه و محکمهای کتاب ای پسر یس و سوره والذاریات ای پسر

الطور والعادیات یا ابن من دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی

[illegible]

دنوا واقترابا من العلی الاعلی لیت شعری این استقرت بک النوی

[illegible]

بل ای ارض تقلک او ثری ابرضوی ام غیرها ام ذی طوی عزیز

[illegible] یا در ذی طوی دشوار است

علی ان اری الخلق ولا تری ولا اسمع لک حسیسا ولا نجوی عزیز

[illegible]

علی ان تحیط بک دوننا البلوی ولا ینالک منی ضجیج ولا شکوی

[illegible]

بنفسی انت من مغیب لم یخل منا بنفسی انت من نازح ما نزح عنا

[illegible]

بنفسی انت امنیة شائق یتمنی من مؤمن ومؤمنة ذکرا فحنا بنفسی

[illegible]

انت من عقید عز لا یسامی بنفسی انت من اثیل مجد لا یجاری بنفسی

[illegible]

انت من تلاد نعم لا تضاهی بنفسی انت من نصیف شرف لا یساوی

[illegible]

الی متی احار فیک یا مولای والی متی وای خطاب اصف فیک

[illegible]

وای نجوی عزیز علی ان اجاب دونک واناغی عزیز علی ان

[illegible]

ابکیک ویخذلک الوری عزیز علی ان یجری علیک دونهم ما جری

[illegible]

هل من

هل من معین فاطیل معه العویل والبکاء هل من جزوع فاساعد

[illegible]

جزعه اذا خلا هل قذیت عین فتسعدها عینی علی القذی هل

[illegible]

الیک یا ابن احمد سبیل فتلقی هل یتصل یومنا منک بعدة فنحظی

[illegible]

متی نرد مناهلک الرویة فنروی متی ننتقع من عذب مائک

[illegible]

فقد طال الصدی متی نغادیک ونراوحک فنقر عیوننا متی ترانا

[illegible]

ونریک وقد نشرت لواء النصر تری اترانا نحف بک وانت تام

[illegible]

الملأ وقد ملأت الارض عدلا واذقت اعداءک هوانا وعقابا و

[illegible]

ابرت العتاة وجحدة الحق وقطعت دابر المتکبرین واجتثثت اصول

[illegible]

الظالمین ونحن نقول الحمد لله رب العالمین اللهم انت کشاف الکرب

[illegible]

والبلوی والیک استعدی فعندک العدوی وانت رب الاخرة

[illegible]

والاولی فاغث یا غیاث المستغیثین عبیدک المبتلی وارِه سیده

[illegible]

یا شدید القوی وازل عنه به الاسی والجوی وبرد غلیله یا من

[illegible]

علی العرش استوی ومن الیه الرجعی والمنتهی اللهم ونحن عبیدک

[illegible]

التائقون الی ولیک المذکر بک وبنبیک خلقته لنا عصمة وملاذا

[illegible]

وَاَقِمْهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا اِمَامًا فَبَلِّغْهُ مِنَّا

و بپا دار اش از برای ما ایستاده بکار دین ما و پناهی و گردانیده او را پیشوای مؤمنان از ما پس برسان او را از ما

تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْنَا بِذٰلِكَ يَا رَبِّ اِكْرَامًا وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا

درود و سلام و بیفزا برای ما این را ای پروردگار من بزرگ کردن را و گردان آرامگاه او را برای ما

مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا وَاَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ اِيَّاهُ اَمَامَنَا حَتّٰى تُورِدَنَا

آرامگاه و جای و تمام گردان نعمت را به پیش انداختن تو او را پیش پیش ما تا درآوری ما را

جِنَانَكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى حُجَّتِكَ

به بهشتهات و همراهی کردن شهیدان از برگزیدگان بار خدایا درود ده بر حجت

وَوَلِيِّ حُجَّتِكَ وَصَلِّ عَلٰى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْاَكْبَرِ وَصَلِّ

و نگاهدارنده و امانت و درود ده بر جدش محمد پیغمبرت مهتر بزرگوارتر و درود ده

عَلٰى عَلِيٍّ اَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ وَحَامِلِ اللِّوَاءِ فِي الْمَحْشَرِ وَسَاقِي

بر علی پدرش مهتر دلیر چون شیر و بردارنده نشان در روز محشر و آب دهنده

اَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهَرِ الْكَوْثَرِ وَالْاَمِيرِ عَلٰى سَائِرِ الْبَشَرِ الَّذِي مَنْ اٰمَنَ بِهِ

دوستانش از جوی کوثر و فرمان دهنده بر همه مردمان که هر کس گرویده باو

فَقَدْ ظَفِرَ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلٰى

پس بتحقیق رستگار شد و کسی که نگروید باو پس بتحقیق در خطر افتاد و کافر شد درود دهاد خدا بر او و بر

اَخِيهِ وَعَلٰى نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ الْغُرَرِ مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا اَضَاءَ قَمَرٌ

برادر او و بر فرزندان هر دو خجستگان بزرگوار تا برآید آفتاب و تا روشنی دهد ماه

وَعَلٰى جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرٰى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰى مَنِ اصْطَفَيْتَ

و بر جده او راست گفتار بزرگتر فاطمه دختر محمد و بر کسی که برگزیدی او را

مِنْ اٰبَائِهِ الْبَرَرَةِ وَعَلَيْهِ اَفْضَلَ وَاَكْمَلَ وَاَتَمَّ وَاَدْوَمَ وَاَكْثَرَ

از پدرانش نیکوکاران و بر او افزونتر و کاملتر و تمامتر و دایمتر و بیشتر

وَاَوْفَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيَائِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

و رساتر آنچه درود داده بر یکی از پاکان و برگزیدگان از آفریدگان

وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلٰوةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَلَا نَفَادَ

و درود ده بر او درودی که پایان نباشد از برای شماره اش و نه نهایت از برای مدت آن و نه نیستی

لِاَمَدِهَا اَللّٰهُمَّ وَاَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَاَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَاَذِلَّ بِهِ

از برای دوام آن بار خدایا و بپا دار باو حق را و درهم شکن باو بیهوده را و خوار نما باو

اولیاءک

اَوْلِيَاءَكَ وَاَذْلِلْ بِهِ اَعْدَاءَكَ وَصِلِ اللّٰهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً

دوستانت را و خوار کن باو دشمنانت را و پیوند ده بار خدایا میان ما و میان او پیوندی

تُؤَدِّي اِلٰى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَاْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ وَيَمْكُثُ

که بکشاند بسوی همراهی کردن پیشینیانش و گردان ما را از کسانی که چنگ زنند بدامن ایشان و بماند

فِي ظِلِّهِمْ وَاَعِنَّا عَلٰى تَاْدِيَةِ حُقُوقِهِ اِلَيْهِ وَالْاِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ

در سایه ایشان و یاری ده ما را بر ادا کردن حقهای او بسوی او و کوشش کردن در بندگی او

وَالْاِجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَهَبْ لَنَا رَاْفَتَهُ

و دوری کردن از نافرمانیش و منت نه بر ما بخوشنودیش و ببخش برای ما مهربانیش را

وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزًا

و بخشودنش و خواندنش را و نیکیش را آنچه برسیم به آن فراخی از رحمت و پیروزی

عِنْدَكَ وَاجْعَلْ صَلٰوتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَاءَنَا

نزد تو و گردان نمازهای ما را بسبب او پذیرفته و گناهان ما را باو آمرزیده و خواندن ما را

بِهِ مُسْتَجَابًا وَاجْعَلْ اَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَّةً وَحَوَائِجَنَا

باو جواب داده شده و گردان روزیهای ما را باو گسترده و اندوههای ما را باو کفایت شده و حاجتهای ما را

بِهِ مَقْضِيَّةً وَاَقْبِلْ اِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا اِلَيْكَ وَانْظُرْ

باو برآورده و رو آور بما بذات پاک بزرگوارت و درپذیر نزدیکی جستن ما را بسوی تو و بنگر

اِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا

بسوی ما نگریستن بخشاینده که تمام کنیم به آن بزرگواری را نزد تو پس برمگردان او را از ما

بِجُودِكَ وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ بِكَاْسِهِ وَ

به بخشش و آب ده ما را از حوض جدش درود دهاد خدا باو و خاندانش بجام او و

بِيَدِهِ رَيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَمَاَ بَعْدَهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَاَمَّا

بدستش سیراب شدن گوارا که تشنگی نباشد پس از آن ای بخشاینده ترین بخشایندگان

طریق صلوات فرستادن بر ایشان شیخ طوسی بسند معتبر روایت

کرده است که عبد الله بن محمد گفت که من سؤال کردم از حضرت امام حسن

عسکری که املا نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت رسول

و اوصیای آنحضرت صلوات الله علیهم را و با خود حاضر کرده بودم

کاغذ بزرگی را پس بر من املا فرمود بی آنکه از کتابی املا کند باین نحو

اللهم صل على محمد كما حمل وحيك وبلغ رسالاتك وصل على
بارخدایا درود ده بر محمد چنانکه وحی ترا برداشت و رسانید پیامهای ترا و درود ده بر
محمد كما احل حلالك وحرم حرامك وعلم كتابك وصل على محمد
محمد چنانکه حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و آموزانید قرآن ترا و درود ده بر محمد
كما اقام الصلوة وادى الزكوة ودعى الى دينك وصل على محمد
چنانکه بپای داشت نماز را و گزارد زکات را و خواند بسوی دین تو و درود ده بر محمد
كما صدق بوعدك واشفق من وعيدك وصل على محمد كما غفرت
چنانکه تصدیق کرد بوعده دادن تو و ترسید از بیم تو و درود ده بر محمد چنانکه آمرزیدی
به الذنوب وسترت به العيوب وفرجت به الكروب وصل على
بوی گناهان را و پوشانیدی بوی عیبها را و دور ساختی بوی اندوهها را و درود ده بر
محمد كما دفعت به الشقاء وكشفت به الغماء واجبت به الدعاء
محمد چنانکه بازداشتی بوی بدبختی را و گشادی بوی سختی را و جواب دادی بوی خواندن را
ونجيت به من البلاء وصل على محمد كما رحمت به العباد واحييت
و نجات دادی بوی از بلا و درود ده بر محمد چنانکه رحم کردی بوی بندگان را و زنده کردی
به البلاد وقصمت به الجبابرة واهلكت به الفراعنة وصل
بوی شهرها را و شکستی بوی پشت ظالمان را و هلاک کردی بوی ستمکاران را و درود ده
على محمد كما اضعفت به الاموال وحذرت به من الاهوال وكسرت
بر محمد چنانکه دوچندان کردی بوی مالها را و پرهیز دادی بوی از ترسها و شکستی
به الاصنام ورحمت به الانام وصل على محمد كما بعثته بخير الاديان
بوی بتها را و بخشودی بوی مردمان را و درود ده بر محمد چنانکه برانگیختی او را بهترین دینها
واعززت به الايمان وتبرت به الاوثان وعظمت به البيت الحرام
و ارجمند کردی بوی ایمان را و هلاک کردی بوی بتان را و بزرگ داشتی بوی خانه با شکوه را
وصل على محمد واهل بيته الطاهرين الاخيار وسلم تسليما اللهم
و درود ده بر محمد و مردم خانه او پاکان نیکان و درود ده درود دادنی بارخدایا
صل على امير المؤمنين علي بن ابي طالب اخي نبيك ووليه
درود ده بر علی فرمانده گروندگان علی بن ابیطالب برادر پیغمبر تو و دوستدار او
ووصيه ووزيره ومستودع علمه وموضع سره وباب حكمته
و جانشین او و کاردار او و سپردنگاه دانش او و جای راز او و در دانش

والناطق بحجته والداعي الى شريعته وخليفته في امته ومفرج
و گویا بحجتش و خواننده بسوی دینش و جانشین او در امتش و گشاینده
الكرب عن وجهه قاصم الكفرة ومرغم الفجرة والذي جعلته من
اندوه از ذات مبارکش شکننده کافران و خوار کننده بدکاران و آنکه گردانیدی او را از
نبيك بمنزلة هرون من موسى اللهم وال من والاه وعاد من عاداه
پیغمبرت بجایگاه هرون از موسی بارخدایا دوست دار هر که او را دوست دارد و دشمن دار هر که او را دشمن دارد
وانصر من نصره واخذل من خذله والعن من نصب له من الاولين
و یاری ده هر که یاری دهد او را و فرو گذار هر که فرو گذارد او را و لعنت کن هر که دشمنی کرد با او از پیشینیان
والاخرين وصل عليه افضل ما صليت على احد من اوصياء انبيائك
و پسینیان و درود ده بر او افزونترین آنچه درود دادی بر یکی از جانشینان پیغمبرانت
يا رب العالمين اللهم صل على الصديقة فاطمة الزكية حبيبة
ای پروردگار جهانیان بارخدایا درود ده بر راست گفتار فاطمه پاکیزه دوست
حبيبك ونبيك وام احبائك واصفيائك التي انتجبتها و
دوست تو و پیغمبرت و مادر دوستانت و برگزیدگانت آنکه برگزیدی او را و
فضلتها واخترتها على نساء العالمين اللهم كن الطالب لها ممن
افزونی دادی او را و برگزیدی او را بر زنان جهانیان بارخدایا باش خونخواه او از کسی که
ظلمها واستخف بحقها وكن الثائر اللهم بدم اولادها اللهم وكما
ستم کرد او را و سبک کرد حق او را و باش خواهان بارخدایا بخون فرزندانش بارخدایا و چنانکه
جعلتها ام الائمة الهدى وحليلة صاحب اللواء والكرم
گردانیدی او را مادر پیشوایان راه نماینده و جفت خداوند علم و بزرگوار
عند الملاء الاعلى فصل عليها وعلى امها صلوة تكرم بها وجه
نزد بزرگان بالا پس درود ده بر او و بر مادر او درودی که گرامی کنی بآن روی
ابيها محمد صلى الله عليه واله وتقر بها اعين ذريتها وابلغهم
پدرش محمد درود خدا بر او و آلش باد و روشن سازی بآن چشمهای فرزندان او و برسان ایشان را
عني في هذه الساعة افضل التحية والسلام اللهم صل على
از من در این دم افزونتر درود و سلام بارخدایا درود ده بر
الحسن والحسين عبديك ووليك وابني رسولك وسبطي
حسن و حسین دو بنده تو و دو دوستدار تو و دو پسر پیغمبرت و دو نبیره

الرحمة وسيدي شباب اهل الجنة افضل ما صليت على احد
من اولاد النبيين والمرسلين اللهم صل على الحسن بن علي
سيد الوصيين ووصي امير المؤمنين السلام عليك يا بن رسول
الله السلام عليك يا بن سيد الوصيين اشهد انك يا بن امير المؤمنين
امين الله وابن امينه عشت مظلوما ومضيت شهيدا واشهد
انك الامام الزكي الهادي المهدي اللهم صل عليه وبلغ روحه
وجسده عني في هذه الساعة افضل التحية والسلام اللهم صل على
الحسين بن علي المظلوم الشهيد قتيل الكفرة وطريح الفجرة السلام
عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا بن رسول الله السلام عليك
يا بن امير المؤمنين اشهد موقنا انك امين الله وابن امينه قتلت
مظلوما ومضيت شهيدا واشهد ان الله تعالى الطالب بثارك
ومنجز ما وعدك من النصر والتاييد في هلاك عدوك واظهار
دعوتك واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله
وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين لعن الله امة قتلتك

ولعن الله

ولعن الله امة خذلتك ولعن الله امة البت عليك وابرء الى الله
تعالى ممن اكذبك واستخف بحقك واستحل دمك بابي انت و
يا ابا عبد الله لعن الله قاتلك ولعن الله خاذلك ولعن الله من سمع
واعيتك فلم يجبك ولم ينصرك ولعن الله من سبا نساءك انا
الى الله منهم بريء وممن والاهم وما لاهم واعانهم اشهد انك
والائمة من ولدك كلمة التقوى وباب الهدى والعروة الوثقى
والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن و
لكم تابع بذات نفسي وشرايع ديني وخواتيم عملي ومنقلبي في
دنياي وآخرتي اللهم صل على علي بن الحسين سيد العابدين
الذي استخلصته لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى الذين يهدون
بالحق وبه يعدلون اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته
وجعلته هاديا مهديا اللهم فصل عليه افضل ما صليت على
احد من ذرية انبيائك حتى تبلغ به ما تقر به عينه في الدنيا و
الآخرة انك عزيز حكيم اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم وامام

الهدى وقائدا اهل التقوى والمنتجب على عبادك اللهم وكما
راهنما وپیشرو پرهیزکاران و برگزیده از بندگانت بارخدایا و چنانکه
جعلته علما لعبادك ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك
گردانیدی او را نشانی از برای بندگانت و نشان راه از برای شهرهایت و سپرده نگاه برای دانش
ومترجما لوحيك وامرت بطاعته وحذرت من معصيته فصل
و ترجمه کننده از برای پیغامت و فرمودی بفرمان برداریش و پرهیزانیدی از نافرمانیش پس درود ده
عليه يا رب افضل ما صليت على احد من ذرية انبيائك واصفيائك
بر او ای پروردگار من افزونتر آنچه درود دادی بر یکی از فرزندان پیغمبرانت و برگزیدگانت
ورسلك وامنائك يا رب العالمين اللهم صل على جعفر بن محمد
و پیغمبرانت و استواران ای پروردگار عالمیان بارخدایا درود ده بر جعفر پسر محمد
الصادق خازن العلم الداعي اليك بالحق النور المبين اللهم وكما
راستگو نگهدارنده دانش خواننده بسوی تو براستی روشن آشکار بارخدایا و چنانکه
جعلته معدن كلامك ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك
گردانیدی او را کان سخن و پیغامت و نگهدارنده دانش و زبان یکی کنش
وولي امرك ومستحفظ دينك فصل عليه افضل ما صليت على
و بر خود گرفته فرمانت و نگهدارنده دینت پس درود ده بر او افزونتر آنچه درود دادی بر
احد من اصفيائك وحججك انك حميد مجيد اللهم صل على الامين
یکی از برگزیدگانت و حجتهایت بدرستی که تو ستوده بزرگواری بارخدایا درود ده بر استوار
المؤتمن موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين المجتهد
استوار داشته شده موسی پسر جعفر نیکوکار وفادار پاک پاکیزه روشنای آشکار کوشنده
المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم وكما بلغ عن آبائه ما
مزد خواهنده شکیبا بر رنج در راه تو بارخدایا و چنانکه رسانید از پدران خود آنچه
استودع من امرك ونهيك وحمل على المحجة وكابد اهل العزة و
سپرده شده از فرمانت و بازداشتنت و برداشت بر راه روشن و رنج کشید با [illegible]
الشدة فيما كان يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل
[illegible] از نادانان گروهش ای پروردگار من پس درود ده بر او افزونتر
واكمل ما صليت على احد ممن اطاعك ونصح لعبادك انك
و کاملتر آنچه درود دادی بر یکی از کسانی که فرمان بردند ترا و نیکخواهی کرد برای بندگانت [illegible]

غفور رحيم اللهم صل على علي بن موسى الذي ارتضيته ورضيت
آمرزنده و مهربانی بارخدایا درود ده بر علی پسر موسی که پسندیده او را و خوشنود کرده
به من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته حجة على خلقك وقائما
باو کسی را که خواسته از آفریدگانت بارخدایا و چنانکه گردانیدی او را حجت بر آفریدگانت و ایستاده
بامرك وناصرا لدينك وشاهدا على عبادك وكما نصح لهم في السر
بفرمانت و یاری دهنده از برای دینت و گواه بر بندگانت و چنانکه نصیحت کرد برای ایشان در نهان
والعلانية ودعا الى سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصل عليه
و آشکار و خواند بسوی راهت بدانش و پند نیکو پس درود ده بر او
افضل ما صليت على احد من اوليائك وخيرتك من خلقك انك
افزونتر آنچه درود دادی بر یکی از دوستانت و برگزیدگان از آفریدگانت بدرستی که تو
جواد كريم اللهم صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى ونور الهدى
بخشنده بزرگواری بارخدایا درود ده بر محمد پسر علی پسر موسی نشانه پرهیزکاری و روشنایی
ومعدن الوفاء وفرع الازكياء وخليفة الاوصياء وامينك على
و کان نگهداشتن وفا و شاخ درخت پاکیزگان و جانشین سفارش کرده شدگان و استوار تو بر
وحيك اللهم وكما هديت به من الضلالة واستنقذت به من
پیغامت بارخدایا و چنانکه راه نمودی باو از گمراهی و رهانیدی باو از
الحيرة وارشدت به من اهتدى وزكيت به من تزكى فصل عليه
سرگشتگی و راه نمودی باو کسی را که راه یافت و پاک کردی باو کسی که پاکی جست پس درود ده
افضل ما صليت على احد من اوليائك وبقية اوصيائك انك
افزونتر آنچه درود دادی بر یکی از دوستانت و باقیمانده سفارش کرده شدگانت بدرستی که تو
عزيز حكيم اللهم صل على علي بن محمد وصي الاوصياء وامام
ارجمند دانایی بارخدایا درود ده بر علی پسر محمد جانشین جانشینان و پیشوای
الاتقياء وخلف ائمة الدين والحجة على الخلائق اجمعين اللهم
پرهیزکاران و جانشین پیشوایان دین و حجت بر آفریدگان همگی بارخدایا
كما جعلته نورا يستضيء به المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك
چنانکه گردانیدی او را روشنایی که روشنایی خواستند باو گروندگان پس مژده داد بزرگ از مزدت
وانذر بالاليم من عقابك وحذر بأسك وذكر بآياتك واحل
و بیم داد بدردناک از شکنجه‌ات و پرهیزانید از عذابت و یاد کرد بنشانهایت و حلال کرد

حلالك وحرم حرامك وبين شرائعك وفرائضك وحض على

حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و روشن کرد روشهای ترا و فریضهای ترا و تحریض کرد بر

عبادتك وامر بطاعتك ونهى عن معصيتك فصل عليه افضل

پرستیدنت و فرمود بفرمان برداریت و باز داشت از نافرمانیت پس درود ده براو افزونتر

ما صليت على احد من اوليائك وذرية انبيائك يا اله العالمين

انچه درود دادی بر یکی از دوستانت و فرزندان پیغمبرانت ای خدای جهانیان

اللهم صل على الحسن بن علي البر التقي الصادق الوفي النور

بارخدایا درود ده بر حسن پسر علی نیکوکار پرهیزکار راستگو وفادار روشنائی

المضيء خازن علمك والمذكر بتوحيدك وولي امرك وخلف

روشن دهنده نگهدارنده دانشت و پند دهنده بیگانگیت و بر خود گیرنده فرمانت و جانشین

ائمة الدين الهداة الراشدين والحجة على اهل الدنيا فصل عليه

پیشوایان دین راه نمایان راه راست یابندگان و حجت بر مردم جهان پس درود ده براو

يا رب افضل ما صليت على احد من اصفيائك وحججك واولاد

ای پروردگار من افزونتر انچه درود دادی بر یکی از برگزیدگانت و حجتهات و فرزندان

رسلك يا اله العالمين اللهم صل على وليك وابن اوليائك الذين

پیغمبرانت ای خدای جهانیان بارخدایا درود ده بر نگهبان کارت و پسر نگهبانان کارت که

فرضت طاعتهم واوجبت حقهم واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم

لازم کرده فرمان برداری ایشان را و واجب کردی حق ایشان را و بردی از ایشان پلیدی را و پاک گردانیدی ایشانرا

تطهيرا اللهم انصره وانتصر به لدينك وانصر به اولياءك و

پاک کردنی بارخدایا یاری ده اورا و انتقام کش باو دین ترا و یاری ده باو دوستانت را و

اولياءه وشيعته وانصاره واجعلنا منهم اللهم اعذه من شر

دوستان او و پیروان او و یاوران او را و بگردان ما را از ایشان بارخدایا پناه ده او را از شر

كل باغ وطاغ ومن شر جميع خلقك واحفظه من بين يديه ومن

هر ستمکار و سرکشنده و از بدی همه آفریدگانت و نگاهدار او را از پیش رویش و از

خلفه وعن يمينه وعن شماله واحرسه وامنعه من ان يوصل اليه

پس پشت او و از راست او و از چپ او و پاسبانی کن او را و بازدار او را از انکه رسیده شود بسوی او

بسوء واحفظ فيه رسولك وآل رسولك واظهر به العدل وايده

بدی و نگهدار در او پیغمبرت را و خاندان پیغمبرت را و آشکار گردان باو داد را و قوت ده اورا

بالنصر وانصر ناصريه واخذل خاذليه واقصم به جبابرة الكفر

بیاری دادن و یاری ده یاری دهندگان اورا و فرو گذار فرو گذارندگان اورا و بشکن باو ستمکاران کافری

واقتل به الكفار والمنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا من

و بکش باو کافران را و دو رویان را و همه کجروان را هرجا که باشند از

مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها واملأ به الارض

جاهای بر آمدن آفتاب از زمین و فرو رفتنگاهها و دشت او و دریای او و پر کن باو زمین را

عدلا واظهر به دين نبيك عليه وآله السلام واجعلني

از داد و آشکار کن باو دین پیغمبرت را بر او و آل او درود و بگردان مرا

اللهم من انصاره واعوانه واتباعه وشيعته وارني في آل

بارخدایا از یاوران او و یاری کنندگان او و تابعان او و پیروان او و بنما بمن در خاندان

محمد ما يأملون وفي عدوهم ما يحذرون اله الحق آمين **باب اول**

محمد آنچه امید میدارند و در دشمن ایشان آنچه پرهیز میکنند ای خدای حق چنین باد

در بیان نمازهای واجبست که مخصوص بروزی وماهی نیست ونمازهای
سنت که اختصاص بوقتی ندارد واعمالی که بغیر ماههای عربی تعلق دارند
ودر ان هشت فصلست **فصل اول** در بیان نماز ایاتست بدانکه این
نماز واجبست نزد کسوف آفتاب وخسوف ماه خواه کل بگیرد وخواه بعض
ودر زلزله که زمین بلرزد ومشهور انست که هر آیتی که از جانب آسمان حادث
شود که موجب خوف غالب خلق گردد این نماز واجب میشود مانند بادهای
بسیار شدید که بر خلاف عادت باشد خواه رنگین باشد وخواه نباشد و
صاعقهای عظیم ورعدهای بسیار شدید وتاریک شدن هوا وامثال
اینها واین قول اقویست وکیفیت این نماز انست که قصد نماز آفتاب گرفتن یا ماه
گرفتن یا زلزله یا آیات میکنم اداء از جهت آنکه واجبست برای رضای خدا قربة
الی الله پس تکبیر احرام بگوید وحمد ویک سوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد
وسنتست که در سر برداشتن الله اکبر بگوید پس حمد وسوره بخواند پس رکوع

کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و از رکوع پنجم که سر بر دارد سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید
بعد از آن بسجود رود و سجده بجا آورد پس برخیزد و یک رکعت دیگر بجا آورد بدستور
رکعت اول و در سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید و اگر
در رکعت اول بعد از حمد بعضی از سوره را بخواند و برکوع رود و بعد از سر برداشتن
باقی سوره را بخواند اعاده حمد نمیکند و اگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند
بر رکوعها بیک حمد که در رکوع اول خوانده اکتفا میکند و همچنین در رکعت دوم
بیک حمد و سوره چنین کند که تفریق کند اکتفا میتوان کرد و بهتر آنست که بطریق
اول بکند و بعد حمد ده سوره بجا آورد اگر وقت تنگ نباشد و اول وقت نماز
کسوف و خسوف ابتدای گرفتن است و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی
شدنست و اظهر نزد فقیر و جمعی از محققین آنست که تا تمام منجلی نشود وقتش
باقیست و نماز زلزله و آیات که وقتش وفا بنماز نمیکند در تمام عمر موافق مشهور
اداست و اگر کسی ترک کند نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور
میان علما آنست که قضا میکند آن نماز را مطلقا و جمعی گفته اند که بر ناسی که فراموش
کرده باشد قضا نیست مادام که تمام قرص نگرفته باشد و عمل بمشهور احوط است
و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان اصحاب آنست که قضای کسوفین
واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند واجبست قضا مطلقا
و قول اول اقوی و ثانی احوط است و مستحبست که این نماز را بجماعت بجا آورند و
طول بدهند بقدر زمان کسوف و خسوف و هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا
نشده باشد اشهر و اقوی آنست که اعاده نماز مستحبست و بعضی واجب دانسته اند
و مستحبست خواندن سورهای طولانی با وسعت وقت و برابر ساختن رکوع و
سجود با قراءت و مستحبست قنوت خواندن پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم

وهشتم و دهم و اگر در ایام زلزله مکرر این آیه را بخواند مناسبست إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ
كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا و از حضرت امام رضا منقولست که هر که در وقت خواب این آیه را
بخواند خانه بر سرش خراب نشود **فصل دویم** در بیان نماز استسقا یعنی نماز
طلب باران در وقتی که باران کم آید و آب چاهها و چشمها کم شود و کیفیت این
نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد و بجماعت باید کرد و در قنوتها
طلب رحمت و استغفار از گناهان و طلب باران باید کرد و بهترین دعاها
دعای نوزدهم صحیفه کامله است و اکثر گفته اند وقتش میان طلوع آفتاب
تا زوال و باید امام امر کند مردم را که سه روز روزه بدارند و در روز سیم ایشان را
بیرون برد با پای برهنه با سکینه و وقار و مؤذنان عصاها بدست گرفته پیش
روی امام بروند و چون از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا را بگرداند باینکه
جانب راست را بجانب چپ آورد و جانب چپ را بجانب راست پس رو بقبله کند
و با آواز بلند صد مرتبه اللهُ أَكْبَرُ بگوید و بجانب راست بگردد و صد مرتبه
سُبْحَانَ اللهِ بگوید پس بجانب چپ بگردد و صد مرتبه لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ بگوید
پس رو بمردم کند و صد مرتبه الْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید و گفته اند مردم در ذکر موافقت
کنند با او و در گشتن پس دو خطبه بخواند و مبالغه کند در استغفار و دعا
و طلب رحمت و خطبهای منقوله بهتر است و دور نیست که اگر آن ذکرها را
بعد از خطبه بخواند با فضیلت **فصل سیم** در بیان نماز حضرت رسول
سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده است که از آن
حضرت سؤال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود که چه غافلی از نماز حضرت
رسول شاید حضرت رسول نماز جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر نماز آنحضرت را

در بیان نماز استسقا

در بیان نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله

کرده باشد راوی گفت پس آن نماز را تعلیم کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز
میکنی و در هر رکعت یکمرتبه حمد و پانزده مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان پس
در رکوع و بعد از سر بر داشتن و در سجدهٔ اول و بعد از سر بر داشتن و در
سجدهٔ دویم و سر بر داشتن هر یک سورهٔ قدر را پانزده مرتبه میخوانی پس
تشهد میخوانی و سلام میکوئی و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی
نمیماند مگر آنکه آمرزیده شود و هر حاجت که بطلبی رواست و بعد از آن اینرا
میخوانی لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْاَوَّلِیْنَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ
نیست خدائی مگر خدا پروردگار ما و پروردگار پدران گذشتگان ما نیست خدائی مگر خدا
اِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُوْنَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِیَّاهُ مُخْلِصِیْنَ
خدای یگانه و ما مر او را گردن نهندگانیم نیست خدائی مگر خدا نمی پرستیم مگر او را در حالتیکه خالص کنندگانیم
لَهُ الدِّیْنَ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُوْنَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ
مر او را دین را و اگرچه ناخوش دارند ناگروندگان نیست خدائی مگر خدا تنها تنها او وفا کرد
وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْکُ
وعدهٔ خود را و یاری داد بندهٔ خود محمد را و غالب کرد لشکر خود را و گریزانید لشکرها را تنها او پس مر او راست پادشاهی
وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ نُوْرُ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ
و مر او راست ستایش و او بر همه چیز تواناست بار خدایا توئی روشنائی آسمانها و زمین
وَمَنْ فِیْهِنَّ فَلَکَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ قَیَّامُ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِیْهِنَّ
و هر که در آنهاست پس مر تراست ستایش و توئی بر پا دارندهٔ آسمانها و زمین و هر که در آنهاست
فَلَکَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُکَ الْحَقُّ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ وَاِنْجَازُکَ حَقٌّ وَ
پس مر تراست ستایش و توئی راست و وعدهٔ تو راست است و گفتار تو راست است و وفا کردن تو راست
اَلْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَکَ اَسْلَمْتُ وَبِکَ اٰمَنْتُ وَعَلَیْکَ
و بهشت راست و آتش راست بار خدایا از برای تو گردن نهادم و بتو ایمان آوردم و بر تو
تَوَکَّلْتُ وَبِکَ خَاصَمْتُ وَاِلَیْکَ حَاکَمْتُ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ اِغْفِرْ لِیْ
اعتماد کردم و بتو دشمنی کردم و بسوی تو فرمان بردم ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار بیامرز مرا
مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ وَاَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ اَنْتَ اِلٰهِیْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ
آنچه پیش کردم و آنچه پس کردم و پنهان کردم و آشکار کردم تو خدای منی نیست خدائی مگر تو

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِیْ وَارْحَمْنِیْ وَتُبْ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنْتَ
[illegible]

اَلتَّوَّابُ الرَّحِیْمُ مؤلف گوید که این نماز از نمازهای مشهور است و عامه و خاصه
توبه پذیر مهربان
در کتاب خود روایت کرده‌اند و بعضی این را از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند
و از روایات اختصاصی معلوم نمیشود و ظاهر اداء در سایر ایام توان کرد فصل چهارم
در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است ابن بابویه و عیاشی و کلینی
و شیخ و دیگران بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار روایت کرده‌اند که هر که
چهار رکعت نماز بگذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه پنجاه
مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی
نماند مگر آنکه آمرزیده شده باشد و سید و شیخ از حضرت صادق روایت کرده‌اند
که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین را بجا آورد از گناه بیرون آید مانند
روزی که از مادر متولد شده بوده و حاجتهای او بر آورده شود و در هر رکعت حمد
و پنجاه مرتبه سورهٔ توحید بخواند و چون فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح آنحضرت است سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِیْدُ مَعَالِمُهُ
پاک است کسی که نابود نمیشود نشانهای او
سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ
پاک است کسی که کم نمیشود خزینهای او پاک است کسی که نیست شدنی نیست مر فخر او را پاک است
مَنْ لَا یَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا یُشَارِکُ
کسی که تمام نمیشود آنچه نزد اوست پاک است کسی که نیست بریده شدنی مدتش را پاک است کسی که انباز نکرده است
اَحَدًا فِیْ اَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا اِلٰهَ غَیْرُهُ پس این دعا را بخوانند یَا مَنْ عَفَا عَنِ السَّیِّئَاتِ
کسی را در کار خود پاک است کسی که نیست خدائی جز او ای کسی که در گذشت از بدیها
وَلَمْ یُجَازِ بِهَا اِرْحَمْ عَبْدَکَ یَا اَللهُ یَا اَللهُ نَفْسِیْ نَفْسِیْ اَنَا عَبْدُکَ یَا سَیِّدَاهُ
و پاداش نداد بآن رحم کن بندهٔ خود را ای خدا ای خدا جان من جان من منم بندهٔ تو ای مهتر
اَنَا عَبْدُکَ بَیْنَ یَدَیْکَ یَا اَللهُ یَا رَبَّاهُ بِکَ اِلٰهِیْ بِکَیْنُوْنَتِکَ یَا اَمَلَاهُ
منم بندهٔ تو میان دو دست تو ای خدا ای پروردگار بتو ای خدای من ببودنت ای امید
یَا رَحْمٰنَاهُ یَا غِیَاثَاهُ عَبْدُکَ عَبْدُکَ لَا حِیْلَةَ لَهُ یَا مُنْتَهٰی رَغْبَتَاهُ
ای خدا ای فریادرس بندهٔ تو بندهٔ تو نیست چاره مرا ای پایان خواهشها

[illegible]

يا مجري الدم في عروق عبدك يا سيداه يا مالكاه ايا هو ايا هو
ايا هو يا رباه عبدك لا حيلة لي ولا غنى بي عن نفسي ولا استطيع
لها ضرا ولا نفعا ولا اجد من اصانعه تقطعت اسباب الخدائع
عني واضمحل كل مظنون عني افردني الدهر اليك فمثلت بين يديك
هذا المقام يا الهي بعلمك هذا كان كله فكيف انت صانع بي و
ليت شعري كيف تقول لدعائي اتقول نعم ام تقول لا فان قلت
لا فيا ويلي يا ويلي يا ويلي يا عولي يا عولي يا عولي يا شقوتي يا شقوتي
يا شقوتي يا ذلي يا ذلي يا ذلي الى من وممن او عند من او كيف او ماذا
او الى اي شيء الجا ومن يجود علي بفضله حين ترفضني يا واسع المغفرة
وان قلت نعم كما هو الظن بك والرجاء لك فطوبى لي انا السعيد و
انا المسعود فطوبى لي وانا المرحوم يا مترحم يا مترئف يا متعطف يا
متجبر يا متملك يا مقسط لا عمل لي مع نجاح حاجتي اسئلك باسمك
الذي جعلته في مكنون غيبك واستقر عندك فلا يخرج منك
الى شيء سواك اللهم به وبك وبه فانه اجل واشرف اسمائك

لاشيء

لا شيء لي غير هذا ولا احد اعود عليه منك يا كينون يا مكون يا من
عرفني نفسه يا من امرني بطاعته يا من نهاني عن معصيته ويا مدعو
ويا مسئول يا مطلوبا اليه رفضت وصيتك التي اوصيتني بها
ولم اطعك ولو اطعتك فيما امرتني لكفيتني ما قمت اليك فيه و
انا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين ما رجوت يا مترحما لي
اعذني من بين يدي ومن خلفي ومن فوقي ومن تحتي ومن كل جهات
الاحاطة بي اللهم بمحمد سيدي وبعلي وليي وبالائمة الراشدين
عليهم السلام اجعل علينا صلواتك ورافتك ورحمتك واوسع
علينا من رزقك واقض عنا الدين وجميع حوائجنا يا الله يا الله
انك على كل شيء قدير پس حضرت فرمود كه هر كه اين نماز را بكند و اين
بدرستيكه تو بر هر چيزي توانائي — دعا را بخواند هيچ گناهي ميان او و خدا نمانده
باشد مگر آنكه آمرزيده شود **فصل هفتم** در بيان فضيلت و كيفيت نماز حضرت
فاطمه است سيد بن طاوس به سند معتبر از حضرت صادق روايت كرده است
كه مادرم فاطمه دو ركعت نماز ميكرد كه جبرئيل تعليم او كرده بود و در ركعت اول
بعد از سوره حمد صد مرتبه سوره قدر و در ركعت دوم صد مرتبه توحيد
ميخواند و چون سلام ميگفت سبحان ذي العز الشامخ المنيف سبحان
اين دعا را ميخواند — پاكا خداوند بزرگوار خداوند پاكا

ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان

خداوند بزرگواری بزرگ پاکست خداوند پادشاهی خوب همیشه پاکست

من لبس البهجة والجمال سبحان من تردی بالنور والوقار سبحان

کسیکه پوشید خوبی و نیکی را پاکست کسیکه ردا افکند بروشنائی و بزرگی پاکست

من یری اثر النمل فی الصفاء سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء

کسیکه می بیند نشان پای مور را در سنگ نرم پاکست کسیکه می بیند افتادن مرغ را در میان آسمان

سبحان من هو هکذا و لا هکذا غیره وسید گفته است که در روایت دیگر

پاکست کسیکه او همچنین است و غیر او همچنین نیست چنانکه

وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه را اگر بعد از هر نماز خوانده میشود بخوانند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و شیخ در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده است و گفته است که چون سلام بگوئی تسبیح حضرت فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعائی که پیش مذکور شد پس گفته است که سزاوار است برای کسی که این نماز را بکند و از این دعا فارغ شود زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده رود و جمیع مساجد سبعه را بخاک برساند که جامه در میان مانع نباشد و دعا کند و حاجات خود را از خدا طلب نماید و در سجده این دعا بخواند یا من لیس غیره رب یدعی یا من

ای کسیکه نیست جز او پروردگاری که خوانده شود ای

یا من لیس فوقه اله یخشی یا من لیس دونه ملک یتقی یا من لیس له وزیر

ای کسیکه نیست زبر او خدائی که ترسیده شود ای کسیکه نیست جز او پادشاهی که از او پرهیز کنند ای کسیکه نیست او را

یؤتی یا من لیس له حاجب یرشی یا من لیس له بواب یغشی یا من لا یزداد

کارگزاری ... [illegible]

علی کثرة السؤال الا کرما وجودا وعلی کثرة الذنوب الا عفوا

افزاید بسیاری درخواستن مگر بزرگواری و بخشش را و بر بسیاری گناه مگر درگذشتن

وصفحا صل علی محمد وال محمد وافعل بی کذا وکذا پس بجای وافعل بی

و روی بگردانیدن را ... [illegible] درود ده بر محمد و آل محمد و بکن بمن چنین و چنین

کذا وکذا حاجتهای خود را یاد کند **فصل ششم** در بیان فضیلت و کیفیت و احکام نماز حضرت

در بیان نماز حضرت جعفر طیار

جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواترات است و عامه و خاصه بسندهای معتبر بسیار روایت کرده اند و مخالفان این نماز را مستحب میدانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با امیر المؤمنین علیه السلام و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر نسبت داده اند و بعد از نوافل شبانروزی نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین منقولست که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المؤمنین از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بدست امیر المؤمنین شده بود حضرت رسول بقدر مسافت یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقه غضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش بزرگی کنم نسبت بتو میخواهی ترا عطیه گرانبهائی بدهم آیا میخواهی ترا بکرمیم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی یا رسول الله فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم نمود و حضرت صادق فرمود که صفتش اینست که چهار رکعت بدو تشهد و دو سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت میخوانند و در رکعت دویم سوره والعادیات و در رکعت سیم اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه میگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه بگوید و چون سر از رکوع بر میدارد ده مرتبه و در سجده اولی ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده ثانیه

ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه و در هر چهار رکعت
چنین میکند که مجموع سیصد مرتبه شود و هزار و دویست تسبیح بوده باشد
و بروایت دیگر حضرت رسول فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا
و آنچه در آن هست و اگر هر روز یکبار بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده آمرزیده
شود و بروایت معتبر دیگر اگر بعدد کف دریاها و بعدد ریگ بیابان گناه بر تو باشد
خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا ترا بیامرزد
و بروایت دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی ماهی
یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان
صغیره و کبیره و تازه و کهنه و عمد و خطای ترا بیامرزد و اما دعاها که در این
نماز مستحبست کلینی بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که در سجده
آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی میگوی سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ
پاکا کسی که در پوشید ارجمندی و بخشندگی را پاکست کسی که
تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ
بر دوش انگند بزرگواری را و بزرگی نمود بآن پاکست کسی که نمیسزد پاکی یاد کردن مگر او را
سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي
پاکست کسی که شمرد هر چیز را دانش او پاکست خداوند برداشت کردن و نعمتها پاکست خداوند
الْقُدْرَةِ وَالْأَمْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى
توانائی و فرمان بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو به بندگاههای ارجمندی از عرشت و پایان
الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا
بخشایش از کتابت و بنام تو که بزرگترست و سخنان تمام تو که تمام شد از روی راستی
وَعَدْلًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ پس حاجات خود را ذکر کند شیخ در مصباح
و داد درود ده بر محمد و مردم خانه اش این دعا را ذکر کرده است با این زیادتی
سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ
پاکا خداوند توانائی و بخشندگی پاکا خداوند ارجمندی و بخشش پاکست

ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تا آخر دعا و شیخ و سید از مفضل بن عمر
خداوند نیرو و توانگری بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو
روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق نماز جعفر را بجا آوردند
پس این دعا را خواندند یا رب یا رب بعددی که یکنفس وفا کند یا ربّاه یا ربّاه بعدد یکنفس
ربّ ربّ بعدد یکنفس یا الله یا الله بعدد یکنفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه
یا ارحم الراحمین هفت مرتبه اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَأَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ
پس این دعا خواندند بار خدایا بدرستی که من میگشایم سخن را بستایش تو و سخن گویم با ثنا
عَلَيْكَ وَأُمَجِّدُكَ وَلَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ وَأُثْنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ
بر تو و بزرگی یاد میکنم ترا و نیست پایانی مر ستایش ترا و ثنا میکنم بر تو و کیست که برسد بپایان ثنای تو
وَأَمَدَ مَجْدِكَ وَأَنَّى لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَأَيُّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحًا
و پایان کار بزرگواریت و کجاست از برای آفریدگانت پایان شناختن بزرگیت و کدام زمانست که نبودی ستایش کرده
بِفَضْلِكَ مَوْصُوفًا بِمَجْدِكَ عَوَّادًا عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكَّانُ أَرْضِكَ
بخشش نشان داده شده بزرگواریت مهربان برگناهکاران ببردباریت باز پس ایستادند ساکنان زمینت
عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ جَوَادًا بِفَضْلِكَ عَوَّادًا بِكَرَمِكَ
از فرمان برداریت پس بودی بر ایشان مهربان بخششت بخشنده بافزونی کرمت مهربان نوازشت
يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ پس حضرت فرمود که ای مفضل
ای کسی که نیست خدائی مگر تو نیکو منت گذارنده خداوند بزرگواری و نیکوکاری هرگاه ترا حاجت ضروری بوده
باشد نماز جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن که برآورده
میشود ان شاء الله تعالی دعای دیگر بعد از این نماز بروایت شیخ و سید رحمهم الله
سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدَّى بِهِ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ
پاکست کسی که در پوشید ارجمندی را و ردا ساخت آنرا پاکست کسی که بردوش افکند بزرگواری و بزرگی نمود بآن
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ جَلَّ جَلَالُهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ
پاکست کسی که نمیسزد پاکی یاد کردن مگر او را بزرگست بزرگواریش پاکا کسی که شمرد هر چیز را
بِعِلْمِهِ وَخَلَقَهُ بِقُدْرَتِهِ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَ
بدانش خود و آفرید آنرا بتوانائی خود پاکا خداوند برداشت کردن و نعمتها پاکا خداوند توانائی و
الْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ
بزرگواری بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو به بندگاههای ارجمندی از عرشت و پایان بخشایش از کتابت

لمجدك
مر بندگی تو [illegible]

وباسمك الاعظم وكلماتك التامات التي تمت صدقا وعدلا ان تصلي

على محمد وال محمد الطيبين الطاهرين وان تجمع لي خير الدنيا والاخرة

بعد عمر طويل اللهم انت الحي القيوم العلي العظيم الخالق الرازق

المحيي المميت البدئ البديع لك الكرم ولك المجد ولك المن ولك الجود

ولك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد

ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة يا ارحم

الراحمين يا عفو يا غفور يا ودود يا شكور انت ارحم بي من ابي وامي

وارحم بي من نفسي ومن الناس اجمعين يا كريم يا جواد اللهم اني صليت

هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك ورجاء رفدك

وجائزتك وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللهم صل على محمد وال محمد

وارفعها في عليين وتقبلها مني واجعل نائلك ومعروفك ورجاء

ما ارجو منك فكاك رقبتي من النار والفوز بالجنة وما جمعت من

انواع النعيم ومن حسن الحور العين واجعل جائزتي منك العتق من

النار وغفران ذنوبي وذنوب والدي وما ولدا وجميع اخواني

واخواني المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم

والاموات وان تستجيب دعائي وترحم صرختي وندائي ولا تردني

خائبا خاسرا واقلبني منجحا مفلحا مرحوما مستجابا دعائي مغفورا لي

يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد عظم الذنب من عبدك

فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين

بالرحمة يا نفاحا بالخيرات يا معطي المسئولات يا فكاك الرقاب من النار

صل على محمد وال محمد وفك رقبتي من النار واعطني سؤلي واستجب

دعائي وارحم صرختي وتضرعي وندائي واقض لي حوائجي كلها

لدنياي واخرتي وديني ما ذكرت منها وما لم اذكر واجعل لي في

ذلك الخيرة ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني مفلحا منجحا مستجابا

لي دعائي مغفورا لي مرحوما يا ارحم الراحمين يا محمد يا ابا القاسم

يا رسول الله يا امير المؤمنين انا عبدكما ومولاكما غير مستنكف

ولا مستكبر بل خاضع ذليل عبد مقر متمسك بحبلكما معتصم من

ذنوبي بولايتكما اتقرب الى الله بكما واتوسل الى الله بكما واقدمكما

بَیْنَ یَدَیْ حَوآئِجِیْ اِلَی اللهِ جَلَّ وَعَزَّ فَاشْفَعَا لِیْ فِیْ فِکَاکِ رَقَبَتِیْ مِنَ النَّارِ

میان دو حاجتهام بسوی خدا که بزرگست و بهمتا پس در خواهید ازبرای من در آزاد کردن من از آتش

وَغُفْرَانِ ذُنُوْبِیْ وَاِجَابَةِ دُعَائِیْ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ

و آمرزیدن گناهانم وجواب دادن خواندنم بارخدایا پس درود ده بر محمد وخاندانش و قبول کن

دُعَائِیْ وَاغْفِرْ لِیْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وامّا احکام این نماز در چند

خواندن مرا وبیامرز مرا ای بخشاینده ترین بخشایندگان

مقصد بیان میشود اوّل

بدانکه مشهور میان علما واقوی آنست که نماز جعفر را بجای نوافل شبانروزی میتوان کرد که بهردو حساب شود وهمچنین نیت قضای نافله میتوان کرد واحادیث برین مضمون وارد شده است وبعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا وقضا بکیفیت نماز جعفر بکنند وخالی از قوتی نیست ولیکن احوط ترکست

دویم روایات وارد شده است واکثر گفته اند که کسی که ضرورتی وتعجیلی داشته باشد میتواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد وتسبیحات را در راه بخواند

سیم حدیث صحیح وارد شده است که کسی که دو رکعت نماز جعفر را بکند ودو را امر ضروری رو دهد میتواند که آن کار برود ودو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند واگر بدون عذری چنین نکند وهمه را یکبار بکند بهتر است

چهارم روایت معتبری از حضرت قائم وارد شده است که کسی که تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند هر وقت که بخاطرش آید بخواند واز علما کسی متعرض این حکم نشده است واگر باین عمل روایت کند ظاهرا بد نباشد

پنجم خلافست در تعیین سورهها که مستحبست که در این نماز خوانده شود ومشهور آنست که در رکعت اوّل اذا زلزلت ودر دویم والعادیات ودر سیم اذا جاء نصر الله ودر چهارم قل هو الله میخوانده اند وابن بابویه وپدرش در رکعت اوّل والعادیات ودر رکعت دویم بجای والعادیات اذا زلزلت گفته اند ودر روایتی در اوّل اذا زلزلت ودر دویم اذا جاء ودر سیم انا انزلناه ودر چهارم توحید وارد شده است ودر روایت صحیح وارد شده است که در هر رکعت

قل یا ایها الکافرون وقل هو الله احد هر دو را بخواند ودر روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهد بخواند وابن بابویه گفته است که همه را با سوره توحید میتوان کرد وظاهر آنست همه خوبست اگرچه اوّل وسیم افضل است

ششم مشهور آنست که تسبیحات بعد از سجده دویم رکعت اوّل وسیم را نشسته میخوانند وبعضی گفته اند بعد از برخواستن برکعت دیگر پیش از قرائت میخوانند وعمل بمشهور اولی است

هفتم بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکند ومشهور واقوی دو سلام است چنانچه گذشت

هشتم مشهور میان علما آنست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع خوانند بعد از قرائت میباید خواند وابن بابویه موافق بعضی از روایات قایل شده است که مخیر است میان آنکه پیش از قرائت بخواند یا بعد از قرائت وعمل بمشهور اقوی واولی است

فصل هفتم در بیان فضیلت واعمال روز نوروز است

بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار هست بعضی گفته اند اوّل سال است از ماههای رومی وبعضی گفته اند نهم شباط است ومشهور آنست که اوّل انتقال شمس است ببرج حمل چنانچه در این ازمنه معمولست واین مطلب را در کتاب بحار الانوار ببسط عظیمی ذکر کرده ام واین رساله گنجایش ذکر آنها ندارد وبگمان فقیر همین نوروز که در این ازمنه مشهور است اقرب بصواب واضبط است در حساب اگر بنای اعمال را بر این بگذارند ظاهرا بد نیست

وامّا فضایل واعمال این روز باسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص حضرت صادق بوده است منقولست که گفت در روز نوروز بخدمت حضرت امام جعفر صادق رفتم فرمود آیا میشناسی این روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آن را تعظیم میکنند ودر این روز تحفها وهدیها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم برای تو تا بفهمی

اعمال روز نوروز

آن را گفتم ای سید و آقای من دانستن آن را برکت شما محبوبتر است نزد من از آنکه
مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستی که روز
نوروز روزیست که حق سبحانه و تعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح
ایشان در روز الست که او را بیگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند
و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند و ایمان آورند به پیغمبران
و رسولان و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین صلوات
الله علیهم اجمعین و این اول روزیست که در آن آفتاب طلوع کرده است و بادها
آبستن کننده درختان وزیده است و گلها و شکوفههای روی زمین آفریده شده است
و در این روز کشتی حضرت نوح بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این روزیست
که حق تعالی حیات بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و پس
خداوند قهار همه را میرانید پس بعد از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران
خدا بر آنها استخوانها گذشت و از پروردگار خود سؤال کرد که باو بنماید که چگونه این
استخوانهای پوسیده را زنده میگرداند پس حق تعالی وحی فرستاد بسوی او که آب
بریز بر این استخوانهای ایشان در همان جایهای خود که هستند پس چنین کرد و همه
بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال عجم است و باین سبب سنت شد که در
این روز آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حق تعالی در قرآن مجید
اشاره باین قصه نموده است در آنجا که فرموده الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم و هم
الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم و مفسران گفته اند که آن پیغمبر
حزقیل بود و حضرت فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که در این روز جبرئیل
بر حضرت رسول بوحی نازل شد یعنی نوروز موافق روز مبعث بوده که بیست و هفتم ماه
مبارک رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت رسالت پناه بتهای کفار قریش را

درمکه

در مکه شکست و حضرت ابرهیم نیز در این روز بتهای کافران را شکست و اول اشاره است
بآنکه سنی و شیعه روایت کرده اند بطرق بسیار که شبی حضرت رسالت حضرت امیر
المؤمنین را با خود بمسجد الحرام برد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفت
و بتهای کافران را بزیر آورد و شکست پس مراد این است که در شب این روز بود و فرمود که
در این روز حضرت رسول امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با امیر المؤمنین و اقرار
کنند که او پادشاه مؤمنانست یعنی روز غدیر این روز بوده یا آن روز که سر کردهای
صحابه را گفت که بروید و بر علی سلام کنید و بگوئید السلام علیک یا امیر المؤمنین
این روز بوده و فرمود که در این روز حضرت رسول حضرت امیر را فرستاد بوادی جنیان
که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که در این روز حق خلافت با امیر المؤمنین
برگشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان با آنحضرت بیعت کردند و در این روز حضرت
امیر المؤمنین با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سرکرده ایشان را
که ذو الثدیه میگفتند کشت و در این روز قائم آل محمد ظاهر خواهد شد و در این روز
امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و در این روز قائم ما ظفر خواهد یافت بر دجال
و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را بر دار خواهد کشید و در هیچ روز
نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار فرج میکشیم زیرا که آن از روزهای ما و روزهای
شیعیان ماست آن را عجمان حفظ کردند و حرمت آن را رعایت کردند و شما عربان
او را ضایع کردید پس حضرت فرمود بمعلی که چون روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه
ترین جامهای خود را بپوش و بهترین بویهای خوش خود را خوشبو کن و در آن روز
روزه بدار و چون از نماز فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت بیک
سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در رکعت دوم
ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه سوره

قل هو الله احد و در رکعت چهارم ده مرتبه سورهٔ قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس بخوان و بعد از نماز بسجدهٔ شکر برو و این دعا را بخوان
اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین و علی جمیع
بار خدایا درود ده بر محمد و خاندان محمد سفارش کرده شدگان پسندیدگان و بر همه
انبیائک و رسلک بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک
پیغمبرانت و فرستادگانت افزونتر درودهات و افزایش ده بر ایشان با فزونتر افزونیهات
وصل علی ارواحهم و اجسادهم اللهم بارک علی محمد و آل محمد و بارک
و درود ده بر جانهاشان و تنهاشان بار خدایا افزایش ده بر محمد و بر خاندان محمد و افزایش ده
لنا فی یومنا هذا الذی فضلته و کرمته و شرفته و عظمت خطره
برای ما در این روز ما این که افزونی داده آن را و گرامی کرده آن را و بزرگوار کرده آن را و بزرگ داشته اندازهٔ آن را
اللهم بارک لی فیما انعمت به علی حتی لا اشکر احدا غیرک و وسع
بار خدایا افزایش ده برای من در آنچه انعام کرده بآن بر من تا سپاس داری نکنم یکی را جز تو و فراخ کن
علی فی رزقی یا ذا الجلال و الاکرام اللهم ما غاب عنی فلا یغیبن
بر من در روزی من ای صاحب بزرگواری و نیکویی بار خدایا آنچه ناپیدا شد از من پس نهار ناپیدا نشود
عنی عونک و حفظک و ما فقدت من شیء فلا تفقدنی عونک علیه
از من یاری کردنت و نگهداشتنت و آنچه گم کردم از چیزی پس گم مدار یاری ترا بر آن
حتی لا اتکلف ما لا احتاج الیه یا ذا الجلال و الاکرام چون چنین
تا رنج نکشم آنچه نیازمند نشوم بسوی او ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن کنی گناهان
پنجاه ساله تو آمرزیده شود و بسیار بگو یا ذا الجلال و الاکرام و در غیر کتب
مشهوره روایت کرده است که در وقت تحویل این دعا را بسیار بخوان و بعضی سیصد
و شصت و شش یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال
مرتبه گفته اند ای گرداننده سال و حالها بگردان حال ما را بسوی خوبتر حال
و بروایت دیگر یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا
ای گرداننده دلها و چشمها ای سرانجام کنندهٔ کار شب و روز ای
محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال ایضا بعضی روایت
گرداننده سالها و حالها بگردان حال ما را بسوی خوبتر حالها کرده اند که این دعا را

در روز نوروز بعد دعا اللهم هذه سنة جدیدة و انت ملک قدیم
ایام سال بخوانند بار خدایا این سال نوبت و توئی پادشاه همیشه
اسئلک خیرها و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها و استکفیک
میخواهم نیکی از آن و نیکی آنچه در آنست و پناه میبرم از بدی آن و بدی آنچه در آنست و میخواهم از تو کفایت کردن
مؤنتها و شغلها یا ذا الجلال و الاکرام اگرچه منعی در دعا نیست اما آن
زندگانی آن سال را و بازبودهٔ آن را ای خداوند بزرگواری و نیکوکاری دعای اول را خواندن هرچند
نمازش کرده نشود و چون سند معتبر دارد بهتر است **فصل هشتم** در اعمال
ماههای رومی است سید جلیل علی بن طاوس رح روایت کرده است که روزی جمعی
از صحابه نشسته بودند حضرت رسالت ص داخل شد و بر ایشان سلام کرد و ایشان
جواب سلام گفتند پس حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را دوائی که جبرئیل
مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده باشم پس حضرت امیرالمؤمنین ع و سلمان
فارسی رح و دیگران سؤال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول بحضرت امیرالمؤمنین ع
خطاب نمود و فرمود که در ماه نیسان رومی آب باران میگیری و سورهٔ فاتحة الکتاب
و آیة الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل
یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه میخوانی و بروایت دیگر سورهٔ انا انزلناه
فی لیلة القدر نیز هفتاد مرتبه میخوانی و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه
لا اله الا الله میگوئی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی
و هفت روز بامداد و پسین از آن آب می آشامی بحق آن خداوندی که مرا براستی
بخلق مبعوث کرده اینه است سوگند یاد میکنم که جبرئیل گفت که حق تعالی بر دارد
از کسی که این آب را بیاشامد هر دردی که در بدنش باشد و عافیت بخشد او را و بیرون
کند دردها را از بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح دردی برای او مقدر شده
باشد محو نماید و بحق پروردگاری که مرا بحق فرستاده است براستی که اگر فرزند

نداشته باشد و فرزند خواهد و آب نیسان را باین نیت بیاشامد او را فرزند روزی
کردد و اکر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد و از این آب باین نیت بیاشامد فرزند
از او بوجود آید و اکر مرد و زن پسر خواهند یا دختر و از این آب بیاشامند مقصود
ایشان حاصل کردد چنانچه حق تعالی میفرماید یَهَبُ لِمَن یَشَاءُ اِنَاثًا وَ یَهَبُ لِمَن
یَشَاءُ الذُّکُورَ اَوْ یُزَوِّجُهُمْ ذُکْرَانًا وَ اِنَاثًا وَ یَجْعَلُ مَن یَشَاءُ عَقِیمًا یعنی حق تعالی
میبخشد هر که را خواهد دختران و میبخشد هر که را خواهد پسران یا جفت میکرداند
برای ایشان پسران و دختران یعنی هر دو را بایشان عطا میکند و هر که را خواهد
عقیم و بی فرزند میکرداند پس حضرت فرمود که اکر درد سر داشته باشد و از این آب
بیاشامد صداع او ساکن کردد بقدرت الهی و اکر درد چشم داشته باشد و در چشمهای
خود قطره از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را از این آب بشوید باذن
خدا شفا یابد و آشامیدن این آب بن دندانها را محکم کرداند و دهان را خوشبو
کرداند و لعاب بن دندانها را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلا بسبب خوردن
طعام و آشامیدن آب بهم نرساند و از بادهای قولنج و غیر آن متاذی نکردد و
و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان و درد معده
و کرم معده را زایل کرداند و محتاج بحجامت نکردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله
و دیوانکی و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات یابد و کور و لال و کر و زمین کیر نشود
و آب سیاه بر دیده اش نزول نکند و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نماز
او باشد او را عارض نکردد و از وسوسهای جنیان و شیاطین متاذی نکردد پس
حضرت رسالت پناه فرمود که جبرئیل کفت که هر که از این آب بیاشامد و بجمیع دردها
که در مردم میباشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها کردد پس جبرئیل کفت بحق
خداوندی که ترا براستی فرستاده که هر که این آیات را بر این آب بخواند حق تعالی

دلش را مملو کرداند از نور و روشنی و الهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت را
بر زبان او جاری کرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و عطا کند از کرامتها
آنچه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت برای او بفرستد
و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بر دارد
و از عداوت و دشمنی مردم و بدکوئی ایشان نجات یابد و موجب شفای جمیع
امراض او کردد مؤلف کوید که این روایت مشهور بعبد الله عمر علیه اللعنه منتهی
میشود و باین سبب سندش ضعیف است و فقیر بخط شیخ شهید ره دیدم که
این روایت را از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده بود با همین خواص و سورها
اما آیات و اذکار را باین روش روایت کرده است که میخوانی بر آب نیسان فاتحه
الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد هر یک را هفتاد مرتبه و میکوئی
هفتاد مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و هفتاد مرتبه اَللّٰهُ اَکْبَرُ و هفتاد مرتبه اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و هفتاد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ و در خواص آن مذکور است که اکر در زندان باشد و از این
آب بیاشامد از حبس نجات یابد و سردی در طبع او غالب نکردد و اکثر آن خواص
که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران مطلقا مبارکست و
منفعت دارد خواه در نیسان بیارد و خواه در غیر آن چنانچه بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که بیاشامید آب آسمان را که پاک میکند بدن شما را
و دردها را دفع میکند چنانچه حق تعالی میفرماید وَ یُنَزِّلُ عَلَیْکُمْ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً لِیُطَهِّرَکُمْ بِهِ وَ یُذْهِبَ عَنْکُمْ رِجْزَ الشَّیْطَانِ وَ لِیَرْبِطَ عَلٰی قُلُوبِکُمْ
وَ یُثَبِّتَ بِهِ الْاَقْدَامَ یعنی میفرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی برای آنکه

پاک کردانند شما را بآن و ببرد از شما وسوسهٔ شیطان را و دلهای شما را محکم کردانند
و ثابت کردانند بآن قدمهای شما را و در عمل نیسان بهتر آنست که اگر جمعی خواهند
هر یک مجموع آن سورها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که میخوانند
فایدهٔ اش عظیم‌تر و ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از بیست و سه روز که
از نوروز بگذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی میشود و ماه نیسان سی روز است
و از حضرت صادق منقولست که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود
البته چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز
سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث معتبر منقولست که در
خدمت حضرت صادق ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که این ماهیست که حضرت
موسی نفرین کرد بر بنی اسرائیل و در یک شب و یک روز سیصد هزار کس ایشان مردند
و بار سند معتبر از آنحضرت منقولست که حق تعالی اجلها را در ماه حزیران نزدیک
میکرداند یعنی موت در آن بسیار میباشد و بدانکه ماههای رومی بنایش بر حرکت
آفتابست و عدد آنها دوازده است باین ترتیب تشرین الاول تشرین الاخر
کانون الاول کانون الاخر شباط اذار نیسان ایار حزیران تموز آب
ایلول و چهار ماه را سی میکیرند که آنها تشرین الاخر و نیسان و حزیران و ایلول اند
و هفت دیگر غیر شباط را سی و یک میکیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست
و هشت میکیرند و در سال چهارم که سال کبیسهٔ ایشانست بیست و نه میکیرند
و سال ایشان سیصد و پنج روز و ربعیست و تشرین الاول که اول سال ایشانست
در این سالها موافق نوزده درجهٔ میزان است و تفصیلش در کتاب بحار الانوار
مذکور است و چون این ماهها در احادیث مذکور شد مجملی در اینجا ایراد نمودیم

باب سیزدهم در بیان احکام اموات است و در آن پنج فصل است فصل اول

در بیان آداب و احکام حال احتضار و برداشتن میت

در بیان آداب و احکام حال احتضار و برداشتن میت است باید که چون در بیمار
آثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود کردد و از کناهان خود توبه کند و از کذشتها
نادم و پشیمان کردد و عازم کردد که اگر زنده بماند مرتکب معصیت الهی
نکردد پس وصیت کند و حقوق خدا و خلق آنچه بر ذمهٔ او باشد ادا کند و بر
دیکران نکذارد پس بعد ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان و پریشان و فقرا
و مساکین و سایر وجوه بر صرف نمایند پس ابراء ذمه از برادران مؤمن بطلبد و هر که را
غیبت کرده باشد یا اذیتی رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس نماید
که از او عفو کنند و اگر غایب باشند از حاضران التماس نماید که ایشان را از او راضی
کردانند و از برای ایشان استغفار نماید پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل
بر جناب مقدس الهی بامینی بکذارد و وصی برای اولاد خود تعیین نماید پس کفن خود را
حاضر سازد و شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلم و ادعیه که وارد شده است که ...
سنت است که بر کفن نوشته شود بفرماید که بتربت حضرت امام حسین بر آن بنویسند
اگر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنتست که پیوسته کفن با او باشد
چنانچه از حضرت صادق منقولست که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از
غافلان ننویسند و هر کاه نظرش بر آن کفن افتد حسنه برای او نوشته شود و باید
که در آنوقت امیدوار رحمت حق تعالی و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم
بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه منقولست که هر که در وقت مرک وصیت
نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت و مردی اوست کفتند یا رسول الله چکونه وصیت
کند فرمود که چون نزدیک وفات او شود اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
و مردم نزد او جمع شوند بکوید بار خدایا ای آفریننده آسمانها و زمین
عَالِمَ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِیمَ اِنِّی اَعْهَدُ اِلَیْکَ اَنِّی اَشْهَدُ اَنْ لَا
دانای نهان و آشکار بخشاینده مهربان بدرستی که من پیمان میکنم بسوی تو اکه من کواهی میدهم که نیست

الٰه الّا انت وحدک لا شریک لک وانّ محمّداً صلّی الله علیه وآله عبدک
خداوندی مگر تو تنها نیست انبازی مر ترا واگر محمّد درود خدا بر او و بر خاندان او بنده تو
ورسولک وانّ الساعة آتیة لا ریب فیها وانّک تبعث من فی القبور وانّ
و فرستاده تست واگر قیامت آینده است نیست شکی در آن واگر تو بر می انگیزانی کسانی که در گورها اند واگر
الحساب وانّ الجنّة حقّ وما وعد الله فیها من النعیم من المأکل والمشرب حقّ
شمار واگر بهشت حق است وآنچه وعده داد خدا در آن از نعمت از خوردن و آشامیدن
والنکاح حقّ وانّ النار حقّ وانّ الایمان حقّ وانّ الدین کما وصفت و
و نزدیکی کردن با زنان حق است واگر آتش حق است واگر گرویدن حق است واگر دین چنانست که تو نشان داده و
انّ الاسلام کما شرعت وانّ القول کما قلت وانّ القرآن کما انزلت وانّک
اگر مسلمانی چنانست که بیان کرده واگر سخن چنانست که گفته واگر قرآن چنانست که فرستاده واگر تو
انت الله الحقّ المبین وانّی اعهد الیک فی دار الدنیا انّی رضیت بک
تو خدای حق آشکارا واگر پیمان میکنم بسوی تو در سرای دنیا اگر من خوشنودم ترا بر
ربّاً وبالاسلام دیناً وبمحمّد صلّی الله علیه وآله نبیّاً وبعلیّ اماماً و
پروردگاری و مسلمانی را دین و محمّد را درود خدا بر او و بر خاندانش پیغمبری و علی را بر پیشوائی و
بالقرآن کتاباً وانّ اهل بیت نبیّک علیه وعلیهم السلام ائمّتی اللهم
قرآن را کتاب واگر مردم خانه پیغمبر تو بر او و بر ایشان باد درود پیشوایان منند بار خدایا
انت ثقتی عند شدّتی ورجائی عند کربتی وعدّتی عند الامور التی
توئی استوار من نزد سختی من و امید داشتن من نزد دلگیری من و ساز و برگ من نزد کارها که
تنزل بی وانت ولیّی فی نعمتی والهی واله آبائی صلّ علی محمّد وآله
فرود می آید بمن و توئی خداوند من در نعمت دادن من و خدای من و خدای پدران من درود ده بر محمّد و خاندانش
ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابداً وآنس فی قبری وحشتی واجعل لی
و مگذار مرا بخود هم چشم بر هم زدنی همیشه و آرام ده در گور من تنهائی مرا و بگردان از برای من
عندک عهداً یوم القاک منشوراً پس حضرت رسول فرمود که این عهد و
نزد خود پیمانی در روزی که میبینم ترا باز کرده شده پیمان میّت است با خدا در روزی
که میخواهد وصیّت کند و وصیّت لازم و واجبست بر هر مسلمانی و صحیفه
اعتقادات چنانچه در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده ام درست کند و بمهر گواهان
برساند تا در کفن او بگذارند و چون آثار احتضار ظاهر شود دعای عدیله را مکرّر بخواند

حق

میان

اللهم اغفر لی الکثیر من معصیتک واقبل منّی الیسیر من طاعتک
خداوندا بیامرز از برای من بسیاری از نافرمانیت را و قبول کن از من اندکی از فرمان بردنت را
تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان و برادران مؤمن در
آن حالت او را تنها نگذارند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس و صافات نزد
او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات کمالیه الهی و رسالت حضرت رسول
و امامت ائمه هدی علیهم السلام بتفصیل و اعتقاد بمعاد و بهشت و دوزخ
و سؤال قبر و سایر اعتقادات حقّه را مکرّر تلقین او کنند که بگوید یا در دل بگذراند اگر
نتواند خواند نزد او بخوانند و اگر عربی نداند مضامینش را بر او القا کنند که در این وقت
شیطان بر او دست نیابد که او را از دین برگرداند و باید که کلمه طیّبه لا اله
الّا الله بسیار بگوید و مکرّر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است که
هر که آخر سخن او لا اله الّا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث معتبر از
حضرت امام محمّد باقر مرویست که تلقین کنید مردگان خود را لا اله الّا الله
بدرستی که گناهان را در هم میشکند و مونس مؤمنست در حال حیات و نزد مردن
و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام مردن این کلمه طیبه را بگوید داخل بهشت
گردد و احوط آنست که در این حال پای او را بجانب قبله بگردانند تا ملئکه رحمت باو
رو آورند و در این وقت حایض و جنب نزد او نیاید که ملئکه از ایشان نفرت میکنند
و اگر بغیر ایشان کسی نباشد جایز است که برای ضرورت پرستاری او نمایند و چون
نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند و در احادیث معتبر وارد شده است که اگر
جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بجائی که همیشه نماز میکرده است یا بخوابانند
بر روی جانمازی که همیشه بر آن نماز میکرده است زیرا که اگر امید شفا هست
شفا می یابد والّا جانش باسانی بر می آید و از حضرت امام رضا منقولست که در حال
احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست و پا حرکت دهد مانعش مشوید چنانچه

جاهلان میکنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول و
آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت صادق در حالت احتضار
بود و حضرت امام محمد باقر در کنار خانه نشسته بود و هر که نزدیک او میرفت منع
میکرد و میفرمود که دست بر او مگذارید که او در اینحال در نهایت ناتوانیست
و هر که دست بر او میگذارد چنانست که او را کشته است و در حدیث دیگر از حضرت
باقر منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین
او کنید و کلمات لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ
فرج اینست
نیست خدائی بغیر خدای بردبار کرامت بخش نیست خدائی بغیر خدای بلند پایه بزرگ
سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِینَ السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ
پاکست خدا پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست
وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و در حدیث دیگر
و آنچه در میان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ و ستایش مر خدایراست پروردگار جهانیان
منقولست که
چون این کلمات را تلقین کسی میکردند حضرت امیر المؤمنین میفرمود که برو که دیگر
بر تو باکی نیست و حضرت رسول این کلمات را تلقین شخصی کرد چون او خواند حضرت
فرمود الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد و از حضرت صادق منقولست که
هیچکس نیست مگر آنکه شیطان در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل میکرداند
بر او که او را به شک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد
نمیتوانند بر او دست یافت پس در آنحال تلقین او کنید کلمات فرج و شهادت بوحدانیت
خدا و اقرار بحضرت رسالت و ائمه طاهرین علیهم السلم یکیک بالخصوص تا آخر تا از سخن
گفتن باز ماند و ایضا سنت است که برای آسانی جان کندن این دعا را تلقین او کنند
یَا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسِیرَ وَیَعْفُو عَنِ الْکَثِیرِ اِقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ وَاعْفُ عَنِّی الْکَثِیرَ
ای کسی که میپذیرد اندک را و درمیگذرد از بسیار درپذیر از من اندک را و درگذر از من بسیار را

انک

اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ و بروایت دیگر اِنَّکَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ و چون
بدرستیکه توئی آمرزنده مهربان
روح او مفارقت کند سنت است که دهانش برهم گذارند و چانه اش را ببندند
و چشمهایش را بهم آورند و دستهایش را بر پهلوهایش بکشند و او را بجامه یا
با جامه بپوشانند و قرآن نزد او بخوانند و زود ش بردارند مگر بقدر جمع شدن
مؤمنان اگر اشتباهی در موت او نباشد و اگر مشتبه باشد تا یقین نشود مرگش برندارند
و از حضرت صادق منقولست که سزاوار آنست که برادران مؤمن را خبر کنند بمردن او
تا بجنازه او حاضر گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت و ایشان
همه ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت صادق منقولست که چون مؤمن را بقبر
میگذارند او را ندا میکنند که اول عطائی که بتو دادیم بهشتست و اول عطائی که
دادیم آنها را که با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرمود که اول
تحفه که بمؤمن میدهند در قبر آنست که می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده اند
و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن کنند حق تعالی
در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی او نمایند و استغفار برای او کنند
از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که یکطرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش
آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید و باید که جنازه را چهار
کس بردارند و بهتر آنست برای کسی که تشییع جنازه کند که اول دست راست میت را
که جانب چپ جنازه است بدوش راست بردارد پس پای راست میت را باز بدوش
راست بردارد پس از پشت جنازه برآورد و پای چپ میت را بدوش چپ خود بردارد
پس دست چپ میت را که جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد
که تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و بازبهمان
روش تربیع بجا آورد و اکثر علما برعکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه

میکند پس پای چپ پس پای راست پس دست چپ و اول موافق احادیث معتبره
اولی است واکر هر دو را بعمل آورد بهتر است وافضل آنست که عقب جنازه
یا بپهلوها راه رود وپیش جنازه نرود وظاهر اکثر احادیث آنست که اکر جنازه
مومن باشد پیش او راه رفتن خوبست ودر جنازه خلاف مذهب خوب نیست زیرا
که ملئکه اورا استقبال بعذاب میکنند وبا جنازه سواره راه رفتن مکروهست
واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هر که جنازه را ببیند وابن دعا بخواند
اللّهُ اَکبَرُ هٰذا ما وَعَدَنا اللّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّهُ وَرَسُولُهُ اَللّهُمَّ
خدا بزرکتر است اینست آنچه وعده داد ما را خدا و پیغمبرش وراست کفت خدا و پیغمبرش بار خدایا
زِدنا ایماناً وَتَسلیماً اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی تَعَزَّزَ بِالقُدرَةِ وَقَهَرَ العِبادَ بِالمَوتِ
بیفزا ایمان ما کرویدن ما وکردن نهادن ما ستایش مر خدایرا که ارجمندست بتوانائی وفرو شکسته بندکان را بمرک
هیچ ملکی در آسمان نماند مکر آنکه کریه کنند از برای ترحم بر او واز حضرت صادق ع
منقولست که در حال برداشتن جنازه این دعا بخواند بِسمِ اللّهِ وَبِاللّهِ اَللّهُمَّ
بنام خدا وبخدا بار خدایا
صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغفِر لِلمُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ ومنقولست که حضرت امام
درود ده بر محمد وخاندان محمد وبیامرز مردان کرویده وزنان کرویده را
زین العابدین ع هر کاه جنازه را میدید میکفت اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی لَم یَجعَلنی مِنَ
ستایش مر خدایرا که نکردانید مرا از تن
السَّوادِ المُختَرَمِ وزنانرا تشییع جنازه سنت نیست وبعضی کفته اند که
ازین برکنده شده از جا
جنازه را بسیار تند بردن مکروه است ومجمره بردن با جنازه کراهت دارد و
در روز چراغ بردن خوب نیست واسرافست ودر شب خوبست ومکروهست کسی را
که بجنازه حاضر شود خندیدن وحرف باطل کفتن **فصل دویم** در غسل دادن
میت است بدانکه احکام میت از غسل دادن وکفن کردن ونماز کردن ودفن کردن
واحکام پیش همه واجب کفایی است یعنی بر همه کس واجبست واکر یکی بکند از همه ساقط
میشود واکر همه ترک کنند همه معاقب میشوند ومشهور میان علما آنست که ولایت
اینمعنی تعلق بوارث میت دارد وبی رخصت او دیکری متوجه اینها نمیتواند

در بیان غسل دادن میت

شد ومردان ورثه او لاید از زنان وشوهر اولی است از دیکران واحوط آنست
که بی ضرورت خود غسل ندهد وغسل ونماز وسایر احکام میت واجبست برای
میت شیعه اثنی عشریه ودر سنی وسایر فرق مخالفان خلافست وظاهر او واجب
نباشد مکر در حال تقیه وشهیدی که در حال جهاد با امام زمان کشته شده
باشد ودر معرکه مرده باشد اورا غسل نمیدهند وکفن نمیکنند وبا جامها که پوشیده است
دفن میکنند وبعضی کفته اند در هر جهاد حقی که کشته شود چنین است وحالی
از قوتی نیست ومشهور میان اصحاب آنست که هر کاه از میت عضوی یافت شود
که در آن استخوان باشد میشویند وکفن میکنند ودفن میکنند وبعضی سه
کفن را در اینجا واجب دانسته اند واکر صفحی باشد که دل در آن باشد نماز هم میباید
کرد واحوط آنست که اکر سینه را تنها بیابند باز چنین کنند وهمچنین اکر جمیع
استخوانهای میت را بیابند وعضوی که بی استخوان باشد مشهور آنست
که در لته می پیچند ودفن میکنند وبعضی لته پیچیدن را واجب ندانسته اند
وبچه که از شکم ساقط شود هر کاه چهار ماه زیاده داشته باشد غسل میدهند
وکفن ودفن میکنند وبر او نماز نیست وبعضی کفته اند به جامه کفن میکنند
وحنوط میکنند وهر کاه چهار ماه نداشته باشد مشهور آنست که در لته می پیچند
ودفن میکنند ودر روایت دیکر در لته پیچیدن مذکور نیست وبعضی تمام شدن خلقت
طفل را اعتبار کرده اند در غسل وکفن نه چهار ماه را واین احوط است واکر عضو
استخوان داری از زنده بریده باشند احوط آنست که غسل وکفن ودفن کنند
اکر چه اظهر عدم وجوبست واکر طفل در شکم مادر مرده باشد ومادر زنده
باشد اکر تواند درست بیرون آورند والا پاره پاره میکنند وبیرون می آورند
واکر مادر بمیرد وطفل زنده باشد شکم مادر را میشکافند از جانب چپ

وطفل را بیرون می آورند و بهتر آنست که شکمش بدوزند و واجبست که مرد مرد را
غسل دهد و زن زن را الّا در چند موضع اوّل زن و شوهر که بقول اشهر
واقوی هر یک دیگری را غسل میتوانند داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل
دهد و نظر بعورت نکند و بهتر آنست که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا
مرد زن را دوّم جایز است که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن کسی و در عدّه
کسی نبوده باشد و در غسل کنیز آقا را اختلافست سیّم جایز است که غسل
دهد مرد اجنبی دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه
و بعضی در پنج ساله نیز تجویز کرده اند چهارم هرگاه مردی فوت شود و مردی نباشد
که او را غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند داد از زیر جامه و همچنین است
هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهر اینست در حال اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل میتوانند
داد و امّا احوط آنست که تا ممکن باشد زن زن را و مرد مرد را غسل دهد و امّا
کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل کفن را مهیا کند و اوّل جرم را و بعد از آن
سر تا سری را و بعد از آن پیراهن را پهن کند و نصف بالای پیراهن را بر گردانند
و بعد از آن لنگ را و بعد از آن ران پیچ را بجای خود پهن کند پس متوجه غسل
شود و اگر میسر شود که میت را در وقت غسل بر روی تختی یا تخته بخوابانند بهتر است
و مستحبست که در وقت غسل پای میت بسوی قبله باشد بطریق حال احتضار
و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال باید چنین باشد مگر در حال نماز و حال
دفن و باید رختهایش بکنند و اگر خواهد با پیراهن غسل دهد و اگر خواهد
لنگ ببندد و پیراهن را بکند و بر هر تقدیر واجبست که در وقت غسل دادن
عورتین میت را بپوشانند و مشهور آنست که واجبست که اوّل ازاله نجاست از بدن
میت بکند و سنّتست که برای حرمت میت پیراهن را از طرف پا بیرون کند

واگر

و اگر تنگ باشد باذن ورثه بشکافند و سنّتست که در زیر سقفی یا خیمه غسل
دهند که برابر آسمان نباشد و سنّتست که دو نفر باشند که غسل دهند یکی آب
بریزد و دیگری بگرداند میت را و مستحبست که انگشتان میت را بمدارا نرم کند و اگر
دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست بر دارد و واجبست که میت را سه غسل
بدهد اوّل بآب سدر و بعد از آن بآب کافور و بعد از آن بآب خالص و سنّتست
که اوّل دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنا بر بعضی از روایات
پس عورت میت را بشوید و احوط آنست که چون خواهد که عورت را بشوید لنته بر دست
ببندد که دستش بعورت نرسد و اگر بدست چپ بشوید بهتر است و سنّتست
که اوّل عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و آب بسیار بریزد
تا خوب پاک شود پس دست بر بالای شکمش بگذارد و بنرمی و همواری پایین کشد
که اگر فضله باشد بیرون آید و اگر چیزی بیرون نیاید باز مخرج را بشوید و اگر زن
حامله باشد و خوف افتادن فرزند باشد دست بر شکمش نکشد و علما گفته اند
سنّتست که ریشش را پیش از غسل بکف سدر بشویند پس سنّتست که دستهای
خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسی که دست بر میت میگذارد پس وضو دهد میت را
بروش وضوی زندگان بآب خالص و بعضی واجب دانسته اند و نیت کند که وضو
میدهم این میت را قربة الی الله پس رو و دستهایش را بشوید و سر و پاهایش را مسح کند
پس ابتدا کند بغسل و احوط آنست که آب ریزنده و گرداننده اگر دو کس باشند
هر دو نیت کنند و بهتر آنست که نیت هر سه را در اوّل بکند و از برای غسل
کافور و قراح نیز نیت جدا کند پس اوّل نیت میکند که این میت را غسل میدهم
بآب سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجبست از برای رضای خدا قربة الی الله
پس سر میت را بآب سدر و کافور میشوید و احوط آنست که اوّل بجانب راست

سر آب بریزند و بعد از آن بجانب چپ و بعد از آن سنتست که سر را و هر جانب را
سه مرتبه بشویند پس میت را بر پهلوی چپ بخوابانند و جانب راست را بشویند
و سنتست که سه مرتبه بشویند و هر سبوئی که میریزند قطع نکنند تا بپا برسد و اگر
آنکه میت را میگرداند در هنگام آب ریختن دست بر پشت و شکم بمالد بهمواری
که آب خوب برسد بهتر است و دست میت را از پهلو جدا کند تا آب بزیر آن
برسد بهتر است و چنان کند که آب بزیر لنگ و عورت و ران و سایر اعضا
خوب جاری شود پس میت را بگرداند و بر پهلوی راست بخواباند و پهلوی چپ را
بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشویند و در آب سدر مستحب کاملیت و مشهور
آنست که حدی ندارد و بعضی گفته اند که باید هفت برگ سدر باشد و بعضی
یکرطل و بعضی یکرطل و نیم گفته اند که نزدیک به بیست و پنج درم زیاده بوده باشد
و گویا این زیادتیها برای شستن فرج و سایر اعضا پیش از غسل بوده باشد و
احوط آنست که در آب غسل آنقدر داخل نکند که مضاف شود و آبش نگویند
و در بعضی روایات در شستن هر جانب شستن نصف سر وارد شده است
شاید بد نباشد اگرچه خلاف مشهور است پس میت را بر پشت بخوابانند و ظرفها را
بشویند که اثر سدر از آنها برطرف شود و اندک کافوری در آن میکنند و داخل آب
میکنند و غسل دهنده دستهای خود را تا مرفق میشوید و بهتر آنست که دست میت را
نیز تا نصف ذراع سه مرتبه باب کافور بشوید و فرجش را نیز سه مرتبه بشوید و بهمان
نحو که گذشته یاد دستمالی بر دست بپیچد و دست بر شکم میت بکشد بهمواری و بهتر
آنست که در وقتی که دست بر شکم میت میکشد سر میت را بلند کند که فضلات
از آن طرف بیرون رود پس احتیاطا آب بریزند و گردانند هر دو نیت کنند که این
میت را غسل میدهم باب کافور از برای آنکه واجبست از برای رضای خدا قربة

الی الله پس سر را بشویند و سنتست که سه مرتبه بشویند و در هر مرتبه ابتدا بجانب
راست سر کنند و گردانند بهمواری دستی بمالد پس جانب راست را سه مرتبه
و جانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشویند پس میت را
بر پشت بخوابانند و باز دست خود را تا مرفقین بشویند و ظرفها را خوب بشویند که اثری
از سدر و کافور در آنها نماند و اگر سبوی دیگر برای آب قراح مهیا کنند بهتر است
و احوط آنست که غسل قراح را از حوضی که آب سدر و کافور در آن ریخته شده است
بر ندارند و از آبی بردارند که اینها مطلقا در آن داخل نشده است پس دستهای
میت را تا نصف ذراع سه مرتبه باب خالص بشویند استنجا یا و فرج میت را باب
خالص نیز سه مرتبه بشویند و اگر در اینوقت نیز باز دیگر میت را وضو دهند
شاید بهتر باشد پس احتیاطا نیت کند که غسل میدهم این میت را باب قراح
از جهة آنکه واجبست قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را سه مرتبه
و جانب چپ را سه مرتبه بشویند که یکمرتبه واجبست و دو مرتبه سنت و بهتر
آنست که گردانند بهمواری در وقت آب ریختن دستی بکشد بر بدن میت و پیش
از غسل و در اثنای غسل دست بر شکم میت نمیکشد و چون از این هر سه فارغ
شود اگر خوف خروج نجاستی بوده باشد قدری از پنبه در دبرش داخل کنند
و همچنین در دهان و بینی او قدری از پنبه داخل کند اگر خوف بیرون آمدن
خون یا نجاستی بوده باشد پس سنتست که بدنش را بجامهٔ خشک کند و بعد از
آن او را بر روی جامهای کفن بگذارد و سنتست که هر مرتبه که میت را از جانبی
بجانبی گرداند این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ
خَرَجَتْ رُوحُهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا فَعَفْوُكَ عَفْوُكَ و اگر زن باشد بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ و اگر روحها بگوید بهتر است و در سایر

احوال غسل مکرر بکوید رب عفوک عفوک تا خدا او را بیامرزد و سنت است
که هرچه از عیوب میت ببا و ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی گناهان
او را بیامرزد چنانچه از مادر متولد شده باشد و مستحبست که غسل دهنده
از جانب راست بایستد و گودالی در برابر قبله بکند و تخته سر از بر باشد که آب
غسل در آن گودال رود و مکروهست که آب غسل را بچاله که در آن بول
و غایط کنند بریزند و اگر چاله باشد که کثافات خانه را در آن ریزند قصور
ندارد و مکروهست میت را باب گرم غسل دادن مکر در حال ضرورت و مکروه است
که میت را در میان پاهای خود بگیرد و ایضا مکروه است که ناخن میت را بگیرد
یا موی او را بگیرد یا شانه کند و اگر بگیرد ناخن و مو را یا موئی که در اثنای غسل
جدا شود باید که در میان کفن گذارد و با میت دفن کند حتی منقولست که دندانی
از حضرت باقر کنده شد بحضرت صادق داد و فرمود که با من دفن کن در قبر
و اگر سدر و کافور بهم نرسد یکمرتبه باب قراح غسل دهند و احوط آنست که
سه مرتبه غسل دهند و اگر پیش از دفن بهم رسد احوط آنست که مرتبه دیگر
او را غسل دهند و اگر آب بهم نرسد یا میت را غسل نتوان داد و خوف آن
باشد که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند او را و ظاهر اینست تیمم کافیست و سه
تیمم احوط است و بهتر آنست که تیمم را چنین بدهد که نیت کند که تیمم میدهم
این میت را بدل از غسلهای سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجبست از برای رضای
خدا و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور احتیاطا
قربة الی الله و همچنین قراح را و چون نیت کند دست خود را بر خاک زند و بر پیشانی
میت کشد و دیگر بر پشت دست راست میت کشد و بعد از آن بر پشت دست چپ
و اگر بد وضع تیمم دهد یکی برای وضو و دیگری برای دستها خوب و اگر

در بیان احکام کفن کردن

میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند **فصل سیم** در کفن
کردن میت است واجبست که میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته اند که اول آنها
لنگ است که از ناف تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفته اند سنت است که سینه را
بپوشد و تا پاها برسد دویم پیراهن است و سیم سرتاسری که جمیع بدن را بپوشد
و بعضی از علما گفته اند پیراهن نیست و دو سرتاسری و جایز است که بجای پیراهن
یک سرتاسری دیگر بکنند که مجموع سه سرتاسری باشد و این قول اظهر است و احادیث
معتبره بر این دلالت دارد و احوط آنست که با اینها نیز لنگ بکنند و با ضرورت
یک سرتاسری کافیست و باید که کفن حریر محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن
زنان نیز حریر محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن از پوست نبوده باشد و
بهتر آنست که از پشم و مو نیز نباشد و سنت است که از پنبه سفید بوده باشد و سنت است
که سرتاسری بالا از جمله دو سرتاسری حبره باشد و آن جامه بوده که از یمن می آورده اند
و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند بد نباشد
و علما گفته اند سنت است که اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازد
و بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ میت و بهتر آنست که چنین کنند
اگرچه مستندش بنظر نرسیده و سنت است که خرقه طویلی که عرضش یک شبر و نیم
و طولش اقلا سه ذرع و نیم بوده باشد بذراع دست زیاده کنند برای ران پیچ
بآنکه سر آنرا اشکافند و بر کمر میت بندند و پنبه بسیار بر دبر و فرج میت بگذارند
و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند و اگر پنبه قدری کافور بپاشند شاید بد
نباشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند و از زیر آنچه بر کمرش بسته اند
بیرون آورند و محکم بکشند که فرج را بر پنبه که گذاشته اند فرا گیرد و پاها را هم
آورند و رانها را با یکدیگر با آن خرقه سخت ببندند و بر پیچند تا زانوها و هر جا

که منتهی شود و سرش را در آنچه پیچیده اند فرو برند و سنّت که عمامه برای مرد زیاد
کنند که بر دور سرش بگردانند و موافق مشهور بزیر حنک بگردانند و سرهای عمامه
از هر دو طرف بگذارند و بر سینه میّت بیندازند چپ را از جانب راست و راست را
از جانب چپ و بدل از عمامه مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینه
زن ببندند که پستانهای او را بگیرد و بر پشتش گره زنند و مکروه است که کفن از
کتان باشد یا پیراهنی که پاره کنند آستین داشته باشد امّا اگر میّت را در پیراهن
خودش کفن کنند در کار نیست بریدن آستین و با آستین باکی نیست امّا تکمها و بندها را
ببرند و سنّت که میّت را کفن کنند در پیراهنی که در آن نماز میکرده است و اگر
در پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند شاید بد نباشد و مستحبّست که جامه
که در آن احرام بسته در حج یا عمره کفن کنند و مستحبّست که کفن خوش قماش و صاحب
قیمت باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای مردگان
خود را که زینت ایشانست و با آن کفنها در قیامت مبعوث میشوند و سنّت که
در قیمت کفن مضایقه و مضرّی نکنند و کفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد
و سنّت موافق مشهور که در کفن شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلم بنویسند و دعای
جوشن و غیر آن در بعضی روایات وارد شده است و سنّت که بتربت حضرت امام
حسین ع بنویسند و علما گفته اند که سنّت که کفن را بریسمانی که از آن بیرون آورده اند
بدوزند و باب دهن تر نکنند و سنّت که در وقتی که غسل دهنده خواهد که میّت را
کفن کند دستهای خود را تا دوش یا تا مرفق بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن
کردن و واجبست حنوط کردن میّت بانکه بر هفت موضع سجده او یعنی پیشانی
و کف دستها و زانوها و انگشت مهین پاها کافور بمالند اگرچه اندکی باشد و بهتر
آنست که سر بینی را نیز بمالند و بر سینه اش بریزند و اگر کودال با میّت کردن

و بندهای پا و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ زانو و بند انگشتان و سایر
بندها را بمالند احوط است و بهتر آنست که کافور حنوط کافور خام جودانه
باشد و مقدارش بقدر یک اشرفی باشد که چهار دانک و نیم مثقالست و بهتر
از این آنست که سه مثقال باشد و بهتر از این آنست که سیزده درهم و ثلثی بوده
باشد موافق حنوط حضرت رسول ص که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر
آنست که کافور غسل غیر از این مقدارها باشد و سنّت مؤکد است که دو چوب
تازه با میّت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است که تا این چوبها تر است میّت را
عذاب نمیکنند و بهتر آنست که چوب درخت خرما باشد و اگر یافت نشود چوب
سدر کنند و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار
و اگر هیچ نرسد هر چوب تری خوبست و باید که تر باشد و تازه از درخت بریده باشند
و چوب خشک هر چند که از درختهای اماکن شریفه بریده باشند فایده نمی کنند
و باید هر یک بقدر یک شبر بوده باشد یا یک ذراع دست و بعضی گفته اند بقدر
استخوان ذراع که یک شبر بیشتر است و ظاهرا همه خوبست و بعضی گفته اند پنبه
بر آنها بپیچند تا رطوبتشان بیشتر بماند و یکی را از جانب راست بگذارند و سرش را
بچنبر گردن بگذارند و ملصق ببدن سازند و دیگری از جانب چپ میان پیراهن
و سرتاسری بگذارند و سرش را نیز بچنبر گردن بگذارند و بعضی گفته اند که سنّتست که
بر جریدتین شهادتین بنویسند بتربت شریف و اگر تقیه باشد و جریدتین نتوان
در کفن گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر بعد از پر کردن قبر بخاطرش آید در میان
قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میّت از اصل مال اوست مقدّم بر دین و وصیّت
و میراث و اگر چیزی نداشته باشد رختهای او را تطهیر کنند و بانها کفن کنند
و اگر آن هم نباشد برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن

میت میتوان کرد و خالی از قوتی نیست و سنت مؤکدست که مسلمانان او را کفن کنند
چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست
که ضامن جامهٔ او شده تا روز قیامت و هر که قبری بکند از برای مؤمنی چنانست که او را
در خانهٔ موافق نیکویی جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجبست هر چند
مالدار باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجبست و اگر از میت نجاستی بیرون
آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد تا در قبر نگذاشته اند آنرا میشویند
و اگر در قبر باشد مشهور آنست که آن موضع را مقراض میکنند و کفن را از یکدیگر
میکشند تا بدن میت پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن بوده باشد شستن
در اندرون قبر بآنکه طشت و آفتابه ببرند و بشویند بهتر آنست خصوصا هرگاه
بدن میت نجس شده باشد و تطهیر آن لازم باشد کفن را نیز بآن عنوان بشویند و این
احوطست و جمعی گفته اند مکروهست کفن را با آهن بریدن و گفته اند از مشایخ
چنین شنیده ایم و در حال کفن نیز سنتست که پاهایش بجانب قبله باشد و کسی
که در غیر جهاد با امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله میکنند و غسل
میدهند و اگر سر جدا شده باشد بهر غسل اول سر را میشویند و آخر بدن را و
بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود گل دست میرند تا بند شود و از حضرت صادق
منقولست که در حکم چنین کسی اول خون را میشویند و آب بر او میریزند در غسل
و دست بر بدنش نمیمالند و بر جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم می بندند
و همچنین اگر گردنش بریده شده باشد و جدا نشده باشد کافور میپاشند بر موضع
جراحت و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه می بندند که خون بیرون نیاید و اگر سر
از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را میشویند بعد از آن بدن را و پنبه
بر بالای گردن میگذارند و بعد از آن سر را بر روی گردن میگذارند و در میان

کفن

در بیان نماز میت

کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و رویش
بجانب قبله میگردانند **فصل چهارم** در نماز میت و این نماز واجبست بر همهٔ
مسلمانان که علم بفوت شخصی بهم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران
ساقط میشود و واجبست نماز بر هر شیعهٔ اثنا عشری که بالغ باشد بی خلاف
و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجبست و ظاهرا
بقصد قربت اکتفا توان کرد و کمتر از شش ساله را اگر زنده متولد شده باشد بعضی
سنت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردنست و جایز نیست نماز کردن
بر کفار و خوارج و ناصبیان که عداوت اهل بیت داشته باشند و غالیان
که ائمه علیهم السلام را خدا میدانند یا گویند خدا در ایشان حلول کرده است
بر مرتد و آنها که خدا را جسم میدانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست و ظاهرا
مخیر باشد میان آنکه نماز نکند یا بکند و چهار تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم نفرین
و لعنت کند بر او و در موضع تقیه ترک نباید کرد و سزاوارترین مردم بنماز
بر میت وارث اوست بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز
جماعت نمیتوان کرد و احوط آنست که تا توان رخصت از ایشان گرفتن بی رخصت
نکند و شوهر از همهٔ خویشان اولی است نسبت بزن و مردان ورثه اولی اند از
زنان و وارث اگر قابلیت پیشنمازی نداشته باشد هر کرا که اعتقاد داشته باشد
و بهتر داند مقدم دارد و جایز است که زن پیشنمازی زنان بکند و با ماموم در یک
صف بایستد و مرد باید که پیش بایستد اگرچه ماموم یکنفر باشد و اگر زنان
با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان بایستند و اگر حایض باشد سنتست
که در صف جدائی بایستد و واجبست که نماز کننده رو بقبله باشد و سر
جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط

در منفرد آنست که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجبست که میت بر پشت
بخوابانند و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حایض و بیوضو
این نماز را میتوانند کرد و احوط آنست که سایر شروط نماز یومیه را در این نماز
رعایت کنند از پوشیدن عورت و نجس نبودن جامه و بدن و حریر نبودن
جامه و غیر اینها اگر چه اظهر آنست که هیچیک در کار نیست مگر چیزی چند که حرام
باشد و از آنها منافی افعال نماز باشد مانند طلا و حریر برای مردان و جامه
غصبی و سنتست که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت
تنگ باشد سنتست که تیمم کند و ظاهر بعضی آنست که بدون عذر تیمم نیز
مستحبست و میباید که از جنازه بسیار دور نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد
و صفها در میان باشد و نماز بر میت نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن نکنند اگر
ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را بقبر گذارند و عورتش را بپوشانند و نماز
کنند و سنتست که پیشنماز برابر میان مرد بایستد و برابر سینه زن بنابر مشهور
و سنتست که کفش را بکند و اگر موزه در پا داشته باشد در کار نیست کندن
و اگر پا برهنه باشد بهتر است و واجبست که نیت کند و بهتر آنست که چنین
نیت کند که نماز بر این میت حاضر میکنم از برای آنکه واجبست قربة الی الله و پنج
تکبیر بگوید و سنتست که در هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی گوشها و بعضی
در غیر تکبیر اول سنت نمیدانند دست برداشتن را و اول اقویست و در وجوب دعا
در میان تکبیرها خلافست و احوط وجوبست و ظاهر اینست که هر دعائی مجزی باشد
و مشهور آنست که بعد از اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً
تکبیر اول اگر بگو بلی گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا و گواهی میدهم اینکه محمد
رَسُوْلُ اللّٰهِ و بعد از اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ و بعد اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
فرستادهٔ خداست دویم بارخدایا درود ده بر محمد و خاندان محمد سیم بارخدایا بیامرز

لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و بعد از اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَيِّتِ و تکبیر پنجم بگوید و
مردان گرونده را و زنان گرونده را چهارم بارخدایا بیامرز این مرده را فارغ شود مجزیست
و موافق مشهور بهتر آنست که چنین کند که بعد اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ
از نیت بگوید اَللّٰهُ اَكْبَرُ و این دعا بخواند که گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدای یگانه
لَا شَرِيْكَ لَهٗ اِلٰهاً وَّاحِداً اَحَداً صَمَداً فَرْداً وِتْراً حَيّاً قَيُّوْماً دَائِماً اَبَداً
نیست انبازی مر او را خدای یکتا بی نیاز تنها زنده پاینده همیشه برقرار
لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَّلَا وَلَداً وَّاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ اَرْسَلَهٗ بِالْ
نگرفت مصاحبی و نه فرزندی و گواهی میدهم اینکه محمد بندهٔ او و فرستادهٔ اوست فرستاد او را
هُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ وَاَشْهَدُ
براه و دین حق تا آشکار گرداند بر دین همه و اگر چه ناخوش دارند مشرکان و گواهی میدهم
اَنَّ عَلِيّاً وَّلِيُّهٗ وَوَصِيُّ رَسُوْلِهٖ پس تکبیر دویم بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
اینکه علی دوست او و جانشین فرستادهٔ او و این دعا بخواند بارخدایا درود ده بر محمد
وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّبَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّارْحَمْ مُحَمَّداً وَّاٰلَ مُحَمَّدٍ وَّتَرَحَّمْ عَلٰی
و خاندان محمد و افزونی ده بر محمد و خاندان محمد و ببخشا محمد و خاندان محمد را و ببخشایش ده بر
مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلٰى
محمد و خاندان محمد چون افزونتر و بهتر درود داده و برکت داده و ببخشا بخشوده بر
اِبْرَاهِيْمَ وَاٰلِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ پس تکبیر سیم بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ
ابراهیم و خاندان ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگوار و این دعا بخواند بارخدایا بیامرز
لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاۤءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ
مردان گرونده را و زنان گرونده را و مردان گردن نهنده و زنان گردن نهنده زنده از ایشان و مردگان را
تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اِنَّكَ مُجِيْبُ الدَّعَوَاتِ وَوَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ
پیاپی کن میان ما و میان ایشان نیکویها بدرستیکه تو اجابت کننده دعاها و دوست بر قرار
الصَّالِحَاتِ وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ پس تکبیر چهارم بگوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا
شایسته و تو بر همه چیز توانا بارخدایا این
عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُوْلٍ بِهٖ
بندهٔ تست و پسر بندهٔ تست و پسر کنیز تست فرود آمد بتو و تو بهترین میزبانی برای او
اَللّٰهُمَّ لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْراً وَّاَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مِنَّا اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ
بارخدایا نمیدانیم از او مگر خوبی را و تو داناتری باو از ما بارخدایا اگر هست

وَصَلِّ عَلٰی جَمِيْعِ الْاَنْبِيَاۤءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ
و درود ده بر همهٔ پیغمبران و فرستادگان

محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عنه واغفر له اللهم
اجعله عندك في اعلى عليين واخلف على اهله في الغابرين
وارحمه برحمتك يا ارحم الراحمين واگر میت زن باشد دعای بعد اللهم
از تکبیر چهارم راحمین بخواند
هذه امتك وابنة عبدك وابنة امتك نزلت بك وانت خير منزول
به اللهم انا لا نعلم منها الا خيرا وانت اعلم بها منا اللهم ان كانت
محسنة فزد في احسانها وان كانت مسيئة فتجاوز عنها واغفر لها
واحشرها مع من كانت تتولاه من الائمة الطاهرين واگر بعد از تکبیر چهارم
این دعا بخواند خوبست
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده و
رسوله اللهم صل على محمد وال محمد واغفر للمؤمنين والمؤمنات
اللهم ان هذا المسجى قدامنا عبدك وابن عبدك وقد قبضت روحه
اليك وقد احتاج الى رحمتك وانت غني عن عذابه اللهم انا لا نعلم
من ظاهره الا خيرا وانت اعلم بسريرته اللهم ان كان محسنا فزد
في احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عن سيئاته واگر زن باشد اللهم
بگوید
ان هذه المسجاة قدامنا امتك وابنة عبدك وقد قبضت روحها

الیک

اليك وقد احتاجت الى رحمتك وانت غني عن عذابها اللهم انا لا
نعلم من ظاهرها الا خيرا وانت اعلم بسريرتها اللهم ان كانت محسنة
فزد في احسانها وان كانت مسيئة فتجاوز عن سيئاتها بلکه موافق جمع
بین الاحادیث
بهتر است واگر بعد از هر تکبیر این اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
دعا را نیز بخواند خوبست
له وان محمدا عبده ورسوله اللهم صل على محمد وال محمد وعلى الائمة
الهداة واغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في
قلوبنا غلا للذين امنوا ربنا انك رؤف رحيم اللهم اغفر لاحيائنا
وامواتنا من المؤمنين والمؤمنات والف قلوبنا على قلوب اخيارنا
واهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط
مستقيم اللهم عبدك ابن امتك انت اعلم به افتقر الى
رحمتك واستغنيت عنه اللهم فتجاوز عن سيئاته وزد في حسناته
واغفر له وارحمه ونور له في قبره ولقنه حجته والحقه بنبيه
صلى الله عليه واله ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده واگر زن باشد
از اول دعا میخواند
تا اینجا که الی اللهم امتك ابنة عبدك ابنة امتك انت اعلم بها
صراط مستقيم

اِفْتَقَرَتْ اِلٰى رَحْمَتِكَ وَاسْتَغْنَيْتَ عَنْهَا اَللّٰهُمَّ فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهَا
نیازمند است بر بخشودنت و بی نیازی تو از آن بارخدایا پس درگذر از بدیهای او
وَزِدْ فِي حَسَنَاتِهَا وَاغْفِرْ لَهَا وَارْحَمْهَا وَنَوِّرْ لَهَا فِي قَبْرِهَا وَلَقِّنْهَا حُجَّتَهَا
و بیفزا از نیکیهاش و بیامرز اورا و ببخشا اورا و روشن کن او را در گورش و بفهمان او را حجتش را
وَاَلْحِقْهَا بِنَبِيِّهَا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا اَجْرَهَا وَلَا تَفْتِنَّا
و در رسان اورا به پیغمبرش درود و رحمت خدا بر او و خاندانش و بی بهره مکن اورا از مزد نیکیش و گمراه مکن ما را
بَعْدَهَا و در روایتی وارد شده است که بعد رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
پس از آن از فارغ شدن از نماز بگوید ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نیکی
وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ و اگر میت سنی و خلاف مذهب نماز
و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش کند بضرورت بعد از تکبیر چهارم
بلکه بعد از هر تکبیر با و لعنت و نفرین کند اَللّٰهُمَّ اخْزِ عَبْدَكَ فِي عِبَادِكَ
و بهتر اینست که چنین بگوید بارخدایا رسوا کن بنده ات در میان بندگانت
وَبِلَادِكَ اَللّٰهُمَّ اَذِقْهُ اَشَدَّ عَذَابِكَ فَاِنَّهُ كَانَ يُوَالِي اَعْدَاءَكَ وَيُعَادِي
و شهرهات بارخدایا بچشان او را سخت ترین عذابت پس بدرستی که او بود که دوستی میداشت دشمنانت و دشمن میداشت
اَوْلِيَاءَكَ وَيُبْغِضُ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و اگر میت
دوستانت را و دشمن میداشت مردم خانه پیغمبرت را درود و رحمت خدا بر او و بر خاندانش مستضعف
باشد که ضعیف العقل باشد و تمیز میان مذاهب نکند و باین سبب سنی
نباشد یا اعتقاد باهل بیت علیهم السلم داشته باشد و با دشمنان ایشان بد
نباشد در نماز بر او بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ
بارخدایا بیامرز آنان را که بازگشت کردند و پیروی نمودند راه ترا و نگهدار او را
عَذَابَ الْجَحِيمِ و اگر مذهب میت معلوم نباشد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ
از عذاب دوزخ بارخدایا بدرستی که
هٰذِهِ النَّفْسَ اَنْتَ اَحْيَيْتَهَا وَاَنْتَ اَمَتَّهَا اَللّٰهُمَّ وَلِّهَا مَا تَوَلَّتْ وَاحْشُرْهَا
این نفس است که تو زنده کردی او را و تو میرانیدی او را بارخدایا دوست گردان او را
مَعَ مَنْ اَحَبَّتْ و اگر میت طفل اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِاَبَوَيْهِ وَلَنَا سَلَفًا
تا بالغ باشد بگوید بارخدایا بگردان او را از برای پدر و مادرش و از برای ما پیش رو
وَفَرَطًا وَاَجْرًا و مشهور در همه آنست که دعاها میان سه تکبیر اول را میخوانند
بنحوی که گذشت و اینجا دعاها بعد از تکبیر چهارم میخوانند و بر سنی اگر نماز

کند

کند تکبیر پنجم را نمیگوید و سنت که بر جای خود بایستند تا جنازه را بردارند
خصوصا پیشنماز و نماز جنازه را در مسجد میتوان کرد و مشهور آنست که اگر در مسجد
نکند بهتر است و بر یک جنازه دو مرتبه نماز کردن خلافست در جواز آن و دو
نیت که کسیکه نماز نکرده باشد تواند کرد و کسی که در اثنای نماز برسد بقصد و جوب
ملحق میشود و دعاها که خودش را باید خواند میخواند و چون پیشنماز فارغ شود بقیه را
با دعاهای مخصوص بخواند اگرچه جنازه را بردارند و اگر دور شود یا بگردد تکبیرها را
بیدعا پیاپی بگوید و اگر میتی را بی نماز دفن کرده باشند احوط آنست که بر قبر او نماز
کنند هرچند مدتی گذشته باشد و همه وقت نماز جنازه میتوان کرد مگر آنکه وقت
حاضره تنگ شود که حاضره را مقدم میدارد و بهتر آنست که با وسعت وقت
نیز اول حاضره را مقدم دارد مگر آنکه خوف فوت نماز جنازه بوده باشد یا خوف
ضایع شدن میت **فصل پنجم** در آداب دفن میت است و آداب بعد از آن
سنت که تا میت را در قبر بگذارند ننشینند و واجب کفایه دفن کردن میت
و قدر واجب آنست که میت را در گودی پنهان کنند بحیثیتی که بوی بد او از مردم
مستور گردد و جسد او از درندگان ایمن باشد و خوابانیدن او بر جانب راست رو
بقبله واجبست بقول مشهور و بعضی مستحب دانسته اند و مستحبست کندن قبر
بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنتست کندن لحد از طرف قبله و مستحبست که لحد
فراخ باشد که کسی در آن تواند نشست و اگر زمین سست باشد و لحد نتوان کند
بعضی گفته اند که مانند لحد بسازند و اگر نتوان قبر را شق کنند یعنی از میان قبر
بقدر جسد میت فرو برند آنقدر فرو برند که توان نشست و دو طرف داشته باشد
که خشت بر روی آن توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط آنست که در
مانند سرداب و تابوت و صندوق نگذارند و شخصی که در دریا بمیرد اگر ممکن باشد

بخشکی برسانند والا در میان تند خم کنارند و سرش را ببندند و در دریا اندازند
اگر ممکن باشد والا آنرا سنگین کنند و در و بعبله با ب اندازند و چون جنازه
نزدیک قبر رسد سنتست که او را نزد پای قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد
برابر قبله قبر بگذارند و مشهور آنست که زمانی میگذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند
و مرتبهٔ چهارم او را بقبر میبرند و آنچه در روایات معتبره وارد شده آنست که چون
میت را نزدیک قبر رسانی آنرا ناگاه بقبر مبر و کار را بر او سنگین مکن و پایین تر
از قبر بدو ذراع یا سه ذراع بگذار و ساعتی صبر کن تا تهیه خود را بگیرد برای سؤال
قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم هست و دعا کن که خدا او را پناه دهد از اهوال قبر
و سنتست که سر میت را پیش کنند و از پیش پای قبر سرازشیب بقبر برند و جمعی از
علما گفته اند که زن را از پیش قبله میگیرند و بعرض بقبر میبرند و سرازشیب نمیکنند
چنانچه در بعضی از روایات وارد شده است و سنتست که شخصی که بقبر مرود
که میت را بقبر گذارد بندهای قبا را بگشاید و با لاپوش و ردا را بیندازد و سر و پایش
برهنه باشد و جایز است یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشند و خواه جفت
و اکثر علما گفته اند که مکروهست که اگر میت مرد باشد خویش او او را بقبر برد و آنچه
از احادیث ظاهر میشود آنست که پدر را مکروهست که در قبر فرزند داخل شود و
فرزند و سایر اقارب باکی نیست و اگر میت زن بوده باشد احوط آنست که محرم او را
بقبر برد و اگر محرم نبوده باشد زن صالحه ببرد و اگر زن نبوده باشد مرد صالح
ببرد در رفتن و بیرون آمدن سنتست که از پیش پای قبر باشد و سنتست که
چون میت را نزدیک قبر ~~بگذارد~~ اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ [أَمَتُكَ] ابْنُ [وَابْنَةُ] عَبْدِكَ وَابْنُ [وَابْنَةُ] اَمَتِكَ نَزَلَ [نَزَلَتْ]
بگذارد و بگوید بارخدایا بندهٔ تو پسر بندهٔ تو و پسر کنیز تست فرود آمده
بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ و چون میت را بردارد بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلىٰ
بمهمانی تو و تو نیکوترین مهمانی برا او که بقبر برد بگوید بنام خدا و بخدا و بر

مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اِلىٰ رَحْمَتِكَ لَا اِلىٰ عَذَابِكَ
کیش فرستادهٔ خدا درود های خدا بر او و بر خاندانش بارخدایا بسوی بخشودنت نه بسوی عذابت
اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ [لَهَا] فِي قَبْرِهِ [قَبْرِهَا] وَلَقِّنْهُ [وَلَقِّنْهَا] حُجَّتَهُ [حُجَّتَهَا] وَثَبِّتْهُ [وَثَبِّتْهَا] بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَقِنَا
بارخدایا فراخ کن از برای او در گورش و بفهمان با و حجتش را و برقرار دار او را بگفتار برجا و نگهدار ما را
وَاِيَّاهُ [وَاِيَّاهَا] عَذَابَ الْقَبْرِ و چون در قبر بگذارد سنتست که بندهای کفن را بگشاید
و او را از عذاب گور و روی میت را باز کند و طرف راست روی او را بر زمین
برسانند و اگر زیر سر را از خاک بلند ترکنند به نیست و خشتی بر پشتش بگذارد که
بر پشت نیفتد و سنتست که مهری از تربت حضرت امام حسین صلوات اللّٰه علیه و آله
در برابر روی او بگذارد و اگر تربت آنحضرت در کفن نیز بگذارد بهتر است و بگوید
اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ پس سورهٔ فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس و قل هو اللّٰه احد و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است
پس بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
بگوید بنام خدا و بخدا و در راه خدا و بر کیش فرستادهٔ خدا درود های خدا بر او
وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ [لَهَا] فِي قَبْرِهِ [قَبْرِهَا] وَ
و بر خاندانش بارخدایا درود ده بر محمد و خاندان محمد بارخدایا فراخ کن او را در گورش و
اَلْحِقْهُ [اَلْحِقْهَا] بِنَبِيِّهِ [بِنَبِيِّهَا] صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ [كَانَتْ] مُحْسِنًا [مُحْسِنَةً] فَزِدْ
برسان او را بپیغمبرش درود های خدا بر او و بر خاندانش بارخدایا اگر هست نیکوکار پس بیفزا
فِي اِحْسَانِهِ [اِحْسَانِهَا] وَاِنْ كَانَ [كَانَتْ] مُسِيئًا [مُسِيئَةً] فَاغْفِرْ لَهُ [لَهَا] وَارْحَمْهُ [وَارْحَمْهَا] وَتَجَاوَزْ عَنْهُ [عَنْهَا]
در نیکوکاریش و اگر هست بدکار پس درگذر از او و ببخشا او را و درگذر از او
پس اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ [جَنْبَيْهَا] وَصَاعِدْ عَمَلَهُ [عَمَلَهَا] وَلَقِّهِ [وَلَقِّهَا] مِنْكَ
بگوید بارخدایا بردار زمین را از پهلوهایش و بالا بر کردارش را و برسان از نزد خود باو
رِضْوَانًا پس اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ [أَمَتُكَ] وَابْنُ [وَابْنَةُ] عَبْدِكَ وَابْنُ [وَابْنَةُ] اَمَتِكَ نَزَلَ [نَزَلَتْ] بِكَ
خوشنودی را بگوید بارخدایا بندهٔ تو و پسر بندهٔ تو و پسر کنیز تو فرود آمده بمهمانی تو
وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ [لَهَا] فِي قَبْرِهِ [قَبْرِهَا] وَلَقِّنْهُ [وَلَقِّنْهَا] حُجَّتَهُ [حُجَّتَهَا] وَاَلْحِقْهُ
و تو بهترین میزبانان از برای او بارخدایا فراخ کن از برای او در گورش و بفهمان با و حجتش را و برسان او را

بنبیها وفیه شر منکر ونکیر وایضاً بسم الله وبالله وفی سبیل الله وعلی
بر پیغمبرش و نگهدار او را از بدی منکر و نکیر بگوید بنام خدا و بخدا و در راه خدا و بر
ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم عبدک ابن عبدک
کیش فرستاده خدا درود دهاد خدا براو و برخاندانش بارخدایا بنده تو پسر بنده تو
نزل بک وانت خیر منزول به اللهم افسح له فی قبره والحقه بنبیه
فرود آمد بمهمانی تو و تو بهترین میزبانی برای او بارخدایا فراخ کن از برای او در گورش و برسان او را به پیغمبرش
اللهم انا لا نعلم منه الا خیراً وانت اعلم به وبروایت معتبر اللهم
بارخدایا بدرستیکه ما نمیدانیم از او جز نیکی را و تو داناتری باو از ما دیگر بگوید بارخدایا
یا رب عبدک ابن عبدک نزل بک وانت خیر منزول به اللهم
ای پروردگار من بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بمهمانی تو و تو بهترین میزبانی برای او بارخدایا
ان کان محسناً فزد فی احسانه وان کان مسیئاً فتجاوز عنه و
اگر هست نیکوکار پس بیفزا در نیکوئیش و اگر هست بدکار پس درگذر از او و
الحقه بنبیه محمد صلی الله علیه وآله وصالح شیعته واهدنا
برسان او را به پیغمبرش محمد درود دهاد خدا براو و برخاندانش و به نیکو پیروانش و راه نما
وایاه الی صراط مستقیم اللهم عفوک عفوک وبروایت معتبر دیگر این دعا بخواند
ما و او را بسوی راه راست بارخدایا میخواهم درگذشتت را
اللهم هذا عبدک فلان وبجای فلان نام او را بگوید وابن عبدک وقد نزل بک
بارخدایا این بنده تست و پسر بنده تو و بتحقیق فرود آمد بمهمانی تو
وانت خیر منزول به وقد احتاج الی رحمتک اللهم ولا نعلم منه
و تو بهترین میزبانی از برای او و بتحقیق که محتاج شد بسوی بخشودنت بارخدایا و نمیدانیم از او
الا خیراً وانت اعلم بسریرته ونحن الشهداء بعلانیته اللهم فجاف
مگر خوبی را و تو داناتری بپنهان او را و ما گواهیم باشکار او بارخدایا پس بدار
الارض عن جنبیه ولقنه حجته واجعل هذا الیوم خیر یوم اتی
زمین را از پهلوهایش و بفهمان باو حجتش را و بگردان این روز را بهترین روزی که آمد
علیه واجعل هذا القبر خیر بیت نزل فیه وصیره الی خیر مما کان
براو و بگردان این گور را بهترین خانه که فرود آمده در آن و بگردان او را بسوی بهتر از آنچه بود
فیه ووسع له فی مدخله وآنس وحشته واغفر ذنبه ولا تحرمنا
در آن و فراخ کن از برای او درآمدنگاهش و آرام ده تنهائی او را و بیامرز گناهش را و بی بهره مکن ما را

اجره ولا تضلنا بعده و سنتست که در اینحال عقاید حقه را تلقین او
از مزد او و گمراه مکن ما را پس از او
کند خصوصا ولایت ائمه معصومین علیهم السلم و بهتر آنست که بدست راست
دوش راست میت را بگیرد و بدست چپ دوش چپ میت را بگیرد و او را حرکت
دهد و تلقین کند و اگر باین اسمع افهم اسمع افهم اسمع افهم
نحو بگوید جامعتر است بشنو بفهم بشنو بفهم بشنو بفهم
یا فلان بن فلان و نام او و پدرش را بگوید هل انت علی العهد الذی فارقتنا علیه من
ای فلان آیا تو بر پیمانی که جدا شدی از ما بر آن از
شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمداً صلی الله علیه
گواهی دادن اینکه نیست خدائی مگر خدای تنها او انبازی نیست مر او را و اینکه محمد درود دهاد خدا براو
وآله عبده ورسوله وسید النبیین وخاتم المرسلین وان علیاً امیر
و خاندانش بنده او و فرستاده اوست و مهتر پیغمبران و انجام فرستادگان و اینکه علی فرمانده
المؤمنین وسید الوصیین وامام افترض الله طاعته علی العالمین
گروندگان و مهتر سفارش کرده شدگان و پیشوائیست که فرض کرد خدا فرمانبرداری او را بر جهانیان
وان الحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد
و اینکه حسن و حسین و علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد
وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن
و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن
بن علی والقائم الحجة المهدی صلوات الله علیهم ائمة المؤمنین و
پسر علی و ایستاده بکار و حجت راه نموده شده درود دهاد خدا برایشان پیشوایان گروندگان و
حجج الله علی الخلق اجمعین وائمتک ائمة هدی ابرار یا فلان بن فلان
حجتهای خدا بر آفریدگان همه و پیشوایان تو پیشوایان راه نمایان نیکوکار ای فلان پسر فلان
اذا اتاک الملکان المقربان رسولین من عند الله تبارک وتعالی و
هرگاه آمدند نزد تو دو فرشته نزدیکان پیام آورندگان از نزد خدای که همیشه است و بلند پایه است و
سالاک عن ربک وعن نبیک وعن دینک وعن کتابک وعن قبلتک
پرسیدند ترا از پروردگارت و از پیغمبرت و از دینت و از کتابت و از قبله ات
وعن ائمتک فلا تخف ولا تحزن وقل فی جوابهما الله جل جلاله ربی
و از پیشوایانت پس مترس و بگو در جواب ایشان خدا بزرگست بزرگواریش پروردگار منست

وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّي وَالْإِسْلَامُ دِينِي وَالْقُرْآنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ

و محمد درود و رحمت خدا بر او و خاندانش پیغمبر منست و مسلمانی دین منست و قرآن کتاب منست و کعبه

قِبْلَتِي وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى

قبله منست و فرمان ده گروندگان علی پسر ابی طالب پیشوای منست و حسن پسر علی برگزیده

إِمَامِي وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَا إِمَامِي وَعَلِيٌّ زَيْنُ الْعَابِدِينَ إِمَامِي

پیشوای منست و حسین پسر علی کشته شده بناحق در کربلا پیشوای منست و علی آرایش پرستندگان پیشوای منست

وَمُحَمَّدٌ بَاقِرُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ إِمَامِي وَجَعْفَرٌ الصَّادِقُ إِمَامِي وَمُوسَى الْكَاظِمُ

و محمد شکافنده دانش پیغمبران پیشوای منست و جعفر راستگو پیشوای منست و موسی فرو خورنده خشم

إِمَامِي وَعَلِيٌّ الرِّضَا إِمَامِي وَمُحَمَّدٌ الْجَوَادُ إِمَامِي وَعَلِيٌّ الْهَادِي إِمَامِي وَ

پیشوای منست و علی پسندیده پیشوای منست و محمد بخشنده پیشوای منست و علی راهنما پیشوای منست و

الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ إِمَامِي وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ إِمَامِي هٰؤُلَاءِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ

حسن ... و محمد ... پیشوای منست و حجت انتظار کشیده شده پیشوای منست ایشان درودهای خدا بر ایشان

أَجْمَعِينَ أَئِمَّتِي وَسَادَتِي وَقَادَتِي وَشُفَعَائِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ

همگی پیشوایان و مهتران و پیشروان و درخواست کنندگان منند با ایشان دوستی دارم و از دشمنان ایشان

أَتَبَرَّأُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ اعْلَمْ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ أَنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

بیزاری میجویم در دنیا و آخرت پس بدان ای فلان پسر فلان بدرستیکه خدای بلند پایه او

نِعْمَ الرَّبُّ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نِعْمَ الرَّسُولُ وَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

خوب پروردگاریست و آنکه محمد درود و رحمت خدا بر او و خاندانش خوب فرستاده ایست و آنکه فرمان ده گروندگان

عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَأَوْلَادَهُ الْأَئِمَّةَ الْأَحَدَ عَشَرَ نِعْمَ الْأَئِمَّةُ وَأَنَّ مَا جَاءَ

علی پسر ابی طالب و فرزندانش پیشوایان یازده گانه خوب پیشوایانند و آنکه آنچه آمد

بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَقٌّ وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَسُؤَالَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ

بآن محمد درود و رحمت خدا بر او و خاندانش راست و درست است و آنکه مرگ حق است و پرسیدن منکر و نکیر

فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَ

در گور حق است و زنده شدن حق است و صراط حق است و ترازو حق است و

تَطَايُرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ

پران شدن نامها حق است و بهشت حق است و آتش حق است و بدرستیکه قیامت آینده است نیست شکی

فِيهَا وَأَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ أَفَهِمْتَ يَا فُلَانُ در لحد بدست کرمیت

در آن و آنکه خدا زنده میگرداند کسانی که در گورها اند آیا فهمیدی ای فلان

درجواب میگوید که بلی ثَبَّتَكَ اللهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ هَدَاكَ اللهُ إِلَى صِرَاطٍ

فهمیدم پس بگوید — پایدار داراد ترا خدا بگفتار پابرجا راه نماید ترا خدا بسوی راه

مُسْتَقِيمٍ عَرَّفَ اللهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ پس

راست شناسائی دهد خدا میان تو و میان دوستانت در آرامگاه از بخشایش — بگوید

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَاصْعَدْ بِرُوحِهِ إِلَيْكَ وَلَقِّهِ مِنْكَ

بارخدایا بردار زمین را از پهلوهایش و بالا بر جانش را بسوی خود و برسان او را از خود

بُرْهَانًا اللَّهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ پس خشت بر لحد بگذارد و آجر پخته نیز خوب

برهانی بارخدایا میخواهم در گذشتت را — و خشت خام بهتر است اگر خشت بزرگ باشد

راست بگذارد و بر رخنها خشت خشت دیگر بگذارد یا بگل رخنه را بگیرد و اگر

خشتهای کوچک باشد هموار کند و بر هر تقدیر رخنها را محکم کند که خاک بر میت

نریزد و در وقت چیدن اللَّهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ وَآنِسْ وَحْشَتَهُ وَآمِنْ

خشت اینها بخواند — بارخدایا پیوند بکامرانی تنهائی او را و آرام ده تنهائی او را و ایمن گردان

رَوْعَتَهُ وَأَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً تُغْنِيهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ

ترس او را و برسان بسوی او از بخشایشت بخشایشی که بی نیاز گردانی او را از بخشایش کسی جز تو

فَإِنَّهَا لِلظَّالِمِينَ وبروایت رَحْمَةً تَسْتَغْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاحْشُرْهُ

... بخشایشی که بی نیاز گردانی او را از بخشایش دیگری جز تو و گرد آور او را — دیگر

مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ و مکروه هست فرش قبر بچوب و تخته کردن یا میت را

با کسی که بود دوست میداشت او را — یا تابوت گذاشتن مگر آنکه زمین آب برآورد یا نم

بسیار داشته باشد و چون از پیش پای قبر بیرون آید بگوید

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي

ما برای خدائیم و بسوی او بازگشت کنندگانیم و ستایش مر خدای راست پروردگار جهانیان بارخدایا بلند گردان پایه او را در

أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى عَقِبِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَعِنْدَكَ نَحْتَسِبُهُ يَا رَبَّ

بالاترین بهشت و جانشینی ده بر بازماندگانش در بازماندگان و نزد تو میخواهیم مزد او را ای پروردگار

الْعَالَمِينَ پس سنت است که حاضران به پشت کف خاک در قبر بریزند و اگر

جهانیان — انگشت دست کفها را پر کنند و بریزند نیز خوبست و سنت است که سه مرتبه بریزند

و در وقت ریختن بگویند اللَّهُمَّ إِيمَانًا بِكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ هٰذَا

[illegible] لِلظَّالِمِينَ

اللّهم زدنا ایمانا
خدایا زیاد کن ایمان ما

مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَنَا إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا

اینست وعده داد ما را خدا و فرستاده او و راست گفت خدا و فرستاده او و نیفزود ما را مگر گرویدن و گردن نهادن

و در حدیث است که هر که چنین کند و این دعا بخواند حق تعالی بعدد هر ذره از خاک برای او حسنه بنویسد و مکروه است که خویشان میت خاک بر قبر بریزند که مورث قساوت قلب و دوری از رحمت الهی است و سنت است که از غیر خاک قبر بر میت نریزند که بار است بر میت و سنت است که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند بعضی چهار انگشت گشاده و بعضی هم آورده گفته اند و ظاهرا هر دو خوب باشد و دور نیست که یک شبر نیز مجوز باشد و مستحب است که قبر را چهار گوشه کنند و دور و پیش را پهن کنند و خر پشته نکنند بنحوی که سنیان میکنند و بعد از آن آب بر قبر بریزند و در خبر است که تا تری در قبر هست میت را عذاب نمیکنند و سنت است که آب ریزنده رو بقبله بایستد و ابتدا از پیش سر کند و بر یکجانب قبر بریزد تا پایین پا و بگرداند بجانب دیگر و بریزد تا پیش سر و بعد از آن بر میان قبر بریزد و سنت است که آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود و مستحب است که بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند در حالتی که انگشتان ایشان گشاده باشد و قوت کنند تا اثر انگشتان ایشان در گل بماند و رو بقبله باشند و از بعضی روایات مفهوم میشود که نزدیک سر او بنشینند و این دعا بخوانند اللّهمّ جافِ الارضَ عن جنبیها واصعد

بار خدایا دور دار زمین را از پهلوهای او و بالا بر

الیک روحها ولقّها منک رضوانا واسکن قبرها من رحمتک

بسوی خود جان او را و برسان باو از خود خوشنودی را و بیارامان گور او را از بخشایش

ما تغنیها بها عن رحمة من سواک و هفت مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوانند

اینقدر بیارامانی که او را از بخشایش دیگری جز تو

و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مؤنث بیاورند چنانچه بسرخی نوشته شده است و سنت است که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر میت

بنشیند

بنشیند و باواز بلند این تلقین که گذشت باو دیگر بکند و اگر دیگری نایب کند نیز خوبست و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکند منکر بنکیر میگوید بیا برویم تلقین حجتش کردند احتیاج بپرسیدن نیست پس برمیگردند و سؤال نمیکنند و مکروه است عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر بسیار ماندن و گچ مالیدن بر قبور مگر قبور انبیا و ائمه صلوات الله علیهم و بعضی گفته اند که قبور علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروه است تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و در خبر است که حق تعالی دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را و مکروه است در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدی که در آنجا مرده است بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم السلم و بعضی استثنا کرده اند نقل بمقابر صلحا و علما و شهدا را نیز و مکروه است بر روی قبر نشستن و راه رفتن مگر بواسطه زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست شکافتن قبور مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر مال صاحب قیمتی افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده باشند و از هم نپاشیده باشد و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات ائمه معصومین علیهم السلم را و مشهور آنست که جایز نیست گریبان چاک کردن و جامه دریدن برای غیر پدر و برادر و بر ایشان جایز است بلکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصا بر پدر و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک است و جایز نیست خراشیدن رو و کندن مو و بریدن مو و احوط آنست که طپانچه بر رو و زانو و غیر آن نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده اند که زنی که موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجبست کفاره

بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی وبعضی گفته اند
گناه دارد وکفاره برا ونیست ودور نیست که سنت باشد واحوط دادن کفاره است
وبعضی تراشیدن موی را الحاق کرده اند ببریدن در وجوب کفاره وهمچنین اکثر
علما قایل شده اند که واجبست کفاره قسم بر زنی که موی سر را بکند در مصیبت یا
روی خود را بخراشد که خون بر آید وبر مردی که در مرگ فرزند خود یا زن خود جامه
چاک کند وکفاره یمین ان شاء الله مذکور خواهد شد وبعضی واجب نمیدانند
واحوط عمل بمشهورات ولازم است اصحاب مصیبت را که صبر کنند بلکه بقضای
الهی راضی باشند وبدانند که حق تعالی صابران اجر بیحساب کرامت میفرماید
وباید که صاحب مصیبت بسیار بگوید انا لله وانا الیه راجعون تا گناهان گذشته
او آمرزیده شود هرگاه که آن مصیبت بخاطرش آید این کلمه را بگوید تا گناهان ما بین
این دو کلمه آمرزیده شود وبسند معتبر منقولست که هر که مصیبتی را بخاطر آورد
اگرچه بعد از مدتی باشد وبگوید اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیهِ رَاجِعُونَ وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العَالَمِینَ
اَللّهُمَّ اْجُرنِی عَلَی مُصِیبَتِی وَاخلِف عَلَیَّ اَفضَلَ مِنهَا ثواب همان
مصیبت را باو
دیگر باو داده میشود وسنتست که دیگران تعزیه ایشان بکنند وایشان را بصبر
وشکیبائی امر کنند پیش از دفن وبعد از دفن ومبالغه در بعد از دفن بیشتر است
واقل تعزیه آنست که بروند تا صاحب عزا ایشان را ببیند ومنقولست از حضرت رسول
که هر که صبر فرماید اندوهناکی را در صحرای محشر که همه کس برهنه اند خدا او را جامه
نیکوئی از حلهای بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد وهر که مصیبت زده را
صبر فرماید حق تعالی او را ثواب آن صاحب مصیبت کرامت فرماید بی آنکه از اجر
او چیزی کم شود وفرمود که ثواب تعزیه وصبر فرمودن بهشتست ومستحبست

طریقه زیارت اهل قبور

که صاحب مصیبت تغییر وضع خود بکند تا او را بشناسند وجایز است
گریه وبه کردن که نیکیهای میت را بشمارند ونوحه کردن بحق جایز است که
دروغ نگویند وچیزهای بد از برای میت اظهار نکنند وبهتر آنست که نوحه گر
بیاورند ومستحبست که تا سه روز دیگران خصوصا همسایگان برای صاحبان
مصیبت طعام بفرستند وزیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که چهار ماه وده
روز برای شوهر ماتم میگیرد بآنکه جامهای رنگین نمی پوشد وزینت نمیکند
وسنت مؤکدست زیارت قبر مؤمنان خصوصا خویشان وچون داخل
قبرستان شود بگوید اَلسَّلَامُ عَلَی اَهلِ الدِّیَارِ مِنَ المُؤمِنِینَ وَالمُسلِمِینَ اَنتُم
درود بر اهل سراها از گروندگان گرویدن شمائید
لَنَا فَرَطٌ وَنَحنُ اِن شَاءَ اللّهُ بِکُم لَاحِقُونَ وبروایت اَلسَّلَامُ عَلَی اَهلِ
دیگر درود بر اهل ... و ما اگر خواست خدا بشما رسنده گانیم
الدِّیَارِ مِنَ المُسلِمِینَ وَالمُؤمِنِینَ رَحِمَ اللّهُ المُستَقدِمِینَ مِنَّا وَالمُستَأخِرِینَ
سراها از مسلمانان وگروندگان بخشاید خدا درپیش شدگان از ما واپس شدگان
وَاِنّا اِن شَاءَ اللّهُ بِکُم لَاحِقُونَ وبروایت اَلسَّلَامُ عَلَیکُم اَهلَ الدِّیَارِ مِن قَومٍ
دیگر درود بر شما اهل سراها از گروه ... اگر خواهد خدا بشما رسنده گانیم
مُؤمِنِینَ وَرَحمَةُ اللّهِ وَبَرَکَاتُهُ اَنتُم لَنَا سَلَفٌ وَنَحنُ لَکُم تَبَعٌ رَحِمَ اللّهُ
گروندگان وبخشایش خدا وافزونیهای او شما از برای ما پیش رفته و ما مر شما را پیروئیم بخشاید خدا
المُستَقدِمِینَ مِنکُم وَالمُستَأخِرِینَ وَاِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیهِ رَاجِعُونَ ودر احادیث
از پیش رفتگان از شما وباز پس ماندگان ... وما از برای خدائیم وما بسوی او بازگردندگانیم
بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود هفت مرتبه سوره انا
انزلناه بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد وبروایت دیگر خدا او را وصاحب
قبر را بیامرزد وسنتست که در وقت خواندن دست بر قبر گذارد ورو بقبله باشد
وسنتست که اَللّهُمَّ جَافِ الاَرضَ عَن جُنُوبِهِم وَصَاعِد اِلَیکَ اَروَاحَهُم
این دعا بخواند بار خدایا بردار زمین را از پهلوهاشان وبالا بر بسوی خودت جانهاشان

وَلَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْوَاناً وَاَسْكِنْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ

و ملاقات کن ایشان را از جانب خود خوشنودی و بیارسان بسوی ایشان از بخشایش آنچه پیوندی با آن تنهائی ایشان را

وَتُونِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بروایت معتبر اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ

و آرام دهی با آن تنهائی ایشان را بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی دیگر اینکه دعا بخوانند بار خدایا رحم

غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَاٰنِسْ وَحْشَتَهُ وَاٰمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ

دور افتادنش و بپیوند با تنهائی او آرام ده تنهائیش را و ایمن گردان ترسیدنش را و بیارسان بسوی او

مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَغْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ

از بخشایش آنچه بی نیاز گردد بآن از بخشایش غیر تو و در رسان او را بکسیکه بود که دوست میداشت

و بروایت دیگر مستحب که بر سر قبر سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول منقولست که هر که در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان قبرستان ببخشد و بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح گویند برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنجشنبه و جمعه زیارت قبور مستحبست و در احادیث معتبره وارد شده است که بر هر که مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسالت را بیاد آورد که صعبترین مصیبتهاست و در اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند ثوابش حبط میشود و نباید شیون و فریاد کند و واویلا و واثکلاه بگوید و در حدیث معتبر منقولست که هر که یکفرزند از او بمیرد و صبر کند بهتر است از برای او از آنکه هفتاد فرزند بماند که همه سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند و منقولست که هر که را خدا دوست میدارد بهترین فرزندان او را میگیرد و منقولست که ثواب مؤمن از مردن فرزندش بهشتست خواه صبر بکند و خواه نکند و بسند معتبر منقولست

که حضرت

که حضرت صادق در وقت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَ

ستایش مر خدایراست که نگردانید ناخوشی مرا در دین من و

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَوْ شَاءَ جَعَلَ مُصِيبَتِي اَعْظَمَ مِمَّا كَانَتْ وَاَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى

ستایش مر خدایراست که اگر خواهد گرداند ناخوشی مرا بزرگتر از آنچه بود و ستایش مر خدایراست بر

الْاَمْرِ الَّذِي شَاءَ اَنْ يَكُونَ فَكَانَ و باید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که

کاری که خواست اینکه بشود پس شد

دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امید وارند و احسان ایشان چشم براهند خصوصا دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل آورد که در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیری که از برای ایشان بعمل آورد و بسیار فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر برای ایشان که بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آنست که قرض ایشان را ادا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری کند و حج و سایر عبادتی که از ایشان فوت شده باشد سعی کند باستیجار یا بتبرع بعمل آورد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق در هر شب برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم انا اعطینا میخواندند و بسند صحیح منقولست از حضرت صادق که بسا باشد که میت در تنگی و شدتی بوده باشد و حق تعالی بر او وسعت دهد و تنگی را از او بردارد پس باو گویند که این فرج که ترا رو داد بسبب نمازیست که فلان برادر مؤمن برای تو کرد راوی پرسید که در و میت را در دو رکعت نماز شریک میتوانم کرد فرمود بلی

وفرمود که میت شاد میشود وفرح میباید بدعا واستغفاری که برای او کنند چنانچه
زنده شاد میشود وبهدیه که برای او برند وفرمود که بر میت داخل میشود در قبرش
نماز وروزه وحج وتصدق وسایر عملهای خیر ودعا وثواب آن اعمال برای کسی
که کرده وبرای مرده هر دو نوشته میشود ودر حدیث دیگر فرمود که هر که از
مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف میگرداند ومیت را
باین عمل منتفع میگرداند ودر روایتی وارد شده است که هرگاه شخصی بنیت میتی
تصدق بکند حق تعالی جبرئیل را امر مینماید که با هفتاد هزار ملک بنزد قبر
او میروند وهر یک طبقی در دست دارند از نعمتها وهر یک باو میگویند السلام علیک
ای دوست خدا این هدیه فلان مؤمن است برای تو پس قبر او روشن میشود وحق تعالی
هزار شهر در بهشت باو کرامت میفرماید وهزار حوری باو تزویج مینماید وهزار
حله باو میپوشاند وهزار حاجت او روا میگرداند ودر حدیث معتبر منقولست که
شش چیز بمؤمن میرسد بعد از وفات او اول فرزندی که از جهت او استغفار کند
دویم مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او بماند ومردم بعد از او بخوانند سیم درختی
که بکارد که مردم از او نفع یابند چهارم آبی که جاری سازد پنجم چاهی که حفر
نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی است که مردم بآن عمل نمایند از ارشاد
وهدایت خلق یا تصنیف کتب ومانند آن باب چهاردهم در مجملی از احکام
زکوة وخمس واعتکاف است ودر آن سه فصل است فصل اول در زکوة
وآیات واحادیث بر وجوب آن وعقاب ترک کننده آن بسیار است از آنجمله حق تعالی
میفرماید والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم
بعذاب الیم یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم
وظهورهم هذا ما کنزتم لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون یعنی وآنکسانی

در بیان زکوة

که جمع میکنند طلا ونقره را وحقوق الهی را نمیدهند ودر راه خدا صرف نمینمایند
پس بشارت ده ایشانرا بعذابی دردناک در آن روزی که سرخ کنند این طلا ونقره را
در آتش جهنم وداغ کنند بآنها پیشانیها وپهلوها وپشتهای ایشانرا وبایشان گویند
اینست مالهائی که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنها را واز حضرت
صادق منقولست که هر که ندهد قیراطی از زکوة را اگر بیست یک دینار است او نه مؤمن است
ونه مسلمان ودر وقت مردن استغاثه میکند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم
چنانچه حق تعالی فرموده است حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی
اعمل صالحا فیما ترکت یعنی تا وقتی که بیاید احدی از ایشانرا مرگ گوید پروردگارا برگردان
مرا شاید عمل شایسته بکنم در آنمالی که بعد از خود گذاشته ام واز حضرت سید المرسلین
وائمه طاهرین صلوات الله علیهم بطرق صحیحه منقولست که کسی که طلا ونقره داشته
باشد وزکوة آنرا ندهد حق تعالی او را در روز قیامت حبس خواهد نمود در زمین لغزنده
که پابند نشود بر آن ومسلط سازد بر او ماری بسیار بزرگ که زهرش از مارهای دیگر
عظیمتر است ودر عقب او دود و او از وی گریزد تا چون باو رسد وداند که از آن
خلاصی ندارد دست خود را بدهان او دهد پس بدندان بگیرد او را مانند شتر نری
که چیزی بدندان فرو برد پس طوقی گردد در گردن او واینست معنی قول حق تعالی
سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة یعنی بزودی طوق کرده شود در گردن ایشان
آنچیزی که بخل ورزیدند در دنیا بآن در راه خدا ندادند در روز قیامت وهر کس
شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد وزکوة آنرا ندهد حق تعالی حبس کند آنرا در صحرای
لغزنده وپامال کند او را هر حیوان شکافته سمی بسم خود وگزندها او را بدندان ونیش
هر صاحب زهری بنیش خود وهر که زراعت داشته باشد یا باغ خرما وانگور
داشته باشد وزکوة آنها را نداده باشد آن قطعهای زمین را تا طبقه هفتم

طوق کرده در کردنش و اندازند و آن همه آتش کردد تا روز قیامت و بروایت معتبر دیکر
هر که زکوة مالش را ندهد حق تعالی آن مال را اژدهائی کرداند در کردنش و کوشت او را
خورد و کوشتش را بدندان کند تا از حساب خلایق فارغ شوند و در حدیث دیکر حضرت
صادق فرمود که هیچ مال در صحرا و دریا تلف نمیشود مکر بندادن زکوة و حق تعالی
میفرماید مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ
فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ یعنی مثل جماعتی که صرف مینمایند
مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیر آنها مانند دانه ایست
که برویاند از آن هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد
برابر میشود و حق تعالی مضاعف میکرداند باضعاف این از برای هر که خواهد و آیات
و اخبار در این باب بسیار است و آنچه مذکور شد برای کسی که ایمان بفرمودهٔ خدا
و رسول داشته باشد کافیست و امّا اجناسی که در آنها زکوة واجب میشود پس نه
جنس است **اوّل** طلا مقدار بیست اشرفی باشد و سکه داشته باشد و یکسال بماند
که بدل نکند و تغییر ندهند مقدار چهل یک از این زکوة باید داد و بعد از آن هر چهار
اشرفی که زیاد شود بعد از سال چهل یک میباید داد **دویم** نقره است هر کاه بدویست
درهم برسد تخمینا دوازده هزار و ششصد دینار عجمی باشد موافق زر ده دانکی
و سکه داشته باشد و یکسال بحال خود بماند بعد از سال چهل یک میباید داد
و همچنین هر چهل درهم که زیاد شود که دو هزار و پانصد و بیست دینار باشد چهل یک
آنرا میباید داد **سیم** شتر است و نصاب آن دوازده است **اوّل** پنج شتر است
و در آن یک کوسفند است **دویم** ده شتر است و در آن دو کوسفند است **سیم**
پانزده شتر است و در آن سه کوسفند است **چهارم** بیست شتر است و در آن
چهار کوسفند است **پنجم** بیست و پنج شتر است و در آن پنج کوسفند است

در بیان اجناس زکوة

وکوسفندی

و کوسفندی که دهند بهتر آنست که هفت ماهه یا درهشت باشد و کمتر نباشد
اکر کوسفند دهند و اکر بز دهند یکساله یا دردو باشد **ششم** بیست و شش
شتر است و باید شتر مادهٔ یکساله یا دردو بدهد و اکر نداشته باشد شتر نر دوساله
یا در سه بدهد **هفتم** سی و شش است و باید شتر مادهٔ دوساله یا در سه بدهد
هشتم چهل و شش است و باید شتر مادهٔ سه ساله یا در چهار بدهد **نهم** شصت
و یکست و باید شتر مادهٔ چهار ساله یا در پنج بدهد **دهم** هفتاد و شش است و باید
دو شتر مادهٔ دوساله یا در سه بدهد **یازدهم** نود و یکست و باید دو شتر مادهٔ
سه ساله یا در چهار بدهد **دوازدهم** صد و بیست و یکست و هر چه زیاد شود
در هر پنجاه شتر یک شتر مادهٔ سه ساله میدهد و در هر چهل شتر یک شتر مادهٔ دوساله
میدهد **چهارم** کاو است و در هر سی کاو یک کوساله ماده یا نر یکساله یا در دوم و در
هر چهل کاو یک کاو مادهٔ دوساله یا در سه میدهد **پنجم** کوسفند است و
در چهل کوسفند یک کوسفند واجبست و در صد و بیست و یک کوسفند دو
کوسفند و در دویست و یک کوسفند سه کوسفند واجبست و در سیصد و یک
کوسفند احوط آنست که چهار کوسفند بدهد و چون بچهار صد برسد هر چه زیاد
شود از هر صد کوسفند یک کوسفند میدهد و در زکوة هر یک از شتر و کاو و کوسفند
شرطست که در علف مباح چریده باشد در تمام سال پس اکر علف مملوک خورده باشد
زکوة واجب نیست و اکر بعضی از سال چریده باشد و بعضی علف مملوک خورده
باشد احوط آنست که اکر چریدنش بیشتر باشد زکوة بدهد و بچهها را تا شیر میخورند
حساب نمیباید کرد بنابر مشهور و احتیاط در آنست که از روزیکه متولد میشوند
حساب کنند و در طلا و نقره و حیوانات همه شرطست که سال بر ایشان بکذرد و سال
زکوة یازده ماهست چون ماه دوازدهم داخل شد زکوة واجب میشود و در کاو و شتر

شرطست که کارکن نباشند پس اگر بار کشند یا خویش کنند زکوة واجب نیست
وگوسفند وبز را بر سر هم حساب میکنند وگاو وگاومیش را بر سر هم حساب میکنند
وشتر نر وماده ولوك را بر سر هم حساب میکنند **ششم وهفتم وهشتم ونهم**
گندم وجو وخرما ومویز است وشرطست که هر یك بنصاب برسند ونصاب ششصد
وهفت من وپنجاه درم است بسنگ تبریز وانگور هر گاه نهصد وبیست ویکمن باشد
احوط آنست که زکوة بدهند وشرطست که این غلات در ملك او بحد نصاب رسیده
باشد پس اگر گندم وجو را بعد از درو کردن بخرد زکوة بر فروشنده واجبست واگر
زمین را باجاره گرفته باشد زکوة بر مستاجر واجبست واگر بمزارعه بگیرد بنصف
یا ثلث یا ربع یا ده چهار مثلا زکوة حصه مالك بر مالك واجبست وزکوة حصه
عامل بر عامل اگر حصه هر یك بتنهائی بنصاب رسیده باشد پس اگر زراعت
وباغ آب باران یا آب روان یا آب قنات یا آب ریشه خورده باشد ده یك میدهند
واگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد واگر هر دو مساوی باشد پانزده یك
میدهند واحوط واقوی آنست که بغیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت را بدر
نکنند در دادن زکوة وچون اکثر علما بر آنند که تعلق زکوة بانگور در وقت غوره
شدنست پس احوط آنست که اول ارباب خبره را بیاورد که تخمین کنند میوه باغ را که چه
مقدار است وبا خود مقرر سازد که بآن نسبت زکوة خواهم داد تا آنچه خورد از غوره
وانگور حلال باشد یا آنکه آنچه بر دارد بکشد وحساب نگه دارد یا آنچه بر دارد عشر
غوره را بدهد وهمچنین گندم وجو وقتی که دانه ببندد وبعضی از علما گفته اند
که زکوة واجبست در حبوب مانند برنج وماش ونخود وعدس وامثال اینها
هر گاه بنصاب جو وگندم برسد بهمان شرایط ومقداری که گذشت ومشهور آنست
که زکوة اینها سنتست ودر ماده یابو که در علف مباح چرا کند وسال بر او بگذرد

زکوة سنتست پس اگر پدر ومادرش عربی باشند در سالی دو اشرفی چهار دانك
ونیم میدهد واگر یابو باشد که یکی از پدر ومادرش عربی نباشند در سالی یك
اشرفی میدهد ودر زکوة تجارت جمعی بوجوب قایل شده اند ومشهور آنست که
سنتست وآن مالیست که مالك شود آنرا بعنوان معاوضه ودر وقت مالك شدن
نصاب — قصد اکتساب وتجارت بآن داشته باشد ومیباید که قیمت آن بیکی از طلا ونقره
برسد ودر تمام سال بر نصاب باقی باشد ودر تمام سال از مایه کم نشود که یا بمایه
یا بیشتر بخرند واگر چند سال بگذرد که مایه در کمی باشد سنتست که زکوة یکسال
بدهد واگر مایه باقی باشد هر سال چهل یك را میدهد واگر معاوضه کند در
اثناء سال بقصد تجارت خلافست واحوط آنست که باز بدهد وسنتست که در
وقت درو کردن اگر فقرا حاضر باشند هر فقیری را دسته گندم بدهد هر قدر که در مشت
در آید ودر وقت چیدن خرما وانگور یکمشت بدهد وبزکوة حساب نکند وبعضی
واجب دانسته اند واحوط آنست که ترك نکند **اما مستحق زکوة** پس هشت
طایفه اند اول ودوم فقرا ومساکین وایشان کسانی اند که قوت سالیانه خود
وعیال خود نداشته باشند وقادر بر کسبی نباشند که معاش خود وعیال خود را بآن
توانند گذرانید واحوط آنست که صالح باشد وگدا وسایل بکف نباشد **سیم**
کسی است که امام نصب میکند برای گرفتن زکوة وحصه باو میدهد ودر این زمان
آن نمیباشد غالبا وهمچنین **چهارم** که مؤلفه قلوبهم در این زمان نمیباشد غالبا
پنجم صرف کردن در آزادی بندگانست مثل آنکه آقائی غلام خود را مکاتب کرده
که مالی بدهد وآزاد شود واو عاجز باشد از دادن آن اگر بر آقا زکوة واجب شده
باشد باید که قدری از زکوة را بمال کتابت وحساب کند والا دیگران از زکوة
حصه باو بدهند که باقا بدهد وآزاد شود یا غلامی که در نزد آقا در تعب وشدت

باشد و از مال زکوة بخرند و آزاد کنند **ششم** قرض داراند که قرض کرده باشند
و در معصیت صرف نکرده باشند در ادای قرض ایشان میتوان داد **هفتم** فی
سبیل الله است یعنی صرف راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله و یاری حاجیان
و زایران ائمه معصومین علیهم السلم و بنای مساجد و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند
که مخصوص جهاد است در زمانی که جهاد حق باشد و این احوط است **هشتم** ابن
السبیل است و آن کسی است که بغربت افتاده باشد و خرج رفتن بخانه خود نداشته باشد
آن مقدار باو میدهند که بخانه خود برسد اگر سفرش معصیت نباشد و باید کسیکه باو
زکوة میدهند غیر مؤلفه شیعه اثنی عشری باشد و احوط آنست که اجتناب از گناهان
کبیره کند خصوصا شراب خوردن دیگر شرطست که واجب النفقه مالک نباشد
مثل پدر و مادر و جد و جده هرچند بالا روند و فرزند و فرزند زادگان هرچند
پائین روند و زن و بنده و بهتر آنست که زکوة را بخویشان پریشان بدهند غیر آنها
که مذکور شد اگر شرایط را داشته باشد و غیر سید زکوة بسید نمیتواند داد اما
سید زکوة خود را بسید و غیر سید هر دو میتواند داد و غیر سید احوط آنست که
بشریفه هم ندهد و بهتر آنست که زکوة را بنزد مجتهد یا عالمی که مصارف زکوة را
داند ببرند که او بمصرف برساند **فصل دویم** در خمس است بدانکه خمس در هفت چیز
واجب میشود **اول** غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگاه باشد
و خواه در بیرون **دویم** معادنست مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد
و سرمه و عنبر و قیر و نفط و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن بدر رود پنج یك
آن را باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد و بعضی گفته اند که نصابش یکدینار است
تا یکدینار نرسد خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته اند یعنی بیست
اشرفی که نصاب اول طلاست و اکثر متاخرین باین قایل شده اند و خالی از قوتی نیست

در بیان احکام خمس

واکر چند کس شریك باشند باید حصه هر یك جدا بنصاب برسد **سیم**
کنج است یعنی مالی که در زمین پنهان کرده باشند پس اکر کنج را در بلاد کفار بیابند
که در اینجا مسلمانی نباشد هرچند سکه اسلام داشته باشد یا در دار الاسلام
بیابد و سکه اسلام نداشته باشد و به بیست دینار برسد اکر طلا باشد خمس آنرا
میدهند و باقی از وست و اکر نقره باشد بدویست درهم برسد که موافق ده دانکی
دوازده هزار و ششصد دینار است و اکر غیر طلا و نقره باشد قیمت آن بیکی از آن
دو مقدار برسد و اکر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی که دلالت کند بآنکه آن
مسلمانی بوده است مشهور میان علما آنست که حکم لقطه دارد میباید یکسال
تعریف کند اکر صاحبش پیدا شود بصاحب بدهد و الا مخیر است میان مالك
شدن و تصدق کردن و بامانت نکاهداشتن و اکر در دو صورت اول صاحبش
پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار آنست که اکر از روی زمین
یافته است لقطه است و اکر در زیر زمین بوده است کنج است خواه اثر اسلام داشته
باشد و خواه نداشته باشد و جمعی باین قایل شده اند و خالی از قوتی نیست و اکر کنج را
در زمین خود بیابد که از پدران باو رسیده باشد از وست و اکر خمس آنرا بدهد احوط
و اکر زمین را خریده باشد تعریف میکند ببایع نزدیك و دور اکر نشانی بدهند که
ظن صدق ایشان حاصل شود بایشان میدهد علی المشهور و الا از وست و باز
احوط آنست که خمس آنرا بدهد و همچنین اکر حیوانی بخرد چون شتر و کاو و در شکم
آن چیزی بیابد تعریف میکند ببایع و اکر نشان ندهد از وست و احوط اخراج
خمس است و اکر در شکم ماهی بیابد خمس میدهد احتیاطا و باقی از وست و باین ملحق
کرده اند حیوانات شکاری را مانند آهو و اکر محتمل باشد که در خانه مالك سابق خورده
باشد احوط آنست که تعریف باو بکند **چهارم** چیزیست که بغوص از دریا بیرون آورند

مانند مروارید و مرجان و نصاب در آن معتبر است و مشهور آنست که نصابش یک
دینار است یعنی یک اشرفی تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته اند و اگر چند مرتبه
در آورد همه را در نصاب با هم حساب میکنند هر چند در ما بین ترک عوض کرده
باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند حصه هر یک میباید بنصاب برسد
و عنبر را اگر از دریا بغوص بر آورند حکم مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند
مشهور آنست که حکم معدن دارد و احوط آنست که بهر حال خمس آن را بدهند و رعایت
نصاب دادن نکنند **پنجم** فاضل مؤنه سالیانه از ارباح تجارتها و زراعتها و
جمیع کسبها و مشهور آنست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمیباشد و خرج
سالیانه را اگر بیرون میکنند قدر وسط مناسب حال آنشخص را اعتبار کرده اند
پس اگر اسراف کرده باشد خمس آنچه اسراف کرده است بیرون میکند و اگر بر خود
تنگ گرفته باشد آن را هم بیرون میکند علی المشهور و احوط آنست که از هر چه زیاد
آمده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنست که هر چه حاصل شود و خرج بکند
زیادتی را روز بروز خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات ضروریه واقع شود
مثل خرج کدخدائی و حج بیت الله و زیارات رسول و ائمه صلوات الله علیهم و امثال
اینها همه را بقدر وسط بیرون میکند و همچنین تعدیات و زیادتیها که ظلمه کنند جمیع را
بیرون میکند و خمس بقیه را میدهد و ابو الصلاح رحمه الله قایل شده است که
در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجبست و در حدیث صحیح وارد شده است که
اگر از شخصی جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی از جائی که گمان نداشته باشد باو برسد
یا مالی از دشمنان دین باو برسد خمس میباید داد و عمل باین روایت احوط است
ششم زمینی که یهودیان و نصرانیان و مجوسان از مسلمانی بخرند خمس آن
زمین را یا خمس قیمت آن را بارضای ذمی میگیرند و اگر خانه یا باغ را بخرند مشهور

میان علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند و اکثر قدمای علما متعرض این نوع خمس
نشده اند **هفتم** مال حلالیست که مخلوط شده باشد بحرام و صاحبان ندانند
و مقدار حرام را نداند خمس آن را میدهد بفقرای سادات و غیر ایشان و بعضی آن را
مخصوص سادات میدانند و بعضی گفته اند بسادات نمیتوان داد و ظاهر اینست که بهر دو
توان داد و اگر تشریف بدهند بهتر است و اگر مقدار حرام را داند و صاحبش را نیز
داند آن مقدار را واجبست بصاحبش بدهد و اگر صاحب را داند و مقدار را نداند
با صاحب میباید صلح کند و بعضی گفته اند که در اینصورت خمس را بصاحب میدهد
و بعضی گفته اند که اگر مقدار را علم دارد بصاحب میدهد و ما بقی را با صاحب
صلح میکند احتیاطا و این احوط است و اگر مقدار را داند و صاحب را نداند سعی
میکند تا صاحب را بهم رساند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکند و این صورت
و صورت اول مسمی است برد مظالم و اگر خمس را بدهد یا تصدق کند کل را یا بعض را
و بعد از آن صاحب پیدا شود خلافست که آیا باید باز بصاحب بدهد یا نه و
احوط آنست که بدهد **اما مستحق خمس** مشهور میان علما آنست که شش حصه
میشود چنانچه ظاهر آیه کریمه است و حصه خدا و رسول و ذوی القربی که نصف
خمس است بعد از حضرت رسول ص از امام زمان علیه السلام است و نصف دیگر
سه حصه میشود که بیتیمان سادات و مسکینان سادات و ابناء سبیل سادات
میدهند و مراد از سید موافق مشهور کسی است که منسوب باشد از جانب پدر
بعبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن سبیل در زکوة گذشت و در یتیم احوط آنست
که فقیر باشد و ابن سبیل را نفقه میدهند که بشهر خود برود و از احادیث
معتبره ظاهر میشود که در زمان حضور امام جمیع خمس را بخدمت آنحضرت
میبرده اند و حضرت نصف را خود بر میداشته اند و نصف را بآن سه فرقه

ساذات میداده اند که مذکور شد وهر یك بقدر کفایت ایشان در یکسال میداده
وانچه زیاد می آمد خود بر میداشته اند واکر وفا نمیکرده از حصه خود تتمه را
میداده اند وایشان بمنزلهٔ عیال امام بوده اند ودر زمان غیبت احوط آنست
که حصهٔ ساذات را بعالم عادل اثنا عشری بدهند که بساذات برساند بقدر احتیاج
ایشان واما نصف دیکر خمس که حصه آنحضرتست در زمان غیبت خلافست
ومشهور آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه بنیابت آنحضرت بساذات
بدهد اکر چیزی زیاد آید حفظ کند وبعد از خود بعالم دیکر بدهد که اکر سید
پریشانی بیاید بدهد والا از برای آنحضرت ضبط کند واین فرض در این زمانها
بسیار نادر است زیرا که ساذات پریشان بسیار اند وخمس دهندکان کم اند
جمعی کفته اند در زمان غیبت ائمه علیهم السلام این حصه را بر شیعیان حلال
کرده اند واین سخن بی وجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه روایت
صریحی نرسیده که بر شیعیان حلال کرده بلکه خلافش ظاهر است زیرا که در زمان
غیبت صغری که هفتاد سال وکسری بوده نایبان آنحضرت اعنی عثمن عمری و پسر
او محمد وحسین بن روح وعلی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصه آنحضرت را بلکه
جمیع خمس را از شیعیان میکرفتند وبفرمودهٔ حضرت بمردم میدادند وظاهر آنست
که در این زمان نیز نایب آنحضرت که علمای ربانی ومحدثان وحاملان علوم ایشانند
باید بکیرند وبساذات که عیال آنحضرتند برسانند والا باید ساذات که اشرف خلقند
یا از کرسنکی بمیرند یا سایل بکف شوند واز همه کس ذلیلتر باشند زیرا که زکوة و
صدقات واجبه بر ایشان حرامست وخمس را بعوض آن بایشان داده اند وبسبب
اختلافی که در میان علما بهم رسیده است وبعضی از علمای عصر اغنیا را اجازت
داده اند بر منع خمس وباعث این شده است که اکثر ساذات بفقر وفاقه میکذرانند

وحقوق ایشان واجداد ایشان بر ذمت اغنیا میماند وبر تقدیری که امام بر ایشان
کرده باشد در زمانهای تقیه وخوف وتعدیات که از خلفای جور بر ایشان واقع
میشد وحلال کرده باشد ایشان چکونه بر خود هموار میکنند که عیال وخویشان
واقارب امام خود را در فقر واضطراب ببینند ورحم بر ایشان نکنند وباز در قیامت
امید شفاعت از ایشان داشته باشند وحال انکه فرموده اند که بدترین احوال مردم
در قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند وبکویند پروردکارا خمس خود را
میخواهیم وحضرت صادق ع فرمود که من یکدرهم خمس را از شما میکیرم وحال انکه مال من
از همهٔ اهل مدینه بیشتر است ونمیکیرم مکر از برای انکه شما پاك شوید از کناه
واز حقوق ما وحضرت رسول ص فرمود که هر که احسانی باحدی از اهل بیت من بکند
من مکافات میدهم آنرا در قیامت واکثر علما بر آنند که اکر صاحب مال خود حصهٔ
امام علیه السلام را بساذات بدهد بری الذمه نمیشود مکر انکه دستش بعالم محدث
عادل نرسد وبکمان فقیر همهٔ خمس انچه کودارد

فصل سیم در بیان فضیلت
وکیفیت اعتکاف واعتکاف مکث است در مسجد جامع جهة عبادت وآن سنت
مؤکداست بمقتضای آیات واخبار بسیار خصوصا در دههٔ آخر ماه رمضان
چنانکه حضرت سید المرسلین ص همیشه در دههٔ اخر ماه رمضان اعتکاف مینموده اند
مکر یکسال که در ان جنك بدر واقع شد ودر سال بعد از آن بیست روز اعتکاف
داشتند ده روز قضای سال کذشته وده روز ادا واز آنحضرت منقولست که
اعتکاف دههٔ آخر ماه رمضان برابر است با دو حج ودو عمره واعتکاف بنذر
وشبه آن مانند عهد وقسم واجاره دادن خود بغیر واجب میشود واکر بنذر
واجب شده باشد ونکرده باشد احوط آنست که پسر بزرك قضا کند وبعضی کفته اند
بعد از نیت وشروع کردن واجب میشود وبعضی کفته اند روز سیم واجب میشود

در بیان فضیلت و کیفیت اعتکاف

وهمچنین ششم ونهم ودوازدهم وپانزدهم وهرچه بالا رود باین نسبت وبعضی
گفته اند مطلقا واجب نمیشود تا آن اسباب وجوب بعمل نیاید واین قول اقوی است
واحوط آنست که در اول شبهای مذکور تجدید نیت کند بقصد قربت ومستحبست
که معتکف شرط کند بر پروردگار خود که اگر اورا مانعی عارض شود بیرون تواند رفت
از اعتکاف وظاهر جمعی آنست که جایز است اشتراط رجوع باختیار بی تقیید بعارض
ومانع وبعضی در این مضایقه کرده اند وظاهر اعارض ومانع اعم از عذر ضروری است
ومحل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت اعتکافست ودخول در آن وجماعتی از
اصحاب ذکر کرده اند که محل آن در اعتکاف واجب بنذر نزد گفتن صیغهٔ نذر است
وخالی از اشکالی نیست وفایدهٔ شرط آنست که نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع
تواند کرد اگرچه در روز سیم باشد وفایدهٔ دیگر آنکه اگر آنکه با شرط رجوع کند قضا
بر او واجب نیست واما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته اند که در غیر مسجد مکه
ومسجد مدینه ومسجد کوفه ومسجد بصره اعتکاف نمیباشد وبعضی بجای مسجد بصره
مسجد مداین را گفته اند وبعضی هر دو را گفته اند وخلاف در این باب بسیار است ومسجد
مداین در این زمانها گویا معلوم نیست ومسجد بصره در این اوقات در بیابان واقعست
واعتکاف در آن مشکلست وگفته اند مراد بمسجد مکه ومدینه آن قدر است که در زمان
حضرت رسول مسجد بوده نه آنچه بعد الحاق کرده اند وظاهر آنست در هر مسجد جامعی
اعتکاف توان کرد ومراد بمسجد جامع مسجد بزرگیست در بلد که در آنجا نماز جماعت
کنند ومخصوص محله نباشد واگر محلات شهر بآنجا برای اقامت جمعه یا جماعت
حاضر شوند گو متعدد باشد مثل مسجد جامع عباسی ومسجد جامع قدیم در اصفهان
وسایر آنها مثل مسجد آقا نور ومسجد عباس آباد محل تامل است واحوط آنست که اگر
در مکه ومدینه وکوفه باشند در غیر آن مساجد مخصوصه واقع نسازند ودر بلاد

دیگر

دیگر احوط آنست که در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد بجا آورند واگر مسجد
بزرگتر شهر باشد احوط است وغایت احتیاط آنست که قصد کند که اعتکاف میکنم
در این مسجد اگر مطلوب شارع باشد بعنوان اعتکاف مقرر فیها والا در مسجد
عبادت میکنم از برای رضای خدا یا قربة الی الله وشرطست در اعتکاف لبث سه روز
یا بیشتر ومشهور آنست که دو شب میان داخلند وبعضی گفته اند شب اول نیز داخل است
واحوط آنست که نزدیک بغروب آفتاب نیت اعتکاف کند تا شام روز سیم واگر تا
صبح روز چهارم قصد کند نهایت احتیاطست وشرطست در اعتکاف که معتکف
روزه دار باشد خواه روزه واجب وخواه سنت ودر سنت باید رخصت کسانی باشد
که رخصت ایشان در روزهٔ سنت شرطست مانند شوهر زن وآقا ومالک بنده را واحوط
آنست که فرزند بی رخصت پدر ومادر اعتکاف سنت نکند ومهمان بی رخصت
مهماندار وبرعکس واقع نسازند ونیت در اعتکاف شرطست وظاهر افضل قربت کافی است
وواجبست که بیرون نرود از مسجدی که در آن اعتکاف میکند مگر بیرون ضرورتی مانند
نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مومن یا حاضر شدن بر جنازهٔ
مومن یا قضای حاجت مومن یا برای حاجات ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن و
غسل جنابت اگر محتلم شده باشد ودر غسل جمعه بنا بر قول باستحباب آن وسایر
اغسال مستحبه اگر در مسجد نتوان کرد اشکالی هست ومشهور آنست که نمیتوان کرد
وهمچنین جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل آب ونان وسایر ضروریات اگر کسی
نداشته باشد که برای او تحصیل نماید وهمچنین جایز است بیرون رفتن از برای گواهی
دادن وگواه شدن اگر ممکن نباشد ونتوان در مسجد بجا آوردن وچون بدر رود
بجائی ننشیند تا برگردد بمسجد وبهتر آنست که در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد
واز راههای نزدیکتر مطلب برود وبیت الخلای نزدیکتر برود اگر ممکن باشد

و توقف بسیار نباید از ضرورت واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای
دیگر غیر آن مسجد که محل اعتکاف اوست نکند مگر در مکه معظمه که در همه جا میتوان
کرد و اگر وقت تنگ شود در جای دیگر میتوان کرد و اگر سهوا از مسجد بیرون رود
اعتکاف باطل نمیشود مگر آنکه زمان بسیار بکشد که دیگر او را معتکف نگویند و همچنین
اگر جبرا او را بیرون برند و احوط آنست که جزو بدن را نیز از مسجد بیرون نکند و بعضی
منع کرده اند از رفتن بر بام مسجد و ظاهر اگر داخل مسجد باشد قصوری ندارد و بدانکه
حرامست بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و همچنین حرامست بوسیدن
بشهوت و دست بر بدن او مالیدن بشهوت و احوط اجتناب است از هر دو و اگر چه
بشهوت نباشد و حرامست طلب منی کردن اگرچه بگفتگو باشد هرگاه عادتش آن
باشد که از او منی آید بسبب آن و احوط آنست که بعبث دست بر ذکر نمالد و حرامست
بوی خوش کردن و گل بوئیدن هر گلی که باشد علی المشهور و با یکدیگر جدل و نزاع با
کسی نکند و احوط آنست که مباحثه علمی نیز نکند مگر بقصد اظهار حق و خرید و فروش
نکند مگر برای ضروریات خود و عیال خود و احوط آنست که وکیلی از برای خود قرار
بدهد که اینها را بکند و احوط آنست که مطلق معاملات خود را واقع نسازد حتی
عقد نکاح را و جمیع آنها که در اعتکاف حرامست در روزها و شبها هم حرامست
مگر خوردن و آشامیدن که در شب جایز است نه در روز و هر چه روزه را باطل
میسازد اعتکاف را نیز باطل میکند اگر در روز بفعل آورند و در شب افطار میتوان
کرد و مفطرات غیر جماع و استمنا را واقع میتواند ساختن و اولی اجتناب است از غیر
اکل و شرب و اگر جماع کند اعتکاف او باطل میشود و کفاره میدهد اگر اعتکاف
واجب باشد و در روز اول و دوم از اعتکاف سنت خلافست و احوط کفاره است
اگر چه جماع در شب واقع شود و احوط آنست که هر چه روزه را باطل میکند اگر

آنها را در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره مثل آزاد کردن
اگر توانند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین را طعام دادن
و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها و اول احوط است بلکه اظهر پس اگر جماع در شب
واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز ماه رمضان واقع شود دو کفاره میدهد
یکی مرتبه و دیگری مخیره و بعضی گفته اند اگر در روز غیر ماه رمضان واقع شود
باز دو کفاره میدهد و آن بی وجه است و بیع و شرا و سایر محرمات غیر از جماع سبب
بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره با اینها واجب نمیشود و در بطلان باستمنا
و کفاره بسبب آن خلافست و احوط اتمام است و کفاره اگر در شب واقع شود
و اگر در روز واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا
و احکام اعتکاف بسیار است و بآنچه ضرور بود اکتفا کردیم **خاتمه** در بیان
کفارات بدانکه کفاره بر دو نوع است **اول** کفارات احرام حج و عمره و آنها را
در رساله حج بیان کرده ام **دوم** سایر کفارات است و آنها بسیار است بعضی متفق
علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت و بعضی بترتیب و بعضی
بتخییر و همه را با یکدیگر بسبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادات ابدی و محصلان
نجات عقوبات اخروی بیان مینماید **اول** کفاره افطار روزه ماه مبارک رمضانست
و آن واجب میشود بخوردن و آشامیدن چیزی که خوردن یا آشامیدن آن متعارف
و معتاد باشد اتفاقا و در غیر معتاد خلافست و اشهر و اقوی وجوبست و در جماع
کردن در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی و باقی ماندن بر جنابت عمدا
تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن با جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط
و بخوابیدن بعد از بیدار شدن یکمرتبه یا زیاده تا صبح علی الاحوط و برسانیدن
غبار غلیظ بحلق بنابر قول جمعی و بطلب منی کردن و دست بازی کردن و مکرر نظر کردن

در بیان کفارات

برتن تامی باید علی الاحوط و قی کردن عمدا بنا بر قول بعضی و حقنه کردن و
شیاف عمل کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ بستن بر خدا و رسول و ائمهٔ هدی علیهم
الصلوة والسلم بنا بر قول بعضی و بسر فرو بردن در آب عمدا بنا بر قول بعضی هر گاه یکی
ازین امور عمدا بعمل آورد و مسئله داند کفاره باید داد در بعضی اجماعا و در بعضی
احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله نداند در کفاره خلافست
و احوط کفاره است و اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده آزاد کردن یا دو ماه
پیاپی روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادنست و بعضی بترتیب قایل شده اند
یعنی اگر قادر باشد بر بنده آزاد کردن آن مقدم است و الا دو ماه روزه و اگر ازین
عاجز باشد شصت مسکین را طعام بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوطست و اگر
افطار بحرام کرده باشد مانند شراب و لحم خنزیر و مال مغصوب دانسته و زنا و لواط
بعضی از علما قایل شده اند که هر سه کفاره بر او واجب میشود و بعضی مانند افطار
بحلال میدانند و اول احوطست **دویم** هر گاه در قضای ماه رمضان بعد از زوال
افطار کند مشهور آنست که کفاره واجبست و بعضی سنت میدانند و اشهر و
اقوی آنست که کفاره طعام دادن ده مسکین است و اگر عاجز شود سه روز روزه
میگیرد و بعضی مخیر میان این دو میدانند و بعضی کفارهٔ قسم و بعضی کفارهٔ افطار
ماه رمضان لازم میدانند **سیم** کفارهٔ ظهار آنست که کسی با زن خود بگوید
انتِ علیَّ کظهر امّی یعنی تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی
الاشهر اگر این بگوید در وقتیکه زن حایض نباشد و در آن طهر با او جماع نکرده
باشد و در حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد جماع کند باید که کفاره بدهد
و اگر بدون کفاره جماع کند دو کفاره بر او واجب میشود بنا بر مشهور و کفاره
یک بنده آزاد کردنست و اگر عاجز شود دو ماه پیاپی روزه داشتن و با عجز شصت

مسکین اطعام کردن **چهارم** کفارهٔ ایلاست یعنی قسم بخورد که زوجهٔ دائمهٔ
خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را پیش حاکم شرع برد و حاکم حکم کند
که او را طلاق بگوید یا وطی کند و اختیار وطی نماید باید که کفاره بدهد و کفاره‌اش
کفارهٔ قسم است که بعد از این مذکور میشود ان شاء الله **پنجم** کفارهٔ مخالفت
قسم است بآنکه قسم خورد باسمای مقدسهٔ خدا بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته
باشد یا نکردن فعلی که فعلش رجحان نداشته باشد و مخالفت آن قسم نماید و
کفاره‌اش آنست که یک بنده آزاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را
اطعام کند و اگر از هر سه عاجز شود سه روز پیاپی روزه بدارد **ششم** کفارهٔ
مخالفت نذر است بآنکه نذر کند فعل امری که راجح باشد یا ترک امری که مرجوح باشد
و مخالفت نماید و کفاره‌اش بعضی گفته اند کفارهٔ قسم است و بعضی گفته اند که مانند
کفارهٔ افطار ماه رمضانست یک بنده آزاد کردن یا دو ماه روزه گرفتن یا شصت
مسکین طعام دادن و بعضی گفته اند که اگر نذر تعلق بروزه داشته باشد کفاره‌اش
کفارهٔ افطار ماه رمضانست و اگر تعلق بغیر روزه داشته کفاره‌اش کفارهٔ قسم است
و این قول خالی از قوتی نیست و احوط کفارهٔ ماه رمضانست مطلقا **هفتم** کفارهٔ
عهد است که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی را بعمل آورد یا ترک
کند امر غیر راجحی یا مرجوحی را و مخالفت آن عهد نماید و کفاره‌اش مانند کفارهٔ
نذر خلافست و احوط آنست که در نذر مذکور شد **هشتم** قسم خوردن بعنوان
بیزاری از خدا و رسول و ائمهٔ هدی علیهم السلم است و در حرام بودن چنین قسمی
خلافی نیست و لیکن در وجوب کفاره بچنین قسمی یاد کردن خلافست بعضی
گفته اند که کفاره‌اش کفارهٔ ظهار است اول بنده آزاد کردن و با عجز از آن دو ماه
روزه داشتن و با عجز از آن شصت مسکین اطعام کردن و اگر عاجز شود ده

مسکین را طعام یا کسوه دهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و
بعضی گفته اند کفارهٔ اش کفارهٔ نذر است و ابن بابویه گفته است سه روز
روزه بدارد و ده مسکین را طعام بدهد و بعضی گفته اند گناه کرده است و کفاره
ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است که صفار بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام
نوشت که مردی سوگند یاد کرد به بیزاری از خدا و رسول و مخالفت کرد توبه و کفارهٔ
او چیست حضرت فرمودند که ده مسکین را طعام میدهد هر مسکینی را یک مد و طلب
آمرزش میکند از خدا و بعضی از علما باین مضمون قایل شده اند خالی از قوتی نیست
و ایضا خلاف کرده اند که این کفاره برای اصل سوگند خوردن است یا برای مخالفت
سوگند کردن و باید که چنین سوگندی یاد نکند و اگر یاد کند بمحض سوگند عمل
بقول اول بکند اگرچه ظاهر آنست که عمل بروایت مجزیست نهم بعضی از
علما قایل شده اند که زنی که در مصیبت موی سر خود را ببرد کفارهٔ افطار ماه رمضان
میدهد بترتیب بر قول بعضی و بتخییر بر قول بعضی و بعضی گفته اند گناه دارد
و کفاره ندارد و در روایتی وارد شده است که کفارهٔ افطار ماه رمضان لازم است
و احوط عمل بروایتست و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند ببریدن در وجوب
کفاره دهم هرگاه زنی در مصیبت موی خود را بکند یا روی خود را بخراشد
یا مردی جامهٔ خود را در مرگ فرزند خود یا زوجهٔ خود چاک کند کفارهٔ قسم لازم
میشود بنابر قول بعضی و روایتی باین مضمون وارد شده است و احوط است هرچند
وجوب ثابت نیست یازدهم مردی که زن یا متعه یا کنیز خود را در ایام حیض جماع
کند در قول بعضی کفاره واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور میان علما آنست
که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی تصدق میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و در آخر
حیض ثلث اشرفی و احوط عدم ترک کفاره است دوازدهم کسیکه بجواب بعد

و نماز خفتن نکرده باشد تا نصف شب بکند و بعضی گفته اند که واجبست آن روز را
روزه بدارد و اشهر استحبابست و بعضی عامد و ناسی را نیز الحاق کرده اند و مشهور
آنست که بر تقدیر وجوب اگر روزه ندارد گناه کرده است و کفاره ندارد و بعضی لازم
دانسته اند کفارهٔ ماه رمضان و این قول ضعیفست و احوط آنست که بگیرد
قضا بگیرد سیزدهم کفارهٔ قتل عمد است که دانسته کسی را بکشد یا کاری که غالبا
کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود که قصد کشتن نداشته باشد
کفاره اش آنست که یک بنده آزاد کند و دو ماه متوالی روزه بدارد و شصت مسکین را
طعام دهد چهاردهم کفارهٔ قتل خطاست که کسی را بناذانی بکشد بانکه قصد قتل
نداشته باشد و کاری کند غالبا کشنده نباشد و او کشته شود مانند آنکه طفلی را
برای تادیب بزند و او بمیرد یا تیری بسوی آهوئی بیندازد و بشخصی خورد و کشته شود
یا در راه بر کسی بخورد و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر قتل نباشد و کاری کند
که آن سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در راهی بکند و کسی در آن چاه بیفتد و بمیرد
یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنست که کفاره لازم نمیشود
هرچند دیت لازم شود و کفارهٔ بنده آزاد کردنست و بعد از عاجز شدن از آن دو ماه
متوالی روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت مسکین طعام دادن پانزدهم اگر
کسی زنی را در عده دیگری تزویج کند باید از آن زن مفارقت کند و بقول بعضی از علما
پنج صاع آرد تصدق میکند و احوط آنست که اگر زن دیگر را عقد کند نیز این کفاره
بدهد یا پنج درهم تصدق کند شانزدهم کسی که مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند
بعضی از علما گفته اند موافق بعضی از روایات واجبست که آن مملوک را بکفارهٔ آن عمل آزاد
کند و این احوطست و اگر او را بکشد بعد کفارهٔ جمع میدهد و اگر بخطا بکشد کفارهٔ
قتل خطا میدهد و واجبست که قیمت آن غلام را تصدق کند بنابر مشهور هفدهم

کسیکه روزهٔ ماه مبارک رمضان را افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر
بیمار باشد اشهر و اقوی آنست که قضا ساقط میشود و برای هر روز یکمد یا دو مد طعام
میدهد علی الخلاف و بعضی گفته اند قضا میکند و ابن جنید رحمه الله گفته است
احتیاطا هر دو را میکند و اگر در ما بین دو رمضان آزارش برطرف شود و قادر
بر روزه باشد و بدون عذری تأخیر کند تا آنکه ماه رمضان دیگر بیاید اشهر و اقوی
آنست که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای هر روز یکمد یا دو مد میدهد
و بعضی کفاره را واجب ندانسته اند و بعضی گفته اند کفاره در صورتی است که عزم
بر قضا نداشته باشد اگر عازم بر قضا باشد و بعد از تنگ شدن بیماری یا عذر
دیگر عارض شود قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول قوی تر است هجدهم
نوادر کفارات است از حضرت صادق ع منقولست که کفارهٔ عمل سلطان قضای حوایج
مؤمنانست و کفارهٔ غیبت آنست که برای آنشخصی که او را غیبت کرده است استغفار
کند و کفارهٔ مجلس آنست که چون از مجلس برخیزد بگوید سُبحانَ رَبِّکَ رَبِّ العِزَّةِ
عَمّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَی المُرسَلِینَ وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمِینَ و کفارهٔ خنده آنست
که بگوید اَللّهُمَّ لا تَمقُتنی یعنی خداوندا مرا دشمن مدار و بمن غضب مکن و در
حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر کس بدیگری بگوید
لا اَبَ لَکَ وَلا اُمَّ لَکَ یعنی ترا پدر مباد یا ترا مادر مباد چیزی تصدق کند
و کسیکه بگوید بحق پدرم یا بجان پدرم کفاره اش آنست که بگوید لا اِلهَ اِلّا الله
و خلافست در این نوع از قسم مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام
دانسته اند و اشهر کراهتست و احوط ترکست اما احکام کفارات مذکوره پس
در چند فصل بیان میشود اول هرگاه بنده باید آزاد کرد در کفارهٔ قتل میباید
آن بنده مؤمن باشد و در باقی کفارات خلافست و احوط رعایت ایمانست

و در کفارهٔ قتل احوط آنست که بالغ باشد و در غیر آن مرد و زن و بالغ و نا
بالغ مجزیست و باید که آن بنده کور و صاحب خوره و زمین گیر نباشد و مولی
جراحتی باو نرسانیده باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته اند که باید
خصی و لال و کر نباشد و ولد الزنا نباشد و مشهور اجزای است و احوط
ترکست و غلام کر بچه را مشهور آنست که آزاد میتوان کرد تا علم بکریش
بهم نرسد و بعضی شرط کرده اند که خبری از آن رسد و بعضی شرط کرده اند که ظن
حیات او باشد دوم در کفارهٔ مرتبه تا از بنده آزاد کردن عاجز نشود بروزه
منتقل نمیشود و هرجا که روزه دو ماه باشد میباید متوالی بگیرد و توالی بیک
ماه و یکروز که متصل بگیرد بعمل می آید باینمعنی که اگر بعد از آن بدون عذر
افطار کند نباید از سر بگیرد و اما تفریق جایز است بی عذری یا حرامست اول
اظهر است و ثانی احوط است و اگر پیش از یکماه و یکروز بی عذر افطار کند
از سر میگیرد و اگر بعذری باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی
و بیماری و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام میکند و همچنین
اگر مجبور شود در افطار روزی بنا بر اقوی و هرجا که کفارهٔ دو ماه متوالی باشد
اگر کفاره دهنده بنده باشد یکماه پی در پی میگیرد علی الاقوی سیم هرجا
که اطعام لازم شود مشهور آنست که بهر یک آنقدر طعام بخوراند که سیر شود
و بهتر آنست که نان خورشی با نان ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی
گفته اند میباید که چاشت و شام هر دو بهر مسکین بخوراند آنقدر که سیر شود
و احوط اینست که اگرچه اظهر آنست که بیک وقت اکتفا توان کرد و اگر خواهد
طعام را بمسکین میتوان داد و در مقدار آن خلافست بعضی یکمد گفته اند
و بعضی دو مد و احوط دو مد است و بهتر آنست که با آن نان خورشی نیز بدهد

چنانچه بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت
نمیکند و احوط آنست که حصهٔ اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام
خورانند ظاهراً صغیر و کبیر را با هم توان ضم کرد و اگر دو طفل را بجای یک مرد حساب
کند احوط است و در یک کفاره دو حصه را بیک مسکین نمیتوان داد مگر آنکه
مستحقی یافت نشود و احوط آنست که تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد و بر ایشان
بسیار بر ایشان بدهد که مسکین بر او صادق باشد و مد چهار یک صاع است
و صاع یکمن تبریز و چهارده مثقال و ربعی است بنا بر مشهور و چون در احادیث اختلاف
در تحدید صاع و مد هست احوط آنست که بجای دو مد نیم شاه تقریباً بدهد چهارم
در جائی که کسوت باید داد در زن پیراهن و مقنعه با هم مجزی است و در مرد بعضی بیک
جامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم میدانند و بهتر آنست که نو باشد
و بهتر آنست که قبا و پیراهن بدهد یا قبا و بالاپوش و بهتر آنست که نو باشد و جامهٔ
طفل را بهتر آنست که برخصت ولی بر او بپوشانند پنجم هرگاه از عتق رقبه عاجز
شود و شروع کند در روزه و بعد از آن قادر شود بر بنده آزاد کردن روزه او مجزی است
و بهتر آنست که ترک کند روزه را و بنده آزاد کند خصوصاً هرگاه کمتر از یکماه و یکروز
روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قایل شده اند که هرگاه بر کسی دو ماه متوالی روزه
واجب شود و عاجز باشد بر گرفتن آن هجده روزه میدارد و اگر نتواند برای هر روز
مدی از طعام میدهد و اگر نتواند استغفار میکند و اشهر و اقوی آنست که از هر کفاره
که عاجز شود استغفار بدل او میشود مگر کفارهٔ ظهار که بعضی گفته اند که تا کفاره
ندهد وطی زن بر او حلال نمی شود هر چند عاجز باشد و اگر بعد از عجز و استغفار
بر کفاره قدرت بهم رساند احوط آنست که باز کفاره را بعمل آورد و چون اکثر مردم
جاهلند بکفارات و احکام آنها و بر ایشان لازم میشود و غیر شده اند و مشغول الذمه

بحق الهی میمانند قدری از احکام آنها را در این رساله لتکثیر الفایده ایراد نمودیم
ملتمس از برادران ایمانی آنست که هرگاه از این رساله منتفع گردند در حال حیات
یا بعد از وفات این شکسته بدعای رحمت و مغفرت این مستحق دعا را یاد کنند
و ختم بفضل الله تعالی سبحانه و تعالی فی شهر الله المعظم شهر رمضان سنه سبع و
مائة و الف من الهجرة المقدسة علی ید مؤلفه [illegible] الی رحمة الکریم فی محروسة اصبهان
صینت عن طوارق الحدثان مع وفور الاشتغال و اختلال الاحوال و عدم فراغ البال و الحمد لله
اولاً و آخراً و الصلوة علی سید المرسلین محمد و آله الطاهرین الاقدسین و لعنة الله علی اعدائهم
اجمعین حرره العبد الاثم محمد کاظم الشیرازی [illegible] فی شهر رجب [illegible] الف من الهجرة النبویة
صلی الله علیه و آله الطاهرین

٤٩٥
٣١٢

بقدر ... م رسانیدا جو
بکفارات واحکام آ



